

دانشگاه آزاد اسلامی

واحد تهران مرکزی

دانشکده علوم سیاسی، گروه روابط بین‌الملل

رساله برای دریافت درجه دکتری (PH.D)

گرایش: روابط بین‌الملل

عنوان:

تأثیر ساز و کارهای مهار داعش بر امنیت ملّی جمهوری اسلامی ایران

استاد راهنما:

دکتر طاهره ابراهیمی‌فر

استاد مشاور:

دکتر رضا جلالی

دکتر کابک خبیری

پژوهشگر:

امیرحامد آزاد

تابستان ۱۳۹۷

بسم الله الرحمن الرحیم



دانشگاه آزاد اسلامی

واحد تهران مرکزی

دانشکده علوم سیاسی، گروه روابط بین‌الملل

رساله برای دریافت درجه دکتری (PH.D)

گرایش: روابط بین‌الملل

عنوان:

تأثیر ساز و کارهای مهار داعش بر امنیت ملّی جمهوری اسلامی ایران

استاد راهنما:

دکتر طاهره ابراهیمی‌فر

استاد مشاور:

دکتر رضا جلالی

دکتر کابک خبیری

پژوهشگر:

امیرحامد آزاد

تابستان ۱۳۹۷

تقدیم به

تشکر و قدردانی

با تقدیر فراوان از ***پدرم احمد آزاد و جناب آقای دکتر مقصودی*** که دلسوزانه و بدون چشم‌داشت نگارنده را در خلق رساله و روند اجرایی دفاع از آن یاری و هدایت کردند.

تعهدنامه اصالت رساله دکتری

اینجانب امیرحامد آزاد دانش آموخته مقطع دکترای تخصصی به شماره دانشجویی ۹۳۰۵۸۷۶۶۰ در رشته روابط بین‌الملل که در تاریخ ۹ خرداد ۱۳۹۷ از رساله خود تحت عنوان: تاثیر ساز و کارهای مهار داعش بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران با کسب نمره ۲۰ و درجه عالی دفاع نموده‌ام بدینوسیله متعهد می‌شوم:

۱- این رساله حاصل تحقیق و پژوهش انجام شده توسط اینجانب بوده و در مواردی که از دستاوردهای علمی و پژوهشی دیگران (اعم از پایان‌نامه، کتاب، مقاله و...) استفاده نموده‌ام، مطابق ضوابط و رویه‌های موجود، نام منبع مورد استفاده و سایر مشخصات آن را در فهرست ذکر و درج کرده‌ام.

۲- این رساله قبلاً برای دریافت هیچ مدرک تحصیلی (هم‌سطح، پایین‌تر یا بالاتر) در سایر دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی ارائه نشده است.

۳- چنانچه بعد از فراغت از تحصیل، قصد استفاده و هرگونه بهره برداری اعم از چاپ کتاب، ثبت اختراع و.... از این رساله داشته باشم، از حوزه معاونت پژوهشی واحد مجوزهای مربوطه را اخذ نمایم.

٤- چنانچه در هر مقطع زمانی خلاف موارد فوق ثابت شود، عواقب ناشی از آن را بپذیرم و واحد دانشگاهی مجاز است با اینجانب مطابق ضوابط و مقررات رفتار نموده و در صورت ابطال مدرک تحصیلی‌ام هیچگونه ادعایی نخواهم داشت.

نام و نام خانوادگی:

امیرحامد آزاد

تاریخ و امضاء:

۱۳۹۷/۷/۲۲

بسمه تعالی

در تاریخ ۹ خرداد ۱۳۹۷

دانشجوی دکتری آقای امیرحامد آزاد از رساله خود دفاع نموده و با نمره ۲۰ بحروف بیست و با درجه عالی مورد تصویب قرار گرفت.

امضاء استاد راهنما

طاهره ابراهیمی فر

دانشکده علوم سیاسی

(این چکیده به منظور چاپ در پژوهش نامه دانشگاه تهیه شده است)

نام واحد دانشگاهی: تهران مرکزی کد واحد: ۱۰۱	**کد شناسایی رساله: ۱۰۱۲۰۸۱۰۹۵۲۰۱۶**
عنوان رساله: تأثیر ساز و کارهای مهار داعش بر امنیت ملّی جمهوری اسلامی ایران	
نام و نام خانوادگی دانشجو: امیرحامد آزاد	**تاریخ شروع رساله: ۹۵/۶/۱۵**
شماره دانشجویی: ۹۳۰۵۸۷۶۶۰	**تاریخ اتمام رساله: ۹۷/۳/۹**
رشته تحصیلی: علوم سیاسی گرایش روابط بین‌الملل	
استاد / استادان راهنما: سرکار خانم دکتر طاهره ابراهیمی‌فر	
استاد / استادان مشاور: جناب آقای دکتر رضا جلالی، جناب آقای دکتر کابک خبیری	
آدرس و شماره تلفن:	

چکیده رساله (شامل خلاصه، اهداف، روش های اجرا و نتایج به دست آمده) :

تشکیل مراکز ثقل فیزیکی قدرت داعش در عراق و سوریه به شکل‌گیری ساز و کارهایی برای مهار و نابودی این تهدید در سه سطح داخلی، منطقه‌ای و سیستمی منجر شد، اما ماهیت متفاوت بازی و منافع بازیگران ذینفع در چارچوب الگوی‌های متفاوت دوستی- دشمنی، این احتمال را ایجاد کرد که ساز و کارهای ایجاد شده در چارچوب کشمکش‌های قدرت نیز بکار گرفته شوند. بنابراین تأثیر ساز و کارهای مهار داعش بر مقیاس الگوی تخاصم‌های سنتی تأثیرگذار بر امنیت ملّی جمهوری اسلامی ایران، احتمالاتی چون استحاله درونی مجموعه امنیتی خاورمیانه، فروپوشانی منطقه‌ایِ ناشی از ورود مستقیم قدرت‌های خارج از این مجموعه و از کار افتادن پویش درون‌زای آن را مطرح کرد. این احتمالات به طرح سؤالی بر این مبنا منجر شد که ساز و کارهای مهار داعش در عراق و سوریه چه تاثیری بر امنیت ملّی جمهوری اسلامی ایران دارند؟ از این رو بر مبنای مسائل موجود و سؤال پیرامون آنها، این فرضیه مطرح شد که تمام ساز و کارهای مهار داعش در عراق و سوریه در چارچوب مبارزه سیستمی با تروریسم بر امنیت ملّی جمهوری اسلامی ایران، تأثیر مثبت دارند، اما در بلندمدت و در چارچوب کشمکش‌های قدرت، بخشی از این ساز و کارها که خارج از کنترل ایران قرار دارند در حوزه‌های امنیتی و سیاسی دارای اثر منفی بر امنیت ملّی ایران هستند. برهمین اساس با استفاده از روش آمیخته، این مسائل توصیف و تحلیل و به سؤالات پیرامون آنها در قالب پنج فصل پاسخ داده شد. در فصل اول درباره کلیات تحقیق توضیح داده شد و در فصل دوم با هدف تحلیل بهتر یافته‌های تحقیق، مبانی نظری مجموعه امنیتی منطقه‌ای خاورمیانه، مرکز ثقل، روابط نیابتی، پارتیزان و نیروهای شبه نظامی موازی حامی دولت تشریح شدند. در فصل سوم سابقه وجودی داعش و تأثیر آن بر امنیت ملی ایران توصیف شد و در فصل چهارم ساز و کارهای مهار داعش مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. فصل پنجم به جمع‌بندی و نتیجه‌گیری از یافته‌ها براساس مبانی نظری طرح شده در فصل دوم اختصاص یافت.

واژگان کلیدی: داعش، امنیت ملی، جمهوری اسلامی ایران، روابط نیابتی، مرکز ثقل قدرت

نظر استاد راهنما برای چاپ در پژوهش نامه دانشگاه   مناسب است ■   تاریخ و امضاء:

مناسب نیست □

طاهره ابراهیمی فر

۱۳۹۷/۷/۲۲

فهرست مطالب

عنوان | صفحه

فهرست جدول‌ها

فهرست نمودارها

عنوان — صفحه

فهرست شکل‌ها

فهرست نقشه‌ها

مقدمه

از منظر فراخ‌نگر به امنیت، داعش بازیگری امنیتی کننده محسوب می‌شود که قادر به امنیتی‌سازی مسائل نظـامی – سیاسی و جامعه‌گانی بوده و با ماهیتی تجدید نظر طلبانه، الگویی خاص از دشمنی را علیه تمامیت وضـع موجـود در سیستم ترسیم نمود. این الگوی دشمنی، حتی تمـام بـازیگران تجدیـدنظر طلـب دولتـی و غیـردولتـی نیـز در برگرفت، تا جایی که این واحدهای تجدید نظـر طلـب در مجموعـه امنیتـی خاورمیانـه، خـود در مقابـل تجدیـد نظرطلبی داعش تبدیل به یک بازیگر خواهان حفظ وضع موجود شدند. داعش بـا ایجـاد مراکـز ثقـل فیزیکـی در بخش‌هایی از دو کشور عراق و سوریه به تلاش برای توسعه آنها در مجموعه امنیتی خاورمیانه و کل سیستم ادامـه داد و در نتیجه تبدیل به یک دشمن مشترک در برابر تمام بازیگران داخل مجموعه و خارج از آن شد.

روابط برخی از این بازیگران در داخل مجموعه خاورمیانه در چارچوب تعارضات بین تجدید نظر طلبی و حفـظ وضع موجود در وضعیت تخاصم با یکدیگر به سر مـی‌بـرد. بـر ایـن اسـاس، روابـط جمهـوری اسـلامی ایـران، جمهوری عربی سوریه، واحدهای غیردولتی نظیر حزب‌الله و گـروه‌هـای مسـلح فلسـطینی در داخـل یـک بلـوک مشخص (محور مقاومت) با اسرائیل بر پایه یک الگوی دشمنی ثابت، شدید و بالفعل به سر می‌برد.

این بلوک به دلیل ماهیت روابط پیچیده نیابتی بین ایالات متحده و اسرائیل، به طور طبیعی وضعیت تخاصـم را بـه روابط با آمریکا نیز تسری داده است، اما از میان این بازیگران، الگوی دشمنی جمهوری اسلامی ایـران بـا ایـالات متحده، در سطحی کلان‌تر از مجموعه خاورمیانه ترسیم شده که به امنیتی‌سازی فراخ روابط طرفین در بخش‌هـای مختلف منجر شده است. بنابراین ماهیت تجدید نظر طلبی داعش و الگـوی فراگیـر ترسـیم شـده از دشـمنی ایـن واحد علیه تمام بازیگران در مجموعه امنیتی خاورمیانه و کل سیستم، شکل پیچیده‌ای از الگوی دوسـتی– دشـمنی در مجموعه امنیتی خاورمیانه ایجاد کرد. بر این اساس واحدهایی که بدون متغیر داعـش نیـز بـه طـور مـداوم بـا دستور کارهای نظامی– سیاسی در حال امنیتی‌سازی روابط بـا یکـدیگر هسـتند، ضـمن حفـظ ایـن وضـعیت بـه امنیتـــی‌ســـازی روابـــط بـــا داعـــش در قالـــب بکـــارگیری ســـاز و کارهـــای مختلـــف

در دستور کار نظامی – سیاسی روی آوردند.

بنابراین با وجود پیچیدگی روابط بازیگران مقابل داعش، مسئله مشخص، تلاش آنان در قالب دستور کار نظامی – سیاسی برای مهار و در نهایت نابودی مراکز ثقل فیزیکی داعش در بخش‌هایی از مجموعه امنیتی خاورمیانه است. مسئله جانبی و شاید هم مهم‌تر، اثرگذاری عمدی یا غیرعمدی ساز و کارهای ایجاد شده علیه داعش در چارچوب الگوهای دوستی– دشمنی اصلی است که پیش از تشکیل مراکز ثقل داعش نیز وجود داشته‌اند.

نیروی قدس از تابستان ۲۰۱۲، شکل پیچیده‌ای از روابط نیابتی در جنگ سوریه را بواسطه انتقال و سازماندهی شبه نظامیان عراقی آغاز کرد. انتقال نیروهای افغانی (فاطمیون) و پاکستانی (زینبیون) به سوریه به روابط نیابتی در جنگ داخلی سوریه شکل پیچیده‌تری بخشید. از اواسط سال ۲۰۱۵، بواسطه پیچیدگی میدان نبرد در جبهه سوریه، ساز و کار انتقال نیروهای غیر سوری به این کشور، تحت عنوان «مدافعان حرم» و در چارچوب مبارزه با جریان تکفیری به افکار عمومی معرفی شد. این روند به یکی از مسائل جدید در مجموعه امنیتی خاورمیانه تبدیل شد که در چارچوب روابط نیابتی جمهوری اسلامی ایران در سوریه و الگوی دشمنی بلوک مقاومت با آمریکا و اسرائیل نیاز به ارزیابی دقیق در ابعاد گوناگون دارد.

ساز و کار دیگری که اجرای آن از ژانویه ۲۰۱۲ به موازات انتقال نیروهای غیر سوری آغاز شد، تشکیل ساختاری از شبه نظامیان سوری‌تبار در این کشور بود که استعداد آن از نیروهای مردمی تأمین می‌شد و «دفاع ملی» نام گرفت و مبنای تبلیغات گسترده رسانه‌ای درباره اجرای الگوی بسیج مستضعفین و حزب‌الله‌سازی در سوریه شد. اما سابقه طولانی تشکیل و فعالیت نیروهای شبه نظامی حامی دولت در سوریه توسط حزب بعث، ابهامات درباره ماهیت مذهبی و ایدئولوژیک نیروهای دفاع ملی، محدوده جغرافیایی حضور و مأموریت این ساختار و از همه مهم‌تر ساختار حکومت سوریه و نوع ارتباط نیروهای دفاع ملی با نهادهای امنیتی– نظامی سوریه نظیر گارد ریاست جمهوری سوریه، ابعاد پیچیده‌تری به مسئله بخشید. ورود روسیه به روابط نیابتی در جنگ داخلی سوریه، یکی از مصادیق عینی ورود بازیگران خارج از یک مجموعه منطقه‌ای به پویش‌های امنیتی درونی آن محسوب می‌شود که در قالب ساز و کارهای مبارزه با داعش نیز قابل دسته‌بندی است که ممکن است بر الگوی کلان دوستی– دشمنیِ جمهوری اسلامی ایران و روند امنیتی‌سازی روابط حول آن تأثیر جدی داشته باشد و حتی ممکن است تداوم بازیگری تجدید نظرطلبانه جمهوری اسلامی ایران در چارچوب الگوی خصومت با اسرائیل، منافع طرفین در سوریه را دچار تعارض کند.

ماهیت بازیگری داعش و ایجاد مراکز ثقل هدایت کننده عملیات علیه منافع آمریکا و غرب، به ورود ایالات متحده برای تشکیل یک ائتلاف بین‌المللی تحت عنوان عملیات عزم ذاتی بیانجامد. آمریکا و ائتلاف در عراق به دعوت رسمی از دولت مرکزی حملات خود علیه داعش را آغاز کردند، اما در سوریه با اتکاء به دکترین ناتوانی دولت مرکزی برای رفع تهدید بین‌المللی، بدون اجازه رسمی و با اتکاء به نیروهای شبه نظامی، حملات علیه داعش را آغاز کردند. حزب اتحاد دموکراتیک (شاخه پ.ک.ک در سوریه) به عنوان هسته اصلی شبه نظامیان همپیمان با ائتلاف و ایالات متحده، حساسیت دولت ترکیه را برانگیخت و به دلیل ارتباط سازمانی با دیگر پژاک شاخه ایرانی پ.ک.ک جمهوری اسلامی ایران را با تهدید امنیتی روبرو ساخت. در نتیجه ترکیه، به عنوان یک بازیگر درگیر با مسئله داعش و کُردها، مهار دوگانه داعش و حزب اتحاد دموکراتیک را با استفاده از ساز و کار بسیج شبه نظامیان داخلی سوری آغاز کرد که در عین حال با حکومت مرکزی سوریه نیز در حال جنگ بودند. این روند به ایجاد اختلال‌هایی در پویش‌های امنیتی منطقه خاورمیانه و زیر مجموعه امنیتی منطقه‌ای شامات منجر شد.

ناتوانی نهاد ارتش و پلیس عراق برای مهار تهدید داعش به شکل‌گیری یک ساز و کار موازی با نام حشدشعبی در این کشور منجر شد که بستری برای آغاز فعالیت تعداد زیادی از گروه‌های شبه نظامی عراقی ایجاد کرد. نوری مالکی نخست وزیر وقت و فرمانده کل نیروهای مسلح در عراق، بسیج ایران را الگوی تشکیل حشد شعبی معرفی نمود. نام گروه‌ها و افراد هسته مرکزی این ساختار به دلیل مشارکت در حمله به نیروهای ائتلاف (طی دوران حضور آنها در عراق) در فهرست سازمان‌های تروریستی قرار داشت و در عین حال از ارتباط تنگاتنگ با نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و حزب‌الله لبنان برخوردار بودند. بنابراین حشد شعبی، به نوع جدیدی از روابط پیچیده نیابتی بین ایران و بازیگران غیر دولتی در عراق شکل داد که احتمال ایجاد مراکز ثقل جدید قدرت در چارچوب الگوی خصومت با آمریکا و اسرائیل را تقویت نمود، بنابراین تلاش احتمالی آمریکا برای مهار این ظرفیت، از طریق تقویت سایر ساز و کارها نظیر ائتلاف بین‌المللی، ارتش رسمی عراق و شبه نظامیان داخلی خارج از ساختار حشد شعبی نیز به پیچیدگی مسائل مطرح شده حول سازو کارهای مهار داعش افزود. ممکن است مجموع این موارد معمای- امنیت قدرت در مجموعه امنیتی خاورمیانه را دچار چنان پیچیدگی نمایند که نتیجه آن تغییر پویش‌های امنیتی این منطقه باشد. این تغییرات احتمالی به طور طبیعی بر امنیت ملّی جمهوری اسلامی ایران تأثیر گذار خواهد بود. بنابراین پژوهش پیش‌رو تلاش دارد ذیل یک الگوی نظری ترکیبی- استقرائی به بررسی و تحلیل این مجموعه پیچیده از روابط بپردازد و تأثیر آنها بر امنیت ملّی جمهوری اسلامی ایران را مورد ارزیابی قرار دهد.

فصل اوّل
کلیّات تحقیق

فصل اول: کلیات تحقیق

۱-۱- بیان مسئله

داعش طی بازه زمانی از آوریل ۲۰۱۳ تا ژوئن ۲۰۱٤، بر مناطق وسیعی از عراق و سوریه تسلط یافت و از برخی مناطق در این دو کشور نیز به عنوان راهروهای ارتباطی بین مناطق تحت کنترل خود یا مسیرهای حمله به مناطق جدید بهره برداری نمود. داعش بعد از تسلط بر این جغرافیای وسیع، حکومتی با ساختار ساده تأسیس کرد که دارای دو مرکز ثقل فیزیکی در «رقّه» مرکز استان «رقّه» در سوریه و «موصل» مرکز استان «نینوا» در عراق بود. داعش از طریق مراکز ثقل فیزیکی خود در «موصل» و «رقّه»، ایجاد و سازماندهی مراکز ثقل جدید منفصل و متصل به مراکز ثقل اصلی را در دستور کار خود قرار داد و تبدیل به یک تهدید برای امنیت بازیگران در داخل مجموعه امنیتی منطقه‌ای خاورمیانه و خارج از آن شد. این روند به شکل‌گیری ساز و کارهایی برای مهار و نابودی این تهدید در سه سطح داخلی، منطقه‌ای و سیستمی تبدیل شد. اما ماهیت متفاوت بازی و منافع بازیگران ذینفع در چارچوب الگوی‌های متفاوت دوستی- دشمنی، این احتمال را ایجاد کرد که ساز و کارهای مهار داعش، توسط بازیگران در چارچوب کشمکش‌های قدرت نیز بکار گرفته شوند. الگوی خصومت بین جمهوری اسلامی ایران، آمریکا و اسرائیل یک متغیر کلان محسوب می‌شود که ممکن است از یک سو دارای تأثیر مستقیم بر تمام ساز و کارهای مهار داعش باشد و از سوی دیگر از این ساز و کارها تأثیر پذیرد. تفسیر تأثیر ساز و کارهای مهار داعش بر امنیت ملّی ایران بر اساس الگوی خصومت با آمریکا و اسرائیل به خودی خود یک مسئله پیچیده محسوب می‌شود. در این چارچوب ممکن است بازیگران بکار گیرنده ساز و کارهای مهار داعش، تلاش کنند تا در چارچوب روابط نیابتی از آنها برای امنیتی‌سازی سیاسی- نظامی روابط با بازیگران متخاصم استفاده کنند. همچنین ممکن است در الگوی پیچیده روابط نیابتی میان ایران، سوریه و گروه‌های شبه نظامی، ساز و کارهای مهار داعش به ابزاری برای بکارگیری دستور کار نظامی در جنگ داخلی سوریه تبدیل شده باشند یا از این ساز و کارها برای امنیتی سازی نظامی در چارچوب الگوی خصومت با اسرائیل بهره‌برداری شده باشد.

۱-۲- پیشینه و ادبیات پژوهش

توجه ویژه به داعش، به طور طبیعی معطوف به دوره زمانی بعد از تشکیل مرکز ثقل فیزیکی پدیده «دولت اسلامی» در عراق بوده است. تسلط داعش بر موصل در روز ۲۱ خرداد ۱۳۹۳ و اعلام دولت اسلامی و ولایات تابع آن، علاوه بر پویش‌های امنیتی منطقه‌ای خاورمیانه و سیستمی، تولید ادبیات در حوزه امنیت را نیز تحت تأثیر قرار داد. بر اساس بررسی ادبیات پژوهشی تولید شده طی سال‌های ۱۳۹۳ تا پایان سال ۱۳۹۵ (۲۰۱٤-۲۰۱۷)، کتب، پایان‌نامه‌ها و مقالات علمی- پژوهشی و علمی- ترویجی منتشر شده حول مسئله داعش که در دسترس قرار داشته‌اند را به ۹ حوزه پژوهشی تقسیم نمود. حاصل کتابشناسی[۱] و کتابشناسی وب[۲] در منابع فارسی آرشیو کتابخانه دانشکده علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحده تهران مرکز و پایگاه‌های اطلاع رسانی «ایران داک»، «مگ ایران»، «نورمگز» و «پورتال جامع علوم انسانی» ۷ کتاب، ۱۸ پایان‌نامه و ٤۹ مقاله مرتبط با موضوع پژوهش یافت شد و مورد ارزیابی قرار گرفت. مراجع مشخص برای دسته‌بندی آثار فارسی به پژوهشگر فرصت می‌دهد تا ابعاد مورد پژوهش درباره داعش را با دقت بالایی مورد ارزیابی قرار دهد اما گستردگی مراجع تولید آثار علمی در حوزه زبان انگلیسی و تفاوت رویکرد پژوهشگران در این حوزه چنین امکانی را با تردید روبرو می‌سازد. لذا تلاش براین بوده است تا بررسی ادبیات پژوهش در حوزه زبان انگلیسی تا جای ممکن با تمرکز بر منابع شاخص و برجسته‌ای که حول مسائل تحقیق جاری انجام شود. بنابراین به طور کلی می‌توان این آثار را در ٤ بخش به این شرح دسته بندی نمود: «زمینه های پیدایش مراکز ثقل فیزیکی داعش در عراق و سوریه»، «ارزیابی تهدید سیستمی داعش»، «توسعه مراکز ثقل ایران بر بستر مبارزه با داعش و جنگ داخلی سوریه» و «ارزیابی سازوکارهای بازیگران خارجی برای مهار مراکز ثقل قدرت داعش در عراق و سوریه»

۱ . Bibliography
۲ . webliograghy

جدول ۱-۱- بررسی زمینه‌های پیدایش داعش

عنوان اثر	نوع اثر	نویسنده	سال انتشار	محل انتشار
نقش عربستان سعودی در بازیگردانی جریان داعش در عراق و سوریه	پایان‌نامه	مجتبی منتظر	۱۳۹٤	دانشگاه آزاد تهران مرکز
تحلیل گفتمان مناسبات نوین قدرت در خاورمیانه و ظهور داعش	پایان‌نامه	محمد جواد گودرزی	۱۳۹٤	دانشگاه فردوسی مشهد
کالبدشناسی جریان داعش، بررسی زمینه‌های ذهنی، ملّی، منطقه‌ای و بین‌المللی	مقاله	الهام حیدری	۱۳۹۳	فصلنامه حبل‌المتین
نگاهی سازه‌انگارانه به ظهور پدیده تروریسم در خاورمیانه (با تأکید بر پیدایی داعش در منطقه)	مقاله	عنایت‌الله یزدانی	۱۳۹۳	فصلنامه حبل‌المتین
زمینه‌های ظهور و گسترش داعش در محیط امنیتی غرب آسیا	مقاله	احمد زارعان	۱۳۹۳	فصلنامه آفاق امنیت
کاستی‌های نرم‌افزاری در عراق و زمینه‌های پیدایی داعش	مقاله	علی باقری دولت آبادی	۱۳۹٤	فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام
بررسی زمینه‌های اجتماعی و سیاسی ظهور داعش در خاورمیانه	مقاله	احمدآذین	۱۳۹٤	فصلنامه سیاست خارجی
شکل‌گیری داعش در کانون پویش جهانی شدن	مقاله	محمدرضا خاتمی	۱۳۹٤	پژوهش‌نامه روابط بین‌الملل
تروریسم جهش‌یافته و ظهور تهدید بنیادین (مطالعه داعش)	مقاله	علی‌اشرف نظری	۱۳۹٤	فصلنامه حبل‌المتین
نقش ایالات متحده امریکا در شکل‌گیری جریان‌های افراطی در جهان اسلام (مطالعه موردی القاعده و داعش)	مقاله	سید مهدی ساداتی نژاد	۱۳۹۵	فصلنامه اندیشه سیاسی در اسلام
بسترهای شکل‌گیری و تداوم تروریسم در غرب آسیا (مطالعه موردی داعش در عراق و سوریه)	مقاله	محمدعلی بصیری	۱۳۹۵	فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام
عوامل قدرت یابی داعش در عراق	مقاله	حسین ناوشکی	۱۳۹۵	فصلنامه علوم سیاسی
داعش از کاشت تا برداشت	کتاب	سید مهدی نورانی	۱۳۹۳	شهید کاظمی؛ مجد اسلام
داعش در سوریه پیشینه و روندها	کتاب	اردوان احمدی	۱۳۹۵	انتشارات سیادت

جدول ۱-۲- بررسی استراتژی بازیگران در قبال داعش

عنوان اثر	نوع اثر	نویسنده	سال انتشار	محل انتشار
راهبرد امریکا در سوریه و عراق پس از ظهور داعش	پایان‌نامه	حسین شهبازی	۱۳۹٤	دانشگاه آزاد تهران مرکز
سیاست خارجی آمریکا در خاورمیانه بعد از ۱۱ سپتامبر با تأکید بر القاعده و داعش	پایان‌نامه	طاهر پیروتی	۱۳۹٤	دانشگاه تربیت معلم
تحلیل ماهیت سیاست داخلی و خارجی ترکیه بر مبنای ناسیونالیسم و اندیشه بنیادگرایی نسبت به کردها و گروه‌های بنیادگرای منطقه مانند داعش و جبهه‌النصره	پایان‌نامه	امین اشهری	۱۳۹٤	دانشگاه تبریز
تاثیر تحولات عراق و سوریه بر صورت بندی هویتی- قدرتی بازیگران منطقه‌ای	پایان‌نامه	ابوذر رضائی	۱۳۹٤	دانشگاه گیلان
استراتژی ترکیه در قبال داعش	مقاله	محمدعلی قاسمی	۱۳۹٤	فصلنامه مطالعات راهبردی
مکانیزم نابودی منابع استراتژیک قدرت داعش	مقاله	طاهره ابراهیمی‌فر امیرحامد آزاد	۱۳۹۵	فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام
تناقضات راهبرد ضد داعش ایالات متحد امریکا و موضوع همکاری با ایران	مقاله	علیرضا میریوسفی اول	۱۳۹۵	فصلنامه روابط خارجی

جدول۱-۳- بررسی مسائل حقوق بین‌الملل پیرامون داعش

عنوان اثر	نوع اثر	نویسنده	سال انتشار	محل انتشار
مبانی و گستره تعهدات کنشگران غیردولتی در مخاصمات مسلحانه از منظر حقوق بشردوستانه بین‌المللی با تاکید بر عملکرد داعش	پایان‌نامه	مینا شریف مرادی	۱۳۹٤	دانشگاه علامه طباطبایی
بررسی حقوقی مسئولیت سازمان ملل متحد پس از ظهور داعش	پایان‌نامه	مهدی نظری	۱۳۹۵	دانشگاه آزاد تهران مرکز
ماهیت حقوقی داعش در حقوق بین‌الملل: دولت یا بازیگر غیردولتی؟	مقاله	سیدقاسم زمانی	۱۳۹٤	فصلنامه دولت پژوهی
ارزیابی سیاست کیفری بین‌المللی در رسیدگی به جنایات داعش	مقاله	پیمان نمامیان	۱۳۹٤	فصلنامه مطالعات راهبردی
بررسی مشروعیت عملکرد ائتلاف ضد داعش (دولت اسلامی عراق و شام) از منظر حقوق بین‌الملل در سوریه	مقاله	سید احمد طباطبایی لطفی	۱۳۹٤	فصلنامه مطالعات حقوق عمومی
امکان سنجی محاکمه اعضا و سران گروه داعش در محاکم کیفری ملی و بین‌المللی	مقاله	محمد خلیل صالحی	۱۳۹۵	آموزه های حقوق کیفری

جدول۱-٤- بررسی تأثیر داعش بر امنیت ملّی و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

عنوان اثر	نوع اثر	نویسنده	سال انتشار	محل انتشار
پدیداری تروریسم تکفیری (با تمرکز بر داعش) و نظام اولویت‌های امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران	پایان‌نامه	سید مصطفی موسوی اصل	۱۳۹٤	دانشگاه خوارزمی
گسترش اندیشه داعش در افغانستان و تاثیر آن بر امنیت ملی ایران	پایان‌نامه	محمود ترک زاده	۱۳۹٤	دانشگاه آزاد تهران مرکز
نقش بنیادگرای اسلامی در خشونت تروریسم نوین و تاثیر آن بر امنیت ملی ج.ا.ایران (داعش،عراق۲۰۰۳-۲۰۱٤)	پایان‌نامه	احمد بوالحسنی	۱۳۹٤	دانشگاه آزاد تهران مرکز
بررسی رقابت منطقه‌ای ایران و عربستان با محوریت داعش	پایان‌نامه	علی لیالی	۱۳۹٤	دانشگاه گیلان
مواضع و عملکرد جریان‌های سلفی سیاسی و سلفی جهادی در قبال جمهوری اسلامی ایران (بررسی موردی داعش و حزب النور مصر)	پایان‌نامه	علی پزشک	۱۳۹٤	دانشگاه بین‌المللی امام خمینی(ره)
گروهک تروریستی داعش و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران؛ چالشها و فرصتها	مقاله	سیدعلی نجات	۱۳۹٤	فصلنامه سیاست
در تحلیلِ بحران رفتار سیاسی داعش، (swot) مدل راهبردی جمهوری اسلامی ایران و راه های برون رفت	مقاله	مرتضی شیرودی	۱۳۹٤	پژوهش‌های سیاست اسلامی
پایگاه اجتماعی داعش در عراق و آینده امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران	مقاله	احد رضایان قیه	۱۳۹٤	فصلنامه مطالعات منطقه‌ای
پارادایم‌هایی تحلیلی در پدیداری داعش: با نگاهی به عواید داعش برای اسراییل	مقاله	علی شهبازی	۱۳۹۵	فصلنامه مطالعات منطقه‌ای
تحرک‌پذیری سلفیت جهادی در آسیای غربی و امنیت جمهوری اسلامی ایران	مقاله	حسین زحمت‌کش	۱۳۹۵	فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی
داعش و امنیت ایران با تکیه بر مکتب کپنهاگ	مقاله	یاسر اسماعیل‌زاده امامقلی	۱۳۹۵	فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست
ظهور داعش و تاثیر آن بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران	مقاله	اردشیر سنایی	۱۳۹۵	فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل

جدول ۱-۵- بررسی منابع مالی داعش؛ تاکتیک‌ها و ابزارها

عنوان اثر	نوع اثر	نویسنده	سال انتشار	محل انتشار
شناسایی و تأمین منابع مالی داعش	مقاله	حمید نساج	۱۳۹٤	فصلنامه حبل‌المتین
اقتصاد سیاسی تروریسم : مورد داعش	مقاله	فاطمه محروق	۱۳۹٤	فصلنامه روابط خارجی
تاکتیک‌ها و ابزارهای جنگ روانی داعش	مقاله	علی باقری دولت‌آبادی	۱۳۹۵	فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی

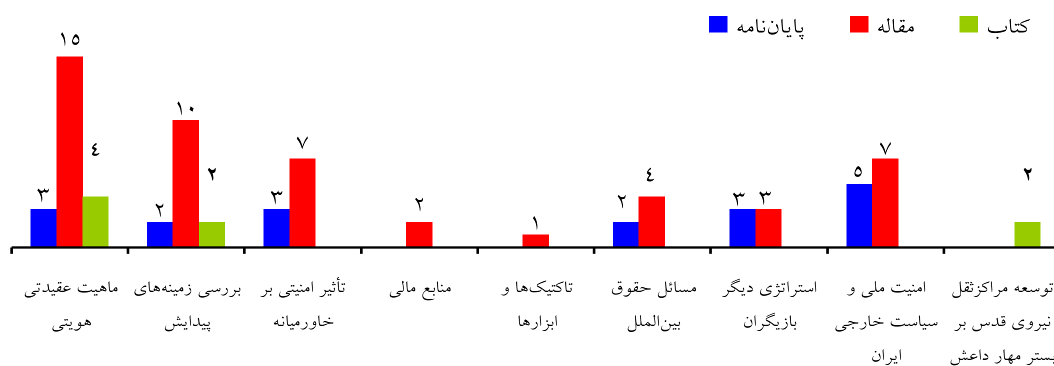
جدول ۱–٦– توسعه مراکز ثقل نیروی قدس بر بستر مهار داعش

عنوان اثر	نوع اثر	نویسنده	سال انتشار	محل انتشار
سایه روشن حشد شعبی	کتاب	امیرحامد آزاد	۱۳۹۵	موسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور
نیروی قدس؛ برسازی استراتژیک ایران	کتاب	امیرحامد آزاد	۱۳۹٦	موسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور

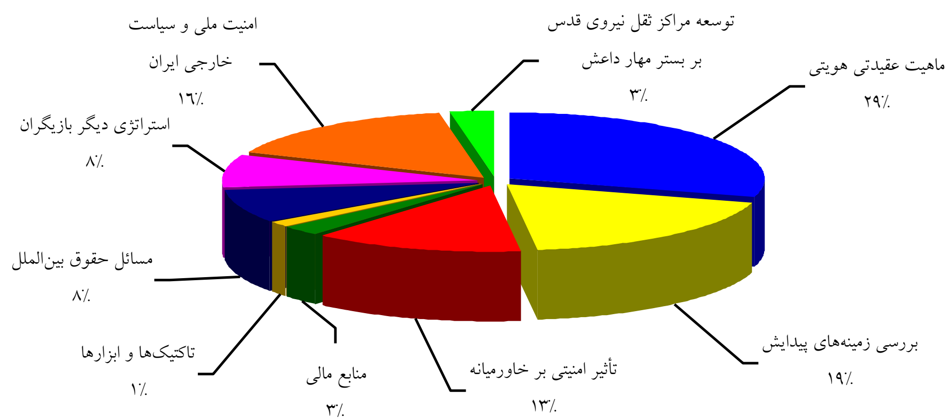
جدول۱–۷– بررسی ماهیت عقیدتی و هویتی داعش

عنوان اثر	**نوع اثر**	**نویسنده**	**سال انتشار**	**محل انتشار**
بازشناسی اصول ایدئولوژی	پایان‌نامه	سید قاسم شاه ابراهیمی	۱۳۹٤	دانشگاه علامه طباطبایی
مبانی فکری و آموزشی گروه های تکفیری	پایان‌نامه	یاسمن تاجیک	۱۳۹٤	دانشگاه علامه طباطبایی
گرایش جوانان غرب به داعش	پایان‌نامه	محمد عباسی	۱۳۹۵	دانشگاه آزاد تهران مرکز
بررسی ایدئولوژی گروه تکفیری وهابی داعش	مقاله	مهدی بخشی	۱۳۹۲	فصلنامه علوم سیاسی
القاعده، داعش؛ افتراقات و تشابهات	مقاله	سعید توکّلی	۱۳۹۳	فصلنامه آفاق امنیت
داعش: پیوند سلفیت تکفیری و بعثی‌گرایی	مقاله	بهادر امینیان	۱۳۹۳	فصلنامه آفاق امنیت
گفتمان حاکم بر شکل‌گیری و فعالیت‌های داعش	مقاله	هادی تاجیک	۱۳۹۳	فصلنامه آفاق امنیت
بازخوانی هویت دولت اسلامی در عراق و شام	مقاله	علی اشرف نظری	۱۳۹٤	فصلنامه علوم سیاسی
برآمدن داعش در خاورمیانه: تحلیل جامعه شناختانه	مقاله	محمد سالار کسرایی	۱۳۹٤	فصلنامه روابط خارجی
بازخوانی رهیافت‌های تبیین‌گر تروریسم (داعش)	مقاله	سلمان احمدوند	۱۳۹٤	مجله سیاست دفاعی
ایدئولوژی جریان داعش و دلایل تاریخی– اجتماعی گرایش به آن	مقاله	یونس نوربخش	۱۳۹٤	فصلنامه مطالعات جامعه شناختی
بررسی چرایی پیوستن جنگجویان خارجی به داعش	مقاله	علی کریمی مله	۱۳۹٤	پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام
ماهیت سیاسی جریان‌های تکفیریِ سوریه	مقاله	علی کریمی	۱۳۹٤	فصلنامهٔ مطالعات ملّی
تحلیل گفتمانی جهانی شدن و ظهور اسلام سیاسی سلفی جهادی در خاورمیانهٔ عربی	مقاله	محسن شفیعی سیف آبادی	۱۳۹٤	پژوهش‌های سیاست اسلامی
بازخوانی رهیافت‌های تبیین‌گر تروریسم (رویکرد ترکیبی)، مطالعه موردی داعش	مقاله	سلمان احمدوند	۱۳۹٤	مجله سیاست دفاعی
مطالعهٔ ژئوپلیتیک عمومی داعش در رسانه های اجتماعی؛ «ملت صلیب» و «جیش‌الصفوی»	مقاله	مجتبی خاتونی	۱۳۹۵	فصلنامهٔ مطالعات ملّی
خشونت هویتی و سیر تطور اندیشه‌های جهادی– تکفیری در خاورمیانه (۱۹۸۰ –۲۰۱۵)،	مقاله	علیرضا میریوسفی	۱۳۹۵	فصلنامهٔ سیاست جهانی
چهارچوبی نظری برای تحلیل رفتار گروه داعش	مقاله	بهادر امینیان	۱۳۹۵	فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی واحد شهرضا
داعش افکار و تشکیلات	کتاب	عبدالمحمد شریفات	۱۳۹٤	دارالاعلام لمدرسه اهل‌البیت علیهم‌السلام
ده روز با داعش از درون دولت اسلامی	کتاب	یورگن تودنهوفر	۱۳۹٤	نشر کتاب کوله پشتی
داعش (اندیشه و عمل)	کتاب	سید رضا صدرالحسینی	۱۳۹۵	زمزم هدایت
معمای جذب داعش	کتاب	احمد زارعان، امیرحامد آزاد	۱۳۹۵	موسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور

نمودار ۱-۱- فراوانی کتب، مقالات و پایان‌نامه‌های مرتبط با موضوع رساله



نمودار ۱-۲- نسبت تولیدات علمی- پژوهشی در حوزه‌های مرتبط با موضوع رساله



جدول ۱-۸- بررسی زمینه‌های پیدایش مراکز ثقل فیزیکی داعش در عراق و سوریه

عنوان اثر	نوع اثر	نویسنده	سال انتشار	محل انتشار
Multi National Force Iraq Situational Update	گزارش	Bergner, Kevin J.	۲۰۰۷	globalsecurity
Bombers, Bank Accounts and Bleed out: Al-Qa`ida's Road In and Out of Iraq	گزارش	Bergen & Others	۲۰۰۸	Combating Terrorism Center
Al-Anbar Awakening	کتاب	McWilliams, Timothy S., Wheeler, Kurtis P	۲۰۰۹	Marine Corps University United States Marine Corps Quantico
reviving the Iraqi Ba'ath: A Profile of General Muhammad Yunis al-Ahmad	مقاله	Ali, Fadhil	۲۰۰۹	The Jamestown foundation
Syria's Financial Support for Jihad Syrian Terrorism	گزارش	Levitt, Matthew	۲۰۱۰	Middle East Forum
The De-Baathification of Iraq	گزارش	Pavel, Ryan	۲۰۱۲	University of Michigan
Al-Qaeda in Iraq Resurgent, Part II	گزارش	Lewis, Jessica D	۲۰۱۳	Institute for the Study of War
The Islamic State of Iraq Returns to Diyala	گزارش	Lewis, Jessica D	۲۰۱٤	Institute for the Study of War

جدول ۱- ۹- ارزیابی تهدید سیستمی داعش

عنوان اثر	نوع اثر	نویسنده	سال انتشار	محل انتشار
The Threat of Terrorism from Western Foreign Fighters in Syria and Iraq,	مقاله	Byman, Daniel & Shapiro, Jeremy.	۲۰۱٤	The Brookings
ISIS Governance in Syria	گزارش	Caris, Charles C. & Reynolds, Samuel	۲۰۱٤	Institute for the Study of War
ISIS'S Global Strategy: A Wargame, Middle East Security	گزارش	Gambhir, Harleen	۲۰۱٥	Institute for the Study of War
A Persistent Threat, The Evolution of al Qa'ida and Other Salafi Jihadists	کتاب	Jones, Seth G.	۲۰۱٤	RAND
Al Qaeda and ISIS: Existential Threats to the U.S. And Europe, U.S. Grand Strategy: Destroying ISIS and Al Qaeda	گزارش	Kagan, Frederick W., Kagan, Kimberly, Cafarella, Jennifer, Gambhir, Harleen, Zimmerman, Katherine	۲۰۱٦	Institute for the Study of War
ISIS'S Global Attack Network	گزارش	Pavel, Ryan	۲۰۱٦	Institute for the Study of War

جدول ۱-۱۰- توسعه مراکز ثقل ایران بر بستر مبارزه با داعش و جنگ داخلی سوریه

عنوان اثر	نوع اثر	نویسنده	سال انتشار	محل انتشار
Assad Regime Militias and Shi'ite Jihadis in the Syrian Civil War	گزارش	Beshara, Vincent & Roche, Cody	۲۰۱٦	The home of online investigations
The Counter-Insurgency Role of Syria's Popular Committees	گزارش	Heras, Nicholas A. H	۲۰۱۳	The Jamestown Foundation
The Assad Regime from Counterinsurgency to civil war	گزارش	Holliday, Joseph	۲۰۱۳	Institute for the Study of War
The Syrian Army, Doctrinal Order of Battle	گزارش	Holliday, Joseph	۲۰۱۳	Institute for the Study of War
An Army in all Corners	گزارش	Kozak, Christopher	۲۰۱٥	Institute for the Study of War
The Long Haul, Rebooting U.S. Security Cooperation in Iraq	کتاب	Knights, Michael	۲۰۱٥	The Washington Institute for near East Policy
The Future of Iraq's Armed Forces	کتاب	Knights, Michael	۲۰۱٦	Al-Bayan Center for Planning and Studies
Hezbollah's Syria Conundrum۲۰۱۷	گزارش		۲۰۱۷	International Crisis Group
The Hashd al-Shaabi and Iraq Sub nationalism and the State	کتاب	O'Driscoll, Dylan, van Zoonen, Dave	۲۰۱۷	Middle East Research Institute
Turning a Blind Eye The Arming of the Popular Mobilization Units	گزارش		۲۰۱۷	Amnesty International

جدول۱- ۱۱- ارزیابی سازوکارهای بازیگران خارجی برای مهار مراکز ثقل قدرت داعش در عراق و سوریه

عنوان اثر	نوع اثر	نویسنده	سال انتشار	محل انتشار
Arabs in the PYD-Controlled Area, Syrian Kurds as a U.S. ally	کتاب	Balanche, Fabrice	۲۰۱٦	The Washington Institute for near East Policy
the Road to Ar-Raqqah: Background on the Syrian Democratic Forces	گزارش	Casagrande, Genevieve	۲۰۱٦	Institute for the Study of War
Syrian Kurds as a U.S. Ally: Cooperation and Complications	گزارش	Clawson, Patrick	۲۰۱٦	The Washington Institute for near East Policy
The Syrian Army, Doctrinal Order of Battle	گزارش	Holliday, Joseph	۲۰۱۳	Institute for the Study of War
An Army in all Corners	گزارش	Kozak, Christopher	۲۰۱۵	Institute for the Study of War
The Long Haul, Rebooting U.S. Security Cooperation in Iraq	کتاب	Knights, Michael	۲۰۱۵	The Washington Institute for near East Policy
The Future of Iraq's Armed Forces	کتاب	Knights, Michael	۲۰۱٦	Al-Bayan Center for Planning and Studies

اگر این فرض را بپذیریم که بررسی و تحلیل محتوای تحقیق‌های انجام شده درباره داعش و مسائل مرتبط با آن می تواند نمایی از دغدغه‌های پژوهشی درباره این موضوع ارائه می‌دهد، می‌توان ادعا داشت که ماهیت عقیدتی ۲۹ درصد و زمینه‌های پیدایش داعش ۱۹ درصد دغدغه پژوهشگران را به خود اختصاص داده است. پس از این تأثیر داعش بر امنیت ملی و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران با ۱٦ درصد در رتبه بعدی قرار دارد. تأثیر امنیتی بر خاورمیانه با اختصاص نسبت ۱۳ درصد پژوهش‌های انجام شده به خود در رتبه چهارم قرار دارد. پس از آن نیز توجه به مسائل حقوقی پیرامون داعش با ۸ درصد و استراتژی بازیگران در قبال داعش ۸ درصد رتبه‌های بعدی دغدغه‌مندی پژوهشگران را تشکیل داده‌اند. بررسی منابع مالی با اختصاص ۳ درصد و تاکتیک‌ها و ابزارهای کاربردی داعش با ۱ درصد در جایگاه آخر قرار دارند. بر اساس تحلیل محتوای آثار تولید شده می‌توان ادعا داشت موضوع پژوهش این پایان‌نامه به طور نسبی بین دو حوزه امنیت ملی و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و استراتژی بازیگران شناور است. از میان پژوهش‌های در دسترس برخی از آنها به طور خاص به موضوع پژوهش جاری ورود پیدا کرده و برخی زوایای مورد دغدغه در این تحقیق را مورد بررسی و ارزیابی قرار داده‌اند. بررسی پژوهش‌های تولید شده در ۹ تقسیم‌بندی انجام شده، حکایت از این دارد که تنها در بخش بررسی تأثیر داعش بر امنیت ملّی و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، سه اثر از میان مقالات علمی- پژوهشی، تا حدودی به مباحث مورد نظر در پژوهش پیش‌رو ورود پیدا کرده‌اند.

ارزیابی و مقایسه ادبیات پژوهش در حوزه زبان فارسی و انگیسی، فارغ از حجم تولید، حکایت از تفاوت رویکرد بنیادین نسبت به زمینه‌های پیدایی و هویت داعش دارد. صرف نظر از خلاء محسوس در

پژوهش‌های فارسی حول موضوع ساز و کارهای مهار داعش باید گفت براساس رویکرد رایج در ادبیات فارسی، داعش یک پروژه قلمداد می‌شود که در چارچوب اگوی دشمنی با ایران برای جلوگیری از نفوذ این بازیگر در خاورمیانه یا اسلام‌هراسی ایجاد شده است، اما ادبیات انگلیسی به طور عمده با رویکردی متفاوت، ضمن توجه به ریشه‌های ایجاد داعش، این پدیده را تحت عنوان یک روند مورد ارزیابی قرار داده‌اند. این تفاوت رویکرد در نگرش به مسئله، از تأثیر به‌سزایی بر پژوهش‌ها درباره نوع تهدید داعش و ساز و کارهای مهار آن داشته است. به طور کلی می‌توان ادعا کرد مفروض قلمداد کردن دست‌ساز بودن داعش توسط دولت‌های دشمن ایران، یا به نادیده انگاری سازوکارهای ایجاد شده توسط این بازیگران برای مهار داعش منجر شده و یا به تعریف این ساز و کارها به عنوان بخشی از یک پروژه در چارچوب الگوی دشمنی با ایران منجر شده است. البته ادبیات علمی انگلیسی زبان نیز دارای مفروضاتی مشابه در چارچوب الگوی تجدید نظرطلبی انقلابی جمهوری اسلامی ایران هستند. پژوهش‌هایی که به موضوع ساز و کارهای ایران برای مهار داعش پرداخته‌اند، بدون توجه به تهدید امنیت ملی ایران به طور عمده ایجاد ساز وکارهای مهار داعش توسط ایران را در چارچوب تلاش ایران برای توسعه حوزه نفوذ در غرب آسیا تا دریای مدیترانه تفسیر نموده‌اند. همچنین برای بررسی تأثیر سازوکارهای غیر ایرانی مهار داعش بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران اهتمامی ندارند. بنابراین به نظر می‌رسد هر دو بخش از ادبیات تولید شده حول ساز و کارهای مهار داعش از مفروضات و خلاءهایی برخوردار هستند که از یک سو بی‌طرفی آنها را تحت تأثیر قرار می‌دهند و از سوی دیگر نیاز به یک پژوهش فراگیر را ضروری می‌سازند.

۱-۳- ضرورت‌های انجام تحقیق

عراق و سوریه به دلیل موقعیت ژئوپلیتیک، تأثیر منحصر به فردی بر ماهیت بازیگری جمهوری اسلامی ایران، امنیتی‌سازی مسائل و ترسیم الگوی دوستی – دشمنی توسط این بازیگر دارند و می‌توانند در تغییر دستور کارهای سیاسی- نظامی جمهوری اسلامی ایران اثر گذار باشند. هرچند جمهوری اسلامی ایران از سال ۲۰۰۳ به بعد قادر به ایجاد مراکز ثقل سیاسی – نظامی در عراق بوده است، اما مجموعه کنش‌های امنیتی جمهوری اسلامی ایران در این کشور، تحت تأثیر ترکیبی از متغیرها، شامل بازی بازیگران خارجی، گرایش‌های

ملّی‌گرایانه و عمل‌گرایانه در ساختار سیاسی- اجتماعی عراق و تشدید چالش‌های مذهبی- قومی بین شیعیان این کشور و ایران، قرار دارد. تعیین دقیق تأثیر این متغیرها از اهمیت زیادی برای تعیین سیاست‌ها و استراتژی ایران در معمای قدرت – امنیت جاری در مجموعه امنیتی منطقه ای خاورمیانه برخوردار است. از سوی دیگر با وجود اهمیت استراتژیک سوریه برای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، این بازیگر تا قبل از آغاز بحران و جنگ داخلی سوریه، فاقد هر نوعِ از مراکز ثقل در این کشور بود. با آغاز جنگ داخلی در سوریه که از سال ۲۰۱۳، متغیر داعش نیز به آن اضافه شد، «نیروی قدس» بواسطه استمداد دولت سوریه، روابط نیابتی پیچیده‌ای را در سوریه آغاز کرد که شامل ورود شبه نظامیان خارجی شیعه و روسیه به جنگ داخلی این کشور و ایجاد و تقویت شبه نظامیان سوری در کنار ساختار رسمی ارتش این کشور بود. این ساز و کارها که علاوه بر مهار داعش از کارکرد بالایی در دستور کار نظامی- سیاسی در چارچوب جنگ داخلی سوریه برخوردار بودند، اما ارزیابی دقیقی از ظرفیّت آنها برای تبدیل شدن به مراکز ثقل قدرت استراتژیک ایران در زیر مجموعه شامات و کل مجموعه خاورمیانه وجود ندارد.

۱-٤- اهداف تحقیق

هدف علمی:

هدف از این تحقیق پاسخگویی به سؤالاتی درباره تأثیر ساز و کارهای مهار داعش بر مقیاس الگوی تخاصم‌های سنتی تأثیر گذار بر امنیت ملّی جمهوری اسلامی ایران تا آستانه استحاله بیرونی در مجموعه امنیتی خاورمیانه و تغییرات ناشی از بکارگیری ساز و کارهای مهار داعش بر توزیع قدرت و الگوی دوستی و دشمنی در مجموعه امنیتی خاورمیانه است. بررسی احتمال استحاله درونی بواسطه ترکیب‌های جدیدی از روابط نیابتی و توزیع مراکز ثقل قدرت سیاسی- نظامی و استراتژیک بخش دیگری از اهداف پژوهش هستند. بررسی احتمال فروپوشانی منطقه‌ایِ ناشی از ورود مستقیم قدرت‌های خارج از مجموعه، از کار افتادن پویش درون‌زای خاورمیانه، در اثر بکارگیری ساز و کارهای مهار داعش و تأثیر احتمالی آنها بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، اهداف دیگری هستند که تحقیق پیش‌رو برای دست‌یابی به آنها تلاش خواهد نمود.

ب- اهداف کاربردی

بررسی تأثیر تلاش برای ایجاد مراکز ثقل قدرت استراتژیک بر موارد زیر:

۱. ماهیت روابط قدرت - امنیت جمهوری اسلامی ایران؛
۲. ماهیت روابط نیابتی جمهوری اسلامی ایران با دولت‌های عراق و سوریه و گروه‌های شبه نظامی؛
۳. استحاله بیرونی و درونی مجموعه امنیتی منطقه‌ای خاورمیانه؛
٤. امکان فرو پوشانی در مجموعه امنیتی منطقه‌ای خاورمیانه

۱-۵- انگیزه تحقیق

داعش و ساز و کارهای مهار آن، چنان پویش‌های امنیتیِ مجموعه خاورمیانه را دستخوش تغییر کردند که مؤلفه‌های کلیدی در ساختار گوهری این مجموعه و زیر مجموعه‌های آن در قالب نظام‌های اقتدارگریز کوچک، قابلیت ارزیابی و چیدمان مجدد را یافته‌اند. ممکن است تلاش برای قدرت زیر سایه ساز و کارهای مهار داعش، آرایش واحدها، الگوهای دوستی- دشمنی و توزیع قدرت میان واحدهای اصلی در مجموعه امنیتی منطقه‌ای خاورمیانه را دچار دگرگونی اساسی نماید و آن را با یک بازتعریف مواجه کند. این دگرگونی، ایران و اسرائیل را به عنوان دو طرف اصلی متخاصم در خاورمیانه به تلاش برای حفظ و تغییر وضع موجود وا داشته است. لذا امکان سنجی استفاده از ساز و کارهای مهار داعش توسط جمهوری اسلامی ایران برای دستیابی به مراکز ثقل استراتژیک با در مجموعه امنیتی منطقه‌ای خاورمیانه و تبدیل تلاش برای امنیت در چارچوب بکارگیری ساز و کارهای مهار داعش به تلاش برای قدرت در چارچوب الگوی خصومت بین ایران، آمریکا و اسرائیل انگیزه های اصلی این تحقیق هستند.

۱- ٦- سؤال تحقیق

ساز و کارهای مهار داعش در عراق و سوریه چه تاثیری بر امنیت ملّی جمهوری اسلامی ایران دارند؟

۱-۷- فرضیه تحقیق

تمام ساز و کارهای مهار داعش در عراق و سوریه در چارچوب مبارزه سیستمی با تروریسم بر امنیت ملّی جمهوری اسلامی ایران، تأثیر مثبت دارند، اما در بلند مدت و در چارچوب کشمکش‌های قدرت، بخشی از این ساز و کارها که خارج از کنترل ایران قرار دارند در حوزه‌های امنیتی و سیاسی دارای اثر منفی بر امنیت ملّی ایران هستند.

۱-۸- متغیرهای تحقیق

۱-۷-۱- متغیر مستقل:

ساز و کارهای مهار داعش

۱-۷-۲- متغیر وابسته :

امنیت ملّی جمهوری اسلامی ایران

۱-۷-۳- متغیرهای دخیل:

- مراکز ثقل
- روابط نیابتی
- پویش‌های امنیتی مجموعه منطقه‌ای خاورمیانه

۱-۹- تعریف مفاهیم

- مجموعه امنیتی منطقه‌ای: مجموعه‌ای از واحدها که در آنها فرایندهای امنیتی کردن و غیر امنیتی کردن یا هر دوی آنها آن اندازه در هم تنیده شده‌اند که مشکلات امنیتی نمی‌تواند جدای از یکدیگر تحلیل حل شود» (بوزان، ویور، ۱۳۸۸: ۵۵)

- مجموعه امنیتی منطقه‌ای خاورمیانه: وابستگی متقابل امنیتی که پوشش دهنده منطقه‌ای گسترش یافته از مراکش تا ایران است و شامل دولت‌های عرب بعلاوه ایران و فلسطین اشغالی می‌شود. قبرس، سودان و

شاخ آفریقا جزو این منطقه نیستند و افغانستان حائل میان خاورمیانه و جنوب آسیا و ترکیه حـائلی میـان خاورمیانه و اروپاست.(Buzan and Wæver, ۲۰۰۳: ۱۸۷-۱۹۱)

– جنگ نیابتی: به دسته‌ای از جنگ‌ها اطلاق میشود که (اولاً) در آنهـا یـک یـا تعـدادی از دولـت‌هـا در وضعیت یا رویارویی به سر می‌برند و (ثانیاً) صرف نظر از چگونگی مسئولیت‌پذیری، مشارکت یا توافـق مشترک بر سر اهداف مشخص توسط بسیاری دیگر از بـازیگران غیـردولتـی، حـداقل یکـی از مرزهـای مستقل مورد تجاوز قرار گرفته است.» (Craig, ۲۰۱۲: ٤٦-٤٧)

– گروه شبه نظامی: نیروی نظامی که با هدف دفاع یا اجرای قوانین اضطراری یا خدمات شبه نظـامی در مواقع اضطراری از شهروندان عادی تشکیل می‌شود. براساس اهداف مختلف ممکن است ایـن نیروهـا از بین شورشیان برگزیده شوند و در برخی موارد نیز از اصطلاح شبه نظامی برای ایجاد تمایز بین نیروهـای شورشی و حامی دولت استفاده می‌شود. (Carey, ۲۰۱۳:٤)

– مرکز ثقل: شبکه‌ای از قدرت و جنبش که همه چیز در آن به هم وابسته هستند و ویژگی‌هـای برجسـته هر دو طرف تخاصم و جنگ در آن پدیدار می‌شوند.(Echevarria (A), ۲۰۰۲: ۸)

– داعش: یک واژه استخفافی در زبان عربی است که برای تحقیر سازمان دولت اسلامی در عـراق و شـام به کار برده می‌شد، اما بعدها به عنوان مخفف نام این سازمان مصطلح شد. ایـن اصـطلاح عبـارت از نـام دولتی خود خوانده بود که محدوده جغرافیایی عراق، سوریه، لبنان، فلسطین و اردن را در بر می‌گرفت، اما بعد از حذف قید عراق و شام از «دولت اسلامی» نیز همچنان برای معرفی آن به کار برده می‌شود.

(ابراهیمی‌فر، آزاد، ۱۳۹۵: ۷)

۱- ۱۰- روش تحقیق

در پژوهش پیش‌رو تلاش بر این است با استفاده از روش آمیخته[۱] که داده‌ها بوسیله ترکیبی از روش‌هـای کمّی و کیفی است گردآوری، توصیف و تحلیل شوند. روش کیفی برای تحقیقات منتهی تـدوین تئـوری مناسب است، اما موضوع پژوهش در این رساله یک مورد برای مطالعـه در یـک منطقـه بـا ویژگـی‌هـای منحصر به‌فرد است که از قابلیت ایجاد یک الگوی نظری تعمیم‌پذیر برخوردار نیست، اما به دلیل قابلیـت

---

۱. Mixed Research

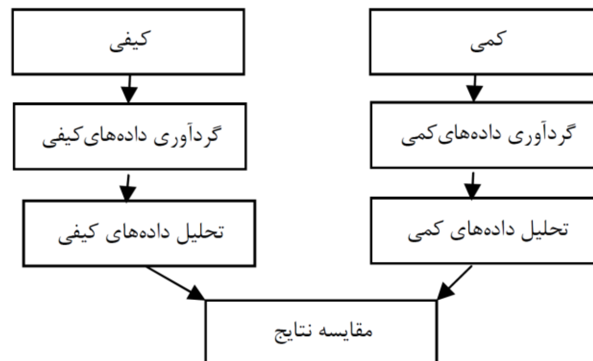
انطباق با مجموعه‌ای از الگوهای نظری خُرد، میان برد و کلان از این ویژگی برخوردار است کـه پـس از انطباق دقیق با آنها، این نظریه‌ها را به آزمون گذاشته و به استخراج احتمالی استثنائات یا تولید تبصره‌ها و بخش‌های نظری مکمل بپردازد و ممکن است تعمیم‌پذیری بخشی از یافته‌های نظری پیشـین را رد کنـد. بنابراین در این پژوهش، محقق از یک سو برای توصیف پدیده‌ها و روندها که متمایل به فرآینـد معنـی و درک حاصل از واژگان و تصاویر که مبتنی بر روش‌شناسی تفسیری می‌باشـد، نـاگزیر از اتکـاء بـه روش کیفی است. از سوی دیگر به این دلیل که نیاز به تبیین در بخش‌های زیادی از پژوهش ناگزیر از اسـتفاده همزمان از روش‌های کمّی هستیم، بنابراین تعیـین تـوالی اسـتفاده از روش‌هـای کمّـی یـا کیفـی یـا وزن بکارگیری هر یک از آنها در این پژوهش دشوار است. بنابراین در این پژوهش از بین انواع روش تحقیـق آمیخته اتکاء به نوع به هم تنیده[1] خواهد بود. از منظر نوع‌شناسی در طرح‌های ترکیبی، اتکاء محقق در این پژوهش به طرح ترکیبی کراسول و همکاران خواهد بود کـه یکـی از پرکـاربردترین و متـداولترین دسـته طرح‌های ترکیبی همزمان و متوالی است که بسـیاری از روش‌شناسـان آن را پذیرفتـه‌انـد. طـرح ترکیبـی کراسول و همکاران در سه زیرگروه همزمان- زاویه‌بندی[2]، تو در تو[3] و همزمان- تغییرپـذیر[4] قابـل اجـرا هستند که تلاش این پژوهش بر اجرای تحقیق براساس زیرگروه همزمان – زاویه‌بندی خواهد بود.

جد.ول ۱-۱۲- ویژگی‌های کاربردی زیرگروه همزمان- زاویه‌بندی در این پژوهش

نوع طرح	کاربرد	اولویت	مرحله ترکیب	ملاحظات
همزمان- زاویه‌بندی	گردآوری همزمان داده‌های کمی و کیفی	ترجیحاً مساوی؛ می‌تواند کمی یا کیفی باشد	مرحله تفسیر یا تحلیل	گـردآوری و تحلیـل هـم زمـان داده‌های کمـی و کیفـی و تلفیـق و مقایسه نتایج

[1] . Triangulation Mixed Methods Design
[2] . Concurrent-Triangulation Mixed Methods Design
[3] . Concurrent-Nested Mixed Methods Design
[4] . Concurrent-Transformative Mixed Methods Design

طرح ترکیبی همزمان- زاویه‌بندی



با اتکاء به زیرگروه همزمان- زاویه‌بندی تلاش بر این است تا داده‌های کمی و کیفی از ترجیحاً از نسبت مساوی برخوردار باشند اما واقعیت اینجاست که امکان تعیین نسبت بهره‌برداری از روش‌های کمی و کیفی در این تحقیق دشوار است و وابسته به امکان دسترسی پژوهشگر به هر یک از این دو دسته از داده‌ها خواهد داشت، اما به طور کلی می‌توان در سه حوزه مفاهیم، فرایندهای واقعی یا تجربه‌ای[1] و استنباط‌ها و تبیین‌ها به تعیین چارچوبی پرداخت که محقق در این پژوهش تلاش می‌کند به آنها پایبند باشد. بر این اساس شاخص‌های کمی یا کیفی مورد تأکید در این پژوهش برای سه فضای یاد شده به شرح جداول زیر خواهد بود.

جدول ۱-۱۳- تناسب فضای مفاهیم در این پژوهش (سؤالات، اهداف، جهت‌گیری‌ها)

مفهوم	ویژگی	مفهوم	ویژگی
سؤالات قیاسی	کمی	هدف عینی	کمی
سؤالات استقرائی	کیفی	جهت‌گیری تبیینی	کمی
فراغت ارزشی	کمی	جهت‌گیری تفهیمی	کیفی

جدول ۱-۱٤- تناسب فضای فرایندهای واقعی یا تجربه‌ای در این پژوهش

مفهوم	ویژگی	مفهوم	ویژگی
داده‌های عددی	کمی	تحلیل آماری	کمی
داده‌های روایتی	کیفی	تحلیل موضوعی	کیفی

[1] . Experiential Sphere

جدول ۱-۱۵- تناسب فضای استنباط‌ها و تبیین‌ها در این پژوهش

مفهوم	ویژگی	مفهوم	ویژگی
استنباط قیاسی	کمی	استنباط‌های ذهنی	کیفی
استنباط استقرائی	کیفی	بازنمایی اتیک[1]	کمی
استنباط‌های عینی	کمی	بازنمایی امیک[2]	کیفی
رویکرد ایدئوگرافیک	کیفی	قانون‌بنیاد (نوموتتیک)[3]	کمی

به طور خاص لازم به توضیح است که در پژوهش پیش‌رو تلاش برای استنباط و تبیین بهتر دو رویکرد اتیک و امیک از تحقیقات انسان‌شناسی وام‌گیری و تلاش خواهد شد تا به طور همزمان مورد بهره‌برداری قرار گیرند. البته به سیاق قبل تأکید می‌شود که نسبت بکارگیری این دو رویکرد به روند پژوهش و اقناع محقق بستگی خواهد داشت. لذا تلاش براین است تا با اتکاء به رویکرد اتیک، نگاه به موضوع پژوهش، از بیرون شکل بگیرد و دخالت احساسات پژوهشگر نسبت به موضوع پژوهش به حداقل ممکن کاهش یابد. در این روند تلاش خواهد شد تا زبان توصیف و تحلیل مطابق زبان موضوع پژوهش ارائه گردد و توصیف و تحلیل داده‌ها با ادبیات علمی ارائه شوند. با اتکاء به این رویکرد تلاش خواهد شد استنباط و تبیین از طبقه‌بندی‌ها، اصطلاحات، توضیحات و تفاسیر بازیگران ذینفع دور باشد، زیرا این بازیگران به دلیل درگیری عمیق با آنچه انجام می‌دهند قادر به تفسیر کنش خود نیستند.

بنابراین در این پژوهش محقق بر آنچه خود به عنوان بیننده متوجه می‌کند تاکید خواهد نمود. با وجود این، به دلیل نیاز حتمی پژوهشگر به درک معانی و دلایل رفتار بازیگران ذینفع، محقق در این پژوهش از رویکرد امیک نیز بهره خواهد برد تا به اندازه ممکن در سوژه مستحیل شود و تا حد امکان سوژه را از منظر بازیگران ذینفع نظاره‌گر باشد و به فهم برسد. بنابراین با اتکاء توأمان به دو رویکرد اتیک و امیک تلاش براین است تا محقق میان دور و نزدیک در رفت و آمد باشد تا در تجربه دور موضوع پژوهش مورد شناسایی و در نزدیک بوسیله موازین علمی مورد مقایسه قرار می‌گیرد تا واقعیتی نسبتاً قابل اعتماد به دست آید. لازم به توضیح است که در فضای تبیین و استنباط به طور همزمان از دو رویکرد یکه‌نگارانه (ایدئوگرافیک) و قانون‌بنیاد (نوموتتیک) بهره‌گیری خواهد شد. دلیل بکارگیری این شیوه

---

۱ . Etic
۲ . Emic
۳ . nomothetic explanation

جلوگیری از غفلت عمدی یا سهوی از دلایل چندگانه‌ای بیان شده برای رفتار هر یک از بازیگران بواسطه از استفاده از مدل تبیینی یکه‌نگارانه و شمارش عوامل متعدد است. از سوی دیگر با اتکاء بـه قـانون‌بنیـاد تلاش خواهد شد تا به جای یک موقعیت یا رویداد، طبقه‌ای از موقعیت‌ها یا رویدادها تبیین شوند.

۱-۱۱- روش گردآوری اطلاعات:

با اتکاء به روش تحقیق در این پژوهش، روش گردآوری اطلاعـات نیـز ترکیبـی و مبتنـی بـر اسـتفاده از روش‌های کتابخانه‌ای و میدانی است.

انواع روش کتابخانه‌ای در این پژوهش

متن خوانی و استفاده از فیش

آمارخوانی و استفاده از جدول

تصویرخوانی و استفاده از نقشه و کروکی

سندخوانی

انواع روش میدانی در این پژوهش

مصاحبه

مشاهده

صوتی و تصویری

۱-۱۱- نوآوری پژوهش

بررسی آثار علمی تولید شده در متون فارسی طی سال‌های ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۵ حکایت از ایـن دارد کـه تنهـا ۱۶ درصد از ادبیات تولید شده حول موضوع داعش به بررسی تأثیر این پدیده بر امنیت ملی جمهـوری اسـلامی ایران پرداخته‌اند. همچنین از میان همین آثار محدود نیز تنها ۲۵ درصد آثار به سـاز و کارهـای مهـار داعـش اشاره کرده‌اند و بدون توجه به جزئیات صرفاً به جنبه نظری و توجیهی موضوع پرداخته‌اند. دو اثر تولید شده توسط نگارنده پژوهش جاری نیز علیرغم تمرکز بر ساز و کارهای مهار داعش، صرفاً به مسئله شبه‌نظامیـان و تأثیر بکارگیری آنها در کشمکش‌های احتمالی قدرت در آینده اشاره کرده است. همین تمرکـز نیـز بـه عـدم ورود به جزئیات در بخش سوریه، گویای ابعاد عمیق مسائل جاری نیست. بنابراین در پژوهش جاری تـلاش بر این است، ضمن احصاء و بررسی تمام ساز و کارهای مهار داعش و بازیگران بکار گیرنده آنها، تـأثیر ایـن روند بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران به طور موسعی مورد ارزیابی قرار گیرد. در این پژوهش تلاش بر این است یافته‌های پژوهش با اتکاء به نظریه مجموعـه امنیتـی منطقـه‌ای و ترکیبـی از نظریـه‌هـای نظـامی – استراتژیک نظیر مرکز ثقل، روابط نیابتی و پارتیزان، تأثیر بکارگیری ساز و کارهای مهار داعش در چـارچوب

کشمکش‌های امنیتی و تسری آن به چارچوب منازعات قدرت مورد ارزیابی قرار گیرند. فایده اتکاء بـه ایـن سطوح تحلیلی مرکب، ممکن است به نقض برخی یافته‌های نظری پیشین یا تقویت آنها بیانجامـد. هـر چنـد چنین تحقیقی با دشواری برآمده از سختی تحلیل درست پیچیدگی‌ها همراه است، اما نتایج آن به دلیل اتکـاء به شواهد عینی جدید می‌تواند علاوه بر تولید راهکارهای اسـتراتژیک، مقـوّم ادبیـات نظـری موجـود باشـد. علیرغم حجم انبوه ادبیات پژوهشی تولید شده حول مسئله داعش در ادبیات انگلیسی زبان، و نیز اختصـاص بخشی از این ادبیات به ساز و کارهای مهار داعش، می‌توان ادعا کرد، متون تولیـد شـده فاقـد جامعیـت لازم درباره شناخت کامل انواع ساز و کارها و تأثیر آنها بر کشمکش‌های سنتی قدرت در چارچوب الگـوی رایـج دوستی و دشمنی رایج در خاورمیانه هستند.

۱-۱۲ محدوده‌های زمانی و مکانی تحقیق

بر اساس عنوان و هدف تحقیق، محدوده زمانی، از سال ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۷ می‌باشد. دولت اسلامی عراق و شام، در آوریل سال ۲۰۱۳ اعلام موجودیت کرد و اولین مرکز ثقل فیزیکی آن در رقّه ایجاد شد. با وجود این، به دلیل روند عملکرد دولت اسلامی عراق، ایجاد ساز و کارهای داخلی و منطقه‌ای مهار این سازمان از تقریباً از ژانویه ۲۰۱۳ آغاز شده بود. با اعلام تشکیل «دولت اسلامی» و شکل‌گیری مرکز ثقل فیزیکی دوّم (موصل)، در ژوئن ۲۰۱٤، دایره ایجاد ساز و کارهای مهار این پدیده از آگوست ۲۰۱٤، به سطح سیستمی تسرّی یافت و تا زمان نگارش این پژوهش در سال ۲۰۱۷، بدون تغییر در شکل و سطح به کار خود ادامه داده‌اند. هر چند بازیگری داعش محدود به جغرافیای خاص و مرزهای قرار دادی نیست، اما محدوده مکانی این تحقیق وابسته به مناطق جغرافیایی تشکیل مراکز ثقل فیزیکی داعش و مسیرهای ارتباطی آن در دو کشور عراق و سوریه است. زیرا ساز و کارهای مهار داعش نیز با تمرکز بر این مراکز ثقل فیزیکی در همین محدوده جغرافیایی فعال بوده‌اند.

۱-۱۳- محدودیت‌های تحقیق

تحقیق درباره تأثیر ساز و کارهای مهار داعش بر امنیت جمهوری اسلامی ایران، بیش از آنکه با محدودیت‌ها روبرو باشد با دشواری‌ها دست و پنجه نرم می‌کند. با توجه به سرعت انتقال داده‌ها در عصر اطلاعات و شرایطی که فن‌آوری‌های نوین برای ایجاد منابع متعدد و متکثر اخبار و اطلاعات ایجاد کرده‌اند، بیان کمبود اطلاعات و منابع موثق به عنوان محدودیت‌های تحقیق، بیشتر یک کلیشه تکراری و غیر واقعی محسوب می‌شود. بنابراین در صورت آشنایی پژوهشگر با زبان‌های حوزه پژوهش، کثرت اطلاعات نو، بیشتر یک دردسر محسوب می‌شود. حجم انبوه شواهد عینی درباره موضوع‌های متعدد به محقق این فرصت را می‌دهند تا قادر به اثبات یا ردّ مستدل فرضیات پژوهش خود یا سایرین باشد. حتی کثرت منابع موازی در انتشار اخبار، مشکل بازنمایی آنها در قالب اطلاعات فریب را با دشواری روبرو ساخته است و می‌توان ادعا کرد، عمدتاً تلاش برای بازنمایی اطلاعات با شکست روبرو می‌شود. هر چند ممکن است منابع خبری رسمی متصل به بازیگران ذینفع تلاش کنند تا اخبار را به صورت جهت‌دار منتشر کنند یا اطلاعات را بر اساس سوگیری‌های ظریف دسته‌بندی و منتشر نمایند، اما عملکرد متقابل رسانه‌های متعلق به سایر بازیگران ذینفع و مستقل، چنین تلاش‌هایی را با شکست نسبی روبرو ساخته است. البته تشخیص بازنمایی، به طور مؤکد نیازمند صرف وقت و دقّت از سوی پژوهشگر برای مقایسه اطلاعات منتشر شده مشابه از سوی منابع رقیب است. بنابراین آنچه به طور عمومی در پژوهش‌های نوین یک محدودیت محسوب می‌شود، فرصت کم و توان محدود محقق برای غربال‌گری و دسته‌بندی انبوهی شواهد عینی است نه کمبود آن. به خصوص در موضوع جاری تعدد بازیگران، منجر به ایجاد مسائل و زیر موضوع‌هایی شده که ممکن است خود ظرفیت یک عنوان رساله را داشته باشند. از سوی دیگر روند کنونی انتشار، یک محدودیت کلیشه دیگر که در پژوهش‌های گذشته و حتی تحت عنوان عدم دسترسی به اخبار محرمانه مطرح می‌شود را به چالش کشیده است. تجربه ثابت کرده عدم دسترسی به برخی اطلاعات محرمانه تغییری در روندهای جاری که بر اساس غربال‌گری و دسته‌بندی دقیق محقق انجام شده باشند ایجاد نمی‌کنند، بلکه تنها ممکن است آن را کامل کنند یا به تحلیل دقیق‌تر کمک کنند.

۱-۱٤- سازماندهی تحقیق

این پژوهش بر اساس پنج فصل به شرح زیر سازماندهی شده است:

- فصل اول به توضیح درباره این موارد پرداخته است: مسئله تحقیق، سؤالات تحقیق، فرضیات تحقیق، متغیرهای تحقیق، تعریف مفاهیم عملیاتی، پیشینه و ادبیات پژوهش، نوآوری تحقیق، اهداف و انگیزه‌های تحقیق، روش تحقیق، محدوده مکانی و زمانی تحقیق و محدودیت‌های تحقیق.

- فصل دوم به ارائه چارچوب‌های نظری اختصاص یافته که هدف از آن تحلیل بهتر یافته‌های تحقیق است. در این فصل، نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای (با تمرکز بر مجموعه امنیتی منطقه‌ای خاورمیانه و زیر مجموعه‌های آن) محور اصلی چارچوب‌های نظری را شکل خواهد داد. همچنین برای درک بهتر پدیده‌های جاری در مجموعه امنیتی خاورمیانه و به طور خاص موضوع بکارگیری ساز و کارهای مهار داعش در چارچوبی فراتر از کشمکش‌های امنیتی و تسری آن به نزاع‌های قدرت از نظریه‌های نظامی –استراتژیکِ مرکز ثقل، روابط نیابتی و پارتیزان و شبه نظامیان حامی دولت بهره گرفته شده است.

- فصل سوم پژوهش به توصیف یافته‌ها درباره دلایل وجودی و گسترش داعش، جغرافیای عملیاتی و مراکز ثقل قدرت این سازمان و تأثیر این موارد بر امنیت بین‌الملل به طور عام و جمهوری اسلامی ایران به طور خاص اختصاص دارد.

- فصل چهارم به توصیف ساز و کارهای مهار داعش اختصاص دارد.

- فصل پنجم به جمع‌بندی و نتیجه‌گیری براساس تحلیل یافته های فصلهای سوم و چهارم بر اساس مبانی نظری طرح شده در فصل دوم اختصاص دارد..

فصل دوّم

مبانی نظری

فصل دوّم: مبانی نظری

این پژوهش با برداشتی واقع‌گرایانه از مناسبات جاری در نظام بین‌الملل تلاش خواهد نمود ضمن تعریف و تبیین مبانی نظری امنیت و امنیت ملی، به روندسازی از یافته‌های تحقیق بپردازد. این پژوهش همچنین تلاش دارد موضوع مورد مطالعه را با جزئیات بیشتر و انطباق با نظریات متعدد انطباق دهد و تحلیل نماید. بر همین اساس نظریه مجموعه امنیت منطقه‌ایِ[1] «باری بوزان»[2] در مکتب کپنهاگ بستر تلاش نظریِ این پژوهش را شکل می‌دهد و نظریه‌های «مرکز ثقل»[3]، «جنگ نیابتی»[4]، «پارتیزان»[5] و «شبه نظامیان حامی دولت»[6] برای تبیین بیشتر و درک بهتر روندها و دست‌یابی به الگوی قابل اتکاء مورد استفاده قرار می‌گیرند. دایره بررسی‌های امنیتی[7] در این پژوهش حوزه‌ای فراتر از مسائل سیاسی– نظامی را پوشش نمی‌دهند و طبیعتاً تابع رویکردهای سنتی امنیت خواهند بود. به دلیل محوریت نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای، سعی شده تا برای حفظ یک‌دستی ادبیات نظری و جلوگیری از گسیختگی ادبیات نظری که نتیجه آن ناتوانی از انطباق داده‌ها در فصل چهارم خواهد بود، به جای رجوع به منابع دست دوم از جریان اصلی آثار باری بوزان و همکارانش بهره‌برداری شود. رجوع به مقاله‌های دست دوم، یا یک نقل قول درجه دوم و ناقص از منبع اول است و یا نقد و تعریض آن از نظر نویسنده دوم محسوب می‌شود که پژوهشگر را در ایجاد انطباق یافته ها با چارچوب نظری و تحلیل آن با سردرگمی روبرو می‌سازد و ممکن است ارتباط منطقی بین فصل دوم و چهارم را خدشه دار نماید.

---

۱ .Regional Security Complex

۲.Barry Buzan

۳ .Center of Gravity

٤ .Proxy War

٥ .Partisan

٦ . Pro-Government Militias

۷ . Security Studies

۲-۱- دیدگاه‌های نظری امنیت ملّی

«ولفرز» با استناد به تعاریف متعددی که از «امنیت» ارائه شده است آن را واژه‌ای مبهم، با معـانی بسـیار و اختلاف برانگیز قلمداد می‌کند، «باری بوزان» نیز امنیت را مقوله‌ای فاقد تعریف عمومی قلمـداد مـی‌کنـد. بنابراین پژوهش پیش‌رو نیز با هدف پرهیز از سردرگمی و اجتناب از اطاله در ارائـه تعـاریف متعـدد، بـا استناد با آراء «بوزان» در نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای، امنیـت را مفهـومی مرکـب از جاذبـه عـاطفی و سیاسی قوی همراه با مجموعه‌ای بسیار گسترده از معانی اساسی قلمداد می‌کند کـه از آن مـی‌تـوان بـرای توجیه بسیاری از اقدامات سیاسی گوناگون استفاده نمود.(بوزان، ۱۳۸۹: ۳۶-۳۰)

براین اساس دولت موضوع امنیت و قوی‌ترین واحد سیاسی است که همه واحدهای سیاسی دیگـر را پشـت سر گذاشته است، تا جایی که به صورت معیار جهانی مشروعیت سیاسی بکار برده می‌شود، اما به تبـع ابهـام موجود در تعریف عمومی از امنیت، تعریف «امنیت ملی» نیز با ابهام روبروست. بر همین اساس «بـوزان» بـر این باور است که معنای خاصّ امنیت به اندازه تفاوت شرایط دول مختلف، متفاوت است. (بوزان، ۱۳۸۹: ۹۰)

امنیت، سیاست را به ورای قواعد جا افتاده بازی می‌برد و مسئله را به صورت نوع ویژه‌ای از سیاسـت یـا بـه شکل چیزی فراتر از سیاست در می‌آورد، بنابراین امنیتی کردن[۱] را می‌توان نوع حـادتـری از سیاسـی کـردن[۲] محسوب کرد. از لحاظ نظری، هر مسئله عمومی اعم از غیر سیاسی و سیاسـی را مـی‌تـوان وارد دایـره امـور امنیتی کرد و در چارچوب طیفی قرار داد که نیازمند اتخاذ تمهیدات اضـطراری اسـت. از ایـن منظـر امنیـت رویه‌ای «خود مرجع» یا معطوف به خود است که طی آن یک مسئله غیرسیاسی یا سیاسی، بدون آنکـه واقعـاً تهدیدی وجودی باشد، یک تهدید امنیتی نمایانده می‌شود. بدین ترتیب تعریف و ملاک دقیق امنیتـی کـردن، جا انداختن یک تهدید وجودی با چنان برجستگی در بین اذهان است که اثرات سیاسی اساسی داشته باشـد. در موقعیتی که رنگ و بوی امنیتی یافته است، یک واحد امنیتی ساز به قواعد اجتماعی که به طـور بینـاذهنی میان واحدها مشترک است تکیه نمی‌کند، بلکه اتکای آن به منابع خود اسـت و مـدعی حـق تعیـین اقـدامات خویش بر اساس اولویت‌های خود می‌شود. البته نهادینه شدن امنیت در گرو به زبان رانـدن آن نیسـت، بلکـه

---

۱ .Securitization

۲ .Politicization

آنچه اهمیت دارد، مشخص ساختن یک تهدید وجودی نیازمند تدابیر اضطراری و پذیرش این ادعا از سوی مخاطبانی چشمگیر است. (بوزان و دیگران، ۱۳۹۲: ۵۶-۵۱)

محوریت نقش دولت‌های ملّی در تمام مباحث و دیدگاه‌های مربوط به امنیت، حکایت از تأثیرپذیری متقابل دو مقوله امنیت و امنیت ملّی از یکدیگر هستند. کما اینکه با استناد به دیدگاه بوزان درباره امنیت و امنیت ملی می‌توان پذیرفت که هر دو تابع وضعیت ابهام‌آمیز موجود هستند که از فقدان تعریف مشخص درباره امنیت و امنیت ملی ناشی می‌شود. نقش دولت در دیدگاه‌های مربوط به امنیت و امنیت منطقه‌ای تا آن اندازه پررنگ است که ممکن است پژوهشگر را به اقناع مبنی بر عدم لزوم تمرکز بر مبحث امنیت ملّی برساند. احتمالاً به همین دلیل است که به سختی می‌توان در مباحث طرح شده در مکتب کپنهاگ بین دو مقوله امنیت و امنیت ملّی تفکیک قائل شد و یا دست‌کم می‌توان ادعا نمود که این دو مبحث به شدت با یکدیگر تنیده شده‌اند. به همین دلیل با سیری اجمالی در مباحث سیاست خارجی و روابط بین‌الملل، می‌توان به این نتیجه دست یافت که امنیت ملّی، اندیشه و عملِ ایجاد امنیت در جهانی از واحدهای ملّی، مسئله‌ای است که بیشتر مفروض واقع می‌شود تا آنکه محل توجه و تفکر قرار گیرد. نظریه‌های امنیت ملّی از بطن نظریه عمومی امنیت ملّی به دست می‌آیند، بی‌آنکه خود آن محل توجه چندانی قرار گیرد. (طاهایی، ۱۳۹۱: ۲۳۷)

به طور کلّی و از این منظر که مبانی نظری امنیت در این پژوهش بر چارچوب پارادایم واقع‌گرایی مطرح شده‌اند می توان گفت امنیت ملّی در اشکال سیاسی و نظامی به صورت حمایت از مرزها و حفظ ارزش‌های یک دولت در مقابل خطرهای محیط بین‌المللی متخاصم تعریف می‌شود. در این چارچوب آنارشی عامل تعیین کننده اولیه ناامنی دولت‌ها محسوب می‌شود که توجیه کننده تلاش برای افزایش قدرت و فعالیت‌های مربوط به موازنه قدرت است. (قوام، ۱۳۸۸: ۳۵۸)

بوزان با استناد به استدلال صریح چارلز شولتز مبنی بر عدم شکل و نتیجه شفاف و دقیق مفهوم امنیت ملّی، علت این ابهامات را خطراتی می‌داند که درباره چگونگی آنها اطلاع چندانی در دست نیست و ماهیت آنها به طور دقیق قابل تصور نمی‌باشد. بوزان همچنین استدلال می‌کند که شرایط سیاسی عمده‌ای که در آن همه معانی امنیت ملّی و بین‌المللی شکل می‌گیرند، زمینه آنارشی را تشکیل می‌دهند. لذا هیچ‌گونه هماهنگی الزامی بین امنیت فردی و ملّی وجود ندارد و اجتناب ناپذیری تناقض بین امنیت ملی

و امنیت فردی باید مورد تأکید قرار گیرد، دولت صرفاً با تحمیل میزانی از تهدید تا حدودی برای فرد تأمین امنیت می کند و این تهدیدات به شکل مستقیم و غیرمستقیم، همراه با اثرات جانبی عمدی و غیرعمدی بر امنیت فردی مسلط می‌شوند. تعداد قابل توجه ملاحظات و سیاست‌های امنیت فردی حداقل از چهار طریق، اثرات قابل توجهی بر امنیت ملّی می‌گذارند:

١. افراد یا گروه‌های شبه دولتی؛
٢. شهروندان به عنوان ستون پنجم احتمالی در حمایت از منافع دولت دیگر؛
٣. فشارهای کلی سیاسی و محدودیت‌هایی که از طرف شهروندان بر دولت تحمیل می‌شود؛
٤. افراد به عنوان رهبران دولت‌ها. (بوزان، ١٣٨٩: ٧٢-٣٢)

به غیر از افراد دولت‌ها نیز امنیت ملّی تأثیر گذارند، اما مسئله مهم این است که ماهیت امنیت ملی به طور بنیادین از دولتی به دولت دیگر متفاوت است. همه دولت‌ها نسبت به تهدیدات نظامی و زیست محیطی آسیب‌پذیرند و همه در معرض تهدیدات اقتصادی قرار دارند و بسیاری از آنها از فقدان امنیت سیاسی و اجتماعی به طور جدی رنج می‌برند. اجزاء گوناگون دولت نسبت به تهدیدات مختلفی آسیب‌پذیر هستند و به همین دلیل مسئله امنیت ملّی از ابعاد زیادی مطرح می‌شود که بسیاری از آنها مربوط به دفاع نظامی نیست. واضح‌ترین نتیجه ناشی از تنوع مسائل امنیت ملّی وضوح انتقال یا تبدیل موارد خاص به طیفی از انواع قابل تفکیک است. تفکیک بین دولت‌های ضعیف و قوی برای تحلیل امنیت ملّی مهم است، اما واقعیت اینجاست که همانند ابهام در تعریف امنیت، امنیت ملّی و مسئله امنیت ملّی برای هر دولت، هیچ شاخص واحدی به تنهایی قادر به تعریف و تبیین اختلاف بین دول ضعیف و قوی نیست، اما به طور کلّی می‌توان انتظار داشت که با احتساب برخی استثنائات دولت‌های ضعیف از شش ویژگی به شرح زیر برخوردار باشند:

١. سطوح بالایی از خشونت سیاسی؛
٢. نقش مشکوک پلیس سیاسی در زندگی روزمره مردم؛
٣. کشمکش عمده سیاسی در ایدئولوژی سازمان دهنده دولت؛
٤. فقدان هویت انسجام یافته ملّی یا حضور هویت‌های ملّی رقیب در دولت؛

۵. فقدان سلسله مراتب روشن و مشهود اقتدار سیاسی؛

٦. میزان بالایی از کنترل بر رسانه‌های جمعی. (بوزان، ۱۳۸۹: ۱۲۲-۱۱۹)

در دولت‌های قوی امنیت ملی از دیدگاه حفاظت دولت از اجزاء آن در برابر تهدید و مداخله خارجی نگریسته می‌شود، اما در دولت‌های ضعیف که مفهوم امنیت ملّی مستلزم اهداف ملی است، چنین نگرشی بی‌معناست، نهادها در چنین کشورهایی خود بزرگترین تهدید محسوب می‌شوند، امنیت ملّی تقریباً بی‌محتواست و نکات معنی‌دار امنیتی را می‌بایست در اراده واحدهای شبه‌حکومتی یافت. از این منظر تفکیک بین دولت‌هایی که مسائل مهم امنیتی آنها جنبه داخلی دارد، از دولت‌هایی که مسائل مهم امنیتی آنها مربوط به خارج است برای درک امنیت ملّی از اهمیت بالایی برخوردار است. هر قدر دولت ضعیف‌تر باشد معنی امنیت ملّی آن مبهم‌تر است. امنیّت ملّی اغلب به رابطه دولت با محیط مربوط است و تا وقتی که وضع داخلی دولت مشوّش باشد، امنیت نخواهد داشت. دولت‌های قوی، دارای منبع اقتدار واحد و برخوردار از مشروعیت گسترده در بین مردم هستند و دولت جامعه رابطه نزدیکی دارند. بنابراین در دولت‌های قوی مسائل داخلی نقش نسبتاً کوچکی در امور امنیت ملّی بازی می‌کنند و مفهوم امنیت ملّی ناظر بر حفظ استقلال، هویت سیاسی و راه و روش اداره امور در مقابل تهدیدات خارجی است. بنابراین به طور خلاصه می‌توان نتیجه گرفت که مفهوم خارجی امنیت ملّی مناسب دولت‌های قوی است و حتی می‌توان استدلال کرد که دولت‌های قوی برای حفظ سطوح بالاتری از انسجام داخلی، دست به بزرگ جلوه دادن تهدیدهای خارجی می‌زنند. در این طیف هرچه به سمت دولت‌های ضعیف پیش می‌رویم، تعیین موضوع اصلی امنیّت سخت‌تر می‌شود و جنبه خارجی امنیت ملّی جای خود را به دستور کار داخلی تهدیدات می‌دهد. (بوزان، ۱۳۸۹: ۱۲٦-۱۲۳)

بررسی ادبیات و پیشینه پژوهشی مباحث امنیت ملّی، حکایت از این دارد که در درک‌های رایج از امنیت ملّی، در عمل، امنیّت رسیدن به آرامش نیست، بلکه بیشتر اقدام علیه منابع ناامنی است و این، تصدیق این رهیافت است که امنیت در جهانِ سیاست‌های ملّی، اثبات‌پذیر نیست؛ می‌توان ثابت کرد که نارسایی امنیتی وجود دارد، اما نمی‌توان تصور وجود امنیت را ثابت کرد. به یک عبارت، دولت‌های ملّی صورت منفی امنیت را مدنظر قرار می‌دهند نه معنای مثبتی از آن را، یعنی بیشتر به ایمنی از خطر می‌اندیشند تا به

حصول امنیت. با چنین منطقی در اقدام برای امنیت ملّی، در اغلب مواقع، اقدام دولت‌های ملّی علیه منابع ناامنی‌شان، ناامنی را در جای دیگر یا در سطحی دیگر بازتولید می‌کند. ترساندن یا نگران ساختن دولت‌های همسایه و پیرامون، غیرمستقیم خبر از وقوع و زایش حس دشمنی در منطقه می‌دهد. به نحوی طنزآمیز، هرنوع اقدام دولت ملّی مدرن برای تأمین امنیت خود، اغلب همانا اقدام برای افزایش ناامنی است. (طاهایی، ۱۳۹۱: ۲٤٦-۲٤٥)

جدول ۲-۱- آسیب‌پذیری‌های امنیت ملی دولت‌های قوی و ضعیف

قدرت	انسجام اجتماعی و سیاسی	
	قوی	ضعیف
کوچک	آسیب پذیری نسبی نسبت به اکثر انواع تهدیدات	بسیار آسیب‌پذیر در مقابل اکثر تهدیدات
بزرگ	آسیب پذیری خاص نسبت به تهدیدات نظامی	آسیب پذیری خاص نسبت به تهدیدات سیاسی

(بوزان، ۱۳۸۹: ۱۳۸)

با پذیرش این فرض که امنیت ملّی دولت‌های قوی معطوف به بخش خارجی است «سطح» مسئله‌ای است که در تمامی انواع تحلیل‌های امنیتی مطرح است. تعیین سطح تحلیل[1] به خصوص در نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای برای تشخیص بازیگران، مسائل و پویش‌های تعامل از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و راه‌گشا خواهد بود. سطوح تحلیل، کانون‌هایی هستند که نتایج و منابع تبیین را مشخص می‌کنند. نظریه‌ها می‌توانند، تبیین‌های علت و معلولی خود را بدون محدودیت نزولی یا صعودی بودن آن، از یک سطح شروع و به سطح دیگر ختم کنند. در بررسی روابط بین‌الملل، سطوح پنج‌گانه‌ای به شرح زیر فراگیر شده است:

(بوزان و دیگران، ۱۳۹۲: ۲۲-۲۳)

۱. نظام‌های بین‌المللی[2]: به معنی بزرگترین مجموعه‌های متشکل از واحدهای متعامل یا به هم وابسته که هیچ‌گونه سطح سیستمی بالاتر از آن وجود ندارد و در شرایط کنونی در برگیرنده کلّ کره زمین است.

۲. خرده نظام‌های بین‌المللی[3]: گروه‌هایی از واحدها در نظام بین‌المللی که به دلیل نوع یا شدت تعامل با یکدیگر از کلّ نظام بین‌الملل قابل تشخیص هستند. خرده نظام‌ها ممکن است مثل «آ.سه.آن» از

---

۱ .levels of analysis

۲ .International system

۳ . International Subsystems

یک قلمرو منسجم در جنوب شرقی آسیا برخوردار باشند و ممکن است مثل «اُپک» فاقد چنین قلمرویی باشند که در شکل اوّل واجد ویژگی منطقه و در حالت دوّم صرفاً یک خرده نظام هستند.

۳. واحدها[1]: بازیگران شکل گرفته از خرده گروه‌ها، سازمان‌ها، جوامع و افراد مختلف که انسجام بین آنها، این واحدها را از یکدیگر متمایز می سازد. واحدها در سطوح بالاتر اعم از دولت‌ها، کشورها و سازمان‌های فراملی نیز دارای جایگاه هستند.

٤. واحدهای فرعی[2]: گروه‌های سازمان یافته متشکل از افراد در داخل واحدها که قادر به تأثیرگذاری بر رفتار آن واحد هستند یا حداقل برای تأثیرگذاری بر آن تلاش می‌کنند.

۵. افراد[3]: افراد نازل‌ترین سطح تحلیل محسوب می‌شوند.

معمولاً در روابط بین‌الملل هویت نظام‌ها را برحسب بخش‌های خاص فعالیت که در دل آنها صورت می‌گیرد معین می‌کنند که نظام اقتصادی بین‌الملل یا نظام سیاسی بین‌الملل نمونه‌های آن محسوب می‌شوند. بخش‌ها[4] مشخص کننده گونه‌های تعامل است. به عنوان مثال بخش نظامی ناظر بر مناسبات مبتنی بر اجبار قهرآمیز است و بخش سیاسی ناظر بر مناسبات اقتدار، منزلت حکمرانی و شناسایی است. باری بوزان، بخش‌های مطرح در تحلیل امنیت را به پنج مورد تقسیم می‌کند: (بوزان و دیگران، ۱۳۹۲: ۲۵)

۱. امنیت نظامی: به طور کلی امنیت نظامی با تعامل در دو سطح که عبارت از توانایی های آفندی و پدافندی مسلحانه دولت‌ها و دیگری برداشتی که دولت‌ها از نیّات یکدیگر دارند سر و کار دارد.

۲. امنیت سیاسی: شامل ثبات سازمانی دولت‌ها، نظام‌های حکمرانی و ایدئولوژی‌هایی که به آنها مشروعیت می بخشد باز می‌گردد.

۳. امنیت اقتصادی: امنیت اقتصادی با دسترسی به منابع، پول و بازارهای لازم برای حفظ سطوح قابل قبولی از رفاه و قدرت دولت سر و کار دارد.

---

۱ .Units

۲ .Sub units

۳ .Individuals

٤ .Sectors

۴. امنیت جامعه‌گانی: به پایداری الگوهای سنتی زبان، فرهنگ و مذهب و هویت و عرف ملی، در عین تحول آنها در محدوده‌های قابل قبول باز می‌گردد.
۵. امنیت زیست‌محیطی: با حفظ زیست محیط محلی و کلّ کره زمین به عنوان اصلی‌ترین نظام پشتیبان که هر فعالیت بشری دیگری به آن وابسته است سر و کار دارد.

بکارگیری بخش‌ها از این منظر اهمیت دارند که بواسطه کمتر شدن شمار متغیرهای دخیل، دامنه تحقیق به مرزهایی محدود می‌شود که آن را مدیریت پذیرتر می‌سازد. روش تحلیلی بخش‌نگر از فروشکستن کل آغاز می‌گردد ولی باید در پایان بار دیگر بخش‌ها در کنار هم قرار بگیرند و از نو کل را بسازند که هدف از ایجاد این فرایند تنها ساده‌سازی و روشنگری است، البته همانطور که در مقدمه فصل دوم بیان شد، علیرغم توسل به فراخ‌گرایی در حوزه امنیت، دستور کارهای این پژوهش در چارچوب نظری همچنان در محدوده سنتی قرار دارد و طبعاً از حوزه نظامی – سیاسی فراتر نخواهد رفت.

امور نظامی بخشی است که روند امنیتی شدن مسائل در آن فوق‌العاده نهادینه شده است. در بخش نظامی، دولت هنوز مهم‌ترین موضوع امنیت است و نخبگان حاکم دولت‌ها مهم‌ترین بازیگران امنیتی کننده مسائل هستند. دلایل این وضعیت از یک سو منابع نظامی فزون‌تری است که تحت فرمان دولت‌ها هستند و از سوی دیگر به جایگاه نخبگان بازمی‌گردد که مدعیان اصلی حق مشروع کاربرد زور در داخل و خارج قلمرو فرمانروایی خود هستند. البته علاوه بر دولت‌ها، مباحثی نظیر قبایل، مذهب، ملیت‌ها، قومیت‌ها، جنبش‌های شورشی و سازمان‌های فرا و فرو ملی مواردی هستند که از استعداد کافی برای تبدیل شدن به موضوع‌های امنیت برخوردارند. این موضوع‌ها دولت‌ها را در برابر چالش‌هایی که از درون ریشه می‌گیرند آسیب‌پذیر می‌سازند. این واحدها بعلاوه جدایی طلب‌ها، وحدت طلب‌ها و انقلابی‌ها، تشکیل دهنده واحدهایی هستند که مدعی تشکیل دولت‌اند، اما هنوز از قدرت کافی برای آزاد ساختن خود از قید حکومت دیگران یا برانداختن حکومت آنها برخوردار نیستند و سایر دولت‌ها نیز آنها در سطح گسترده به رسمیت نشناخته‌اند. سرشت واحدهای خواهان تشکیل دولت و جایگاهی که در نظام بین‌المللی دارند به این معنی است که آنها مکرراً موضوع علاقه و عمل نظامی قرار می‌گیرند و امنیتی می‌شوند. آنها را به راحتی می‌توان به عنوان تهدیدی برای دولت و حاکمیت جلوه داد و بواسطه فعالیت‌های شبه دولتی که انجام

می‌دهند می توانند دولت موجود را به توسل بـه زور نظـامی بـرای تضـمین انحصـار خـودش بـر خشـونت برانگیزند. (بوزان و دیگران، ۱۳۹۲: ۹۵-۹۰)

سودای تبدیل شدن به دولت و ظهور خشونت، بازیگران امنیتی کننده در مـرز میـان امنیـت بـین‌الملـل و امنیت داخلی قرار می‌دهد و درخواست عمل به نام اصول کلی مانند حقوق بشـر، امنیـت جمعـی، ثبـات بین‌المللی یا مبارزه با تروریسم و منع گسترش جنگ افزارهای هسـته‌ای یـا کشـتار جمعـی را بـه عنـوان موضوع های امنیت مطرح می‌سازد و در دسـتور کـار نظـامی قـرار مـی‌دهـد. بخـش نظـامی، عـلاوه بـر موضوع‌های امنیت و بازیگران امنیتی‌کننده از حیث بازیگران صاحب نقـش نیـز بسـیار غنـی اسـت. ایـن بازیگران از یک سو در برگیرنده عوامل زور اعم از ارتش‌ها، یگان‌های مزدور و دیوان‌سالاری‌های دفـاعی هستند و از سوی دیگر نظیر شرکت‌های تسلیحاتی فراهم کننده ابزارهای زور و اجبارند که مهم‌ترین آنها صنایع تسلیحاتی هستند. (بوزان و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۰۱- ۹٦)

همانطور که پیش‌تر اشاره شد، تهدیدها و آسیب‌پذیری‌ها اساساً فرایندی بیناذهنی محسوب می‌شوند، اما منطق تهدیدها و آسیب‌پذیری‌های نظامی بین دو واحد بین‌المللی، تابعی از تعامل میان توانایی‌های نظامی و میزان دوستی و دشمنی آنهاست که هر دو حاصل غیر امنیتی کردن مسائل هستند. وقتـی رونـد امنیتـی کردن در چارچوب مناسـبات خصـمانه صـورت گیـرد، تهدیـدها و آسـیب‌پـذیری‌هـا اساسـاً برحسـب توانایی‌های نظامی تجاوزگران احتمالی ارزیابی خواهد شد. هنگام انجام این محاسبات توانایی‌های مطلـق مهاجمان بالقوه و نسبت آن به توانایی‌های واحد محاسبه کننده مد نظر قرار می‌گیرند. توانایی‌هـای مطلـق مهاجمان بالقوه تعیین کننده سرشت و حجم تهدیدهای نظامی است، لذا بزرگی و تجهیزات ارتش‌هـا تعیـین کننده نوع تهدیدی است که آنها می‌توانند مطرح کنند. دیالکتیک توانایی‌های نظامی نسبی بعد از آنکه امنیتـی کردن مسائل ریشه گرفت می‌توان با توجه به تغییرات توانمندی، فن‌آوری و راهبرد، تا بی‌نهایت میـان رقبـای قدیمی گسترش داد. این دیالکتیک در وضعیت کلان به مسئله انتخاب میان ایجاد توازن قدرت یا رقصیدن به هر سازی ختم می‌شود. بنابراین این پرسش‌ها طرح می‌شود که آیا بهترین شیوه تضمین امنیت نظـامی ایجـاد توزان از داخل بواسطه تقویت توانمندی‌هاست؟ یا ایجاد توازن از خارج بواسـطه همپیمانـانی کـه تهدیـداتی مشابه ما احساس می‌کنند؟ و یا به هر سازی رقصیدن اعم از مماشات با سرچشمه اصلی تهدید یا تسـلیم آن

شدن؟ در دستور کار نظامی به طور کلی ابزارها (قدرت) قابل معاوضه هستند و قدرت نظامی نسبتاً به راحتی انباشته، محاسبه و منتقل می‌شود:

اگر (الف)، (ب) را تهدید کند و (پ) هم که بر اثر درگیری با (ت) ضعیف شده است از (الف) بترسد، (پ) می‌تواند با مطرح ساختن تهدید دیگری برای (الف)، شاید از طریق کمک خواستن از متحد خودش (ث) به کمک (ب) بیاید. (بوزان و دیگران، ۱۳۹۲: ۲۵۲)

امنیت سیاسی[۱] ناظر بر ثبات سازمانی نظم‌های اجتماعی است. ذات بخش سیاسی را تهدیدهای مطرح برای حاکمیت دولت تشکیل میدهد. از این هسته اصلی، ملاحظات امنیت سیاسی در دو جهت تعمیم می‌یابد:

۱. تهدیدهای غیرنظامی هم ارز که برای واحدهای سیاسی غیر از دولت نیز مطرح است؛

۲. موضوعات سیستمی مانند جامعه بین‌الملل یا حقوق بین‌الملل

امنیت سیاسی وسیع‌ترین «بخش» محسوب می‌شود و به همین دلیل هر آنچه در دیگر بخش‌های دیگر جایی نداشته باشد آن جای می‌گیرد. لذا از جهتی امنیت کلاً امری سیاسی است و همه تهدیدها و هرگونه دفاع در برابر آنها به شیوه سیاسی ساخته و پرداخته و تعریف می‌شوند. سیاسی کردن مسائل طبق تعریف، کاری سیاسی است و بر همین اساس امنیتی کردن مسائل نیز یک کنش سیاسی محسوب می‌شود.

(بوزان و دیگران، ۱۳۹۲: ۲۲۵– ۱۰۲)

تهدیدهای سیاسی، ثبات سازمانی دولت را هدف گرفته‌اند. این تهدیدها می‌توانند هدفهای مختلفی را دنبال کنند و از تحت فشار گذاشتند حکومت در زمینه سیاستی خاص تا براندازی حکومت، دامن زدن به جدایی‌طلب و از هم گسیختن کالبد سیاسی دولت به قصد تضعیف آن پیش از حمله نظامی را در برگیرد. آماج معمول تهدیدهای سیاسی، اندیشه دولت به ویژه هویت ملی و ایدئولوژی سازمان‌بخش آن و نهادهایی است که تجلی آن به شمار می‌روند. چون دولت اساساً موجودیتی سیاسی است ممکن است تهدیدهای سیاسی به همان اندازه تهدیدهای نظامی مرعوب کننده باشند، بویژه در حالتی که آماج تهدیدها دولت ضعیفی باشد. بدین ترتیب تهدیدهای سیاسی از دو جهت دولتها را مورد حمله قرار می‌دهند:

---

۱. Political security

۱. مشروعیت داخلی واحد سیاسی که عمدتاً بـه ایـدئولوژی‌هـا و دیگـر اندیشـه‌هـای سـازنده و موضوعات تعریف کننده دولت؛
۲. شناسایی دولت از سوی جهان خارج و مشروعیت خارجی آن

همانند بخش نظامی، در نظام سیاسی بین‌المللی معاصر، شکل غالب سـازمان سیاسـی، دولـت سـرزمینی است که آشکارا موضوع اصلی امنیت سیاسی به شمار می‌رود. همچنین به مثابه دستور کار نظـامی دیگـر سازمان‌های سیاسی شبه دولت یا موازی با دولت که گاه می‌توانند موضوع امنیت در سطح واحـدها قـرار گیرند عبارتند از:

۱. شبه ابر دولت‌های در حال ظهور، نظیر اتحادیه اروپا
۲. گروه‌های اجتماعی فاقد دولت که خود مستقلاً سازمان یافته‌اند. قبایـل، اقلیـت‌هـا و عشـیره‌هـا نمونه‌هایی هستند که مورد شناسایی بین‌المللی قرار نگرفته‌اند، اما نهادهـای سیاسـی نیرومنـدی محسوب می‌شوند.
۳. جنبش‌های فراملی که قادر به جلب بالاترین درجه هواداران هسـتند و جنـبش‌هـای ایـدئولوژیک و مذاهب جهانی نیز در چارچوب آنها قرار می‌گیرند. (بوزان و دیگران، ۱۳۹۲: ۲۳۳-۲۳۰)

اگر دولت برخوردار از حاکمیت به عنوان پیکره اصلی بخش سیاسی تهدیدها و آسیب‌پذیرهای آن دارای مؤلفه های سه گانه زیر خواهند بود:

۱. اندیشه قوام‌بخش دولت
۲. مبنای فیزیکی دولت
۳. نهادهای دولت (بوزان و دیگران، ۱۳۹۲: ۲۳۸-۲۳۰)

با تهدید اندیشه‌های قوام‌بخش میتوان ثبات نظم سیاسی را در معرض تهدید قرار داد. اینگونه تهدیدها ممکن است با زیر سؤال بردن ایدئولوژی مشروعیت‌بخش متوجه ساختار موجود حکومت باشند یا با تشویق جدایی گزیدن از هویت دولتی یکپارچگی سرزمینی را هدف قرار دهند و یا بـا ایجـاد تردیـد در حـق دولـت بـرای خودمختاری، موجودیت خود دولت را هدف قرار دهند. کانون اصلی بیشتر این تهدیدها در مورد دولـت‌هـا، حاکمیت است. تهدیدهای وجودی مطرح برای یک دولت تهدیدهایی است که نهایتاً حاکمیـت آن را نشـانه

می‌گیرند. لذا هرآنچه را که بتوان به صورت نقض حاکمیت (مداخله) جلوه داد میتوان به عنوان مسئله‌ای امنیتی مطرح کرد. بسته به اینکه دولت دچار چگونه ضعف‌هایی باشد نگران آسیب پذیری‌های گوناگونی خواهد بود و مسائل و موقعیت‌های متفاوتی را امنیتی خواهد کرد. (بوزان و دیگران، ۱۳۹۲: ۲٤۲–۲۳۸)

در مورد شکاف‌های قومی به دلیل آنکه معمولاً دولت و ملت با هم مطابقت ندارند، استعداد بی‌ثباتی وجود دارد. اگر بخشی از جمعیت خواهان تشکیل دولت خود باشند، بی‌ثباتی شکل جدایی‌طلبی پیدا می‌کند؛ اگر قدرتی مدعی تعلق بخشی از مردم کشور به خودش باشد، موضوع تصرف و مصادره پیش می‌آید یا آنکه در همین چارچوب دولت دیگری مدعی می‌شود. در همه این موارد پای بازیگران خارجی در میان است و به همین دلیل اقدامات آنها را می‌توان به سهولت محرک این تهدید بالقوه انگاشت. مداخله خارجی در حالت وجود شکاف‌های داخلی ایدئولوژیک نیز محتمل است و اگر نظم سیاسی جهانی در ترویج اصولی چون مردم‌سالاری یا حقوق بشر با نظم سیاسی موجود در دولت همخوانی نداشته باشد، تهدید ساختاری نیز از سوی جامعه بین‌المللی به دولت تحمیل می‌شود. این تهدیدها بویژه در مورد دولت‌های انقلابی چالش برانگیز هستند. (بوزان و دیگران، ۱۳۹۲: ۲٤٤–۲٤۳)

بر این اساس ماهیت تهدیدها مسئله مهم و تأثیرگذاری در پویش‌های منطقه‌ای محسوب می‌شود که باید آن را مورد ارزیابی قرار داد. به طور کلی نُه تهدید بر منطقه‌ای یا غیر منطقه‌ای بودن پویش‌ها تأثیرگذارند:

۱. تهدیدهای عمدی که مبتنی بر شکاف دولت– ملت، متوجه دولت‌های ضعیف است؛
۲. تهدیدهای عمدی که مبتنی بر دلایل سیاسی– ایدئولوژیک، متوجه دولت‌های ضعیف است؛
۳. تهدیدهای ناخواسته‌ای که واحدها متوجه دولت‌های دچار آسیب‌پذیری‌های ناشی از شکاف دولت – ملت می‌کنند؛
٤. تهدیدهای غیرعمدی که به دلایل سیاسی– ایدئولوژیک، متوجه دولت‌هاست؛
۵. امنیت همگرایی فوق ملی منطقه‌ای و امنیت در برابر آن؛
٦. تهدیدهای اصولی سیستمی که متوجه دولتهای آسیب‌پذیر از شکاف دولت– ملت است؛
۷. تهدیدهای ساختاری (سیستمی) که به دلایل سیاسی– ایدئولوژیک متوجه دولت‌های ضعیف است که نظم سیاسی یک دولت توسط جامعه بین‌المللی به چالش کشیده می‌شود؛

۸. تهدیدهای مطرح برای جنبش‌های فراملی کـه بـالاترین درجـه وفـاداری را اعضـای خـود طلـب می‌کنند؛

۹. تهدیدهایی که متوجه جامعه، نظم و حقوق بین‌الملل است. (بوزان و دیگران، ۱۳۹۲: ۲۴۹–۲۴۵)

۲–۲– دیدگاه‌های نظری امنیت

امنیتی کردن مسائل را باید مانند سیاسی کردن آنها نوعی فرایند اساساً بیناذهنی[۱] تلقی کرد. وقتی دولت‌هـا یا ملت‌ها موضوعی را به درستی یا نادرستی، امنیتی تلقی می‌کنند، خود این امر واقعیتی سیاسی است کـه پیامدهایی دارد، زیرا امنیتی انگاشتن آن موضوع سبب می‌شود بازیگر یاد شده به شیوه‌ای متفاوت با آنچه در غیر این صورت عمل می‌کرد رفتار کند. امنیتی بودن یا نبودن یک مسئله چیـزی نیسـت کـه افـراد بـه تنهایی درباره آن تصمیم بگیرند، امنیتی کـردن مسـائل، فراینـدی بینـاذهنی اسـت و در اجتمـاع صـورت می‌پذیرد. توفیق در امنیتی کردن مسائل، توسط کسی که مسئله‌ای را امنیتی می‌کند معین نمی‌شود، بلکه به مخاطبان کنش گفتاری امنیتی بستگی دارد، یعنی اینکه مخاطبان آن مسئله را به عنوان یک تهدید وجودی برای ارزشی مشترک بپذیرند. بر این اساس امنیت نیز مانند هر جزء دیگری از سیاست، نهایتاً نه بـر عـین استوار است و نه بر ذهن، بلکه امری بیناذهنی است. از سوی دیگر ویژگی‌های خود تهدید از مهـم‌تـرین «شرایط تسهیل کننده»[۲] کنش گفتار امنیتی هستند و آن را نتیجـه بخـش مـی‌سـازند. کـنش گفتـار امنیتـیِ موفقیت آمیز، تلفیقی از زبان (شرایط درونی) و جامعه (شرایط بیرونی) است که شرایط تسهیل کننـده آن به ترتیب زیر قابل جمع‌بندی است:

۱. ضرورت درونی پیروی کنش گفتاری از دستور زبان امنیت؛

۲. شرایط اجتماعی مرتبط با جایگاه اقتدار بازیگر امنیتی کننده که به پذیرش ادعاهای مطرح شده در تلاش برای امنیتی کردن مسئله توسط مخاطبان بیانجامد؛

۳. ویژگی‌های تهدیدات ادعایی که یا امنیتی شدن موضوع را تسهیل می‌کنند یا مانع آن می‌شوند.

---

۱. Intersubjective

۲. Facilitating conditions

(بوزان و دیگران، ۱۳۹۲: ٦٥–٦١)

در رویکرد مبتنی بر کنش گفتاری در قبال امنیت، سه نوع واحد در تحلیل امنیت قابل تمایز هستند:

۱. موضوع‌های امنیت[1]: چیزهایی که موجودیتشان در معرض تهدیـد انگاشـته مـی‌شـود و دعـوی مشروعی برای بقا دارند.

۲. بازیگران امنیتی کننده[2]: بازیگرانی که با اعلام در معرض تهدید بودنِ موجودیت چیزی، مسـائل را امنیتی میکنند.

۳. بازیگران صاحب نقش[3]: بازیگرانی که بر پویش‌های یک بخش تأثیر می‌گذارند. آنها بدون اینکه موضوع امنیت یا بازیگر امنیتی کننده باشند تأثیر چشمگیری بر تصمیمات اتخاذ شده در حـوزه امنیت می‌گذارند، لذا حتی ممکن است در راستای امنیتی نشدن مسائل در تلاش باشند.

(بوزان و دیگران، ۱۳۹۲: ۷۰–٦۹)

امنیت، جامعه بین المللی و آنارشی

جامعه بین‌المللی متشکل از دولت‌هاست و تفاوت آن با سیستم، اهمیت رفتار هر یک از دولت‌ها به عنوان یک عامل ضروری در محاسبات سایرین است. در جامعه بین‌المللی دولت‌ها برای روابط خـود، قواعـد و نهادهای مشترکی از طریق مذاکره و رضایت ایجاد کرده‌اند و برای حفظ این ترتیبات، منافع متقابل خـود را به رسمیّت شناخته‌اند. بنابراین جامعه بین‌المللی متفاوت از سیستم بین‌المللی است. سیستم، بنیادی‌تر و در جایگاهی بالاتر از جامعه، حاصل کنش و واکنش‌های اساسی اسـت، امـا زمـانی کـه واحـدهای یـک سیستم اهمیت و دوام وابستگی متقابل را درک کنند، برای اجتناب از کشمکش‌هـای ناخواسـته و تسـهیل مبادلات مطلوب قواعدی را تهیه می‌کنند. جامعه بین‌المللی دارای رابطه تنگاتنگی با ایده نظم بـین‌المللـی است که در آن نحوه تنظیم حیات اجتماعی اهداف و ارزش‌های معینی را ترویج می‌کند. شارحان مکتـب

---

۱ .Referent objects

۲ . Functional actors

۳ . Functional actors

انگلیسی نظیر «هدلی بول»، این وضعیت را که در اثر افزایش شدید و دائمی وابستگی متقابل، به سلطه هنجارها، نهادها و ارزش‌ها بر کلّ نظام می‌انجامد، نقطه اوج جامعه بین‌المللی تلقی می‌کنند. چون جامعه نسبتاً منسجم و توسعه یافته بین‌المللی به سرعت کرده خاکی را در بر می‌گیرد. البته نقض احترام به دیپلماسی توسط رژیم‌های رادیکال و تقسیمات عقیدتی (ایدئولوژیک) از آفت‌های شکل‌گیری جامعه بین‌المللی هستند، اما اجماع قدرت‌های بزرگ حول این نکته که جنگ روش مفیدی برای حلّ و فصل اختلافات نیست به شکل‌گیری نوعی هنجار کوچک منجر شده که البته در همه مناطق از کارکرد مناسبی برخوردار نیست. (بوزان، ۱۳۸۹: ۱۹۸–۱۹۱)

با وجود این شکل‌گیری جامعه بین‌المللی عامل مهمی برای امنیت جهانی است که موجبات سهولت پذیرش مشروعیت دولت‌ها توسط یکدیگر را فراهم می‌آورد و ارتباط غیر خشونت‌آمیز را بین آنان امکان‌پذیر می‌سازد، زیرا دولتها درون جامعه آنارشی هنجارهایی را اتخاذ می‌کنند تا رفتار خود و دیگران را بواسطه آن مورد سنجش قرار دهند، تنظیم کنند و به آن نظم ببخشند. ایجاد هنجارها زمانی از اهمیت بالا برخوردار می شود که در نتیجه شدت روابط درون سیستم، دولت‌ها و به خصوص دولت‌های قوی از پیامد رفتارهای دیگران در امان نباشند. (بوزان، ۱۳۸۹: ۱۹۹)

آنارشی بین‌المللی مقوله‌ای است که پژوهش حاضر بر پهنه آن حرکت خواهد کرد. واقعیت اینجاست که آنارشی بین‌المللی چارچوبی با ویژگی‌های نسبتاً ثابت نیست و اشکال بسیاری از آن قابل تصور هستند. برخی اشکال آن مسئله امنیتی را تشدید می‌کنند و برخی دیگر آن را تخفیف می‌دهند. در آنارشی ناقص، جامعه بین‌المللی شکل نمی‌گیرد و اعضاء سیستم بین‌المللی دارای هنجارهای مشترک یا قواعد و سنت‌هایی بین خود نیستند. روابط بازیگران در آنارشی ناقص شدیداً تحت تأثیر هراس، بی‌اعتمادی، دشمنی، تحقیر، بی‌تفاوتی و اهانت است. واحدها تنها به زور رهبری نخبگان به هم پیوند می‌خورند و هر دولتی به غیر از خود برای دیگران مشروعیتی قائل نیست و رابطه دولت‌ها در قالب تلاش بی‌وقفه برای سلطه بر یکدیگر نمود می‌یابد. تلاش برای سلطه، باعث جنگ‌های بی‌پایان می‌شود و طرح مشروعیت یا حقوق واحدهای دیگر از شدّت کشمکش نمی‌کاهد. اصل حاکم بر این سیستم، بقای اصلح است و چیزی جز توزیع قدرت و افزایش سطح توانایی‌ها نمی‌تواند از وحدت سیستم تحت سلطه قوی‌ترین

بازیگران جلوگیری کند. در چنین شرایطی، ثبات واحدها به کسب قدرت وابسته و دامنه نـاامنی در بـین دولت‌ها امری گسترده و خودکار است. در شرایط آنارشی ناقص، توازن قدرت توسط یک بازیگر بر هـم خواهد خورد و تلاش این بازیگر برای متحد ساختن سیسـتم تحـت سـلطه اش آن را بـی‌ثبـات خواهـد ساخت. (بوزان، ۱۳۸۹: ۲۰۰–۱۹۹)

در «آنارشی کامل»، ساز و کارها بر توسعه معیارهایی مبتنی است که دولت‌ها با توسل به آنها ضـمن تحکـیم هویّت و مشروعیت خود، هویّت و مشروعیت یکدیگر را نیز پذیرفته و به رسمیت می‌شناسـند. در «آنارشـی کامل»، دولت‌ها علاوه بر قدرت نسبی درونی، از قلمرو و نهادهای بسیار با ثبات و توسعه یافته برخوردارنـد که زمینه‌ساز شکل‌گیری جامعه بین‌المللی قدرتمند بر پایه شناخت و پذیرش متقابل خواهد بود. در ایـن نـوع از آنارشی تساوی در حاکمیت، مرزهای سرزمینی، و پذیرش متقابل به رسمیت شناخته می‌شـود. در آنارشـی کامل شرایط از دولتها میخواهد که انسجام و ثبات داخلی خود را به جامعه دولت‌ها تسری دهنـد، زیـرا اگـر همه دولتها از نظر داخلی به شکل دولت- ملت یا ملت- دولت، توسعه یابند، احترام بـه ملـت‌هـا بخشـی از هنجارهای بین‌المللی را تشکیل خواهد داد و هنجارهای کامل آنارشی مبنـای احتـرام متقابـل واحـدها قـرار می‌گیرد. هنجارهای دیگر نظیر عدم مداخله در امور داخلی، احترام به ایدئولوژی های سازمان دهنـده دیگـر، احتراز از توسّل به زور در حلّ مناقشات و حمایت از نهادهای مختلف بین‌المللی برای برخورد با مسائل چند ملیّتی، ساز و کار اجتماعی «آنارشی کامل» را تقویت می‌کند. (بوزان، ۱۳۸۹: ۲۰۲–۲۰۱)

کشمکش‌های قدرت، امنیت و تجدید نظرطلبی

کشمکش برای قدرت و امنیت از ویژگی‌های بنیادی حیات در نظام آنارشیک که دامنه‌اش از تسلیحات تا قرار داشتن آن در اختیار دیگران ادامه دارد. تفکیک بین کشمکش قدرت و کشمکش امنیتی کار دشواری است که از پیچیدگی‌ها و ابهامات در تفکیک بین وضع موجود و قدرت‌های تجدیدنظر طلب و نیز ابهامـات در تغییـر موضع گیری نظامی دول دیگر نشأت می‌گیرد. همه تبیین‌های مربوط بـه چگـونگی افـزایش نـاامنـی بوسـیله آنارشی بر ضرورت «خود – اقدامی»[1] تأکید می‌کنند که یک ساختار سیاسی نامنسجم بـر واحـدهای تشـکیل

۱ . Self-help

دهنده خود تحمیل می‌کند. دولت‌ها در تلاش برای قدرت و امنیت خود، ممکن است به راحتی اهداف قدرتی و امنیتی دول دیگر را در معرض تهدید قرار دهند. ریشه‌های رفتار ستیزه‌جویانه را باید در ویژگی‌های سیاسی داخلی دولت‌ها، شخصیت رهبران و الگوهای توزیع قدرت که فرصت‌ها را ایجاد و جاه طلبی‌های تجدید نظر طلبانه را ترویج می‌کنند جستجو نمود. این توجیه برای کشمکش و ناامنی، «کشمکش قدرت» نام دارد. پویایی ساختاری و نسبی دولت‌ها و سیستم، مثل فراگردهای تصمیم‌گیری پراکنده، سوءتفاهم و سوءبرداشت، مسابقه تسلیحاتی و پیچیدگی منافع و برداشت‌های متعارض در سیستم مبتنی بر وابستگی متقابل شدید «کشمکش امنیت» نام دارد. چون سیستم بین‌المللی را نمی‌توان صرفاً از دیدگاه تلاش برای قدرت یا امنیت توجیه کرد، هیچ کدام از این الگوها قابلیت ارائه فرض‌های معقول به عنوان مبنای سیاست در کل سیستم را ندارند. (بوزان، ۱۳۸۹: ۳۲۸-۳۲۳)

فراگرد تفکیک بین قدرت‌های طالب حفظ وضع موجود و تجدید نظر طلب دارای پیشینه طولانی در روابط بین‌الملل است و پایه‌های مکتب قدرتمند واقع‌گرایی در دوره بعد از جنگ را شکل داد. بر اساس این الگو اگر دولت‌های تجدید نظر طلب به طور مداوم علیه سلطه قدرت‌های طالب حفظ وضع موجود فعالیت کنند، تلاش برای قدرت به صورت چالشی محوری برای امنیت ملی ظاهر می‌شود. تجدید نظر طلب‌ها باعث افزایش سطح تهدید در سیستم می‌شوند و آن را به سوی تلاش برای قدرت سوق می‌دهند، در حالی که دول طرفدار حفظ وضع موجود سطح تهدید را کاهش می‌دهند و تنها تلاش برای امنیت را تقویت می‌کنند. نتیجه جمع شدن تجدید نظر طلبی با سطوح بالایی از تهدید، تحمیل بار منفی به این مفهوم است. به عبارت بهتر دول تجدید نظر طلب به جای آنکه جزئی از یک مسئله در ابعاد وسیع باشند، خود مسئله تلقی می‌شوند. با این دیدگاه چنین استدلال می‌شود که اگر این دول نبودند تلاش برای قدرت هم وجود نداشت و نوعی هماهنگی طبیعی برای حفظ وضع موجود حاکم می‌شد. با وجود این باید این قضاوت‌ها را از داوری درباره گرایش کلی سیستم آنارشی برای ایجاد تنش بین قدرت‌های طالب وضع موجود و تجدید نظر طلب جدا کرد.اگر فرض شود قدرتهای تجدید نظر طلب از لحاظ اخلاقی مردود یا متجاوز هستند، آنگاه به دلیل آنکه موضع آنها جزئی بخش مشروع و ثابت پویش امنیتی به حساب

نیامده، این دولت‌ها «مسئله» بودن خود را از دست می‌دهند. باید توجه داشت که دولت‌های تجدید نظر طلب نیز منافع ملی مشروع دارند. (بوزان، ۱۳۸۹: ۳۳۰- ۳۲۸)

سیستم حاکم برای آنها خطری امنیتی است و گاهی خطری برای مشروعیت داخلی آنها به شمار می‌رود. آنها هم به اندازه دول طرفدار حفظ وضع موجود بخشی از نظام آنارشی هستند و بهتر است قضاوت‌های اخلاقی قبلی درباره آنها کنار گذاشته شود تا تصویر روشن‌تر و کلی‌تری از پویایی امنیتی سیستم به دست آید. همه دولت‌ها، خواه در روابط بین‌المللیِ حاکم، طرفدار وضع موجود باشند یا تجدید نظر طلب، حداقلی از اهداف مربوط به حفظ وضع موجود را پیگیری می‌کنند. به عبارت دیگر همه دولت‌ها مجموعه‌ای از اهداف مربوط به حفظ وضع موجود خود را دارا هستند که به منزله حداقلی از سیاست آنها در قبال بقیه سیستم تلقی می‌شود، زیرا حتی اگر تجدید نظر طلب ترین دولتها نیز نتوانند پایگاه داخلی خود را حفظ کنند، نمی‌توانند اهداف بزرگتری را پیگیری نمایند. بنابراین همه دولت‌ها حداقل طالب حفظ قلمرو و بخش‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی خود به صورت فعال هستند و نمی‌خواهند با توسل به زور تغییرات نامطلوب یا تهدیدات سیاسی و اقتصادی بر آنها تحمیل شود. روابط دولتهای تجدید نظر طلب برای حفظ رفاه داخلی با بقیه سیستم مهم‌تر شده و ثبات و امنیت دولت‌ها به طور روز افزونی با این روابط پیوند می‌یابد. وابستگی متقابل همواره بر حفظ نظم بین‌المللی تأثیر می‌گذارد و نیز از اهمیت تفاوت بین دیدگاه‌های طرفدار حفظ وضع موجود و تجدید نظرطلب در درون سیستم می‌کاهد.(بوزان، ۱۳۸۹: ۳۳۲-۳۳۱)

اگر ثبات هدف امنیتی طرفداران حفظ وضع موجود است، تغییر هم هدف تجدید نظرطلبان است. دولت‌های تجدید نظر طلب آنهایی هستند که ساختارهای داخلی آنها به شدت با الگوی حاکم بر روابط در تعارض است و از وضعیت موجود احساس خطر می‌کنند و یا حداقل از آن رنج می‌برند. به همین دلیل دولت‌های تجدید نظر طلب به امنیت از دیدگاه تغییر سیستم می‌نگرند و در نتیجه امنیت را به معنی تغییر و بهتر شدن موقعیت خود در درون سیستم تعبیر می‌کنند. گرچه ممکن است به دلایل تاکتیکی از سیاست های حفظ ثبات به طور موقت یا در مقطع خاص حمایت کنند، ولی به هر حال هیچ دلبستگی درازمدت عمومی نسبت به آن ندارند. در حالی که حفظ ثبات راه حلّ مطلوب امنیتی برای دول طرفدار حفظ وضع موجود است، راهکاری برای مسائل تجدید نظرطلبان وجود ندارد. مجموعه‌ای از عوامل از

تکنولوژی گرفته تا اقتصاد و مذهب ممکن است سیستم را به سوی جهاتی که دول طرفدار حفـظ وضـع موجود یا تجدید نظر طلب علاقه ندارند یا پیش‌بینی نمی‌کنند و تحت کنترل آنها نیسـت، هـدایت کننـد. بدون شک قوی یا ضعیف بودن دولت‌های تجدید نظر طلب برای سیسـتم از اهمیـت خـاص برخـوردار است، زیر امکان نفوذ دولت‌های تجدید نظر طلب ضعیف به تنهایی اندک است، ولی اگر با قدرت بزرگی همراه شوند، تجدید نظر طلبی آنها ابعاد تازه و مهمی پیدا می‌کند. ضرورت بررسی انگیزه‌هـای قـدرت و ایدئولوژی در تجدید نظر طلبی باعث می‌شود دولت‌های تجدید نظر طلب در قالب سه رده سنتی، افراطی و انقلابی قابل تقسیم بندی باشند. (بوزان، ۱۳۸۹: ۳۳٦-۳۳٤)

نظر طلبی سنتی: تجدید نظر طلبی سنتی صرفا به کسب قدرت و موقعیت مربوط می‌شود این امر شامل هیچ گونه چالش بنیادی با اصول حاکم در نظم موجود نیست، بلکه در چارچوب نظـم موجـود میخواهـد باعـث توزیع مجدد قدرت، موقعیت، نفـوذ و یـا منـابع شـود. تحـرک ذاتـی در توزیـع قـدرت همیشـه الگـویی از قدرت‌های در حال ظهور یا سقوط را ترسیم می‌کند که از چالش‌های اجتناب‌ناپذیر وضع موجـود محسـوب می‌شود. تجدید نظر طلبی سنتی می‌تواند موجب کشمکش‌ها و ناامنی شدیدی شـود، امـا تشـخیص تجدیـد نظرطلبی سنتی از دیگر انواع آن به این دلیل مهم است که حداقل دامنه بیشتری برای سازش و حـل و فصـل مسالمت آمیز ایجاد می‌کند. (بوزان، ۱۳۸۹: ۳۳۷- ۳۳٦)

تجدید نظر طلبی انقلابی: تجدید نظر طلبی انقلابی ترکیبی از تلاش برای کسب قدرت در درون سیستم یـا چالش اساسی نسبت به اصول حاکم در وضع موجود است. ظهور تجدید نظر طلبـی انقـلاب قـوی نـه تنهـا توزیع قدرت را به خطر می‌افکند، بلکه ارزشهای داخلی و ساختارهای دول مرتبط با وضع موجـود را مـورد تهدید قرار می‌دهد. چالش تجدید نظر طلبی انقلابی بدان معنی است که الگوی ساده و مرتب دولـت توسـط مداخله ایدئولوژی سیاسی فراملی تیره و تار می‌شود. چالش تجدید نظر طلبی سنتی بر منافع ملی تأکیـد دارد و به همین جهت به راحتی با الگوی قدرتی و دولت مداری رئالیستی تطبیق می‌کند. چـالش انقلابـی گویـای ایدئولوژی سیاسی خاصی است که به صحنه بین‌المللی کشیده مـی‌شـود و در نتیجـه از خطـوط ملـی عبـور می‌نماید و تلاش موجود را به داخل دولت‌ها می‌برد. این امر باعث مشکل شدن پیگیری کشمکش می‌شود و آن را به هر گوشه سیستم می‌کشاند، به طوری که تحول سیاسی محلی را می‌توان با مواجه اصلی یـا مرکـزی

مرتبط دانست. نکته اساسی این است که وقتی یک تجدید نظر طلب انقلابی وجود دارد «هر دو طرف» احساس ناامنی شدیدی می‌کنند. اختلاف سیاسی آنها باعث تقویت کشمکش قدرت شده و بعد تهدید آمیز ایدئولوژیکی را به کشمکش معمولی قدرت نظامی و اقتصادی می‌افزاید. این امر باعث گشودن و افزایش شدت خصومت و هراس بین دو طرف در سطحی فراتر از آنچه واقعا مقاصد دوطرف نسبت به یکدیگر سزاوار آن است سوق می‌دهد.(بوزان، ۱۳۸۹: ۳۳۹–۳۳۷)

تجدید نظرطلبی افراطی: تجدید نظرطلبان افراطی جایی بین دو طیف سنتی و انقلابی قرار دارند. اهداف آنها فراتر از تجدید نظر طلبان سنتی و در سطحی پایین‌تر از انقلابی‌ها قرار دارد. آنها خواستار حفظ بخش عمده ساختار موجود هستند اما در عین حال می‌خواهند در نحوه عملکرد آنها اصلاحات مهمی انجام پذیرد. ممکن است انگیزه‌های پیشرفت و انگیزه‌های ناشی از ایدئولوژی، ورای اینگونه تجدید نظرطلبی قرار داشته باشد و در عین حال ممکن است تهدید مهمی متوجه توزیع بنیادی قدرت و موقعیت در سیستم نشود. این مکتب برای بازیگران ضعیف دارای جذابیت است، زیرا بواسطه فراهم بودن امکان مذاکره، تجدید نظرطلبی افراطی فرصت هایی در یک سیستم به هم پیوسته می یابد که در آن ضعفا می توانند نقش داشته باشند و تا حدودی اهرم ها را به دست گیرند. وجود انواع تجدید نظر طلبی الگوی بسیار پیچیده‌ای از اتحادها را در وضع موجود ایجاد می‌کند، لذا خود قدرت‌های طرفدار وضع موجود ممکن است براساس تجدید نظرطلبی سنتی تقسیم بندی شوند. (بوزان، ۱۳۸۹: ۳٤۱–۳٤۰)

پیچیدگی و تشدید معمای امنیت- قدرت

امکان اتحادهای بی‌شمار و گاه عجیب بین ترکیبات تجدید نظر طلبی وجود دارد. ممکن است دولت تجدید نظر طلب فقط در برخی موارد دیگر مثل کشورهای طرفدار وضع موجود عمل کند. تجدید نظرطلبان انقلابی که رقیب هم هستند، باید تصمیم بگیرند که آیا برای مبارزه علیه وضع موجود با یکدیگر متحد شوند یا به اختلاف بین خود ادامه دهند و به دنبال اتحاد با برخی دول طرفدار حفظ وضع موجود باشند. از سوی دیگر قدرتهای طرفدار وضع موجود نیز ممکن است با قدرتی تجدید نظرطلب متحد شوند تا تجدید نظر طلب دیگری را بکوبند. ممکن است تجدید نظرطلبان افراطی از اختلاف بین

قدرت‌های طرفدار حفظ وضع موجود و تجدید نظرطلبان انقلابی استفاده کـرده و آرمـان خـود را پـیش ببرند، چون اختلاف مزبور باعث افزایش قدرت عمل آنها علیه دول طرفدار حفظ وضع موجود می‌شـود. البته ممکن است اختلاف مزبور برای این کشورها یک مصیبت باشد و هرگونه امکـان حرکـت در زمینـه های بینابین را از بین برده و آنها را مجبور کند که بر خلاف میل خـود بـه یـک سـمت کشـیده شـوند و موضع‌گیری قطعی کنند. پیچیدگی و ابهام شدیدِ اتحادها که در این تحلیل دیده می‌شود، توجیه کننده تداخل و ابهام تلاش‌ها در عرصه‌های امنیت و قدرت است. (بوزان، ۱۳۸۹: ۳٤۲)

انواع مختلف تجدید نظرطلبی در بین خود رقابت دارنـد و در عـین حـال بـا دول طرفـدار حفـظ وضـع موجود نیز در رقابت هستند. همچنین تجدید نظرطلبی محلی با تجدید نظرطلبی جهانی در هم آمیختـه و تداخل می‌کند. این روندها تشخیص نقش‌آفرینان تجدید نظرطلب را با دشواری روبـرو مـی‌سـازد. ابهـام درباره ماهیت نقش‌آفرینان دیگر نیز از دشواری ذاتی قضاوت درباره مقاصد واقعی و از ویژگی اتحادهایی که سیستم را ایجاد می‌کنند ناشی می‌شود. این ابهام با خطر زندگی در وضعیت آنارشی مسـلحانه تشـدید می‌شود و نیروی محرک معمای قدرت– امنیت محسوب می‌شود. این امکان وجود دارد که تـلاش بـرای امنیت که جزء پویش طبیعی آنارشی مسلحانه است، به سادگی به پیگیری خودبینانه تلاش بـرای قـدرت منجر شود. برعکس امکان دارد یک تلاش واقعی برای قدرت در نخستین مراحل خود، به خوبی زیـر چهـره دروغین تلاش برای امنیت مخفی نگاه داشته شود. در این شرایط هیچ نقش آفرینی نمی‌تواند بر تفکیک مطلق الگوهای قدرت و امنیت در تدارک سیاست خود متکی باشد. در نتیجه همه مجبورند با احتیاط عمل کننـد و نگران انگیزه های قدرت دیگران باشند. این حالت باعث تشدید معمای قدرت امنیـت در همـه سیسـتم مـی شود. ابهام و ناامنی در سیاست داخلی بر امنیت ملی اثر مهمی دارد. (بوزان، ۱۳۸۹: ۳٤۲)

ابهام هویت‌های سیاسی دول طرفدار حفظ وضع موجود و دول تجدید نظرطلب با ابهام مشابهی در زمینه عمل نظامی قابل مقایسه است. چگونه می‌توان بین رفتاری که متوجه تغییر توازن نظامی است و در نتیجه گویای تلاش برای قدرت است و رفتاری که صرفاً خواستار حفظ وضع موجـود نظـامی اسـت و بیشـتر گویای تلاش برای امنیت است تفاوت قائل شد. دو ابهام در ماهیت قدرت نظامی، باعث پیچیده‌تر شـدن تفکیک بین رفتار تهاجمی و تدافعی می‌شود:

۱. **تعبیر تهاجم از تدافع**: از نظر نظامی حمله نوع موثری از دفاع است و بسیاری از تسلیحات را می‌توان با اهداف تدافعی و تهاجمی بکار گرفت. تا جایی که مقاصد از روی توانایی‌ها قابل تشخیص خواهند بود و ابهام عمیق در مقاصد نظامی، بدترین حالت در ارزیابی دولت‌ها از رفتار یکدیگر را به دنبال خواهد داشت.این همان معمای امنیت است که بر اساس آن تدابیر تدافعی دولت‌ها از نظر دیگران تهاجمی قلمداد می‌شود و از همین منظر نیز نسبت به آنها واکنش نشان می‌دهند.این واکنشها باعث افزایش تهدیدات شده و چرخه های بیشتری از تسلیحات را وارد صحنه می‌کنند. به دلیل ابهام در مقاصد نظامی، تدابیر دولت‌ها برای تأمین امنیت باعث می‌شود همه طرف‌ها احساس ناامنی بیشتری کنند.

۲. **اخلال در فهم نشانه‌های ارسالی دولت‌ها به یکدیگر**: پویش خاص بخش نظامی، جدای از نوسانات روابط سیاسی حرکت می‌کند که به صورت مشترک در جهت تأمین قدرت و امنیت است و نتیجه آن اخلال در فهم نشانه‌هایی است که دولت‌ها با حرکات خود به دیگران عرضه می‌دارند. در هر دو تلاش(تأمین قدرت و امنیت) هراس از شکست وجود دارد و باعث می‌شود دولت‌ها با هر تهدیدی که متوجه خود می‌دانند، به دنبال حفظ نیروی نظامی باشند.

(بوزان، ۱۳۸۹: ۳٤۳)

تهدید به استفاده از زور یکی از ویژگی‌های قدیمی روابط بین‌المللی در شرایط آنارشی است و در این شرایط، ابزار اصلی ایجاد نظم، یعنی نیروهای مسلح، خود منشاء اصلی تهدید امنیت است. دولت‌ها در وضعیت آنارشی، به قدرت نظامی نیاز دارند تا ضمن دفاع از خود، برای مقاصد امنیتی در مدیریت سیستم از آن استفاده کنند. اما زمانی که این قدرت به دست آمد از چنان پویاییِ ضدّ امنیتی برخوردار است که دول منفرد و نظم سیستم را در معرض تهدید قرار می‌دهد. ابزارهای نظامی که دولت‌ها در اختیار دارند باعث دو نوع تهدید می‌شود:

۱. خود تسلیحات: این تهدید جنبه تخریبی دارد، زیرا اگر تسلیحات مورد استفاده قرار گیرند موجب افزایش هزینه خواهند بود. در اینجا معمای دفاع، یعنی تعارض بین پیگیری دفاع نظامی و

امنیت ملی بوجود می‌آید. اصولاً «معمای دفاع» از میزان توسعه یافتگی امکانات نظامی دولت‌ها و پویایی روابط بین آنها ناشی می‌شود

۲. قرار داشتن تسلیحات در اختیار سایر نقش آفرینان: در این حالت معمای قدرت- امنیت پیش می‌آید. (بوزان، ۱۳۸۹: ۳۰۱-۲۹۹)

معمای دفاع از تناقضات بین دفاع نظامی و امنیت ملی ناشی می‌شود. اصولاً ضرورت وجود نیروهای مسلح با هدف تأمین امنیت ملی توجیه می‌شود و در نتیجه از لحاظ سیاسی باید فرض کرد که قدرت نظامی به امنیت ملی بسیار مرتبط است. تهدید نظامی به طور سنتی جایگاه رفیعی در سلسله مراتب اولویت‌های امنیت ملی دارد. فلسفه‌های سیاسی با اشاره به وضعیت طبیعی، مسئله حفاظت در مقابل خشونت را پایه اصلی وجود دولت می‌دانند و امکانات نظامی اغلب در مقابل تهدیدات نظامی و غیرنظامی مفید هستند. نیروهای نظامی دولتی، تأمین کننده حمایت از اقشار عمومی در مقابل تهدیدات غیر منصفانه برای توسل به زور هستند و در فراگرد ایجاد و حفظ تأسیسات نظامی کافی، این امر به صورت حمایت بخشی از منافع امنیت ملی در می‌آید. مسئله دفاع همواره ضروری و در نتیجه یک مشکل پایدار است، زیرا تداوم تهدیدات، اهمیت دفاع را حفظ می‌کند و پیشرفت تکنولوژی را تداوم می‌بخشد به خصوص اینکه حل و فصل مناقشات قدرتهای بزرگ نیز چندان اثری بر علل ایجاد کشمکش‌های محلی مثل مسئله فلسطین و اسرائیل ندارند. (بوزان، ۱۳۸۹: ۳۱۸-۳۰۳)

تقریباً در طول تاریخ جدید، معمای قدرت- امنیت از ویژگی‌های بسیار پایدار در روابط بین‌الملل بوده است. تنش بین منافع طرفداران وضع موجود و تجدید نظرطلبان، شتاب مستقل تکنولوژی، مسابقات تسلیحاتی و ابهامات، عواملی هستند که باعث بروز اشکال در تفکیک رفتار تهاجمی از غیر تهاجمی می‌شوند و معمای قدرت- امنیت را زنده نگاه می‌دارند. چون تلاش برای دست یابی به قدرت از تلاش برای تأمین امنیت به طور اطمینان بخشی قابل تفکیک نیست، سیاست امنیت ملی نمی‌تواند بر پایه اصول صریحی که از هر کدام از آنها به طور جداگانه ناشی می‌شود، بنا گردد. به طور کلی انتظار برای از بین رفتن شرایط ایجاد کننده معمای قدرت- امنیت بی معنی است، زیرا ساختار سیاسی آنارشی قدرتمند است و کارایی فراگرد اوج گیری یا سقوط قدرت‌ها که باعث شکل‌گیری و تداوم تنش بین دول طرفدار حفظ وضع

موجود و دول خواستار تجدید نظر می‌شود، کاهش یافتنی نیست. در واقع این فراگرد از آغاز دهه۹۰ فعالیت شدیدی داشته است، چون ابرقدرت‌های جا افتاده روبه زوال گذاشته و قدرت‌های بزرگ جدیدی ظهور کرده‌اند.(بوزان، ۱۳۸۹: ۳۵۲-۳۵۱)

معمای دفاع قادر است نیروی قدرتمندی به معمای قدرت – امنیت بدهد. دو معما با پویایی تسلیحات به هم مرتبط هستند، در نتیجه هر دوی آنها بدون تقویت تعارض ناشی از استقلال پویش تسلیحات، نمی‌توانند به سمت وخامت بروند. دولت‌ها با استفاده از امکانات فنی خود می‌توانند نقل و انتقالات و رفتارهای نظامی یکدیگر را با دقت و تداوم بیشتری پیگیری کنند. این توانایی‌ها، حملات برق‌آسا را به خصوص در مواردی که مستلزم بسیج شدید نیروها یا حرکت نیروهای نظامی و دریایی باشد، بسیار دشوار تر از گذشته کرده است، اما تکنولوژی‌ها و ترتیبات موجود که از شفافیت بیشتر حمایت می‌کنند باعث از بین رفتن معمای قدرت- امنیت نشده اند، اما کاهش ابهام و افزایش فرصت هشدار، باعث پایین آمدن میزان شدت و هراس از تهدیدات نظامی دولت‌ها نسبت به یکدیگر شده است. این امر از اولویت و اهمیت معمای قدرت – امنیت در روابط بین‌المللی کاسته است. (بوزان، ۱۳۸۹: ٣٥٤)

به نظر می رسد در بُعد سیاسی، پایان جنگ سرد باعث کاهش اساسی در قابلیت تأثیرگذاری معمای قدرت- امنیت شده است. حداقل این بدان معنی است که منبع عمده تجدید نظر طلبی انقلابی در سیستم، به تجدید نظرطلبی سنتی یا افراطی تغییر موضع داده است یا حتی تبدیل به حامیان وضع موجود ملحق شده است. این روند باعث کاهش تلاش برای کسب قدرت در سیستم بین‌المللی شده و فرا گردی را بوجود آورده که تشخیص میان چالش‌های قدرت و امنیت را تسهیل و ردگیری معمای امنیت را آسان کرده است. تقریباً تمام جوامع موفق امنیتی در سیستم، متشکل از دولت‌های قوی هستند و قسمت عمده اجزاء دچار کشمکش، از کشورهای ضعیف هستند. ایجاد دولتهای قوی باعث امنیت داخلی می شود و این برای امنیت بین‌المللی شرط لازم و نه کافی است. برخلاف ایجاد قدرت‌های قوی، تأسیس دولتهای قوی مستقیماً باعث تشدید معمای قدرت- امنیت نمی شود و در نتیجه راه گریزی از تناقضات ناشی از تلاش دولت‌ها برای افزایش امنیت فراهم می‌شود. وقوع این احتمالات به ایجاد یک آنارشی کاملتر اشاره دارد که از اهمیت معمای قدرت- امنیت در روابط دولتهای درون آن کاسته می‌شود.

(بوزان، ۱۳۸۹: ۳۵۶-۳۵۵)

۲- ۳- مجموعه امنیتی[۱]

این پژوهش علیرغم توسل به چارچوب نظری فراخ‌گرا از تحلیل امنیت، همچنان به تحلیل سنتی از امنیت که بخش سیاسی- نظامی در آن برجسته است پایبند می‌ماند. از این منظر، نظریه سُنّتی مجموعه امنیت منطقه‌ای در این تحقیق دارای جایگاه اصلی و محوری خواهد بود. اتکاء به مناطق[۲] در این پژوهش از این منظر مهم و اساسی محسوب می‌شود که توسل به گسترده‌ترین چارچوب یعنی سطح جهانی برای بررسی قدرت‌های بزرگ و بررسی سیستمی شامل محیط زیست جهانی، اقتصاد جهانی و جامعه بین‌المللی مناسب است، این درحالی است که امنیت جهانی در تحلیل سُنّتی هنوز از یکپارچگی برخوردار نیست. این یک واقعیت است که شبکه انتقال نیروهای جهادی در سرتاسر جهان، یک سیستم برخوردار از عوامل کارکُشته و دارای سابقه طولانی از سال ۱۹۸۰در افغانستان است که امنیت جامعه بین‌المللی را با مخاطره روبرو ساخته است، اما این پژوهش ادعا دارد اثرگذاری اصلی مسائل امنیتی غرب آسیا (به طور خاص عراق و سوریه) در سطح منطقه‌ای رخ می‌دهد. بنابراین نویسنده پژوهش بر این باور است که همچنان «مناطق» مهم‌ترین مقیاس تعیین کننده برای تحلیل امنیتی محسوب می‌شوند که خرده نظام‌ها، واحدها، واحدهای فرعی و افراد فعال در آنها نقش تعیین کننده‌ای در تحقق آن بازی می‌کنند.

البته بنیان نظریه کلاسیک مجموعه امنیتی[۳] نیز ناظر به ادعای نویسنده است که فروپاشی نظام دوقطبی، را از میان برنده نیروی اصلی سازمان دهنده در سطح جهان در نظر گرفته است و چنین استدلال می‌کند که قدرت‌های بزرگ باقیمانده دیگر به انگیزه رقابت‌های ایدئولوژیک کاری انجام نمی‌دهند و از تعهدات و درگیری‌های سیاسی گسترده‌تر جز در صورت تأثیرپذیری فوری و شدید منافع خودشان پرهیز می‌کنند. نتیجه چنین روندی باز شدن دست «مناطق» برای سر و سامان دادن به امور خواهد بود. از لحاظ سطوح تحلیل، مناطق نوع ویژه‌ای از خرده نظام‌های بین‌المللی هستند که دسته‌بندی جغرافیایی یکی از ویژگی‌های مهم آنهاست. البته با اتکاء به نظریه سُنّتی، از بین واحدها، دولت‌ها همچنان از جایگاه ویژه‌ای در سطوح تحلیل

---

۱ . Security Complex

۲.Regions

۳ .Classical Security Complex Theory

برخوردار خواهند بود. دولت‌های مجاور هم شدیداً گرفتار به و هم وابستگی امنیتی[1] هستند چرا که تهدیدات سیاسی و نظامی در مسافت‌های کوتاه راحت‌تر منتقل می‌شوند. بنابراین ناامنی غالباً با مجاورت قرین است و دولت‌ها از همسایگان‌شان بیش از قدرت‌هایی که با آنها فاصله دارند در هراسند. این واقعیت به ساخت الگویی ختم می‌شود که دارای تنوع جغرافیایی و متشکل از دسته‌بندی‌های منطقه‌ای است که فاقد قدرت فائقه مرکزی و به عبارت دیگر اقتدارگریز است. (بوزان و دیگران، ۱۳۹۲: ۳۱-۲۷)

اعطای هویت مشخص به منطقه، آن را واجد ویژگی «شبه‌سیستمی» می‌سازد و جایگاه آن را بین دو سطح میانی از تحلیل یعنی سیستم و دولت قرار می‌دهد. توزان قدرت محلی تنها ایده سنتی «شبه‌سیستم» است که توان بالقوه‌ای در تحلیل امنیتی دارد. توزان قدرت‌های محلی از ویژگی‌های مهم محیط امنیتی است، ولی به راحتی می‌توان آنها را با تحرکات قدرت‌های بزرگ برهم زده یا مختل کرد. توزان‌های قدرت به دلیل آسیب‌پذیری در مقابل نفوذ خارجی، کمتر از دول مرکزی می‌توانند برای درک روابط امنیتی دول حاشیه‌ای مفید واقع شوند. در تعریف امنیت منطقه ای، عنصر اصلی که باید به روابط قدرت افزوده شود، الگوی دوستی و دشمنی بین دولت‌هاست. منظور از دوستی این که در روابط آنها طیفی متشکل از دوستی واقعی تا انتظار حمایت یا حفاظت وجود داشته باشد. منظور از دشمنی نیز روابطی است که در آن سوءظن و هراس حاکم می‌باشد.(بوزان، ۱۳۸۹: ۲۱۵-۲۱۳)

با افزودن جنبه دوستی و دشمنی به تصویر موجود، درک بهتری از الگوی منطقه‌ای و ماهیت ناامنی منطقه‌ای بدست می‌آید. بر این اساس، شبه‌سیستم‌های امنیتی منطقه‌ای را می‌توان به منزله الگوهای دوستی و دشمنی که عمدتا در منطقه جغرافیایی خاصی متمرکز هستند، به شمار آورد و از عبارت «مجموعه امنیتی» یا «مجتمع امنیتی» برای اشاره به آن استفاده نمود. «مجموعه امنیتی» یعنی گروهی از دولت‌ها که علائق امنیتی اصلی آنها بقدری زیاد است که امنیت ملی آنها را نمی‌توان جدا از دیگران، ملاحظه کرد. «بوزان» در تعریف اولیه از «مجموعه امنیتی» که سال ۱۹۸۳ ارائه داده بود، این مفهوم را شامل گروهی از دولت‌ها قلمداد کرده بود که نگرانی اصلی امنیتی آنها تا اندازه‌ای به یکدیگر گره خورده است که امنیت ملی آنها را به صورت منطقی نمی‌توان جدای از یکدیگر مورد توجه قرار داد. البته وی در تعریف

---

۱ . Security Interdependence

بازنگری شده‌ای که بتواند تمرکز سیاسی، نظامی و دولت محور را تحت تاثیر قرار دهد در سال ۱۹۹۸ «مجموعه امنیتی» را این‌طور بازتعریف کرده بود: «مجموعه‌ای از واحدها که در آنها فرایندهای امنیتی کردن و غیر امنیتی کردن یا هردوی آنها آن اندازه در هم تنیده شده‌اند که مشکلات امنیتی نمی‌توانند جدای از یکدیگر تحلیل حل شود.» (Buzan and Wæver, ۲۰۰۳: ٤٤)

مجموعه‌های امنیتی، پدیده‌هایی تجربی‌اند که دارای ریشه‌های تاریخی و ژئوپولیتیکی (جغرافیای سیاسی) هستند و باید آنها را حاصل کنش و واکنش دو عامل آنارشی و جغرافیا قلمداد نمود. زیرا ساختار سیاسی آنارشی سبب رویارویی دولت‌ها با معضل امنیتی می‌شود، اما شبکه وابستگی متقابل امنیتی تا حدّ زیادی در اثر موقعیت جغرافیایی تعدیل می‌شود. مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای محصولات خاص سیستم آنارشی بین‌المللی هستند که گویای الگوهای با ثبات ولی غیر دائمی در این سیستم‌اند. مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای، شبه سیستم‌های واقعی و رابط بین دولت‌های بزرگ و محلی هستند. آنها در جایی موجودیت پیدا می‌کنند که روابط امنیتی گروهی از کشورها را از بقیه جدا کرده و به هم پیوند بزنند. مرز بین مجموعه‌ها را می‌توان با بی‌تفاوتی نسبی در مقابل کنش و واکنش‌های امنیتی اطراف ترسیم کرد. دلایل اثبات وجود مجموعه‌های امنیتی، از الگوهای جنگ مشهود است و عامل اساسی تعیین کننده در موجودیت مجموعه، حضور یا احساس تهدید و ترس متقابل بین دو یا چند دولت مقتدر است که اگر قدرت‌های جهانی نباشند معمولاً همسایه نزدیک هستند. تأکید بر معیار «متقابل بودن» در مجموعه امنیتی، مسئله‌ای است که در ارتباط امنیتی بین دو دولت محلی قدرتمند یا اصلی مطرح می‌شود. چنین وضعیتی گویای وجود مرز میان مجموعه‌هایی در سطوح «پایین» و «بالا» است. یک مجموعه سطح پایین متشکل از دولت‌های محلی است که قدرتشان چندان گسترده نیست و حتی در صورت گسترده بودن، از دامنه کشورهای همجوار فراتر نمی‌رود. اما در مجموعه های سطح بالا که شامل قدرت بزرگ نظیر امریکا یا کشورهایی پهناور مثل چین است، قدرت بازیگران بسیار فراتر از محیط نزدیک است و سطح تحلیل را از «شبه سیستمی» به «سیستمی» نزدیک می‌کند. تفکیک بین سطوح «پایین» و «بالا» از این منظر اهمیت دارد که همه سطوح امنیتی(داخلی، منطقه‌ای، فرامنطقه‌ای و جهانی با یکدیگر ترکیب میشوند. (بوزان، ۱۳۸۹: ۲۲۱-۲۱۵)

«بوزان»، «ویور» و «دو ولید»، در آثار بعدی مجموعه امنیتی منطقه‌ای را اصالتاً خرده نظامی تلقی می‌کنند که در جایگاه نظام‌های اقتدارگریز کوچک، در قیاس با کل نظـام سـاختارهای خـاص خـود را دارنـد کـه سـاختار گوهری آنها از سه مؤلفه کلیدی به شرح زیر برخوردار است: (بوزان و دیگران، ۱۳۹۲: ۳٤-۳۳)

۱. آرایش واحدها و تفاوت آنها
۲. الگوهای دوستی و دشمنی
۳. توزیع قدرت میان واحدهای اصلی

تغییر چشمگیر در هر یک از این مؤلفه‌ها در حالـت عـادی موجـب تعریـف مجـدد از مجموعـه امنیتـی منطقه‌ای می‌شود. برای ارزیابی تأثیر دگرگونی‌ها بر مجموعه امنیتی منطقه‌ای نیز چهـار گزینـه سـاختاری کلی وجود دارد:

۱. حفظ وضع موجود: این وضعیت به معنی دست نخورده ماندن اساسی ساختار گوهری مجموعه، توزیع قدرت و الگوی خصومت ورزی در آن است. این حالت به معنـی عـدم وقـوع هیچگونـه تغییری نیست، بلکه تغییرات پدید آمده در مجموع یا مؤید ساختار گوهری مجموعه است یا بـه شکل جدی این ساختار را متزلزل نمی‌سازد.
۲. استحاله درونی: این وضعیت زمـانی ایجـاد مـی‌شـود کـه سـاختار گـوهری مجموعـه در درون چارچوب مرزهای آن دستخوش دگرگونی شود. چنین تغییری می‌تواند نتیجه همگرایی سیاسـی منطقه، تغییراتی تعیین کننده در توزیع قدرت، یا دگرگونی اساسی الگوی دوستی و دشمنی باشد.
۳. استحاله بیرونی: زمانی رخ می‌دهد که ساختار گوهری مجموعه بواسطه بزرگتر یا کوچکتر شـدن مرز بیرونی آن تغییر کند. جرح و تعدیل‌های کوچک در این مرزبندی نمی‌تواند تأثیر چشمگیری بر ساختار مجموعه بگذارد، ولی افزوده شدن یا جدا شدن دولت‌های اصلی، تأثیر چشمگیری بـر توزیع قدرت و الگوی دوستی و دشمنی دارد. [۱]

---

۱ . دلیل وقوع این امر می‌تواند تغییر عضویت در مجموعه امنیتی منطقه‌ای و محتمل‌تر از همه متحول کردن ساختار بنیادین با روش‌های دیگر باشد کـه واضـح‌تـرین آن تشـکیل یـک مجموعه امنیتی منطقه‌ای از ادغام دو مجموعه امنیتی منطقه‌ای دیگر است. (بوزان، ویور، ۱۳۸۸: ٦٤)

٤. فرو پوشانی: به این معنی است که یک یا چند قدرت خارجی مستقیماً وارد مجموعه منطقه‌ای شوند و در نتیجه پویش درون‌زای آن را از کار بیاندازند که البته این روند با مداخله قدرت‌های بزرگ در امور مجموعه متفاوت است.

در نظام بین‌الملل تنها قدرت‌های معدودی قادر به عمل در هر جای سیستم هستند و بسیاری از قدرت‌ها تنها برای پیرامون خود اهمیت قائل هستند. ابرقدرت‌ها و قدرت‌های منطقه‌ای دو انتهای طیف قدرت‌ها را تشکیل می‌دهند. در وسط این طیف، قدرت‌های بزرگ قرار دارند که از قدرت‌های منطقه‌ای قوی‌ترند اما فاقد تمام ویژگی‌های ابرقدرت‌ها هستند. ابرقدرت‌ها و قدرت‌های بزرگ در سطح جهانی تعریف کننده قطب‌بندی هستند و تمایز پویش‌های امنیتی منطقه‌ای و جهانی، خط حائل میان آنها و قدرت‌های منطقه‌ای است. بر این اساس، توضیح درباره قدرت‌ها در سه سطح ابرقدرت‌ها، قدرت‌های بزرگ و قدرت‌های منطقه‌ای، برای تعیین نقش آنان در مجموعه امنیتی منطقه‌ای ضروری است.

اصلی‌ترین کارکرد نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای، سازماندهی مطالعات تجربی امنیت منطقه‌ای در یک چارچوب است. این چارچوب دارای چهار سطح تحلیل است که همه چیز بر اساس آن قابل شناسایی و ارتباط به یکدیگر هستند:

١. بعد داخلی دولت‌های منطقه و مخصوصاً آسیب‌پذیری‌های داخلی آنها[1]؛

٢. روابط دولت- دولت که شکل دهنده وضعیت منطقه است؛

٣. تعامل منطقه با مناطق همسایه[2]؛

٤. نقش قدرت‌های جهانی در منطقه.

چهار سطح فوق همراه با هم، مجموعه امنیتی منطقه‌ای را شکل می‌دهند و زیر مجموعه‌ها نیز به عنوان «نیم‌سطح» در سطح مجموعه‌های امنیت منطقه‌ای مطرح هستند. زیر مجموعه‌ها و مجموعه‌ها تعریف

---

١. آسیب پذیری‌های خاص یک دولت معرف نوع ترس امنیتی آن است و گاهی باعث ایجاد تهدید ساختاری برای یک دولت دیگر یا گروهی از دولت‌ها می‌شود، حتی اگر آن دولت نیات خصمانه نداشته باشد.

٢. تعامل مزبور نسبتاً محدود است چون مجموعه‌ای که بواسطه تعاملات درونی توصیف می‌شود به مراتب مهم‌تر است، اما اگر تغییرات عمده‌ای در الگوهای وابستگی متقابل امنیتی که تعریف کننده مجموعه‌هاست در راه باشد، این سطح مهم می‌شود و در مواردی که با عدم تقارن ناخالص مواجهیم، مجموعه‌ای که فاقد قدرت جهانی است ولی همسایه یک قدرت جهانی است می‌تواند در یک جهت اتصالات بینامنطقه‌ای قوی برقرار کند.

یکسانی دارند، با این تفاوت که در داخل آنها جای می‌گیرند. زیر مجموعه‌ها معرف الگوهای مجزای وابستگی متقابل امنیتی هستند که درون الگوی وسیع‌تری واقع شده‌اند که مجموعه امنیت منطقه‌ای را در قالب یک کل تعریف می‌کند.[1] از آنجا که مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای زیر ساختارهای پایدار با یک عنصر جغرافیایی مهم هستند، از ساختارهای درونی و مرزهای بیرونی برخوردارند که می‌توان از آنها برای مشاهده تغییر و تداوم و تفکیک تغییرات مهم از حوادث نه چندان مهم استفاده کرد. بنابراین ساختار بنیادین یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای دارای چهار متغیر است:

۱- مرز؛ که مجموعه امنیتی منطقه‌ای را از همسایگانش جدا می‌کند؛

۲- ساختار آنارشیک، به این معنا که مجموعه امنیتی منطقه‌ای باید از دو یا چند واحد خود مختار تشکیل شده باشد؛

۳- قطب‌بندی که پوشش دهنده توزیع قدرت در میان واحدهاست؛

٤- ساخت اجتماعی که شامل الگوهای دوستی و دشمنی میان واحدهاست.

(Buzan and Wæver, ۲۰۰۳: ٥۰-٥٤)

۲- ٤- انواع مجموعه‌های امنیتی

۱. **مجموعه امنیتی استاندارد**[2]: ویژگی سطح جهانی این است که تحت نفوذ قدرت‌های دیگر نیست، اما در شرایط استاندارد قدرت‌های خارجی در مناطق نفوذ می‌کنند. یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای استاندارد که دو یا چند قدرت در آن حضور دارند و یک برنامه امنیتیِ نظامی- سیاسی دارد از نظر شکلی وستفالیایی است. در تمام مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای استاندارد، قدرت‌های منطقه‌ای مثل ایران، عراق، عربستان سعودی، قطب‌بندی را تعریف می‌کنند. در این مجموعه‌ها تک قطبی بودن بدین معناست که منطقه تنها یک قدرت منطقه‌ای دارد. چنین منطقه‌ای فاقد مرکز است، زیرا

---

۱ . آشکارترین نمونه از ترکیب زیر مجموعه‌ها در مجموعه امنیتی منطقه‌ای خاورمیانه قابل مشاهده است که زیر مجموعه‌های جداگانه شامات (مصر، فلسطین، اردن، لبنان و سوریه) و خلیج فارس (ایران، عراق و کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس) در آن جای گرفته‌اند. در این زیر مجموعه‌ها همپوشانی و تعامل به حدّی است که نمی‌توان آنها را از هم جدا کرد.

۲ . Standard RSCs

پویش‌های امنیتی منطقه‌ای تحت سلطه قدرت واقع در مرکز نیست، لذا در این مجموعه‌ها مـی‌تـوان بین پویش‌های داخل منطقه و پویش‌های خارجی در سطح جهانی مرز مشخصی ترسیم نمود. از نظر دوستی و دشمنی، چنین مجموعه‌هایی می‌توانند در صورت‌بندی‌های منازعه‌آمیز رژیم‌های امنیتـی یـا اجتماعات امنیتی باشند که در آنها رژیم با الگویی از رقابت‌ها، توازن‌ها، ائتلاف‌ها و دوستی‌ها تعریف می‌شوند. اصلی‌ترین عنصر سیاست امنیتی در یک مجموعه امنیتی استاندارد، روابط قدرت‌های درون منطقه است که شرایط عملکرد قدرت‌های کوچـک و نفـوذ قـدرتهای جهـانی را تحـت تـأثیر قـرار می‌دهد. (Buzan and Wæver, ۲۰۰۳: ۵۵)

۲. **مجموعه‌های امنیتی محور**[۱]: چنین مجموعه‌هایی سه (و بالقوه چهار) شکل دارنـد. در دو شـکل اول، مجموعه امنیتی تک قطبی است، اما به غیر از یک قدرت منطقه‌ای، یک قدرت بزرگ یـا ابـرقـدرت، قدرت اصلی در این مجموعه‌ها را در اختیار دارند. در چنین حالتی قدرت‌های سطح جهانی بر منطقه مسلط هستند و قدرت‌های منطقه‌ای از وزن کافی برای تعریف قطـب دیگـری در منطقـه برخـوردار نیستند. شکل سوم از مجموعه های امنیتی دارای محور تا حد زیـادی متفـاوت از نمونـه‌هـای اول و دوم است. این ترکیب، منطقه‌ای را شامل می‌شود که بیشتر نهادها آن را همگرا کـرده اسـت تـا یـک قدرت واحد. نمونه عینی چنین مجموعه امنیتی، اتحادیه اروپاست که خصوصیات آن تعریف کننـده یک منطقه بین یک اجتماع امنیتی توسعه یافته و یک قدرت بزرگ جهانی است. آنچه نمونه‌های سـه گانه از مناطق محوری را به هم پیوند می‌دهد، پویش‌های امنیتی آنهاست که تحت سلطه مرکزی قرار دارند، لذا اگر محور نوعی هژمونی باز یا تحت نفوذ را تثبیت کند که در آن دولت‌های تحـت سـلطه امکان یابند به فرایندهای سیاست‌گذاری مرکز امپریال دست یابند، احتمال بـا ثبـات بـودن مجموعـه امنیتی منطقه‌ای محوری افزایش می‌یابد. مناطق محوری که حول یک قدرت امپریال شکل گرفته‌انـد به دلیل برخورداری از قدرت شکل خود را حفظ می‌کنند ، اما در صورت تغییـر در توزیـع قـدرت، احتمال بقای آنها چندان زیاد نیست. (Buzan and Wæver, ۲۰۰۳: ۵۶-۵۷)

---

۱. Centred RSCs

۳. **مجموعه امنیتی قدرت‌های بزرگ**[۱]: با وجود تفکیک بین مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای استاندارد و محوری، تعدادی از مجموعه‌های امنیتی نیز وجود دارند که به دلیل حضور قدرت‌های بزرگ، در این دسته‌بندی‌ها جای نمی‌گیرند. این مجموعه‌ها به دو دلیل با مجموعه‌های عادی تفاوت دارند:

۱. پویش‌های آنها محاسبات توازن در سطح جهانی را به گونه‌ای تحت تأثیر قرار می‌دهند که از یک مجموعه استاندارد، چنین انتظاری نمی‌رود.

۲. به دلیل درگیری قدرت‌های بزرگ در مسائل این مجموعه‌ها، پویش‌های آنها در سطحی گسترده به مناطق همجوار سر ریز می‌شوند. (Buzan and Wæver, ۲۰۰۳: ۵۸)

٤. فقدان مجموعه امنیتی منطقه‌ای[۲]: علاوه بر موارد پیشین، دو حالت نیز وجود دارد که بر اساس آنهـا، یا مجموعه امنیتی منطقه‌ای اساساً وجود ندارد و یا آنکه اصلاً شکل نمی‌گیرد:

۱. حالت پوششی: در چنین وضعیتی منافع قدرت بزرگ از نفوذ صرف فراتر رفته و تا آن اندازه منطقه را تحت‌الشعاع خود قرار می‌دهد که الگوهای روابط امنیتی محلی از کار می‌افتد. این امر معمولاً بـه استقرار طولانی مدت نیروهای مسلح قدرت بزرگ در منطقه و ایجاد دولـت‌هـای محلـی براسـاس الگوهای رقابت قدرت بزرگ منجر می‌شود. در این وضعیت قدرت‌های خـارجی منطقـه امنیتـی را تعریف می‌کنند.

۲. حالت فاقد ساختار: این وضعیت در شرایط بوجود می‌آید که به دلیل سطح پایین دولت‌های محلی، حیطه قدرت نمایی آنها محدود است و حتی در صورت وجود این قابلیت از مرزهـای آنهـا فراتـر نمی‌رود. حالت فاقد ساختار ممکن است به دلیل وجود حصارهای جغرافیایی که تعامل را با مشکل روبرو می‌کنند نیز بوجود بیاید. در این وضعیت بخشی از منطقه امنیتی بواسطه فقـدان پـویش‌هـای منطقه‌ای تعریف می‌شود و بخش‌هایی نیز شامل فضای خالی باقیمانده روی نقشه هستند که بعـد از تعریف تمام مناطق امنیتی دیگر شکل می‌گیرند. (Buzan and Wæver, ۲۰۰۳: ٦۷)

جدول۲-۱- خلاصه انواع مجموعه‌های امنیتی

نوع	ویژگی‌های اصلی	نمونه‌ها

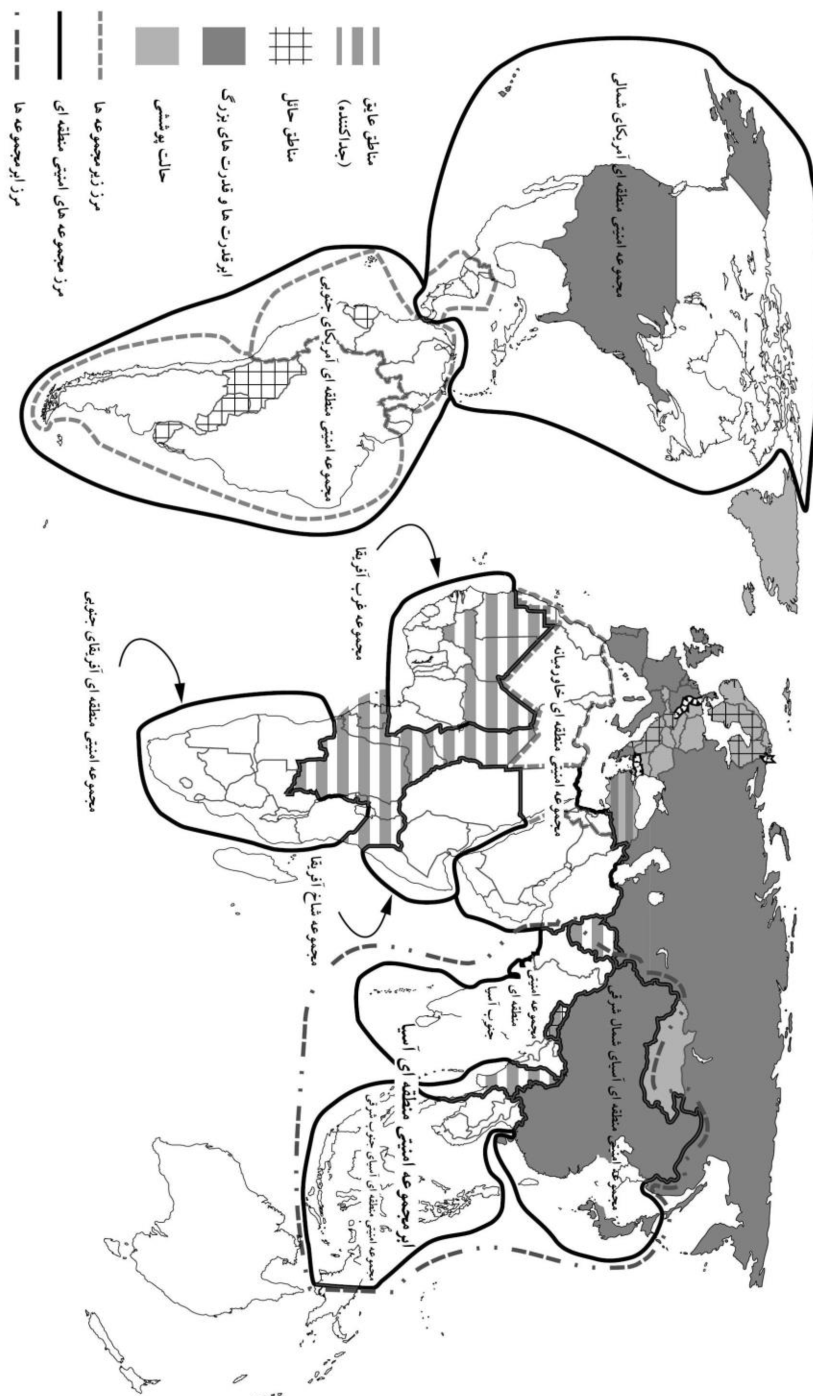
۱ . Great power RSCs

۲ . Non-located RSCs

استاندارد	قدرت‌های منطقه‌ای	خاورمیانه، آمریکای جنوبی، شرق آسیا، شاخ و جنوب آفریقا
	نوع قطب‌بندی را تعیین می‌کنند	
	محوری	
ابر قدرت	تک قطبی متمرکز حول ابرقدرت	آمریکای شمالی
قدرت بزرگ	تک قطبی متمرکز حول قدرت بزرگ	جنوب آسیا
قدرت منطقه‌ای	تک قطبی متمرکز حول قدرت منطقه‌ای	وجود ندارد
نهادی	نهادها ویژگی بازیگران منطقه‌ای را تعیین می‌کنند	اتحادیه اروپا
قدرت بزرگ	دو یا چند قطبی قدرت‌های بزرگ	شرق آسیا، اروپای قبل از ۱۹٤۵
ابرمجموعه‌ها	سر ریز شدن قدرت‌های بزرگ به مناطق مجاور باعث ایجاد پویش‌های قدرتمند بینامنطقه‌ای می‌شود.	شرق و جنوب آسیا

(Buzan and Wæver, ۲۰۰۳: ٦۰)

نقشه ۲-۱- الگوی مناطق امنیتی در دوره جنگ سرد



(Buzan and Wæver, ۲۰۰۳: xxiv)

نقشه۲-۲- الگوی مناطق امنیتی پس از جنگ سرد

(Buzan and Wæver, ۲۰۰۳: xxiv)

۲- ۵- مجموعه امنیتی منطقه‌ای خاورمیانه

«باری بوزان» و «الی ویور» در نسخه اصلی کتاب «مناطق و قدرت‌ها»[۱] درباره مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای جنوب آسیا و آسیای جنوب شرقی ذیل توضیح درباره ابرمجموعه آسیا به شرح و تبیین پرداخته‌اند. (این بخش در ترجمه فارسی کتاب حذف شده است) «بوزان» و «ویور» در شرح مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای به غیر از آسیا به تشریح مجموعه‌های آمریکا، اروپا و خاورمیانه پرداخته‌اند. با وجود این برای پرهیز از اطناب و تمرکز بر مباحث مورد نیاز در این پژوهش، تنها مجموعه امنیتی خاورمیانه، به عنوان بخشی از چارچوب‌های نظری مورد استفاده قرار می‌گیرد.[۲]

با وجود تعریف‌های متعدد ارائه شده از خاورمیانه، مبنای تعریف نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای، وابستگی متقابل امنیتی است که پوشش دهنده منطقه‌ای گسترش یافته از مراکش تا ایران است و شامل دولت‌های عرب بعلاوه ایران و فلسطین اشغالی می‌شود. قبرس، سودان و شاخ آفریقا جزو این منطقه نیستند و افغانستان حائل میان خاورمیانه و جنوب آسیا و ترکیه حائلی میان خاورمیانه و اروپاست. این واقعیت که دیر زمانی ترکیه به عنوان امپراطوری عثمانی حاکم بخش عمده جهان عرب بود، ولی از دهه ۱۹۲۰ به این طرف تا حد بسیار زیادی از گذشته خود روی برگردانید تا دیدگاه غرب‌گرایانه آتاتورک را در مورد آینده آن کشور پی بگیرد به حائل بودن ترکیه کمک می‌کند. مجموعه امنیتی خاورمیانه‌ای همانند جنوب آسیا با جنگ زاده شده است، استقلال اسرائیل باعث بروز اولین منازعات میان فلسطینی‌ها و مهاجران صهیونیستی در سطح دولت و اولین جنگ بینادولتی چند جانبه شد. تعدد دولت‌ها باضافه جغرافیای پراکنده در خاورمیانه، باعث تعریف سه زیر مجموعه در این مجموعه امنیتی منطقه‌ای شده که شامل دو زیر مجموعه اصلی در شامات و خلیج فارس و یک زیر مجموعه نسبتا ضعیف‌تر در غرب است. اعراب در برابر «دِگرها» (یهودیان – ایرانیان) و ترک‌ها در برابر اعراب، گویای تبیین قومی از

---

۱. Regions and Powers

۲ . به دلیل وقوع تحولات مهم بعد از نگارش کتاب «مناطق و قدرت‌ها» و نیز به دلیل ابطال برخی گزاره‌های نظری ساخته شده در متن آن، بهره‌برداری از نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای در این پژوهش با تعدیل متن و اصلاح برخی عبارات همراه است.

ناامنی‌های موجود در این منطقه است که مذهب هم به آن افزوده می‌شود. اسرائیل از نظر مذهبی متفاوت از همسایگان عرب خود می‌باشد و ایران نماینده شیعیان در شکاف سنی و شیعه در جهان اسلام است. برخورد ایران با هر همسایه عربی خطر تبدیل شدن آن به برخوردی با تمام همسایگان عرب را به همراه دارد. این نکته‌ای است که باشدت بیشتر در مورد اسرائیل صحت دارد. همچنین عربیسم و اسلام‌گرایی به همان اندازه که ایده‌های نزدیک به هم هستند، رقیب یکدیگر نیز محسوب می‌شوند.

(Buzan and Wæver, ۲۰۰۳: ۱۸۷-۱۸۹)

منطقه خاورمیانه در برگیرنده دستور کارهای مجزا و قدرتمند بینا اسلامی و بینا عربی است که بخش عربی آن معطوف به موارد زیر است:

1. رقابت بر سر رهبری جهان عرب و تفسیر عربیسم
2. رقابت بر سر سرزمین
3. رقابت بر سر آب
4. رقابت بر سر ایدئولوژی
5. رقابت بر سر منافع قبیله‌ای
6. رقابت بر سر جانشینی در خانواده‌های سلطنتی

- در اکثر دولت‌های عربی اسلام‌گرایان اپوزیسیون داخلی محسوب می‌شوند و دولت‌های اسلامی (ایران) به راحتی تهدیدی برای همسایگان محسوب می شوند.

(Buzan and Wæver, ۲۰۰۳: ۱۹۰)

بر اساس آراء «بوزان» و «ویور» در نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای الگوهای دوستی، دشمنی در خاورمیانه پیچیده و چند بعدی است که در قالب سه زیر مجموعه داخل آن قابل توضیح است. البته برخی از این نظرات قابل تأمل جدّی و نقد هستند که در این پژوهش برای اصلاح آنها تلاش خواهد شد. لذا برای حفظ ساختار نظری، ابتدا به تشریح این زیر مجموعه‌ها بر اساس نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای خواهیم پرداخت و در عین حال ضمن اشارات کوتاه در نقاط مورد نقد، تشریح شواهد عینی مورد اتکاء برای نقد

برخی آراء موجود در نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای و اثبات آن را در فصل‌های سوم و چهارم انجام خواهیم داد:

۱. شامات: اولین و اصلی‌ترین زیر مجموعه خاورمیانه، در شامات متمرکز است که شامل اسرائیل (فلسطین اشغالی) و همسایگان عرب آن است. درگیری میان فلسطینی‌ها و اسرائیل نبردی محلی بود که باعث دشمنی اسرائیل و همسایگان چسبیده به آن و جهان عرب در حالت گسترده‌تر شد. این منازعه در مقیاس گسترده‌تر تا حدی متأثر از دشمنی میان اسرائیل و جهان اسلام و به طور اخص ایران پس از ۱۹۷۹ بوده است و بواسطه منازعه عرب – اسرائیل که در کانون ناسیونالیسم فراملی عربی قرار داشت، تقویت و از برخی جهات تعریف شد. (Buzan and Wæver, ۲۰۰۳: ۱۹۰)

از مراکش تا عراق، حمایت لفظی شدید از فلسطین بخش جدایی‌ناپذیر مشروعیت حکومت‌ها در میان مردم است.[۱] البته بدون داشتن علایق مشترک فرهنگی، امکان اینکه نگرانی‌های امنیت ملی مجموعه‌ای از قدرت‌های کوچک و متوسط با اعضایی که به اندازه مراکش و عمان از نظر جغرافیایی از یکدیگر دورند در یک الگوی وابستگی متقابل منسجم شود بسیار کم است، لذا عربیسم و اسلام‌گرایی به عنوان سمبل‌های مشترک و تمرکز آنها بر منازعه با اسرائیل به پویش‌های امنیتی خاورمیانه امکان داد در چنین فاصله زیادی به یکدیگر متصل شوند. بدون وجود این سمبل‌ها، بی‌تردید یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای واحد در خاورمیانه شکل نمی‌گرفت. یعنی چنین فاصله‌ای باید منجر به ظهور دو یا سه مجموعه امنیتی منطقه‌ای کوچکتر حول خلیج فارس، مغرب و شامات می‌شد. منازعه عرب – اسرائیل موجب ظهور زنجیره‌ای از جنگ های اساسی و رشته بی‌پایانی از درگیری‌های نظامی در داخل اسرائیل و پیرامون آن گردید. این زیر مجموعه در اصل شامل اسرائیل و همسایگان آن شامل دولت‌های مصر، سوریه، لبنان و اردن و بازیگران غیردولتی است. برخی کشورهای دور از منطقه به شیوه های مختلف و مؤثر درگیر مسئله اسرائیل بوده‌اند (ایران، عراق، عربستان سعودی کویت، لیبی، تونس) و فلسطینی‌ها را مورد حمایت لفظی، مالی و گاه نظامی قرار داده‌اند. تقریباً تمام کشورهای عربی تا حدی (حتی لفظی) درگیر این منازعه

---

۱. این رأی در برخی موارد نظیر عراق فاقد دقت و عمق است و به خصوص بر موضوع این پژوهش تأثیر به سزایی دارد. لذا در فصل سوّم به تشریح دلایل ردّ این نظر درباره عراق خواهیم پرداخت و در فصل چهارم به تحلیل تأثیر آن بر روندها، اولویت‌بندی‌ها و نتیجه‌گیری‌های کلان می‌پردازیم.

بوده‌اند و جنگ‌های فوق تأثیر قابل توجهی بر سیاست‌های بیناعربی داشته‌اند که نمونه بـارز آن تضـعیف اقبال به مصر برای رهبری جهان عرب و افزایش فرصت‌ها برای عربستان سعودی و عـراق بـرای ایفـای نقش رهبری فوق بوده است.(Buzan and Wæver, ۲۰۰۳: ۱۹۱)

۲. خلیج فارس: زیر مجموعه خلیج فارس پس از خروج بریتانیا از آن در سـال ۱۹۷۱ شـکل گرفـت. در این زیر مجموعه رقابت سه گانه ایران، عراق و دولت‌های عرب خلیج فارس به رهبری عربستان سعودی محور اصلی را تشکیل می‌دهد. همین‌طور در این زیر مجموعه میان عربستان سعودی و یمن نیز رقـابتی حاشیه ای در داخل یمن وجود دارد. (Buzan and Wæver, ۲۰۰۳: ۱۹۱)

دولت‌های عرب خلیج فارس (عربستان سعودی، کویت، بحرین، قطر، امارات متحـده عربـی و عمـان) از سال ۱۹۸۱ در شورای همکاری خلیج فارس گرد هم آمده‌اند که یـک مشـارکت اسـتراتژیک ضـعیف در واکنش به جنگ ایران و عراق بود. (تصور غالب این است که ایـن شـورا از تـرس هـر دو کشـور شـکل گرفت). انقلاب ۱۹۷۹ در ایران یک عنصر ایدئولوژیک قوی را به رقابت با عربستان اضافه کرد که نتیجـه آن رقابت دو طرف برای رهبری جهان اسلام بود. خصومت ایران و عراق ناشی از اختلافات مرزی، بلند پروازی رهبران دو کشور برای کسب قدرت بیشتر، مشکلات مشترک در مورد اقلیـت کـرد و سرنوشـت جمعیت کثیر شیعیان در جنوب عراق است که باید به این فهرست، رقابت دیرینه عرب و عجم و شیعه و سنّی را نیز افزود که از زمان نزاع امپراطوری عثمانی و دولت‌های صفوی ادامه دارد. همین عوامل قومی و فرقه‌ای در تنش میان ایران و عراق و ایران و اعراب خلیج فارس در دوران مدرن نیـز نقـش مهمـی ایفـا کردند.گرچه خلیج فارس هسته دومی به مجموعه امنیتی منطقه‌ای خاورمیانه‌ای اضـافه کـرد، امـا ماهیّـت پویش‌های امنیتی داخلی آن باعث بروز منازعه شدید نمادین نظیر مسئله فلسطین که در یک حوزه وسـیع جغرافیایی تعداد زیادی از دولت‌های عربی و اسلامی را در بر بگیرد نشد. اما قرابـت جغرافیـایی ایـن دو هسته بدان معناست که با وجود داشتن پویش‌های محلی مستقل، مسائل متعدد و مشترکی میان آنها وجود دارد و این امر به گره خوردن عناصر مجموعه امنیتی منطقه‌ای با یکدیگر کمک می‌کند. مثلاً سوریه یکـی از رقبای اسرائیل و به موازات آن عراق است. (Buzan and Wæver, ۲۰۰۳: ۱۹۲-۱۹۳)

۳. مغرب: در دوران کنونی، سومین زیر مجموعه ضعیف‌ترِ خاورمیانه در مغـرب تشـکیل شـد. ایـن زیـر مجموعه مبتنی بر مجموعه‌ای از روابط متغیر و شکننده میان لیبی تونس الجزایر و مراکش است. مرز این زیر مجموعه با آفریقا چندان مشخص نیست و پـویش‌هـای امنیتـی مغـرب تـا چـاد، صـحرای غربـی و موریتانی نفوذ کرده و لیبی، مراکش و اسرائیل در میان برخی دولت‌های زیـر صـحرا نقـش سیاسـی ایفـا کرده‌اند. مهم‌ترین مشکل امنیتی منطقه‌ای در مغرب الحاق، الحاق صـحرای غربـی بـه مـراکش در ۱۹۷۵ است که منجر به تنش ۱۲ ساله این کشور با الجزایـر و لیبـی شـد. دولـت‌هـای مغـرب تـا آن انـدازه در منازعات اعراب – اسرائیل و خلیج فارس درگیر بوده اند که تردیدی بـرای عضـویت آنـان در مجموعـه خاورمیانه وجود ندارد. (Buzan and Wæver, ۲۰۰۳: ۱۹۲-۱۹۳)

بسیاری از دولت‌های خاورمیانه همانند جنوب شرقی آسیا در انتهای طیف انسجام اجتماعی سیاسی قـرار دارند. دموکراسی در آنها نادر است و در مقابل دیکتاتوری عمومیت دارد و استفاده از زور و سـرکوب در حیات سیاسی داخلی رایج است. ارتباط تنگاتنگ میان رژیم‌های اقتدارگرا، منابع نفتی، سرمایه بین‌المللـی و اتحاد با قدرت‌های بزرگ به دولت‌های رانتیر امکان استفاده گسترده از نیروهای امنیتی بـرای سـرکوب جمعیت و جدا کردن رژیم‌های خود از جامعه مدنی را داده است. در بسیاری از دولت‌های عـرب منطقـه اسلام‌گرایان گروه‌های اپوزیسیون را تشکیل می‌دهند، با این حال به دلیل ضعف و تفرقه، احتمـالی بـرای استقرار آنان به جای نظام دولتی منطقه‌ای موجود ندارد. با اینکه اسلام به تنهایی از ویژگـی‌هـای فراملـی قدرتمندی برخوردار است، اسلام گرایان در ایجاد ائتلاف‌های سیاسی گسترده درون دولت‌ها و بـین آنهـا ضعیف عمل کرده‌اند. آنها در مقابل در جدایی، تفرقه و تبدیل شدن به گروه‌هـای رقیـب بـرای یکـدیگر خوب عمل کرده‌اند. قدرت نظامی اسلام‌گرایان بواسطه سرکوب دولتی کـه عمومـاً بـا حمایـت خـارجی همراه است درهم شکسته شده است. در این میان نظام دولتی عربی برخلاف نوع آفریقایی آن، انســجام و استحکام لازم برای مهار خشونت داخلی و تسلط بر روابط بین‌المللی را بدست آورده است.

(Buzan and Wæver, ۲۰۰۳: ۱۹۹-۲۰۰)

با وجود آنکه در خاورمیانه چارچوب دولتی مسلط است، این چارچوب مصون از چـالش‌هـای داخلـی نیست. در داخل این دولت‌ها بازیگران فرودولتیِ امنیتی کننده نقش مهمـی در سـطح منطقـه‌ای و جهـانی

ایفا می‌کنند. در این میان منازعه فلسطینی‌ها به عنوان یک استثناء به غیر از محیط داخلی، بـه کـل منطقـه نفوذ کرد و به پویش تعریف کننده مجموعه امنیتی منطقه‌ای تبدیل شد. آوارگان فلسطینی به یـک مشـکل داخلی برای لبنان و اردن تبدیل شدند و ستیز آنها با اسرائیل، اصلی‌ترین عامل خصومت میـان اسـرائیل و جهان وسیع اسلامی و عربی شد. استثناء دیگر کُردها هستند که بـا جمعیتـی بـیش از ۲۵ میلیـون نفـر در ترکیه، سوریه، ایران و عراق پراکنده‌اند و در داخل ایـن کشـورها بـه جنـبش‌هـای شورشـی و بـازیگران متخاصم مختلف تقسیم شدند. در حالت کلی‌تر، ناامنی بسیاری از رژیم‌ها در خاورمیانه به سیاست امنیت منطقه‌ای سرازیر می‌شود. (Buzan and Wæver, ۲۰۰۳: ۱۹۹-۲۰۰)

وجود درگیری‌های تقریبا دائمی در خاورمیانـه آن را بـه نمونـه تقریبـا کـاملی از یـک مجموعـه امنیتـی منطقه‌ای کلاسیک و دولت محور نظامی – سیاسی تبدیل کرده اسـت. ورای ملاحظـات دولـت محـور و منافع رژیم، اختلاط و متقاطع بودن احساسات ضدّ عربی، ضدّ صهیونیستی، اسلامی، ناسیونالیستی عربـی در خاورمیانه، اجرای سیاست‌های توازن قدرت برای دولـت‌هـای محلـی و قـدرت‌هـای مداخلـه‌گـر را فوق‌العاده دشوار کرده است. در خاورمیانه برای هر بازیگری، چه محلی و چه جهـانی، حمایـت از یـک بازیگر دیگر در مقابل دشمن مشترک، بدون تهدید کردن هم زمان طـرف سـوم دارای رویکـرد دوسـتانه مشکل است.(نمونه حمایت از معارضین، بدون تقویـت القاعـده و تهدیـد داعـش) در مجموعـه امنیتـی خاورمیانه منازعه بیش از حد تعیین کننده است و معلوم نیست هر نوع تحول احتمالی در منطقـه بتوانـد ویژگی کلاسیک منازعه ساز بودن را تغییر دهد و شکست فرایند صلح خصـومت اعـراب و اسـرائیل را برای سالهای مدیدی در آینده حتمی کرده است. ضمن اینکه جنـگ بـا تروریسـم پیچیـدگی‌هـای آن را افزایش داده است. حتی اگر در آینده و در مقاطعی اسرائیل با این فرض جلو نرود که در معرض تهدیـد حیاتی قرار دارد صرف موقعیت قدرتمند آن در یک نظام توازن قـوای متغیـر و نیـز بـالاتر بـودن درجـه توسعه آن باعث القای ترس در همسـایگان آن خواهـد شـد. اسـرائیل از جهـات دیگـری نیـز بـر رواج شکل‌گیری منازعات در خاورمیانه تأثیرگذار است. اضافه شدن ترکیه فعـال بـه منطقـه و شـریک محلـی اسرائیل، این رژیم و موقعیت آمریکا در منطقه را تقویت کرده و احتمـال ایجـاد ائـتلاف‌هـا و منازعـات

جدید به خصوص با ایران، سوریه و عراق را افزایش می‌دهد. لذا از بین بـردن اسـرائیل بـه عنـوان یـک دولت یهودی می‌تواند تحول درونی در شبه مجموعه اعراب و اسرائیل و مجموعه خاورمیانه باشد.

(Buzan and Wæver, ۲۰۰۳: ۲۱۵-۲۱۸)

سطح جهانی عملکرد قدرتمندی در خاورمیانه دارد، اما به دلیل پیچیدگی‌های متقاطع ائتلاف‌های داخلـی در خاورمیانه، ترسیم الگویی آشکار از مداخله قدرت‌های بزرگ مشکل است. نظام دولتی در خاورمیانه تا حد زیادی محصول قدرت‌های استعماری منفور و ماحاصل فروپاشی آگاهانه وحدت اعراب هسـتند، بـا وجود این ایالات متحده و روسیه آنچنان که تبلیغ می‌شود قادر به کنترل رفتار حامیان خود نیسـتند. هـیچ از این دو بازیگر در کنترل مستمر پویش‌های امنیتی منطقه‌ای یا داخلی خاورمیانه توفیق کسب نکرده‌انـد، بنابراین به سختی می‌توان به الگوی روشنی از رابطه میان نفوذ ابرقدرت‌ها و پویش‌های منطقـه‌ای دسـت یافت. با وجود این امریکا و روسیه بواسطه انتقال تسلیحات یا نیرو، سطح کلی قابلیت نظامی در منطقه را بالا بردند. آنها توزیع قدرت منطقه‌ای را آشکارا به نفع اسرائیل تغییر دادند، اما قادر به کنتـرل خاورمیانـه نیستند و در شکل‌گیری پویش‌های امنیتی – سیاسی قدرتمند منطقه‌ای نیز نقش حاشیه‌ای دارند.

(Buzan and Wæver, ۲۰۰۳: ۲۰۰)

سطح بینا منطقه‌ای در خاورمیانه در صورتبندی کلی خوشه امنیتی موقعیتی کاملاً حایشه‌ای دارد. در مناطق مرزی میان خاورمیانه و آفریقا تحرک و فعالیت بسیار کمی وجود دارد و به دلیـل تـأثیر بیشـتر جریانـات سرریز شده از خاورمیانه به آفریقا تا حد زیادی رابطه‌ای یک سـویه بـین ایـن دو برقـرار اسـت. در کـل پویش‌های امنیتی منطقه‌ای خاورمیانه فوق العاده قوی هستند و به دلیـل برخـورداری از ریشـه عمیـق در ویژگی‌های تاریخی و سیاست منطقه، آمریکا و روسیه از شکل دادن به یک الگوی منطقه‌ای مثـل جنـوب شرق آسیا در آن ناتوان بوده‌اند.(Buzan and Wæver, ۲۰۰۳: ۲۰۱)

در نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای دو عبارت «عایق»[1] و «حائل»[2] دارای تعاریف متفاوتی اسـت. حائـل درون یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای است و قدرت‌های منطقه‌ای را از هم جدا می‌کند. حال آنکه عایق در حوزه غیر

---

۱ . buffer

۲ . insulator

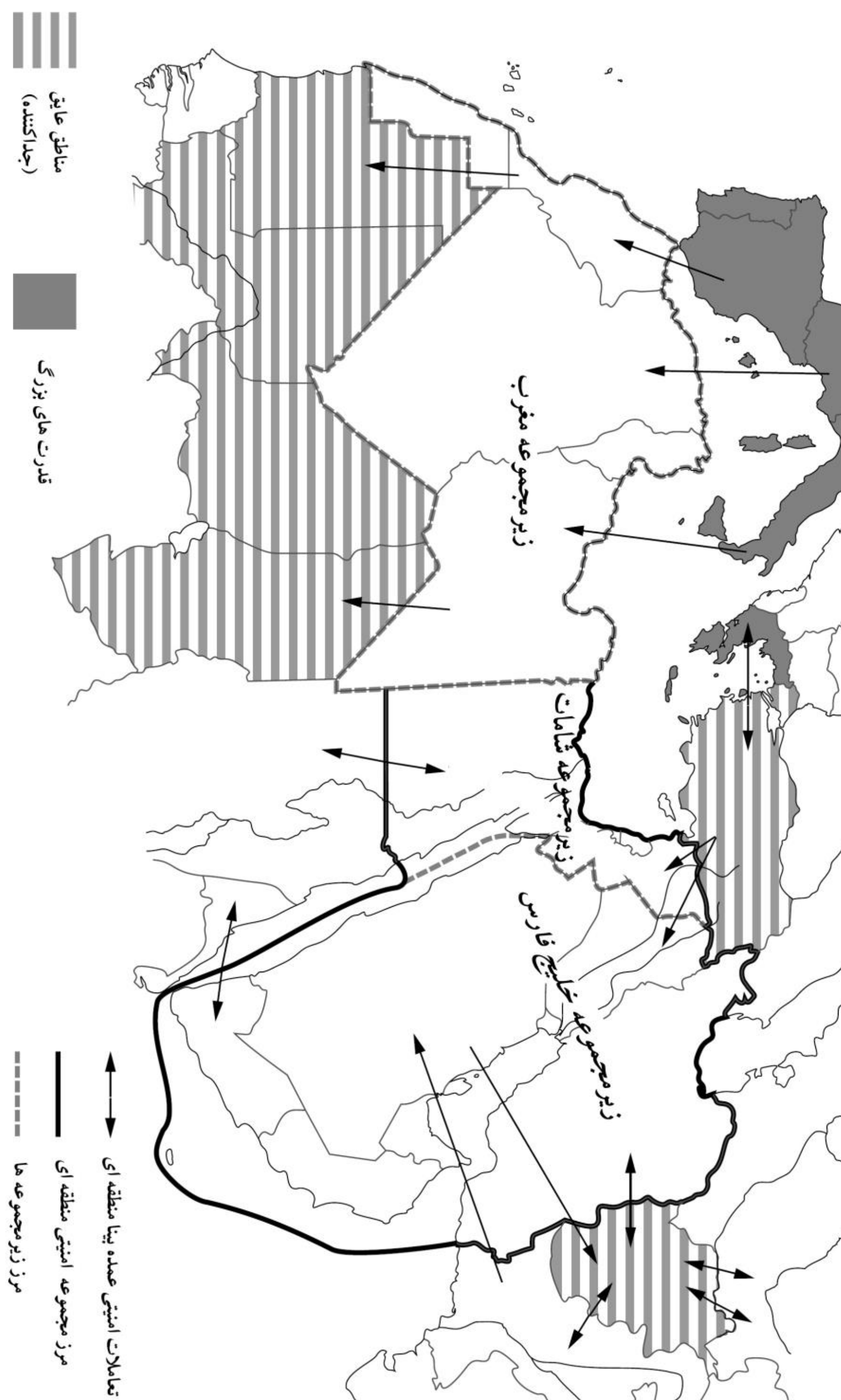
قابل تفکیک مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای قرار دارد و کمک می‌کند تا دو یا چند مجموعه پویش‌هـای امنیتـی منطقه‌ای از هم جدا بمانند. تقسیم اصلی عایق‌ها از مفهوم سازی مجموعه امنیتی منطقـه‌ای بـر حسـب عـدم تمایز نسبی نشأت می‌گیرد.[1] بسیاری از دولت‌های عایق مثل ترکیه نـاتوان از متصـل کـردن دو مجموعـه بـه یکدیگر می‌باشند ولی باید هر دو نقش متصل کننده و عایق را ایفا کنند چون همسایگان یک دولت عایق در بخشی از مجموعه کوچک که با آنها هم مرز است حضور پیدا می‌کنند بی‌آنکه این امر منجر به متصل شدن به بازیگران یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای دیگر شود. عایق‌ها معمولا با انفعال نسبی نقش خود را ایفا می‌کننـد و این انفعال چه از طریـق مشـخص کـردن حـوزه نامتمـایز و چـه از طریـق جـذب انـرژی‌هـای پیرامـون از مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای جداگانه صورت می‌پذیرد. (Buzan and Wæver, ۲۰۰۳: ٤٨٤-٤٨٧)

به نظر می‌رسد ترکیه با ایفای نقش فعال‌تر نسبت به وضعیت عایق بودن خود در حال به چـالش کشـیدن این وضع است. با این حال ترکیه هنوز قادر به گرد هم آوردن مجموعه‌های امنیتـی منطقـه‌ای مختلـف و تبدیل آنها به یک حوزه استراتژیک مهم نشده است. اما شاخص‌هایی وجود دارد که نشان می‌دهد تبـدیل شدن عملی ترکیه به یک قدرت منطقه‌ای برای گرد آوردن یونان، روسیه و سوریه از سه مجموعه امنیتی منطقه‌ای مختلف به عنوان تقریباً متحد علیه ترکیه کافی است. اگر این سه دولت به صورت نظام‌مند اقدام استراتژیک مشترک را پیگیری کنند مرزهای جدا کننده بالکـان و خاورمیانـه بـاز هـم باریـک‌تـر شـده و مفهوم‌سازی عمومی از ترکیه به عنوان یک عایق به چالش کشیده خواهد شد. ترکیـه از بسـیاری جهـات بهترین نمونه برای درک یک دولت عایق است. یکی از ویژگی‌های ترکیه این است که دولت عایق بـودن را به طور رسمی انکار می‌کند و از آنجا که واژه عایق چندان مورد استفاده نیست، ترک‌ها عملاً واژه حائل را انکار می‌کنند که یک واژه ژئوپلیتیک مرسوم است و سیاستگذاران ترکیه از آن آگاه هستند و بیم دارند. هر چند ترک‌ها با ارجاع به نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای، استدلال خود را ارائه نمی دهنـد، امـا واضـح است که نقش عایق یا حائل بودن را جذاب نمی دانند، ترکیه بلکه برعکس می کوشد تصویری از منطقـه اوراسیای بزرگتر ارائه دهد که در آن جایگاه مرکزی دارد.(Buzan and Wæver, ۲۰۰۳: ٤٨٧)

---

۱ . نمونه‌های کلاسیک عبارت از برمه میان جنوب شرق و جنوب آسیا طی دوران جنگ سرد، ترکیه میان اروپا و خاورمیانه، افغانستان میان جنوب آسیا و خاورمیانه و نپال میان جنوب آسیا و شمال شرق آسیا هستند. به این موارد کمربندی از دولت‌ها که از صحرا در موریتانی تا سودان ادامه دارند و میان خاورمیانه و آفریقای سیاه قرار گرفته‌اند اضافه می‌شود.
(Buzan and Wæver, ۲۰۰۳: ٤٨٤)

نقشه۲-۳- الگوی مجموعه امنیتی منطقه‌ای خاورمیانه از ۱۹۷۰ به بعد



(Buzan and Wæver, ۲۰۰۳: ۱۸۹)

۲- ٦- مبانی نظری روابط نیابتی و قوانین پارتیزان

در محیط کنونی خاورمیانه تهدیدهای کوچک با مقیاس عمل تاکتیکی، پیامدهای استراتژیک به بار می‌آورند. قدرت تولید حادثه در این محیط افزایش یافته و استراتژی‌ها تابع میدان تولید حادثه هستند. این شرایطی است که بازیگران را از توازن قدرت به توازن خطر سوق داده است و میدان نامتقارنی از گسترش و توزیع قوا را در پی خواهد داشت. بر این اساس در مجموعه امنیتی منطقه‌ای به دلیل حمایت حکومت‌ها از گروه‌های داخلی در کشورهای دیگر سطوح داخلی و منطقه‌ای نیز با یکدیگر وارد تعاملاتی می‌شوند. بر این اساس و در راستای تبیین بیشتر پویش‌های امنیتی جاری در خاورمیانه لازم است به توضیح درباره شکلی از نزاع بپردازیم که با فروپاشی نظام دو قطبی تقریبا از میان رفته بود اما نوع تغییر شکل یافته این الگوی نزاع در خاورمیانه به حیات خود ادامه می‌دهد.

جنگ نیابتی واژه‌ای است که فرهنگ لغات آکسفورد تعریف آن را مبتنی بر چالش‌های بین دو قطب آمریکا و شوروی در دوران جنگ سرد می‌داند و آن را یک جنگ تحریک شده توسط یکی از دو ابرقدرت در دوران جنگ سرد قلمداد می‌کند که خودشان مستقیم در آن درگیر نبودند. با پایان جنگ سرد برخی بر این باورند که ایالات متحده در جهان چندقطبی کنونی با هیچ رقیب قابل دوامی در کوتاه مدت مواجه نیست. واقعیت اینجاست که علیرغم وجود تعاریف مصداقی که عمدتاً به شرح جنگهای نیابتی در دوره جنگ سرد بین آمریکا و شوروی می پردازند، این مفهوم دارای مشکل فقدان یک تعریف علمی فراگیر است. یکی از مشکلات ناشی از این وضعیت، روشن نبودن تکلیف بازیگران دخیل در یک جنگ نیابتی است. به عنوان مثال «گراینت هیوز»[۱] در کتاب «جنگ نیابتی در سیاست بین‌المللی»، برای توضیح این مفهوم، تعریف مضیّقی از «نایب»[۲] ارائه داده که بازیگران حاضر در یک جنگ نیابتی را غیر دولتی توصیف میکند و بازیگران دولتی در تعریف وی صرفاً از جایگاه پشتیبانی برخوردارند : «یک نایب، در قالب یک گروه شبه نظامی قابل تعریف است که از یک قدرت خارجی (دولت) کمک مستقیم دریافت می‌کند.» (Youra, ۲۰۱٤:۱۲)

۱.Geraint Hughes

۲ .Proxy

از سوی دیگر «دیلان کریگ»[1] در پایان نامه دوره دکتری خود برای رشته روابط بین‌الملل کـه بـه بررسـی جنگ‌های نیابتی دولت‌های آفریقایی اختصاص داشته با استناد به تجربه جنگ‌های نیـابتی در آفریقـا طـی سال‌های ۱۹۵۰ تا ۲۰۱۰، تعریف موسعی از این پدیده ارائه داده که مبتنی بر روندسازی از جنگ‌های جاری در این بازه زمانی و تولید الگو از آنهاست. تعریف موسع کریگ از این منظر مورد توجه قرار می‌گیرد کـه «رایان جاستین یورا» نیز در رساله کارشناسی خود با موضوع «کـاوش قـدرت و مداخلـه در جنـگ‌هـای نیابتی»، تعریف مضیّق ارائه شده از سوی «هیوز» را مورد نقد قرار می‌دهد و با توجـه بـه انحصـار جنـگ نیابتی به بازیگران غیر دولتی، تعریف وی از این پدیده را ناقص قلمداد می‌کند. بر این اسـاس «کریـگ»، جنگ نیابتی را چنین تعریف می‌کند:

«جنگ نیابتی به دسته‌ای از جنگ‌ها اطلاق میشود که (اولاً) در آنها یک یا تعدادی از دولت‌ها در وضعیت یا رویارویی به سر می‌برند و (ثانیاً) صرف نظر از چگونگی مسئولیت‌پذیری، مشارکت یا توافق مشترک بر سر اهداف مشخص توسط بسیاری دیگر از بازیگران غیردولتی، حداقل یکـی از مرزهـای مسـتقل مـورد تجاوز قرار گرفته است.» (Craig, ۲۰۱۲: ٤٦-٤٧)

حضور و کمک بازیگران دولتی به این نوع جنگ، حتـی اگـر آن را بـا اسـتفاده از نیروهـای مـنظم خـود در مرزهای درگیر اداره نکنند در برگیرنده مفاهیمی چون دولت، جنگ، و دولت در جنگ است. لذا جنگ نیابتی مستلزم وجود نوعی همکاری استراتژیک بین دولت خارجی با شریک محلی در محل مبارزه، برای کارگردانی خشونت‌های منطقه هدف است. در واقع دولت‌ها برای دستیابی به اهداف مورد نظر، برای رفتن به جایی کـه نمی‌توانند در آن حضور داشته باشند (به عنوان مثال، قلمرو رقیب) از ظرفیـت بـازیگران غیردولتـی اسـتفاده می‌کنند. استفاده از واسطه‌های غیردولتی برای ایجاد ثبات در منطقه پدیده‌ای است که بـه انحصـار دولتـی در مورد اعمال خشونت در سطح جهانی پایان داده و نقش مهم بـازیگران غیـر دولتـی منطقـه‌ای را پـررنـگ‌تـر می‌کند. جنگ نیابتی به طور کلی شامل یک تجدید نظر صریح سیاسی در اقتـدار دولـت هـدف اسـت.گاهی اوقات، این نسخه شامل طیفی از محرومیت یک حکومت مستقل هدف دولتی از یک استان جدایی خـواه تـا تلاش برای خلع رژیم دولتی هدف به طور کامل است. (Craig, ۲۰۱۲: ٤٥-٦٦)

---

[1] .Dylan Craig

بررسی «برتیل دونر»[1] از ماهیت جنگ‌های نیابتی در کتاب «مداخله نظـامی در جنـگ‌هـای داخلـی» طـی دهه ۷۰ میلادی (دوره جنگ سرد) نشان می‌دهد که ٦٨٪ مداخلات از سوی کشورهای درحال توسـعه رخ داده است. بر خلاف مکتب واقع‌گرایی که بر نقش قدرت‌های بزرگ در اعمال زور متمرکز است، «دونـر» بر این باور است که کشورهای ضعیف و در حال توسعه نقش پر رنگ‌تری در مداخلات بازی می‌کنند. او استدلال می‌کند که دولت‌های ضعیف و در حال توسعه با هدف ایجاد موازنه قدرت اسـتقبال بیشـتری از مداخله می‌کنند، زیرا در غیاب قدرت‌های بزرگ فرصت بیشتری برای بـازی‌گـری در اختیـار آنـان قـرار می‌دهد. «برتیل دونر» بر اساس نتایج مطالعات خود ادعا می‌کند که دولت‌های در حال توسـعه بـر مبنـای تصمیمات استراتژیک خود، مشتاق ارسال منابع برای مداخله هستند. (Youra, ٢٠١٤:٨-٩)

با پذیرش این فرض که جنگ نیابتی، الزاماً به معنی مشارکت آشکار بازیگران غیر دولتی و عـدم مداخلـه مستقیم یک دولت ذینفع در جنگ داخلی یک کشور دیگر نیست، چنین جنگی مستلزم تحقـق معیارهـای زیر است:

۱. نیاز به یک رابطه مستقیم مبتنی بر همکاری؛
۲. وجود یک دشمن مشترک برای حامی و نایب؛
۳. حفظ روابط میان حامی و نیروی نایب در طول زمان. (Youra, ٢٠١٤:١٠)

روندسازی از جنگ‌های نیابتی، ایجاد کننده الگوهایی است که نتایج ملموسی در رابطه نوع درگیری‌هـای ایجاد شده، سطح قدرت بازیگران ایجاد کننده درگیری و سطوح تأمین منابع نایب‌ها توسط حامیان را بـه نمایش می‌گذارد. درک کامل از روابط نیابتی و جنگ‌ها نیازمند آزمون اجزاء بخش‌های از تعریف از ایـن پدیده است. یک «مجموعه داده» درباره جنگ نیابتی باید پس از آنکه یک «زوج نیابتی»[2] بـر اسـاس یـک مناقشه و روند حمایت در یک رابطه نیابتی به یک واحد سازمان‌یافته تبـدیل شـدند در قالـب «زوج‌هـای نیابتی» سازماندهی شوند. لذا هرگونه رابطه مبتنی بر حمایت نظامی بین یک طرف متخاصم و یک طـرف سوم بیرون از تخاصم نشانه‌ای وجود یک زوج نیابتی است. یک تابوشکنی نظری در ایـن میـان شکسـت

---

۱ . Bertil Dunér

۲ . proxy dyad

انحصار دولتی بودن حامی‌ها و غیردولتی بودن نایب‌هاست. لذا بر این اساس یک زوج نیابتی می‌توانند در قالب‌های دولت- دولت، دولت – غیردولتی، غیردولتی- دولت و حتی سازمان‌های دولتـی و یـا سـازمان غیردولتی قرار گرفته و سازمان بیابند. این دعاوی نظری مبتنـی بـر روندسـازی و دسـته بنـدی مجموعـه داده‌هایی است که در قالب برنامه مناقشات داده محور در دانشگاه «اوپسالا» بررسی شده است. این پروژه به بررسی حمایت‌های خارجی در مناقشات مسلحانه طی سال‌های ۱۹۵۷ تا ۲۰۰۹ و روزآمدسازی آن در سال ۲۰۱۱ پرداخته است. پروژه «اوپسالا» که هدف از آن تعیین شاخص‌های دقیـق بـرای روابـط طـرف تخاصم و طرف‌های حامی سوم بود، بر اساس شیوه کد گذاری انجام شده بـود و شـاخص‌هـای بررسـی شده شامل نیروهای نظامی، عملیات‌هـای مشـترک، دسترسـی بـه قلمـرو، پشـتیبانی سـلاح، تـدارکات و آموزش، تخصص بودجه و کمک اقتصادی، داده‌های اطلاعاتی، حمایت هـای ناشـناخته و سـایر اشـکال حمایت بودند. (Croicu & others, ۲۰۱۱: ۱-۱۹)

در نسخه ۲۰۰۹ از پروژه «اوپسالا»، هر دولتی که بواسطه اعزام مستقیم نیرو در مناقشـه مشـارکت داشـته باشد را از چارچوب زوج‌های نیابتی کنار گذاشته شده بود، امـا در نسـخه ۲۰۱۱، چنـین بـازیگری ذیـل عنوان «حمایت ثانویه مناقشه»[۱] با این قید دسته بندی شده که طرف اعزام کننده مستقیم نیرو، همیشه یـک دولت است که در جریان ناسازگاری موضع مشترکی با یکی از طرف‌های اصلی درگیری دارد.[۲]

(Croicu & others, ۲۰۱۱: ٤)

برای بکار بستن موقعیت‌های قدرت در زوج‌های نیابتی، هر حمایت کننده و هر دریافت کننده کمـک در قالب گروه‌های زیر قابل دسته‌بندی هستند:

۱. بازیگران دولتی (ابرقدرت، قدرت بزرگ و قدرت خُرد)

۲. سازمان‌های بین‌المللی

۳. بازیگران غیردولتی

---

۱ . Secondary warring support

۲. قرار دادن این قید که اعزام کننده نیروی مستقیم به یک تخاصم الزاماً یک بازیگر دولتی است، یک ادعای نظری مناقشه برانگیز است که در فصل سوم شواهد متعددی برای ردّ آن ارائه خواهد شد و در فصل چهارم برای اثبات آن استدلال می‌شود.

پروژه «اوپسالا»، در دوره بعد از فروپاشی شوروی، تنها ایالات متحده امریکا را واجـد ویژگـی ابرقـدرت قلمداد می‌کند که بر اساس مطالعات انجام شده، حـداقل ۱۲٪ از قابلیـت‌هـای جهـان را در اختیـار دارد. قدرت‌های بزرگ نیز به کشورهایی اطلاق می‌شود که دست کم ۲٪ از قابلیت‌هـای جهـان را در انحصـار خود داشته باشند و شامل فرانسه، چین، بریتانیا و آلمان هستند. در این دسته‌بندی، همـه کشـورهایی کـه کمتر از ۲٪ از قابلیت‌های جهان را در اختیار دارند جزو قدرت‌های خُرد محسـوب مـی‌شـوند. ایـن یـک مفروض است که ابرقدرت‌هـا بـه دلیـل دسترسـی بیشـتر بـه منـابع، از قـدرت بیشـتری بـرای مداخلـه برخوردارند. همچنین ذکر این نکته ضروری است که بـازیگران غیـر دولتـی کـه در نقـش حـامی ظـاهر میشوند به دلیل عدم دسترسی به منابعی که یک دولـت در اختیـار دارد در قالـب «حامیـان ویـژه نیـابتی» دسته‌بندی می‌شوند. برخلاف دولت‌ها که مجبور به رعایت قوانین حق حاکمیت و قوانین عدم مداخله در سطوح سیستمی و بین‌المللی هستند، بازیگران غیر دولتـی در سـطوح مـادون دولتـی و اغلـب خـارج از سیستم دولتی عمل می‌کنند. بر همین اساس ممکن است آنها از انعطـاف‌پـذیری بیشـتری در قالـب یـک حامی نیابتی برخوردارند، در عین حال، ممکن است آنها از تجمیع منابع لازم برای کمک بـه یـک طـرف تخاصم ناتوان باشند. (Youra, ۲۰۱٤: ۲۲)

توانایی حمایت مادی ضمن اینکه ممکن است به تنهایی از عهده یک کشور خارج باشد، احتمالاً به مکان جغرافیایی دولت نیز بستگی دارد. ارسال قابلیت‌ها (سلاح، مواد و مشاوران) در فواصل دور پرهزینه است و طبیعتاً فواصل کوتاه‌تر هزینه‌های حمل و نقل و ترابری را کاهش می‌دهد. اگر درگیـری در یـک منطقـه خاص رخ داده باشد، احتمالا بازیگران منطقه‌ای، با حمایتی فراتر از یک حامی بیرون از منطقه وارد معرکه می‌شوند. علاوه بر این کشورهای همسایه بیشتر به درگیری‌های ما دون دولتی یا محلی علاقمند هستند. (Youra, ۲۰۱٤: ۲۲)

در مدل سلسله مراتبی چندگانه، قدرت را در قالب هرم‌هایی در سیستم بین‌المللی طراحی می‌کنـد کـه در آن ابرقدرت‌ها، قدرت‌های بزرگ و قدرت‌های خُرد جای دارند و می‌تواند به سازمان‌های بین‌المللی و بـازیگران غیردولتی نیز قابل تعمیم باشد. در بزرگترین هرم، سلسله مراتب جهانی است که توسط هـرم‌هـای منطقـه‌ای دنبال می‌شود و هرم‌هایی با سطوح دولتی نیز می‌توانند به آن بپیوندند. پس از وقـوع یـک درگیـری داخلـی،

کشورها منافع مستقیمی در رویدادهای کشورهای همسایه دارند، زیرا این درگیری‌ها می‌تواند به هرم منطقه‌ای و ظرفیت طرح قدرت محلی ضربه بزند. ابرقدرت‌ها و قدرت‌های بزرگی که در منطقه حضور ندارند، ممکن است تنها به درگیری‌هایی علاقه نشان دهند که دست‌یابی به یک هدف در هرم منطقه‌ای یا جهانی را میسر می‌سازد. مطالعات نشان می‌دهد تنها بیش از یک درصد درگیری‌های بین قدرت‌های خُرد که ابرقدرت‌ها فرصت مداخله داشته‌اند، ورود آنها را به دنبال داشته است. این نسبت درباره درگیری‌های داخلی و فرادولتی[1] (درگیری بین یک دولت و موجودیت‌های سیاسی که به عنوان یک دولت شناسایی نشده‌اند) کمتر از این است. بر همین اساس درگیری محلی بین بازیگران غیر دولتی کششی برای ابرقدرت‌ها و قدرت‌های بزرگ خارجی ایجاد نمی‌کند. در درگیری‌های داخلی و شرایطی که طرف تخاصم یک موجودیت سیاسی فاقد شناسایی است، احتمال حمایت نیابتی بازیگران ضعیف داخل منطقه بیشتر از بازیگران مشابه خارج از آن است، زیرا فرض بر این است که هزینه چنین حمایتی برای آنان زیاد است. (Youra, ۲۰۱٤: ۲٤)

«رایان جاستین یورا»، بر اساس اطلاعات پروژه «اوپسالا»، از ۱٦٤زوج نیابتی در ٤۳ مناقشه (از مجموع ۵۲ مناقشه) طی سال‌های ۱۹۵٤ تا ۲۰۰۹، در رساله خود گزاره‌های قابل اتکای نظری تولید کرده است که می‌تواند به تحلیل داده‌های این پژوهش کمک کند. توجه به این مسئله مهم است که نقش بازیگران غیر دولتی در این ٤۳ مناقشه کاملاً مشخص است و اثبات مشارکت این سطح از بازیگران در ۹ مناقشه دیگر غیر ممکن بوده است اما مداخله آن به عنوان حامی غیر ممکن نیست. همچنین اطلاعات موجود نشان میدهد که جنگ‌های نیابتی بیش از یک دوره زمانی طول کشیده‌اند. (Youra, ۲۰۱٤: ۲۵)

جدول۲-۲- مداخله زوج‌های نیابتی در انواع مناقشه

مناقشه	تعداد	نسبت
بین دولتی	٤۹	۲۹,۹
داخلی	۹۹	٦٤,٤
غیردولتی	۰	۰
بین دولت و موجودیت سیاسی	۱٦	۹,۸
مجموع	۱٦٤	۱۰۰

(Youra, ۲۰۱٤: ۲۵)

۱ . Extrastate conflicts

جدول ۲–۳– نسبت سطوح مداخله بازیگران در مناقشات

مناقشات	ابرقدرت	قدرت بزرگ	قدرت خُرد	سازمان بین‌المللی	غیر دولتی
بین دولتی	۱۸	۱۱	۱۹	۰	۱
داخلی	۲۹	۲	۵۹	۵	٤
غیر دولتی	۰	۰	۰	۰	۰
بین دولت و موجودیت سیاسی	۷	۱	۷	۱	۰
مجموع	٥٤	١٤	۸۵	٦	۵

(Youra, ۲۰۱٤: ۲٦)

یک یافته واضح در تحقیقاتِ پیرامون مداخله، وجود ارتباط بین میزان قدرت و انواع جنگ است. تحلیل اطلاعات مندرج در جدول مربوط به نسبت سطوح مداخله بازیگران حکایت از این دارد که ۳۳٪ از روابط نیابتی ابرقدرت‌ها به طور مستقیم به مناقشات بین دولتی گره خورده است، ۵۳٪ از آن به طور مستقیم متوجه درگیری‌های داخلی است و تنها ۱۳٪ از روابط نیابتی ابرقدرت‌ها به طور مستقیم معطوف به درگیری از نوعِ فرا دولتی است.[1] همچنین ٧٨,٦٪ از روابط نیابتیِ مستقیمِ قدرت‌های بزرگ متوجه مناقشات بین دولتی بوده است و قدرت‌های خُرد با ٦٩,٤٪ ، جلودار مداخله در مناقشات داخلی هستند. بازیگران غیر دولتی نیز ٨٣,٣٪ از توجه مستقیم خود در روابط نیابتی را در مناقشات داخلی صرف کرده‌اند. بررسی اطلاعات نشان می‌دهد که برقدرت‌ها به غیر از مناقشات بین بازیگران غیر دولتی، به دلیل درگیری منافع‌شان، در همه سطوح هرم سلسله مراتب جهانی مداخله می‌کنند، زیرا برخی دولت‌ها با توسعه قابلیت‌های خود و با هدف کسب قدرت و تأمین منافع، در همه نقاط جهان دست به عملیات می‌زنند. (Youra, ۲۰۱٤: ۲٦)

قدرت‌های خُرد به وضوح به سمت درگیری‌های داخلی کشش دارند. از آنجایی که ممکن است رویدادهای یک کشور خاص بر ثبات این کشورها تأثیرگذار باشد، ممکن است آنها علاقه بیشتری به سطح منطقه‌ای نشان دهند. این احتمال نیز وجود دارد که محل استقرار جغرافیایی قدرت‌های خُرد نیز بر مشارکت نیابتی آنها تأثیرگذار باشد. یک مسئله قابل توجه نیز این است که از میان تمام قدرت‌های خُردی که در مناقشات داخلی به عنوان یک حامی مداخله کرده‌اند، ٧٢,٩٪ در خاورمیانه حضور داشته‌اند. ٧٤,٨٪ از این دولت‌ها به دلایلی نظیر نزدیکی جغرافیایی، قرابت فرهنگی یا وابستگی‌های تجاری از مناقشات

[1] . جنگ فرا دولتی (Extrastate conflicts) عبارت از درگیری بین یک دولت و موجودیت‌های سیاسی است که به عنوان یک دولت شناسایی نشده‌اند.

داخلی در مخاطره بوده‌اند. به طور کلی میزان مشارکت حامیان نیابتی در مناقشات داخلی و فرا دولتی در خاورمیانه، اختلاف زیادی با مداخلات مشابه در خارج از این منطقه دارد. مقایسه آمار حکایت از این دارد که ۸٦,۹٪ از ٦۹ مداخله حامیان نیابتی در خاورمیانه معطوف به درگیری‌های داخلی و فرا دولتی بوده است. این در حالی است که ۵۷,۹٪ از ۹۵ مداخله بیرون از این منطقه مشمول چنین ویژگی‌هایی بوده‌اند. البته دلیل چنین تراکمی به سطح بازیگران حاضر در خاورمیانه نیز مربوط است که عمدتاً متشکل از قدرت‌های خُرد و بازیگران غیردولتی است و پیشتر در رابطه با کشش آنان به مناقشات داخلی بحث شد. (Youra, ۲۰۱٤: ۲۸-۲۹)

جدول۲-٤- تفکیک نقش بازیگران خاورمیانه در انواع مناقشه

مناقشات	قدرت خُرد	سازمان بین‌المللی	بازیگر غیر دولتی
بین دولتی	۹	۰	۰
داخلی	٤۷	۲	٤
غیر دولتی	٦	۱	۰
مجموع	٦۲	۳	٤

(Youra, ۲۰۱٤: ۲۹)

تفکیک نقش بازیگران در مناقشات خاورمیانه حاکی از این است که تنها ۱۲٪ از قدرتهای خُرد بیرون از این منطقه از درگیری‌های بین دولتی در خاورمیانه حمایت می‌کنند و۲۰٪ از آنها وارد درگیری‌های داخلی خاورمیانه میشوند. در مقابل۸۰٪ از قدرت‌های خُرد در داخل منطقه در مناقشات داخلی خاورمیانه مداخله می‌کنند. (Youra, ۲۰۱٤: ۲۹)

جدول۲-۵- شدت حمایت در روابط نیابتی

	ابرقدرت	قدرت بزرگ	قدرت خُرد	سازمان بین‌المللی	بازیگر غیردولتی
پرشدت(۳)	٤٤	۱۰	۵۱	۰	۰
متوسط(۲)	۱۰	٤	۱۹	٦	۵
کم‌شدت(۱)	۰	۰	۱۵	۰	۰
مجموع	۵٤	۱٤	۸۵	٦	۵

(Youra, ۲۰۱٤: ۳۰)

جدول ۲–٦– انواع حمایت: تعداد اشکال پشتیبانی[1]

تعداد اشکال	ابرقدرت	قدرت بزرگ	قدرت خُرد	سازمان بین‌المللی	بازیگر غیردولتی
٥	۲	۰	۱	۰	۰
٤	۱	۰	۳	۰	۰
۳	۲۲	۰	۷	۰	۰
۲	۱٤	۳	۱۹	۰	۲
۱	۱٥	۱۱	٥٥	٦	۳
مجموع	٥٤	۱٤	۸٥	٦	٥

(Youra, ۲۰۱٤: ۳۰)

تحلیل اطلاعات موجود در جدول‌های مربوط به شدت حمایت و اشکال پشتیبانی در روابط نیابتی حکایت از این دارند که تمام سطوح قدرت دولتی به طور واضحی در قالب حمایت پرشدت در درگیری‌های شبه مستقیم مداخله می‌کنند که شامل تسلیح و ارائه توصیه‌های مستشاری به یکی از طرف‌های درگیری در جنگ است. این نسبت در خاورمیانه شامل ٦٤٪ از مداخلات نیابتی است.

(Youra, ۲۰۱٤: ۳۰)

در بخش چارچوب‌های نظری آنچه به فهم و تحلیل شواهد عینی پژوهش در فصل چهارم کمک خواهد کرد، افزودن ادبیات نظری «پارتیزان» به «روابط نیابتی» است. هر چند الگوهای نظری ساخته شده از روابط پارتیزان‌ها و دولت‌ها مبتنی بر دوران جنگ سرد است که اتفاقاً بخش اعظم آن را نیز تشکیل می‌دهد، اما این الگوها تا اندازه زیادی قابل انطباق بر روابط نیابتی بین دولت‌ها و بازیگران غیر دولتی در خاورمیانه است که در قالب سازمان‌ها یا گروه‌های مسلح، از دستور کار نظامی برخوردارند و در عین حال یا به طور کامل در حوزه سیاسی فعالند و یا به شدت بر روندهای جاری در آن تأثیر گذارند.

چریک یا مبارز نامتعارف، یک بازیگر غیر دولتی در روابط نیابتی محسوب می‌شود که از جهات سیاسی، نظامی و اقتصادی همواره وابسته به یک طرف دولتی است که از آن به عنوان «ذینفع سوم»[2] یاد می‌شود. بنابراین بر اساس روابط نیابتی، جایگاهی مختصّ بازیگران دولتی است در سه سطح ابرقدرت، قدرت بزرگ

۱ . پیشتر بر اساس اطلاعات منتشر شده در نسخه روزآمدسازی شده پروژه «اوپسالا»، به ۱۰ نمونه از اشکال حمایت اشاره شد که عبارتند بودند از اعزام نیروهای نظامی، عملیات‌های مشترک، دسترسی به قلمرو، پشتیبانی سلاح، تدارکات و آموزش، تخصص بودجه و کمک اقتصادی، داده‌های اطلاعاتی، حمایت های ناشناخته و سایر اشکال حمایت بودند. اما «رایان جاستین یورا»، در رساله خود اشاره‌ای به جزئیات اشکال حمایت نکرده است.

۲. Interested Third Party

و قدرت خُرد، ممکن است از پارتیزان‌ها در یک یا چند مورد از سطوح شـدت و اشـکال حمایـت پشـتیبانی کند. پارتیزان‌ها یا چریک‌ها، نوّاب یا جانشینان ذینفع سوم در یک جنگ نیابتی محسوب می‌شوند که علاوه بر پول و اسلحه، تلاش می‌کنند مشروعیت بین‌المللی مورد نیاز خود را نیز از طریق شناسـایی توسـط بـازیگران دولتی به دست بیاورند تا به حوزه غیرسیاسی رانده نشوند. (Muller, ۲۰۰٦: ۹)

این روند از دو جهت برای پارتیزان مشکل‌ساز خواهد بود. اول اینکه گروه پـارتیزانی بـرای تـامین پـول، سلاح و مشروعیت، وابسته به ذینفع سوم خواهد شد و همین وابستگی، پارتیزان‌ها را از خطر بازیچه قرار گرفتن توسط قدرت متعارف دولتی مصون نخواهد گذاشت. از طرف دیگر این امکان بـه شـدت وجـود دارد که به مرور زمان و به دلیل ورود پارتیزان‌ها به بافت سیاسی بین‌المللی که بـه دنبـال شناسـایی بـرای آنان فراهم آمده است، از سوی قدرت‌های بزرگ مورد استحاله قرار گیرند و اهـدافی کـه بـرای آن نبـرد می‌کردند را به فراموشی بسپارند.(Muller, ۲۰۰٦: ۹)

ممکن است نتیجه تحکم چنین الگویی بر رابطه میان پارتیزان‌ها و ذینفع سوم، به معنـی آغـاز یـک مـرگ اخلاقی باشد و این نیروهای مصمم برای مبارزه را به مرور قربانی ایدئولوژی‌های نوظهور و منافع جهـان تکنوکراتیک سازد. بر اساس این الگو، پارتیزان‌ها در ابتدا برای حفظ قلمروی خـود اعـم از شخصـیت و زمین مبارزه می کنند، اما اگر با اوج گـرفتن ایـن مبـارزه، نـاگزیر از مشـارکت سیاسـی شـوند بـه سـوی محافظه‌کاری سوق می‌یابند. تجربه ثابت کرده که چریک‌های پس از جنگ جهانی دوم، مبارزانی برجسـته در برابر قوای اشغالگر بوده‌اند، اما بعد از ورود به دستور کار سیاسی، در مقاطعی کـه حـامی دولتـی لازم دانسته، آنان را فدای منافع خود نموده است. ممکن است ابهامات اساسی بین واقعیات جـاری در میـدان عمل و دشمن مطلقی که پارتیزان‌ها ادعای مبارزه با آن را دارند بوجود بیاید که در نتیجه آن حدّ جنـگ و دشمنی با قلمرو یا سرزمین‌های اشغال شده، مشخص نشود، زیرا پارتیزان‌ها پس از ایجاد نوع جدیدی از فضای سیاسی که عمق آن ناپیداست، بدون تعیین هدف مشخص و دست یافتنی، گرفتار منافع ذینفع سوم می‌شوند.«جان ورنر مولر» با استناد به بحران موشکی کوبا و تمثیل چریک‌هـای کوبـایی بـه «گوشـت دم توپ» امریکا و بازیچه‌های دست شوروی، معتقد است طرفداران نظریه پـارتیزانی و جنـگ ادعـایی‌شـان بیش از حد گرفتار فضای کثیف سیاسی هستند. او استدلال می‌کند که خرابکاری‌های چریک‌هـا در طـول

جنگ سرد، یک متغیر وابسته به تضاد ایدولوژیک موجود بین دو قطب بوده است و صرف نظر از اینکه تعلقات ایدئولوژیک پارتیزان‌ها واقعی بوده یا نه، می‌تواند عملکرد نظامی آنها را به یک فرایند جاسوس مأبانه یا حتی یک مزدور تنزل داده باشد که صرفا دارای یک پوشش قهرمانانه است و در نهایت رابطه طرف دولتی (سوم) با چریک‌ها را به یک «سیاه‌چاله» ختم می‌شود.(Muller, ۲۰۰٦: ۱۳-۱٤)

۲- ۷- الگوی شبه‌نظامیان همپیمان با دولت

روابط بین «زوج‌های نیابتی» مبتنی بر حمایت نظامی بین یک طرف متخاصم و یک طرف سوم بیرون از تخاصم است که بازیگر خارجی محسوب می‌شود. اما الگوی دیگری نیز وجود دارد که ناظر به روابط بین یک دولت و شبه‌نظامیان حامی داخلی آن دولت است که هر دو بازیگرانی با یک ملیّت و تابعیت هستند. «پاول استانیلند» بر این باور است که بکارگیری شبه نظامیان از سوی دولتها مبتنی بر اضطرار است و در چارچوب ایجاد نیروهای اقتدار گریز موازی با نیروهای رسمی یک اقدام غیر عاقلانه محسوب می‌شود. الگوی روابط دولت‌ها و شبه نظامیان حامی آنها نشان دهنده این واقعیت است که دولت‌ها بعد از رفع شرایط اضطرار، به طور عمومی با بکارگیری چهار استراتژی مختلف برای نابودی یا مهار شبه نظامیان حامی تلاش کرده‌اند:

استراتژی سرکوب[1]

سرکوب نوعی از استراتژی است که بواسطه ضربات مهلک پایدار توسط شبه‌نظامیان و حامیانش با امید توزیع نیروی جنگی در یک نقطه با هدف نابودی یک گروه یا گروه‌های شبه نظامی دیگر و حامیانش و یا اخذ امتیازات قابل توجه تعریف می‌شود. حملات هماهنگ، خشونت بی‌هدف علیه مظنونان و حامیان آنها، تلاش برای کنترل جمعیت، جابجایی جمعیت، دلایل تمایل دولت‌ها برای استفاده از نیروی مرگبار و سختگیرانه در استراتژی سرکوبگری است. گستردگی و ماهیت اعمال زور در استراتژی‌های سرکوب گرایانه

۱ . Suppression

متفاوت است، اما آنها در یک ویژگی مشترک هستند که عبارت از سرمایه‌گذاری‌های وسیع برای از بین بردن یک گروه مسلح ضد دولتی است.(Staniland, ۲۰۱۵: ۷۷۳)

استراتژی مهار[۱]

مهار از سرکوب متفاوت است و در خلال روند آن کمتر از اعمال زور دولتی استفاده می‌شود. استراتژی مهار علیه گروه‌هایی بکارگرفته می‌شود که تحمل آنها از آستانه پذیرش سیاسی دولت‌ها بالاتر است. شدت خشونت در استراتژی مهار پایین‌تر از حدّی است که در سرکوب مورد استفاده قرار می‌گیرد، اما به هر حال شامل بکارگیری اعمال زور علیه گروه‌های مسلح است. دولت‌ها همواره به دلیل ترس شدید از خدشه دار شدن رهبری یا از دست دادن آن، مقیاس زیادی از زور را برای حفظ ثبات صرف می‌کنند. این رویه حتی در صورت ترک مواضع از سوی گروه‌های شبه نظامی مخالف نیز ادامه می‌یابد. دولت‌هایی که استراتژی مهار را دنبال می‌کنند حدّی از خشونت و بی‌ثباتی را با هدف ایجاد از هم گسیختگی سیاسی در طرف مقابل به عنوان هزینه حکومت‌داری پذیرفته‌اند. استراتژی مهار به طور عمومی در مناطقی که از ناآرامی بومی با سطوح پایین برخوردارند مورد استفاده قرار می‌گیرد. آدمکشی روزانه، خشونت انتخاباتی هدایت شده و حضور شبه نظامیان در این مناطق پذیرفته شده است و نیروهای دولتی تنها در صورت گسترده شده درگیری وارد عمل می‌شوند. (Staniland, ۲۰۱۵: ۷۷٤)

استراتژی تبانی[۲]

تبانی عبارت از یک استراتژی فعال و پایدار است که بر اساس آن یک دولت و یا بازیگر مسلح سازمان‌یافته علیه یک بازیگر مسلح دیگر صف‌آرایی می‌کنند و بازیگر مسلح سازمان یافته از سوی دولت تسلیح می‌شود، لجستیک دریافت می‌کند و آموزش می‌بیند. بکارگیری این استراتژی به سیاست‌های متقابل یک دولت با گروههای مسلح بستگی دارد. تبانی یک استراتژی کوتاه مدت و مفید برای دولت‌هاست که مبنای آن تعامل روشن با گروه‌های مسلح است، اما این استراتژی در بلند مدت قدرت دولت را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد و

---

۱. Containment

۲ . Collusion

زمانی که دولت تصمیم به خلع سلاح گروه‌ها بگیرد با چالش روبرو شود. از سوی دیگر گروه‌های مسلح همواره به تسلیحات و لجستیک دسترسی دارند و گاهی اوقات ممکن است تصمیم بگیرند، در مقابل دولت مرکزی به زور متوسل شوند.(Staniland, ۲۰۱۵: ۷۷۵)

استراتژی ادغام[1]

هدف از استراتژی ادغام، انحلال گروه‌های شبه نظامی یا تبدیل آنها به نیروهای عادی است. این یک سیاست دولتی برای پایان دادن به اعمال زور غیردولتی با استفاده از سیاست جذب به جای حذف نیروهای شبه‌نظامی است. این استراتژی شامل مذاکرات صلح با شبه‌نظامیان مخالف دولت و انتقال رسمی شبه‌نظامیان حامی دولت به داخل ساختار رسمی کشور است. در این روند گروه‌های شبه نظامی الزاماً خلع سلاح نمی‌شوند، بلکه مسلح باقی می‌مانند اما به عنوان بخشی از دولت ایفای نقش می‌کنند. الگوهای ادغام نشان داده است که به عنوان مثال گروه‌های شورشی تحت عنوان فعال دانشجویی پوشش داده شده‌اند و به شبه‌نظامیان حامی دولت اونیفورم ارتش داده شده است. (Staniland, ۲۰۱۵: ۷۷۵)

استانیلند پس از نظریه‌سازی درباره استراتژی‌های چهارگانه، به طرح مبحث ایدئولوژی و ادراک تهدید دولت می‌پردازد. استانیلند استدلال می‌کند که یک گروه شبه نظامی متحد دولت می‌تواند جایگاه یک متحد، دشمن و موقعیت ایدئولوژیک در منطقه خاکستری دولت را در اختیار بگیرد. او این مفاهیم ظاهراً متعارض را اینگونه تشریح می‌کند:

شبه نظامیان متحد: یک گروه شبه نظامی در جایگاه متحد، قادر به بسیج نمادها، بخش‌های جدا از هم مردم و مطالباتی است که در عرصه سیاسی مورد نظر یک رژیم هستند.

شبه نظامیان دشمن: شبه نظامیان دشمن، اهداف را در تعارض با الگوهای ایدئولوژیک یک رژیم حاکم بسیج می‌کنند. نیازی نیست این گروه شورشیان ضدّ دولتی باشند، شبه نظامیان دشمن الزاماً به مبارزه

---

۱ . Incorporation

مستقیم با دولت نمی‌پردازند، ممکن است خواستار توزیع مجدد قدرت باشند و از نظر دولت نامشـروع و برای نظم سیاسی مطلوب دولت مضرّ تشخیص داده شوند.

شبه نظامیان منطقه خاکستری: شبه نظامیان در نهایت می‌توانند در یک منطقه خاکستری قرار بگیرنـد کـه متشکل از ترکیب اجزاء مناقشه و مصالحه سیاسی است. این جایی است که تعداد زیادی از شبه نظامیـان با برنامه سیاسی خود در آن قرار دارند و شکاف بین متحدین سیاسی و مخالفان را از بین می‌برد.

(Staniland, ۲۰۱۵: ۷۷۵)

سازمان‌های سیاسی تشکیل دهنده یک رژیم هستند که شامل طیفی از نیروها اعم از افسـران ارتـش و بسـیج انبوه گروه‌های سیاسی تا پیشگامان انقلابی است. این طیف حامل مجموعه ای از اهداف سیاسـی، باورهـایی درباره جنبش و عمل و دیدگاه‌هایی درباره نمادهای سیاسی و مطالبات مورد قبول هستند. نیروهایی کـه یـک رژیم را ایجاد میکنند نیازمند ساخت یک عرصه سیاسی در محیط‌هایی هستند که بلاتکلیفی عمیقـی بـر آنهـا حکم‌فرماست. اندیشه‌ها نقش اصلی در ترسیم عرصه سیاسی مورد نظر ایفـا مـی‌کننـد. انفجـار فعالیـت‌هـای ایدئولوژیک در دوره‌هایی رخ می‌دهند که روش‌های رقابت برای سازماندهی اقدامات یا ستیز برای تسلط در حال رشد هستند. در این زمینه ایدئولوژی و قدرت سیاسی بـا هـم آمیختـه شـده‌انـد. ایـدئولوژی‌هـای اداره حکومت در کارکنان احزاب، بروکراسی و نظامی نهادینه می‌شوند و از طریق فرایندهای رسمی و غیررسـمی آموزش و ایجاد جامعه‌پذیری تکثیر می‌شوند. ایدئولوژی‌های رژیم صرف نظر از اینکـه در تـوده‌هـای مـردم درونی‌سازی می‌شوند در سازمان‌ها و گروه‌های خاص و اعضاء احزاب و کارمندان دستگاه‌هـای دولتـی نیـز نهادینه شده‌اند. طرح‌های ایدئولوژیک زمانی که دولت‌ها حول یک ایده مشترک درباره اینکه چه دولتی وجود داشته باشد و عرصه سیاسی چگونه بازسازی شود، یکپارچه می‌شوند، پایدار و منسجم‌تر هستند.

(Staniland, ۲۰۱۵: ۷۷۷-۷۷۸)

استانیلند بعد از تشریح نقش ایدئولوژی و دسته بندی شبه نظـام دارای ایـدئولوژی سـازگار بـا رژیـم، شـش استراتژی برای مواجهه دولت با شبه نظامیان در هر سه گروه مطرح میکند و به ارزیابی ارزش عملیـاتی آنهـا میپردازد:

جدول ۲-۷- نقش گروه‌های مسلح سیاسی و استراتژی دولت

ارزش عملیاتی

		دارد	ندارد
ایدئولوژی سازگار	شبه نظامیان متحد	استراتژی متحد مسلح: تبانی(عمیق)	استراتژی حامی اضافی: الحاق
	شبه نظامیان خاکستری	استراتژی شریک تجاری: توافق	استراتژی گروه‌های ناخوشایند: مهار
	شبه نظامیان دشمن	استراتژی نقش غیرعادی: توافق (سطحی)	استراتژی دشمن مرگبار: سرکوب

(Staniland, ۲۰۱۵: ۷۷۹)

حامیان اضافی گروه‌هایی هستند که ایدئولوژی آنها با رژیم سازگار است اما تداوم حفظ موجودیت آنها به نفع دولت نیست. این گروه‌ها به یک حزب حاکم یا دستگاه دولتی ملحق می‌شوند. الحاق معمولا به عنوان یک ساز و کار برای کنترل متمرکز بر اعمال زور صورت می‌گیرد.(Staniland, ۲۰۱۵: ۷۸۰)

گروه‌های ناخوشایند معمولا انعطاف‌پذیر نیستند و هدف سرکوب و نظارت قرار می‌گیرند. اما دولت‌ها از ظرفیت و قدرت کافی برای وارد کردن ضربه نهایی به این گروه‌ها برخوردار نیستند، ضمن اینکه گروه‌های ناخوشایند نیز به دلیل اتصال به منابع پول و سلاح از قدرت نسبی برخوردارند و حذف آنها امکان ناپذیر است، به همین دلیل راه اندازی کارزارهای سرکوب از سوی دولت‌ها با ریسک بالایی همراه است و باید استراتژی مهار را به عنوان رویکرد پیش‌فرض خود قرار دهند. دشمن مرگ‌بار با الزام اطلاعاتی و اعمال زور از سوی دولت، به شکل گسترده‌ای هدف قرار می‌گیرد. آنها حتی اگر از نظر اندازه فیزیکی یا قدرت نظامی در شرایط حداقلی قرار داشته باشند یک تهدید واقعی برای طرح سیاسی بنیادین دولت ایجاد می‌کنند، استراتژی محو فوری یا همیشگی آنها ممکن است امکان‌پذیر نباشد، لذا وجود آنها همیشه احساس می‌شود و چانه زنی یک راه جایگزین موقت به جای رویارویی با یک گروه دشمن است. واگذاری نقش غیر معمول یک استراتژی نادر و کوتاه مدت سیاسی برای کاهش تنش سیاسی میان دولت و اهداف گروههای شبه نظامی از راه یک همکاری سطحی است. تبانی با گروه‌های مسلح عمیق و چند سطحی است. نیروهای دولتی و شبه نظامیان غیر دولتی در این استراتژی از اتحاد عمیقی با یکدیگر برخوردارند و دارای ویژگی نیمه رسمی هستند. متحدین شبه نظامی از امتیازات زیادی برخوردارند و توسط نهادهای دولتی آموزش می‌بینند و اطلاعات، پول و تسلیحات دریافت می‌کنند. در صورتی که زمینه موجودیت این گروه‌ها به پایان برسد دولت استراتژی خود را به سمت حامی اضافی سوق می‌دهد و در راستای ادغام آنها گام بر می‌دارد. بهترین استراتژی، همکاری با شبه نظامیانی است که از نظر ایدئولوژیک در یک منطقه خاکستری قرار دارند و از نظر عملیاتی نیز مفید هستند. دولت همکاری با این

گروه‌ها را تحت عنوان یک شریک تجاری ادامه می‌دهد. همکاری تجاری با گروه‌های مسلح قدرتمند حتی اگر از ایدئولوژی سازگار با دولت برخوردار نباشند در ازای جلوگیری از تبدیل شدن مناطق تحت کنترل آنها به یک محدوده خودمختار مفید خواهد بود. (Staniland, ۲۰۱۵: ۷۸۰-۷۸۱)

سابین کری و نیل میشل از دانشگاه منهتن و کالج لندن در سال ۲۰۱٤ دو محقق دیگری هستند که پژوهشی حول موضوع شبه نظامیان حامی دولت انجام دادند. کری و نیل با مطالعه روند عملکرد شبه نظامیان داخلی حامی دولت طی سال‌های ۱۹۸۱ تا ۲۰۰۷ در سرتاسر جهان (به غیر از یوگسلاوی، چکسلواکی، لبنان و سومالی) به الگویی دست یافتند که مبتنی بر ریسک افزایش خشونت، بواسطه بکارگیری شبه‌نظامیان توسط دولت‌ها بود. این الگو ناظر به این ادعاست که دولت‌ها در سرتاسر جهان با تسلیح شبه نظامیان حامی خود به استقبال ریسک فزاینده رفته‌اند.

(Carey and Mitchell, ۲۰۱٤: ۱-۵۵)

جدول ۲-۸- الگوی گونه‌شناسی شبه نظامیان حامی دولت

مرتبط با اجتماع	مرتبط با دولت	
	غیر رسمی	**نیمه رسمی**
محلی	**شبه نظامیان محلی**	**شبه نظامیان محلی ساختارمند**
ریسک برای شهروندان	کم/ متوسط	خیلی کم
ریسک برای دولت	کم	خیلی کم
قومی/ ملّی/ مذهبی	**شبه نظامیان قومی/ ملّی/ مذهبی**	**شبه نظامیان قومی/ ملّی/ مذهبی** ساختارمند
ریسک برای شهروندان	خیلی بالا	بالا
ریسک برای دولت	بالا	متوسط
حزب سیاسی، ایدئولوژیک	**شبه نظامیان سیاسی، ایدئولوژیک**	**شبه نظامیان سیاسی، ایدئولوژیک** ساختارمند
ریسک برای شهروندان	خیلی بالا	بالا
ریسک برای دولت	بالا	پایین
نظامی	**شبه نظامیان غیردولتی**	**نیروهای موازی**
ریسک برای شهروندان	خیلی بالا	بالا
ریسک برای دولت	پایین	پایین

(Carey and Mitchell, ۲۰۱٤: ۲٤)

۲-۱۰- نظریه مرکز ثقل

«مرکز ثقل»[1]، یک مفهوم نظری کمتر شناخته شده، اما پر کاربرد در ادبیات نظامی است که می‌توان از آن به عنوان بخشی از سازمان نظری این پژوهش استفاده کرد. اتکاء به نظریه مرکز ثقل، برای ساخت بنیان تحلیلی به شیوه استقرایی مفید است و در نهایت در کنار مفاهیم نظری پارتیزان و روابط نیابتی به ساخت یک الگوی رفتار دقیق از رفتار بازیگران در قالب مجموعه امنیتی منطقه‌ای خاورمیانه کمک خواهد نمود. «مرکز ثقل» به شبکه‌ای از قدرت و جنبش اطلاق می‌شود که همه چیز در آن به هم وابسته هستند و ویژگی‌های برجسته هر دو طرف تخاصم و جنگ در آن پدیدار می‌شوند.(Echevarria (A), ۲۰۰۲: ۸)

«مرکز ثقل» مفهومی‌عام است که بکارگیری نیرو در یک استراتژی نابودگر در جنگ‌های محدود و نامحدود را تسهیل می‌سازد و برای حفظ نیروی خود و تخریب کامل نیروی دشمن، به فرماندهی اجازه می‌دهد تا قادر با انجام سه کار مهم باشد:

۱. تحمیل اراده به دشمن
۲. استفاده از حداکثر نیروی موجود
۳. تبدیل دشمن به یک دولت ناتوان که قادر به ادامه یک جنگ طولانی بر اساس یک استراتژی با دوام نیست. (Potter, ۲۰۱۳: ۵)

«کارل وُن کلاوزویتز» به عنوان شارح اصلی ادبیات «مرکز ثقل»، هر مرکز ثقل را یک عامل فعال یا محرک عمل برای تغییر رفتار موثر توصیف می‌کند که دارای قابلیت نفوذ، قدرت رهبری، هدایت و کنترل تمام سیستم خود در راستای دستیابی به اهداف سیاسی ملّی خود است. وی چنین استدلال می‌کند که نیروهای مسلّح دشمن تنها در صورت برخورداری از وحدت خاص و انسجام، قابل قیاس با یک مرکز ثقل خواهند بود. استدلال او از این منظر مطرح می‌شود که یک طرف تخاصم، برای نابود کردن طرف مقابل باید تمام نیروی خود را مصروف ضربه زدن به مرکز ثقل قدرت دشمن خود نماید که در یک نقطه کانونی مجتمع و متمرکز شده است.(Potter, ۲۰۱۳: ۶-۷)

---

[1] Center of Geravity

البته این چالش نظری بین متأخرین در این حوزه نظری وجود دارد که اگر یکی از طـرف‌هـای تخاصـم، بیش از یک مرکز ثقل در اختیار داشته باشد، امکان تمرکز برای نابودی آنها غیر ممکن خواهـد بـود. ایـن ایده از این منظر قابل استدلال است که مراکز ثقل چندگانه امکان همکـاری بـین آنهـا و ایجـاد ثبـات در سیستم کلان را برای طرف برخوردار از مراکز ثقل چندگانه فراهم خواهد ساخت. زیـرا هـر دولـت یـک هدف بسیار با ثبات و متوازن تصور می‌شود که قادر به توزیـع متـوازن نیـروی رزمـی‌در بـالاترین سـطح ممکن در یک میدان نبرد است. اما هر دولت یک مرکز ثقل واحد محسوب می‌شود که از بخـش‌هـای بـه هم پیوسته مشخص و محدودی تشکیل شده و حمله به آن باعث خـروج هـدف از تـوازن و در نهایـت ناتوانی آن در رزم در میدان نبرد می‌شود. از این منظر در الگوی قدیمی مرکز ثقل که معطـوف بـه نظریـه «کلاوزویتز» است، بهترین استراتژی و قویترین آن، تمرکز نیروی فرماندهان نظامی برای نابود کردن مرکز ثقل طرف تخاصم است و بیشترین اثرگذاری، وقتی حاصل می‌شود که نیـروی متـراکم در مقـاطع زمـانی متعدد به مرکز ثقل طرف مقابل ضربه وارد کند.(Lewis, ۲۰۱٤: ۲۲)

این یک اصل عمومی، قطعی و البته ساده در استراتژی محسوب می‌شود که بـرای حملـه بـه مرکـز ثقـل طرف تخاصم، نیروها باید یکپارچه و متراکم در بدنه اصلی حفظ شوند مگر اینکه ضرورتی باعث جدایی آنها گردد. بنابراین حمله به مرکز ثقل، عبارت از عملیات‌های نتیجه محوری[۱] است که نه برای کاربری در سطحی از جنگ، بلکه برای ضربه به تمامیت سیستم یا ساختار طرف تخاصم پایه‌ریزی شده اند.

(Echevarria (B), ۲۰۰۳: ۱۱۵)

«منابع قدرت»، محور تعاریف موجود در ادبیات جدید مرکز ثقل محسوب می‌شود که عبارت از ابزارهای چهارگانه ملّی اعمال قدرت (نظامی، دیپلماتیک، اطلاعاتی و اقتصادی) اسـت و در قلمروهـای چندگانـه زمینی، هوایی، دریایی، فضایی و سایبری فعال هستند. ویژگی‌های فیزیکـی از اهمیـت بـالایی در مفـاهیم جدید مرکز ثقل برخوردارند که در برگیرنده قابلیت‌ها یا توانایی‌هاست. توجه به مسئله قابلیت‌هـا از ایـن منظر مهم است که امکان دارد مرکز ثقل به عنوان پدیده‌ای نامنظم و بدون شکل، ظـاهر شـده باشـد، امـا

---

۱. Effects-Based Operations (EBO)

توانایی‌ها، همواره منسجم و قابل تشخیص هستند. بر همین اساس نیز استدلال می‌شود که اقدام اثرگـذار علیه مرکز ثقل دشمن مستلزم شناسایی توانایی‌های مهم[1] در آن است که در حکم اجزاء یا بافت منسـجم، قدرت فیزیکی در سیستم طرف تخاصم را به سمت نبرد، هدایت می‌کنند. (Potter, ۲۰۱۳: ۷)

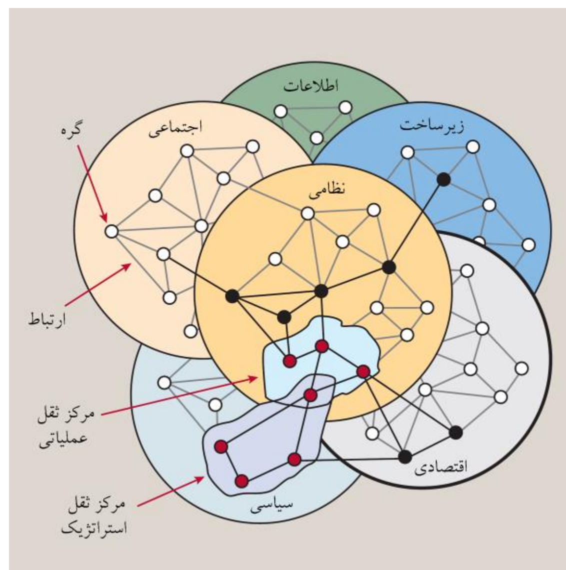
امروزه، مرکز ثقل یک ابزار تسهیل کننده کاربرد زور محسوب مـی‌شـود و فرمانـدهان نظـامی را مجبـور می‌کند تا برای یافتن راه‌های موثر و کارآمد ضربه زدن به حریف و در عین حال، حـداقل سـازی آسـیب پذیری‌های نیروهای خودی در میدان منازعه مدرن، تلاش کنند. مرکز ثقل مفهومی مرتبط با تجمیع اثرات نیروی مبارزه برای شکست دشمن و ضربه به توانایی‌های مهم قدرت دهنده بـه طـرف تخاصـم اسـت و هدف از «تجمیع»، تمرکز نیروی رزمی بر سودمندترین مکان و زمان و حتـی توانمنـد سـازی تعـدادی از نیروهای فرعی برای دست یابی به نتایج قطعی ارزیابی و حداقل سازی خسارات جـانی و اتـلاف منـابع شده است. از این منظر، نیروی مبارزه برای شکست دشمن و ضربه به توانایی‌های مهم قدرت دهنـده بـه آن، شامل حفاظت، اطلاعات، قدرت آتش، مانور، هوا و مأموریت فرماندهی اسـت کـه در نقطـه و زمـان تعیین کننده، امکان برتری بر دشمن را فراهم می‌سازد. شناسایی آسیب پـذیری‌هـای بـالقوه و بالفعـل در مرکز ثقل قدرت دشمن و تعیین اینکه که کدام یک از آنها حیاتی و مهم هسـتند، بهـره‌بـرداری از آسـیب پذیری‌های مهم و تهیه نیازمندی‌های مهم، برای دست یابی به توانایی‌های مهم در مرکز ثقل دشمن، امکان ناپذیر می‌سازد. اخلال در توانایی‌های مهم می‌تواند نهایتا سیستم طرف تخاصم را به سمت نابودی کامـل هدایت کند، زیرا تمرکز بر ارتباط داخل مرکز ثقل و آسیب پذیری‌های مهم درونی آن، بـه برنامـه ریـزان برای شناسایی عوامل مهم و هدف قرار دادن آنها کمک می‌کند و در عین حال به برنامه‌ریزان عملیـاتی در اندازه‌گیری و توصیف محیط عملیاتی سیستم‌های دشمن یاری می‌دهد.

(Unified Land Operations (ADRP ۳-۰), ۲۰۱۲: ۲-٤)

---

۱ . critical capabilities

شکل۲-۱- الگوی مراکز ثقل چندگانه و استراتژیک



(Rueschhoff and Dunne, ۲۰۱۱: ۱۲۰)

با ورود به مبحث مراکز ثقل چندگانه، «آماده سازی اطلاعاتی میدان نبرد»[۱](IPB) تحت عنوان متغیرهـای عملیاتی تعریف می‌شود که شامل جنبه‌های نظامی و غیر نظامی محیط عملیاتی است. این جنبه‌هـا در بـر گیرنده ۸ عنصر مرتبط به یکدیگر هستند که شامل عوامل سیاسی، نظامی، اقتصادی، اطلاعات، زیرساخت، فیزیکی، محیط و زمان است و هر یک از آنها یک مرکز ثقل قلمداد می‌شود. لذا رهیافـت‌هـای مسـتقیم و غیر مستقیم، چگونگی موثرترین حمله به «مرکز ثقل درست» را تعیین می‌کنند.

(Rueschhoff and Dunne, ۲۰۱۱: ۱۲۰)

در این پژوهش تلاش بر این است یافته‌ها و شواهد عینی با اتکاء به نظریه مجموعـه امنیتـی منطقـه‌ای و ترکیبی از نظریه‌های نظامی – استراتژیک نظیر مرکز ثقل، روابط نیابتی و پارتیزان، تأثیر بکارگیری سـاز و کارهای مهار داعش در چارچوب کشمکش های امنیتی و تسری آن به چارچوب منازعات قـدرت مـورد ارزیابی قرار گیرند. فایده اتکاء به این سطوح تحلیلی مرکب، ممکن است به نقض برخی یافته‌های نظری پیشین یا تقویت آنها بیانجامد. هر چنـد چنـین تحقیقـی بـا دشـواری برآمـده از سـختی تحلیـل درسـت

---

۱ . Intelligence Preparation of the Battlefield

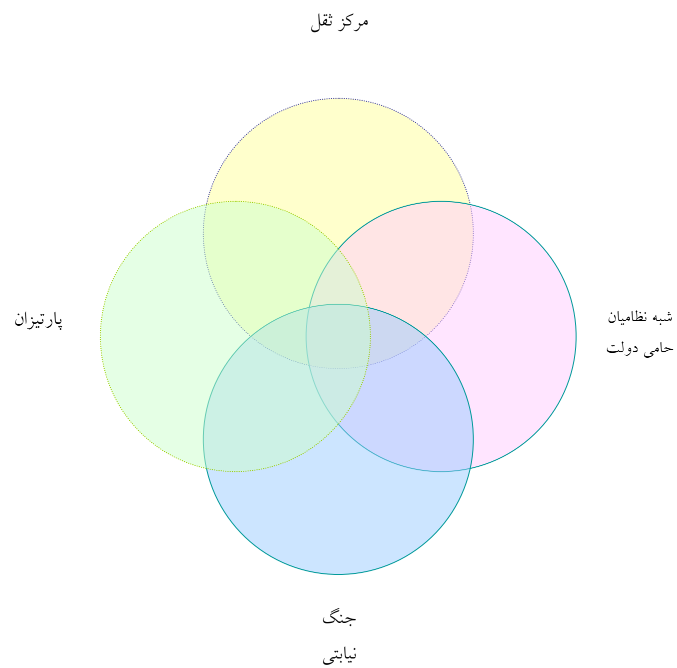
پیچیدگی‌ها همراه است، اما نتایج آن به دلیل اتکاء به شواهد عینی جدید می‌تواند علاوه بر تولید راهکارهای استراتژیک، مقوّم ادبیات نظری موجود باشد و حتی در مواردی به تولید ادبیات جدید بیانجامد.

۲- ۸- الگوی نظری پژوهش

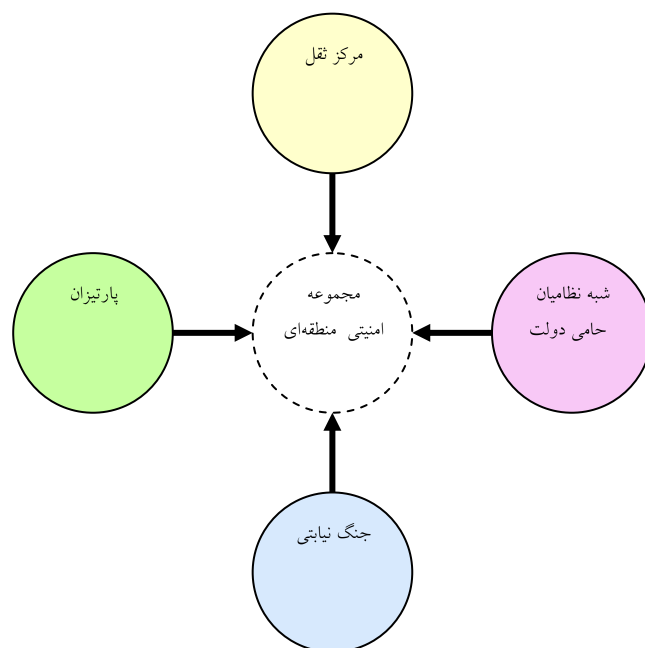
بنای این پژوهش بر خلق یک نظریه جدید و برخوردار از شمولیت نیست. موضوع تحقیق معطوف به بررسی تأثیر یکی از ابعاد یک مسئله جاری در بخشی از منطقه خاورمیانه بر امنیّت ملّی جمهوری اسلامی ایران است. بنابراین در پژوهش پیش‌رو تلاش بر این است با رویکرد تبیین مسئله اهداف زیر در دو بخش امنیت سیاسی و امنیت نظامی محقق شوند:

۱. تبیین ابعاد مسئله با اتکاء به انطباق نظری شواهد عینی با مبانی نظری؛
۲. استفاده از شیوه استقراء در کاربرد مبانی نظری با هدف تبیین مسئله در سطوح مختلف تحلیل؛
۳. استفاده از شیوه قیاس برای بررسی تأثیر متقابل روندهای مبتنی بر مسئله در سطوح مختلف تحلیل؛
٤. استفاده توأمان از شیوه‌های قیاس و استقراء برای بررسی تأثیر روندهای جاری در سطوح مختلف تحلیل بر امنیت ملّی جمهوری اسلامی ایران.

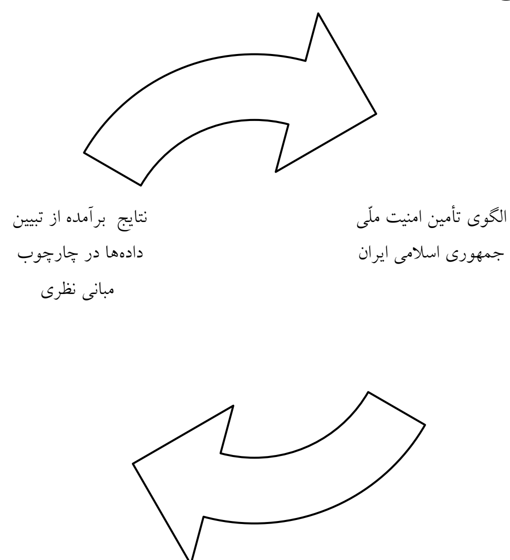
در مقدمه فصل دوم توضیح داده شد که ضمن تعریف و تبیین مبانی نظری امنیت، موضوع مورد مطالعه با جزئیات بیشتر و انطباق با نظریات متعدد انطباق دهد و تحلیل نماید، لذا براساس الگوی نظری این پژوهش، یافته‌های نظری در هر سطح تحلیل با یکی از مبانی نظری مرتبط با آن انطباق داده و تحلیل خواهند شد. الگوی نظری پژوهش، چهار سطح تحلیل از پنج سطح تحلیل تعریف شده در بخش مبانی نظری را مورد اتکاء قرار خواهد داد و از مبانی نظری برای تبیین مسئله در این سطوح بهره خواهد برد. بدیهی است برخی از مبانی نظری پوشش دهنده مسئله در بیش از یک سطح تحلیل هستند و به طور طبیعی به تبیین بهتر آن کمک خواهند نمود.



شکل ۲-۲- مبانی نظری همپوشان در سطوح تحلیل واحدهای فرعی، واحدها و خرده نظام‌های بین‌المللی



شکل ۲-۳- الگوی ارزیابی نتایج تحلیلی مبانی نظری همپوشان در چارچوب نظری مجموعه امنیتی منطقه‌ای



شکل ۲-٤- الگوی ارزیابی تأثیر متقابل تحلیل‌های نظری و الگوی تأمین امنیت ملّی جمهوری اسلامی ایران

فصل سوّم
داعش و امنیّت ملّی ایران

فصل سوم: داعش و امنیت ملّی ایران

محتوای این فصل از یک سو به گردآوری یافته‌ها پیرامون الگوی تأمین امنیت ملّی در ایران اختصاص یافته است و از سوی دیگر شواهد عینی مربوط به ریشه و الگوهای خصومت سنتی میان جمهوری اسلامی ایران، ایالات متحده و اسرائیل را مورد توجه قرار داده است تا از این رهگذر عمق این خصومت را به نمایش بگذارد. در این فصل تلاش شده است با گردآوری و تجزیه و تحلیل داده‌های مربوط به شکل‌گیری داعش در عراق و سوریه و ارتباط آن با کل سیستم بین‌المللی این مسئله را به نمایش بگذارد که چگونه این تهدید سیستمی بر بستر الگوی خصومت سنتی، امنیت ملی همه بازیگران متخاصم را به شکل ترأمان تهدید نمود. فصل سوّم مبداء تمرکز بر بررسی این مسئله است که بستر مبارزه با تهدید داعش چه تأثیری بر الگوی خصومت سنتی میان بازیگران ذینفع، عملکرد آنان و محیط مناقشه بین آنها در مجموعه امنیتی منطقه‌ای خاورمیانه باقی می‌گذارد.

۳-۱- مرجع امنیت و امنیتی‌سازی ایدئولوژیک در جمهوری اسلامی ایران

جمهوری اسلامی ایران، نظامی برآمده از یک انقلاب ایدئولوژیک است. ایدئولوژی بر تمام شئون این «واحد» و نیز مرجع امنیت و امنیت ملی در آن اثر قطعی و عمیق دارد و محور قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و دستور کارهای سیاسی- نظامی است و استراتژی‌های امنیتی کشور نیز با محوریت آن شکل می‌گیرند. (آزاد، ۱۳۹۱: ۲۸۱)

به طور کلی مسئله امنیت در جمهوری اسلامی ایران نیز همانند سایر واحدهای دولتی در سطح سیستمی، متأثر از سیالیت عمومی موضوع «امنیت» است که ویژگی‌های حاکمیت مستقر در ایران بعد از انقلاب اسلامی به آن شکل داده است. بعد از انقلاب ۱۹۷۹، «دولت اسلامی»، مرجع امنیت در جمهوری اسلامی

ایران شد که از سه ضلع اسلام (به عنوان مبنای وجودی و ایده دولت اسلامی)، ولایت فقیه یا نظام اسلامی (نمود نهادی دولت اسلامی) و مردم (پایگاه اجتماعی دولت اسلامی) تشکیل شده است. این سه ضلع یا سه پایه رابطه‌ای متقابل و متعامل با یکدیگر دارند و جایگاه ایدئولوژی اسلامی در دو بخش آن به وضوح قابل لمس و درک است، به گونه‌ای که ضمانت حفظ اسلام مکتبی، حفظ نظام اسلامی است و نظام اسلامی محفوظ نمی‌ماند مگر آنکه حضور مردم در صحنه حفظ شود. (پورسعید، ۱۳۸۹: ۵۱)

جدول ۳-۱- مرجع امنیت و امنیتی سازی مسائل در جمهوری اسلامی ایران

دولت اسلامی		
اسلام به مثابه مکتب	ولایت فقیه	مردم
(ایده دولت اسلامی)	(نهاد دولت اسلامی)	(پایگاه اجتماعی دولت اسلامی)

(پورسعید، ۱۳۸۹: ۵۱)

«دولت اسلامی» مرجع اصلی امنیت در جمهوری اسلامی ایران است و رابطه آن با مردم به عنوان پایگاه اجتماعی دولت اسلامی، تعیین کننده جایگاه ایدئولوژی در الگوی رابطه ملت – دولت در جمهوری اسلامی ایران نیز خواهد بود. در عین حال نقش تعیین کننده ایدئولوژی در ساختار جمهوری اسلامی ایران دارد، انطباق بالایی نیز با مسئله ارجحیت امنیت دولت نسبت به امنیت افراد بعد از تشکیل آن برقرار می‌سازد. این وضعیت بر اساس مفاهیم فصل دوم در چارچوب نظری، بخش زیادی از امنیت جمهوری اسلامی ایران تابع الگوی «اصیل» است. بر این اساس ملت بر دولت اولویت دارد و نقش اصلی را در بوجود آمدن آن ایفا می‌کند. دولت از رهگذر ملت هویّت قدرتمندی در صحنه بین‌المللی دارد و پایگاهی آن‌چنان محکم از لحاظ مشروعیت داخلی دارد که در برابر قیام‌های انقلابی دوام می‌آورد و حتی شکست از قدرت‌های خارجی یا اشغال نیز خدشه‌ای به آن وارد نمی‌کند.

در حوزه تحلیل، تسلط ایدئولوژی بر تمام شئون حاکمیت در جمهوری اسلامی ایران، نقش تعیین کننده‌ای در قرار دادن این واحد در بین بازیگران تجدیدنظر طلب و تعیین ماهیت انقلابی تجدید نظرطلبی جمهوری اسلامی ایران داشته است. ایدئولوژی سیاسی خاص در جمهوری اسلامی ایران از خطوط ملی عبور کرد و علیرغم پدیدار شدن شبه گفتمان‌های سه گانه امنیتی همچنان محور تدوین استراتژی و اجرای آن در محیط پیرامونی بوده است.

بر این اساس ایدئولوژی اسلامی از ابتدا، نقش محوری در امنیتی‌سازی سیاسی- نظامی مسائل توسط جمهوری اسلامی ایران داشته است. به عنوان مثال سفارت آمریکا در ایران به عنوان یکی از دو ابرقدرت وقت جهان در روز ۱۳ آبان ۱۳۵۸ تسخیر شد و یک روز بعد، امام خمینی(ره) در جایگاه رهبری و ولی فقیه، به عنوان نمود نهادی مرجع امنیت، آمریکا را شیطان بزرگ خطاب کرد. ثبات رویه در اطلاق واژه شیطان بزرگ به آمریکا در ادوار بعد نیز به طور مکرر توسط آیت‌الله خامنه‌ای ادامه یافت. استقرار جمهوری اسلامی ایران به معنی ظهور یک تجدید نظر طلب انقلابی قوی در مجموعه امنیتی خاورمیانه بود که چالش طلبی دو قطب شرق و غرب تنها یکی از مظاهر کُنش آن محسوب می‌شد. جمهوری اسلامی ایران با شعار صدور انقلاب، دفاع از مستضعفین و نهضت‌های آزادی و مبارزه با استکبار، نه تنها توزیع قدرت، بلکه ارزش‌های داخلی و ساختارهای دول مرتبط با وضع موجود و در رأس آن ایالات متحده را نیز مورد تهدید قرار داد. بدین ترتیب جمهوری اسلامی ایران الگوی ساده و مرتب دولت را توسط مداخله ایدئولوژی سیاسی فراملی تیره و تار کرد و با جایگزین کردن منافع اسلام و مسلمین بر منافع ملی به راحتی الگوی قدرت و دولت مداری رئالیستی را به چالش کشید. ورود معیارهای ایدئولوژیک به عرصه سیاستگزاری‌های نظام موجب تغییرات عمده‌ای در ملاحظات امنیتی ایران شد به تبعیت از آن عناصر تشکیل دهنده قدرت ملی که عامل تأمین کننده امنیت ملی یک کشور است، به شدت دچار تغییر شد. به این ترتیب حریم امنیتی ایران دارای ابعادی عمدتاً فراملی و وسیع شد که صرفاً معطوف به منافع ملی ـ مادی نبود و امنیت ایران را با امنیت کل جهان اسلام گره زد. (زارعی، ۱۳۹۲: ۵۱-۵۰)

تجدید نظر طلبی انقلابی ایران، پیگیری کشمکش را دشوار و آن به هر گوشه سیستم می‌کشاند و تحول سیاسی محلی را با مواجه اصلی یا مرکزی مرتبط کرد که احساس ناامنی شدید از سوی طرفداران وضع موجود از عوارض آن محسوب می‌شد. اختلاف سیاسی باعث تقویت کشمکش قدرت شد و بعد تهدید آمیز ایدئولوژیکی را به کشمکش معمولی قدرت نظامی و اقتصادی افزود. این امر باعث گشودن و افزایش شدت خصومت و هراس سوق داد. امنیتی‌سازی ایدئولوژیک توسط جمهوری اسلامی ایران، این برداشت سیستمی را ایجاد کرد که این واحد متناسب با افزایش توانایی‌های خود، در حال بازتعریف حوزه منافع خود نیز هست و پیرو آن خواهان افزایش نقش منطقه‌ای خود است. بر پایه این برداشت، مقاومت و موانع جدّی از سوی

طرفداران حفظ وضع موجود با تلاش ایران برای سمت بخشی به روند انتقال قدرت در منطقـه و بـازتعریف نظم منطقه‌ای، یک واکنش طبیعی به نظر می‌رسد، زیرا قابلیت‌های ایران در حوزه‌های سنتی و نوین قدرت در مقیاس منطقه‌ای نیز به گونه‌ای است که این واحد را به عنوان یک گزینه بالقوه هژمونی منطقه‌ای مطـرح کـرده است. (برزگر، قاسمی، ۱۳۹۲: ۱٦۷)

۳-۱-۱- امنیتی‌سازی ایدئولوژیک جمهوری اسلامی ایران در مجموعه خاورمیانه

چالش تجدید نظر طلبی جمهوری اسلامی ایران متوجه کل سیستم است، اما امنیتـی‌سـازی ایـدئولوژیک مسائل توسط این واحد در مجموعه امنیتی منطقه‌ای خاورمیانه، به دلیـل حضـور اسـرائیل از بـار بـالایی برخوردار است. ایران بخش مهمی از توجیهات امنیتی‌سازی مسائل پیرامـون بحـران و جنـگ داخلـی در سوریه بعد از سال ۲۰۱۱ با مسئله اسرائیل گره زده است. البته الگوی دشمنی پیرامون مسئله اسـرائیل نیـز به شکل قدرتمندی از ناحیه ایدئولوژی اسلامی و به تبع آن مرجع امنیت و هر سه پایه مرجـع امنیـت در جمهوری اسلامی ایران تقویت می‌شوند. رهبران جمهوری اسلامی ایران بـه عنـوان نمـاد نهـادی دولـت اسلامی به طور مکرر با اتکاء به تعالیم اسلام، مسئله فلسطین را در قالب‌های سیاسـی و صـراحتاً نظـامی امنیتی‌سازی کرده‌اند. مردم از سال ۱۳۵۸، به طور منظم هر سال در آخرین جمعه ماه رمضان (روز قدس)، تظاهرات سراسری برای حمایت از مردم فلسطین در کل کشور برگزار می‌کنند. ایـن تظـاهرات همچنـین جنبه بین‌المللی یافته و در نقاط متعدد قاره‌های آسیا، اروپا و آمریکا نیز برگزار مـی‌شـود. ترسـیم الگـوی دشمنی با اسرائیل، بواسطه سخن گفتن از حذف اسرائیل و اعلام مشارکت در فرایند آن از ابتدای تأسیس جمهوری اسلامی ایران به یک ادبیات معمول در کشور تبـدیل شـده و سرتاسـر تـاریخ ادبیـات سیاسـی رهبران جمهوری اسلامی را آکنده از شدیدترین الفاظ درباره اسرائیل کرده است. آیت الله خامنه‌ای، حتـی اقدام به اعلام پیش‌بینی علنی درباره حذف اسرائیل در یک بازه زمانی۲۵ ساله نمود. امنیتی کـردن مسـئله اسرائیل، فرایندی است که به دلیل پذیرش آن توسط بخش قابل توجهی از اجتماع کسب توفیـق کـرده و مخاطبان آن، مسئله اسرائیل را به عنوان یک تهدید وجودی برای ارزش‌های مشترک خود پذیرفته‌انـد. در این فرایند، امنیتی‌سازی متقابل و دائمی از سوی اسرائیل که به صورت انتشار اخبـار اقـدامات امنیتـی در

داخل یا مداخلات نظامی در پیرامون مرزهای این رژیم نهادینه در افکار عمومی نهادینه شده است، یک ویژگی مهم در «شرایط تسهیل کننده» کنش گفتار امنیتی در قبال اسرائیل محسوب می‌شود که آن را بواسطه تلفیق ادبیات ترویجی از سوی دو رکن حکومتی مرجع امنیت (شرایط درونی) و پذیرش جامعه (شرایط بیرونی) نتیجه بخش می‌سازد.

۳-۱-۲- ساز و کارهای عینیت بخشی به امنیتی‌سازی نظامی

رهبری (ولی فقیه) شارح اصلی برای امنیتی‌سازی ایدئولوژیکِ مسائل سیاسی – نظامی است و به دستور کارهای سیاسی- نظامی جمهوری اسلامی ایران را در قامت یک تجدید نظرطلب انقلابی جنبه‌ای فراملی می‌بخشد. اصل ۱۱۰ قانون اساسی به رهبری رسمیت بخشیده و با تعیین وظیفه فرماندهی کل نیروهای مسلح و اختیار اعلام جنگ و صلح و بسیج نیروها در بندهای چهارم و پنجم از این اصل، عملاً ساز و کارهای تعامل در دو سطح توانایی‌های آفندی و پدافندی مسلحانه در بخش نظامی را به طور انحصاری در اختیار رهبری قرار داده است. در سازمان نظامی جمهوری اسلامی ایران، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با ماهیتی فراملّی، یک ساز و کار مهم برای عینیت بخشیدن به مسائلی است که به شکل ذهنی امنیتی‌سازی شده‌اند. بعد فراملّی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در مفهوم نام این نهاد نیز مستتر است.[1] در واقع باید گفت امام خمینی(ره) در زمان تدوین اساسنامه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در مقابل کسانی که بر وجود قید «ایران» در انتهای نام سپاه پاسداران اصرار داشتند، بر حذف این قید به دلیل جهانی بودن نهضت اسلام و در نتیجه الهی بودن و محدود نبودن آن به مرزهای ایران تاکید کرده بود.[2] (آزاد، ۱۳۹۵: ۱۰)

---

۱. ماده یک از اساسنامه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی(۱۵/۶/۱۳۶۱)، آن را نهادی تحت فرماندهی عالی مقام رهبری معرفی می‌کند که هدف آن نگهبانی از انقلاب اسلامی ایران و دستاوردهای‌آن و کوشش مستمر در راه تحقق آرمان‌های الهی و گسترش حاکمیت قانون خدا طبق قوانین جمهوری اسلامی ایران و تقویت کامل بنیه دفاعی جمهوری‌اسلامی از طریق همکاری با سایر نیروهای مسلح و آموزش نظامی‌و سازماندهی نیروهای مردمی‌می‌باشد. همچنین ماده ۱۲ از فصل سوم (تشکیلات) تصریح دارد که بر طبق اصل ۱۱۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران فرماندهی عالی سپاه به عهده مقام رهبری است. (اساسنامه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی،۱۳۶۱ :۱-۲)

۲ . این ادعا مستند به خاطرات «سید اسماعیل داودی شمسی» معاون نخست وزیر در سال ۱۳۶۰ و نویسنده اساسنامه اولیه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی‌است که در این باره می‌گوید: «در تدوین اساسنامه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و جهاد سازندگی که خدمت امام رفتیم ایشان نظراتی مطرح کردند از جمله فرمودند این باید فراگیر باشد. چون ما نوشته بودیم «سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران» امام فرمودند کلمه ایران را بردارید چرا که «نهضت اسلام» نهضت جهانی و نهضت الهی است و به ایران محدود نمی‌شود. این صحبت امام را در بازگشت از قم به اتفاق آقایان کلاهدوز، محمدزاده، رفیق دوست، منصوری و روحانی با هم بررسی کردیم. در خاطرم هست که آقای کلاهدوز خدمت امام ابتدا مطرح کرد که برادران می‌گویند؛ آقا اینجا بالاخره مملکت ایران است.وی گفت: نه «سپاه پاسداران انقلاب اسلامی» (عصر جهاد، دوران خدمت، ۱۳۸۷: ۱۴۲).

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با مأموریتی جهانی بر اساس اصل ۱۵۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی‌ایران، موظف به ایفای نقش در نگهبانی از انقلاب و دستاوردهای آن است. همچنین بر اساس ماده ۳ از قانون مقررات استخدامی‌سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، «نیروی قدس» به عنوان بخشی از مجموعه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی‌تعریف شده که در این ساختار در کنار زیر مجموعه‌های دیگری مثل ستاد کل سپاه، حوزه نمایندگی ولی فقیه در سپاه، سازمان حفاظت اطلاعات سپاه، نیروهای زمینی، هوایی، دریایی و مقاومت بسیج و سازمان‌های وابسته به آنها قرار گرفته است. بر این اساس فرماندهی کلّ نیروهای مسلح، برای سپاه پاسدارن انقلاب اسلامی سه مأموریت عمده به شرح تعریف کرده است[1]:

۱. دفاع مسلحانه از انقلاب و نظام اسلامی؛ (مأموریت اصلی)
۲. سازماندهی و آموزش ارتش بیست میلیونی؛
۳. تشکیل «هسته‌های مسلّح حزب‌اللّه در سراسر جهان» توسط «نیروی قدس».

آیت‌الله خامنه‌ای در تشریح مأموریت سوم سپاه پاسداران انقلاب اسلامی (تشکیل نیروی قدس) می‌گوید:

> «مأموریت سوم، همان چیزی است که امروز سپاه پاسداران در قالب سپاه قدس یا نیروی قدس، از آن یاد می‌کند و امام بزرگوارمان تشکیل هسته‌های مردمی حزب‌اللّه در سراسر جهان را یکی از آرزوهای خود و یکی از دستورهای کار آینده انقلاب اسلامی در سطح جهان قرار دادند. بی‌شک، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، دراین مورد مأموریتی خواهد داشت. ما نمی‌گوییم به جایی لشکرکشی می‌کنیم و در امور دیگران دخالت خواهیم کرد؛ اما می‌گوییم که نیروی نظامی منظم انقلابی مجرّب در اولین کشوری که با انقلاب اسلامی پدید آمده است، یقیناً در قبال هسته‌های مسلح حزب‌اللّه در سراسر جهان خالی از مسؤولیت نیست. کیفیت این مسؤولیت، بایستی به تناسب و مقتضیات روشن بشود.» (آزاد (ب)، ۱۳۹۵: ۱۲-۱۱)

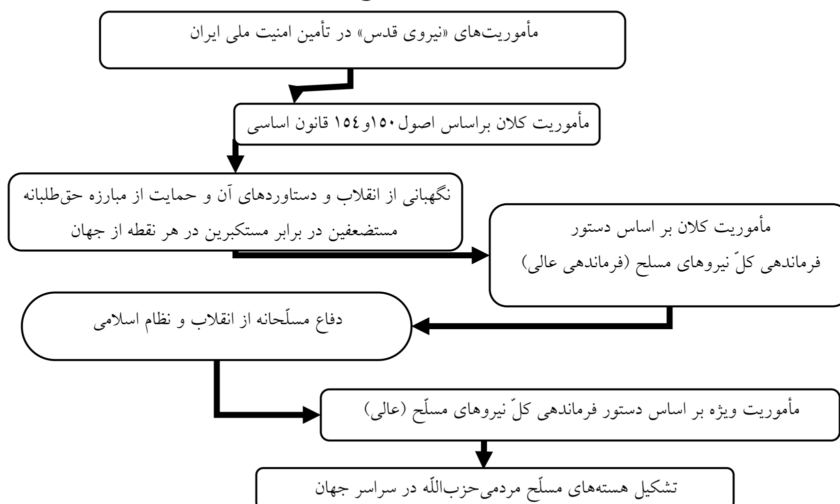
«حمایت از مبارزه حق‌طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین»، مأموریتی است که در بخش دهم از ماده دوّم شرح وظایف سپاه پاسداران در اولین اساسنامه تشکیل آن، توسط شورای فرماندهی سپاه پاسدران انقلاب اسلامی طی اطلاعیه ۱٦ اردیبهشت ۱۳۵۸، به‌این نهاد ابلاغ شده بود، اما بعدها از متن اساسنامه مصوب ۱۵

---

[1]. بر اساس سخنان فرماندهی کل نیروهای مسلح در مراسم ششمین دوره فرماندهی و ستاد دانشگاه امام حسین(ع)، (۲۹ آبان ۱۳٦۸).

شهریور۱۳٦۱، حذف شد، اما با وجود این، سردار سرلشکر جعفری فرماندهی وقت کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، عرصه کار «نیروی قدس» را کمک به نهضت‌های اسلامی، توسعه انقلاب اسلامی و یاری رساندن به پایداری مستضعفین معرفی می‌کند که با حمایت‌های فکری و آموزشی انجام می‌شود. طبعا تصریح فرماندهی کلّ سپاه، پس از انطباق با اصل «تناسب و مقتضیات» در دستور فرماندهی کلّ نیروهای مسلح، مأموریت «نیروی قدس» را به محدوده‌ای فراتر از تشکیل هسته‌های مردمی مسلح حزب‌الله تسرّی می‌دهد. زیرا وسعت محدوده تعریف از «مستضعفین»، مخاطبین «نیروی قدس» را از شیعیان به مسلمانان، پیروان سایر ادیان الهی و حتی خارج از آن گسترش می‌دهد. بنابراین «نیروی قدس» ذیل اصل ۱٥٤ قانون اساسی از جایگاه ویژه‌ای در اجرای سیاست خارجی جمهوری اسلامی‌ایران نیز برخوردار است که جمهوری اسلامی‌ایران را در عین خودداری کامل از هر گونه دخالت در امور داخلی ملت‌های دیگر به حمایت از مبارزه حق‌طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه از جهان امر می‌کند. (آزاد، ۱۳۹۵: ۱۲)

شکل ۳-۲- ترتیبات تأمین امنیت و دفاع در جمهوری اسلامی ایران



(آزاد(ب)، ۱۳۹۵: ۲۱)

بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که از یک سو تشکیل هسته‌های مردمی مسلّح حزب‌الله در سرتاسر جهان، مأموریت بنیادینی است که اجرای آن، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را در شعاع جهانی قادر به دفاع مسلحانه از انقلاب و نظام اسلامی و در نتیجه نگهبانی از انقلاب و دستاوردهای آن می‌سازد و از سوی دیگر بر اساس

«تناسب و مقتضیات» قدرت انعطاف و انطباق پذیری بالایی برای «نیروی قدس» ایجاد می‌کند تا محدوده فعالیت خود را به حوزه‌ای فراتر از کارزارهای نظامی در عرصه‌های اجتماعی و دیپلماتیک تسرّی دهد و حتی ممکن است در مرحله تبدیل نهضت‌های آزادی‌بخش به دولت مشارکت داشته باشد. (آزاد(ب)، ۱۳۹۵: ۱۳)
مأموریت سومِ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و «نیروی قدس» یک دستور کار نظامیِ منعطف است که پیامی تهدیدآمیز را به بازیگران دولتی طرفدار حفظ موجود مخابره می‌کند. این پیام در کنار سایر مفاهیم برآمده از امنیتی‌سازی ذهنی، اعم از مسائل پیرامون روابط مستضعفین و مستکبرین، نهضت‌های آزادی‌بخش و در رأس آنها مسئله فلسطین و موضوعات مرتبط با آن، ایجاد کننده ابهام در زمینه عمل نظامی است که نتیجه آن پیچیده شدن تفکیک بین رفتار تهاجمی و تدافعی است. البته به طور طبیعی بخشی از مأموریت «نیروی قدس» سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران، تلاش برای حذف رژیم اسرائیل و تعریف استراتژی و ساز و کارهای اجرایی آن است، که جای تردیدی برای وجود ندارد. این یکی از دلایل بنیادین دشمنی و تخاصم شدید و رویارویی‌های پراکنده و مستقیم بین جمهوری اسلامی ایران و رژیم صهیونیستی و ایالات متحده آمریکاست. مرور و بازخوانی ادبیات امنیتی بعد از انقلاب و تأسیس جمهوری اسلامی ایران، مملو از اظهارات پرشماری است که کنش عملیاتی و جایگاه واقعی مرجع امنیت در جمهوری اسلامی ایران را ترسیم می‌کند. این روند جای تردیدی درباره جایگاه ایدئولوژی و انقلابی‌گری در نسخه تجدید نظر طلبی جمهوری اسلامی ایران باقی نمی‌گذارد.

۳-۱-۳- چالش ایالات متحده و اسرائیل با ایران در منطقه مرکزی

مرجع امنیت در جمهوری اسلامی ایران، بواسطه امنیتی‌سازی ایدئولوژیک مسائل، جایگاه اسرائیل و ایالات متحده را بر اساس الگوی دوستی تعریف کرده و به تبع آن به تعریف ساز و کارهای تأمین امنیت جمهوری اسلامی ایران در مقابل دشمن پرداخته است. این روند امنیتی‌سازی متقابل بازیگران را به دنبال داشته که در استراتژی، تاکتیک‌ها و ساز و کارهای عملیاتی‌سازی تاکتیک‌ها و استراتژی متبلور شده است. اولویت‌های دفاعی قرن ۲۱، متن استراتژی دفاعی ایالات متحده است که وزارت دفاع آمریکا در ژانویه ۲۰۱۲ آن را منتشر کرد. وزارت دفاع در این متن از چین و ایران به عنوان مصادیقی یاد می‌کند که با

پیگیری مفاهیم نامتقارن، به تولید و تکثیر سلاح‌ها و تکنولوژی پیشرفته می‌پردازند و بـا تحویـل آنهـا بـه بازیگران غیر دولتی، توانایی‌ها و قدرت عملیاتی آمریکا را به چالش می کشند.

(Sustaining U.S. Global Leadership, ۲۰۱۲: ۱۰)

اشاره به چالش کشیده شدن توانایی‌ها و قدرت عملیاتی ایالات متحده توسط بازیگران غیر دولتـی مـورد حمایت ایران، در چارچوب اجرای مأموریت نیروی قدس برای تشکیل هسته‌های مسلّح مردمی حزب‌اللّه در سراسر جهان قابل فهم است که به طور عمده فرماندهی منطقه مرکزی در وزارت دفـاع آمریکـا بـا آن درگیر است. وزارت دفاع آمریکا، دارای مراکز فرماندهی هفت گانه است. شش مرکـز فرمانـدهی وزارت دفاع ایالات متحده آمریکا، شامل فرمانـدهی اقیـانوس آرام در نیمکـره‌هـای غربـی و شـرقی، فرمانـدهی آمریکای شمالی و جنوبی، فرماندهی آفریقا (به غیر از مصر) و فرمانـدهی اروپـا اسـت کـه البتـه منطقـه مرکزی نیز مهمترین فرماندهی در این مراکز محسوب می‌شود. سـتاد فرمانـدهی مرکـزی، ایـن منطقـه را برخوردار از یک ظرفیت جمعیتی معادل ۵۵۰ میلیون نفر ارزیابی نموده که جغرافیای آن سه قاره را از هـم جدا کرده و قلب تجارت جهان بوسیله دریاهای آن منشعب می‌شـوند و کریـدورهای هـوایی و راه‌هـای بین‌المللی زمینی از آن عبور می‌کنند. این فرماندهی محدوده جغرافیایی منطقه مرکـزی را از شـمال شـرق آفریقا تا خاورمیانه و سپس تا آسیای مرکزی و جنوبی ترسیم کرده که رژیم‌های سیاسـی متفـاوتی بـر آن حکم‌رانی می‌کنند و جمعیت شناختی آن فرصت‌هایی برای تنش و رقابت را فراهم کرده اسـت. در نقشـه رسمی فرماندهی منطقه مرکزی اسرائیل از محدوده منطقه مرکزی تفکیک شده است.

(United States Central Command (A), ۲۰۱٦)

ژنرال «لوید جی آستین»، فرماندهی وقت منطقه مرکزی در دولت اوباما، روز ١٦ مارس ۲۰١٦، با صـدور بیانیه‌ای رسمی در بخش خط مشی و مأموریت‌ها، از ایران به عنوان یکی از چالش امنیتی یاد کـرده بـود که شرکای آمریکا در منطقه مرکزی با آن روبرو هستند. او ضمن اظهار امیدواری نسبت بـه مهـار چـالش هسته‌ای ایران بواسطه طرح اقدام مشترک (برجام)، عنوان کرده بود که جـاه طلبـی‌هـای هژمونیـک ایـران بواسطه بکارگیری ابزارهای دیگری نظیـر موشـک‌هـای بالسـتیک، قابلیـت‌هـای سـایبری، فعالیـت‌هـای

تهاجمی‌دریایی، فعالیت‌های بی‌ثابت کننده منبعث از شبکه تهدید ایرانی (ITN)[۱] و البته «نیـروی قـدس» سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و همپیمانان آن نظیر «حزب‌الله لبنان» و گروه‌های شبه نظامی‌شیعه (عراقی) در منطقه ادامه خواهد یافت. (United States Central Command (B), ۲۰۱۶)

اولویت‌های دفاعی قرن ۲۱ و بیانیه فرماندهی منطقه مرکزی در وزارت دفاع آمریکا متون استراتژیکی هسـتند که با تغییر ریاست دولت از «اوباما» به «ترامپ» تغییری نکردنـد. «جوزف وتل» فرمانده جدید منطقه مرکزی در دولت ترامپ روز ۱۵ مـارس ۲۰۱۷ بـرای ارائـه ارزیـابی وضـعیت نظـامی و چـالش‌هـای امنیتـی در خاورمیانه بزرگ در کمیته خدمات نظامی کنگره آمریکا حاضر شده بـود. او در جلسـه ۱۵ مـارس ۲۰۱۷ استراتژی رسمی ایالات متحده و وزارت دفاع برای رویارویی با ایران و موضوعات مرتبط با آن در منطقه مرکزی را ارائه داد که از دسته‌بندی و دستور کار سیاسی – نظامی مشخص برخوردار بود. فرمانده منطقـه مرکزی در گزارش مفصل خود به کنگره درباره نقش ایران در منطقه مرکزی گفت:

> «ما همچنان شاهد نفوذ بدخواهانه ایران در عراق و سوریه هستیم. آنهـا در عـراق بـر مبـارزه بـا داعش متمرکز شده‌اند اما ما شاهد تلاششان برای سر پا نگه داشتن رژیم سوریه علیه مخالفـان و تمایل برای استفاده از مراکز جمعیتی شیعه نه تنها در سوریه و عراق بلکه کلّ کشـورهای عربـی برای نفوذ بدخواهانه شان هستیم. این پشتیبانی نیز برگرفته از آرمان‌های بلنـد آنهـا بـرای تبـدیل شدن به یک هژمونی منطقه‌ای است. علاوه بر این ما از نزدیـک شـاهد نشـانه‌هـا و هشـدارهایی درباره کاهش توجه ایران به تهدیـد داعـش و انتقـال تمرکـز بـرای هـدف قـرار دادن نیروهـا و زیرساخت‌های ایالات متحده و ائتلاف برای جلوگیری از نفوذ بلندمدت منطقه‌ای هستیم. افـزون بر این ما باید اطمینان حاصل کنیم که اقدامات موجب تقویت ایران نشود.»

(Committee on the Armed Services (A), ۲۰۱۷: ۱۸)

«وتل» در بخش دیگری از سخنانش، ایران را یک تهدید جدی برای منطقه مرکـزی، منـافع ملـی ایـالات متحده و منافع متحدین آمریکا معرفی کرد و در این رابطه چنین توضیح داد:

---

۱ . Iranian Threat Network's (ITN)

«ما هیچ‌گونه بهبود رفتاری در ایران بعد از توافق جامع (برجام) نمی‌بینیم. ایران به دنبال تکمیل هژمونی خود در منطقه و افزایش نیروها و نوّابش در عراق، لبنان، غزه، یمن و سوریه علیه ایالات متحده است و برای جلوگیری از دست‌یابی آمریکا به اهدافش در افغانستان و کشورهای آسیای مرکزی تلاش می‌کند. آنها همچنین سرنگونی تدریجی دولت در عراق را بواسطه حضور بلندمدت در ساختار امنیتی دنبال می‌کنند. توجه داشته باشید که ایران بر روی بخش اعظمی از استعداد ۱۰۰ هزار نفری حشد شعبی دارای اعمال نفوذ و میزانی از کنترل است. ایران همچنین درحال توسعه رابطه با روسیه در سوریه در مسیرهایی است که منافع ایالات متحده را تهدید می‌کند.» (Committee on the Armed Services (A), ۲۰۱۷: ۱۸)

فرمانده منطقه مرکزی وزارت دفاع آمریکا در ادامه با خلق اصطلاح جدید «منطقه خاکستری»[۱] به تشریح فعالیت‌های ایران بر اساس انطباق با این مفهوم نظری پرداخت:

«ایران بخش اصلی استراتژی خود را در منطقه خاکستری اجرا می‌کند. (این اصطلاح را من بکار می‌برم) منطقه خاکستری فضای تنگی است که درگیری در آن جریان دارد و محاسبه غلط در آن به راحتی می‌تواند تنش‌های ناشی از قضاوت غلط یا سوء تفاهم ایجاد کند. ایران بی‌ثباتی را بواسطه ایجاد و توسعه شبکه تهدید، فتنه، خشونت و انتقال پنهانی سلاح به عنوان محرک طیف وسیعی از درگیری در منطقه رشد می‌دهد. این سلاح مخرب، با فتنه‌انگیزی آشکار نظامی برای انسداد راه‌های دریایی به خصوص نقاط اقتصادی مهم بین‌المللی، یعنی تنگه‌های هرمز و باب‌المندب، ثبات سیاسی جهان و رونق اقتصادی را در خطر قرار داده است. با توجه به اینکه ایران منافع ایالات متحده در منطقه مرکزی را در بلند تهدید می‌کند، ما باید فرصت‌هایی را برای اطمینان بخشی به شرکای خود و مدیریت رفتار ایران به دست بیاوریم. این روند شامل محدود کردن توسعه ایران و به عقب برگرداندن نفوذ بدخواهانه و کاهش اثر مزیت‌های نامتقارن آن است. ما باید آنها را از طریق ایجاد یک وضعیت بازدارنده قوی و هدف قرار دادن فعالیت‌های آنه علیه مأموریت آمریکا، به طور مؤثرتری در منطقه خاکستری گیر بیاندازیم (مشغول کنیم) و در شرکای خود ظرفیّت سازی کنیم. ما

۱. gray zone

باید از طریق انتقال پیام و عمل، ارتباطات خود را روشن کنیم و برای اعتبار تصمیمات ایالات متحده ضمانت ایجاد کنیم. ایران باید به این باور برسد که در صورت انتخاب و ادامه طراحی فعالیت‌های بدخواهانه برای ایجاد بی‌ثباتی در منطقه عواقب سنگینی پرداخت خواهد کرد. دولت ایالات متحده همچنین باید به منظور بهبود شفافیت و کاهش احتمال محاسبه غلط ارتباط مستقیمی با رهبری ایران برقرار کند. برای تقویت بیشتر بازدارندگی در مقابل ایران ما باید اقدامات پیشگیرانه لازم در راستای ایجاد ظرفیت شرکای منطقه‌ای و همکاری را افزایش دهیم تا در راستای افزایش بازدارندگی و ثبات بیشتر در منطقه، توانایی و رغبت بیشتری برای ایفای نقش بزرگتر در راستای مقابله با ایران پیدا کنند.» (Committee on the Armed Services (A), ۲۰۱۷: ۲۷-۲۹)

ترامپ روز ۱۳ اکتبر ۲۰۱۷ استراتژی جدیدی درباره ایران اعلام کرد که از نظر محتوا تغییری با متن استراتژی دفاعی قرن ۲۱ نداشت، با این تفاوت که به طور خاص بر ایران و فعالیت‌های آن متمرکز شده بود. کاخ سفید این متن را با عنوان «استراتژی جدید رئیس جمهور دونالد جی. ترامپ درباره ایران»[۱] منتشر کرد. این سند بر پایه شش عنصر اصلی تدوین شده بود و بر خنثی کردن نفوذ بی‌ثبات کننده دولت و محدود کردن تجاوز، به ویژه حمایت از تروریسم و ستیزه جویان تمرکز داشت. (The White House (G), ۲۰۱۷)

نیروی دفاعی اسرائیل در جولای ۲۰۱۵ برای اولین بار استراتژی دفاعی اسرائیل را منتشر کرد. این متن ٤٦ صفحه‌ای در فصل اول و در بخش چارچوب استراتژیک بعد از اهداف ملی، به توصیف شاخص‌های تهدید امنیت اسرائیل پرداخته و آنها را به سه بخش دولتی، فرو دولتی و سازمان‌های تروریستی که از هیچ ارتباطی با دولت خاص یا جامعه برخوردار نیستند، تقسیم‌بندی کرده است. این متن، ایران را به عنوان مصداق تهدید دولتی و حماس و حزب‌الله لبنان را به عنوان مصادیق تهدید فرو دولتی معرفی کرده است. دولت اسلامی (داعش)، جهاد جهانی و فلسطینی‌های عضو جهاد جهانی نیز در زمره مصادیقی از تهدیدات امنیت اسرائیل قرار گرفته‌اند که ارتباطی با دولت خاص یا جامعه ندارند. استراتژی دفاعی اسرائیل در توصیف محیط عملیاتی توضیح می‌دهد که تهدید نظامی معمول از سوی دولت‌ها کاهش

---

۱ . President Donald J. Trump's New Strategy on Iran

یافته و در عین حال این تهدید از سوی سازمان‌های فرو دولتی که به دو صورت نامنظم و نیمه منظم از سوی ایران حمایت می‌شوند افزایش یافته است. (The IDF Strategy, ۲۰۱٦: ۹-۱٤)

مرور متن استراتژی دفاعی اسرائیل نشان می‌دهد که ایران و گروه‌های فرو دولتی مورد حمایت ایران، ستون‌پایه تهدیدات پیرامونی اسرائیل را به خود اختصاص داده‌اند. نکته مهم در این متن، تصریح درباره کاهش تهدید دشمن دولتی (ایران) و افزایش تهدید گروه‌های فرو دولتی (حماس و حزب‌الله) است. در واقع تمام چالش‌ها و راهکارها در متن استراتژی دفاعی اسرائیل معطوف به گروه‌های فرو دولتی مورد حمایت ایران است نه خود ایران. این مسئله تا اندازه‌ای برجسته است که پاسخگویی و تجمیع نیروی لازم برای درگیری با این گروه‌ها را هم سطح با عملیات‌های رزمی علیه ارتش‌های کلاسیک و دولت‌ها ارزیابی می‌کند. انتقال تهدید دولتی به فرو دولتی مسئله مهمی در استراتژی دفاعی اسرائیل است که از آن تحت عنوان تغییرات استراتژیک در استراتژی دفاعی اسرائیل یاد شد. (Herzog, ۲۰۱۵: ۱-۲)

۳-۲- تهدید سیستمی داعش بر بستر کش‌مکش‌های معمول قدرت

با موجود کش‌مکش‌های معمول قدرت بین ایران، آمریکا و اسرائیل در سطوح سیستمی و منطقه‌ای، از ژوئن ۲۰۱٤، داعش به عنوان بحث برانگیزترین پدیده تهدید کننده امنیت سیستم بین‌الملل مطرح شد که دایره گسترده‌ای از مسائل و از جمله الگوهای دوستی و دشمنی و رقابت‌های جاری قدرت را تحت تأثیر قرار داد. داعش با انتشار رسمی استراتژی «بقا و گسترش»[۱]، به تبیین این روند پرداخت که تلاش دارد بواسطه کسب پیروزی‌های نظامی در سرتاسر جهان به اهداف سیاسی دست یابد. داعس در تشریح این استراتژی، بقای خلافت را به یک متغیر وابسته به گسترش پهنه عملیاتی معرفی نمود که در ٤ بخش موازی پیگیری می‌شد:

۱. تلاش دائمی برای شکستن مرزهای جعلی دولت‌ها و ایجاد شرایط آغاز جنگ داخلی با هدف محو دولت‌های نامشروع کنونی (نابودی طاغوت‌ها)؛

---

۱. REMAINING AND EXPANDING

۲. ایجاد دولت اسلامی در عراق و شام (استقرار)؛

۳. ایجاد ولایت‌های هم بیعت دولت اسلامی در خارج از این محدوده (تمکین و تحکیم)؛

٤. هجرت مردم برای زندگی و جهاد در محدوده خلافت یا زندگی و جهاد در ولایت‌های تابع دولت اسلامی (گسترش قلمرو خلافت) (DABIQ Issue٥،١٤٣٦: ٣-٣٠)

بررسی استراتژی گسترش و بقا و تطبیق آن با جغرافیای عملیاتی داعش حکایت از این دارد که این سازمان فعالیت خود را در سه حوزه جغارفیایی موازی تعریف کرده است:

۱. حلقه داخلی:[۱] داعش مراکز ثقل فیزیکی اصلی خود را در عراق و سوریه مستقر کرد و ضمن دفاع تمام عیار از این مراکز برای گسترش محدوده خلافت به جغرافیای لبنان، اردن و فلسطین تلاش کرد؛

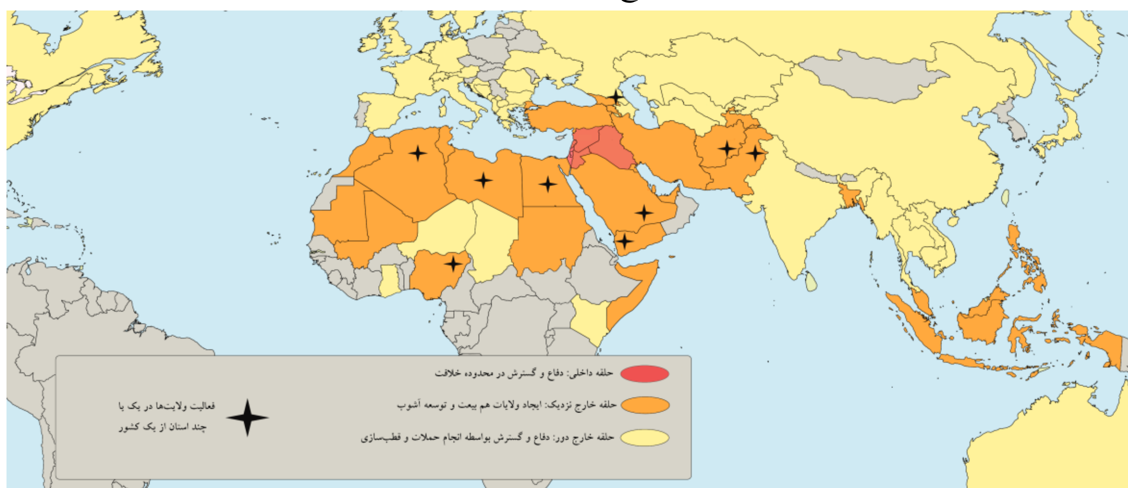
۲. حلقه خارج نزدیک:[۲] ترکیه، افغانستان، پاکستان، مراکش، تونس، الجزایر، لیبی، مصر، عربستان سعودی کشورهایی هستند که داعش تلاش کرد با نمایش استقرار و فعالیت ولایت‌های هم بیعت با خلیفه، آشوب را به عنوان بستر گسترش قلمرو به آنها تسری دهد؛

۳. حلقه خارج دور[۳] هند، ژاپن، استرالیا، اندونزی، مالزی، فیلیپین، ایالات متحده امریکا، کانادا، اسپانیا، یونان، آلمان، فرانسه، دانمارک، ایرلند و بریتانیا کشورهایی هستند که داعش توانایی استقرار فیزیکی در آنها را نداشته است، اما با طراحی حملات انفرادی به ساخت قطب‌های کوچک و منفصل عملیاتی در آنها اقدام کرده است. (Gambhir, ٢٠١٥: ١١-١٣)

---

١ . INTERIOR
٢ . NEAR ABROAD
٣ . Far Abroad

شکل ۳-۳- شعاع جغرافیایی فعالیت داعش در جهان



(Gambhir, ۲۰۱۵: ۱۲)

این طبیعی است که تمامی دولت‌های مستقر در سیستم بین المللی در یک سطح با یک سطح واحد از تهدید داعش روبرو نبوده‌اند، ضمن اینکه لازم به تذکر است تفکیک حلقه‌های عملیاتی به معنی عدم تراوش اقدامات منحصر به یک حلقه به حلقه‌های دیگر نیست، به عنوان مثال فعالیت اصلی داعش در حلقه خارج دور قطب‌سازی و طراحی و اجرای حملات توسط آنهاست اما در نقاطی مثل در هند و فیلیپین نیز اعلام تشکیل ولایت کرده است. با وجود اختلاف سطح درگیری دولت‌ها با تهدید داعش، تمام سیستم بین‌الملل با یک سطح پایه از تهدید امنیتی از سوی داعش مواجه بوده است.

این سطح مشترک تهدید سیستمی منبعث از یک مبحث عملیاتی است که مبنای ایجاد آن به ژوئن ۲۰۱۰ باز می‌گردد. در آن مقطع القاعده شبه جزیره عربستان، با انتشار اولین شماره نشریه انگلیسی زبان «اینسپایر»[۱]، یک طرح نظری برای تغییر تاکتیک حملات علیه غرب ارائه داد. این تاکتیک با عنوان «مجاهد تنها»[۲] به ترویج ایده گسترش گروه‌های کوچک و حتی انفرادی به جای طراحی و اجرای عملیات‌های بزرگ سنتی برای گسترش حملات علیه غرب پرداخت. استدلال این طرح نظری این بود که امکان موفقیت در این سبک از عملیات بواسطه عدم ارتباط شبکه‌ای اعضاء و در نتیجه پایین بودن ریسک شکست اطلاعاتی و افشای گره‌های ارتباطی سازمان زیاد است. «مجاهد تنها» در این سبک از عملیات مختار بود تا بر اساس ایده کلی

۱ .Inspire
۲ . Lone Mujahid

ضربه به منافع غرب، بر اساس تشخیص شخصی و محاسبه هزینه‌ها و مقدورات، عملیات‌هایی را در سطوح مختلف طراحی و اجرا نماید. پس از آن بسط و گسترش عملیاتی این ایده و تشریح مزایای آن به یکی از بخش‌های اصلی تبلیغات رسانه‌ای در سازمان القاعده تبدیل شد که ارائه دستورالعمل‌های اجرایی پر شمار همراه بود.[۱]

نظریه تاکتیکی «مجاهد تنها» توجیه کننده الزام جهاد بود که ذیل آن به سرعت تکنیک‌های عملیات‌های انفرادی برای ضربه به غرب دو ویژگی پوشش اطلاعاتی و کوچکی در مقیاس گسترش یافت و به یکی از ستون پایه‌های تاکتیکی در استراتژی داعش تبدیل شد که به خصوص کاربرد زیادی برای هدایت حملات غیر سازمان یافته و غیر شبکه‌ای در حلقه خارج دور داشت. در این رابطه برای اولین بار «ابومحمد عدنانی»، سخنگوی وقت داعش مسلمانان را به حمله به دشمن در هر کجای جهان دعوت کرد. او در این رابطه گفت:

> «در هر کجا که هستید، اجازه ندهید جهاد شما را پشت سر بگذارد. شما باید به سربازان و حامیان و نیروهای طواغیت ضربه بزنید. به نیروهای پلیس، امنیتی و اطلاعاتی آنان ضربه بزنید. اگر شما بتوانید یک کافر آمریکایی یا اروپایی و بویژه از نوع کینه توز و کثیف فرانسوی یا یک استرالیایی، یا یک کانادایی یا هر کافر دیگر از جمع کفار که علیه دولت اسلامی جنگ به راه انداخته‌اند را بکشید، آنگاه با توّکل بر خداوند کشتن او با هر وسیله و شیوه ممکن است.»

(DABIQ Issue٥, ١٤٣٦: ٣٧)

پدیده «مجاهد تنها» به یک مسئله فراگیر سیستمی تبدیل شد که جریان اصلی تحلیل‌گر در غرب آن را «گرگ تنها»[۲] نام نهاد. این پدیده دولتها را در تمام سه حلقه عملیاتی داعش، در سطوح مختلف درگیر کرد. بعد از پیام ابومحمد عدنانی، پدیده «گرگ تنها» حمله به اهداف سخت مثل پلیس، ارتش و غیره و اهداف نرم مثل سیاستمداران و رهبران، اهداف اقتصادی (ساختمان شرکت، قطار) و هر چیزی که توجه بسیاری از رسانه‌ها را به مردم تحت ستم جلب کند را در بر گرفت. در این مسیر حتی توجه منفی رسانه‌ها در راستای آگاهی بخشی نسبت به مبارزه حملات الهام بخش و افزایش دهنده اعتماد به نفس مردم برای پیوستن به مبارزه ارزیابی شد. (Kagan & Others, ٢٠١٦: ٢٥)

---

۱. رجوع شود به آرشیو فصلنامه اینسپایر؛ موسسه ملاحم از تابستان ۲۰۱۰ تا پاییز ۲۰۱۶، ۱۶ شماره از این نشریه را به شکل نامنظم منتشر کرده است. علاوه بر این، تعداد پرشماری از دفترچه‌های راهنما و کتاب‌های جیبی آموزش دهنده اجرای عملیات در این مدت به زبان انگلیسی و عربی توسط مؤسسه ملاحم منتشر شدند.

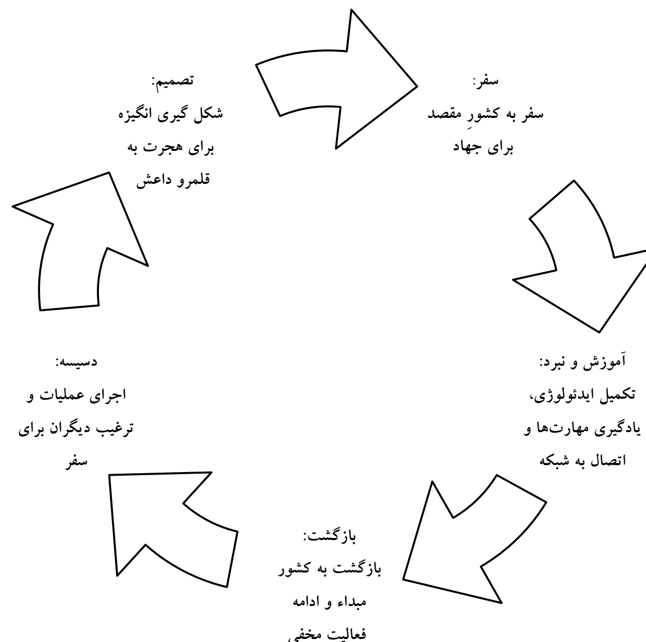
٢. Lone Wolves

اجرای حملات مبتنی بر تاکتیک مجاهد تنها در حلقه‌های سه‌گانه جغرافیایی، یـک مشـکل امنیتـی سیسـتمی است که تمام بازیگران دولتی علیرغم درگیری در کشمکش‌های قدرت علیه هم، موضع واحدی نسبت به آن دارند. به عنوان مثال ترامپ در اوج تخاصم استراتژیک با ایران، با صدور بیانیه رسمی، دو حملـه هسـته‌هـای داعش روز هفتم ژوئن ۲۰۱۷ در تهران انجام شد را تسلیت گفت، اما با کنایه به دولت ایران تأکیـد کـرد کـه دولت‌های حامی تروریسم ریسک افزایش قربانیان شرارت‌های خود را بالا می‌برند.

(The White House (F), ۲۰۱۷)

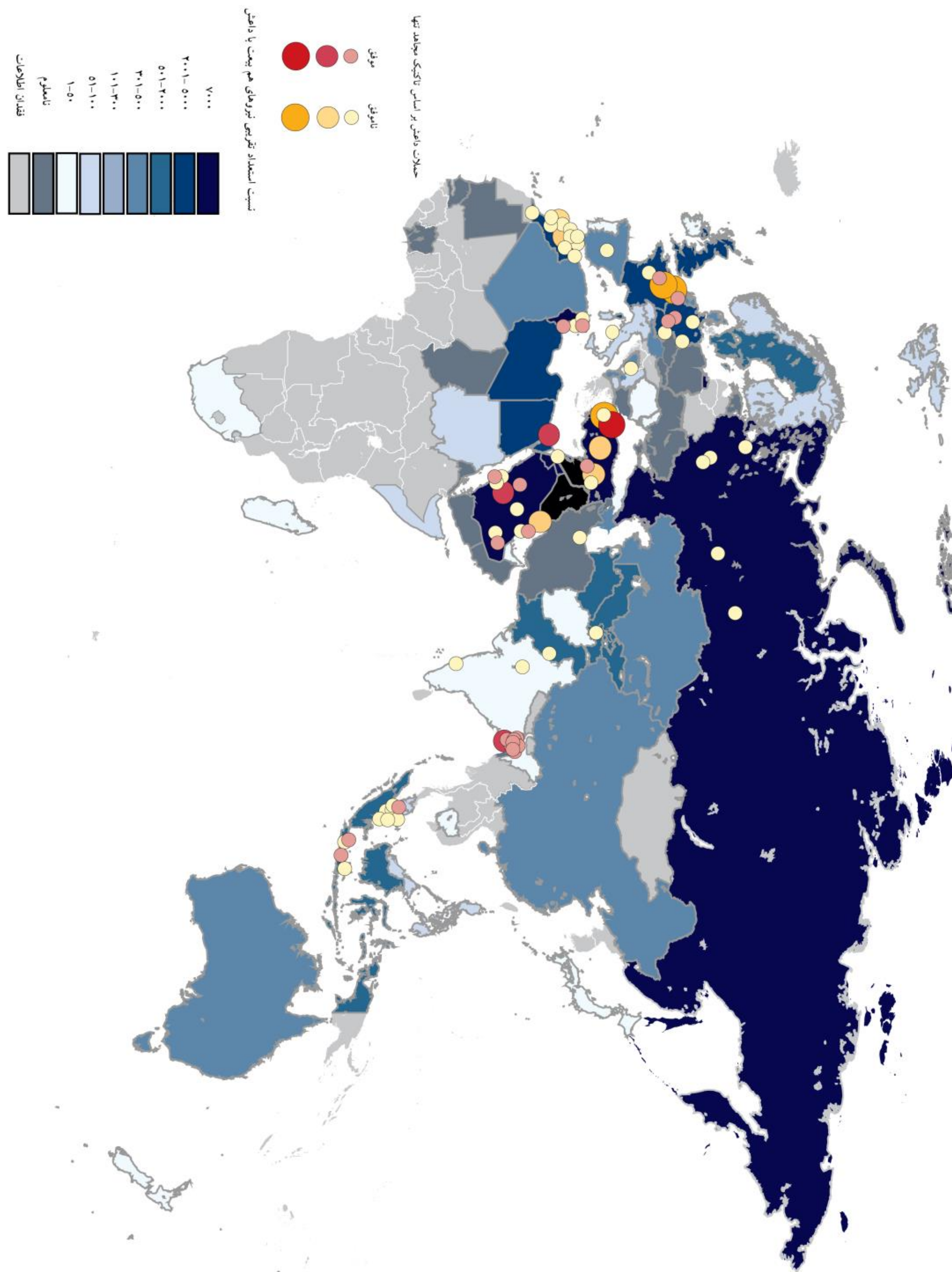
علاوه درگیری سیستمی با حملات داعش، فعالیت شبکه‌ای گسترده جـذب نیـرو بـرای شـبکه سـلّولی ایـن سازمان یکی دیگر از شاخص‌های درگیری مشترک سیستمی با داعش است. یکی از ابزارهـای حیـاتی بـرای داعش، شبکه سلولی جابجایی نیرو است که همانند تاکتیک مجاهد تنهـا، القاعـده بنیانگـذار آن بـوده اسـت. قدمت سیستم جابجایی نیرو در شبکه جهانی جهاد، به سال ۱۹۸۰ نبرد در افغانستان بازمی‌گردد. شبکه جـذب نیرو طی ادوار مختلف از روند و چارچوب ثابتی برخوردار بوده و در نتیجه دستیابی به یک الگوی استاندارد ۵ مرحله‌ای از چرخه جابجایی نیـرو را میسـر کـرده کـه قابلیـت انطبـاق بـالا بـا شـیوه‌هـای داعـش را نیـز داراست.(Byman & Daniel, ۲۰۱٤: ۷)

شکل ۳-٤- الگوی جابجایی نیروهای جهادی



(Byman & Daniel, ۲۰۱٤: ۷)

نقشه ۳-۱ توزیع جغرافیایی عملیات داعش



(McFate and Pavlik, ٢٠١٦: ١-٢)

چرخه استاندارد پنج مرحله‌ای جابجایی نیرو در سازمان داعش، یکی از اجزاء تهدید سیستمی این سازمان است که امنیت بخش زیادی از دولت‌ها را با نسبت‌های متفاوت تهدید می‌کند. شورای امنیت سازمان ملل متحد در نشست روز ۱۹ نوامبر ۲۰۱٤ اعلام کرد کـه حـدود ۱۵ هـزار جنگجـوی خـارجی از ۸۰ ملیّـت مختلف برای پیوستن به شبکه جهاد (بدون تفکیک بین القاعده و داعش) به عراق و سوریه سفر کرده‌اند. (Security Council, ۲۰۱٤: ۱-٦) شورای امنیت سازمان ملل متحد طی گزارش دیگـری کـه روز ۱۹ می ۲۰۱۵ منتشر کرد ضمن اصلاح ارقام گذشته تعداد جنگجویان خارجی که برای پیوستن به داعـش یـا القاعده به عراق و سوریه سفر کرده‌اند را ۲۵ هزار نفر و از ۱۰۰ ملیّت مختلف اعلام نمود.
(Security Council, ۲۰۱۵: ۳-۸)
درگیری سیستمی با تهدید داعش، شرایط بکارگیری ساز و کارهای مختلف مهـار و نـابودی داعـش توسـط دولت‌های مواجه با این تهدید را فراهم ساخت. جمهوری اسلامی ایران، ایالات متحده آمریکا و اسرائیل نیـز فارغ از الگوی روابط متخاصم متقابل در همین چارچوب بکارگیری ساز و کارهای مهار و نابودی این تهدید را در دستور کار قرار دادند. البته تفاوت نوع و نسبت درگیری هر یک از این بازیگران با تهدید امنیتی داعش، استراتژی کلان دفاعی آنها بر ساز و کارهای بازدارنده اتخاذ شده توسط آنان تأثیر گذار بود.

۳-۳- ایران و چالش داعش در عراق

دکترین اقامه خلافت مورد قبول تمام فقهای جریان جهانی جهاد قرار دارد، امـا اخـتلاف دربـاره زمـان و شرایط استقرار خلافت مانع از فراگیری این دکترین بوده است. در واقع اعاده خلافت و تشکیل مرکز ثقل آن در عراق دنباله‌ای از یک نهله فکری در جریان جهاد است که توسط ابومصعب زرقاوی پایه‌گـذاری و پیگیری شد که البته با مخالفت شدید فقهی تمام فقهای شرعی در سازمان القاعده و جریان جهانی جهـاد روبرو بوده است. اظهارات زیادی از زعمای القاعده و مفتی‌های جهاد در ردّ اعلام موجودیـت داعـش و البته پس از آن اعلام خلافت وجود دارد. این اقوال توسط القاعـده در کتـابی تحـت عنـوان «گفتارهـایی درباره دولت بغدادی» در ماه آگوست ۲۰۱۵ منتشر شد که محتوای آن به نقل قول‌هایی از ٤۵ نفر از عُلـما و فرماندهان میدانیِ جهاد در ردّ دولت خلافت بغدادی منتشر شد. در این کتاب دولـت اسـلامیِ ادعـاییِ

بغدادی دولت مارِقین و اعضاء آن را خوارج نامیده شدند. باب دوم این کتاب با نوشتاری از شیخ دکتر «أیمن الظواهری» رهبری کل سازمان القاعده، تحت عنوان اعلام برائت از «جماعة الدولة» آغاز شده است که در آن به دلایل جدایی جماعت بغدادی از قاعده جهاد اشاره شده است و سپس با نامه ای به کل مجاهدین در این رابطه ادامه یافته است.[1](قالوا عن دولة البغدادی، ۲۰۱۵، ۱۵–۱۵۲)

شبکه ابومصعب زرقاوی پس از خلاء قدرت برآمده از سقوط صدام فعالیت برای اقامه دولت اسلامی در عراق را آغاز کرد و سپس این روند را با استفاده از بستر ایجاد شده از خلاء قدرت دوباره که ناشی از خروج ائتلاف از این کشور بود با شدت بیشتری ادامه داد. البته فعالیت شبکه ابومصعب زرقاوی بر بستری آغاز شد که شرایط ایجاد آن طی۱۵سال قبل از سقوط رژیم بعث در عراق بواسطه آغاز روند اسلام گرایی توسط توسط صدام فراهم شده بود. ۲٤ جولای ۱۹۸٦، صدام حسین یک جلسه اضطراری با سران حزب بعث در بغداد برگزار کرد که دستور کار آن ایجاد تغییر جهت اساسی در سیاست خارجی حزب بعث و حکومت عراق از سوسیالیسم به سوی اسلام گرایی بود. این تغییر جهت اساسی، شامل تغییرات عمیقی در شاخه‌بندی‌های سیاست داخلی حزب، ایدئولوژی و هویت آن بود. صدام در آن جلسه در مقام رئیس جمهور حاضر بود، اما با عدم دعوت عمدی از میشل افلق به جای دبیر کل فرماندهی ملی حزب (القیاده القومیه)، ایفای نقش نمود. در جلسه یاد شده صدام دستور همکاری تاکتیکی با اخوان‌المسلمین سودان و مصر را صادر کرد.[2] (Baram, ۲۰۱۱:۲)

شاخه حزب بعث در عراق به دلیل اختلاف با شاخه سوری حزب از سال ۱۹۸۲، همکاری محدود با شاخه اخوان‌المسلمین در سوریه را به عنوان اپوزیسیون حکومت مرکزی آغاز کرده بود، اما این مسئله به هیچ وجه به معنی پذیرش سیاست‌ها یا ایدئولوژی این حزب نبود.[3] بنابراین تصمیم محرمانه جولای ۱۹۸٦، حکایت از آغاز تغییراتی داشت که عمیق به نظر می‌رسید و در قطعا نتایج آن به جامعه تسری

۲– قالوا عن دولة البغدادی ، ذو القعدة ١٤٣٦ ه ؛ أغسطس ۲۰۱۵ م ، مؤسسة کتائب ردع الخوارج ، الطبعة الأولی. ، الشیخ د. أیمن الظواهری، صص۱۰–۱۵

۲ . مستند به فایل صوتی ضبط شده در جلسه است که از فاصله نزدیک و با کیفیت بالا تهیه شده و در آرشیو مرکز تحقیقات اسناد جنگ وابسته به دانشگاه دفاع ملی با شماره سند-A ۰۰۱-۱٦۷ -CRRC, SH-SHTP در دسترس عموم قرار دارد.

۳ . ارتباط اخوان المسلمین سوریه و بعث عراق بعد از کشتار حماه در سپتامبر۱۹۸۲ به دنبال یک جلسه مخفی در بغداد شکل گرفت که نتیجه آن، یک همکاری سطحی و مخفی بود. در واقع دلیل محدود باقی ماندن همکاری طرفین در آن مقطع این بود که اخوان المسلمین سوریه به رژیم عراق پیشنهاد تدوین یک قانون اساسی مشترک داد که اسلام تنها منبع رجوع آن باشد. اما بعث این پیشنهاد را رد کرد و در نهایت نشست مخفی بغداد با شکست روبرو شد و صدام دستور یک همکاری محدود را صادر کرد.

می‌یافت. صدام دستور داده بود کمک به اخوان المسلمین مصر و سودان تا جـایی کـه ایـن دو بـه خـود کفایی دست پیدا کنند به شکل مساوی ادامه یابد. در واقع این تصمیمات انقلابی جلسـه حـزب در سـال ۱۹۸٦ به طور مستقیمی با رویدادهای آن سال مرتبط بود. باور عمومی در نظام بین‌الملل بر این مبنا استوار شده بود که عراق بازنده جنگ با ایران است. از همین رو صدام در حال از دست دادن حمایت کشورهای حوزه خلیج فارس بود. از همه مهم‌تر در نتیجه تأکید مداوم امام خمینی، این باور در اذهان عمومی جهان اسلام شکل گرفته بود که صدام و سران حزب بعث کافر و دشمن اسلام هستند. برهمین اساس در جلسه مخفی جولای ۱۹۸٦، پیشنهاد شد که سعید حوّا و عدنان سعدالـدین دو تـن از رهبـران میـانی و مقبـول حزب اخوان‌المسلمین سوریه، برای ترمیم چهره حزب بعث به سودان و مصر سـفر کننـد و ایـن پیـام را مخابره کنند که میشل افلق و صدام، ملحد نیستند، بلکه در رده مؤمنین قرار دارند. (Baram, ۲۰۱۱:۵)

تصمیم صدام، علاوه بر دلایل خارجی از ادله داخلی نیز برخوردار بود. سالیان دراز دیـن‌زدایـی از سـوی رژیم، در حالی به عنوان یک ابزار مورد استفاده قرار می گرفت که از دیگر سو تبدیل به یک تیغ دولبه بر علیه بعث در داخل عراق تبدیل شده بود. یک لبه این تیغ جامعه شـیعیان بـا محوریـت علمـای نجـف و کربلا بودند و لبه دیگر آن را روحانیون سنی تشکیل می دادنـد کـه از عقایـد افراطـی برخـوردار بودنـد. بنابراین در حالی که حزب بعث به عنوان حاکم عراق از سال ۱۹۷۷، دین زدایی را با شدت هر چه تمـام تر در دستور کار خود قرار داده بود، بعد از حمله نظامی به ایران، بین سالهای ۱۹۷۹تا ۱۹۸۲بـرای اولـین بار ظهور نشانه‌های گرایش به دین را در بین اعضاء حزب مشـاهده مـی کـرد. بنـابراین خـاموش کـردن شعله‌های گرایش اعضاء حزب به دین، دستور جلسه منطقه‌ای کنگره نهم حزب بعث در ژوئن ۱۹۸۲را با عنوان «پدیده مذهب» به خود اختصاص داد. محتوای آن جلسه داخلی بسیار تکان دهنده بود. زیرا اعضاء حزب بعث برای اولین بار درباره این واقعیت به صراحت بحث می‌کردند که ماهیت جامعه عراق مـذهبی است. بر همین اساس، اعضاء کنگره از طلوع تدیّن در بین عموم جوانان عراق ابراز تاسف نموده و آن را به عنوان نشانه‌ای از شکست سیاست «پان – عربیسم» ارزیابی کردند. آنان همچنین عنوان کردند که انجام فرائض مذهبی بین اعضاء حزب در حال گسترش است و آنان در حال جدا کردن این مسـئله از وظـائف حزبی خود هستند. در آن کنگره چنین استدلال شد که ادامه این روند به تـدریج کـادر رهبـری را تحـت

فشار قرار خواهد داد و سطوح حزب را با یک سردرگمی مواجه خواهد ساخت. این هشـدار برگرفتـه از گزارش‌های اطلاعاتی از عملکرد اعضاء جوان حـزب بـود کـه در مسـاجد بـا فعـالان اسـلامی ملاقـات می‌کردند. اما با وجود در آن مقطع زمانی، صدام اگر هم می خواست نمی توانست در سیاست های حزب تغییر ایجاد کند. این وضعیت تا سال ۱۹۹۱ و زمانی که عراق با مقابله به مثل بین‌المللی بعد از حملـه بـه کویت روبرو شده بود ادامه یافت. شکست فاحش در کویت، عرب گرایی، شرف و حیثیت صـدام را بـر باد داد و اداره حزب بعث و ماشین جنگی عراق را با مشکل مواجه ساخت و صدام را مجبور بـه تزریـق انگیزه‌ای قدرتمند به حزب بعث و ارتش عراق نمود. (Baram, ۲۰۱۱:۶-۸)

ساخت انبوه مساجد از سال ۱۹۹۱ در دسـتور کـار قـرار گرفـت کـه مشـهورتـرین آنهـا مسـاجد جـامع «رئیس‌القائد» و «اُم‌المعارک» در بغداد بود. ساختار این مساجد لبریز از نمادهـای ضـد آمریکـایی و البتـه مظاهر فراوان از زندگی صدام بود. در آن سالها یکی از مسئولان ساخت مساجد گزارش داد که صدام ۲۸ لیتر از خون خود را برای ساخت مرکب هدیه داده است تـا از آن بـرای نوشـتن یـک قـرآن خطـی ۶۰۵ صفحه‌ای استفاده شود و در همین راستا صدام در سالگرد تاسیس حزب بعث در سال ۱۹۹۲، ۲۸۳ قطعـه زمین را به روحانیون اهل سنت بخشید. در قانون جدید خدمت مـردان مـذهبی، جـذب آنـان بـه ادارات دولتی با افزایش حقوق بین۵۰ تا۱۰۰ درصد، پیش بینی شد که در نتیجه آن بسیاری از علما یا با زور و یا با تطمیع، تحت حمایت رژیم درآمدند. آغاز گسترده آموزش قرآن و حدیث همراه بود که از مسجد سنی امام‌الاعظم بغداد آغاز شد و در سال ۱۹۹۳ به سرتاسر عراق تسری یافت. در این فاصله مسـابقات حفـظ قرآن در مدارس و مساجد دخترانه و پسرانه آغاز شد و در تابستان ۱۹۹۲، حضور بیش از۶۰ هزار حـافظ قرآن در مسابقات مساجد عراق ثبت شده بود. در آگوست ۱۹۹۲، صدام به وزیر آمـوزش دسـتور داد تـا آزمون علوم اسلامی را برای سنجش دانش معلمان در این حوزه به عمل آورد. متعاقب آن صدام در یـک جلسه با معلمان دستور داد تا قرآن را از دوره ابتدائی تا متوسطه به دانش آمـوزان آمـوزش دهنـد. صـدام دستور داد تا معلمان قرآن و علوم دینی بین ۱۰۰ تا۱۵۰ دینار عراقی بیشتر دستمزد بگیرند. حملـه ایمـانی به غیر از جامعه سطوح مختلف کادر حزب بعث و به خصوص رهبری را نیز هدف قرار داد که با عناوین عمق‌بخشی به ایمان (تعمیق‌الایمان) و تعالی روح (قیام‌الروحیه) دنبال می‌شـد. ایـن تعلیمـات در سـطوح

بالای حزب از تاثیر بالایی برخوردار نبود اما نیروهای رده پایین را متحول ساخت. صدام در نیمه ژوئن ۱۹۹۳، حرکت به سوی اسلام‌گرایی را بواسطه برنامه مدونی با نام حمله ایمانی[1] آغاز کرد که باید از آن با عنوان مبنای تغییرات بزرگ در زندگی اهل سنت عراق یاد کرد. در سپتامبر ۱۹۹۳، ٤٥ کلوپ شبانه در بغداد تعطیل شد و فقط ٥ نمونه از آنان به شکل محدود در میادین التحریر و طیران و خیابان‌های ابونواز و النضال اجازه ادامه فعالیت یافتند. صدام فروش الکل را ممنوع نکرد اما استفاده از آن در هر نقطه از عراق ممنوع اعلام شد و برای استفاده از آن، مجازات یک ماه زندان تعیین گردید. مغازه‌های مشروب فروشی نیز اجازه نداشتند تا فاصله ۱٥۰ متری از مساجد، بیمارستان‌ها و مدارس دایر باشند و نام‌های عراقی یا عربی برای خود انتخاب کنند. (Baram, ۲۰۱۱:۱۰-۱۲)

صدام طی یک دیدار خصوصی با کابینه دولت سودان در سال ۲۰۰۲ درباره حمله ایمانی گفت:

«همه شاگردان و دانش‌آموزان از سطوح ابتدایی تا پایان دوره متوسطه علوم مذهبی را می‌آموزند. همه قضات سنت نبوی را یاد می‌گیرند و کسانی که در آزمون نهایی موفق نشوند از چرخه کنار گذاشته می‌شوند. در مورد سرنوشت رده های بالای کارد حزب و دولت نیز بعد از قبولی آنان در آزمون تصمیم خواهیم گرفت. و تصمیم نهایی ما این است که تجار بزرگ شریعت و فقه معاملات را بیاموزند و در آزمون پس از آن شرکت کنند.» (CRRC, ۲۰۰۲:A)

در آگوست ۱۹۹٤، صدام اجرای قانون قطع دست مردان و زنان دزد را پذیرفت و نیز قانون غیر اسلامی قطع گوش سربازان فراری از خدمت را تصویب کرد و اعلام کرد که در صورت تکرار فرار گوش دیگر سرباز فراری نیز قطع خواهد شد. در۲۷ آگوست ۱۹۹٤ طی فرمان ۱۱۸، ابلاغ کرد که مجازات قوادی و تشکیل گروه از زنان فاسد، مرگ خواهد بود. در طول اجرای حمله ایمانی سران ارشد حزب بعث نسبت به روند اجرای این قوانین در جامعه‌ای که تا آن مقطع براساس سکولاریسم اداره شده بود ابراز نگرانی می کردند. عُدی پسر بزرگ صدام در مقاله‌ای انتقادی که ۱۹جولای ۱۹۹٤ در نشریه بابل منتشر شده بود در گزاره‌ای کنایه‌آمیز ضمن هشدار به پدرش درباره رشد جریان وهابیت در عراق نوشته بود: «آیا قرار

---

[1] . حمله الایمانیه

است بغداد تبدیل به ریاض شود؟». او با هشدار نسبت به روند جاری نوشته بود که تداوم این وضعیت به جداسازی جامعه شیعه و سنی از هم می انجامد و خطر وقوع جنگ داخلی در عراق را بالا خواهد برد. عدی که دارای تعداد زیادی نشریه و تلویزیون بود با مصونیتی که از مجازات داشت به انتقادات تندی از روند اجرای حمله ایمانی پرداخت و هشدار داد:

«هرگونه تلاش برای کاشت یک «قلب اسلامی مصنوعی» در بدنه پان عرب عراق به مرگ این بدن خواهد انجامید. آیا معنی این روند این است که ما مردم عراق را در یک حجاب قرار دهیم و بغدادِ هارون الرشید را با همه تاریخ و فرقه های متکثر مذهبی آن به شهری مشابه عربستان سعودی تبدیل کنیم؟!» (Baram, ۲۰۱۱: ۲۲)

او در ادامه این متن تاریخی نوشته کرده بود: «حفظ تکثر مذهبی در عراق راه نجات ما خواهد بود و ایجاد آرایش اسلامی، روندی است که عراق را وارد مصیبت خواهد کرد. زیرا ما یک جامعه اسلامی نیستیم.» او در نهایت اینچنین به پدرش هشدار داده بود: «چیزی که حزب به نمایش گذاشته عبارت از یک عنوان سیاسی با روکش اسلامی است. و این دقیقا همان چیزی است که نزد بنیاد گرایان اسلامی مشروعیت ندارد. بنابراین تمام این تلاش ها بیهوده خواهد بود.» نشریه بابل در شماره روز ۱۹جولای ۱۹۹٤ نامه‌ای سمبلیک از یک شهروند عراقی نگران که از رشد و شکوفایی جنبش «وهابیسم» توسط شخصی نام «محمد نصیر الالبانی» خبر داده و در هشدار نسبت به روند جاری چنین نوشته بود:

«او (محمد نصیر الالبانی) در حال دریافت کمک‌های مالی از عربستان سعودی است. این جریان درحال تاثیر و نفوذ بر جوانان و حتی پیرمردهاست. شهروندان ناراضی هستند و عقاید مسموم این جریان در حال سوق دادن عراق به سوی جنگ داخلی است. آنها مساجد را محل نشر عقاید خود قرار داده اند و به دانشگاه‌ها نفوذ کرده‌اند. بیشتر علما جرات مقابله با این جریان را ندارند. شناسایی آنان کار سختی نیست زیرا ظاهر و لباس مشابهی دارند. یکدستی آنان در ظاهر و پوشش، دارای یک معنی مشخص بر این مبناست که همه آنان دستورات خود را از یک منبع واحد دریافت می‌کنند. حزب و دستگاه‌های امنیتی نسبت به این روند هشیار نیستند. آیا این به این معنی نیست که با آنچه می‌گذرد موافقند؟ اگر چنین است پس راه را باز کنید و همه ما را به این جریان پیوند دهید.»
(Baram:۲۰۱۱:۲۲)

عُدی تا سقوط صدام از طریق نشریه بابل به هشدار درباره توسعه وهابیت در عراق ادامه داد و مدعی بود اطلاعات موثقی از مراکز و مکان‌های فعالیت وهابیت در عراق در اختیار دارد که در صورت لزوم آنان را منتشر خواهد کرد. هشدارهای او متکی به گزارش‌های فوق محرمانه دستگاه‌های امنیتی عراق درباره فعالیت شبکه ابومصعب زرقاوی و کُردهای اسلامگرای عراقی بود که همراه با وی از افغانستان به عراق بازگشته بودند. برای نمونه گزارش ۲۸ ژانویه سال ۲۰۰۰ از دفتر حزب بعث در شمال عراق بر فعالیت گسترده اسلام گرایان افراطی در کردستان اشاره دارد. کُردهای عراقی همکار با زرقاوی در افغانستان گروهی به نام «انصارالاسلام» را در نواحی کردنشین عراق تشکیل دادند که برای اقامه دولت اسلامی در عراق تلاش میکرد. کالین پاول وزیر امور خارجه ایالات متحده طی نطق تاریخی خود در۵ فوریه ۲۰۰۳، خطاب به مجمع عمومی سازمان ملل متحد، مدعی ارتباط القاعده و رژیم صدام و همکاری دوجانبه شان برای تولید تسلیحات کشتار بود که ابومصعب زرقاوی محور آن بود. در ۸ اکتبر سال ۲۰۰۲ بوش رئیس جمهور آمریکا خطاب به گروهی از مردم در سین‌سیناتی گفت:

> «تعدادی از رهبران القاعده که از افغانستان گریخته‌اند به عراق رفته‌اند. از جمله این رهبران می‌توان از امیر بسیار بلند پایه القاعده که در سال جاری در بغداد تحت درمان پزشکی قرار داشت نام برد. او از جمله کسانی است که در رابطه با طرح‌ریزی حملات شیمیایی و میکروبی از وی نام برده می‌شود. این فرد کسی جز زرقاوی نیست، وی به دلیل حملات تروریستی از جمله ترور لارنس فولی، دیپلمات آمریکایی در امان مدت‌ها در اردن تحت تعقیب بود، او در افغانستان به بن لادن ملحق شد. پس از شکست طالبان به بیمارستانی در بغداد رفت تا پای مجروحش تحت درمان قرار گیرد یا قطع شود.» (Gettleman:۲۰۰٤)

بنابراین صدام طی یک روند۲۰ ساله بسترهای شکل‌گیری اسلامگرایی با قرائت وهابیت را در جامعه اهل سنت عراق فراهم ساخت و به موازات آن به رشد و گسترش شبکه ابومصعب زرقاوی در عراق کمک نمود. این بستر با خلاء قدرت پس از سقوط رژیم حزب بعث، عراق را به کانون فعالیت جریان فکری ابومصعب برای اقامه دولت اسلامی و خلافت در عراق تبدیل کرد.

پیش از اعلام خلافت توسط داعش، بررسی روند عملکرد دولت اسلامی عـراق طـی سـال‌هـای ۲۰۱۲ و ۲۰۱۳ حکایت از یک واقعیت‌های سه گانه‌ای داشت که نشان می‌داد ایران به زودی با یک تهدیـد امنیتـی فزاینده در مرزهای خود روبرو خواهد شد:

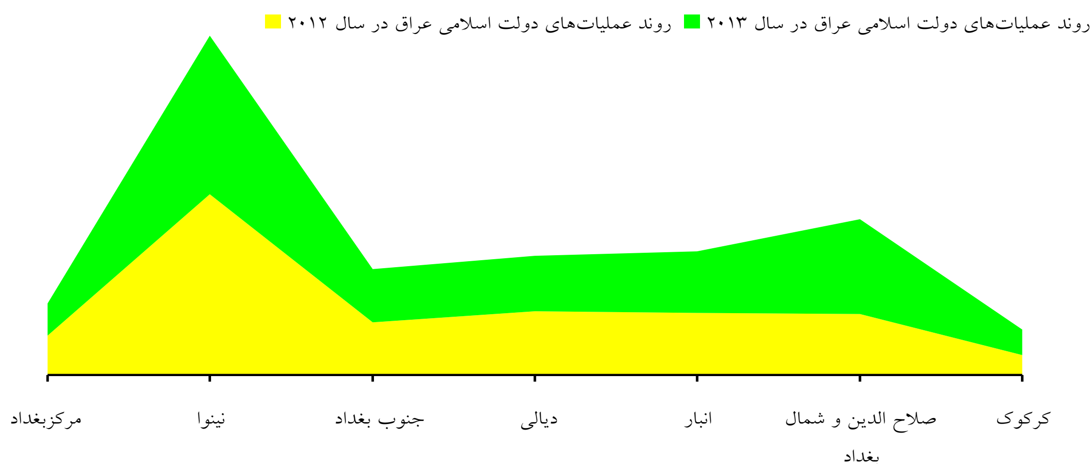
۱. دولت اسلامی عراق در حال بازسازی هسته‌های سلولی سازمان بود؛

۲. نهادهای نظامی و امنیتی عراق، از تأمین امنیت ناتوان بودند؛

۳. نهادهای نظامی و امنیتی عراق، بخشی از مشکل امنیت در عراق بودند.

دولت اسلامی‌عراق و پس از آن داعش[۱]، از ۲۳ جولای ۲۰۱۲ تا ۲۳ جـولای ۲۰۱۳، ۷۶۸۱ عملیـات از ۱۵ نوع مختلف را در ٤ مرحله و ۲۹ موج متفاوت طراحی، سازماندهی و اجرا کـرد. تحلیـل رونـد عملیـاتی دولت اسلامی عراق حکایت از تغییرات جزئی در حجم و تناسب جغرافیایی اجرای عملیات توسط ایـن سازمان داشت و به وضوح نشان می‌داد که دولت اسلامی عراق با یک نرخ ثابـت در توزیـع جغرافیـایی، مشغول بازسازی شبکه سلولی خود در عراق و افزایش تهدید کمربند امنیتی بغداد است.[۲]

نمودار ۳-۱- مقایسه توزیع عملیاتی دولت اسلامی عراق (۲۰۱۲-۲۰۱۳)



(النبأ، ١٤٣٤: ١-٤١٠)

۱. داعش تا هشتم آوریل ۲۰۱۳ با نام دولت اسلامی عراق، به عنوان شاخه القاعده فعالیت می‌کرد و پس از آن با اعلام تشکیل دولت اسلامی با افزودن قید جغرافیایی شام به دولت اسلامی عراق و شام تغییر نام داد و از سازمان القاعده جدا شد.

۲. این توزیع بر اساس تجزیه و تحلیل آمار تجمیعی عملیات‌های دولت اسلامی عراق و شام انجام شده است. این آمار در سال‌نامه النبأ و در قالب ٤١٠ منتشر شده بود. این اطلاعـات بنیان کلیه نمودارها و جداول تحلیلی مربوط به عملیات‌های دولت اسلامی عراق و داعش (تا پایان جولای ۲۰۱۳) در این متن را تشکیل می‌دهند.

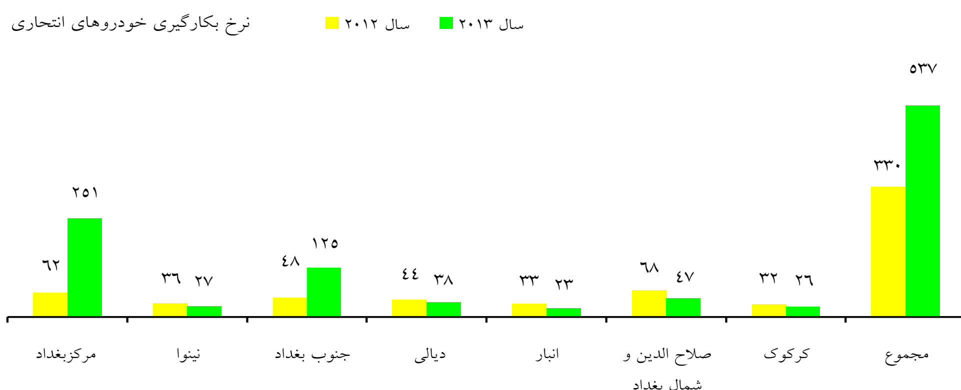
جدول ۳-۲- توزیع تمرکز عملیاتی دولت اسلامی عراق و داعش در استان‌های عراق

	مرکز بغداد	**نینوا**	**جنوب بغداد**	**دیالی**	**انبار**	**صلاح الدین و شمال بغداد**	**کرکوک**
سال ۲۰۱۲	٪۸,۲۰	٪۳۷,٦۰	٪۱۱	٪۱۱,٥۰	۱۲,۹۰	٪۱۲,۷۰	٪٤,۲۰
سال ۲۰۱۳	٪٦,۷۰	٪۳۲,۹۰	٪۱۱	٪۱۳,۳۰	٪۱۲,۸۰	٪۱۹,۷۰	٪٥,۲۰

(النبأ، ۱٤۳٤: ۱-٤۱۰)

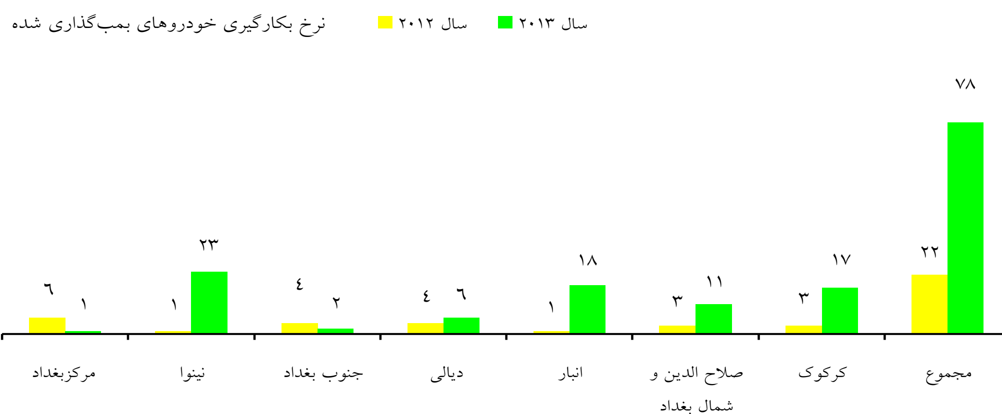
سه نوع از ۱۵ نوع عملیات داعش استراتژیک بودند، زیرا بواسطه اجرای آنها قادر به ایجاد آشوب تأثیرگذار بر روند امنیتی و هدایت ساختار به سمت فروپاشی بود. این دسته از عملیات‌ها شامل خودروهای انتحاری، افراد انتحاری و خودروهای بمب گذاری شده بودند.

نمودار ۳-۲- مقایسه نرخ خودروهای انتحاری دولت اسلامی عراق (۲۰۱۲-۲۰۱۳)



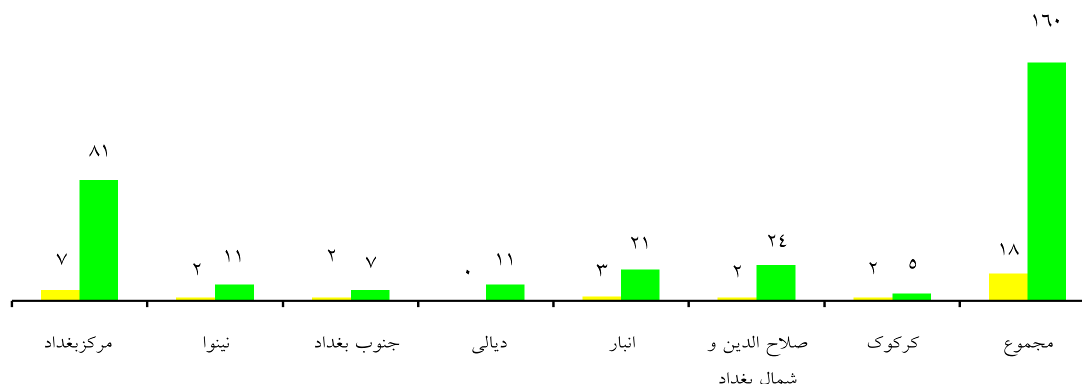
(النبأ، ۱٤۳٤: ۱-٤۱۰)

نمودار ۳-۳- مقایسه نرخ خودروهای بمب‌گذاری شده دولت اسلامی عراق (۲۰۱۲-۲۰۱۳)



(النبأ، ۱٤۳٤: ۱-٤۱۰)

نمودار ۳-٤- مقایسه نرخ عملیات‌های انتحاری دولت اسلامی عراق (۲۰۱۲-۲۰۱۳)



(النبأ، ۱٤۳٤: ۱-٤۱۰)

بازگشت‌پذیری دولت اسلامی به عراق و بازسازی توان عملیاتی این سازمان پدیده جدید و غیر قابل انتظاری نبود. ژنرال «ری اودیرنو»[۱] فرمانده وقت نیروهای آمریکایی در عراق طی گزارش که ژوئن ۲۰۱۰، توسط وزارت دفاع آمریکا منتشر شد در این رابطه نوشته بود:

«اهداف القاعده در عراق هیچ تغییری نداشته است. آنها به دنبال شکست کامل دولت و تاسیس خلافت در عراق هستند، حالا نسبت به سال‌های ٦-۲۰۰۵، این مسئله (تشکیل خلافت)، یک وظیفه سخت‌تر برای آنها به شمار می‌رود، اما با وجود این در اندیشه اجرای آن ثابت قدم مانده‌اند و این موضوعی نیست که ایالات متحده بتواند کاری برای آن انجام دهد. شما می‌دانید که آنها در سرتاسر دنیا به دنبال پناهگاه‌های امن می‌گردند. همچنین محدوده‌ای که آنان به دنبال آن هستند مناطقی است که نظارت حکومتی بر آن وجود ندارد و البته در داخل عراق چنین محدوده‌هایی وجود دارد.» (U.S Department of Defense (A), ۲۰۱۰)

ارتش و نیروهای امنیتی عراق با همراهی صحوات (نیروهای قبایل) تا پایان سال ۲۰۱۰، ۲٤ عملیات بزرگ مشترک با نیروهای ائتلاف، برگزار کردند که هدف از آنها پاکسازی دولت اسلامی عراق بود، اما تنها نتیجه

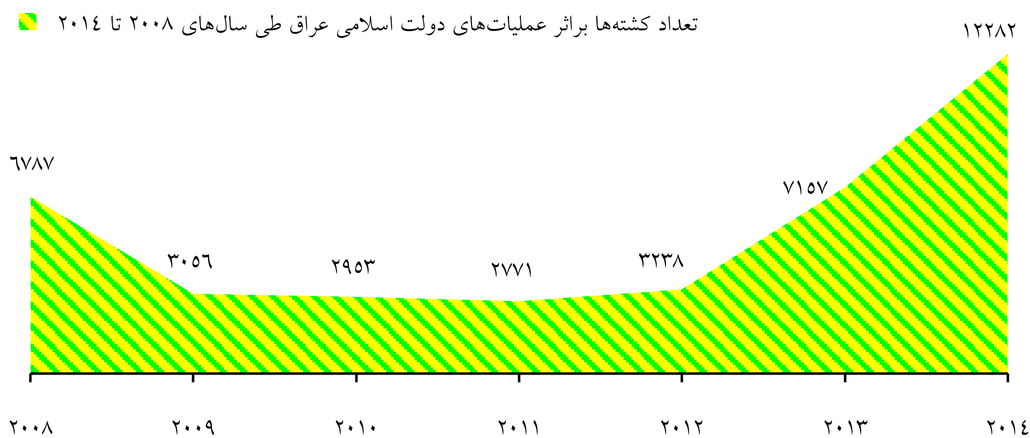
---

۱. Ray Odierno

این همکاری مشترک، تثبیت متوسط آمار تلفات ماهانه ناشی از حملات دولت اسلامی عراق بین ۳۰۰ – ٤۰۰ نفر در ماه بود. این نرخ بعد از خروج آمریکا از عراق دوباره افزایش یافت و تا پایان سال ۲۰۱٤ تقریباً نزدیک به دو برابر رکورد تلفات در سال ۲۰۰۸ رسید. بنابراین دولت عراق طی سال‌های ۲۰۱۲ و ۲۰۱۳، با کمتر از ۵٪ توانایی استفاده از ظرفیت مقابله با تروریسم و تأمین امنیت در زمره دولت‌های ورشکسته قرار گرفت و در بین کشورهایی با این ویژگی، تنها جایگاهی بالاتر از سومالی و افغانستان داشت.

(Jones, ۲۰۱٤: ۵۰)

نمودار ۳–۵– مقایسه تلفات در عراق (۲۰۰۸–۲۰۱٤)



(United Nations Iraq, ۲۰۱٤)

۳–۳–۱– چالش ساختار امنیتی در عراق جدید

روز ۲۱ جولای ۲۰۱۳، «تیپ مجاهدین» از شاخه‌های داعش پس از ماه‌ها کار اطلاعاتی در عملیاتی به نام «قهرالطّواغیت» به زندان تاجی در شمال غرب بغداد حمله کرد و موفق شد تا ۱۵۰ زندانی آن را آزاد کند. داعش عصر روز ۲۲ جولای ۲۰۱۳، به زندان ابوغریب نیز حمله کرد و ٦۰۰ زندانی را فراری داد. ٤۰٪ از این تعداد، اعضاء دولت اسلامی عراق در زندان‌های «بوکا» در بصره، کمپ «کروبر» در فرودگاه بغداد و ابوغریب بودند که نیروهای امریکایی، پیش از خروج از عراق، آنان را به دستگاه امنیتی عراق تحویل داده بودند. (بالطیب، ۲۰۱٤ : ۲٦)

این دو عملیات در حالی انجام شد که وزارت دادگستری عراق، دو ماه پیش‌تر، از اجرای آنها اطلاع داشت و روز ۲٦ می۲۰۱۳، با استناد به نامه‌ای از دولت اسلامی عراق، نسبت به حمله قریب‌الوقوع به زندان تاجی

هشدار داده بود. کمیته امنیتی پارلمان عراق مسئولیت فرار زندانیان تاجی و ابوغریب را متوجه مدیریت زندان و محافظان آن دانست که با دریافت ۲۰۰ هزار دلار اقدام به شکستن حصـار زنـدان و فـروش اطلاعـات بـه دولت اسلامی عراق کرده بودند و روز عملیات با دریافت سه میلیـون دینـار تجهیـزات ارتبـاطی خـود را در اختیار زندانیان گذاشته بودند. بر اساس گزارش این کمیته فرمانـده لشـکر چهـارم نیـروی پلـیس مرکـزی و فرمانده یکی از گردان‌های پلیس و معاونش که مسئول حفاظت از این زندان‌ها بوده‌اند در کنار برخی مقامات سازمان حفاظت اطلاعات در این عملیات نقش داشتند. (وكالة أنباء المدى برس، ۲۰۱۳)

آنچه در جریان حمله به دو زندان تاجی و ابوغریب رخ داد تنها نمونه‌ای از وضعیت حـاکم بـر سـاختار نهادهای نظامی- امنیتی عراق جدید بود. بعد از سقوط صدام جمهوری اسلامی ایـران توانسـت بواسـطه جابجایی نیروهای سپاه بدر در وزارت کشور، نفوذ نسبی بر ساختار پلیس و دسـتگاه امنیتـی عـراق پیـدا کند، اما به دلایل زیر ساختار نظامی – امنیتی عراق نفوذ پذیر، غیر مطمئن و فاسد بود:

۱. انحصار بازسازی ساختار ارتش در اختیار ایالات متحده قرار گرفت؛
۲. بر اساس قانون نانوشته سهمیه‌بندی سیاسی، وزارت دفاع به کنترل جریان سُنّی درآمد؛
۳. بعثی‌ها طی یک روند پیچیده به ساختار نظامی- امنیتی عراق بازگشتند.

(Eisenstadt & others, ۲۰۱۱:٥-۱۷)

دو دلیل اول، تنها ضریب نفوذ ایران در ارتش را به حداقل ممکن رساند، اما بازگشت بعثی‌ها بـه سـطوح مختلف ساختار قدرت عراق، مهم‌ترین پدیده چند وجهی در ساختار نظامی- امنیتی عراق جدید بود کـه بنیان‌های فروپاشی امنیتی علیه جمهوری اسلامی ایران را شکل داد.

۳-۳-۲- بعثی‌زدایی و بعثی‌سازی معکوس

ایالات متحده، دولت عراق و حتی کمیسیون عالی بازخواست و عدالت که مسئول بعثـی‌زدایـی در عـراق است به موازات یکدیگر و با استفاده از خلاءهای موجود در قانون اساسی عراق، شرایط بازگشت بعثی‌ها و آشوبناکی سیستم دولت در عراق را فراهم آوردند.

جدول ۳-۲- سطوح عضویت در حزب بعث

سطح عضویت	رتبه	وابسته	صلاحیت
سطح عالی (نمادین)	عضو رهبری قومی	رهبری قومی (کشورهای عربی)	نمادین
رهبری	شورای ملی رهبری	شورای رهبری (عراق)	سیاست گذاری؛ اجرای عملیات نظامی
دفاتر منطقه ای و شغلی	عضو دفتر	دفتر	نظارت بر عملکرد روئسای شعبه؛ اعزام نیرو؛ صدور دستور منع تردد، بازجویی، ویران کردن خانه‌ها
شعبه	عضو شعبه	شعبه	صدور دستور دستگیری؛ استفاده از سلاح علیه متهمان؛ مشورت برای تعیین سیاست‌های امنیتی
فرقه	عضو فرقه	فرقه	نظارت بر ادارات حکومتی؛ پیگیری گزارش‌ها؛ ارائه گواهی عدم سوء پیشینه
سازمان	عضو عامل	سازمان	دوره آموزشی و آزمایشی
رسته	کار آموز؛ نامزد عضویت؛ نصیرمتقدم؛ نصیر؛ موید	دسته؛ حلقه	

(سیسونز و الساعدی، ۲۰۱۳: ۱۱)

پُل برمر حاکم نظامی عراق روز ۱۶ می ۲۰۰۳، در اولین اقدام خود بــه عنــوان متصــدی موقــت نیروهــای ائتلاف در اداره این کشور، بر اساس طرح «فیث» و دستور وزیر دفاع آمریکا، طی یک فرمان شش‌بنــدی، دستور انحلال حزب بعث، نابودی ساختار آن و کنار گذاشتن کادر رهبــری و انحــلال جایگــاه‌هــای ایــن حزب از جامعه عراق را صادر کرد. بر اساس بند دوم ایــن دســتور، کلیــه نیروهــای عضــو در فرمانــدهی منطقه‌ای، شاخه‌ها، شعبه‌ها، گروه‌ها و اعضاء ارشد حزب می‌بایست جایگاه‌های خود را ترک می‌کردنــد و در آینده نیز از اشتغال در مناصب مربوط به خدمات عمومی محروم می‌شدند. کلیه اعضــاء ارشــد حــزب می بایست در ارتباط با انجام اقدامات مجرمانه یــا تهدیــد امنیــت نیروهــای ائــتلاف مــورد ارزیــابی قــرار می‌گرفتند. کلیه مظنونین می‌بایست مورد بازجویی قرار می‌گرفتند. همچنین اگر احتمال بــروز تهدیــدی از ناحیه آنان وجود داشت یا احتمال فرار آنان داده می‌شد می‌بایست در بازداشت یا حبس خــانگی از آنــان محافظت می‌شد. در بند سوم این دستور ذکر شده بود که افراد شــاغل در موقعیــت‌هــای ســه لایــه برتــر مدیریتی وزارت خانه‌های دولتی، موسسات وابسته به دولت و سایر دستگاه‌های دولتی نظیر بیمارستان‌ها، دانشگاه‌ها، می‌بایست پیش از تصدی، بواسطه عدم عضویت در حزب بعث و مجموعه‌های مــرتبط بــا آن مورد ارزیابی قرار گیرند. بر اساس این فرمان همه افرادی که به خاطر عضویت در حزب بعث بازداشــت شده بودند باید از مشاغل خود اخراج می‌شدند. این فرمان شامل همه افــراد رده پــایین اعــم از اعضــاء و

فعالان و افراد تعیین شده توسط اعضاء ارشد حزب بود. بند چهارم این دستور استفاده تصاویر صدام یا افراد وابسته به او یا نمادهای مربوط به رژیم سابق و حزب بعث در ساختمان‌های دولتی را ممنوع اعلام کرده بود. در بند پنجم برای ارائه اطلاعات منجر به دستگیری اعضاء ارشد حزب، پاداش تعیین شد. البته فرمان اولیه پُل برمر، علی‌رغم بندهای سخت‌گیرانه، راه فرار و بازگشت احتمالی به وضعیت قبل را در بند ششم از دستور به شرح زیر باز گذاشته بود:

«اداره موقت ائتلاف ممکن است برای هر یک از رهنمودهای پیشین، بر حسب مورد آن استثناء قائل شود.» (Coalition Provisional Authority Order Number۱, ۲۰۰۳: ۱-۲)

برمر، روز ۲۳ می ۲۰۰۳، فرمان ۷ بندی دیگری صادر کرد که شامل تعهدات مالی، اعضاء و کارمندان بود و به موجب آن بعثی های شاغل در ارتش و نیروهای امنیتی از کار برکنار شدند. این فرمان شامل وزارتخانه‌های دفاع، اطلاعات، روابط نظامی، سرویس اطلاعات و دفتر امنیت عراق، اداره امنیت ملی و سازمان امنیت ویژه بود. همچنین کلیه اشخاص وابسته به صدام از جمله محافظان وی اعم از اسکورت و گارد ویژه را در بر می‌گرفت. ارتش، نیروهای هوایی، دریایی، پدافند و سایر دستگاه‌های معمول نظامی مشمول این دستور بودند. گارد ریاست جمهوری، گارد ویژه ریاست جمهوری، ریاست اطلاعات نظامی، جیش‌القدس، نیروهای واکنش سریع نیز دیگر بخش‌های مشمول این قانون بودند. شبه نظامیان وابسته به صدام شامل فدائیان صدام، میلیشیای بعث، هوادارن صدام، بچه شیران صدام و سایر دستگاه‌های وابسته اعم از دیوان ریاست جمهوری، دبیرخانه ریاست جمهوری، شورای فرماندهی انقلاب، مجلس ملی، سازمان جوانان (الفتوه)، کمیته ملی المپیک، دادگاه‌های انقلاب، ویژه و امنیت ملی و همه سازمان‌های وابسته به آنها منحل شدند. (Coalition Provisional Authority Order Number ۲, ۲۰۰۳: ۱-۵)

برمر، روز هفتم نوامبر ۲۰۰۳ نهادی به نام «کمیسیون عالی میهنی بعثی‌زدایی» تاسیس کرد که وظیفه آن ریشه‌کن‌سازی بعثی‌های ارشد از وزارتخانه‌ها بود. بنابراین بعد از فرمان اول و دوم پُل برمر، حدود ۵۰۰ بعثی و بعد از تشکیل کمیسیون بعثی‌زدایی بین ۸۵ تا ۱۰۰ هزار نفر از اعضاء حزب از ادارات دولتی پاکسازی شدند که ٤۰ هزار نفر از آنان شامل آموزگاران مدارس بودند. در این روند مهم‌ترین رهبران

حزب که شامل ۵ الی۱۰ هزار نفر از اعضاء را تشکیل می‌دادند اجازه درخواست تجدید نظر برای بازگشت به مشاغل خود را نداشتند. (Council on Foreign Relations (A), ۲۰۰۵)

با وجود شدت عمل اولیه، پاکسازی بعثی‌ها به روند خود ادامه نداد و ۱۱ ماه بعد از صدور اولین فرمان، استفاده بند ششم دستور اول برمر در بخش استثنائات آغاز شد. بر این اساس در آوریل ۲۰۰٤، پُل برمر با اعلام اینکه فرمان بعثی‌زدایی به شکل ضعیف، یکنواخت و ظالمانه اجرا می‌شود، از بررسی طرحی خبر داد که به افسران ارشد اجازه می داد تا به خدمات نظامی بازگردند. (Pavel, ۲۰۱۲:۳۰)

به موازات این روند آمار تلفات نیروهای ائتلاف که توسط شورشیان کشته می‌شدند، طی سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۰٤ از ۵۸۰ نفر به ۹۰٦ نفر افزایش یافت. بنابراین این استدلال شکل گرفت که بخش زیادی از شورشیان را بعثی‌ها تشکیل می‌دهند که با بازگشت به حاکمیت دست از اقدامات خود بر می‌دارند. از سوی دیگر این برداشت نیز بوجود آمد که مهار شورش تنها از عهده نیروهای زبده بر می‌آید که عمده آنان را بعثی‌های پاکسازی شده تشکیل می‌دهند. در نتیجه برمر با صدور فرمان شماره ۱۰۰ در روز ۲۸ ژوئن ۲۰۰٤، «کمیسیون عالی میهنی بعثی زدایی» را منحل اعلام کرد.

(Coalition Provisional Authority Order Number ۱۰۰, ۲۰۰٤: ۱-۲۱)

بعد از فراز و فرود روند بعثی‌زدایی، قانون اساسی عراق در ۱۳ اکتبر ۲۰۰۵، به تصویب رسید، که همانند فرمان اول پل برمر دارای راه فرار برای بازگرداندن بعثی‌ها به ساختار نظامی- امنیتی عراق بود. بند اوّل از ماده هفتم قانون اساسی عراق به طور خاص فعالیت تشکیلات بعث صدامی در عراق را تحت هر نامی و چارچوب تکثّر گرایی سیاسی ممنوع اعلام کرده است. همچنین بند سوّم از ماده ۱۳۵ قانون اساسی عراق، نامزدی هر یک از مشمولین احکام بعثی زدایی را برای مناصب ریاست جمهوری، نخست وزیری، وزارت، نمایندگی پارلمان، شورای فدرال، سازمان قضایی و هر منصب دیگر ممنوع کرده است.

(الدستور العراقی، ۲۰۰۵: ٤)

ظاهر موّاد یاد شده حکایت از این دارد که قانون اساسی عراق تمام راه‌های بازگشت بعثی‌ها به ساختار حکومت و نهادهای نظامی و امنیتی را مسدود ساخته است، اما رجوع به بند پنجم از ماده ۱۳۵ قانون اساسی عراق راه فرار از این انسداد را نشان داده است. این بند از ماده ۱۳۵ چنین تصریح می‌کند:

«صرف عضویت در حزب منحل شده بعث نمی تواند باعث ارجاع به دادگاه شود و عضو این حزب مادامی که مشمول احکام ریشه‌کنی حزب بعث و دستور العمل‌های صادر شده در مورد آن نشده باشد از حقوق برابر در محضر قانون برخوردار است.» (الدستور العراقی، ۲۰۰۵: ٤٦)

با این وصف بازگشت بعثی‌ها به ساختار حاکمیت، تبدیل به یک روند جاری در عراق شد. هر چند که کمیسیون ملی عالی بازخواست و عدالت در بیانیه‌ها و اعلام‌های نوبه‌ای خود تاکید دارد که هیچ راهی برای بازگشت حزب بعث به حاکمیت عراق وجود ندارد، اما همین کمیسیون عملا مسیر قانونی بازگشت اعضاء حزب به ساختار حکومتی را باز کرده است. به عنوان مثال کمیسیون ملی عالی بازخواست و عدالت طی گزارشی در سال ۲۰۱٤ اعلام کرد ۸۰ هزار بعثی از جمعی نیروهای ارتش که مشارکت آنان در جنایات بعث به اثبات نرسیده بود طی سال‌های ۲۰۰٤ تا ۲۰۰۷ به خدمت بازگشته‌اند، تا سال ۲۰۰۹، ۱۸۰۰ بعثی سابق در وزارت اطلاع رسانی و ۸۰۳٤ عضو فرقه در دوایر ۱۵ استان محل خدمت خود دوباره به کار گرفته شدند. ۷۷۸٤ بعثی عضو فرقه نیز به ۳۲ وزارت خانه دولتی بازگشتند. ٤۱ هزار بعثی سابق نیز بعد از تصویب قانون شماره (۸) بعثی‌زدایی در سال ۲۰۱۰، به مشاغل خود در موسسات غیرنظامی بازگشتند. در ادامه نوری مالکی نخست وزیر وقت عراق، روز ۱۲ ژانویه ۲۰۱۲ اجازه بازگشت اعضاء فرقه و پایین‌تر از آن را به مشاغل دولتی را صادر کرد. (سیسونز و الساعدی، ۲۰۱۳: ۲۸-۲۰)

روند بازگشت بعثی‌ها به ساختار حکومت عراق همچنان تا سال ۲۰۱٦ ادامه یافت و کمیسیون ملی عالی بازخواست و عدالت در ماه ژانویه ۲۰۱۵ بر اساس بند پنجم از ماده (٦) و بند دوم از ماده (۷) دستور اداری «ق س/ ۱۵۰٤۹/۱۲۳۰۰/۱۵»، از تاریخ ۱۵ سپتامبر ۲۰۱۵، به اعضاء بخشِ «فرقه»[1] در حزب بعث فرصت داد تا درخواست بازگشت خود به مشاغل قبلی خود را به کمیسیون ارائه دهند. این دستور اداری به اعضاء فرقه که ساکن در عراق بودند ٦۰ روز و به بعثی‌های ساکن خارج از عراق ۹۰ روز مهلت داد تا به شرط تطبیق بند ٦ از ماده ششم قانون بعثی‌زدایی[2] به محل‌های خدمتی خود بازگردند. هر چند کمیسیون ملی عالی بازخواست و عدالت بازگشته بعثی‌ها به نهادهای نظامی و امنیتی را ممنوع کرده و گزارشهایی نیز از تسویه این افراد

---

۱. اعضاء فرقه توسط حکومت موقت عراق به عنوان اعضاء عالی‌رتبه بعث معرفی شده بودند. اعضاء فرقه نقشی در سیاست‌گذاری نداشتند، اما حزب به آنان صلاحت نظارت بر ادارات حکومتی و امنیتی و پیگیری گزارش‌ها در مورد افراد و اجرای دستورات مسئولین عالی رتبه و ارائه گزارش در مورد افراد به مسئولین را داده بود.

۲. بر اساس این بند، خدمت یا استمرار خدمت اعضاء فرقه در هیئت‌های ریاست سه‌گانه، شورای قضایی و وزارت‌خانه و دستگاه‌های امنیتی ممنوع است.

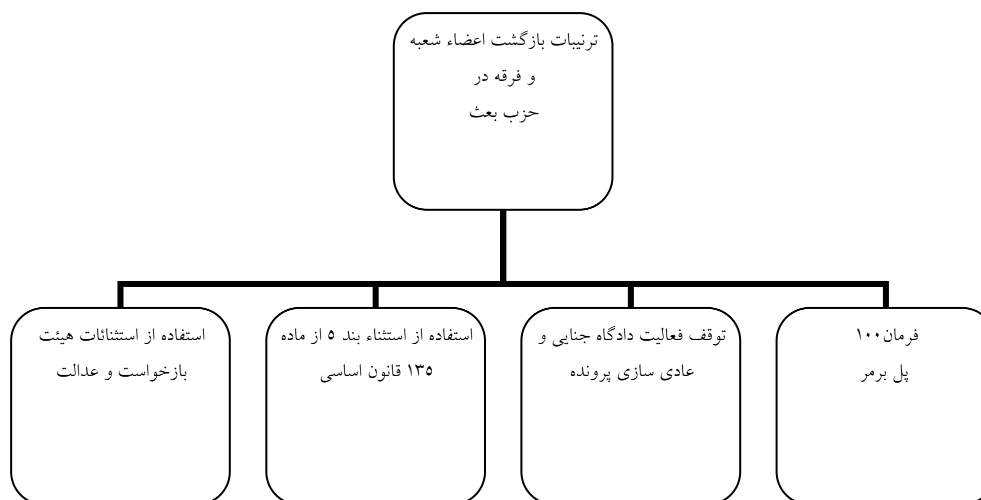
منتشر می‌کند اما شواهد عینی حکایت از این دارند که بعثی‌ها نسبت بالایی از رده‌های فرماندهی در ارتش، پلیس و دستگاه‌های اطلاعاتی عراق را در کنترل خود گرفتند. جنبش ملی ریشه کن سازی بعث یک فهرست از نام و مسئولیت ۷۷ افسر عالی رتبه ارتش عراق در سال ۲۰۱٤ را منتشر کرد که تمام آنان در دوره تسلط صدام، عضو حزب بعث بودند و برخی از آنان مسئولیت‌های مهمی را نیز در آن مقطع عهده دار بودند. برآورد می‌شود تا سال ۲۰۱٤، بعثی‌های سابق ٥٤٪ از استعداد نیروهای جمعی ارتش و نهادهای امنیتی عراق را تشکیل داده بودند. (الهیأة الوطنیة العلیا للمساءلة و العدالة، ۲۰۱٦)

وزارت دفاع و شورای روابط خارجی آمریکا از پدیده بازگشت بعثی‌ها با عنوان پدیده نفوذ یاد می‌کنند. شورای روابط خارجی آمریکا بعثی‌های پیوسته به شورشیان ضد ائتلاف که بعد از آغاز دوره بازگشت، فرایند نفوذ به دستگاه‌های امنیتی را آغاز کردند را به سه دسته تقسیم می‌کند:

1. دسته اول شورشیان سرسخت بودند که موفق به عبور از موانع گزینشی شدند. بر اساس برآورد سرگرد «جیمز گاوریلیز» عضو نیروهای ویژه ایالات متحده در عراق، این افراد ۲۰ درصد نیروهای دستگاه‌های امنیتی و حتی پایگاه‌های آمریکایی در شهرهای داخل مثلث سنّی عراق را تشکیل دادند و در مناطق شیعه‌نشین این نسبت تا ۱ درصد کاهش می‌یافت.
2. «برنارد ترینور» ژنرال بازنشسته تفنگ‌داران آمریکا، دسته دوم نفوذی‌ها «هواداران شورشیان» را در بخش دوم بعثی‌های نفوذی قرار می‌دهد که نسبت بسیار بالاتری از بخش اول را به خود اختصاص دادند. این عده هر چند در مقابل دولت جدید عراق و نیروهای ائتلاف دست به سلاح نبردند اما اقدام به ارائه اطلاعات و کمک به شورشیان می‌کردند. انگیزه‌های آنان از اتخاذ چنین رویه‌ای شامل طیف گسترده‌ای از دلایل اعم از وابستگی مالی آنان به حامیان صدام، نفرت از اشغالگران و وابستگی قومی و قبیله‌ای آنان به شورشیان حاضر در میدان بوده است. بسیاری از نیروهای پلیس و امنیتی هر روز بعد از ساعات کاری در خانه یا محل زندگی از سوی عشیره خود برای خروج از دستگاه امنیتی یا ارائه اطلاعات استراتژیک تحت فشار قرار می‌گرفتند.

۳. «شورای روابط خارجی آمریکا» دسته سوم نفوذی‌های بعثی را شامل نیروهایی می‌داند که خود و خانواده آنها از سوی شورشیان تهدید می‌شدند تا به آنها اطلاعات ارائه کنند یا در فرایند حملات مشارکت نمایند. (Council on Foreign Relations (B), ۲۰۰۵: ۲-۸)

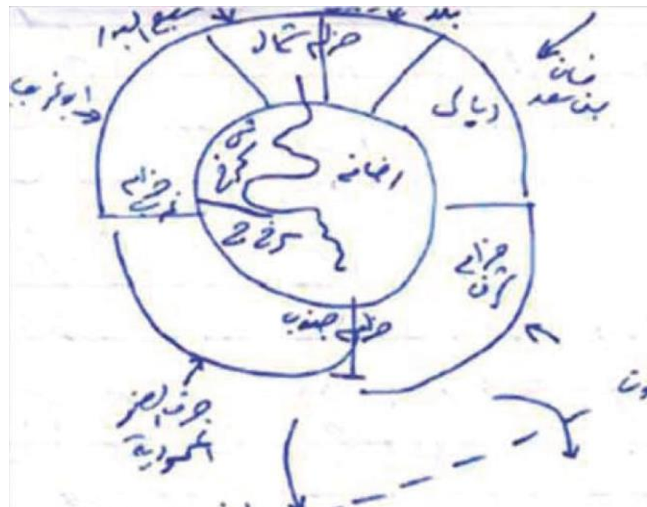
شکل ۳-۵- ترتیبات بازگشت اعضاء حزب بعث به ساختار نظامی- امنیتی عراق



۳-۳-۳- فشار به کمربند امنیتی بغداد و چالش شبه نظامیان شیعه

بازگشت بعثی‌ها به ساختار نفوذپذیر ارتش و دستگاه‌هـای امنیتـی عـراق، فـروش اطلاعـات و همکـاری بـا بعثی‌های شورشی که با دولت اسلامی عراق همکاری می‌کردند، به سرعت دولت مرکزی عراق را در معرض فروپاشی قرار داد. این روند بعد از خروج آمریکا با بازسازی سریع هسته‌های عملیاتی دولت اسلامی عـراق، شدت گرفت و انجام عملیات‌های منظم و هدفمندِ مبتنی بر اطلاعات، پایتخت را در معرض فروپاشی امنیتـی قرار داد. بررسی روند عملیاتی این سازمان نشان می‌دهد که در سال ۲۰۱۲ ۳۱,۹٪ و در سال ۲۰۱۳، ۳۷,٤٪ از کلّ عملیات‌های این سازمان به طور خاص بر کمربند امنیتی بغداد شـامل شـمال، جنـوب و مرکـز پایتخـت متمرکز بود. البته به غیر از استان نینوا تمام عملیات‌های دولت اسلامی عراق و داعش به طور مسـتقیم و غیـر مستقیم بر کمربند امنیتی بغداد فشار وارد می‌کردند، اما تمرکز بر کمربند امنیتی بغداد یک الگوی قدیمی بـود

که توسط دولت اسلامی عراق در سال ۲۰۰٦ طراحی شده بود و دست‌نوشته آن توسط نیروهای ائتلاف کشف شد. در آن مقطع دولت اسلامی عراق با اجرای این استراتژی عملیاتی تلاش داشت تا بعد از شکستن کمربند عملیاتی بغداد بر پایتخت (مرکز خلافت) مسلط شود. لذا انطباق شیوه عملیات داعش طی سال‌های ۲۰۱۲ و ۲۰۱۳ با این دست‌نوشته ساده نیز حکایت از تداوم استراتژی سال ۲۰۰٦ برای در هم شکستن کمربند امنیتی بغداد داشت. (زارعان، آزاد، ۱۳۹۵: ۱٤٥– ۱٤٤)



شکل ۳–٦– نقشه دست‌وشته عملیاتی دولت اسلامی عراق برای حمله به کمربند بغداد در سال ۲۰۰٦
ادعا می‌شود این نقشه بعد از دستگیری فوزی خالد عبدالله العودۀ عضو کویتی سازمان بدست آمده است.
(زارعان، آزاد، ۱۳۹۵: ۱٤٥)

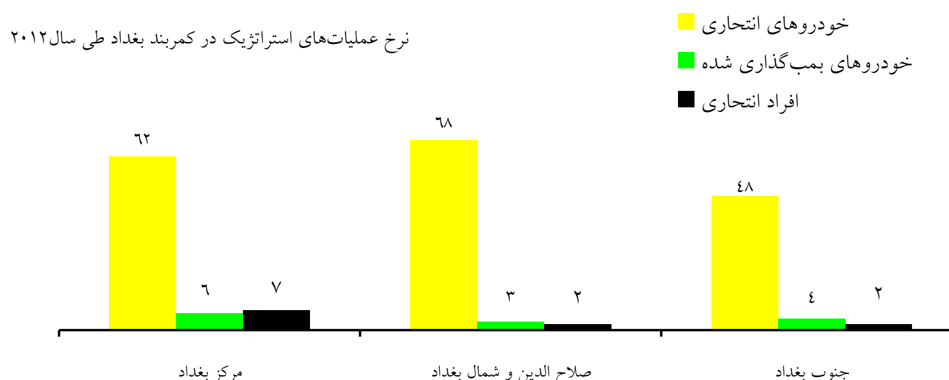
کمربند امنیتی بغداد شامل مناطق زراعی و صنعتی اطراف پایتخت است. این کمربند به پنج بخش شمال غرب، شمال شرق، جنوب غرب، جنوب شرق بغداد و کمربند دیالی تقسیم می‌شود که از شمال در جهت عقربه‌های ساعت در اطراف بغداد به هم متصل می‌شوند. کمربند بغداد از صلاح‌الدین در شمال غرب آغاز می‌شود به خالص و بعقوبه در دیالی در شمال شرق می‌رسد؛ سپس به بابل و واسط در جنوب شرق متصل می شود و پس از آن با اتصال به استان انبار و محدوده دریاچه ثرثار، یک خط عملیاتی دوّار در اطراف پایتخت ترسیم می‌نماید. این کمربند در سال ۲۰۰٦، ترسیم کننده خطوط فرضی عملیاتی بود که دولت اسلامی عراق، شورشیان بعثی و گروه‌های شیعه مخالف حضور آمریکا به صورت توأمان از آنها برای حمله به مواضع نیروهای ائتلاف بهره برداری می‌کردند.



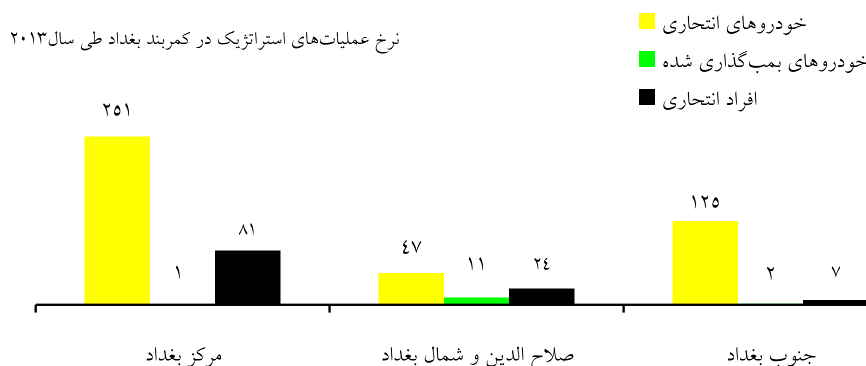
شکل ۳-۷- ژنرال «استنلی مک کریستیال» عضو ستاد مشترک وزارت دفاع آمریکا در کتاب «سهم من از کار» (my share of the task) نقشه عملیاتی کمربند بغداد را ترسیم کرده است. مک کریستیال در سال ۲۰۱۷، این نقشه را در پایگاه اطلاع رسانی گروه خود منتشر کرد. (Mcchrystalgroup, ۲۰۱۷)

نرخ عملیات‌های استراتژیک داعش یک نشانه بارز از تمرکز عملیاتی داعش بر کمربند امنیتی بغداد بود و افزایش چشمگیر این عملیات‌ها طی سال‌های ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۳ یک چالش امنیتی بزرگ محسوب می‌شد. تمرکز داعش برای شکست کمربند امنیتی بر بکارگیری خودروها و افراد انتحاری متمرکز شده بود که با هدایت هدفمند، ضمن تحمیل تلفات بالا، معمولاً به عنوان بازکننده مسیر گروه‌های مسلح عملیات کننده استفاده می‌شدند. بر این اساس نرخ عملیات با خودروهای انتحاری از سال ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۳ در مرکز بغداد، ٤,٠٤ برابر افزایش یافت. رشد این رقم در جنوب بغداد معادل ٢,٦٠ برابر بود. حملات بواسطه افراد انتحاری در مرکز بغداد از سال ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۳، ١١,٥٧ برابر رشد کرد. افزایش این حملات در صلاح الدین و شمال بغداد به ۱۲ برابر و در جنوب بغداد به ٣,٥ برابر سال ۲۰۱۲ رسید.

نمودار ۳-۵- توزیع عملیات‌های دولت اسلامی عراق در کمربند امنیتی بغداد (۲۰۱۲)



نمودار ۳-٦- توزیع عملیات‌های دولت اسلامی عراق در کمربند امنیتی بغداد (۲۰۱۳)



(النبأ، ۱٤۳٤: ۱-٤۱۰)

حملات کوبنده و هدفمند دولت اسلامی طی سال ۲۰۱۲ و ۲۰۱۳، به طور جدی امنیت داخلی و پیرامونی پایتخت عراق را تحت تأثیر قرار داده بود. علاوه بر این از دسامبر ۲۰۱۲ چالش اعتراضات سراسری در استان‌های سُنّی به طور مضاعف امنیت پایتخت را هدف قرار داد و به شکل مؤثری روند چهار مرحله‌ای عملیات‌های منظم دولت اسلامی عراق را تقویت نمود. روز ۱۸ دسامبر ۲۰۱۲، دو نفر از محافظان «رافع عیساوی» وزیر سُنیِّ دارایی عراق به اتهام حمایت از تروریسم دستگیر شدند. دو روز بعد نیروهای ضد تروریسم به خانه «رافع عیساوی» یورش بردند و پنج نفر دیگر از محافظان وی را با همان اتهام دستگیر کردند. «عیساوی» از محبوبیت بالایی در استان انبار برخوردار بود و در نتیجه چند ساعت بعد از عملیات نیروهای ضد تروریسم، تظاهرات در استان انبار آغاز و به سرعت به نینوا و صلاح الدین نیز کشیده شد. این

استان در مدت یک هفته به کانون آشوب تبدیل شد. روند بحران از روز ٢٤ مارس ٢٠١٣ در حال عبور از مرحله سیاسی به نظامی بود. خشونت و درگیری در دو استان نینوا و انبار افزایش یافت و تا اول ژانویه ٢٠١٤ به سقوط کامل فلوجه، صقلاویه و «کرمه» در حومه رمادی مرکز استان انبار انجامید. (آزاد، ١٣٩٤: ١٣-١٠)

جدول ٣-٦- روند صعود بحران در استان‌های سنّی عراق

تاریخ	رویداد
١٨ دسامبر٢٠١٢	دستگیری ٤ محافظ رافع عیساوی وزیر سنّی کابینه مالکی
٢٠ دسامبر٢٠١٢	حمله نیروهای امنیتی به خانه رافع عیساوی و آغاز اعتراضات در استان‌های سنّی
٦ ژانویه٢٠١٣	تنظیم فهرست مطالبات ١٣ گانه سنی‌ها
٢٥ ژانویه٢٠١٣	اولین درگیری مسلحانه در فلوجه
٢٦ ژانویه٢٠١٣	تهدید ابو ریشه به رویارویی نظامی
١٢مارس ٢٠١٣	تهدید عیساوی به مقاومت در رمادی تا پای مرگ
٢٤ مارس ٢٠١٣	آغاز تحرکات حاکی از ورود بحران به مقابله سازمان یافته نظامی
٢٩ مارس ٢٠١٣	شعار سراسری «سازش هرگز»
٨ آوریل ٢٠١٣	اعلام تشکیل داعش
٢٣- ٢٥ آوریل ٢٠١٣	آغاز درگیری های مسلحانه سراسری در مناطق سنی نشین
٢٦ آوریل ٢٠١٣	جمعه آتش گرفتن مطالبات (اعلام بی‌فایدگی اعاده مسالمت آمیز مطالبات)
٢٢ جولای ٢٠١٣	انتشار آمار عملکرد یک ساله دولت اسلامی عراق که به آزادی٧٠٠ نفر انجامیده بود
٢١ دسامبر ٢٠١٣	صدور دستور برچیدن اردوگاه های اعتراض در رمادی
٢٢ دسامبر ٢٠١٣	تهدید به مقابله مسلحانه با نیروهای دولتی در فلوجه
٢٨ دسامبر ٢٠١٣	دستگیری احمد علوانی و دعوت مردم توسط علی حاتم سلیمان به دفاع از خود
٢٩ دسامبر ٢٠١٣	دعوت وسیع از مردم برای جهاد از بلندگوهای مساجد و شبکه‌های اجتماعی
اول ژانویه ٢٠١٤	سقوط کامل فلوجه، صقلاویه و کرمه در حومه رمادی

(آزاد، ١٣٩٤: ١٣)

فارغ از نفوذپذیری دستگاه‌های امنیتی، آشوب در استان‌های سنی، توزیع قوای ٩ فرماندهی عملیات ارتش و پلیس عراق را دچار اختلال نمود. شورش در انبار به طور فزاینده‌ای بر تهدید کمربند امنیتی بغداد از بخش جنوبی تأثیرگذار بود و آمیخته شدن آن با فساد سیستم امنیتی، قدرت مانور عملیاتی داعش را به سرعت افزایش داد و بر دقت آن نیز افزود. این روند پیچیده به خوبی افزایش عجیب نرخ عملیات‌های انتحاری در مرکز و جنوب بغداد را توجیه می‌کند. نیروهای شبه نظامی با هدف پوشش ضعف خلاء قدرت و نجات پایتخت فعالیت مسلحانه خود را آغاز کردند. این روند به موازات افزایش شدت عملیات دولت اسلامی عراق در ماه می ٢٠١٣، با ایجاد نقاط ایست و بازرسی روند تصاعدی به خود گرفت. عمده این نقاط نیز توسط شبه نظامیان مسلح منتسب به گروه عصائب اهل الحق و گروه‌های مشابه نظیر «جیش‌المختار» و «کتائب حزب‌الله العراق» اداره می‌شدند که همگی خود را بخشی از محور مقاومت به فرماندهی ولایت فقیه در ایران و حزب‌الله لبنان معرفی می‌کردند. عصائب اهل‌الحق از اواخر سال ٢٠١١

فعالیت سیاسی خود در استان‌های مختلف عراق را آغاز کرد و با آغاز تهدید امنیتی داعش، بسیج شبه نظامیان را نیز در دستور کار قرار داد. عصائب اهل الحق توسط قیس خزعلی، اکرم عباس کعبی، عبدالهادی درّاجی و محمد طباطبایی بعد از درگیری مقتدی صدر با نیروهای دولتی و ائتلاف ایجاد شد که تحت عنوان جبهه خزعلی از جیش‌المهدی جدا شدند. «عصائب اهل‌الحق» پیرو ولایت فقیه بود و بعد از تیره شدن روابط مقتدی صدر با ایران از جریان صدر منشعب شدند. (Wyer, ۲۰۱۲: ۱۲)

نیروهای عصائب اهل الحق روز چهارم می ۲۰۱۳ در استادیوم بغداد، در کنار شهرک صدر رژه رفتند و در دو بخش کرخ و رصافه با لباس شخصی اقدام به ایجاد نقاط ایست و بازرسی برای کنترل رفت و آمد و خودروهای مشکوک شدند. اما از یک سو چنین اقدامی بر خلاف نصّ قانون اساسی عراق بود[۱] و از سوی دیگر اعمال خلاف قانون متعددی به این نیروها منتسب شد. وزارت کشور در مقابل اعتراض سُنّی‌ها وجود چنین نیروهایی را نفی و افراد لباس شخصی را نیروهای وابسته به بخش اطلاعات معرفی می‌نمود، اما تداوم و تشدید درگیری بین نیروهای شبه نظامی و سُنّی‌ها، به اعتراض نمایندگان سنی در فهرست العراقیه در مجلس منجر شد، آنها با صدور بیانیه‌ای نوری مالکی را مسئول اعمال خلاف قانون نیروهای شبه نظامی نظیر حمله به مساجد سنّی‌ها و ایجاد رعب و وحشت برای شهروندان معرفی کردند. واثق البطاط دبیرکل حزب‌الله عراق و فرمانده جیش‌المختار عملکرد گروه خود را با دستگاه امنیتی هماهنگ اعلام کرده بود، اما سرتیپ «سعد معن» سخنگوی وزارت کشور ضمن تکذیب این ادعا تأکید کرد که نیروهای لباس شخصی مستقر در نقاط ایست و بازرسی از نیروهای جمعی این نهاد هستند.وزارت کشور نیز با صدور بیانیه‌ای وجود ایست و بازرسی‌های وهمی و نیروهای لباس شخصی در بغداد و اطراف آن را به طور کلی تکذیب کرد. (نعمهٔ، ۲۰۱۳: ۳)

مغایرت قانونی به کارگیری نیروهای شبه‌نظامی در تأمین امنیت بغداد، علاوه بر چالش‌های امنیتی موجود بر آنارشی حاکم نیز افزود، و به همین دلیل هیئت وزیران به ریاست نوری مالکی، در جلسه مورخ ۲۸ می ۲۰۱۳، پیگرد انواع گروه‌های شبه نظامی و تعیین مجازات برای اقدامات غیر قانونی را مورد بحث

---

۱ . بر اساس تبصره (ب) از بند دومِ ماده (۹) در باب اول از قانون اساسی عراق، تشکیل گروه‌های شبه نظامی خارج از چارچوب قانون منع شده است. (الدستور العراق، ۲۰۰۵: ۵)

قرار داد. نوری مالکی در جایگاه فرماندهی کل قوا در راستای نمایش تسلط بر اوضاع روز۳۰ می ۲۰۱۳ به سرکشی از نقاط ایست و بازرس بغداد در کرخ و رصافه، شامل مناطق الجهاد، العامریه، المنصور، العدل، الحریه، الکاظمیه، التاجی و الاعظمیه پرداخت. (المکتب الاعلامی لرئیس الوزراء (الف وب)، ۲۰۱۳)

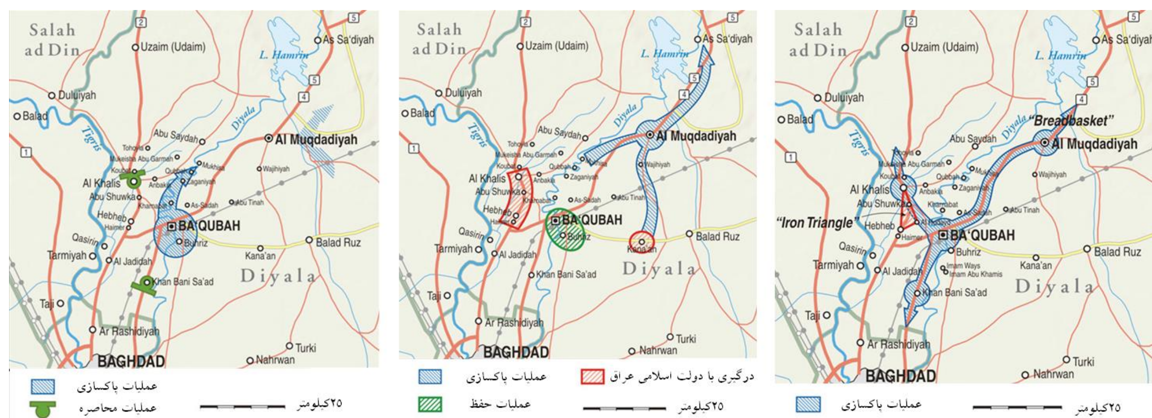
نوری مالکی طی سخنرانی در جمع شیوخ عشایر ضمن اذعان به اینکه دولت با اخلال‌گران در امنیت تساهل نخواهد کرد وعده داد با تمام گروه‌های شبه نظامی با مشت آهنین برخورد خواهد نمود. با وجود این، روز ۲۸ می ۲۰۱۳ گروه عصائب اهل‌الحق به دفاع از عملکرد خود پرداخت و اتهامات موجود درباره اقدامات نیروهای لباس شخصی و نقاط ایست و بازرسی وهمی را در راستای لکه‌دار کردن نام این گروه ارزیابی نمود. «احمد الکنانی» سخنگوی این گروه عصائب اهل‌الحق را یک گروه رسمی معرفی کرد که با دستگاه‌های امنیتی همکاری دارد و آمادگی مجازات نیروهای خود در صورت مشارکت در اقدامات غیر قانونی را دارد. (نعمهٔ، ۲۰۱۳: ۲)

بنابراین تا قبل از سال ۲۰۱٤، بی‌نظمی و هرج و مرج بر عراق حاکم شده بود، دولت قادر به تأمین امنیت شهرها و به خصوص پایتخت در مقابل حملات دولت اسلامی عراق نبود و در نتیجه گروه‌های شیعه برای تأمین امنیت محله‌های خود و اماکن مقدس، برخلاف نص قانون، سلاح به دست گرفته بودند. هر چند وزارت کشور فعالیت شبه نظامیان را نفی می‌کرد، اما تسلط سنتی شیعیان و به خصوص سازمان بدر بر این نهاد و تصریح گروه‌ها درباره فعالیت مسلحانه نشان می‌داد که ساز و کار استفاده از شبه نظامیان عملاً فعال شده است و دولت نیز توان یا اراده‌ای برای مهار آن ندارد.

۳-۳-٤- چالش دیالی و امنیت جمهوری اسلامی ایران

با بالا گرفتن اعتراضات در استان های سنّی عراق و در هم آمیختن آن با عملیات‌های فزاینده دولت اسلامی عراق، آشوب در دیالی امنیت جمهوری اسلامی ایران را نیز به طور جدی تحت تأثیر قرار داد. خالص و بعقوبه در دیالی نقاط سازماندهی فشار به کمربند امنیتی بغداد در ضلع شمال شرق پایتخت بودند؛ از سال ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۳، نرخ عملیات داعش در استان دیالی۲,۲۰٪ افزایش یافت. هر چند طی این دو سال تنها۱۱,۳۰ و۱۳,۵۰ درصد از کل عملیات‌های داعش در عراق متوجه استان دیالی بود، اما این

حجم در کنار عملیات‌های جاری در چهار ضلع دیگر کمربند بغداد، پایتخت را تا آستانه فروپاشی امنیتی پیش برده بود. از سوی دیگر هم‌جواری این استان با مرزهای جمهوری اسلامی ایران، حکایت از افزایش تهدید امنیتی و احتمال تراوش آن به این سوی مرزها را داشت. داعش از زمان اشـغال عـراق دارای یـک پایگاه سنتی در استان دیالی بـود. نیروهـای ائـتلاف بـا مشـارکت ارتـش، نیروهـای امنیتـی و صـحوات (نیروهای قبایل) طی سه مرحله عملیات در ۱۵ ژوئن، ۱۲ آگوست و ۲۷ دسامبر سال ۲۰۰۷ تلاش کـرده بودند هسته‌های دولت اسلامی عراق را در سه محور منتهی به «بعقوبه» در «خلیص»، «مقدادیـه» و «خـان بنی سعد»، محاصره، حفظ و در نهایت پاکسازی کنند. (Lewis, ۲۰۱٤: ۸)



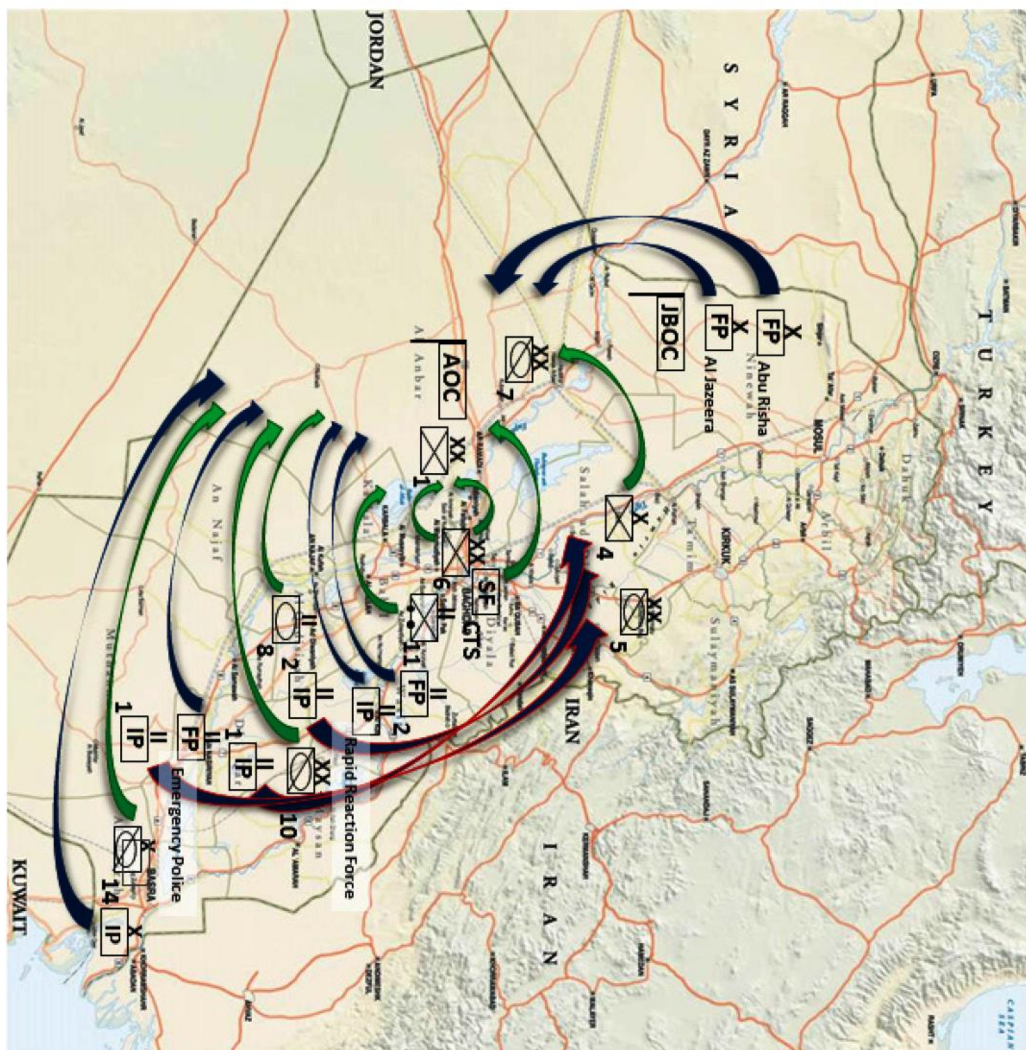
نقشه ۳-۲- روند محاصره، حفظ و پاکسازی دولت اسلامی عراق در استان دیالی (۲۰۰۷)

از سپتامبر ۲۰۱۳ شواهد عینی حکایت از این داشت داعش در حال بازسازی شبکه سـلولی در شـهرهای پاکسازی شده استان دیالی در سال ۲۰۰۷ است. بازگشت دولت اسلامی به دیالی از این جهت بـر امنیـت جمهوری اسلامی تأثیر گذار بود که اتصال شهرهای «سعیدیه»، «سلیمان بیگ» و «جلولاء» به «مقدادیـه» و اتصال این شهر به «خانقین»، معبر تسری فیزیکـی بحـران بـه مرزهـای ایـران و داخـل کشـور را فـراهم می‌ساخت. داعش از ۳۰ سپتامبر ۲۰۱۳، ٤۰۰ خانواده شیعه در «مقدادیه» را با هدف کنترل مناطق شـهری مجبور به کوچ کرده بود. این روند با تهدید و انتقال ۳۰ عشیره از حومه «حـی‌التحریـر» در بخـش غربـی بعقوبه و کوچاندن قبیله «شَمُری» از «قتون» در غرب بعقوبه همراه بود. همچنین پس از آن نیز گزارشی از کوچ اجباری٦۰ عشیره از غرب «بعقوبه» به «خالص» دریافت گردید. «داعـش» تـا ۳۰ دسـامبر ۲۰۱۳، بـا هدف تخلیه این مناطق از شیعیان، یک تاکتیک کمانی را از شرق بعقوبه (حی‌المهندسین) به غرب بعقوبـه

(حی‌المعلمین) به اجرا درآورد و روستای «عدی‌الخدران» که مسیر اتصال «طوزخورماتو» به بغداد است را محل تمرکز خود قرار دادند.(Lewis, ۲۰۱٤: ۹-۱۲)

سرهنگ «دیوید ساترلند» از نیروهای سابق مشغول به خدمت در عراق، این تاکتیک را مبتنی بر تجربه دولت اسلامی عراق در سال‌های پیش از ۲۰۰۵ ارزیابی کرده بود که از آن به عنوان یک روش برای ایجاد سیستم تردد به «الطارمیه» و «سامراء» و استان انبار استفاده می‌شد. ائتلاف این تاکتیک را «سیستم الانبار» نام گذاری کرده بود و بکارگیری دوباره آن توسط داعش حکایت از قریب‌الوقع بودن تحرکات شدید داعش در استان انبار، دیالی و بغداد داشت. این روند از اواخر دسامبر ۲۰۱۳ با ناآرامی در استان انبار و به خصوص فلوجه، طوز خورماتو در دیالی و سلیمان‌بیگ در شرق استان صلاح‌الدین آغاز شد. بدین ترتیب لشکر پنجم زرهی ارتش که محل استقرار آن در دیالی قرار داشت مواضع خود را برای کمک به نیروهای امنیتی به فلوجه اعزام کرد. علاوه براین جابجایی وسیعی در نیروهای ویژه، واکنش سریع و پلیس فدرال از استان دیالی به سمت استان انبار آغاز شد که نتیجه آن ایجاد خلاء قدرت در دیالی بود. در نتیجه این وضعیت شبه نظامیان علاوه بر بغداد فعالیت در استان دیالی را نیز آغاز کردند. تحرک و درگیری این نیروها در نقاط مهم دیالی نظیر مقدادیه و بعقوبه آغاز شد که نتیجه آن درگیری با داعش در بخش‌های مختلف استان دیالی بود. «عصائب اهل الحق» به دلیل سابقه فعالیت سیاسی در این استان از قدرت بیشتری برای بسیج شبه نظامیان برخوردار بود. (Lewis, ۲۰۱٤: ۹-۱۲)

نقشه ۳-۳- الگوی جابجایی نیروهای امنیتی عراق از استان دیالی به استان انبار و ایجاد خلاء قدرت در استان دیالی (از۲٤ دسامبر ۲۰۱۳ تا نهم ژانویه ۲۰۱٤)



IP — گردان پلیس
FP — تیپ پلیس فدرال
لشکر پیاده سبک
لشکر زرهی سبک
لشکر زرهی
SF CTS — لشکر طلایی- سرویس مبارزه با تروریسم
فرماندهی عملیات‌ها
جابجایی نیروهای ویژه و ارتش
جابجایی پلیس و پلیس فدرال
جابجایی موقت نیروهای پلیس برای تأمین امنیت مسیر زوار اربعین در کربلا

(Lewis, ۲۰۱٤: ۱۰)

حضور داعش در استان دیالی به دلیل نزدیکی جغرافیایی با مرزهای جمهوری اسلامی ایران، یک تهدید امنیتی مهم به شمار می‌رفت که مهار آن از اهمیت بالایی برخوردار بود، علاوه بر این هم‌جواری این استان با استان‌های کرمانشاه و ایلام، امکان تأثیرگذاری بالای ایدئولوژیک بر بخش‌های سُنّی‌نشین استان کردستان را فراهم می‌ساخت که در تمام نوار مرزی ایران با عراق و ترکیه مستقر هستند.[۱] روند پیوستن کُردهای سُنّی پیش از اعلام تشکیل دولت اسلامی عراق و شام آغاز شد. به عنوان مثال در موج دوم حملات دولت اسلامی عراق، این سازمان ادعا کرد که نیروهای انتحاری مهاجم به دفتر حزب اتحادیه میهنی کردستان در اقلیم کردستان عراق، ایرانی بوده‌اند. این حمله یکی از عملیات‌های انجام شده در موج نهم از مرحله دوم از حملات دولت اسلامی عراق از جولای ۲۰۱۲ تا جولای ۲۰۱۳ بود که روز ۱۹ مارس ۲۰۱۳ به موازات حمله یک عضو لیبیایی سازمان به دفتر حزب دموکرات کردستان انجام شد و در مجموع ٤٩ کشته و ۲٤۰ زخمی برجای گذاشت.(Lewis, ۲۰۱۳: ۱۵)

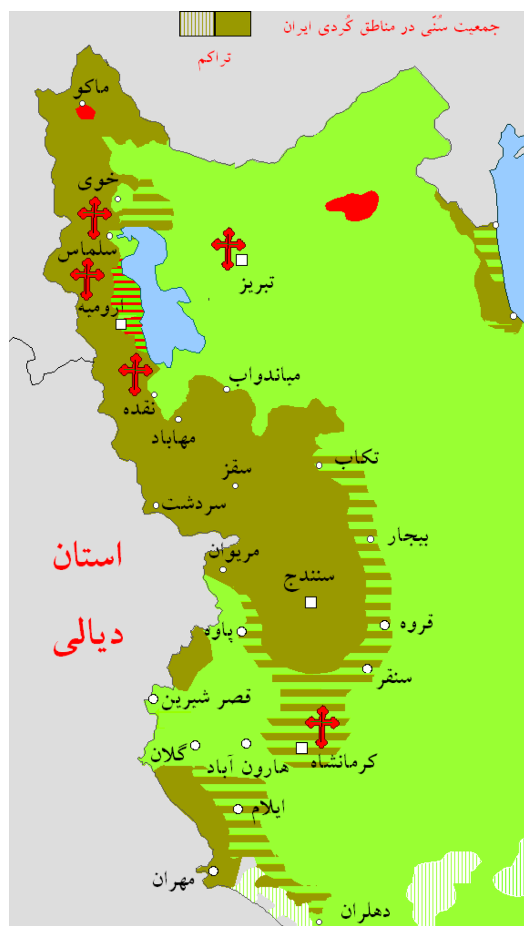
از ماه نوامبر ۲۰۱٤ (سه ماه بعد از اعلام خلافت) گزارش‌هایی از عزیمت جوانان سُنّی شهرستان کرمانشاه و به خصوص شهرستان جوانرود شنیده می‌شد. در آن مقطع ۲۰ کُرد در کنار داعش جنگیده و کشته شده بودند و ۲۳ نفر نیز بعد از جراحات به داخل کشور برگشته بودند. اطلاعات حاکی از این بود که بخش عمده‌ای از کردهای ایرانی بعد از خروج از کشور به رقّه عزیمت می‌کردند. (Rudaw: ۲۰۱٤)

داعش روز ۲٦ مارس ۲۰۱۷ ویدئویی ۳۷ دقیقه‌ای با عنوان «بلاد فارس از دیروز تا امروز» منتشر کرد که بخش‌هایی از آن در کنار دریچه «حمرین» در استان دیالی فیلم برداری شده بود. بخشی از گویندگان این ویدئو فارسی را با لهجه کُردی صحبت می‌کردند و از تشکیل یک گردان با وظیفه عملیات ضدّ دولت مرکزی خبر می‌دادند. (Jihadology: ۲۰۱۷)

---

[۱] . سُنّی‌های مناطق کردنشین ایران به این دلیل شافعی هستند و به دلیل ویژگی‌های این مذهب به شیعیان نزدیک‌ترند، کردهای اهل سنت ایران همگی شافعی مذهب هستند. مذهب شافعی از منظر فقهی، مبانی ترکیبی عراقی – حجازی دارد و در قبال مسائل مختلف دینی، با اتکای بیشتر به حدیث، از انعطاف بیشتری نسبت به دیگر مذاهب اهل سنت برخوردار است و علاوه بر این، شافعی مذهب‌ها، نه تنها تنش و اختلافی با اهل بیت ندارند بلکه ارادت ویژه‌ای به ائمه معصومین علیهم‌السلام دارند. حال آن که، مذهب حنبلی، تقریبا فقط در عربستان سعودی پیروان دارد و رویکردهای جزمی، سخت و متفاوتی نسبت به دیگر مذاهب و دیگر افکار دینی دارد. بنابراین به طور طبیعی انتظار می‌رود که سُنّی‌های حنبلی شرق کشور نرخ بالایی از جذب به داعش را به خود اختصاص دهند. هر چند آمار دقیقی از اعضاء ایرانی عضو داعش قابل عرضه نیست، اما سُنّی‌های مناطق کردنشین بیشترین نرخ گرایش به دولت اسلامی عراق و داعش را به خود اختصاص می‌دهند. این پیچیدگی رفتاری منبعث از بنیان منطقی پذیرش دعوت در سُنّی‌های حنبلی و در مقابل بنیان قلبی پذیرش استدلال از سوی سُنّی‌های شافعی است. بر این اساس حنبلی‌ها با پذیرش استدلال منطقی علمای سُنّی و حتی القاعده، استدلال داعش درباره اقامه خلافت را با ادله شرعی رد می‌کنند، حنبلی‌ها با استناد به عدم تحقق شرایط اقامه خلافت نظیر تشکیل شورای حلّ و عقد، عدم اجماع درباره شخص خلیفه و دلایل منطقه‌ای و بخشی نظیر تأثیر منفی اقامه خلافت بر انقلاب‌های داخلی علیه ظلم (سوریه)، ایجاد اختلاف بین مجاهدین در مناطق مورد منازعه، برهم زدن وحدت مسلمین و ایجاد شرایط تسلط کفار و رافضی‌ها بر مسلمانان با تحقق خلافت مخالفت می‌کنند. در مقابل سُنّی‌های شافعی با پذیرش ادله ظاهری و دلالت های حاشیه‌ای که بر نارضایتی‌های داخلی متمرکز هستند به داعش گرایش بیشتری دارند.

نقشه ۳–٤– مناطق نفوذ داعش در غرب ایران



(Izady, Iran Religions- version ۱۵, ۲۰۱٦)

داعش روز هفتم ژوئن ۲۰۱۷ در مجلس و مرقد رهبر انقلاب اسلامی ایـران، بـرای اولـین بـار اقـدام بـه اجرای یک عملیات نظامی ترکیبی توسط اعضاء ایرانی خود نمود که همه آنها از کردهای سُنّی بودند. این سطح از هم‌گرایی اطلاعات درباره نیروی انسانی داعش در ایران مؤید قرار گرفتن مرکز ثقل جذب نیروی داعش در مناطق کُرد نشین غرب کشور است. این تمرکز حتی به ادبیات آیـت‌الله خامنـه‌ای در رابطـه بـا محدوده درگیری احتمالی با داعش در داخل کشور نیز جهت داده است.[۱] بنابراین ایـن رونـد حکایـت از تمرکز جغرافیایی تهدید داعش در غرب کشور و استان‌های هم مرز با استان دیالی در عـراق و در نتیجـه

---

۱ . آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار با خانواده شهدای دفاع از حرم درباره ارزش عملکرد این شهدا می‌گوید: «اگـر اینهـا مبـارزه نمی‌کردنـد ایـن دشـمن مـی‌آمـد داخـل کشـور... اگـر جلویش گرفتـه نمی‌شـد مـا باید اینجـا در کرمانشاه و همـدان و بقیه اسـتان‌ها بـا اینهـا می‌جنگیدیم و جلـوی اینهـا را می‌گرفتیم.» (هفته‌نامه خط حزب‌الله (شماره ۱۹)، ۱۳۹٤: ۱)

اهمیت امنیتی این استان برای جمهوری اسلامی ایران دارد و گزارش وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی ایران در رابطه با تلاش ۱۵۰۰ ایرانی برای پیوستن به داعش یک نمای تخمینی از حجم تهدید را به نمایش می‌گذارد که بر اساس سایر داده‌ها بخش زیادی از آن متوجه مناطق سُنّی در استان‌های غربی کشور و به خصوص هم مرز با استان دیالی در عراق است.[۱]

۳-۳-۵- فروپاشی سازمان ارتش

از دسامبر ۲۰۱۲ تا ژوئن ۲۰۱٤، عوامل متعدد بحران امنیتی عراق را به سمت پیچیدگی و ساختار امنیتی- نظامی این کشور را به سمت فروپاشی کامل پیش برد. در شرایط خطیر امنیتی حاکم بر عراق تنها راه باقیمانده برای دولت استفاده از ظرفیّت گروه‌های شبه نظامی برای جبران خلاءهای امنیتی بود. بر این اساس، دولت مالکی روز هفتم ژوئن ۲۰۱٤ فرمان تشکیل ساختار جدیدی به نام «هیئت حشد شعبی» را صادر کرد که وظیفه آن بسیج نیروهای مردمی بود. دلیل صدور چنین دستوری مشروعیت بخشی به تسلیح نیروهای خارج از ساختار وزارت دفاع و کشور بود. زیرا بر اساس تبصره «ب» از بند دومِ ماده ۹، در باب اوّل قانون اساسی عراق، تشکیل گروه‌های شبه نظامی‌خارج از چارچوب قانون ممنوع است. (الدستورالعراق، ۲۰۰۵: ۵)

اجرای تمهید بسیج نیروی غیر رسمی دیرتر از زمانی آغاز شد که در مهار بحران پیچیده امنیتی عراق مؤثر باشد. لذا نیمه شب چهارشنبه ۱۱ ژوئن ۲۰۱٤ ترکیبی از نیروهای «داعش» در یک عملیات هماهنگ با معارضین عراقی عملیات گسترده‌ای در استان‌های سنّی‌نشین را آغاز کردند که مرکز ثقل آن استان نینوا و شهر موصل بود و به طور خاص معطوف به کمربند امنیتی بغداد بود. این مجموعه عملیات برق آسا به اعلام خلافت از سوی داعش با دو مرکز ثقل فیزیکی در موصل و رقّه ختم شد. (زارعان، آزاد، ۱۳۹۵: ۱۱۰)

---

۱ . حجت‌الاسلام سید محمود علوی وزیر اطلاعات جمهوری اسلامی ایران طی ارائه گزارش شفاهی پیش از خطبه‌های نماز جمعه قم در تاریخ پنجم شهریور۱۳۹۵ توضیح داده بود که نهاد متبوع وی از پیوستن ۱۵۰۰ ایرانی به داعش جلوگیری کرده است. (باشگاه خبرنگاران جوان، ۱۳۹۵)

جدول ۳-۷- محورهای عملیاتی گروه‌های شبه نظامی سُنّی عراق در همکاری با داعش

نام سازمان	گرایش	فرمانده	منطقه عملیاتی
المجلس العسکری العام لثوارالعراق	ملی گرا- سکولار	ابراهیم عزت الدوری	حمرین(دیالی)– الانبار– کمربند بغداد
کتائب ثوره العشرین	اسلام گرا- جهادی	حارث الضاری	حمرین(دیالی)– کمربند بغداد
الجیش الإسلامی فی‌العراق	اسلام گرا – ملی گرا	احمد الدباش	حمرین(دیالی)– الانبار
جیش‌المجاهدین	سلفی – جهادی	حقی اسماعیل الشرطانی	حمرین(دیالی)– الانبار– کمربند بغداد
انصارالاسلام	سلفی- جهادی	شیخ ابوهاشم الابراهیم	حمرین(دیالی)– کمربند بغداد
المجلس العسکری‌الفلوجه	ترکیبی	نامشخص	حمرین(دیالی)– کمربند بغداد
المجلس‌العسکری الثوارالعشائر الانبار	ترکیبی	علی حاتم سلیمان	نامشخص

(زارعان، آزاد، ۱۳۹۵: ۱۱۰)

«برِت مَک گورک»[1] معاون وزیر امور خارجه در امور ایران و عراق در دفتر امور خـاور نزدیـک روز ۲۳ ژوئن ۲۰۱٤، در کمیته روابط خارجی کنگره آمریکا، به ارائه گزارش شفاهی و مکتـوب از شـواهد عینـی طی روزهای منتهی به سقوط موصل توسط داعش پرداخت. سخنان مک‌گورک نمای روشنی از وضـعیت سیستم فروپاشیده امنیتی عراق به نمایش گذاشت:

> «از روز هفتم ژوئن ۲۰۱٤ یعنی سه روز قبل از سقوط موصل با مقامات کُرد و «نُجیفی» استاندار نینوا در اربیل جلسه مشترک داشتم. «نُجیفی» در جلسـه صـبح روز هشـتم ژوئـن اخبـار هشـدار آمیزی مبنی بر این به من منتقل کـرد کـه طـی ۷۲ سـاعت قبـل از آن صـدها نیـروی داعـش بـا اتوموبیل‌های مسلح در مرزهای سوریه و عراق مستقر شده اند و تسلیحات سـنگین خـود را بـه «ربیعه» در شمال «تلعفر» انتقال داده اند. بر این اساس ارتش عراق پذیرفت که نیروی کمکـی بـه موصل اعزام کند اما با این وجود به نظر نمی‌رسید که فرماندهان عراقی درکـی از یـک موقعیـت اضطراری داشته باشند. این درحالی بود که «کریم سنجاری» نماینده اقلیم کردستان نیز وجود یک جریان ثابت از انتقال نیرو توسط داعش در غرب موصل را در ملاقات با ما تائید کرد. «سنجاری» در همین اثنا ضمن گفتگو با «مسعود بارزانی» او را برای اسـتقرار نیروهـای پیشـمرگه در شـرق موصل مجاب کرد تا ضمن کمک به نیروهای عراقی از پیشرفت نیروهای داعش به شـرق دجلـه جلوگیری کنند. بر همین اساس ما یک پیام هشدار به شخص نخست وزیر مالکی و وزیـر دفـاع

[1] . Brett McGurk

در بغداد ارسال کردیم و آنها پاسخ دادند که همه چیز تحت کنترل است. همچنین اطلاع دادند که به زودی ۹ تیپ از ارتش عراق به موصل منتقل می شوند. روز نهم ژوئن همـه چیـز در شـرایط ثبات قرار داشت و دولت اطمینان داد که موصل در خطر نیست، اما در طول روز محلات غربـی موصل یکی پس از دیگری سقوط کرد که با حمله به نقاط ایست و بازرسی و قتـل نیروهـای آن همراه بود. این حملات بیشتر به منظور ایجاد تاثیر روانی بر نیروهای امنیتی عراقی در شهر انجام می‌شد. ما در بغداد با نیروهای سازمان ملل متحد بر روی استقرار پیشمرگه‌هـا در بخـش شـرقی شهر کار می‌کردیم در حالی که ورود واحدهای عراقی از جنوب نیز ادامه داشت. اولـین سـاعات صبح روز دهم ژوئن یک کامیون بمب گذاری شده در نقطه ایسـت و بازرسـی اسـتراتژیک مـرز شرقی موصل منفجر شد و نیروهای داعش به سمت بخش شرقی شهر سرازیر شدند و در همین حین نیروهای عراقی ترک محل های استقرار خود را آغاز کردند.» (McGurk, ۲۰۱٤:۱۰-۱۱)

قبل از سقوط موصل، استعداد ارتش و نیروهای امنیتی عراق شامل ۱۰۰ تیپ از ارتش، پلیس فدرال، نیروهای ویژه و مرزبانی بود که حداقل دو هزار نفر استعداد هر یک از آنها بود. در فاصله روز دهم تا یـازدهم ژوئـن ۲۰۱٤، عملاً ساختار و سازمان رزم ۱۹ تیپ از ارتش و ٦ تیپ از نیروهای پلیس فدرال فروپاشید کـه معـادل یک چهارم استعداد کل نیروهای امنیتی عراق و شامل ۵۰ هزار نیروی آموزش دیده بود. از این تعداد ١٤ تیپ به طور کامل ناپدید شدند. استعداد فروپاشیده شامل نیروهای جمعی لشکرهای دوم و سوم ارتـش عـراق در نینوا و لشکر سوم پلیس فدرال عراق در موصل بود. لشکر دوازدهم در کرکوک و پنج تیپ ارتش در جنـوب که در مرز سوریه مستقر بودند کاملاً مضمحل شدند. در این میان چهار مرکز فرماندهی از ارتش و یک مرکز فرماندهی از پلیس فدرال و مقر فرماندهی عملیات نینوا که در سطح یک سپاه بود به طور کامل نابود شدند. (Knights, ۲۰۱٦: ۲۲)

جدول ۳–۸– استعداد فروپاشیده پلیس عراق در ژوئن ۲۰۱٤

شماره لشکر	شماره تیپ	میزان صدمه
لشکر سوم پلیس فدرال	عسکری، فرسان، موصلی و سه تیپ از نیروهای واکنش سریع	کاملاً ناپدید شدند

(Knights, ۲۰۱٦: ۲۲)

جدول۳-۹- استعداد فروپاشیده ارتش عراق در ژوئن ۲۰۱٤

شماره لشکر	شماره تیپ	میزان صدمه
لشکر دوم ارتش	٦، ۷ و ۸	کاملاً ناپدید شدند
لشکر سوم ارتش	۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲	
لشکر چهارم ارتش	۱٤، ۱۷ و ٤۸	
لشکر دهم ارتش	۳٦، ۳۹، ٤۰، ٤۱	
لشکر دوازدهم ارتش	۱۵، ٤٦، ٤۷، ٤۹	بازسازی شدند
لشکر چهاردهم ارتش	۵۱	

(Knights, ۲۰۱٦: ۲۲)

تیپ ۳٦ ارتش و تیپ ۲٤ پلیس فدرال نیز به طور کامل و سالم از موصل عقب نشینی کردند. ۲٦ تیپ پلیس عراق شامل همه ۱۱ تیپ از لشکرهای یکم، دوم و چهارم پلیس فدرال در بغداد و ۱۳ تیپ کوچکتر از پلیس فدرال استانی در مرکز و جنوب عراق در خدمت باقی ماندند. همچنین نیروهای عملیات ویژه مشهور به گردان‌های طلایی در قالب سه تیپ مشتمل بر دو تیپ عملیات ویژه و یک تیپ واکنش سریع و ناوگان ضد شورش به همراه هفت تیپ از نیروهای جنوب در مرزبانی عملیاتی باقی ماندند. (Knights, ۲۰۱۵: ۷-۸)

جدول ۳-۱۰- استعداد باقیمانده ارتش عراق بعد از فروپاشی ژوئن ۲۰۱٤

نام لشکر	محل خدمت	استعداد براساس تیپ
لشکر۱٤ ارتش	شرق الانبار	۱,۲,۳,۸,۵۰,۵۳
لشکر۵ ارتش	دره رود دیالی	٤,۱۸,۱۹,۲۰,۲۱
لشکر٦ ارتش	غرب و شمال غرب بغداد، منطقه بین المللی	۲۲,۲۳,۲٤,۵۵,۵٦,۵۷,٦۰
لشکر۷ ارتش	غرب الانبار	۲۷,۲۸,۲۹
لشکرهای ۸ و۱۷ ارتش	جنوب بغداد	۲۵,۳۰,۳۱,۳۲,۳۳,۵۵
لشکر۹ زرهی ارتش	اعزام به جبهه‌های متعدد	۳٤,۳۵,۳٦,۳۷
لشکر۱۱ ارتش	شمال و شرق بغداد	٤۲,٤۳,٤٤,٤۵,۵۹

(Knights, ۲۰۱۵: ۷-۸)

نیروهای پیشمرگ در اقلیم کردستان نیز با وضعیت مشابهی روبرو شد. نیروهای پیشمرگ به ۸ بخش تقسیم شده بودند. اولین بخش شامل ۱۵ تیپ منطقه‌ای بود که زیر نظر وزارت پیشمرگه خدمت می‌کرد و هر تیپ حداکثر ۲۵۰۰ نفر نیرو را به شکل چرخشی در خدمت داشت.[۱] ۱۱ تیپ منطقه‌ای از این تعداد شامل نیروهای جوانی بودند که به سلاح سبک دسترسی داشتند و با وسایل زرهی سبک نیز تجهیز شده بودند. در این میان، دو تیپ زرهی نیز خدمت می‌کردند که تانک‌های «تی ـ ٦۲» و «تی ـ ۵۵» در اختیار

۱. یک هفته استراحت در مقابل ۲ هفته خدمت.

داشتند و در مجموع، توسط دو تیپ توپخانه سنگین که به لانچرهای کاتیوشا مجهز بودند، پشتیبانی می‌شدند. اقلیم کردستان یک پایگاه بالگرد سبک و ۱۵۰۰ نیروی ویژه نیز در اختیار داشت که «هِزاکان» نامیده می‌شوند. در کنار نیروهای پیشمرگه ساختار دیگری به نام «یاکرِی» (واحد۸۰) نیز در اقلیم کردستان وجود دارد که مستقیماً توسط حزب دموکرات کردستان عراق و خانواده بارزانی فرماندهی می‌شوند و در آن مقطع ۲۵ هزار نفر نیرو در اختیار داشت. «یاکرِی» در برگیرنده واحدهای زیر است:

۱. هِزاکانِ گولان: نیروهای حفاظت شخصی مسعود بارزانی که شامل یک تیپ نخبه سواره مجهز به جیپ‌های‌هامر بودند و توسط واحده‌های موشکی پشتیبانی می‌شدند.

۲. هِزاکانِ بارزان: یک نیروی قضائی کنسولی از خانواده نزدیک مسعود بارزانی بود که توسط سیروان بارزانی فرماندهی می‌شد.

۳. تیپ منطقه‌ای: دارای استعداد متغیر و خدمت به شیوه یک هفته استراحت در مقابل دو هفته خدمت بود که حداکثر شامل ۲۰ هزار نفر بود. (Knights, ۲۰۱۵: ۲۸)

«یاکرِی» همچنین فرماندهی نیروهای پلیس مجهز به سلاح‌های سنگین را نیز بر عهده دارد که «زیروانی» نامیده می‌شدند و ۲۵ هزار نیروی آن وظیفه حفاظت از امنیت نقاط کلیدی اقلیم کردستان و حزب دموکرات را بر عهده داشتند. بعلاوه ۵ تیپ از۱۰ تیپ «زیروانی» در مرز اقلیم کردستان با سوریه و استان کرکوک مستقر و در بسیاری موارد از تیپ‌های منطقه‌ای غیرقابل تشخیص بودند. علاوه بر این نیروهای حزب اتحاد میهنی کردستان عراق نیز تحت فرماندهی خانواده طالبانی مشغول به خدمت هستند که استعدادی معادل ۲۵ هزار نیرو در اختیار داشتند و با عنوان «یاکرِی» (واحد۷۰) از آنان یاد می‌شد که استعداد آنها به شرح زیر بود:

۱. هِزاکانِ کُوسرَت رسول: نیرویی مشابه حفاظت شخصی مسعود بارزانی بود.

۲. ۱۵ تیپ منطقه‌ای: با استعداد ۲۰ هزار نیرو و به شیوه یک هفته استراحت، دو هفته خدمت انجام وظیفه می‌کردند و دو واحد آنان فقط به حزب اتحاد میهنی کردستان پاسخگو بودند.

۳. دو تیپ ریاست جمهوری: این دو تیپ مسئول حفاظت از شخص رئیس جمهور عراق بودند. یکی از این تیپ‌ها در بغداد و دیگر در نقاط مختلف اقلیم کردستان، مستقر بود.

٤. دیزها تیرور (نیروهای ضد تروریسم): یک واحد نخبه از حـزب اتحـاد میهنـی بـود کـه بـا نیروهـای اطلاعاتی امریکا در ارتباط داشت.

این جزئیات در مجموع شامل ١٣٢ هزار نیروی رزمی بود کـه اقلـیم کردسـتان در زمـان تهـاجم داعـش، می‌توانست از آن حداقل برای دفاع از قلمرو خود استفاده کند، اما پیشمرگه‌هـا بـه دلایلـی نظیـر ضـعف انگیزه، رقابت مخرب نیروهای حزب دموکرات و اتحاد میهنی، بی‌تجربگی، غافلگیری ناشـی از اطمینـان بخشی اشتباه ارتش عراق، ضعف در تجهیزات و همکاری قبایل سنی غرب نینوا و شمال دیالی با داعـش به سرعت در مقابل داعش عقب نشینی کردند و اربیل پایتخت اقلیم کردستان نیز همانند بغداد در معرض سقوط قرار گرفت. (Knights, ٢٠١٥: ٣٠-٣٢)

داعش در سوریه و امنیّت ملّی جمهوری اسلامی ایران

سـابقه حضـور داعـش در سـوریه بـه دوره فعالیـت دولـت اسـلامی عـراق در ایـن کشـور بـاز مـی‌گـردد. شواهد زیادی درباره استفاده دولـت اسـلامی عـراق از خـاک سـوریه بـرای انتقـال نیـروی انسـانی، پـول و تجهیـزات و حملـه بـه مواضـع نیروهـای ائـتلاف در دوره اشـغال عـراق وجـود دارد. دانشـگاه سـپاه تفنگداران آمریکا اقدام به انتشار یـک کتـاب دو جلـدی بـا عنـوان «بیـداری الانبـار»[1] نمـود. در ایـن کتـاب خاطرات شـفاهی فرمانـدهان سـپاه تفنگـداران در دوره خـدمت عـراق منتشـر شـده بـود کـه بخشـی از آن به چالش با مرزهای سوریه اختصـاص داشـت. بـه عنـوان مثـال ژنـرال جیمـز کـانوی از فرمانـدهان لشـکر اول تفنگداران دریـایی آمریکـا کـه از آگوسـت ٢٠٠٢ تـا آگوسـت ٢٠٠٤ در عـراق خـدمت کـرده از تـردد جنگ جویان خارجی بین مرز عراق و سوریه بـه عنـوان یکـی از چـالش‌هـای مهـم در اسـتان انبـار اشـاره داشـت و ژنـرال ریچـارد زیلمـر فرمانـده نیـروی اول تفنگـداران پیشـرو (ادغـام در نیروهـای چنـد ملیتـی ائتلاف از فوریه ٢٠٠٦ تا ٢٠٠٧) تأکید کـرده بـود کـه مبـارزان سُـنّی از انبـار از طریـق مرزهـای سـوریه و اردن تردد داشته‌اند.(McWilliams, Wheeler, ٢٠٠٩: ٣٥-١٤١)

---

[1]. Al-Anbar Awakening

ژنرال جیمز ماتیس[1] فرمانده لشکر اول تفنگداران ایالات متحده در عراق (از آگوست ۲۰۰۲ تا آگوست ۲۰۰٤) در رابطه با این پدیده می‌گوید:

«ما در فلوجه و به طور کلی در غرب، نه از عمق منطقه اطلاع داشتیم و نه در آن از جان پناهی برخوردار بودیم. اما دشمن به خوبی نیروهای خود را در این منطقه سازماندهی می‌کرد. ما چالش‌های خطرناکی در حصیبه در نزدیکی مرز قائم با سوریه داشتیم که از آنجا به منطقه حدیثه و از آن پس به رمادی و البته فلوجه تسری می‌یافت.»(McWilliams, Wheeler, ۲۰۰۹: ۲۸)

شورشیان بعثی همکاری با دولت اسلامی عراق را بعد از سقوط صدام آغاز کردند. ژنرال «غزوان کبیسی» مرد شماره دوم در جریان «محمد یونس احمد موالی»[2] در آگوست ۲۰۰۷، ضمن اشاره به نقش این جریان در عملیات‌های داخل عراق، به شرح همکاری با جریان‌های اسلام‌گرای شورشی پرداخته بود که دولت اسلامی عراق نیز بخشی از آنان بود:

«ما از حامیان خود در عراق خواستیم تا برای جبران ضعف توانائی‌هایمان با یکدیگر متحد شویم. برای ما مهم نبود قیام را چه کسی رهبری می‌کند. اسلام‌گرایان یا بعثی‌ها!؛ به خصوص اینکه گروه‌های اسلام‌گرا، مملو از بعثی‌ها بودند. ما همکاری گسترده‌ای با این گروه‌ها در حمله به نیروهای ائتلاف و دولت عراق داشتیم که با اشغالگران همکاری می‌کرد. البته این اهداف مردم عراق را در بر نمی‌گرفت.» (Ali, ۲۰۰۹: ۳)

علاوه گزارش‌های موجود درباره نقل و انتقال نیروهای شورشی از سوریه به عراق در دوره اشغال این کشور، شواهد پر شماری نیز در رابطه با همکاری دولت سوریه با دولت اسلامی عراق و بازماندگان رژیم بعث عراق علیه نیروهای ائتلاف وجود دارد. ابومصعب زرقاوی امیر وقت دولت اسلامی عراق از یک شبکه مالی در اروپا برخوردار بود که منابع مورد نظر برای

---

۱ . وی در دوره ریاست جمهوری ترامپ متصدی وزارت دفاع آمریکا شد.

۲. احمد یونس از فرماندهان بازمانده رژیم بعث بود که موفق شد به سوریه بگریزد، او رهبری یکی از دو جریان اصلی در حزب بعث را برعهده گرفت.

اداره گروه کُردی انصارالاسلام[1] در عراق را تامین می‌کرد. شبکه زرقاوی با اطلاع حکومت سوریه امور خود را در حلب و اطراف دمشق انجام می‌داد و عمده جلسات خود را در هتل رغدان در حلب برگزار می‌کرد. شخصی به نام محمد مجید معروف به ملا فواد رابط زرقاوی برای انتقال جهادی‌ها از سوریه به عراق بود و محمد خالد درویش عضو سوری شورای مشورتی جماعت جهاد و توحید مسئولیت جمع‌آوری کمک‌های مالی و جذب نیرو برای شبکه زرقاوی در سوریه را عهده‌دار بود. (Levitt, ۲۰۱۰: ٤٧)

فوزی راوی یکی از حزب بعث عراق که بعد از سقوط رژیم به شاخه بعث در سوریه پیوست، مسئولیت تامین هزینه‌های عملیات توسط جهادی‌ها علیه نیروهای ائتلاف را بر عهده داشت. او رابطه نزدیکی با سازمان اطلاعات سوریه داشت و تا سال ۲۰۰۵ دو بار با یکی از فرماندهان صدام که گروه جیش محمد در عراق را رهبری می‌کرد دیدار کرد. فوزی راوی حداقل واسطه انتقال ۳۰۰ هزار دلار به دولت اسلامی عراق برای تجهیز خودروهای بمب گذاری شده بوده است.(Levitt, ۲۰۱۰: ٤٨)

دولت اسلامی عراق در سال ۲۰۰٦ با تأسیس شبکه سنجار که توسط شورای مجاهدین اداره می‌شد انتقال لجستیک را در محدوده سنجار، تلعفر و البعاج را آغاز کرد که از مسیر تپه‌های شمالی بزرگراه ۷۱۵ از موصل در عراق تا حسکه در سوریه انجام می‌شد. این وضعیت در تمام مرز عراق و سوریه تا جنوب و آستانه کرانه رود فرات در شهر قائم و بوکمال ادامه می‌یافت. با صدور فتوای جهاد علیه آمریکا توسط شیخ احمد کفتارو مفتی اعظم سُنّی‌ها در سوریه وضعیت در مناطق شرقی کشور دچار آشفتگی شد و با گسیل نیروهای جهادی به بوکمال و حسکه برای ورود به عراق هزینه‌های مسکن و غذا و تهیه سلاح در این مناطق افزایش یافت. دولت مرکزی سوریه علیرغم تلاش برای کنترل قیمت‌ها موفق به انجام این امر نشد .

هجوم نیروهای جهادی به سمت منطقه جزیره و مرز بوکمال طی سه موج اتفاق افتاد:

---

[1] . انصار الاسلام نام یک گروه سلفی جهادی کردی است که همراه با ابومصعب در افغانستان جنگیده بود و بعدها با اطلاع سازمان اطلاعات رژیم صدام به عراق بازگشت و به فعالیت خود در شمال عراق ادامه داد.

۱. بلافاصله بعد از سقوط صدام؛

۲. در تابستان ۲۰۰٤ به دنبال آغاز نبرد در فلوجه؛

۳. بعد از خروج سوریه از خاک لبنان

به دنبال خـارج شـدن اوضـاع از کنتـرل دولـت سـوریه بـا افـزایش نقـاط ایسـت و بازرسـی و مطالبـه کارت شناسـایی از ورود اتبـاع غیـر سـوری بـه ایـن منـاطق جلـوگیری مـی‌کـرد، امـا قبایـل سـاکن در ایـن نقـاط مـرزی بـه طـور سـنتی مسـتقل از حکومـت مرکـزی زنـدگی مـی‌کردنـد و دولـت سـوریه تقریبا کنترلی بر محـدوده حضـور آنـان نداشـت. نیروهـای ائـتلاف بعـد از حملـه بـه مـرز سـنجار بـه اسنادی از دولـت اسـلامی عـراق دسـت یافتنـد کـه نشـان مـی‌داد نیروهـای مرزبـانی سـوری از عبـور نیروهای جهـادی و لجسـتیک از خـاک سـوریه بـه عـراق اطـلاع داشـته‌انـد. ۷۰ مـورد از ۱۰۹ سـند بـه دست آمده در اکتبـر۲۰۰۷، دارای ویژگـی تایـپ ماشـینی بودنـد کـه اطلاعـات منـدرج در آنهـا توسـط متصدی دولـت اسـلامی عـراق کامـل شـده بـود و ٦۱ سـند نیـز کـاملاً دسـت‌نـویس بودنـد و ورود و خروج هر چیـزی اعـم از سـلاح یـا پیمـان‌هـای بیعـت بـا دولـت اسـلامی عـراق در آنهـا ثبـت شـده بودند. (Bergen & Others, ۲۰۰۸: ٦۹-۸۲)

بر اساس اسناد بـه دسـت آمـده از شـبکه سـنجار، ٤۷,٦٪ از جهـادی‌هـای سـعودی تبـار از سـوریه بـه عراق وارد شده بودنـد. ۳٦,٥٪ از آنـان نیـز ابتـدا بـه اردن و سـپس بـه سـوریه رفتـه بودنـد و از آنجـا وارد خاک عراق شده بودند. همچنین ۹٦,۱٥٪ لیبیایی‌هـا ابتـدا بـه مصـر سـفر کـرده و بعـد بـه سـوریه رفتـه بودنـد و طـور مسـتقیم از سـوریه وارد خـاک عـراق شـده بودنـد. ۸٤,۲٪ از مصـری‌هـا نیـز بـه طـور مسـتقیم از خـاک سـوریه وارد عـراق شـده بودنـد و ۱۳,٤٪ از آنهـا بعـد از ورود بـه اردن وارد سوریه شده و سـپس بـه عـراق رفتـه بودنـد. تمـام جهـادی‌هـای مراکشـی نیـز ابتـدا وارد ترکیـه شـده بودند و سپس از خاک سـوریه بـه عـراق رفتـه بودنـد. ۱۸۷ مـورد از اسـناد شـبکه سـنجار مربـوط بـه قرداد مالی دولت اسـلامی عـراق بـا مسـئولین انتقـال جهـادی‌هـا بـه خـاک عـراق بـود کـه همـه آنـان سـوری‌تبـار و مـرز نشـین بودنـد. از ایـن تعـداد در ٥۳ سـند نـام افـراد عامـل نیـز ثبـت شـده بـود و

اطلاعات موجـود در آنهـا حکایـت از عبـور جهـادی‌هـا از معـابر مـرزی شـهرهای بوکمـال، بـوعمر و قائم در استان دیرالزور سوریه داشت. (Bergen & Others, ۲۰۰۸: ٤٦-٤٨)

بنابراین دولت اسلامی عراق، طی سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۱ در استان‌هـای شـرقی سـوریه حضـور فعـالی داشته است و به طور طبیعی می‌توان انتظار داشت این حضور تأثیر مهمی بر تفکر و عقاید مردم ساکن در این مناطق گذاشته باشد. قبایل مناطق شرقی سوریه به طور سنتی با حکومت اسد همکـاری مـی‌کردنـد و حافظ اسد از ظرفیّت آنان برای سرکوب شورش ۱۹۸۲ در شهر حما نیز استفاده کرده بود. بشار اسـد نیـز برای سرکوب شورش قامشلی در سال ۲۰۰٤ از آنان بهره برداری کرده بـود. در ادامـه ایـن رونـد دولـت سوریه با آغاز بحران در سال ۲۰۱۱ نیز با پرداخت پول به شیوخ قبایل در شمال و شرق کشور تلاش کرد وفاداری آنان را حفظ کند و از آنان خواست جوانان را مجاب کنند تا به شورشـیان نپیوندنـد. بـا وجـود تلاش دولت مرکزی شهر رقّه روز چهارم مارس۲۰۱۳ توسط جبهـه‌النصـره شـاخه القاعـده در سـوریه و پشتیبانی اطلاعاتی و مشاوره عملیاتی دولت اسلامی عراق از کنترل خـارج شـد، امـا سـرانجام بـه دنبـال تشدید آنارشی در شهر، دولت اسلامی عراق با تفوّق بر القاعده و سایر معارضین روز هشتم آوریل ۲۰۱۳ بر رقّه مسلط شد و ابوبکر بغدادی تأسیس دولت اسلامی عراق و شام (داعش) را اعلام کرد.

(Dukhan, ۲۰۱٤: ٥-۲۰)

بنـابراین اعـلام موجودیـت داعـش در سـوریه نـه یـک پدیـده جدیـد و خلـق‌السـاعه بلکـه تـابع یـک روند حداقل ۱۰ سـاله بـود کـه دولـت مرکـزی سـوریه نیـز نسـبت بـه آن آگـاهی داشـت و حتـی بـر اساس منافع خود بـه آن کمـک نیـز کـرده بـود. دولـت مرکـزی سـوریه بـه دلیـل گرفتـاری پیچیـده در جنگ داخلی و مواجهه با بـازیگران متعـدد اولـویتی بـرای مبـارزه بـا داعـش قائـل نبـود. البتـه داعـش نیز به دلایل ایدئولوژیک و عـوارض جغرافیـایی همـواره بـر عـراق متمرکـز بـوده اسـت. مقایسـه آمـار عملیات ها در عراق و سـوریه طـی سـال‌هـای بعـد از اعـلام موجودیـت داعـش حکایـت از ایـن دارد که سازمان با علیرغم تسلط بـر رقّـه همچنـان از نظـر عملیـاتی بـر عـراق متمرکـز بـوده و ایـن تمرکـز را طی سال‌هـای بعـد نیـز حفـظ کـرده اسـت. سـوریه از نظـر اجـرای عملیـات‌هـای تروریسـتی، طـی سـال‌هـای ۲۰۱۳ و ۲۰۱٤ در رتبـه ششـم بعـد از عـراق قـرار داشـته و طـی سـال‌هـای ۲۰۱٥ و ۲۰۱٦

در جایگـاه هفـتم قـرار گرفتـه اسـت. طـی سـال ۲۰۱۳ تنهـا ۸٫۱۵٪ از حجـم عملیـات‌هـای داعـش معطـوف بـه سـوریه بـوده و ایـن نسـبت در سـال ۲۰۱٤ بـه ٦٫٥٪ تنـزل یافتـه اسـت. ایـن نسـبت در سـال ۲۰۱۵ تـا ۱۳٫۸۰٪ از نـرخ کـل عملیـات‌هـای عـراق و سـوریه ارتقـاء یافتـه و در سـال ۲۰۱٦ دوبـاره تـا ۱۰٫۹۰٪ تنـزل کـرده اسـت. ایـن افـت و خیـز بـه طـور طبیعـی از متغیرهـای زیـادی تـأثیر پذیر اسـت، امـا بـه طـور کلّـی نمایـه مناسـبی از نسـبت تمرکـز عملیـاتی داعـش در عـراق و سـوریه ارائه می‌دهد. به عنـوان مثـال افـزایش دو برابـری عملیـات‌هـای داعـش در سـال ۲۰۱۵، بعـد از تسـلط این سازمان بـر بخـش قابـل تـوجهی از اسـتان‌هـای سُـنّی عـراق اتفـاق افتـاده کـه در راسـتای توسـعه قلمـرو قابـل تبیـین اسـت، افـت ایـن نـرخ در سـال ۲۰۱٦ نیـز تـابع صـرف تـوان داعـش بـرای مهـار افزایش فشار نظامی به مرکز ثقل اصلی در موصل و سایر نقاط در عراق است.

جدول ۳-۱۱- مقایسه حملات داعش در عراق و سوریه[1] (طی سال‌های ۲۰۱۳ تا ۲۰۱٦)[2]

	مجموع حملات		مجموع تلفات		متوسط تلفات در هر حمله		مجموع زخمی		متوسط زخمی در هر حمله		مجموع آدم‌ربایی	
سال	۲۰۱۳	۲۰۱٤	۲۰۱۳	۲۰۱٤	۲۰۱۳	۲۰۱٤	۲۰۱۳	۲۰۱٤	۲۰۱۳	۲۰۱٤	۲۰۱۳	۲۰۱٤
عراق	۲۵۰۱	۳۳۳۷	٦۳۸۷	۹۹۲۹	۲٫۵۹	۳٫۰۷	۱٤۹۷٦	۱۵۱۳۷	٦٫۱۰	٤٫۷۹	۲٦۷	۲٦۵۸
سوریه	۲۲۲	۲۳۲	۱۰۸٤	۱٦۹۸	۵٫۱۹	۸٫۲٤	۱۷۷٦	۱٤۷۳	۹٫٤۵	۹٫۳۲	۲۱٤	۸۲۷
سال	۲۰۱۵	۲۰۱٦	۲۰۱۵	۲۰۱٦	۲۰۱۵	۲۰۱٦	۲۰۱۵	۲۰۱٦	۲۰۱۵	۲۰۱٦	۲۰۱۵	۲۰۱٦
عراق	۲٤۱۷	۲۹٦۵	٦۹۷۳	۹۷٦٤	۳٫۰۱	۳٫٤٤	۱۱۹۰۰	۱۳۳۱٤	۵٫۲۵	٤٫۷٤	٤۰۰۸	۸۵۸٦
سوریه	۳۸۷	۳٦۳	۲۷٦۸	۲۰۸۸	۷٫۹۱	٦٫٤۲	۲۸۳۰	۲٦۵٦	۹٫٦۳	۹٫۱۹	۱٤۷٦	۱٤۰٦

بر اساس روند عملیاتی داعش در سوریه باید گفت دولت مرکزی سوریه به دلیل تمرکز عملیـاتی داعـش بر عراق از چالش جدّی در رویارویی با این سازمان در سوریه برخوردار نبـود و در عـین حـال از سـال ۲۰۱٤، از آغاز درگیری بین معارضین، القاعده و حزب اتحاد دموکراتیک با داعش به عنوان یـک فرصـت استراتژیک برای مهار چند جانبه بین آنان بهره‌برداری کرد. کمتر از یک سال بعـد از حـذف معارضـین و

۱. طی سال‌های ۲۰۱۳ و ۲۰۱٤، مسئولیت ۹٦٪ از عملیات‌های تروریستی در عراق و ۱۰۰٪ آنها در سوریه متوجه داعش بوده است. این نسبت طی سال‌های ۲۰۱۵ و ۲۰۱٦ در عـراق معادل ۹٤٪ و در سوریه نزدیک به ۱۰۰٪ بوده است.

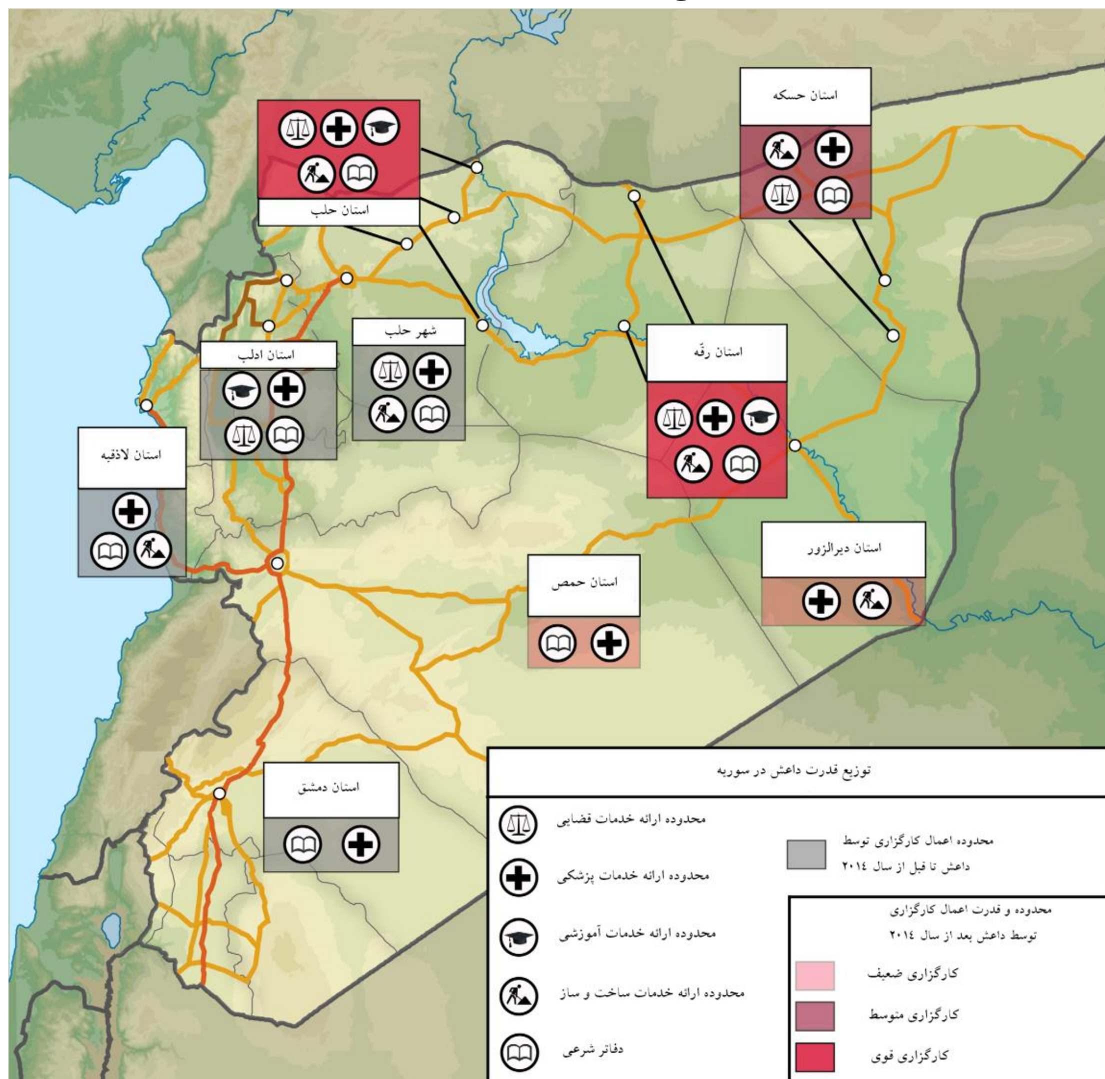
۲. این جدول بر اساس ضمیمه اطلاعات آماری گزارش‌های کشوری تروریسم ۲۰۱٤ و ۲۰۱٦ تنظیم شده که توسط وزارت خارجه آمریکا در ژوئـن ۲۰۱۵ و جـولای ۲۰۱۷ منتشـر شدند.

جبهه‌النصره توسط داعش در رقّه، تقابل دو جانبه بین آنان در استان‌های ادلب و حلب آغاز شد. این روند به طور دقیق از روز سوم ژانویه ۲۰۱٤ و بعد از تسلط داعش بر شهر فلوجه در عراق شروع و بـا هجـوم معارضین و جبهه النصره به رقّـه در روز ششـم ژانویـه ۲۰۱٤ تشـدید شـد. تـا روز هفـتم ژانویـه ۲۰۱٤ جبهه‌النصره، احرارالشام، لواءالتوحید و چند شاخه کوچک از ارتش آزاد سوریه تـا آسـتانه بـازپس‌گیـری کامل رقّه پیش رفتند. در این مسیر تنها یک مقرّ در مرکز شهر برای داعش باقی مانده بود، امـا داعـش بـه سرعت سازماندهی دوباره نیرو برای ضدّ حملات را آغاز کرد و نیروهای خود از تل‌ابیض در مرز ترکیـه برای نبرد به رقّه انتقال داد. از روز نهم ژانویه ۲۰۱٤ داعش با انتقال نیرو از مرزهای عراق و دیرالـزور بـه رقّه مواضع آفندی خود را تقویت کرد و تا روز ۱۳ ژانویه ۲۰۱٤ دوباره تسـلط خـود بـر شـهر را تثبیـت نمود.پیش‌تر ضمن تشریح جغرافیای بیابان جزیره و ویژگی آن در افزایش توان مانور جنگی داعش به این مسئله اشاره شده که به استثناء بیابان‌های شرق حمص و حما، غرب سوریه عاری از بیابان است که طبیعتا قدرت مانور را از نیروهای بیابانی داعش می‌گیرد. بررسی شواهد عینی حکایت از این واقعیت دارنـد کـه داعش در حمله به مناطق خارج از بیابان جزیره ناکام بوده و یا آنکه بعد از تسلط بر این مناطق، آنها را از دست داده است. چنین نمونه‌هایی در اخراج داعش از غرب حلب توسط معارضین سوری و شکست‌های پیاپی در جبهه شمالی سوریه به خوبی قابل لمس است. همچنین داعش در شـهرهایی کـه مجـاور بیابـان نبوده‌اند، حضوری ضعیف داشته است و به همین دلیل با آغاز درگیری بـا معارضـین و القاعـده از سـال ۲۰۱٤ تنها قادر به حفظ تمام عیار مرکز ثقل فیزیکی اصلی خود در رقّه و برخی نقاط استان حلب بـود و از تقویت هسته‌های ضعیف خود در استان دمشق، ادلب و لاذقیه بازماند.

(Caris & Reynolds, ۲۰۱٤: ۸-۱۲)

بنابراین باید گفت چالش جمهوری اسلامی ایران با داعش در عراق و سوریه دارای تفاوت‌هـای بنیـادین در ابعاد مختلف است، قرابت جغرافیایی، تفاوت فاحش حجم عملیات داعش در عراق و سـوریه، توجـه ایدئولوژیک و تاریخی این سازمان به عراق، مواردی هستند که سطح تهدید امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران از ناحیه داعش در عراق و سوریه را به طرز چشمگیری متفاوت از هم جلوه‌گر می‌سازند.

نقشه ۳–۷– توزیع ساختارهای کارگزاری داعش در سوریه



(Caris & Reynolds, ۲۰۱٤: ۸)

فصل چهارم
تجزیه و تحلیل
ساز و کارهای مهار داعش

فصل چهارم: تجزیه و تحلیل ساز و کارهای مهار داعش

این فصل به گردآوری یافته‌های پژوهش و ایجاد انسجام بین آنها، تولید روند و سپس الگوی کُنش از این یافته‌ها اختصاص دارد. بر این اساس در فصل چهارم تلاش بر این است تا داده‌های موجود حول محور ساز و کارهای مهار داعش در مجموعه امنیتی منطقه‌ای خاورمیانه مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گیرند. طبیعی است ایجاد ارتباط بین نتایج مستخرج از هر مبحث، انطباق آنها با چارچوب‌های نظری، تلاش برای دست‌یابی به یک الگوی تحلیلی و سپس ارزیابی تأثیر این یافته‌ها بر امنیت ملّی جمهوری اسلامی ایران به فصل پنجم موکول خواهد شد.

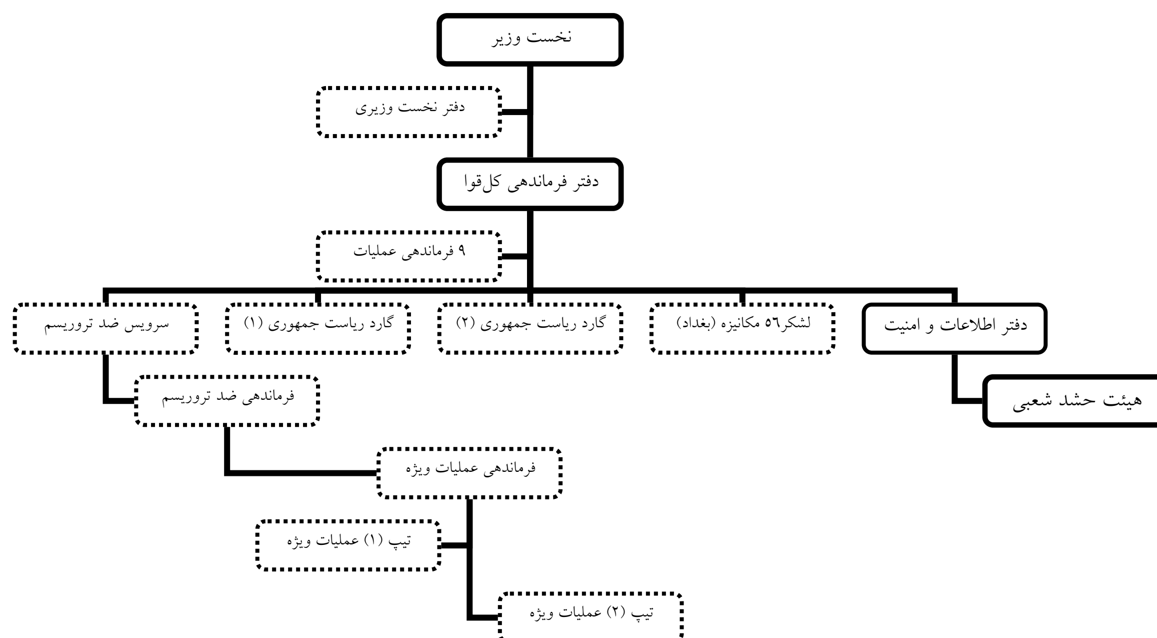
٤-١- مرکز ثقل نظامی جدید برای مهار داعش در عراق

با فروپاشی سریع بخشی از استعداد ارتش و نیروهای پیشمرگ و خارج شدن کنترل بخش عمده‌ای از استان‌های نینوا، دیالی و انبار، بغداد با تهدید جدّی مواجه شد و روحیه نیروهای نظامی و امنیتی در پایین‌ترین حدّ ممکن قرار گرفت. در چنین شرایطی حتی عبور از موانع قانونی برای بسیج عمومی نیرو در قالب استعداد گروه‌های شبه نظامی نیز کارساز نبود. از سوی دیگر تنها ظرفیّت قابل اتکاء برای بسیج نیرو جامعه شیعیان عراق بود که به دلیل فقدان روحیه ملّی و تحکم عصبیّت قوم‌گرایانه و مذهبی در جامعه قبیله‌ای عراق، دلایلی بود که باعث می‌شد شیعیان عراق انگیزه‌ای برای مداخله در جنگی که مخاطب آن دو بخش از جامعه سُنّی بود نداشته باشند.[1]

۱. این ادعا ناظر به مشاهدات و گفتگوهای متعدد نگارنده با شیعیان عراقی است. شیعیان استان‌های موصل و انبار را بخشی از اراضی سُنّی قلمداد می‌کنند و برای آن ارزش سرزمینی به مفهوم ملّی قائل نیستند. این یک عقیده در بخش زیادی از جامعه شیعیان عراق است که داعش یک خطر برای اهل سنت محسوب می‌شود و آنان خود باید اراضی خود را از کنترل

بدین ترتیب روز ۱۳ ژوئن ۲۰۱٤، «آیت‌الله سیدعلی سیستانی»، مرجعیت اعلی در عراق به عنوان یک شخصیت کاریزماتیک و دارای قدرت تأثیرگذاری بر جامعه وارد عمل شد. آیت‌الله سیستانی علیرغم ترس و تردید زیاد درباره به راه افتادن یک جنگ مذهبی بعد از بسیج عمومی شیعیان، توسط «شیخ عبدالمهدی کربلائی»، خطاب به تمام ملت عراق (اعم از شیعه و سُنّی) جهاد را واجب کفایی اعلام نمود. یک روز بعد از صدور فتوای جهاد، به موجب دستور شماره ۳۰۱ هیئت وزیران هیئت حشد شعبی شکل رسمی به خود گرفت. «هیئت حشد شعبی»، یک شاخه ذیل اختیارات نخست وزیر محسوب می‌شود که به عنوان فرمانده کل قوا بر عملکرد نیروهای امنیتی عراق به طور مستقیم نظارت می‌کند.[1] (آزاد، ۱۳۹۵: ۳۵)

شکل ٤-۱- نمودار ارتباط سازمانی حشد شعبی با فرماندهی کل قوا (نخست وزیر)



(آزاد، ۱۳۹۵: ۳۵)

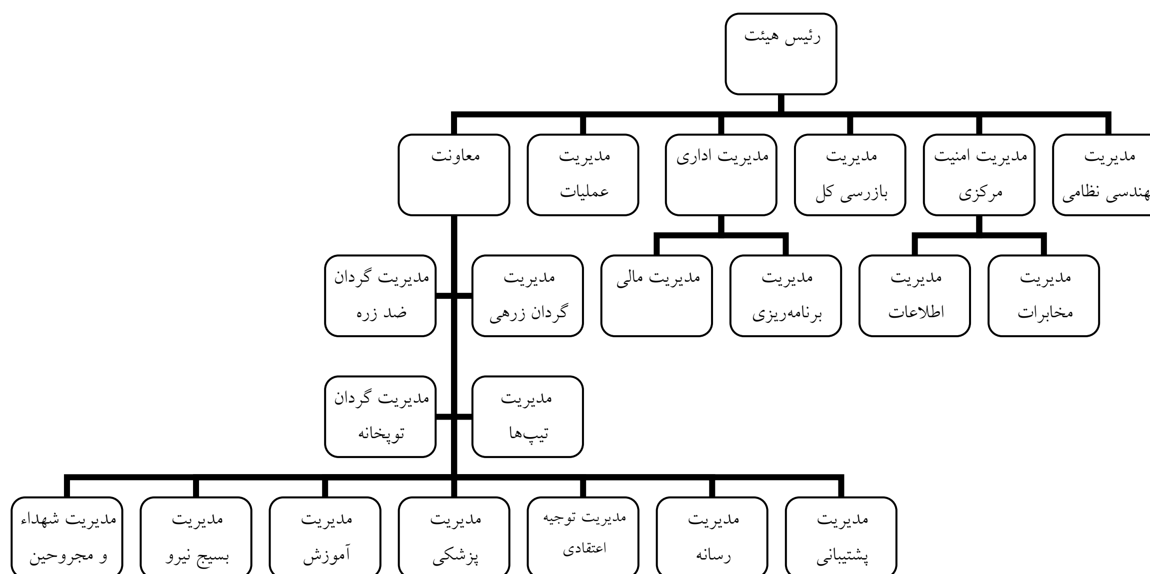
دبیرخانه هیئت وزیران کابینه دولت عراق به موجب امر دیوانی شماره (٤۷) که در روز ۱۸ ژوئن ۲۰۱٤ دستور ایجاد مدیریت اداره مرکزی در حشد شعبی را صادر نمود. بر اساس اعلام دفتر رسانه‌ای حشد شعبی،

داعش خارج کنند. بخش زیادی از شیعیان عراق، داعش را مترادف با سُنّی میدانند و بر این باورند که داعش با کمک اهل سنت قادر به تسلط بر اراضی آنان شده است. این دیدگاه به این نتیجه ختم می‌شود که خون دادن شیعیان برای نجات اراضی سُنّی بی‌معنی است

۱ . این یک مسئله مهم است که فتوای آیت الله سیستانی ناظر به تشکیل یک ساختار موازی با نهادهای رسمی نبود، بلکه در بخش پنجم این فتوا تصریح شده بود شهروندانی که توانایی حمل سلاح و مبارزه با تروریست‌ها و دفاع از کشور و ملت و مقدساتشان را دارند، باید برای پیوستن به نیروهای امنیتی داوطلب شوند.

این ساختار تا دسامبر ۲۰۱۵ دارای ۲۰ دفتر مدیریت بود که نشان دهنده حرکت به سمت نظم سازمانی و تشکیل ساختار اداری و بوروکراتیک بود. (آزاد، ۱۳۹۵: ۳٦)

شکل ٤-۲- نمودار سازمانی هیئت حشد شعبی



(آزاد، ۱۳۹۵: ۳٦)

بررسی ماهیت عقیدتی نیروهای حشدشعبی نتایج پیچیده‌ای به دنبال دارد. فلسفه وجودی این ساختار و نقش برجسته فتوای مرجعیت اعلی در عراق، نقش برجسته دین و مذهب در ساختار عقیدتی حشدشعبی را به عنوان یک مفروض مطرح می‌سازد، اما مشاهدات عینی نشان می‌دهد که بخش زیادی نیروهای صف حتی نسبت به واجبات شرعی ناآگاهند یا از اجرای آنها امتناع می‌ورزند. علیرغم تأکید مکرر آیت‌الله سیستانی مبنی بر رعایت حقوق مردم در جنگ[1]، عدم پایبندی به شریعت منجر به ثبت برخی جنایات در طول جنگ داخلی عراق شد که نتیجه آن فشار نتیجه بخش جامعه سُنّی به نخست وزیر برای ممانعت از ورود حشدشعبی به شهرها و روستاهای سُنّی نشین بود. (Amnesty International, ۲۰۱۷: ۱۵-۲۱)

هرچند تلاش مدیریت توجیه اعتقادی به مرور زمان باعث کاهش شدید خشونت و جرائم جنگی توسط نیروهای صف شد، اما این شاخص میتواند برای اثبات سطح نازل اعتقادات دینی و پایبندی به دستورات

---

۱ . آیت الله سیستانی روز ۱۳ فوریه ۲۰۱۵ با انتشار یک منشور ۲۰ بندی رزمندگان را به رعایت شریعت، حقوق مردم و دوری از تعصبات فراخواند.

شرعی در نیروهای صف مورد استفاده قرار گیرد. این مسئله به دلیل تبعات سنگین یکـی از چـالش‌هـای مهم سازمان حشدشعبی بوده است و نیروی زیادی از مدیریت رسانه بـرای کـاهش اثـر آن صـرف کـرد. بررسی عملکرد مدیریت رسانه در حشدشعبی نشان می‌دهد این واحد بـا تولیـد گـزارش‌هـای متعـدد و مستند تلاش زیادی برای مخابره این پیام می‌کند کـه نیروهـای سـازمان حقـوق شـهروندان و اسـراء را رعایت میکند و بدون گرایش‌های قومی و مذهبی در راستای پاکسازی عراق از تروریسم گام بر می‌دارد. (Garrison, ٢٠١٧: ٨-١٤)

سوای از چالش پایبندی به دستورات شریعت در نیروهای صف، بررسی ماهیت عقیدتی سازمان حشد شعبی پیچیدگی دیگری را به نمایش می‌گذارد. این پیچیدگی ناشی از ماهیت ایدئولوژی سیاسی اعلامی گـروه‌هـای عضو سازمان است و مبنای نگرانی طیف گسترده‌ای از بازیگران محسوب می‌شود. فارغ از گرایش‌های حزبی تا قبل از سازماندهی و تعیین ساختار نظامی برای حشد شعبی، از ٦٥ گروه ثبت شده در هیئت حشد شـعبی، ٤٦ گروه مرجع تقلید خود را آیت‌الله خامنه‌ای اعلام کرده‌اند، لذا عمق و ابعاد این پدیده نیاز به بررسـی دارد، اما به طور کلی دارای ارتباط ویژه با مسئله ولایت فقیه است و به همین دلیل مبنای بخش بزرگی از چالش با ایالات متحده و جریان سیاسی لیبرال در عراق محسوب می‌شود. (آزاد، ١٣٩٥: ٥٥)

جدول ٤- ١- نام و گرایش مذهبی- سیاسی در گروه‌های عضو حشد شعبی (١)

ردیف	نام	مرجع تقلید	ردیف	نام	مرجع تقلید
١	فیلق بدر/ شاخه نظامی سازمان بدر	آیت‌الله خامنه‌ای	١٣	کتائب التیارالرسالی	آیت‌الله خامنه‌ای
٢	کتائب حزب‌الله‌العراقی	آیت‌الله خامنه‌ای	١٤	فرقه العباس‌القتالیه	آیت‌الله سیستانی
٣	عصائب اهل‌الحق	آیت‌الله خامنه‌ای	١٥	کتائب الشهیدالاول/ حزب‌الدعوه/ تنظیم‌العراق	آیت‌الله خامنه‌ای
٤	کتائب سیدالشهداء	آیت‌الله خامنه‌ای	١٦	کتائب الشهیدالصدرالاول/حزب الدعوة تنظیم‌العراق	آیت‌الله خامنه‌ای
٥	حرکه حزب‌الله النجباء	آیت‌الله خامنه‌ای	١٧	کتائب النخبه و الغیث‌الحیدری/ حزب‌الدعوه تنظیم الداخل	آیت‌الله خامنه‌ای
٦	کتائب الامام‌علی	آیت‌الله خامنه‌ای	١٨	لواءعلی الاکبر- منظمه العمل الاسلامی	آیت‌الله سید صادق شیرازی
٧	کتائب جندالامام	آیت‌الله خامنه‌ای	١٩	لواءالشباب الرسالی	آیت‌الله محمدعلی یعقوبی
٨	سرایا الخراسانی	آیت‌الله خامنه‌ای	٢٠	لواءانصارالمرجعیه	آیت‌الله سیستانی
٩	لواء ابوفضل‌العباس	آیت‌الله خامنه‌ای	٢١	لواءاسدالله الغالب	آیت‌الله خامنه‌ای
١٠	سرایا الجهاد/ مجلس‌الاعلی	آیت‌الله سیستانی	٢٢	جیش المختار	آیت‌الله خامنه‌ای
١١	انصار العقیده/ مجلس‌الاعلی	آیت‌الله سیستانی	٢٣	فیلق الوعدالصادق	آیت‌الله خامنه‌ای
١٢	سرایا انصارعاشوراء/ مجلس‌الاعلی	آیت‌الله سیستانی	٢٤	کتائب انصارالحجه	آیت‌الله خامنه‌ای

(آزاد، ١٣٩٥: ٥٥)

جدول ٤-٢- نام و گرایش مذهبی- سیاسی در گروه‌های عضو حشد شعبی (٢)

ردیف	نام	مرجع تقلید	ردیف	نام	مرجع تقلید
٢٥	کتائب قمربنی‌هاشم	آیت‌الله کمال‌حیدری	٣٧	کتائب مالک الاشتر	آیت‌الله خامنه‌ای
٢٦	حزب‌الله الثائرون	آیت‌الله خامنه‌ای	٣٨	کتائب الدماء الزکیه	آیت‌الله سیستانی
٢٧	کتیبهٔ عماد مغنیه- کتائب حزب‌الله العراقی	آیت‌الله خامنه‌ای	٣٩	لواء ذوالفقار	آیت‌الله سیستانی
٢٨	لواء قاصم الجبارین	آیت‌الله خامنه‌ای	٤٠	حرکه الابدال	آیت‌الله خامنه‌ای
٢٩	لواء الامام القائم	آیت‌الله خامنه‌ای	٤١	کتائب مسلم بن‌عقیل	آیت‌الله سیستانی
٣٠	کتائب ائمهٔ البقیع	آیت‌الله خامنه‌ای	٤٢	لواء انصارالمهدی	آیت‌الله سیستانی
٣١	حرکهٔ انصارالله الاوفیاء	آیت‌الله خامنه‌ای	٤٣	لواءالمؤمل	آیت‌الله خامنه‌ای
٣٢	لواء المنتظر	آیت‌الله سیستانی	٤٤	کتائب العداله	آیت‌الله سیستانی
٣٣	کتائب ثائرالله	آیت‌الله خامنه‌ای	٤٥	کتائب الفتح	آیت‌الله خامنه‌ای
٣٤	کاتب القصاص	آیت‌الله خامنه‌ای	٤٦	کتائب سرایا الزهراء	آیت‌الله سیستانی
٣٥	کتائب اشبال الصدر	آیت‌الله خامنه‌ای	٤٧	حرکه العراق الاسلامی	آیت‌الله سید صادق شیرازی
٣٦	کتائب ثائرالحسین	آیت‌الله خامنه‌ای	٤٨	کتائب العتبه الحسینیه	آیت‌الله خامنه‌ای

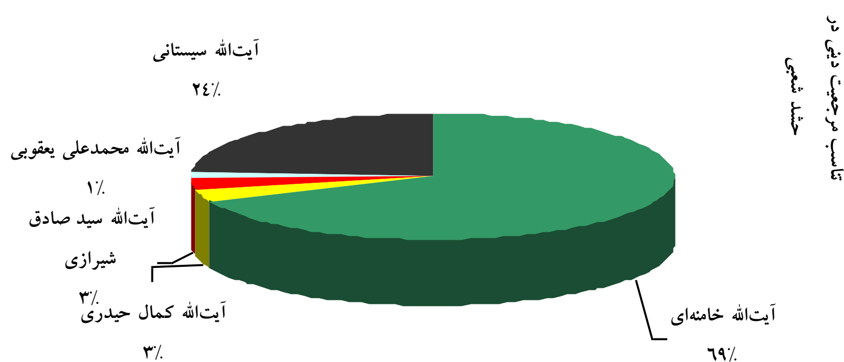
(آزاد، ١٣٩٥: ٥٥)

جدول ٤-٣- نام و گرایش مذهبی- سیاسی در گروه‌های عضو حشد شعبی (٣)

ردیف	نام	مرجع تقلید	ردیف	نام	مرجع تقلید
٥٠	لواءالطف	آیت‌الله خامنه‌ای	٥٨	کتائب الشبیبه الاسلامیه	آیت‌الله خامنه‌ای
٥١	کتائب الامام الغالب	آیت‌الله خامنه‌ای	٥٩	کتائب جمعیه آل‌البیت	آیت‌الله خامنه‌ای
٥٢	کتائب الامام الحسین	آیت‌الله خامنه‌ای	٦٠	سرایا الدفاع الشعبی	آیت‌الله خامنه‌ای
٥٣	کتائب القیام الحسینی	آیت‌الله خامنه‌ای	٦١	کتائب الطفل الرضیع	آیت‌الله کمال حیدری
٥٤	کتائب درع الولایه	آیت‌الله خامنه‌ای	٦٢	سرایا المختار الثقفی	آیت‌الله سیستانی
٥٥	کتائب القارعه	آیت‌الله سیستانی	٦٣	سرایا لواء السجاد	آیت‌الله سیستانی
٥٦	کتائب یدالله	آیت‌الله خامنه‌ای	٦٤	کتائب وعدالله	آیت‌الله سیستانی
٥٧	کتائب بقیه‌الله	آیت‌الله خامنه‌ای	٦٥	کتائب الغوث الأعظم	آیت‌الله سیستانی

(آزاد، ١٣٩٥: ٥٥)

نمودار ٤-١- مقایسه نسبت مرجعیت دینی در سازمان حشد شعبی



اعلام نام آیت‌الله خامنه‌ای به عنوان مرجعیت دینی به عنوان مرجعیت دینی از سوی گروه‌ها ولو اینکه از عمق استراتژیک برخوردار نباشد، نشان دهنده نوعی وابستگی ایدئولوژیک بین حدود ٦٩٪ از گروه‌های عضو حشد شعبی به ایران و نهادهای اجرایی و کارگزاری آن است.

«نوری مالکی» بعد از یک سالگی حشد شعبی به الگوگیری از بسیج در ایران برای تشکیل این ساختار سخن گفته و در این رابطه تصریح کرده بود که ما این نیروها را در ابتدای ناآرامی‌ها تشکیل دادیم و در ساختار آن از بسیج ایران الگو گرفتیم. از سوی دیگر سرتیپ ایرج مسجدی مشاور عالی وقت فرمانده «نیروی قدس» و سفیر جمهوری اسلامی ایران در عراق، تشکیل حشد شعبی را اجرای یک پروژه استراتژیک از سوی سپاه پاسداران معرفی کرد. او با تشریح اصل دفاع از سرزمین جمهوری اسلامی ایران و تأمین منافع و مصالح ملی، تشکیل بسیج مردمی (حشد شعبی) در عراق را یکی از اقدامات آینده‌نگرانه سپاه قلمداد نمود و این مسئله را چنین تشریح کرد:

> «تشکیل نیروی عظیم بسیجی معتقد و دوست‌دار ایران اسلامی همچون حشد شعبی عراقی اقدام معطوف به آینده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بود که با سازماندهی و تجربه جنگ ما در دفاع مقدس، در قالب یک ارتش قدرتمند تشکیل داده شد.» (www.farsnews.com)

گروه‌های حشد شعبی تا سال ۲۰۱۷ در قالب ۵۱ تیپ سازماندهی شدند که پنج تیپ از آنها جزو اقلیت‌های دینی بودند و سه تیپ نیز شاخه‌های نظامی عتبات عالیات محسوب می‌شدند که عملاً ذیل فرماندهی وزارت دفاع قرار داشت. یک تیپ نیز متعلق به سرایاالسلام شاخه نظامی جریان صدر است که از ویژگی مشابه شاخه‌های نظامی عتبات عالیات برخوردار است. اسامی باقیمانده گروه‌ها در چارچوب سایر گروه‌های ریشه‌دار در همپیمانی با ایران سازماندهی شدند که نتیجه آن ایجاد یک نمای روشن از وضعیت عقیدتی در حشد شعبی بود.

جدول ٤-٤- انطباق گروه‌ها و تیپ‌ها در هیئت حشد شعبی[1]

شماره تیپ	نام گروه	شماره تیپ	نام گروه	شماره تیپ	نام گروه	شماره تیپ	نام گروه
١	بدر الجناح العسکری	١٦	القوة الترکمانیة	٣١	رسالیون	٥٥	بدرالجناح‌العسکری
٢	فرقة الإمام علی‌القتالیة	١٧	سرایا الجهاد	٣٣	وعدالله	٥٦	حشد الحویجة
٣	بدر الجناح العسکری	١٨	سرایا الخرسانی	٣٥	قوات الشهید الصدر	٦٦	انصارالعقیدة
٤	بدر الجناح العسکری	١٩	انصارالله‌الاوفیاء و تشکیل‌الحسین‌الثائر	٣٦	قوات لالش‌الایزیدیة	٩٩	جیش‌المؤمل
٥	بدر الجناح العسکری	٢٠	لواء الطف	٤٠	کتائب الإمام‌علی	١١٠	الکورد الفیلیة (بدر)
٦	کتائب جند الامام	٢١	بدر الجناح العسکری	٤١	عصائب أهل‌الحق	٣١٣	سرایا السلام
٧	قوات المنتظر	٢٢	بدر الجناح العسکری	٤٢	عصائب أهل‌الحق		
٨	سرایا عاشوراء	٢٣	بدر الجناح العسکری	٤٣	سبع الدجیل		
٩	بدر الجناح العسکری	٢٤	بدر الجناح العسکری	٤٥	کتائب حزب‌الله		
١٠	بدر الجناح العسکری	٢٥	قوات‌الشهید الصدرالاول	٤٦	سرایا الدفاع الشعبی		
١١	لواء علی الأکبر	٢٦	فرقة العباس القتالیة	٤٧	سرایا الدفاع الشعبی		
١٢	النجباء	٢٧	بدر الجناح‌العسکری	٤٥	بابلیون		
١٣	لواء الطفوف	٢٨	سرایا انصار العقیدة	٥١	حشد صلاح‌الدین		
١٤	کتائب سید الشهداء	٢٩	کتائب انصارالحجة	٥٢	لواء الحسین		
١٥	قوات الشهید الصدر	٣٠	قوة الشبک	٥٣	بدر الجناح‌العسکری		

استعداد تیپ‌های استاندارد در حشد شعبی معادل ١٥٠٠ نفر است. لذا بر اساس سازماندهی گروه‌ها در قالب گروه‌های مرجع و تیپ‌های مشخص، تا نیمه سال ٢٠١٧ استعداد رزمی حشدشعبی معادل ٧٦٥٠٠ نفر قابل ارزیابی است که ٥٢٥٠٠ نفر از آنان (١٤ تیپ از سازمان بدر و ٢١ تیپ از سایر گروه‌ها) در قالب گروههای معتقد به ولایت فقیه سازماندهی شده‌اند. این دسته‌بندی به این معنی است که ٦٨،٦٢٪ از تیپ‌های رسمی حشدشعبی از نظر ایدئولوژیک پیرو ولایت فقیه هستند یا نسبت به آن همگرایی دارند.

(اباذر التمیمی، ٢٠١٧)

جدول ٤-٥- تیپ‌ها و گروه‌های حشد شعبی که دارای ارتباط ایدئولوژیک و سازمانی با ایران هستند

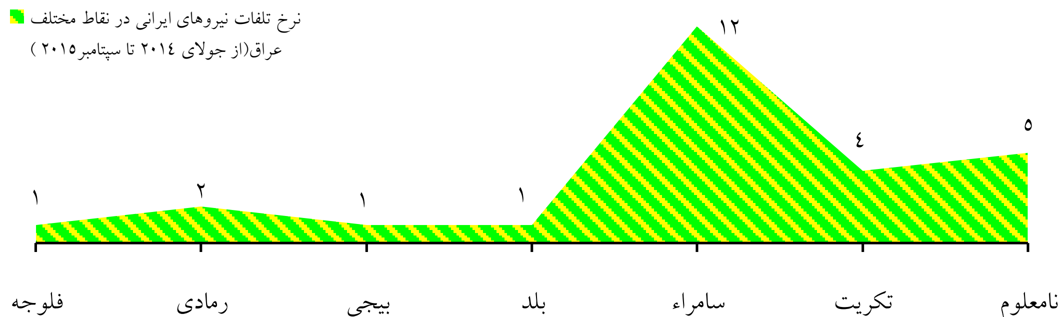
شماره تیپ	نام گروه	شماره تیپ	نام گروه	شماره تیپ	نام گروه	شماره تیپ	نام گروه
١	بدر الجناح العسکری	٢٣	بدر الجناح‌العسکری	١٤	کتائب سید الشهداء	٣٣	وعدالله
٣	بدر الجناح العسکری	٢٤	بدر الجناح‌العسکری	١٥	قوات الشهید الصدر	٣٥	قوات الشهید الصدر
٤	بدر الجناح العسکری	٢٧	بدر الجناح‌العسکری	١٨	سرایا الخرسانی	٤١	عصائب أهل‌الحق
٥	بدر الجناح العسکری	٥٣	بدر الجناح‌العسکری	١٩	انصارالله‌الاوفیاء و تشکیل‌الحسین‌الثائر	٤٢	عصائب أهل‌الحق
٩	بدر الجناح العسکری	٥٥	بدرالجناح‌العسکری	٢٥	قوات‌الشهیدالصدرالاول	٤٣	سبع الدجیل
١٠	بدر الجناح العسکری	٦	کتائب جند الامام	٢٨	سرایا انصار العقیدة	٤٥	کتائب حزب‌الله
٢١	بدر الجناح‌العسکری	٧	قوات المنتظر	٢٩	کتائب انصارالحجة	٤٦	سرایا الدفاع الشعبی
٢٢	بدر الجناح العسکری	١٢	النجباء	٣١	رسالیون	٤٧	سرایا الدفاع الشعبی
٤٠	کتائب الإمام‌علی	٦٦	انصارالعقیدة	٩٩	جیش‌المؤمل	١١٠	الکورد الفیلیة (بدر)

١. شمارگان تیپ‌ها در حشد شعبی الزاماً از ترتیب اعداد پیروی نمی‌کنند

با شرحی که از وقایع میدانی، اضطرار حاکم بـر شـرایط امنیتـی عـراق و موانـع قـانونی دربـاره فعالیـت گروه‌های شبه نظامی در این کشور بیان شد، پذیرش این استدلال که تشـکیل حشـد شـعبی یـک پـروژه استراتژیک و برنامه‌ریزی شده بوده است را دشوار می‌سازد، اما کمک و نظارت مستمر نیـروی قـدس بـر روند تشکیل، تکمیل نیروی انسانی، تأمین بخشی از نیازهای تسـلیحاتی و لجسـتیک حشـد شـعبی یـک مسئله انکار ناپذیر است. طی سال‌های بعد از ۲۰۱۱ نمایش تردد فرمانده «نیروی قدس» در عراق به یکی از صحنه‌های عادی در رسانه‌های جمعی تبدیل شد. این روند تا جایی برجسته شد که بخشی از گـزارش دبیرکل وقت سازمان ملل متحد به شورای امنیت را که روز ۱۲جولای ۲۰۱٦ منتشر شده بود را بـه خـود اختصاص داد. این گزارش به نحوه اجرای قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیـت دربـاره توافـق جـامع (برجـام) درباره برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران اختصاص داشت که روز۲۰ جولای ۲۰۱۵، صادر شده بود. در پاراگراف ٦ (ایی) از ضمیمه (بی) در این قطعنامه به نام عده‌ای از فرماندهان «نیروی قدس» و از جمله سرلشکر «سلیمانی» فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی اشاره شده بود که شورای امنیـت از کشورها خواسته بود از ورود و تردد آنان به هر دلیلی جلوگیری کنند. بر این اساس دبیرکل در بنـد ۳۷ از گزارش خود به سفر سرلشکر «سلیمانی» به عراق و حضور در اتاق عملیات فلوجـه، اظهـارات وزارت خارجه درباره حضور مستشاران نظامی ایران در عراق تحت فرماندهی سرلشـکر «سـلیمانی» و اظهـارات وزیر خارجه عراق به نقش مستشاری فرمانده «نیروی قدس» در این کشور اشاره کرده بود و گزارش خـود را به تصاویری از حضور وی مستند ساخته بود. (Security Council, ۲۰۱٦: ٦-۱۲)

به طور کلّی کمک نیروی قدس به حشد شعبی در دو سطح مستشاری و تسلیحاتی خلاصه می‌شود. حشد شعبی با مشکل نیروی انسانی روبرو نیست و به طور طبیعی نیازی به حضور فیزیکی نیروهای رزمـی در میادین نبرد ندارد. یک راه اثبات نسبت پایین حضور نیروی انسانی ایرانـی در عـراق نـرخ پـایین تلفـات جنگی آنهاست. از زمان تشکیل حشد شعبی تا سپتامبر ۲۰۱۵ نرخ تلفات واحدهای مختلف سپاه در کنـار حشد شعبی تنها ۲٦ نفر بوده است و تخمین زده می‌شود. به طور کلـی تخمـین زده مـی‌شـود در حـدود ۱۵۰۰ مستشار سپاه در سطوح و تخصص‌های مختلف در کنار حشد شعبی حضور دارند، امـا اثرگـذاری این سطح پایین از نیروهای مستشاری بالا ارزیابی می‌شود.(Alfoneh, ۲۰۱۵: ۱-۳)

نمودار ٤-٢- الگوی تلفات مستشاران ایرانی در عراق



(Alfoneh, ٢٠١٥: ٣)

ایران در بخش تسلیح نیز همانند امور مستشاری کمک‌های محدودی به حشد شعبی داشته است که در مقایسه با حجم عملیات و گستردگی میدان نبرد، قابل توجه به نظر نمی‌رسد. برخلاف کمک‌های مستشاری که کمیّت آن از اهمیت برخوردار نیست، کمبود تسلیحات مسئله‌ای است که همواره حشد شعبی را با چالش روبرو ساخته است. با این وصف کمکهای تسلیحاتی نیروی قدس به حشد شعبی را می‌توان به شرح زیر دسته‌بندی کرد:

جدول ٤-٦- دریافت کنندگان انحصاری تسلیحات استراتژیک

سازمان بدر	**تانک تی- ٧٢، تسلیحات سبک، مهمات، راکت‌های شلیکا، راکت‌های بشکه‌ای و پهپاد**
عصائب اهل‌الحق	موشک ٣٣٣ میلیمتری فلق

(Amnesty International, ٢٠١٧: ٢٨-٣٠)

جدول ٤-٧- تسلیحاتی که بین بیشتر گروه‌های حشد شعبی توزیع شده است

سلاح هجومی کا.ال-٧، مدل مونتاژ شده چینی (٥٦)، مسلسل نیمه سنگین کلاشینکف مدل (٨٠)، انواع راکت انداز آر.پی.جی، توپ ١٠٦، خمپاره‌های ٦٠، ٨٠ و١٢٠ میلیمتری، راکت ١٠٧ میلیمتری، مسلسل نارنجک‌انداز نصیر،

موشک‌های ضدّ تانک هدایت شونده ضدّ تانک طوفان و دهلاویه

(Amnesty International, ٢٠١٧: ٣٠)

جدول ٤-٨- گروه‌های دریافت کننده راکت‌های مونتاژ شده

عصائب اهل الحق	لواء علی‌اکبر
کتائب حزب‌الله	سرایا انصارالعقیده
سازمان بدر	سرایا العاشورا
حرکه حزب‌الله نجباء	سرایاالجهاد
حرکه انصار الاوفیاء	سرایاالخراسانی
کتائب سیدالشهداء	سرایاالسلام

(Amnesty International, ٢٠١٧: ٢٨)

جدول ٤- ٩- گروه‌های دریافت کننده خودورهای تاکتیکی سفیر

عصائب اهل الحق	کتائب امام علی
کتائب حزب‌الله	سرایا انصارالعقیده
سازمان بدر	کتائب سیدالشهداء
حرکه حزب‌الله نجباء	کتائب جندالإمام
سراياالخراسانی	سراياالسلام

(Amnesty International, ٢٠١٧: ٢٩)

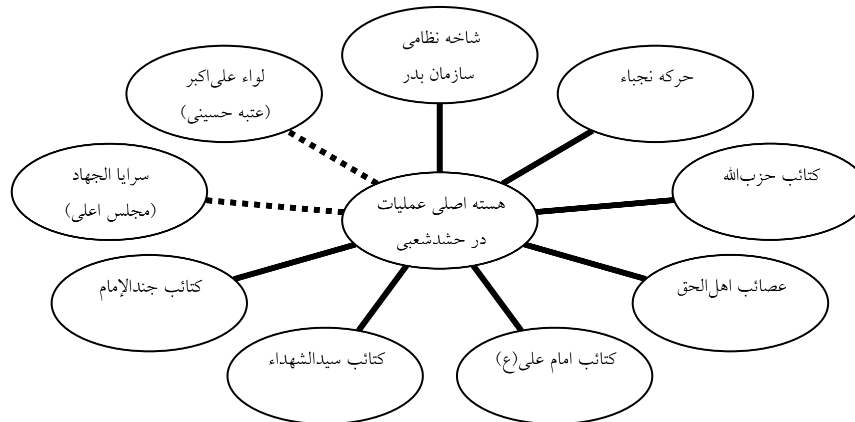
جدول ٤-١٠- گروه‌های دریافت کننده سلاح تک تیرانداز صیاد (٢)

عصائب اهل الحق	سرایا العاشورا
کتائب حزب‌الله	سرایا انصارالعقیده
سازمان بدر	کتائب سیدالشهداء
حرکه حزب‌الله نجباء	لواء ذوالفقار
سراياالخراسانی	سراياالسلام

(Amnesty International, ٢٠١٧: ٢٩)

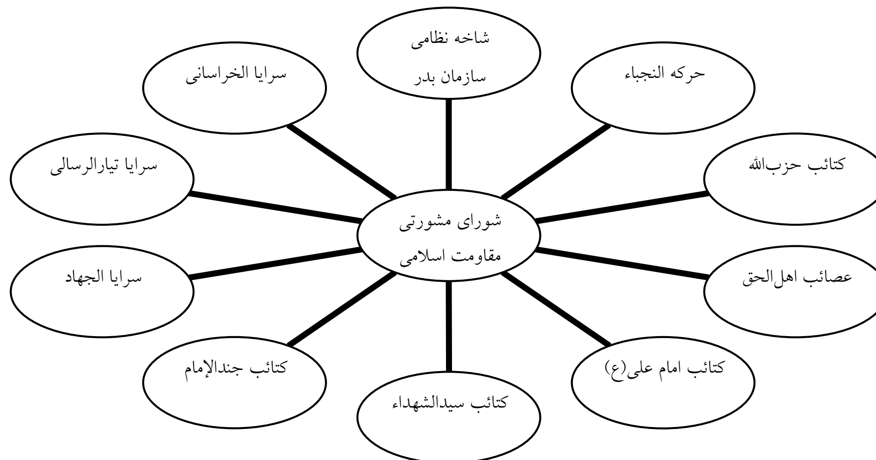
بر اساس اعلام رسمی واحد تبلیغات هیئت حشد شعبی، ۹ گروه از اعضاء این سازمان در کنار نیروی‌های زمینی و فرماندهی نیروی هوایی ارتش، نیروهای عملیات ویژه و نیروهای پلیس اقلیمی از وزارت کشور در عملیات‌ها نقش اصلی را ایفا کرده‌اند. هفت گروه شامل شاخه نظامی سازمان بدر، کتائب حزب‌الله عراق، عصائب اهل‌الحق، کتائب امام علی(ع)، جنبش نجباء حزب‌الله، کتائب سیدالشهدا و کتائب جندالإمام با استعداد متغیر ۱۰ الی ۱۵ هزار نفر در زمره گروه‌هایی هستند که از ارتباط ایدئولوژیک با جمهوری اسلامی ایران برخوردارند و شواهد عینی نیز حکایت از این دارد که دریافت کننده تسلیحات استراتژیک از نیروی قدس بوده‌اند. هادی عامری از سازمان بدر و ابومهدی مهندس هماهنگ‌کننده گردان‌های حزب‌الله عراق، نقش فرمانده کل و معاونت حشد شعبی را عهده‌دار هستند و ریاست شورای مشورتی موسوم به «مقاومت اسلامی» را بر عهده داشتند. (آزاد، ۱۳۹۵، ۱۱۳)

شکل ٤-٤- هسته اصلی عملیات نظامی در حشد شعبی



(هیئه الحشدالشعبی- مدیریه الإعلام، ٢٠١٥)

شکل ٤-٥- شورای مشورتی موسوم به مقاومت اسلامی در حشد شعبی



(آزاد، ١٣٩٥: ١١٣)

استقرار نیروهای حشد شعبی در جغرافیای عراق مسئله مهمی است که تحلیل آن بـه درک نسـبت حشـد شعبی به نیروهای رسمی، تقسیم وظیفه این سازمان، توزیع جغرافیایی و به طور کلی جایگاه و وزن حشد شعبی در مرکز ثقل نظامی عراق را مشخص می‌نماید. بازسازی ارتش عراق بعد از فروپاشی ژوئـن ٢٠١٤ با کندی صورت پذیرفت و تا ژانویه ٢٠١٥ تنها دو تیپ از سازمان فروپاشیده بازسازی و بـه خـط مقـدم اعزام شده بود. باقیمانده تیپ‌ها نیز با نصف ظرفیّت و روحیه پایین خدمت می‌کردند. در این میان بعـد از سقوط موصل، تیپ ٢٦ ارتش نیز در ثرثار واقع در غرب استان انبار از هم فروپاشیده بود. در این وضعیت

حشد شعبی طی۶۰۰ روز در سه عملیات لبیک یا رسول‌الله (۱) و (۲) و امام هادی(ع)، در آزادی ۱۹ شهر و ۵۱ روستا به مساحت۲۲۵۰۰ کیلومتر مربع مشارکت کرد. این مساحت معادل یک سومِ اراضی ساقط شده بود و ٦٤ منطقه استراتژیک شامل ۳ انبار مهمات بزرگ ارتش و دو حوزه نفتی عجیل و علاس در این محدوده قرار داشت، داعش ۲۰ هزار بشکه نفت از ۵۰ هزار بشکه نفت استصحالیِ روزانه خود را از این محدوده استخراج می‌کرد و با احتساب قیمت فروشِ متغیر بین ۱۰ تا ۳۵ دلار برای هر بشکه، ماهانه بین ٦ تا ۲۱ میلیون دلار کسب درآمد داشت. این مسئله به معنی شکل گیری یک مرکز ثقل نظامی جدید در عراق بود که علیرغم استعداد کم و فقدان ساختار کلاسیک از کارآمدی بالایی برخوردار است و ممکن است در آینده به یک چالش برای ساختار رسمی تبدیل شود. (آزاد، ۱۳۹۵: ۸۵- ٨٦)

به موازات این روند بازسازی ارتش تا ژانویه ۲۰۱٦ با سرعت بیشتری دنبال شد و ساز و کار آن از ایجاد تیپ‌های استاندارد سنگین به ایجاد تیپ‌های کوچک و کارآمد با نصف یک تیپ استاندارد (هزار نفر) تغییر کرد. بنابراین تیپ‌های ٦٤، ٦٦، ۷۱، ۷۲، ۷۳، ۷۵ و ۷٦ از لشکرهای ۱۵ و ۱٦ ارتش احیاء شدند و یک تیپ جدید نیز به نیروهای پلیس فدرال در استان انبار اضافه شد. همچنین هفت گروه از نیروهای آموزش دیده قبایل نیز به این استعداد اضافه شد که دوره آموزش آنها بین ۱۲ تا ۱۵ هفته بود. طی شش ماه بعد از فروپاشی ارتش، استعداد بخش رزمی حشدشعبی (بدون احتساب نیروهای شیعه غیر عضو در حشد شعبی) در ژانویه سال ۲۰۱۵ به ۱۷٪ از ظرفیّت کل نیروهای نظامی و امنیتی رسید که این نسبت با کسر استعداد پنج تیپ از نیروهای حفاظت اشخاص به ۲۳٪ از نسبت کل نیروهای مسلح عراق افزایش یافت. این نسبت تا ژانویه ۲۰۱٦ بواسطه بازسازی ۱۷ تیپ تغییر کرد. استعداد رزمی حشد شعبی تا سال ۲۰۱٦ ثابت باقی ماند، اما وزارت کشور سه تیپ از نیروهای حفاظت شخصی کاست و در مقابل ۱۸ تیپ سبک به ارتش، یک تیپ به پلیس فدرال و یک تیپ به نیروهای ضد تروریسم اضافه شدند. بنابراین نسبت استعداد رزمی حشد شعبی بدون احتساب تیپ‌های حفاظت شخصی به ۱۷٪ کاهش یافت. در عین حال تا ژانویه ۲۰۱٦، ۲ و ۳ تیپ از نیروهای سُنّی قبایل نیز وارد خدمت شدند و ۸ تیپ نیز متعلق به شاخه نظامی صدر و شاخه‌های نظامی عتبات عالیات بودند که به طور مستقیم با وزارت دفاع همکاری می‌کردند. همچنین ۷ تیپ با استعداد ١٤ هزار نفر به نیروهای پیشمرگ اقلیم کردستان اضافه شد. به طور کلی بعد از ژوئن ۲۰۱٤ ارتش و وزارت

کشور به سختی قادر بـه جمـع کـردن گسـیختگی موجـود بودنـد و در ایـن میـان حشدشـعبی و نیروهـای ضدتروریسم بیشتر سهم حملات و دفاع از خطوط مقدم را بر عهده گرفتند. (Knights, ۲۰۱٦: ۲۲-۲۳)

جدول ٤– ۱۱– استعداد، تناسب و قدرت رزمی نیروهای نظامی و امنیتی در عراق

	آخر ۲۰۰۹		می ۲۰۱٤		ژانویه ۲۰۱۵		ژانویه ۲۰۱٦	
	معادل تیپ	نیروی مشغول در خط مقدم	معادل تیپ	نیروی مشغول در خط مقدم	معادل تیپ	نیروی مشغول در خط مقدم	معادل تیپ	نیروی مشغول در خط مقدم
ارتش	۵۵	۱۵۱۲۵۰	۵۵	۱۱۰۰۰۰	۳٦	۵٤۰۰۰	۵٤	۸۱۰۰۰
پلیس فدرال	۳۰	۸۲۵۰۰	۳۰	٦۰۰۰۰	۲٤	۳٦۰۰۰	۲۵	۳۷۰۰۰
سرویس ضدتروریسم	۳	۸۲۵۰	۳	۷۲۵۰	۳	٤۵۰۰	٤	۸۵۰۰
حفاظت اشخاص	۵	۱۳۷۵۰	۵	۱۳۷۵۰	۵	۱۳۷۵۰	۲	۷۰۰۰
مرزبانی	۱۵	٤۱۲۵۰	۱۵	۳۰۰۰۰	۹	۱۳۵۰۰	۹	۱۳۵۰۰
مجموع	۱۰۸	۲۹۷۰۰۰	۱۰۸	۲۲۱۰۰۰	۷۷	۱۲۱۷۵۰	۹٤	۱٤۷۰۰۰
نیروهای امنیتی								
حشد شعبی[1]			۸	استعداد نامشخص و	۱۵	٤۹۵۰۰	۱۵	٤۹۵۰۰
گروههای شیعه خارج از حشدشعبی[2]				نقش غیررسمی	۸	۱۲۰۰۰	۸	۱۲۰۰۰
حشد سنّی					۲	۳۰۰۰	۳	٦۰۰۰
مجموع نیروهای امنیتی و حشدشعبی					۱۰۲	۱۵۹۲۵۰	۱۱۳	۱۸۷۵۰۰
نیروهای پیشمرگه	٤۷	۹٤۰۰۰	٤۷	۹٤۰۰۰	۵٤	۱۰۸۰۰۰	۵٤	۱۰۸۰۰۰

(Knights, ۲۰۱٦: ۲۳)

جدول ٤– ۱۲– استعداد و توزیع جغرافیایی نیروهای مستقر در خط مقدم

	موقعیت استقرار	ارتش	پلیس	ضد ترور	حشد و سایر گروه‌های شیعه	حشد سنی	مجموع
فرماندهی عملیات بغداد	بغداد، فلوجه، تاجی	۵۰۰۰۰	۲۲۰۰۰	۳۰۰۰	۵۵۰۰[3]	٦۵۰	۸۰۵۰۰
فرمانده عملیات انبار	رمادی و حومه	۱۳۰۰۰	٦۵۰۰	۳۰۰۰	۲۵۰	۵۰۰	۲۳۲۵۰
فرمانده عملیات سامراء	سامراء، تکریت، بیجی	٤۰۰۰	۸۰۰۰	۲۰۰۰	۵۲۰۰	۵۰۰	۲۱۷۰۰
فرمانده عملیات دجله	دیالی، حمرین، طوزخورماتو	٦۰۰۰	٤۵۰۰		۸۵۰۰		۱۹۰۰۰
فرمانده عملیات جزیره و بادیه	حدیثه، الاسد، پروانه	٤۰۰۰	۵۰۰	۵۰۰	۲۵۰	۲۰۰۰	۷۲۵۰
کل عراق		۷٤۰۰۰	٤۱۵۰۰	۸۵۰۰	۱۹۷۰۰	۳٦۵۰	۱٤۷۳۵۰

(Knights, ۲۰۱٦: ۲۵)

۱. ۲۷۰۰۰ نفر از استعداد حشد شعبی در جبهه موسوم به عقب (بغداد و جنوب) مشغول به خدمت شدند.

۲ . برخی گروه‌های داوطلب نظیر سرایاالسلام، شاخه نظامی جریان صدر و شاخه‌های نظامی عتبه علوی، حسینی و عباسی عضو حشدشعبی نشدند و به طور مستقیم زیر نظـر وزارت دفاع عراق به خدمت مشغول شدند. ۷۰۰۰ نفر از این افراد جمعی گروههای وابسته به عتبات هستند.

۳ . این استعداد بدون احتساب نیروهای مستقر در نقاط ایست و بازرسی و شامل نیروهایی است که در خط مقدم بخش جنوب غربی کمربند دفاعی بغـداد (بـه طـور عمـده فلوجـه) خدمت می‌کردند.

در سال ۲۰۰۹ استعداد هر تیپ عراقی معادل ۲۷۵۰ نفر بود که در می ۲۰۱٤ به ۲ هزار نفر در هر تیپ کاهش پیدا کرده بود. از ژانویه ۲۰۱۵ به بعد استعداد هر تیپ به طور متوسط به ۱۵۰۰ نفر رسید که به دلیل فروپاشی توزیع نامتوازن داشت. یعنی حدود نیمی از تیپ‌ها با استعداد کمتر از ۱۰۰۰ نفر در خدمت باقی مانده بودند و نیم دیگر از آنها با استعداد بالای ۲۰۰۰ نفر در اختیار داشتند که جمعی فرماندهی عملیات بغداد بودند. این فرماندهی حدود۲۰ هزار از نیروی جمعی خود در بخش غربی کمربند بغداد (به سمت فلوجه) مستقر کرده بود. همچنین تمام استعداد لشکر ۱٤ ارتش (۱۲۰۰۰) از شرق استان انبار به پایتخت منتقل شد و در کنار پلیس فدرال (۲۸ هزار نفر) به گشت‌زنی در بغداد اختصاص یافت. در عین حال فرماندهی کل قوا ۲۷۰۰۰ نفر از نیروهای حشدشعبی را نیز در بغداد و جنوب حفظ نمود که بیرون از خط مقدم نبرد محسوب می‌شود. اتکاء ارتش برای آزادی موصل نیز به ۲۰ تیپ از نیروهای ارتش، پلیس و نیروهای ضد ترور در فرماندهی عملیات انبار بعد از آزادی رمادی در عملیات آزادی موصل مشارکت کردند. (Knights, ۲۰۱٦: ۲۵)

حشد شعبی در پاکسازی آمرلی، جرف‌الصخر، حومه کرانه رود دیالی و کوهستان حمرین نقش انحصاری ایفا نمود اما در مناطق دیگر واحدهای ارتش و عملیات ویژه نیروهای اصلی آغاز کننده عملیات آفندی و هدایت کننده آن بودند. این روند از ابتدای سال ۲۰۱۵ آغاز شد و تا اواسط سال ۲۰۱۷ به اوج خود رسید. این روند که با مشارکت مستقیم نیروهای ائتلاف همراه بود به خوبی مؤید تلاش برای کاستن از نقش حشد شعبی و افزودن به نقش نیروهای رسمی عراق بود. با آغاز این روند حشد شعبی از ورود به شهرها منع شد و نقش آفرینی این ساختار منحصر به مشارکت در عملیات پاکسازی حومه شهرهای اصلی و روستاها شد. به طور خلاصه می‌توان روند بازگشت ارتش و سایر نیروهای امنیتی به صحنه اصلی عملیات را به شرح زیر توصیف نمود:

جدول ٤– ۱۳– روند بازگشت نیروهای رسمی به واحدهای اصلی عملیات(از ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۷)[1]

کرانه غربی فرات	**لشکر هفتم شامل تیپ‌های ۲۷,۲۸,۲۹ از فرماندهی عملیات جزیره و بادیه**
صحراء الجلام وحمرین	لشکر پنجم زرهی از فرماندهی عملیات دجله
تکریت	لشکر ششم و نهم، نیروهای پلیس و ضد ترور
بیجی	تیپ ۵۷ از لشکر ششم از فرماندهی عملیات سامراء
رمادی	لشکر ۱٤ همراه با ٦۵۰۰ نفر نیروی پلیس و ۳۰۰۰ نیروی ضد تروریسم
فلوجه	لشکرهای ٦، ۸، ۱٤ و ۱۷ از ارتش، لشکر اول نیروهای واکنش سریع و لشکر پنجم پلیس فدرال، سرویس ضد تروریسم
موصل	لشکرهای ۱۵، ۱٦ و ۱۷ ارتش، ۱۵ گردان از نیروهای ضد ترور و ۱۲ تیپ از نیروهای پلیس

۱ . اطلاعات این جدول از منابع متعدد جمع آوری شده است.

روند بازسازی ارتش و توزیع نیروها به یک الگوی ثابت تا زمان بازپس‌گیری موصل تبدیل شد که به نظر می‌رسد به همین ترتیب ادامه داشته باشد:

۱. بعد از فروپاشی ژوئن ۲۰۱٤، توازن ساختار نظامی عراق به نفع حشد شعبی تغییر یافت، اما بازسازی ارتش و پلیس با کمک نیروهای ائتلاف در دستور کار قرار گرفت و در عین حال استعداد رزمی نیروهای پیشمرگ و قبایل سنّی نیز به عنوان نیروهای تغییر دهنده موازنه به ضرر حشد شعبی افزایش قابل ملاحظه‌ای یافت.از جزئیات استعداد افزوده شده به نیروهای رسمی عراق اطلاعی در دست نیست، اما از ابتدای ژوئن ۲۰۱٦ تا ژوئن ۲۰۱۷، با کسر نیروهای پیشمرگ (۱٤۰۰۰) و قبایل سُنّی (٦۰۰۰)، ٥۲ هزار نفر دیگر به کل استعداد نیروهای نظامی و امنیتی عراق افزوده شد.[۱] بدین ترتیب نسبت استعداد حشدشعبی به کل نیروهای مسلح در عراق تا ۱۳٪ کاهش یافت.
۲. به طور کلی به غیر از نیروهای حشد سُنّی و پیشمرگ، استعداد رزمی بخش قابل توجهی نیروهای نظامی در عراق معطوف به دفاع از کمربند بغداد بوده است. عملکرد فرماندهی عملیات بغداد با ٥٤,٦۳٪ و فرماندهی عملیات دجله با ۱۲,۸۹٪ از استعداد کل نیروها (در مجموع ٦۷,٥۲٪ از کل نیروها) به میزان زیادی معطوف به دفاع از بغداد بوده است.
۳. ۲۷ هزار نفر از استعداد حشدشعبی در بغداد و جنوب مشغول خدمت شدند که اطلاعاتی درباره نسبت توزیع استعداد آنها در دست نیست. همچنین ٥٥۰۰ نفر از نیروهای فرماندهی عملیات بغداد جمعی حشد شعبی بودند. این تعداد در فرماندهی عملیات سامراء ٥۲۰۰ و فرماندهی عملیات دجله ٥۸۰۰ نفر بوده است. این توزیع بر سه محور شمال شرق، جنوب غرب و جنوب شرق کمربند بغداد متمرکز است و بر نقش حشد شعبی در جبران کمبود استعداد ارتش در این مناطق و به خصوص استان دیالی تأکید دارد.[۲]

---

۱ . بر اساس اعلام برت مک گورک نماینده آمریکا در ائتلاف بین المللی عزم ذاتی، این نهاد ۱۰۰ هزار نفر از نیروهای امنیتی عراق را آموزش داده است که آموزش ۳۲ هزار نفر از این تعداد تا ژانویه ۲۰۱٦ به پایان رسیده بود.

۲ . بخش عمده ای از استعداد مستقر در سامراء را نیروهای جمعی سرایا السلام تشکیل می‌دهند که بخشی از حشد شعبی محسوب نمی‌شود. همچنین اطلاعات دقیقی از نسبت گروههای وابسته به عتبات عالیات در دسترس نیست، اما می‌توان گفت به غیر از موارد معدود بخش زیادی از این جمعی این نیروها در اطراف شهرهای مقدس نجف و کربلا و به خصوص بیابان‌های غربی کربلا مشغول به خدمت هستند.

٤-٢- ائتلاف بین‌المللی و ساز و کارهای ثانویه مهار داعش در عراق

روند شکل‌گیری حشد شعبی حکایت از ایجاد یک مرکز ثقل نظامی جدید در عراق دارد، اما از سوی دیگر بازسازی ساختار رسمی نظامی- دفاعی عراق، بازتوزیع و استقرار نیروها و نیز مشارکت حشد شعبی در عملیات‌های اصلی حکایت از شکل‌گیری یک روند متقابل در راستای تضعیف، مهار و در نهایت حذف این مرکز ثقل جدید نظامی در عراق دارد. هر چند بازسازی ساختار نظامی- امنیتی بعد از فروپاشی ژوئن ۲۰۱٤ یک مسئله طبیعی در یک ساختار دولتی به نظر می‌رسد، اما توجه به سایر اجزاء و متغیرهای دخیل در این روند، ادعای مطرح شده درباره روند تقابل با حشد شعبی را قوت می‌بخشد. پیش‌تر در قالب ادبیات فرماندهان منطقه مرکزی به هشدار ایالات متحده نسبت به پدیده حشد شعبی اشاره شد. لوید آستین فرمانده وقت منطقه مرکزی در بخش مبارزه با تروریسم و سازمان‌های افراطی خشن (VEO)[1]، با هشدار درباره تبدیل حشدشعبی به یک نهاد امنیتی، مشروعیت بخشی و افزایش منابع برای این نهاد را عامل فزاینده پیچیدگی روابط آینده ایالات متحده و نیروهای امنیتی عراق معرفی کرده بود. (United States Central Command (B), ۲۰۱٦)

«وُتل» فرمانده جدید منطقه مرکزی در دولت ترامپ نیز درباره تلاش ایران برای سرنگونی تدریجی دولت عراق بواسطه حضور بلندمدت در ساختار امنیتی این کشور از طریق نفوذ و کنترل نسبی بر بخش اعظمی از استعداد ۱۰۰ هزار نفری حشد شعبی هشدار داده بود.

(Committee on the Armed Services (A), ۲۰۱۷: ۱۸)

بنابراین آغاز همکاری آمریکا با دولت و ساختار نظامی- امنیتی رسمی عراق، ذیل عنوان فرمانده ائتلاف بین‌المللی، از یک سو به معنی فعالیت ساز و کار سیستمی مهار داعش بود و از سوی دیگر به مفهوم آغاز رقابت قدرت بین ایالات متحده و ایران برای کاهش نفوذ متقابل بود. این روند به طور طبیعی دولت و ساختار سیاسی این کشور را نیز وارد چارچوب رقابت قدرت طرفین نمود. داعش بعد از تسلط بر این جغرافیای وسیع، حکومتی با ساختار ساده تأسیس کرد که دارای دو مرکز ثقل فیزیکی در «موصل» مرکز استان «نینوا» در عراق و «رقّه» مرکز استان «رقّه» در سوریه بود. وزارت دفاع امریکا بر این باور بود که مرکز

---

۱ . Countering Terrorism and Violent Extremist Organizations(VEO)

ثقل اصلی داعش ایدئولوژی است و نابودی آن در کوتاه مدت و حتی میـان مـدت غیـر ممکـن اسـت[1]، امـا نابودی مراکز ثقل فیزیکی داعش در «موصل» و «رقّه» و قطع ارتباط بین آنها به عنوان یک هدف امکان پـذیر در دستور کار وزارت دفاع ایالات متحده قرار گرفت. (U.S Department of Defence, ۲۰۱۵)

در همین راستا «باراک اوباما» رئیس جمهور وقت ایالات متحده، روز دهـم سـپتامبر ۲۰۱٤، از تشـکیل یـک ائتلاف بین‌المللی با هدف نابودی کامل داعش به عنوان بخش ثابت استراتژی مبارزه با تروریسـم خبـر داد و «جان کری» وزیر امور خارجه وقت امریکا روز سوم دسامبر ۲۰۱٤ در خلال نشست «ناتو» که در «بروکسـل» برگزار شده بود، ۵ محور اصلی برای تلاش‌های این ائتلاف تعریف کرد:

۱. حمایت نظامی از شرکا؛
۲. کند کردن روند پیوستن جنگجویان خارجی؛
۳. توقف تأمین بودجه داعش؛
٤. ارسال فوری کمک‌های انسان‌دوستانه به منطقه؛
۵. معرفی ماهیت واقعی داعش (The Global Coalition to Counter ISIL, ۲۰۱٤)

بنابراین ایالات متحده در سطح سیستمی، ائتلاف‌سازی را به عنوان اولین ساز و کار مهار و نابودی مراکز ثقل فیزیکی داعش در دستور کار قرار داد. تا پیش از تشکیل ائتلاف بین‌المللی ستاد فرماندهی مرکزی در وزارت دفاع آمریکا تا نیمه ژوئن ۲۰۱٤، ۱۰۰ نفر از پرسنل نظامی خود را برای ارائه کمک‌های مستشاری و لجستیک راهی بغداد کرده بود و اوباما نیز دوباره در روز ۳۰ ژوئن ۲۰۱٤ دستور اعزام ۲۰۰ نیـروی نظـامی دیگـر بـا مأموریت حفاظت از سفارت آمریکا را صادر کرد. اما با وجود این بعد از اعلام تشکیل ائتلاف تا روز نابودی اولین مرکز ثقل فیزیکی داعش در موصل تعداد ۹ هزار نفـر از ۲۳ کشـور عضـو ائـتلاف بـرای انجـام امـور مستشاری و مشارکت محدود در عملیات‌های رزمی وارد عـراق و سـوریه شـدند. از ایـن تعـداد ۵۲٦۲ نفـر جمعی نیروهای فرماندهی مرکزی وزارت دفاع آمریکا بودند.
(U.s department of Defence (A), ۲۰۱٦)

۱. «جان کربی»، سخنگوی وزارت دفاع امریکا و «استیو وارن» سخنگوی ائتلاف عزم ذاتی، بارها اعلام کردند که مرکز ثقل اصلی داعش ایدئولوژی است.

ایالات متحده ۵۸٪ از نیروی انسانی مستشاری ائتلاف برای مبارزه با داعش را تأمین نمود که۳۰۰ نفر از آنـان ذیل برنامه ۱۲۰۹ وزارت دفاع آمریکا برای آموزش نیروهای دموکراتیک سوریه و مشارکت در عملیات‌هـای ویژه در خاک سوریه حضور داشتند و بقیه آنها برای انجام امور مستشاری در عراق خدمت می‌کردند.

(U.s department of Defence (B), ۲۰۱٦)

اطلاعات منتشر شده توسط ائتلاف نشان می‌دهد که دولت عراق به طور متوسط روزانه ۱۳,٦ میلیـون دلار از ائتلاف عزم ذاتی، کمک دریافت کرده است. به عبارت بهتر دولت عراق با رشد منفی ۲,۱ تولید ناخالص ملی در سال ۲۰۱٤، ۵ میلیارد دلار از هزینه‌های مبارزه با داعش را بین سایر بازیگران خارجی سرشکن کرده است. نیروهای ائتلاف از روز هشتم آگوست ۲۰۱٤ عملیات نظامی در عراق را آغاز کردنـد کـه بـر اسـاس اعـلام وزارت دفاع آمریکا هزینه‌های روزانه آنها به شرح زیر است:

جدول ٤–١٤– تفکیک هزینه‌های نیروهای ائتلاف در مبارزه با داعش

هزینه روزانه (میلیون دلار)	از ۸ آگوست تا ۱۹ سپتامبر ۲۰۱٤ (٤۳ روز قبل از آغاز عملیات در سوریه)	از۲۰ سپتامبر ۲۰۱٤ تا ۳۰ ژوئن ۲۰۱۷ (۱۰۱۵ روز عملیات مشترک در عراق و سوریه)	متوسط هزینه کل (۱۰۵۸ روز عملیات در عراق و سوریه)	نسبت هزینه‌ها
		بر اساس هزینه		
روند پروازهای روزانه	۳,۷	۵,۱	۵,۱	٪۳۷
روند نقل و انتقال روزانه	۰,۲	۰,۰	۰,۰	٪۰
مهمات	۰,۷	۳,۲	۳,۱	٪۲۲
مأموریت پشتیبانی	۱,۱	۵,٦	۵,٤	٪٤۰
مجموع	۵,٦	۱۳,۹	۱۳,٦	٪۱۰۰
		بر اساس خدمات		
ارتش	۰,۳	۲,۷	۲,٦	٪۱۹
نیروی دریایی	۱,۹	۱,٦	۱,٦	٪۱۲
نیروی هوایی	۲,۵	۸,٦	۸,۳	٪٦۱
فرماندهی عملیات ویژه	۰,۸	۱,۰	۱,۰	٪۷
مجموع	۵,٦	۱۳,۹	۱۳,٦	٪۱۰۰
		بر اساس دسته‌بندی		
پشتیبانی لجستیک	۰,۱	۲,٦	۲,۵	٪۱۸
پشتیبانی عملیاتی	۰,٦	۲,۸	۲,۷	٪۲۰
اطلاعات، مراقبت و شناسایی	۰,۳	۰,۱	۰,۱	٪۱
نرخ عملیات	۳,۸	۵,۱	۵,۱	٪۳۷
دستمزد	۰,۰	۰,۲	۰,۱	٪۱
مهمات	۰,۷	۳,۲	۳,۱	٪۲۲
مجموع	۵,٦	۱۳,۹	۱۳,٦	٪۱۰۰

(Operation Inherent Resolve (Cost Update), ۲۰۱۷)

بر اساس اطلاعات موجود، کمک‌های ائتلاف به دولت عراق و هم‌پیمانان سوری در سه بخش عملیاتی، پشتیبانی و مهمات انجام شده است. ائتلاف در چهار بخش عملیاتی، لجستیک و (اطلاعات و مراقبت و شناسایی) از نیروهای عراقی و سوری پشتیبانی کرده که شامل ٤٠٪ کل هزینه‌های ائتلاف است. پروازهای روزانه نیز ۳۷٪ کل هزینه‌های ائتلاف را در برگرفته است. ٦١٪ خدمات نظامی ائتلاف نیز معطوف به نیروی هوایی است که نشان دهنده تمرکز ائتلاف بر این دست از عملیات‌هاست که ٥٥,٢٦٪ از آنها در عراق و ٤٤,٧٣٪ در سوریه انجام شده بود.

(Operation Inherent Resolve (Strike Update), ٢٠١٧)

دولت آمریکا ذیل شش بخش تفکیک شده و در قالب همکاری‌های امنیتی به دولت عراق کمک می‌کند که بعد از ژوئن ٢٠١٤ تمام شش بخش معطوف به تقویت ساختار نظامی و امنیتی عراق برای مبارزه با داعش بوده است. این شش بخش عبارتند از:

١. فروش نظامی خارجی
٢. تأمین مالی نظامی خارجی
٣. برنامه آموزش و تمرین نظامی بین‌المللی
٤. کمک‌های دفاعی مازاد
٥. اختیارات ریاست جمهوری
٦. تأمین مالی آموزش و تجهیز نیروهای عراقی

فروش اقلام نظامی ایالات متحده به عراق از سال ٢٠٠٥ آغاز شد و وزارت خارجه آمریکا تا ٢٢ مارس ٢٠١٧، رقم آن را ٢٢ میلیارد دلار اعلام نمود. بر اساس گزارش وزارت دفاع آمریکا بخش عمده‌ای از این اقلام توسط دولت عراق تأمین اعتبار شده بود. این موارد شامل ١٤٦ اراده تانک آبرامز (ام.١.آ.١)، ٣٦ فروند جنگنده اف- ١٦ و بسته‌های موشکی آن بود. همچنین ٢٤ فروند بالگرد ٤٠٧ و ٩ فروند هواپیمای سی- ١٣٠ جزو این موارد بود. برنامه تأمین مالی نظامی عراق نیز با ارزش ٢ میلیارد دلار از سال ٢٠١٢ دوباره آغاز شد. این برنامه از ٢٠٠٥ تا ٢٠١١ اجرا و متوقف شده بود. این برنامه تا سال ٢٠١٤ بر

حرفه‌ای سازی ساختار امنیتی عراق متمرکز بود و از سال ۲۰۱٤ به برنامه‌های لجستیک نظیر تأمین موشک‌های حرارتی هِلفایر۲٫۷۵، مهمات تانک و تسلیحات سبک تغییر یافت.

دولت عراق ذیل برنامه تأمین مالی نظامی، اجازه خرید زره پوش، ماشین‌های مین‌روب و تاکتیکی و نیز خدمات نگهداری تانک‌های آبرامز را بدست آورد. بر این اساس دولت آمریکا ۳۰۰ دستگاه خودروی «ام. آر. آ. پی»، خودروهای زرهی تاکتیکی، توپ‌های هویتزر، بالگردهای او.اچ– ۵۸ و خودروهای هامووی را در اختیار دولت عراق قرار داد. برنامه آموزش نیروهای عراقی نیز ذیل برنامه آموزش و تمرین نظامی بین‌المللی ادامه یافت. در سال ۲۰۱٤ رئیس جمهور آمریکا از اختیارات خود برای ارائه یک تخفیف ۲۵ میلیون دلاری به عراق استفاده کرد که شامل تجهیزات ضد انفجار، سیستم‌های ضد نفر سنگر شکن، موشک‌های ضد تانک و خودروهای «ام. آر. آ. پی» بود. کنگره آمریکا در چارچوب برنامه تأمین مالی تجهیزات و آموزش نیروهای عراقی در مجموع سال‌های مالی ۲۰۱۵ و ۲۰۱٦، یک میلیارد و٦۲۰ میلیون دلار به تجهیز و آموزش نیروهای ارتش، پلیس، پیشمرگ و قبایل سنّی عراقی اختصاص داد. عراق همچنین ذیل برنامه مالی سال ۲۰۱۷ تا ماه آوریل ۲۸۹ میلیون دلار کمک‌های مالی برای آموزش و تجهیز نیرو دریافت نمود. (U.S Department of Defense (A), ۲۰۱۷)

ذیل برنامه آموزش و تجهیز نیروهای عراقی، آموزش نیروهای ارتش و پلیس در عراق نیز در دستور کار ائتلاف «عملیات عزم ذاتی»[1] قرار گرفت. در این راستا مستشاران ۱۵ کشور عضو ائتلاف بین‌المللی کار آموزش نیروهای رسمی عراق را در پنج اردوگاه را آغاز کردند. (CJTF-OIR PAO, ۲۰۱۵)

جدول ٤– ۱۵– نام پایگاه‌ها و کشورهای آموزش دهنده نیروهای نظامی، امنیتی عراق

اربیل	**فنلاند، انگلیس، آلمان، مجارستان، ایتالیا، هلند، نروژ**
الاسد	دانمارک
تاجی	استرالیا، نیوزلند، اسپانیا، انگلیس، آمریکا
بسمایا	اسپانیا، انگلیس، پرتقال، آمریکا
بغداد	استرالیا، بلژیک، اسپانیا، فرانسه، ایتالیا، هلند، نروژ، آمریکا

(CJTF-OIR PAO, ۲۰۱۵)

ائتلاف بواسطه کاهش مدت و کیفیت آموزش، تا جولای ۲۰۱۷، در مجموع ۱۰۰ هزار نفر از نیروهای رسمی، قبایل و پیشمرگ را آموزش داد. البته ناتو نیز به شکل بسیار محدود و تخصصی، در آموزش نیروهای عراقی

[1]. Operation Inherent Resolve

مشارکت داشته است. بررسی آمار منتشر شده از سوی ائتلاف نشان می‌دهد که به طور متوسط در هـر هفتـه، ۲۰۰ نیروی عراقی از پنج پایگاه آموزشی راهی یگان‌های خدمتی خود شده‌اند که با آمار اعـلام شـده توسـط ژنرال دانفود رئیس وقت ستاد ارتش آمریکا نیز همخوانی دارد. دانفورد روز ۲۱ آوریل ۲۰۱۶ اعلام کرده بـود که در هر ماه به طور میانگین ۸۰۰ نیروی عراقی توسط ٤١٥ آموزش دهنده ائـتلاف تعلـیم مـی‌بیننـد کـه بـه ترتیب شامل ۳۰۰ اسپانیایی، ۸۰ بریتانیایی و ۳۵ مستشار آمریکایی از سطوح تفنگدار تا ژنرال هستند.

(United States Central Command (C), ۲۰۱٦)

این حجم از خروجی در مدت تنها یک هفته حکایت از عجله ائتلاف برای تأمین نیـروی انسـانی مـورد اعتماد خود دارد که با حداقل استانداردهای آموزش نظامی نیز هم‌خوانی ندارد.[1] در این میان نـاتو نیـز در جولای ۲۰۱۵ با درخواسـت دولـت عـراق کمـک‌هـای محـدود و تخصصـی را بـا هـدف بـرای ایجـاد ظرفیت‌های دفاعی به منظور کمک به تعدادی از زمینه‌های دارای اولویت آغاز کرد. این کمـک‌هـا شـامل مقابله با دستگاه‌های انفجاری دست‌ساز، مواد منفجره، مواد مخدر، اصلاح بخش امنیتی، نظامی پزشکی و برنامه‌ریزی نظامی مدنی موافقت کرد و بر اساس این توافق۳۵۰ نیـروی منتخـب عراقـی را از آوریـل تـا نوامبر ۲۰۱٦ در عمان پایتخت اردن آموزش داد. این دور از آموزش‌های تخصصی از پنجم فوریـه ۲۰۱۷ با حضور ۳۰ افسر عراقی ادامه یافت.(NATO, ۲۰۱۷)

٤-۳- دلایل چالش ایالات متحده با حشد شعبی

روند آموزش و تجهیز نیروهای عراقی توسط ایالات متحده و ائتلاف در چارچوب مسائل مرتبط با امنیت یک شاخص مثبت برای جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شود، اما همین روند در چـارچوب مناقشـه قدرت دارای مفهومی کاملاً متفاوت است. بر این اساس و بدون در نظر گـرفتن آراء فرمانـدهی مرکـزی وزارت دفاع آمریکا درباره حشد شعبی آموزش و تجهیز نیروهای عراقی یک روند طبیعی و در چارچوب مبارزه سیستمی با تروریسم قابل تفسیر است که بر امنیت جمهوری اسلامی ایران نیز اثر مثبتـی دارد، امـا

---

۱. شهید همدانی حداقل دوره آموزشی شهروندان سوری بعد از حذف آموزش‌های غیر ضروری و تخصصی سازی آموزش مدت ۱۲ روز ذکر کرده بود. این دوره غیـر اسـتاندارد بـر اساس ضرورت از سه ماه به ۱۲ روز کاهش یافته بود. (بابایی، ۱۳۹۵: ٤٤٦)

همین روند با توجه به دیدگاه منفی آمریکا نسبت به نقش حشد شعبی و نفوذ ایران در این سازمان کـاملاً جنبه رقابت آمیز و مهار کننده به خود می‌گیرد. بخشی از تجهیزات استراتژیک آمریکـایی نظیـر تانـک‌هـای آبرامز، توسط دولت عراق در اختیار هسته اصلی حشد شعبی قرار گرفت، اما این اقدام هیچگـاه بـا اعتـراض ایالات متحده روبرو نشد از سوی دیگر ایالات متحده در چارچوب مبارزه بـا داعـش بارهـا از نقـش حشـد شعبی تقدیر کرده است. به عنوان مثال در جریان نبردهای سخت برای بازپس‌گیری پالایشـگاه بیجـی «بـرت مک‌گورک» نماینده ویژه آمریکا در ائتلاف عزم ذاتی، نقش حشد شعبی در این باره را ستود.[1] این اتفاق بعـد از آزادی موصل نیز رخ داد و ژنرال تون‌سند فرمانده آمریکایی ائتلاف به طور رسمی از حشدشـعبی در کنـار سایر نیروهای نظامی و امنیتی عراق تقدیر کرد. (CJTF-OIR PAO, ۲۰۱۷)

در عین حال وزارت دفاع آمریکا به پدیده بسیج نیرو در عراق در راستای مبارزه با داعش رویکرد مثبتـی دارد. فرماندهی عملیات ترکیبی در پنتاگون، سال ۲۰۱۷ کتابی با عنوان فرار از مجـازات منتشـر کـرد کـه محتوای آن به بررسی روند مبارزه با گروه‌های مسلح غیر قانونی در کشورهای مختلـف اختصـاص دارد. فصل دوم از این کتاب ضمن ارزیابی عملکرد جیش‌المهدی در عراق به نقش مثبت آیت‌الله سیسـتانی در ایجاد بسیج عمومی برای مقابله با داعش اشاره دارد. (Hughes, Miklaucic, ۲۰۱۷: ٦١)

بنابراین پدیده بسیج عمومی در عراق برای مبارزه با داعش، به خـودی خـود بـرای ایـالات متحـده یـک چالش محسوب نمی‌شود، بلکه ماهیت و سابقه عملکرد هسته اصلی حشد شعبی، دلیـل ایجـاد مناقشـه و اصطکاک است. هفت گروه تشکیل دهنده هسته اصلی حشد شعبی که پیش‌تر درباره روابط آنها با نیروی قدس توضیح داده شد به «حشد ایران» شهرت یافته‌اند. نـام برخـی فرمانـدهان ایـن گـروه‌هـا کـه دارای مسئولیت‌های کلیدی در سازمان حشد شعبی نیز هستند به دلیل سابقه حملات سازمان یافته بـه نیروهـای ائتلاف در دوره اشغال عراق از سوی آمریکا در فهرست افراد و سازمان‌های تروریستی قرار گرفته اسـت. شرح موجز آن به ترتیب زیر است:

---

۱ . مک گورک روز ۲۱ اکتبر ۲۰۱۵ در صفحه تویتر خود اذعان کرده بود که فرماندهی ایالات متحده از پیشرفت نیروهای عراقی و حشد شعبی در مقابل تروریست‌های داعش در بیجی قدردانی می‌کند.

جدول ٤- ١٦- افراد وگروه‌هایی از حشد شعبی که نام آنها در فهرست سازمان‌های تروریستی قرار دارد

کتائب حزب‌الله‌العراق و ابومهدی مهندس معاون فرمانده حشد شعبی	**کتائب حزب‌الله العراق و ابومهدی مهندس در تاریخ نهم جولای ۲۰۰۹ ذیل بخش ۲۱۹ قانون مهاجرت و تعیین ملیت ایالات متحده در فهرست گروه‌های تروریستی بین‌المللی قرار گرفتند. این فهرست در تاریخ ۲٤ ژوئن توسط جیمزبی استاینبرگ معاون وزیر امورخارجه آمریکا تنظیم شده بود و استناد آن به بخش ۱ از بند ب فرمان اجرایی ۱۳۲۲٤ بود که کتائب حزب‌الله العراق را به دلیل انجام عملیات‌های متعدد علیه نیروهای ائتلاف در خاک عراق در فهرست سازمان‌های تروریستی دسته بندی کرد.**
عصائب اهل‌الحق و جنبش نجباء	این دو گروه به دلیل فرماندهی از سوی «قیس خزعلی» و «اکرم عباس کعبی» در فهرست سازمانهای تروریستی قرار گرفتند. «اکرم عباس کعبی» فرمانده «جنبش نجباء در سال ۲۰۰۸ به دلیل فرماندهی «جیش‌المهدی» در حملات به نیروهای آمریکا در فهرست گروه‌های تروریستی قرار گرفت. وی در روز ۹ ژوئن ۲۰۱۵ نیروهای آمریکایی را تهدید به حمله کرد. «قیس خزعلی» فرمانده «عصائب اهل‌الحق» در ژانویه ۲۰۰۷ به اتهام ربودن پنج سرباز آمریکایی در کربلا دستگیر شد و در دسامبر ۲۰۰۹ همراه با ۱۰۰ نفر دیگر از اعضاء این گروه آزاد شد. ١٦ سپتامبر ۲۰۰۸، وزارت خزانه‌داری ایالات متحده آمریکا با عطف به فرمان اجرایی شماره ۱۳٤۳۸ رئیس جمهور که از سوی بوش امضاء شده بود ۵ نفر را در فهرست تحریم خود قرار داد که یکی از آنان اکرم عباس کعبی از اعضاء وقت جیش‌المهدی
کتائب سیدالشهداء	یک انشعاب از کتائب حزب‌الله العراق و کتائب امام علی(ع) در این فهرست قرار دارند که دلیل آن ارتباط نزدیک با شبکه مصطفی شیبانی است. آمریکا مدعی است مصطفی شیبانی از سال ۲۰۰۵ بواسطه ایجاد شبکه‌ای در عراق نیروهای ائتلاف را هدف حمله قرار داده است. وی روز اول نوامبر ۲۰۰۸ از سوی وزارت خزانه‌داری آمریکا در فهرست تحریم‌ها قرار گرفت.

(آزاد، ۱۳۹۵: ۸٦-۸۸)

وزارت خزانه داری آمریکا در تاریخ ۲۵ اکتبر ۲۰۰۷، ذیل فرمان اجرایی۱۳۳۸۲، بانک‌های ملّی و ملّت را به عنوان دو مسیر اصلی تامین مالی گروه‌های مرتبط با شبکه نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فهرست تحریم قرار داد. تاسیس، تسلیح، آموزش و هدایت گروه‌های شبه نظامی شیعه برای هدف قرار دادن نیروهای ائتلاف در عراق بخشی از دلایل ادعایی این تحریم بود. بخش دیگری از دلایل چالش آمریکا با حشد شعبی به روابط شبکه پیچیده (حشد ایران) با حزب‌الله لبنان مربوط است. سابقه حضورِ حزب‌الله لبنان در عراق به دوره اشغالِ این کشور و سال ۲۰۰۳ باز می‌گردد. وزارت خزانه‌داری آمریکا به نام واحد آموزشی (۳۸۰۰) از حزب‌الله اشاره دارد که از سال ۲۰۰۳ به آموزش شبه‌نظامیان عراقی اقدام کرده است. آژانس اطلاعات دفاعی ایالات متحده در گزارش سال ۲۰۱۰ اعلام کرده بود که واحد (۳۸۰۰) با کسب تجارب واحد (۱۸۰۰) برون مرزیِ حزب‌الله، آموزش، تاکتیک، فن‌آوری، تشکیل گروه‌های

کوچک عملیاتی و ساخت مواد منفجره دست‌ساز را طی سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۵ به نیروهای جیش‌المهدی آموزش داده است. (Orleans, ۲۰۱٤: ۱-۲)

آکادمی نظامی ایالات متحده (وست پوینت) نیز در گزارش ویژه مورخ ۱۳ اکتبر ۲۰۰۸ به نقش برجسته واحد (۳۸۰۰) در ایجاد گروه‌های ویژه ضد اشغال در سال ۲۰۰۵ اشاره کرده بود. دلیل پر رنگ شدنِ نقش واحد (۳۸۰۰) بروز و بالا گرفتن تنش بین جیش‌المهدی و گروه ویژه با آموزش دهندگان ایرانی آنان به علت مشیِ پان عرب گروه صدر بود. بنابراین واحد (۳۸۰۰) به عنوان یک ساختار عرب، نقش پررنگی در برقراری ارتباط با نیروهای عراقی پیدا کرد و سید حسن نصرالله روزانه چند ساعت از وقت خود را به رسیدگیِ امور عراق اختصاص می داد. تمرکز فعالیت واحد (۳۸۰۰) تا سال ۲۰۱۱ بر عراق باقی ماند و با خروج آمریکا، حوزه فعالیت این واحد به یمن و آموزش نیروهای انصار الله، منتقل شد.

(Felter and Fishman, ۲۰۰۸: ٦۷-٦۹)

سرتیپ کوین برگنر فرمانده نیروهای چند ملیتی در عراق روز دوم جولای ۲۰۰۷ از تشکیل یک شبکه عملیات های انفجاری[۱] علیه نیروهای آمریکایی در عراق خبر داد. گزارش او مبتنی بر اسناد مکتوب به دست آمده بعد از دستگیری یک تبعه لبنانی عضو حزب‌الله به نام ابوموسی دقدوق بود. او روز۲۰ مارس ۲۰۰۷ به طور همزمان برادران خزعلی (قیس و لیث) در بصره دستگیر شده بود. اسناد ادعایی برگنر مشتمل بر مکاتبات ویژه، دستورالعمل‌های تمرینی و تاکتیکی، برنامه حمله به نیروهای ائتلاف، ساخت بمب‌های کنار جادّه‌ای و هدف قرار دادن بالگردهای آمریکایی بود. برادران خزعلی از اعضاء جدا شده جیش‌المهدی و مؤسس گروه عصائب اهل‌الحق بودند که بر اساس گزارش برگنر در جنوب عراق فعالیت می‌کردند و در وسط عراق با شبکه دیگری به نام شیبانی که توسط ابویاسر شیبانی هدایت می‌شد در ارتباط بودند[۲]. برگنر مدعی بود نیروهای عراقی در قالب گروه‌های۲۰ الی ٦۰ نفره در ایران آموزش می‌بینند و برای اجرای عملیات علیه نیروهای ائتلاف به خاک عراق باز می‌گردند. (Bergner, ۲۰۰۷: ۱-۲۰)

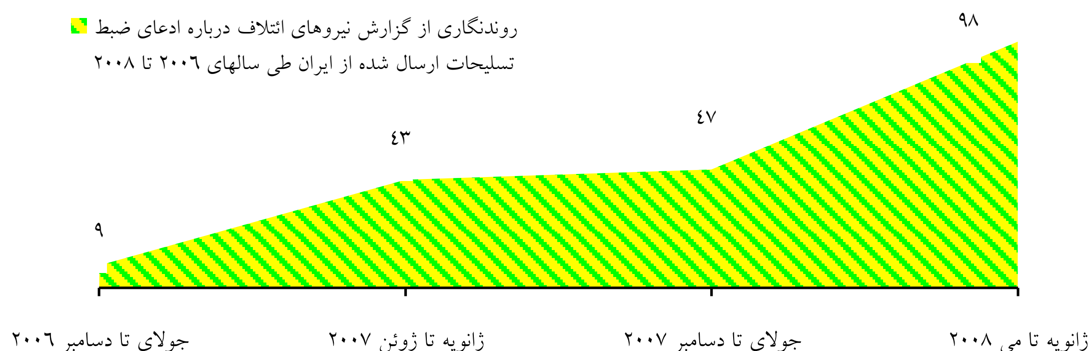
---

۱. Explosively Formed Penetrators, or EFPs

۲. شیبانی روز۲۰ آوریل ۲۰۰۷ دستگیر شده بود و برگنر مدهی بود وی بواسطه «ازهر دلیمی» که روز ۱۹ می ۲۰۰۷ توسط نیروهای آمریکایی در شهرک صدر بغداد کشته شده بود، به طور مستقیم با شخصِ ابوموسی دقدوق و شبکه خزعلی ارتباط داشته است. برگنر مدعی بود ابوزکی و ابوطیبه، افرادی از شبکه شیبانی بودند که به طور مستقیم با قیس خزعلی همکاری می کردند و سرپُل های دیگرِ دو شبکه شیبانی و خزعلی در عراق محسوب می شدند.

نیروهای ائتلاف در عراق مدعی هستند که طی سال‌های ۲۰۰٤ تا ۲۰۰۸، با کمک نیروهای امنیتـی عـراق ۲۰٦۷ محموله مهمات، تسلیحات و بسته‌های انفجاری در عراق کشف کـرده‌انـد کـه مبـداء ارسـال ۱۹۷ محموله از این تعداد، ایران بوده است.(Felter and Fishman, ۲۰۰۸: ۷٥)

نمودار٤-۳- دعاوی ائتلاف درباره ارسال سلاح به عراق



(Felter and Fishman, ۲۰۰۸: ۷٥)

وزارت خزانه‌داری آمریکا، روز ۱۷ سپتامبر ۲۰۰۷، با صدور فرمان اجرایی ۱۳٤۳۸، نام پنج نفر را با اتهـام به خطر انداختن صلح و ثبات در عراق در فهرست افراد و سازمان‌های تروریستی قرار داد کـه نـام اکـرم عباس کعبی عضو وقت جیش‌المهدی و دبیرکل جنبش نجباء در بین آنان بـود. ایـن نهـاد روز ۱۹ نـوامبر ۲۰۱۲، نام ابوموسی دقدوق را به دلیل آموزش نیروهای جیش‌المهدی و عصائب اهل‌الحق برای حمله بـه نیروهای ائتلاف در فهرست سازمان‌ها و افراد تروریستی قرار داد.

(U.s Department of Treasury, ۲۰۰۸ &۲۰۱۲)

روابط حزب‌الله لبنان و گروه‌های عراقی بعد از اشغال عراق نیز ادامه یافت. بر این اساس وزارت خزانـه‌داری آمریکا روز ۲۲ آگوست ۲۰۱۳، نام چهار تن دیگر از فرماندهان ارشد حزب‌الله را ذیل فرمان اجرایـی ۱۳۲۲٤ در این فهرست قرار داد که یکی از دلایل آن کمک به مبارزان عراقی برای حمایت از رژیم اسـد بـود. خلیـل حرب نام یکی از این افراد مندرج در گزارش بود که در می۲۰۱۰ به عنوان مشـاور دبیرکـل حـزب‌الله لبنـان برگزیده شد و وزارت خزانه داری مدعی بود وی مسئول واحد۱۸۰۰ بوده است.[1] این گزارش محمد کوثرانی

---

[1] . براساس گزارش وزارت خزانه داری آمریکا، «خلیل حرب»، از ۱۹۸۸ به ۱۹۹۲ عنوان معاون فرمانده بخش جنوبی لبنان و از سال ۱۹۹۲ تا سال ۱۹۹٤ نیز بـه عنـوان فرمانـده ایـن بخش، مشغول خدمت بوده است. وی از سال ۱۹۹٤ تا ۱۹۹۷، فرمانده عملیات نظامی مرکزی حزب‌الله بوده و از سال ۲۰۰۰، عملیات نظامی حزب‌الله در داخل اسرائیل، اردن، قبرس و

(یک روحانی عراقی تبار) را مسئول فعالیت‌های حزب‌الله لبنان در عراق معرفی کرده بود که شامل آموزش، تامین بودجه، حمایت سیاسی و پیشتیبانی لجستیک گروه‌های شبه نظامی شیعه عراقی بود. این گزارش مدعی بود، کوثرانی عضو شورای سیاسی حزب‌الله به آزادی ابوموسی دقدوق از زندان کمک کرده است. بعد از کوثرانی، نام محمد یوسف احمد منصور و محمد قبلان نیز در فهرست وزارت خزانه داری آمریکا قرار داشت که هر دو از اعضای واحد ۱۸۰۰ و مشغول خدمت در پرونده فلسطین در مصر بودند.

(U.s Department of Treasury, ۲۰۱۳)

روز ١٦ جولای ٢٠١٤، یک ماه بعد از سقوط موصل، حزب‌الله لبنان با اعزام ۲۵۰ نفر از مستشاران سازمان به عراق کمک به نیروهای عراقی در مبارزه با داعش را آغاز کرد. سید حسن نصرالله در مراسم شب هفتم شهید حاج علی فیاض (حاج علاء) سخنانی درباره حضور این فرمانده حزب‌الله در عراق ایراد کرده بود که مؤید از سرگیری همکاری شبکه‌ای حزب‌الله با نیروهای عراقی در مبارزه با داعش بود. دبیرکلّ حزب‌الله لبنان، عراق را سوّمین منطقه حضور حاج علاء بعد از جنوب لبنان و بوسنی قلمداد کرد و در این رابطه گفت:

«برادران عراقی به ما گفتند ما رزمنده نمی خواهیم، فقط فرمانده سازماندهی و مدیریت عملیات می‌خواهیم. باید چه می‌کردیم؟ این مسئله در ما متعین شده بود. شبانه برادرانمان را از سوریه و جبهه های جنوب فراخواندیم. شهید حاج علاء، شهید حاج ابراهیم و زندگانی که معمولا از آن ها نام نمی‌برم از محل مأموریت‌هایشان احضار شدند و با پرواز به بغداد رفتند تا تحت فرماندهی عراق به سازماندهی گروه‌های مردمی بپردازند. حضورمان در عراق نیز بر خلاف کاری که سعودی‌ها در بسیاری از کشورها می‌کنند به خاطر دخالت در دولت، احزاب، انتخابات یا تحمیل گزینه‌ای خاص یا... نبود. تنها به دلیل ادای وظیفه اخلاقی، دینی، شرعی، جهادی، نژادی و عربی بود و هنوز هم برخی برادران ما برای مقابله با داعش آن جا هستند. آیا کسی در جهان هست که بگوید داعش

ترکیه را تحت نظارت داشته است. این گزارش ادعا داشت که حرب در اواخر ماه نوامبر سال ۲۰۰۰، مسئولیت نظارت بر کار مقاومت اسلامی، از جمله کمک به حماس و جهاد اسلامی فلسطین برای قاچاق از سوریه به کرانه باختری از طریق اردن را عهده دار بوده است. در اواخر سال ۱۳۸۲، حرب رئیس واحد عملیات در اردن، اسرائیل، مصر و سوریه بوده که یک شاخه وابسته به شورای جهاد اسلامی حزب‌الله است. در مارس ٢٠٠٦، خلیل حرب به عنوان رابط نظامی با گروه‌های فلسطینی و ایران خدمت کرده و خرید و فروش تقریبا انحصاری با فلسطینی ها و ایران در داخل و خارج عهده دار بوده است. وی در طول تابستان سال ٢٠٠٦ (جنگ۳۳ روزه)، فرماندهی یک واحد عملیات ویژه حزب الله در جنوب لبنان را عهده دار بود. در اوایل سال ۲۰۰۷، خلیل حرب رئیس واحد ۱۸۰۰ حزب‌الله را عهده دار بود که از آن با عنوانِ واحد «ن» یاد می‌شود. این واحد مسئول حمایت از مبارزان فلسطینی و اجرای عملیات حزب‌الله در کشورهای اطراف اسرائیل شناخته شده بود و برای جلسات هماهنگی به ایران و فلسطین سفر می کرد. در فوریه ۲۰۱۱، حرب، فرماندهی فعالیت های فلسطینی برای حزب‌الله را بر عهده گرفت که مسئولیتش، برنامه ریزی حملات نامشخص علیه مقامات اسرائیل در اسرائیل، به تلافی ترور عماد مغنیه رئیس سازمان امنیت خارجیِ سابق حزب‌الله بوده است.

تروریست نیست؟ در هر صورت این خود عراقی‌ها هستند که معادلات نبرد را تغییر می‌دهند. ما به صورت پنهانی به عراق رفتیم و تحت فرماندهی نیروهای مردمی فعالیت می‌کنیم.»

(موقع المقاومهٔ الإسلامیهٔ فی لبنان، ۲۰۱٦)

ادعای همکاری شبکه‌ای گروه‌های اصلی عضو حشد شعبی با ایران و حزب‌الله لبنان و احتمال گسترش یک شبکه از نیروهای تحت نفوذ ایران در غرب آسیا دلیل اصلی نگرانی آمریکا از وجود این سازمان است. مایکل ناتیس کارشناس مسائل نظامی و امنیتی عراق این پدیده را «حزب‌الله سازی»[۱] ساختار امنیتی عراق توسط ایران نام گذاشت. او طی گزارشی که در سال ۲۰۱۵ توسط مؤسسه واشینگتن برای خاور نزدیک منتشر شد، به دولت ایالات متحده هشدار داد که ایران در صورت موفقیت برای حزب‌الله سازی در ساختار امنیتی عراق، قدرت کنترل یک پهنه جغرافیایی با ۳٦ میلیون نفر جمعیت (به غیر مناطق تحت کنترل حزب‌الله در لبنان) و شبکه تولید نفت درآن را حداقل برای مدت یک دهه به دست می‌آورد. او پیش‌بینی کرده بود که حزب‌الله‌سازی منحصر به عراق نخواهد ماند و شبکه عراقی هر چند که از سال ۲۰۱۱ در سوریه نیز حضور داشته است، اما از سال ۲۰۱٦ به طور جدی تعیین سرنوشت این جبهه را برعهده می گیرد و سایر نقاط در منطقه خلیج فارس نیز سرایت خواهد کرد. نایتس با استناد به یک ضرب‌المثل چینی که می‌گوید: «ماهی از سر می‌گندد»، اصلاح ساختار نظامی و امنیتی عراق را با هدف جلوگیری از حزب‌اللهی سازی آن توسط ایران مشروط به اصلاح در سطوح تصمیم‌گیری آن کرده بود. (Knights, ۲۰۱۵: ٦۰)

این چارچوب تحلیلی با اظهار نگرانی فرماندهان سابق و لاحق منطقه مرکزی در وزارت دفاع آمریکا نیز انطباق دارد و بر اساس آن تلاش ایالات متحده برای بازسازی ساختار رسمی عراق یک اقدام طبیعی در قالب مناقشه قدرت محسوب می‌شود که به سختی از مبارزه سیستمی با تروریسم در چارچوب دغدغه‌های امنیتی قابل تفکیک است. بر این اساس حتی می‌توان مقابله با حزب‌الله سازی در ساختار نظامی- امنیتی عراق را فلسفه تشکیل ائتلاف بین‌المللی به فرماندهی آمریکا برای مبارزه با داعش قلمداد نمود یا حداقل این فرضیه را مطرح کرد که آمریکا با استفاده ساز و کارهای مهار و نابودی داعش را معطوف به تقویت ساختار رسمی و تضعیف سازمان حشد شعبی بکار گرفته است.

---

۱. Hezbollahzation

٤-٤- چالش‌های داخلی حشد شعبی

شواهد عینی حکایت از این دارد که ایالات متحده به وضوح تأمین مالی آموزش و تجهیز نیروهای عراقی را در راستای ایجاد موازنه بین نیروهای پیشمرگ، قبایل سُنّی و نیروهای امنیتی با حشد شعبی به کار گرفته است. ارائه طرح سناتور «تورنبِری»[١] با نام «عملیات حل مشکل ذاتی»[٢] موید تلاش آمریکا در همین راستا بود. تورنبری در بحث تخصیص بودجه به دولت عراق برای مبارزه با داعش در سال ٢٠١٦ قیودی را درج کرده بود که در چارچوب «گزاره برگ اختیار عمل در دفاع ملّی»[٣]منتشر شد. این قیود که تا مدت‌ها به اشتباه از آن به مصوبه کنگره آمریکا برای تقسیم عراق به سه کشور یاد شد، در واقع نمادی از تلاش ایالات متحده برای برقراری موازنه به نفع نیروهای پیشمرگه کُرد و سُنی و به ضرر حشد شعبی بود. این طرح به دفتر همکاری‌های امنیتی در عراق برای اعطای ٧١٥ میلیون دلار کمک به نیروهای عراقی برای مبارزه با داعش اختیار داده بود ، اما «تورنبِری» شرطی تعیین کرده بود که براساس آن می‌بایست ٢٥ درصد از این مقدار به طور مستقیم به نیروهای پیشمرگ و سُنی اختصاص می‌یافت. ٧٥ درصد باقی مانده تا زمانی که وزرای کشور و دفاع تعیین کنند که دولت عراق برای فرایند آشتی سیاسی یک نشست قطعی برگزار خواهد کرد، گِرو نگاه داشته می‌شد و در صورت عدم توانایی برای دستیابی به این منظور، ٦٠ درصد باقی مانده بودجه به طور مستقیم به نیروهای پیشمرگ و سُنی تعلق می‌گرفت.
(OIR FACT SHEET, ٢٠١٥: ١٠)

این طرح واکنش شدید نخبگان سیاسی عراق را به دنبال داشت، اما با وجود این «تورنبِری» ضمن محترم شمردن تمام شروط قبلی اذعان داشت که هدف از این مصوبه، دخالت در امور داخلی عراق یا خدشه به استقلال این کشور نیست و در نتیجه این طرح با همان شروط برای سال ٢٠١٦ در کنگره آمریکا تبدیل به قانون شد. (H.R.١٧٣٥, ٢٠١٥: ٧)

در همین راستا ایالات متحده روز ١٣ جولای ٢٠١٦ با اقلیم کردستان توافقی منعقد نمود که به موجب آن مقرر شد آمریکا در چارچوب مبارزه با داعش، بسته‌های حمایتی به ارزش ٤١٥ میلیون دلار را به طور

---

١ . Chairman Thornberry
٢ . Operation INHERENT RESOLVE (OIR)
٣ . NATIONAL DEFENCE AUTORIZATION ACT (FACT SHEET)

مستقیم (نه از طریق دولت مرکزی) به نیروهای پیشمرگ تحویل دهد. نگرانی آمریکا تنها معطوف به تعمیق نفوذ ایران و حزب‌الله در ساختار نظامی و امنیتی عراق نیست، بلکه دایره این نگرانی به گستردگی کل زیر مجموعه امنیتی منطقه‌ای شامات تا پایان حوزه استحفاظی فرماندهی مرکزی در مرزهای اسرائیل با سوریه است. این موضوعی است که در مباحث سوریه به آن خواهیم پرداخت. حشد شعبی به عنوان یکی از ساز و کارهای مهار داعش که ایران از نفوذ نسبی بر آن برخوردار است، علاوه بر اقدامات موازنه ساز ایالات متحده، با مجموعه‌ای از چالش‌های ذاتی در عراق روبروست. بخشی از این چالش‌های پیچیده منبعث از ویژگی موزائیکی جامعه عراق و درگیری‌های قومی مذهبی در این کشور است. بخش دیگری از این چالش‌ها نیز متأثر از احساس نگرانی جریان‌ها و نخبگان سیاسی شیعه لیبرال، ملّی‌گرا و پان‌عرب از گسترش نفوذ ایران در عراق است. البته این نگرانی بواسطه دلایل پیچیده به جامعه شیعیان عراق نیز تسری یافته و بستر مناسبی برای اقدامات بازدارنده جریان‌های سیاسی را فراهم نموده است. مجموعه این چالش‌های ذاتی تسهیل کننده اقدامات آمریکا برای پیشبرد اقدامات بازدارنده در مقابل حشد شعبی است. واکنش سلبی سُنّی‌ها و کُردها به موازات آغاز مشارکت حشدشعبی در پاکسازی اراضی آلوده به داعش آغاز شد. حشد شعبی عملیات پاکسازی را از استان دیالی آغاز کرد که به طور مشترک حوزه نفوذ اقلیم کردستان و سُنّی‌ها بود و در مرحله بعد وارد استان صلاح‌الدین شد که به طور انحصاری یک استان سُنّی نشین محسوب می‌شود. البته ماهیت اعتراض سُنّی‌ها و کردها کاملاً با هم متفاوت بود. بخشی از اعتراض سُنّی ها به اقدامات خلاف قانون منتسب به برخی گروه‌های حشدشعبی از زمینه واقعی برخوردار بود، اما مواضع اقلیم کردستان به طور کامل ناشی از هراس نزدیک شدن حشدشعبی به مرزهای این منطقه و ورود به نقاط تحت کنترل دولت اقلیم کردستان بود. ائتلاف متحدون[1] روز ۱۹ اکتبر ۲۰۱٤، اقدامات حشد شعبی در دیالی و سامراء را تمرینی از قتل و کوچ اجباری مردم بر شمرد و این نوع از عملکرد را تابع شیوه‌های ابداعی داعش در مناطق تحت سیطره‌اش قلمداد نمود و اعلام کرد که فرقی بین

۱ . یکی از مهم‌ترین ائتلاف سُنّی‌ها در پارلمان عراق

عملکرد حشد شعبی و داعش نیست. روند اعتراض سُنّی‌ها تا پایان پاکسازی تکریت و آغاز عملیات در رمادی ادامه یافت.[1] (آزاد، ۱۳۹۵: ۱۱٤–۱۲۱)

روز ۳۱ مارس ۲۰۱۵ دولت مرکزی کنترل تکریت را به دست گرفت و روز ۵ آوریل، «احمد کریم» رئیس شورای استان صلاح‌الدین اعلام کرد که تقریبا تمام نیروهای شیعه از تکریت خارج شده‌اند. بعد از عملیات در صلاح الدین به دستور نخست وزیر از مشارکت مستقیم در عملیات اصلی و حضور در مناطق جمعیتی سُنّی‌ها منع شد. (آزاد، ۱۳۹۵: ۱۱۹)

اقدامات سلبی کُردها علیه حشد شعبی به موازات سُنّی‌ها و در جریان پاکسازی استان دیالی آغاز شد. نیروهای پیشمرگ و حشد شعبی در نبردهای منتهی به پاکسازی استان دیالی در کنار یکدیگر جنگیدند، اما بارزانی از نقش‌آفرینی حشد شعبی در محدوده جغرافیایی نزدیک اقلیم کردستان به شدت نگران بود. به عنوان مثال «کمال کرکوکی» عضو دفتر سیاسی حزب دموکرات کردستان عراق روز ۱۱ فوریه ۲۰۱۵ ، اعلام کرد که اقلیم کردستان وجود حشد شعبی را در مرزهای کرکوک و مناطق مشمول ماده ۱٤۰ قانون اساسی عراق را تحمل نمی‌کند. مسعود بارزانی رئیس اقلیم کردستان نیز روز ۱۱ آوریل ۲۰۱۵ در جلسه ادواری فرماندهی حزب دموکرات کردستان با اشاره به حشدشعبی تاکید کرد که مناطق کُردی داخل محدوده اقلیم کردستان و خارج از آن توسط نیروهای پیشمرگ آزاد خواهد شد و در این رابطه نیاز به حضور هرگونه قوای نظامی یا امنیتی دیگر نیست. شورای رهبری حزب دموکرات کردستان روز ۱۲ آوریل ۲۰۱۵ با سرپرستی مسعود بارزانی نشست دوره‌ای خود را برگزار کرد و در بیانیه پایانی خود دوباره به نفی پذیرش حشد شعبی در مناطق اقلیم کردستان پرداخت:

---

۱ . به عنوان مثال روز ۲٤ نوامبر ۲۰۱٤ ائتلاف قوی یکی دیگر از ائتلاف‌های سُنّی در پارلمان عراق با انتشار بیانیه‌ای، قتل و کوچ اجباری اهالی مناطق سُنی نشین و افزایش فعالیت نیروهای شبه نظامی و مافیایی در مناطق زیر عملیات نظامی و حتی مناطق امن اعلام شده را غیر قانونی و غیر اخلاقی نامید که هدف از اجرای آن تغییر جغرافیای جمعیتی مناطق یاد شده است. روز دوم دسامبر ۲۰۱٤ ، بعد از پاکسازی ۹۷٪ استان دیالی ، «خالد عبیدی» وزیر سُنی دفاع و عضو ائتلاف متحدون، هنگام بازدید از دیالی گفت: «انهدام و آتش سوزی منازل و مساجدی که وی در برخی از شهرهای استان دیالی شاهد آن بوده انتقام جویی های قدیمی است نه اقدامات فنی». بعد از ورود ارتش و حشد شعبی به تکریت، «حسن ندا»، شیخ عشیره «بوناصر» (عشیره صدام)، با اشاره به انهدام ۲۸ خانه متعلق به اعضاء این عشیره و قبر صدام، مجددا با قیاس «حشد الشعبی» و داعش گفت : «داعش مقبره صدام را تخریب نکرد اما حشد الشعبی این کار را انجام داد.» چنین اتهاماتی با غلظت بیشتر از سوی «هیئت علماء مسلمین» نیز وارد شد. این تشکل سُنّی، روز ۱۱ مارس ۲۰۱۵، حشد شعبی را ساختاری مورد حمایت ایران نامید که به تخریب منازل مردم در مناطق سُنی نشین اقدام می‌کند. در اقدام مشابهی شورای شیوخ عشایر انبار نیز «حشد شعبی» را متهم به گلوله باران مناطق مسکونی منطقه کرمه در شمال شرقیِ فلوجه نمود. یحیی سُنبل، دبیرکل این شورا نیز در گفتگو با الجزیره، ایران را متهم به همراهی نیروهای حشد شعبی برای انتقام گیری از اهل سنت عراق نمود. (آزاد، ۱۳۹۵: ۱۱٤–۱۲۱)

«مناطق اقلیم کردستان و همچنین مناطق کردستانی خارج از مرزهای رسمی اقلیم که شامل مناطق مورد مناقشه میان اربیل و بغداد می‌شود، توسط نیروی پیشمرگ آزاد و محافظت می‌شود و نیازی به حضور حشد شعبی در این مناطق نیست.»

مواضع سلبی کردها و حشدشعبی منحصر به درگیری‌های کلامی نبود و در مناطق حضور مشترک دو طرف در استان دیالی به نزاع خونین نیز منجر شد که بدترین نمونه آن در نوامبر ۲۰۱۵ در طوزخورماتو اتفاق افتاد.[۱] بعد از غائله طوزخورماتو، مسعود بارزانی روز ۱۸ نوامبر ۲۰۱۵، با صدور بیانیه‌ای دوباره مواضع سلبی اقلیم کردستان درباره حشدشعبی را اعلام کرد:

«همکاری پیشمرگ و حشد شعبی در مبارزه با داعش به معنی اشغال طوز خورماتو که بخشی از خاک اقلیم کردستان است نیست. تاکید می‌شود در کردستان جایی برای حشد شعبی نیست. پیشمرگ‌ها و آسایش، نیروهای اقلیم هستند و کردستان به هیچ نیروی دیگری نیاز ندارد. بارزانی موافق ورود حشدشعبی به کردستان نیست و کسی در این باره از او اجازه نگرفته است.»

(السومریه نیوز، ۲۰۱۵)

آخرین چالش نیروهای پیشمرگ، حشد شعبی و ارتش عراق زمانی رخ داد که مسعود بارزانی رئیس اقلیم کردستان در هماهنگی با سایر احزاب کُرد تصمیم به برگزاری یک همه پرسی برای اعلام استقلال کردستان عراق گرفت. او علیرغم مخالفت صریح تمام بازیگران (به غیر از اسرائیل و روسیه) با اتکاء به تسلط نیروهای پیشمرگ بر مناطق آزاد شده از کنترل داعش روز ۲۵ سپتامبر ۲۰۱۷ همه پرسی استقلال را به طور نسبی در تمام نقاط تحت سیطره نیروهای پیشمرگ برگزار کرد. این مناطق (شامل منطقه نفتی کرکوک) از این نظر اهمیت داشتند که پیش از آن مورد مناقشه بین اقلیم کردستان و دولت مرکزی بودند. ۹۲,۷۳٪ از شرکت

---

۱. روز ۱۲ نوامبر ۲۰۱۵ یک کاروان گشتیِ حشد شعبی ترکمانی در هنگام عبور از ایست و بازرسی پیشمرگ ها در جاده حولی واقع در قضاء توزخورماتو (۹۰ کیلومتریِ شرق تکریت- شمال بغداد) ، بدون توجه به فرمان ایست عبور کرد و در نتیجه نیروهای پیشمرگ به سمت آنها آتش گشودند. این اتفاق به یک درگیریِ مسلحانه بین طرفین انجامید که در نتیجه آن ۵ نفر از نیروهای هر دو طرف کشته شدند. این بار نیروهای پیشمرگه ای که با حشد الشعبی درگیر شده بودند از واحد یاکری ۷۰ ، وابسته به حزب اتحاد میهنی کردستان بودند و بر همین اساس نیز یکیتی (اتحادیه میهنی) مسئولیت این رخداد را متوجه حشد شعبی دانست. شورای قضا طوزخورماتو روز ۱۳ نوامبر اعلام کرد این درگیری ها ۱۵ کشته برجای گذاشته و به زنجیره ای از سرقت و آتش سوزی در۶۰ محل و۱۰۰ خانه مسکونی در قضاء انجامیده است. جبار یاور وزیر پیشمرگه در این رابطه اعلام کرد که نیروهای حشد الشعبی رئیس بیمارستان طوز خورماتو را به قتل رسانده و به مقرهای حزبی و مواضع امنیتی و منازل حمله کرده اند. بالاخره فرمانده کل قوا (عبادی) برای جلوگیری از تداوم درگیری ها واحدهای امنیتی را به طوز خورماتو اعزام کرد و تا عصر روز ۱۵ نوامبر ، یک هیئت نمایندگی از یکیتی با گردان های حزب الله عراق به مذاکره پرداختند و در نتیجه آن آتش بس بین طرفین برقرار شد و در نهایت همان روز یک کاروان شامل۳۰ خودرو از نیروهای حشد شعبی و نیز نیروهای ضد تروریسم (دیزها تیرور) از یاکری ۷۰ ، برای برقراری امنیت وارد قضاء طوزخورماتو شدند.

کنندگان در همه پرسی به استقلال کردستان رأی دادند. به دلیل اهمیت مسئله برای امنیت ملّی جمهوری اسلامی ایران، حاکمیت این واحد امنیتی سازی حول این مسئله را با شدت آغاز کرد. درحالی که دولت عراق، مرجعیت و جریان‌های سیاسی شیعه با انفعال نسبی در قبال تحرکات اقلیم کردستان تنها به اتخاذ مواضع سیاسی اکتفا کردند، ایران اقدامات همه جانبه برای به عقب بازگرداندن وضعیت را آغاز کرد. منابع داخلی اقلیم کردستان از ۱۳ سفر پیاپی فرماندهی نیروی قدس به عراق و اقلیم کردستان، طی دو هفته بعد از برگزاری همه‌پرسی خبر دادند که با تهدید به اقدام نظامی همراه بوده است. از سوی دیگر نخست وزیر و نماینده مرجعیت اعلی در عراق به طور مکرر از عدم قصد جنگ با اقلیم کردستان سخن می‌گفتند و مسعود بارزانی نیز به مقابله با هر نوع اقدام نظامی تهدید می‌کرد. در نهایت از روز ۱۳ اکتبر ۲۰۱۷ حرکت نظامی نیروهای هماهنگ ارتش، ضدّ تروریسم، پلیس و حشد شعبی به سمت مناطق مورد مناقشه آغاز شد و نیروهای پیشمرگ بعد از مقاومت مختصر برخی واحدهای تحت فرماندهی کوسرت رسول از کرکوک عقب‌نشینی کردند. این روند تا روز ۲۹ آکتبر ۲۰۱۷ ادامه یافت و بعد از عقب راندن نیروهای پیشمرگ از مرزهای ربیعه در حدود سوریه، پیشروی به سمت مرز فیشخابور با توافق طرفین برای استقرار مشترک نیروهای ارتش، پیشمرگ و نیروهای ائتلاف در نقاط مرزی پایان یافت. پایان دادن به روند استقلال اقلیم کردستان و از بین بردن هر نوع نشانه از آن، طرحی بود که مدیریت آن به ایران منتسب شد.

(Cafarella and Kassim, ۲۰۱۷: ۱-۸)

جدول ٤–۱۷– واحدهای مشارکت کننده علیه نیروهای پیشمرگ

واحدهای مشارکت کننده	**شماره لشکر**[۱]	**شماره تیپ**	**استعداد حدودی (نفر)**
واحدهای ارتش	۲۰	۷۱ و ۷۲ از لشکر۱۵، ۷۵ از لشکر ١٦	حداکثر ۷۵۰۰
واحدهای زرهی ارتش	۹	کل لشکر	حداکثر ۳ هزار
پلیس	نامشخص	دو تیپ (نامشخص)	۳ هزار
نیروهای واکنش سریع	نامشخص	دو تیپ (نامشخص)	۳ هزار
نیروهای ضد تروریسم	نامشخص	حداکثر یک تیپ (نامشخص)	۱۵۰۰
حشد شعبی	فاقد لشکر	٦، ۱۱، ١٤، ۲۳، ٢٤، ٢٦، ۳۰، ٤۰، ٤٥، ۵۳، ۱۱۰	۱۵ الی ۱۷ هزار
حشد عشایری	فاقد لشکر	حداکثر یک تیپ (نامشخص)	۱۵۰۰

(Kassim, the ISW Iraq Team, and Cafarella, ۲۰۱۷)

۱ . مشخص نیست چه استعدادی از لشکرهای نهم زرهی و بیستم پیاده از فرماندهی عملیات نینوا در عملیات مشارکت داشته اند، اما در قیاس با استعداد مشارکت کننده از لشکرهای ۱۵ و ١٦ میتوان تخمین زد که حداکثر دو تیپ از این دو لشکر سایر واحدها را همراهی می‌کردند.

مقایسه استعداد نیروهای مشارکت کننده در عملیات بازپس‌گیری مناطق آزاد شـده از داعـش حکایـت از نسبت تقریباً برابر واحدهای حشد شعبی با نیروهای رسمی دارد. این تناسب از استعداد نیروهای رسـمی با انتساب این مدیریت این عملیات به ایران دارای ارتباط منطقی است.

٤-٤-١- قانون گارد ملّی

یکی از چالش‌های حشد شعبی تلاش برای مهار قانونی این ساختار بوده است. جریان سیاسی سُنّی یـک روز بعد از اعلام تشکیل هیئت حشد شعبی خواستار تصویب قانون گارد ملّی در پارلمان شد. سُنّی‌هـا بـا برگزاری یک کنفرانس در اربیل خواستار تسـلیح عشـایر سُـنّی بـه جـای تسـلیح حشدشـعبی و تشـکیل نیروهای دفاعی سُنّی ذیل قانون «گارد ملی» شدند. (الیوم السابع، ٢٠١٤)

ایده گارد ملّی برگرفته از الگوی گارد ملی در ایالات متحده و منطبق بر ترتیبات قانون اساسی عراق برای اجرای فدرالیسم است که برای اولین بـار توسـط بـرت مـک‌گـورک نماینـده دولـت آمریکـا در ائـتلاف بین‌المللی ضد داعش مطرح شـد. وی روز ٢٤ جـولای ٢٠١٤ در کمیتـه روابـط خـارجی سـنای آمریکـا فدرالیسم کارکردی در عراق را به عنوان تنها راه غلبه بر داعش و خروج از بحران حـاکم بـر ایـن کشـور معرفی کرده بود و ایده خود را چنین توضیح داده بود:

> «فدرالیسم به مردم محلی این قدرت را میدهد تا با استفاده کامل از امکانات دولتی نظیر حقوق و مزایا و تجهیزات از مناطق خود کامل محافظت کنند. ذیل این مفهوم ارتش می‌تواند بر حفاظت از مرزهای بین‌المللی متمرکز باشد و در صـورت لـزوم از مبـارزه بـا شـبکه گروههـای تروریسـتی حمایت کند. این رهیافت در پنج اصل ضروری به شرح زیر خلاصه می‌شود:
>
> ١. مردم محلی باید تأمین امنیت مناطق خود را فرماندهی کنند؛
>
> ٢. شهروندان مشارکت کننده در دفاع از مناطق باید از مزایا و منابعی که برای نیروهای گـارد ملّـی تعریف می‌شود بهره‌مند باشند؛

۳. ارتش به ندرت در شهرها مستقر خواهد شد و بر اساس اصول فدرالیسم کارکردی، وظیفه حفاظت از مرزهای بین‌المللی را عهده دار خواهد گردید؛

٤. باید همکاری نزدیکی بین سرویس‌های امنیتی ملی، منطقه‌ای (اقلیم کردستان) و محلی برای کاهش تدریجی فضای عملیاتی داعش وجود داشته باشد؛

۵. دولت فدرال باید به آرامی روی بسته‌ای از اصلاحات کار کند که فرصت اعتراض را فراهم می‌آورد و بهانه فعالیت داعش را از بین می‌برد.» (McGurk, ۲۰۱٤: ۱۰-۱۱)

بنابراین پیشنهاد تهیه پیش‌نویس قانون گارد ملّی به سرعت در پارلمان عراق آغاز شد. بعد از یک دوره بحث در پارلمان که از اکتبر ۲۰۱٤ تا جولای ۲۰۱۵ طول کشید، ائتلاف شیعه در پارلمان برای جلوگیری از سوق یافتن عراق به سمت اجرای قانون اساسی و تشکیل دولت‌های محلی فدرال، برای قانون گارد ملی سه محور به شرح زیر تعیین کردند:

۱. فرماندهی گارد ملّی بر عهده نخست وزیر (فرمانده کل قوا) باشد؛
۲. ممنوعیت صدور دستور عملیات برای دولت‌های اقلیمی
۳. تسلیح گارد ملی در رتبه‌ای پایین‌تر از ارتش و بالاتر از پلیس.

اما جریان سُنّی علاوه بر این محورها با نکات دیگری نیز در پیش نویس قانون مخالف بود. حکیم الزاملی رئیس کمیته امنیتی پارلمان اختلافات موجود بین دو «ائتلاف قوی»[1] و «ائتلاف ملی»[2] را مواردی چون فرماندهی گارد ملی، نحوه تسلیح، چگونگی حرکت نیروها بین استان‌های دیگر و نیز تعیین نسبت نیروها در استان‌های دارای جمعیت ترکیبی مذهبی عنوان کرده بود. نمایندگان شیعه با تعدیل ماده ۱۸ از پیش‌نویس قانون گارد ملی عملا امکان شکل‌گیری نیروی دفاعی محلی که بخشی از پنج شرط مک‌گورک برای ایجاد فدرال کارکردی بود را از بین برده بودند، زیرا بخش به غیر از فرماندهان و نیروهای نخبه بخش اصلی گارد ملی را ذیل عنوان نیروهای احتیاط تعریف کرده بودند که نحوه دعوت از آنها نیز

---

۱ . ائتلاف القوی العراقیهٔ: یک فراکسیون پارلمانی در مجلس عراق است که روز۳۰ ژوئن ۲۰۱٤ به نمایندگی از ٦ استان سنی نشین که اعتراضات در آنها جریان داشت اعلام موجودیت کرده است. این ائتلاف متشکل از متحدون للإصلاح، و العربیهٔ، و الوفاء للأنبار، و دیالی هویتنا و تعدادی نماینده مستقل است.

۲. ائتلاف ملی(تحالف الوطنی): بزرگ ترین ائتلاف بین شیعیان در پارلمان است که از سال ۲۰۰۵ به فرمان آیت الله سیستانی شکل گرفته و در سال ۲۰۱٤ از نوری مالکی برای نخست وزیری عبور کرد.

مشروط به درخواست شورای استانی شده بود که باید از سوی استاندار به فرمانده کـل قـوا ارائـه شـود. مطابق نصٍّ این ماده تعدیل شده، بعد از وقوع یک تهدید امنیتی یا یک فاجعه که دفـع آن فراتـر از تـوان نیروهای امنیتی داخلی و گارد ملی دائمی در استان بود، کُلّ یا بخشی از نیروهای احتیاطِ گارد ملی دعوت به خدمت می‌شدند. این روند مشروط به تصمیمِ فرمانده کل قوا بود. فرمانده کل قوا اختیار داشت پس از ارزیابی درخواست استاندار، کُلّ یا بخشی از نیروی درخواست شده را از نیروهای محلی خود استان یا از استان دیگر تامین نماید و یا آنکه اساسا درخواست استاندار را رد کند.

بنابراین سُنّی‌ها با این محورها مخالف بودند. به عنوان مثال «طلال خضیر الزوبعی» یکی از اعضاء «ائتلاف قوی» روز ۹ جولای ۲۰۱۵ اعلام کرد که پیش‌نویس قـانون «گـارد ملـی» از محتـوی خـالی شـده و تنهـا عناوینی از آن باقی مانده است که «ائتلاف قوی» به آن رأی نخواهد داد، زیرا این قانون با وضعیت فعلـی یک ظلم بزرگ در حق بخش بزرگی از ملت عراق است. او مدعی بود حقوق بخش سُنّی در ایـن قـانون سلب شده و بین جناح های سیاسی بر سر آن اتفاق نظری وجود نـدارد و امکـانی بـرای تصـویب آن در مجلس نیست. (المدی برس، ۲۰۱۵)

فارغ از اختلافات بین نمایندگان شیعه و سنّی پارلمان، آنچه موجودیت حشد شعبی را در معرض تهدیـد قرار داده بود، موادی از پیش‌نویس ۲۲ ماده‌ای قانون گارد ملّی بود که هر دو طرف درباره آن توافق کرده بودند. به عنوان مثال بند پنجم از ماده (٦) پیش‌نویس تصریح کرده بود که سازمان گارد ملی، به تشکیلات یا واحدهای پیاده نظام سبک اطلاق می شود که در چارچوب ساختار و سازمان نیروهـای مسـلح مرتـب شده اند. همچنین ماده (۹) این پیش‌نویس خدمت در گارد ملی را به دو نوع «دائـم» و «احتیـاط» تقسـیم کرده بود که بر اساس بند اوّل از این ماده، خدمت دائم مختصّ عاملین در پست‌های فرمانـدهی، اداری و موقعیت‌هایی بود که نیاز به افراد خُبره و تعداد محدودی از مبارزان داشت. همچنین بر اساس بنـد دوّم از این ماده، خدمت احتیاط عبارت بود از دوره‌های پنج ساله قابل تمدید برای داوطلبانی که بـر اسـاس بنـد (٦) از ماده (۸) متعهد می‌شدند، سالانه به مدت یک ماه در دوره‌های آموزشی شرکت کننـد و پـس از آن مرخّص شوند. (مسودة قانون الحرس الوطنی و تعدیلاته، ۲۰۱۵: ۱۵–۱۷)

بنابراین در صورت تصویب پیشنویس مورد تأیید نمایندگان شیعه پارلمان، امکان تشکیل نیروهای دفاع محلی بر اساس پیشنهاد فدرالیسم کارکردی مک‌گورک از بین می رفت، اما بواسطه انحلال حشدشعبی در ساختار گارد ملی چالش‌های مضاعفی را به شرح زیر برای این ساختار ایجاد می‌کرد:

۱. بند پنجم از ماده (٦)، خطر مستحیل شدن حشد شعبی در ساختار از هم پاشیده ارتش عراق را در پی داشت که ناکارآمدی آن در فروپاشی ژانویه مشخص شده بود. علاوه بر این نهاد تحت نفوذ جمهوری اسلامی ایران را وارد ساختار رسمی ارتش می‌کرد که وزارت دفاع عراق بر آن تسلط داشت و با استانداردهای ایالات متحده بازسازی شده بود؛

۲. بر اساس محتوای ماده (۹)، بخش عمده‌ای از نیروهای حشد شعبی در قالب نیروهای احتیاط به خدمت ادامه می‌دادند که به معنی از هم پاشیدگی بدنه حشد شعبی بود؛

۳. بر اساس بند پنجم از ماده (٦)، استعداد پیش‌بینی شده برای گارد ملی، حداکثر معادل واحدهای پیاده نظام سبک بود که حتی در صورت تبدیل گارد ملی به یک نیروی دائم جایگاهی درجه دوم در سیستم دفاعی عراق داشت و بر اساس ماده تعدیل شده (۱۸) منحصر به یک نیروی دفاعی محلی تحت فرماندهی کل قوا بود.

بنابراین سُنّی‌ها علیرغم اعتراضات اول، تصویب پیش‌نویس قانون گارد ملّی را در دستور کار قرار دادند. سلیم جبوری، رئیس پارلمان و ائتلاف قوی، روز۳۰ آگوست ۲۰۱۵، به طور ناگهانی اعلام کرد که پیش‌نویس قانون گارد ملی روز هشتم سپتامبر ۲۰۱۵ برای تصویب در معرض رأی نمایندگان گذاشته خواهد شد. به موازات این روند مقابله به مثل وابستگان سیاسیِ حشد شعبی در پارلمان آغاز شد[1] و در نهایت با افزایش فشارها،

۱. فراکسیون بدر یک روز قبل از رأی‌گیری اعلام کرد که «گارد ملی» یک قانون آمریکایی است که با فشار سفیر ایالات متحده تدوین شده تا مقدمه‌ای برای تقسیم عراق فراهم شود. البته منظور بلوک بدر در پارلمان، بخشی از قانون «گارد ملی» بود که به تشکیل نیروهای ذاتی برای هر استان ذیل فرماندهی شورای استانی دلالت داشت و مقدمه‌ای برای سوق دادن استان ها به سوی تشکیل فدرال بود. عصائب اهل‌الحق تصویب قانون «گارد ملی» را توطئه‌ای علیه حشد شعبی خواند. لذا با تداومِ کشمکش، روز هشتم سپتامبر ۲۰۱۵، کتائب حزب‌الله عراق، عصائب اهل الحق، کتائب امام علی، جنبش نجباء، لواء صلاح الدین، کتائب جندالإمام، کتائب بابلیون، انصارالله الاوفیاء و کتائب سیدالشهداء در قالب بیانیه‌ای مشترک که از سوی ابوطالب سعیدی، سخنگوی یکی از فرماندهان کتائب حزب‌الله عراق در یک کنفرانس مطبوعاتی قرائت شد به ردّ صریح قانون «گارد ملی» پرداختند. ائتلاف ملی نیز اقدام به یک کنفرانس مطبوعاتی مشترک نمود و در خلال آن «حسن سالم» به نمایندگی از این ائتلاف گفت که تصویب قانون گارد ملی با شکل فعلی توطئه بر علیه حشد شعبی است. در ادامه این روند ، نوری مالکی نیز در یک کنفرانس مطبوعاتی با تأکید بر حساسیت‌های ایجاد شده و اشکالات زیادی که به پیش نویس قانون گارد ملی وارد است از گمان خود مبنی بر عدم تصویب قانون گارد ملی سخن گفت. (آزاد، ۱۳۹۵: ۱۰۹-۱۱۰)

همام حمودی رئیس ائتلاف ملّی در پارلمان، روز هشتم سپتامبر ۲۰۱۵ اعلام کرد کـه تصـویب قـانون «گـارد ملی» از دستور کار پارلمان خارج شده است. (آزاد، ۱۳۹۵: ۱۰۷–۱۱۰)

بعد از خروج قانون گارد ملّی از دستور کار مجلس عراق، نخسـت وزیـر (حیـدرعبادی) روز ۲٤ فوریـه ۲۰۱٦ با صدور دستور دیوانی شماره (۹۱)، با صراحت هیئـت حشدشـعبی و نیروهـای تـابع آن را یـک «تشکیلات نظامی مستقل» اعلام کرد که در آینده از نظر عملکـرد، سـازمان، فرمانـدهی، ارکـان، سـطوح، تیپ‌های عملیاتی و نوع ارتباط با فرماندهی کل قوا، مشابه دستگاه مبارزه با تروریسم خواهد بـود. احمـد الأسدی سخنگوی «حشد شعبی»، همان روز دستور دیوانی (۹۱) را به معنی تبدیل حشد شـعبی بـه یـک ساختار موازی با دستگاه مبارزه با تروریسم تعبیر کرد که با استعدادی معادل۲۰ تیپ همانند نیروهای ضد تروریسم از تسلیحات و آموزش برخوردار خواهد شد و صلاحیت رئیس و معاونان آن معادل صـلاحیت رئیس و معاونان دستگاه ضد تروریسم خواهند بود. (روو‌داو، ۲۰۱٦)

دستور دیوانی (۹۱) به تهیه پیشنویس یک قانون با نام «هیئت حشدشعبی و نیروهای تابع آن» ختم شد که روز ۲٦ نوامبر ۲۰۱٦، با وجود با چالش‌های زیاد[1]، پس از اصلاح عنوان و محتـوا بـا نـام قـانون «هیئـت حشدشعبی» در چهار بخش و سه ماده و هفت بند، با ۲۰۸ رأی از۲۱۰ عضو حاضر در مجلـس در موعـد مقرر به تصویب رسید. (قانون هیاۀ الحشدالشعبی، ۲۰۱٦: ۱)

تصویب این قانون یک گام برای تثبیت وضعیت حشدشعبی محسوب بود که نتایجی نظیـر رسـیدگی بـه وضعیت معیشـت نیروهـا، خـانواده شـهدا و جانبـازان را بـه دنبـال داشـت؛ در مقطـع تصـویب قـانون،

---

۱ . نمایندگان پارلمان عراق روز نهم نوامبر ۲۰۱٦ توافق کردند در جلسـه مـورخ ۲٦ نـوامبر ۲۰۱٦، قـانون «هیئـت حشـد شـعبی» را بـرای تصـویب بـه رأی بگذارنـد. ایـن تصـمیم توسط۱۲۰نماینده از ۱۷۵ نماینده حاضر در جلسه گرفته شد. «ابتسام‌هلالی»، نماینده عضو ائتلاف ملی (شیعه) ادعا کرد که برخی نمایندگان برخی بلوک‌های سیاسی به دلیـل اخـتلاف درباره پیش‌نویس این قانون، حد نصاب تعداد لازم برای رأی گیری (۱٥۰نماینده) در جلسه نهم نوامبر را شکسته بودند و گرنه در همان روز رأی گیری برای تصـویب قـانون «هیئـت حشدشعبی» انجام می‌شد. او پیش‌بینی کرد که ائتلاف ملی با ۱۸۰ عضو قادر است تا در روز ۲٦ نوامبر بدون دخالت سایر بلوک‌های سیاسی این قانون را به تصویب برساند، اما برای این امر نیاز است تا همه اعضاء پارلمان در جلسه حضور داشته باشند. «همام‌حمودی» معاون اول رئیس پارلمان و رئیس ائتلاف ملی نیز تأکید کرد که عزم پارلمان بر این قـرار گرفتـه تـا قانون «حشدشعبی» را تا پیش از تعطیلی تصویب کند. البته «محمدناجی» نماینده سازمان بدر در پارلمان عراق نیز علیرغم اذعان به تشکیک برخی بلوک‌های سیاسی، تصریح کرد که بین اکثریت نمایندگان برای تصویب سریع قانون اتفاق نظر وجود دارد و هیچ شرطی در مقابل این تأجیل یا اتفاق نظر برای تصویب آن پذیرفته نیست. «رعد دهلکی»، نماینده عضو ائتلاف قوا روز ۱۳ نوامبر ۲۰۱٦، اعلام کرد که ائتلاف متبوع وی، «حشد شعبی» را یک «موسسه تابع وزارت دفاع» قلمداد می‌کند نه یک «هیئت‌مستقل» و تحت هیچ شرایط به قانون جدید رأی نخواهد داد. او همچنین با ارجاع به متن قانون گارد ملی، حشدشعبی را مختص استان‌ها قلمداد کرده بود نه کل عراق.

حشدشعبی ۱٤۱٦۰۰ نفر نیروی رزمنده در اختیار داشت که پرداخت حقوق به ۱۱۰هزار نفر از آنـان مقـرر شده بود. (المدی برس، ۲۰۱٦)

بنابراین تصویب قانون هیئت حشد شعبی، به معنی تحقق هشدار فرماندهی وقت منطقـه مرکـزی وزارت دفاع آمریکا (لوید آستین) درباره تبدیل شدن حشد شـعبی بـه یـک سـاختار رسـمی در عـراق بـود، امـا اختیارات و خلاءهایی در این قانون وجود داشت که حتی امکان اضمحلال بدون انحلال ایـن سـاختار را در بعد نظامی نیز فراهم می‌سازد. بر اساس ماده (۲) از بند چهارم قانون، فرمانده حشد شعبی با استناد بـه تبصره «ج» از بند پنجم از ماده (٦۱) قانون اساسی بعد از تعیین توسط هیئت وزیران باید به تأئید مجلـس برسد. بر اساس این بند تعیین رئیس ارکان ارتـش و معاونـانش، فرمانـده لشـکر و بـالاتر از آن و رئـیس دستگاه اطلاعات بعد از معرفی هیئت وزیران تنها با تأیید مجلس میسر است. براساس این بند، فرماندهی حشد شعبی در آینده از کنترل افراد غیرنظامی فعلی خارج می‌شود و در اختیار افراد نظامی قرار می‌گیرد.[۱] (قانون هیاۀ الحشدالشعبی، ۲۰۱٦: ۱)

با توجه به قرار گرفتن حشد شعبی ذیل فرماندهی کل قوا (نخست وزیر)، وضعیت آن را به میزان زیـادی وابسته به شخصیت و گرایش‌های سیاسی شخصی نخست وزیر می‌سازد. این مسئله در کنـار خلاءهـایی نظیر عدم تعیین حداقل استعداد نیروی مشغول در حشدشعبی یا انحصار قـدرت نقـل و انتقـال و توزیـع نیروها در اختیار فرمانده کل قوا ممکن است عملاً شرایطی نظیر مندرجات در پیش‌نویس قانون گارد ملّی برای حشد شعبی فراهم سازد و قانون حشد شعبی را به عنوان ابزاری برای تغییـر ماهیـت، کـاهش نفـوذ ایران، کاهش استعداد، کاهش تحرک و قدرت مانور و در نتیجه انحلال رسمی این ساختار تبدیل نمایـد. البته چنین اختیاراتی قبل از تصویب قانون نیز وجود داشت و نخست وزیر بواسطه آن جغرافیای عملیات حشد شعبی را مهندسی نمود و قـدرت مـانور آن را محـدود سـاخت. بنـابراین احتمـال دارد کـه چنـین

---

۱. در زمان تصویب قانون «ابومهدی مهندس» و «هادی عامری» دو فرمانده حشد شعبی افراد نظامی نبودند، ضمن اینکه آنان ریاست «شورای مشورتی مقاومـت اسـلامی» را بـر عهـده داشتند که ۱۰ نفر دیگر از اعضاء حشدشعبی نیز در آن عضویت داشتند، که هیچکدام افراد نظامی نبودند. این افراد عبارت بودند از: «هاشم بنیان الولائی» دبیرکل گردان‌های سیدالشهدا، «قیس‌هادی خزعلی» دبیرکل عصائب اهل‌الحق، «اکرم عباس کعبی» دبیرکل جنبش حزب‌الله النجباء، «احمداسدی» دبیرکل جنـبش جنـدالامام، «حسـن سـاری» فرمانـده سـرایا الجهـاد، «شبل‌زیدی» دبیرکل گردانهای امام علی، «حسن مونس عبودی» فرمانده گردان‌های حزب‌الله‌عراق، «علی یاسری» فرمانده سرایا الخراسانی، «عـدنان ارمـیض شـحمانی» فرمانـده سـرایا التیارالرسالی و «معین کاظمی» عضو مجلس مشورتی سازمان بدر.

تصمیماتی بعد از بازگشت ثبات نسبی به عراق تشدید شود و حشد شعبی با استفاده از ترتیبات قانونی ایجاد شده بدو آنکه منحل شود عملاً تا مرز انفعال تضعیف گردد.

٤-٥- بررسی موردی: تأثیر رویکرد فرماندهی کلّ قوا بر وضعیت حشد شعبی

تأثیر نقش نخست وزیر در جایگاه فرماندهی کل قوا و نهادهای وابسته به آن بر قدرت مانور حشد شعبی و نفوذ ایران در این ساختار مسئله مهمی است که بدون بررسی موردی ملموس نخواهد بود. تحلیلهای رایج درباره نفوذ جمهوری اسلامی ایران در عراق با نوعی اغراق و بی‌توجهی به ماهیت جریان‌های عراقی شیعه و رویکرد آنها به مسائل ایدئولوژیک مورد توجه جمهوری اسلامی ایران همراه است. عمده تحلیل‌گران بدون توجه به اختلافات بنیادین درباره ولایت فقیه، دشمنی با آمریکا، مسئله فلسطین و دشمنی با اسرائیل در حال ترویج این ادبیات هستند که نفوذ جمهوری اسلامی ایران بر بستر اشتراکات مذهبی با شیعیان عراق بدون وقفه در حال افزایش است. (خلخالی، عباسی، ۱۳۹۲: ۱-۲۳)

حزب‌الدعوه اولین حزب سازمان یافته شیعه اسلامی عراقی است که ٦٠ سال از تاریخ تأسیس آن می‌گذرد. این حزب محور ائتلاف‌های سیاسی شیعیان بعد از سقوط صدام بوده و علیرغم تضعیف این جایگاه به دلیل اختلافات جریان‌های اسلام‌گرای شیعه، جایگاه نخست وزیری را به طور مستمر در اختیار داشته است. واقعیت اینجاست که ساختار این حزب هیچ‌گاه التزامی به ولایت فقیه نداشته و حتی اعتقادی به تبعیت از مرجعیت دینی نیز در کادر سیاسی آن وجود ندارد.[1]

---

۱ . در کنگره ۱۹۸۲ حزب الدعوه اقدام به تعریف جایگاه جدیدی به نام «فقیه الدعوه» نمود. در کنگره عمومی ١٩٨٤ منصب فقیه الدعوۀ نیز از اساسنامۀ حزب حذف و به جای آن شورای فقهی به ریاست سید کاظم حائری و عضویت محمد مهدی آصفی و محمدعلی تسخیری تشکیل شد. اما پس از مدتی بین شورای فقهی و اعضای رهبری حزب اختلاف افتاد. سید کاظم حائری معتقد بود که شورای فقهی باید رهبری حزب را در دست داشته باشد. اما اعضای رهبری ، شورا را صرفاً مرجعی برای حل مسائل دینی می‌دانستند. بر همین اساس می توان گفت اولین شکاف بین حزب الدعوه ، حول محور ولایت فقیه و شورای فقهی شکل گرفت و به طور مشخص ، حزب را به دو خط کاملا متمایز تقسیم نمود. یک خط عبارت بود از «شیخ محمد مهدی آصفی» که بر انحلال شورای فقهی و اتکاء به فقیه تاکید داشت و بقیه اعضاء که بر شورای فقهی تاکید داشتند. در واقع این مسئله مبنای پراکندگی اعضای رهبران از حول محور مرکزی حزب شد که عمده آنان بعد از این وضعیت ، حول محور آیت الله سید محمد حسین فضل الله جمع شدند که یکی از اعضاء جدا شده حزب الدعوه محسوب می شد. این روند به مهاجرت اغلب اعضاء حزب به اروپا با مرکزیت لندن شد. دو پارگی عقیدتی به چند پارگی جغرافیایی اعضاء حزب الدعوه در چهار بخش منجر شد:

۱. داخل عراق ، هورهای جنوب و کردستان عراق

۲. جمهوری اسلامی ایران که همچنان محل استقرار دبیر کل بود

۳. کشورهای خاورمیانه به خصوص سوریه و لبنان

٤. اروپا با مرکز ثقل لندن

سرانجام در۱۱دی ١٣٦٦ (اول ژانویۀ ١٩٨٨) برای حل اختلافات کنگره‌ای در تهران بر پا شد. در این کنگره ، اکثریت به لغو شورای فقهی رأی دادند. بنابراین ، اعضای موافق بقای شورای فقهی به رهبری سید کاظم حائری از حزب منشعب شدند و حزب الدعوۀ الاسلامیۀ –المجلس الفقهی را تأسیس کردند که بعدها به حزب الدعوۀ الاسلامیۀ ولایۀ الفقیه تغییر نام داد. در نتیجۀ این اختلافات

تقریباً تمام عمر حشد شعبی در دوره نخست‌وزیری حیدرعبادی و تصـدی جایگـاه فرمانـدهی کـل قـوا توسط وی سپری شده است. او یکی از اعضـاء اصـلی شـاخه لنـدن و منتقـدین جـدی حضـور و نفـوذ جمهوری اسلامی ایران در عراق است. عبادی روز ۱۳ ژوئـن ۲۰۱۵ در مراسـم دومـین سـالگرد تأسـیس حشد شعبی طی سخنانی که از سوی افکار عمومی تحت عنوان اعتراض به نفوذ جمهوری اسلامی ایـران در حشد شعبی تعبیر شد گفت:

«حشد شعبی، حشد عراقی است و این غیر ممکن است که یک غیر عراقـی بـر روی زمـین عـراق بجنگد. تاکید می‌کنم که حشد شعبی تحت فرماندهی دولت عراق و جزئی از منظومـه امنیتـی عـراق است. همانا گام بعدی حکومت بعد از داعش که به اذن خدا با پیروزی همراه خواهـد بـود، معرفـی بخشی از به اصطلاح حشد شعبی است که به اسم شیعه خطا و ظلم کردند.»

(جهاز الأمن الوطنی: ۲۰۱۵)

رویکرد منفی عبادی درباره نقش هدایت‌گر ایران در حشد شعبی معطوف به اعلام مواضـع نبـوده و مشـمول بازدارندگی عملی نیز هست. تلاش برای تعدیل توزیع جغرافیایی و بازسازی نیروهای رسمی یـک شـاخص کلی برای قضاوت محسوب می‌شود، اما روندهای موردی وجود دارند که به وضوح کش‌مکـش اسـتراتژیک بین نخست وزیر عراق و حشد ایران را به نمایش می‌گذارند. یـک بررسـی مـوردی در ایـن رابطـه، واکـنش حیدرعبادی به کُنش گروه‌های حشد شعبی در حرکت به سوی مرز سوریه است.[۱]

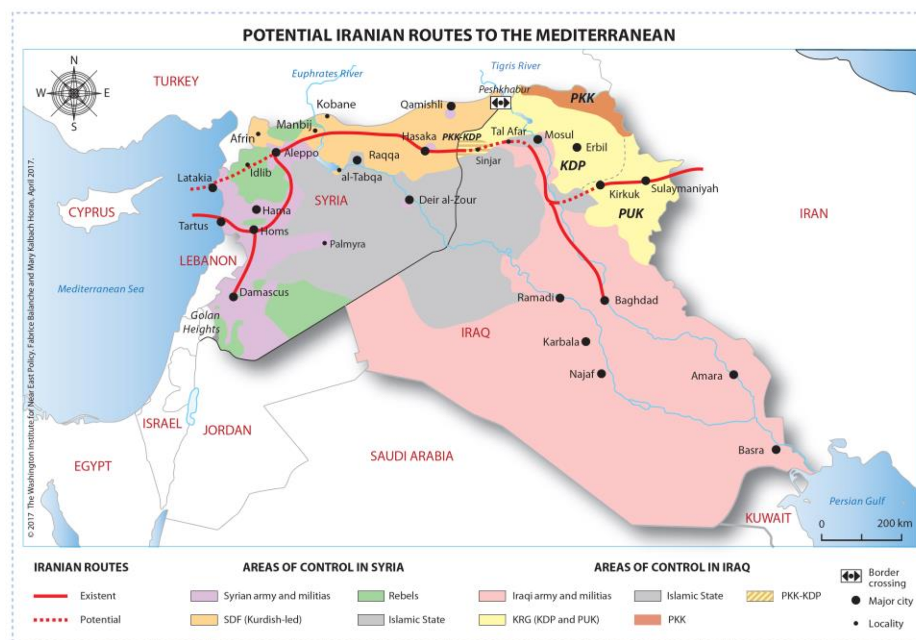
بعد از آغاز بحران و جنگ داخلی در عراق و سوریه، کنترل ٦٤ هزار کیلومتر مربع از خاک ایـن دو کشـور از اختیار دولت‌های مرکزی دو کشور خارج شد. بخشی از این اراضی در بیابان جزیره واقع شده بود که پوشش دهنده استان‌های انبار و نینوا در عراق و حمص در سوریه بود که بخش مهمی از نتایج آن شامل قطع ارتبـاط

، محمد آصفی در کنگرۀ عمومی حزب در ۱۹۸۹ از سخنگویی حزب کناره گیری کرد و اعضای حزب ضمن حذف منصب سخنگو، به جای آن دفتر سیاسی را تشکیل دادند که علی ادیب در ایران ، ابراهیم جعفری در لندن و نوری مالکی در سوریه سه سخنگوی آن بودند. در سال ۱۹۹۷ اختلافات حزبی دربارۀ میزان دخالت و مشارکت فقها در امور حزبی به وضع بحرانی رسید شیخ آصفی بر اجرای شروط ٦ گانه ای تاکید داشت که مهمترین آنها شامل تعیین یک نماینده برای آیت الله خامنه‌ای در حزب و تشکیل یک کمیته ناظر بر اجرای امور تنفیذ شده از سوی مقام ولایت بـود. در نتیجه پافشاری آصفی بر اجرای شروط ، شعله های اختلاف درون حزب چنان افروخته که الدعوه را به چهار جریان مشخص تقسیم کرد. مهمترین جریان شامل محسن ادیب و مهـدی العطـار و عبدالحلیم جواد الزُهَیری بود که با دخالت فقها در کار حزب مخالف بودند. این با شاخه های حزب که در داخل عراق مستقر بودند ، اعم از هورها و شمال و اعضاء حزب در خاورمیانه و اروپـا ارتباط و اشراف داشتند که مهم ترین آنها کمیته رهبری ابراهیم جعفری بود.

(الخرسان، ۱۹۹۹: ٤۱۹-٤۱۰)

۱ . این موضوع همانند سایر موضوعات طرح شده در این پژوهش دارای تراوش به حوزه سوریه است؛ لذا ناگزیر از تقسیم جزئیات یک موضوع واحد بین دو حوزه و پرداختن به هر بخش در موقع مقتضی هستیم.

زمینی رسمی و امن جمهوری اسلامی ایران و سوریه بود که از طریق جاده بین‌المللی بغداد– دمشق و نقـاط مرزی تنف– الولید میسر می‌شد. بعد از تسلط حزب اتحاد دموکراتیک بر جغرافیای کُردی سـوریه در شـمال این کشور، تبلیغات گسترده‌ای با این مضمون آغاز شـد کـه ایـران بـا اسـتفاده از نیروهـای حشـد شـعبی و «پ.ک.ک» درصدد اتصال به دریای مدیترانه با استفاده از این جغرافیاست. این تبلیغات مدعی بودند کـه بعـد از پاکسازی داعش از اراضی باقی مانده در کرکوک و تلعفر، ایـران قـادر خواهـد بـود از مسـیر سـلیمانیه – کرکوک به سنجار و مرز پیشخاپور به حسـکه، حلـب و سـپس ادلـب و سـپس بنـدر لاذقیـه راه یابـد. البتـه گزارش هایی از این دست با در نظر گـرفتن مـوانعی نظیـر مخالفـت حـزب دمـوکرات کردسـتان و ترکیـه، ناپیوستگی جغرافیای کُردی در سوریه، حضور معارضین در ادلب و نیروهای آمریکا در شرق سوریه، دستیابی ایران به این مسیر را یک برنامه طولانی مدت ارزیابی می‌کردند. (Balanche, ۲۰۱۷: ۱-۳)



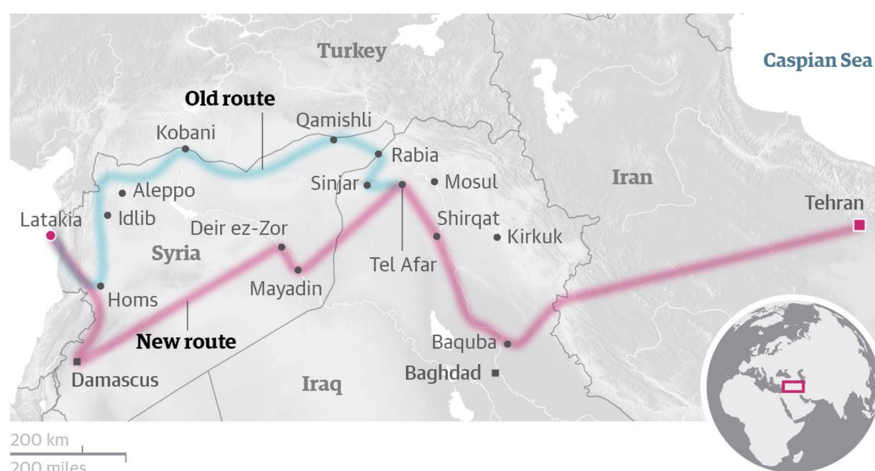
نقشه ٤–١– مسیر ادعایی دسترسی ایران به مدیترانه

این روند از ۲۵ آوریل ۲۰۱۷ و اعلام آغاز عملیات محمد رسول‌الله (۲) توسط حشد شعبی تغییر کـرد، زیـرا حشد شعبی اعلام کرده بود که مرحله سوم از این عملیات، دستیابی به مرز سوریه و سپس حرکـت تـا شـهر مرزی قائم است.[1] روز ۱٦ می۲۰۱۷، انتشار یک گزارش در روزنامه گاردین لنـدن دسـت‌آویـز ایجـاد مـوج

---

۱ . هادی عامری سه مرحله عملیات محمد رسول‌الله (۲) را به شرح زیر اعلام کرده بود :

جدید رسانه‌ای شد که ادعا داشت ایران در حال جایگزین کردن یک مسیر جدید برای دست‌یابی به مدیترانه است که از تهران به بعقوبه، شرقاط، تلعفر، سنجار در عراق متصل می‌شود و سپس مسیر ایران را در سوریه از المیادین به دیرالزور و سپس دمشق به بندر لاذقیه می‌گشاید. در این گزارش به نقل از برخی مسئولین عراقی ادعا شده بود سرلشکر سلیمانی فرمانده نیروی قدس از تجمع نیروهای آمریکایی در شمال شرق سوریه نگران است، زیرا این حضور طرح اتصال به مدیترانه از جغرافیای کردی را با مشکل روبرو می‌سازد. گاردین همچنین ادعا داشت سرلشکر سلیمانی با همکاری هادی عامری (فرمانده عملیات در حشد شعبی) در تلاش برای یکسره کردن سریع کار در بعاج هستند که گفته می‌شود طی سه سال گذشته محل استقرار بغدادی بوده است. منابع عراقی در گفتگو با گاردین ادعا کرده بودند، مجریان این طرح تلاش دارند بعد از پاکسازی بعاج، قبل از آمریکا به میادین و دیرالزور برسند تا مسیر جایگیزین جغرافیای کُردی برای اتصال به مدیترانه ایجاد شود. (The guardian, ۲۰۱۷)



نقشه ٤-٢- نقشه منتشرشده توسط گاردین

از سوی دیگر ماهیّت واحدهای مشارکت کننده در عملیات محمد رسول‌الله (۲)، این فرضیه که نیروی قدس در حال استفاده از حشد شعبی برای عملیات در سوریه و حفظ پیوستار جغرافیایی محور مقاومت را تقویت کرده بود.

۱. حرکت به سمت مرزهای عراق و سوریه از سنجار به قیروان و سپس از جنوب به سمت فرودگاه «ثری‌کراح»؛
۲. آزادی روستاهای تل‌القصب، عدنانیه، القحطانیه و روستاهای رمبوس شرقی و غربی، قابوسیه، حاتمیه و بسک جنوبی و شمالی؛
۳. عملیات موازی جداسازی حومه بعاج و روستاهای اطراف و پاکسازی روی نوار مرزی از ام‌جریص تا قائم. (بدر، ۱۳۹٦: ۱۷)

جدول ٤– ١٨– تحلیل ترکیب واحدهای حشدشعبی در عملیات محمد رسول‌الله (٢)

شماره تیپ	نوع ارتباط تیپ‌ها و گروه‌ها[1]	ارتباط با نیروی قدس
(٤٢)	عصائب اهل‌الحق	+
(٢)	فرقة الإمام علی‌القتالیة	–
(١١)	لواء علی الأکبر	–
(١٤)	کتائب سید الشهداء	+
(١٣)	لواء الطفوف مرتبط با عتبه حسینی(ع)	–
(١٨)	سرایا الخرسانی	+
(٤٠)	کتائب الإمام‌علی	+
(٨)	سرایا العاشورا[2]	+
(٢٦)	فرقة العباس القتالیة	–

(Longwarjournal, ٢٠١٧)

با وجود تبلیغات درباره اجرای استراتژی ایران توسط حشد شعبی، حیدر عبادی سازمان اطلاعات و امنیت تلاش می‌کردند همه چیز را تحت کنترل نشان دهند. به عنوان مثال روز نهم می ٢٠١٧، حیدر عبادی در جریان سفر به کربلا، از آغاز عملیات پاکسازی صحرای غربی استان انبار خبر داد و در این رابطه گفت:

«عملیات نظامی در غرب انبار و در مجاورت مرزهای سوریه از روز هفتم می ٢٠١٧ آغاز شده است؛ مرزها به طرف سوریه در کنترل داعش است و ما تلاش داریم توسط نیروهای امنیتی عراق به تأمین این مرزها بپردازیم.» (السوریة نت، ٢٠١٧)

روز ١٨ می٢٠١٧، «فالح فیاض رئیس سازمان امنیت ملی عراق طی دیدار با بشار اسد در دمشق، پیام شفاهی حیدر عبادی درباره تلاش هماهنگ برای مبارزه با داعش در حدود مرزی دو کشور را ابلاغ کرد و دو طرف درباره گام‌های عملیاتی و میدانی برای همکاری ارتش‌های عراق و سوریه در راستای مبارزه مشترک با تروریسم صحبت کردند. (سانا، ٢٠١٧)

حشد شعبی روز ٢٩ می٢٠١٧ به ١٤ کیلومتری مرز سوریه در استان نینوا رسید. همان روز حیدر عبادی برای بازدید از نیروهای اتاق عملیات «قادمون یا نینوی» به موصل عزیمت کرد و بعد از ملاقات با ابومهدی مهندس، رسیدن نیروهای حشدشعبی به مرز سوریه را پیروزی بزرگ قلمداد کرد. «احمد اسدی»

---

١ . این تحلیل توسط ژورنال جنگ طولانی وابسته به مؤسسه دفاع از دموکراسی ارائه شده است. مبنای تحلیل دعاوی خود گروه‌هاست که با انتشار ویدئوها و تصاویر انجام شده است.

٢ . ارتباط با نیروی قدس بواسطه کاظم جابری فرمانده تیپ

سخنگوی حشد شعبی نیز بدون اشاره به هر گونه احتمال عبور نیروها از مرز به ذکر این جمله اکتفا کرد که دسترسی نیروهای حشد شعبی به مرزهای سوریه، انگیزه ارتش عربی سوریه را برای تأمین مرزها افزایش خواهد داد. روز ۳۰ می ۲۰۱۷، «ریزان کلو» رئیس هیئت دفاعی خودگردانی دموکراتیک سوریه نزدیک شدن ایرانی‌ها و حشد شعبی به مرزهای سوریه را در راستای نتیجه‌بخشی به گام‌های قبلی برای تکمیل هلال شیعی در خاورمیانه و شکل‌گیری تهدیدی برای خودگردانی دموکراتیک ارزیابی و اعلام کرد کرد که خودگردانی دموکراتیک مانع نزدیک شدن حشدشعبی به مناطق خود خواهد شد. همان روز «سیوان ابراهیم»، فرمانده نیروهای آسایش(دستگاه امنیتی حزب اتحاد دموکراتیک) با برگزاری یک کنفرانس خبری در شهر قامشلی، اعلام کرد که یک سیستم دفاعی در روژاوا واقع در شمال سوریه برای مقابله با پروژه ایرانی که توسط رژیم بعثی و شبه نظامیان شیعه حمایت می‌شود راه اندازی شده است. در ادامه این روند شیخ «رافع عقلةالرجو»، نائب رئیس شورای عالی قبایل و عشایر سوریه، ضمن طرح ادعای ورود حشدشعبی به خاک سوریه شده و کنترل روستاهای هم مرز با عراق تهدید به مقابله به مثل با این نیروها کرد. طرح این ادعا احمد اسدی سخنگوی حشدشعبی را وادار به واکنش کرد. او ضمن تکذیب ورود به خاک سوریه، اعلام کرد که حشدشعبی در رابطه با امور خارج از مرز هیچ وظیفه‌ای ندارد. اما شدت شایعات باعث شد اسدی در نوبت دیگری تأکید کند، خروج هر بخش از نیروهای مسلح عراقی از مرزها، اعم از ارتش، نیروهای مبارزه با تروریسم و حشدشعبی نیازمند مصوبه مجلس است و تمام این نیروها تحت امر فرماندهی کل قوا هستند. (بدر، ۱۳۹۶: ۱۹-۱۷)

با افزایش تنش، حیدر عبادی ضمن اشاره به توافق فرماندهی عملیات مشترک برای تأمین مرزها توسط نیروهای حشدشعبی، تصریح کرد:

> «این طرح زیر نظر مستقیم فرماندهی کل قوا انجام می‌شود. به دولت‌های هم‌جوار پیام دادیم نیروهای عراقی تحت فرماندهی واحد قرار دارند.» (مدیریة اعلام الحشد الشعبی، ۲۰۱۷)

علیرغم تصریح فرماندهی کل قوا (عبادی)، روند پروپاگاندای رسانه‌ای با انتشار تصاویر سرلشکر سلیمانی در میان گروه‌های عراقی عضو حشد شعبی که در داخل خاک سوریه مستقر بودند افزایش یافت. این گزارش‌ها با این ادعا که فرمانده نیروی قدس در نزدیکی مرز سوریه استقرار پیدا کرده است به تبلیغات

درباره ورود قریب الوقوع حشدشعبی به سوریه دامن می‌زدند. بنابراین «حیدر عبادی» نخست وزیر عراق روز چهارم ژوئن ۲۰۱۷ در دیدار با علمای سُنّی و شیعه عراق مخالفت صریح خود با عملیات نیروهای عراقی در خارج از مرزهای این کشور را اعلام کرد. در این رابطه پایگاه اطلاع رسانی نخست وزیری عراق، سه جمله کوتاه از عبادی منتشر کرد که در رسانه‌های سوری تحت عنوان «وتوی عبادی علیه حرکت حشد شعبی به سوریه» باز نشر داده شد. بر این اساس نخست وزیر و فرماندهی کل قوا در رابطه با خروج نیروهای عراقی از مرزهای این کشور گفت:

«ما نمی‌خواهیم نیروهایمان و فرزندانمان در جنگی خارج از مرزها مشارکت کنند؛ ما نمی‌خواهیم امنیت دولت‌ها را متزلزل کنیم؛ قانون اساسی ما اجازه چنین کاری را نمی‌دهد.»

(المکتب الإعلامی لرئیس الوزراء، ۲۰۱۷)

در شرایطی که حشدشعبی در ۱۸۰ کیلومتری قائم در مرز عراق و سوریه استقرار یافته بود، ژنرال «سرگی رودسکوی» فرمانده عملیات اصلی در وزارت دفاع روسیه رأس ساعت ۱۷:۰٤روز ۹ ژوئن ۲۰۱۷ اعلام کرد که نیروهای ارتش سوریه با همراهی نیروهای ویژه روس از مسیر٤۰ کیلومتری جنوب روستای البودۀ (الجودۀ) و (بئر سجری) به حدود مرزی عراق دست یافته‌اند. این رخداد بعد از ۲۳ روز درگیری نیروهای مقاومت در سوریه با نیروهای ائتلاف اتفاق افتاده بود و نتیجه آن افزایش فشار تبلیغات درباره صحت فرضیه مشارکت حشدشعبی در اجرای طرح ایران بود.[۱]

بنابراین وجود آنکه دولت عراق و حشدشعبی پاکسازی مرز عراق تا قائم را به عنوان مرحله سوم از عملیات محمد رسول‌الله (۲) اعلام کرده بودند ابومهدی مهندس روز ۹ ژوئن ۲۰۱۷، ناگهان از پایان مأموریت حشدشعبی در غرب موصل خبر داد. نخست وزیر عراق روز ۱۸ ژوئن ۲۰۱۷ در کنفرانس مطبوعاتی هفتگی

---

۱ . حضور گروه‌های عراقی عضو حشدشعبی در سوریه یکی از دست‌آویزهای مهم برای دامن زدن به فرضیه عبور حشد شعبی از مرز عراق و ورود به سوریه بود. به عنوان مثال تعدادی از این گروه‌ها در سال ۲۰۱۷ و در جریان تلاش محور مقاومت برای دسترسی به مرز تنف در کنار نیروهای فاطمیون و (لواء سیده رقیه و لواء امام الباقر از دفاع وطنی) می‌جنگیدند. ژورنال جنگ طولانی گزارشی از فعالیت این نیروها در کنار سرلشکر سلیمانی منتشر کرده بود که براساس اخبار منتشر شده توسط خود گروه‌ها تنظیم شده بود. در این گزارش نام گروه‌های عراقی «کتائب سیدالشهداء»، «سرایاالجهاد» (یکی از شاخه‌های نظامی مجلس اعلی)، «انصارالولایه فی‌العراق و السوریه» و «حرکه النجباء» دیده می‌شد. ابوآلاء الولائی دبیرکل گردان‌های سیدالشهداء روز هفتم می ۲۰۱۷، در گفتگو با خبرگزاری تسنیم ضمن اشاره به حضور نیروهای این گروه و دو گروه دیگر عراقی (کتائب امام علی(ع) و حرکه الابدال) در سوریه تصریح کرده بود که آنها همراه با حزب‌الله لبنان و ارتش سوریه از سه محور به سمت مرز تنف در حرکت هستند. «ابوآلاء الولائی» در ادامه با توصیف سه محور قرینه در عراق تأکید کرد که نیروهای عراقی همانند بخش سوری بعد از آزادی دو محور قیروان و بعاج در محور سوم به برادران خود در مرز سوریه و عراق خواهند رسید و فرصت جدایی عراق و سوریه را از آمریکا خواهند گرفت. (بدر، ۱۳۹٦: ۲۰)

خود طی اظهاراتی بی‌سابقه به نافرمانی فرماندهان حشد شعبی از اوامر خود اشاره کرد و کنایه‌هایی به کار برد که همه مخاطب آن را ایران قلمداد کردند. او با اشاره به فرمان خود به حشد شعبی برای محاصره اطراف تلعفر در استان نینوا گفت:

«با گذشت چهار ماه از صدور دستور من برای قطع مسیرهای امدادی داعش، نیروهای حشد شعبی گام متفقی را برای محاصره حومه تلعفر برنداشته‌اند، من می‌دانم چرا بعضی از فرماندهان حشد شعبی در این محور تحرکی ندارند و به آنها نیز ابلاغ کردم که من از دلیل سکوت و حرکت شما به سمت دیگر مطلع هستم.» (المکتب الاعلامی لرئیس الوزراء، ۲۰۱۷)

نخست وزیر عراق پیش از این نیز به دفعات متعدد ورود نیروهای عراقی به سوریه را نفی کرده بود حیدرعبادی روز ۲۲ نوامبر ۲۰۱٦، در یک کنفرانس خبری تصریحات درباره مشارکت حشد شعبی برای حمایت از سوریه را ناشی از یک برداشت غلط ارزیابی کرد[1] و گفت:

«برای ما آزادی اراضی عراق و تأمین امنیت داخلی مهم است، ما نمی‌خواهیم بخشی از یک جنگ در خارج از عراق باشیم، ما خواستار نابودی داعش و تأمین امنیت مرزهای سوریه است و در این رابطه با کل دولت‌های منطقه همکاری خواهیم کرد، برای ما ثبات مرزهای عراق و سوریه اهمیت دارد و امیدواریم که حکومت سوریه مرزهای خود و منافذ آن را کنترل کند.»

(المکتب الاعلامی لرئیس الوزراء، ۲۰۱٦)

حیدر عبادی روز ۲۹ نوامبر ۲۰۱٦ طرح برخی نمایندگان مجلس و فرماندهان حشد شعبی برای ایجاد یک مربع امنیتی در داخل خاک سوریه برای جلوگیری از ورود نیروهای داعش به عراق را ردّ و تصریح کرده بود که ورود نظامی عراق به سوریه و فکر تشکل مربع امنیتی مطرح نیست. او در نهایت روز۲۰ دسامبر ۲۰۱٦ ضمن دعوت از تمام گروه‌های عضو حشدشعبی برای پیروی از سیاست دولت در راستای پرهیز از مداخله در امور داخلی دیگر کشورها گفته بود: «طرف‌های عراقی که در سوریه می‌جنگند نماینده ما نیستند.»

(المکتب الاعلامی لرئیس الوزراء، ۲۰۱٦)

۱. هادی عامری، در یک کنفرانس خبر اعلام کرد که حکومت سوریه به ریاست بشار اسد از فرماندهان «حشد شعبی» دعوت کرده است تا بعد از تکمیل آزادی عراق از دست داعش وارد سوریه شوند، او بر همین اساس تصریح کرد که رزمندگان «حشد شعبی» بعد از آزادی عراق وارد سوریه خواهند شد.

پرهیز عراق از ورود به درگیری های منطقه‌ای و بین‌المللی گزاره‌ای است که بارها از سوی حیدر عبـادی مطرح شده است. او به طور خاص در مکالمه تلفنی با ترامپ رئیس جمهور آمریکا بـر ایـن نکتـه تأکیـد کرد. بر همین اساس نیز دولت عراق با خروج حشد شعبی از خاک عراق و بازی در چارچوب استراتژی امنیتی جمهوری اسلامی ایران مخالف است. رابطه با ایالات متحده بیش از آنکه مطلوب طرف آمریکـایی باشد از سوی دولت عراق پیگیری می‌شود. دولت عراق بعد از تصدی دولـت آمریکـا توسـط ترامـپ از ایالات متحده خواست تا به همه ابعاد توافق استراتژیک (۲۰۰۸) با عراق پایبند باشد و آن را اجرایی کند، وزارت خارجه عراق در این رابطه اقدام به تشکیل کمیته اختصاصی برای اجرای توافق استراتژیک نمـود و آن را موظف به تهیه پیش‌نویس فعال‌سازی سایر جنبه‌های ذکر شده در توافق اسـتراتژیک سـال ۲۰۰۸ برای ارائه به دولت آمریکا نمود. (Al-monitor, ۲۰۱٦)

٤-٦- رویکرد ساختار سیاسی، اجتماعی و مرجعیت اعلی در عراق به حشد شعبی

بررسی موردی واکنش عبادی در قبال حرکت حشد شعبی به سمت مرز سـوریه بـه خـوبی مؤیـد تـأثیر بازدارنده نخست وزیر در جایگاه فرماندهی کل قواست. نخست وزیر نمادی از وضعیت حاکم بر نخبگان اسلام گرای سیاسی شیعه عراق است. بر این اساس می‌توان گفت در صورت تصدی مسـئولیت نخسـت وزیری توسط هر یک از احراب و جریان‌های شیعه، تفاوت چندانی در رویکرد فرماندهی کل قوا نسـبت به عملکرد آینده حشد شعبی وجود ندارد.[1] صرف نظر از مواضع جریان‌های سیاسی سُـنّی و کُـرد، رونـد اظهارات رسمی مسئولین شیعه عراقی دیگر مؤید این واقعیت است کـه سـاختار فعلـی حاکمیـت عـراق تمایلی به ایجاد یک ساختار ایدئولوژیک و مشارکت در طرح‌های فراملی ندارد. ساختار حاکمیت حتی در بخشی که شیعیان اسلام‌گرا تصدی امور را عهده دار هستند دارای ویژگی‌های عمل‌گراست کـه در مقابـل ایجاد یک مرکز ثقل نظامی ایدئولوژیک مقاومت می‌کند. به عنوان مثال فالح فیـاض رئـیس هیئـت حشـد شعبی در کنفرانس خبری بعد از تصویب قانون هیئت حشد شعبی اعلام کرد که مقایسه ایـن سـاختار بـا

---

۱. بررسی ماهیت نامزدهای عقیدتی نامزدهای انتخابات پارلمانی عراق در سال ۲۰۱٤ نشان می‌داد که بیش از ۹۰٪ آنان را افراد لائیک تشکیل می‌دادند و ٦۰ ٪ از این نسبت نیز نامزدهای منتسب به فهرست‌های بزرگ شیعی نظیر دولت قانون، مجلس اعلی و جریان صدر بودند.

سپاه پاسداران غیرممکن است و حشد شعبی یک تجربه بی‌بدیل از بسیج ملی است که از عراق دفاع می‌کند. (روو‌داو، ۲۰۱٦)

با توجه به این روند و صرف نظر از تحلیل‌های رایج، درباره سطح نفوذ ایران در حشد شعبی یا انتشار تفاسیری نظیری برنامه‌ریزی استراتژیک سپاه در ساخت حشد شعبی (اشاره به سخنان سردار مسجدی) باید گفت حشد شعبی به عنوان یک مرکز ثقل جدید نظامی در عراق، فاقد وزن لازم برای ایجاد تغییر استراتژیک در راستای تجدید نظرطلبی ایدئولوژیک ایران است. از سوی دیگر دو جریان اصلی حکیم و صدر با توجه به خط مشی خود دارای رویکردی سلبی و منفعل نسبت به حشد شعبی هستند. جریان حکیم با رویکردی عمل‌گرا در تلاش برای برقراری روابط متوازن با همه بازیگران خارجی و پرهیز از ورود به مباحث تنش‌زای بین آنهاست و جریان صدر نیز با رویکردی پان‌عرب خواستار قطع مداخله ایران در عراق و انحلال حشد شعبی است. مرجعیت اعلی در عراق نیز با توجه به مصالح عراق، با رویکردی ملی‌گرایانه از مبادرت به هرگونه عملکرد تنش‌زا در عراق دوری می‌کند که مسائل پیرامونی حشد شعبی نیز بخشی از آن محسوب می‌شود.

عملگرایی و رویکرد غیر ایدئولوژیک در دولت، برآمده از رویکرد جریان‌ها و احزاب سیاسی شیعه است. بخش قابل توجهی از نخبگان سیاسی شیعه در عراق فاقد گرایش‌های ایدئولوژیک نسبت به مسائل مورد توجه ایران هستند و در این زمینه که عراق نباید صحنه درگیری بین ایران و آمریکا باشد اتفاق نظر دارند. حتی مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق به عنوان یک ساختار ساخته شده توسط جمهوری اسلامی ایران، بعد از سقوط صدام چنین روندی را طی کرده است. این نهاد عراقی در می ۲۰۰۷، قید «انقلاب» را از نام خود حذف کرد و به مجلس اعلای اسلامی عراق تغییر نام داد. مجلس اعلی برآمده از یک خاندان بزرگ مذهبی و دارای سابقه طولانی در همکاری با ایران در روند مبارزه با صدام است که بیش از ۱۸۰ نفر از آنان توسط رژیم بعث به قتل رسیدند. سپاه بدر که بعد از ۲۰۰۳ به سازمان بدر تغییر نام داد و از مجلس اعلی جدا شد، شاخه نظامی این حزب در روند مبارزات بود. با وجود این مجلس از روابط حسنه‌ای با ایالات متحده برخوردار است. خضر الموسوی نماینده مجلس اعلی در آمریکا، روابط ایالات متحده با عراق و این حزب را اینگونه توصیف می‌کند:

> «روابط ما با آمریکا از اهمیت زیادی برای ثبات عـراق برخـوردار اسـت. ایـن یـک مسـئله مهـم مشترک بین هر دو طرف است. این مهم بواسطه روابط تجاری و اقتصادی محکم با آمریکا تحقق می یابد. این روابط از نوع استراتژیک است که فقط خاص مجلس اعلی نیست، بلکه کل عراق را در می‌گیرد.» (تقریر الشرق الأوسط رقم۷۰، ۲۰۰۷: ۱۸)

سید عمار حکیم دبیر کل مجلس اعلی در نوامبر ۲۰۱٦، از طرف ائتلاف شیعه متولی تنظیم یک سند پایـه برای استقرار آشتی با جریان سُنّی عراق شد که تحت نظارت نماینده سازمان ملل متحد تنظیم شـده بـود. در بند (۲۰) از بخش ششم از این سند که تسویه ملّی نام داشت، بر التزام همه طرف‌هـا بـرای دور نگـاه داشتن عراق از درگیری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی و پرهیز از ورود به این دست از پرونده‌ها تأکیـد شـده بود. (الصیغۀ النهائیۀ لمشروع التسویۀ الوطنیۀ، ۲۰۱۷: ٤)

سید عمار حکیم بعد از یک دوره اختلافات داخلی در مجلس اعلی و سه بـار مکاتبـه بـا رهبـری جمهـوری اسلامی ایران، روز ۲٦ ژوئن ۲۰۱۷ از این حزب جدا شد و جریانی به نام حکمـت ملّـی را بنیـان گذاشـت. جدایی عمار حکیم که با اعلام انشقاق بخش قابل توجهی از بدنه مجلس اعلی همراه بود به معنی اعلام مرگ این نهاد بنیان گذاشته شده توسط جمهوری اسلامی ایران بود. حفظ توازن روابط عراق با بازیگران خارجی و دوری از درگیری های ایدئولوژیک تا آن اندازه در تفکر سید عمار حکیم نهادینه شـده بـود کـه او حتـی در بیانیه تأسیس جریان حکت ملی نیز به آن اشاره کرد و گفت:

> «در محیط منطقه‌ای عراق پلی بین روابط سایر دولت‌های هم جوار محسوب می‌شود نه صحنه‌ای برای نزاع آنها، در یک چشم‌انداز بلندمدت عراق تابع مصالح هیچ طرفی نخواهد بـود و جریـان حکمت ملی یک ابزار سیاسی برای درگیری قطب‌های منطقه‌ای در داخل عراق نخواهد بود.»
>
> (المدار السیاسه، ۲۰۱۷)

مقتدی صدر رهبر جریان صدر بر پایه رویکرد پان عرب خود همـواره بـا اصـل وجـودی حشـد شـعبی مخالف بوده است. او یک روز بعد از سقوط موصل برای تشکیل سپاه صـلح فراخـوان داد کـه هـدف از تشکیل آن حفاظت از مساجد مراقد شیعیان و سنی و نبرد با داعش اعلام شد. بعد از حمله خمپاره‌ای بـه مرقد امامین عسکریین، تمرکز نیروهای سپاه صلح بر حفاظت از سامراء و جاده آن و نیـز محـیط اطـراف

مرقدهای شریف بوده است. مقتـدی صـدر پـیش از صـدور فتـوای مرجعیـت اعلـی اقـدام بـه تشـکیل سرایاالسلام نمود و در عین حال هیچ‌گاه به عنوان بخشی از ساختار حشد شعبی به فعالیت نـداد. مقتـدی صدر بارها با استناد به مشکلات قومی، سیاسی و امنیتی عراق خواستار انحـلال حشـد شـعبی در داخـل ساختار نیروهای مسلح رسمی و پرهیز این نهاد از مداخله در سیاست بوده است. به عنـوان مثـال وی در زمان ارائه پیش‌نویس قانون هیئت حشد شعبی با صدور یک بیانیه مفصل دلایل طرح این مطالبـه را بیـان نمود. (المکتب الخاص لسماحه حجه‌الاسلام و المسلمین السید مقتدی الصدر، ٢٠١٦)

موضع مقتدی صدر درباره ارتباط گروه‌های عراقی با ایران و اعزام آنها به سوریه نیز سلبی است.[١] او روز ٢٤ آوریل ٢٠١٢ در پاسخ به سوالی درباره تشکیل گروهی به نام «فیلق وعدالصادق» که پیرو ولایت فقیـه و اعزامی به سوریه بود گفته بود که نام این گروه را نشنیده اما این گروه نماینـده خـارجی‌هـا و مخـالف عقیده وی است. مقتدی صدر در دسامبر ٢٠١٣ موضع خود در رابطه با حضور نیروهای عراقی در سوریه را تکرار کرده و در مصاحبه با روزنامه الحیات گفته بود:

«هیچ یک از طرف‌های درگیر در سوریه اخلاقی عمل نمی‌کنند، نه مخالفـان افراطـی و نـه دیگـر طرف‌ها؛ آنچه در سوریه رخ می‌دهد یک مسئله داخلی است و هیچ‌کس نباید در آن دخالت کند.» (الحیات، ٢٠١٣)

بررسی مواضع آیت‌الله سیستانی درباره حشد شعبی نیز مؤید رویکرد ملـی‌گرایانـه وی در راسـتای پرهیـز از مسائل تنش‌آفرین در عراق است. با اینکه فتوای جهاد کفایی آیت‌الله سیستانی فلسفه تشکیل حشد شعبی بوده است، اما او و نمایندگانش هیچ‌گاه در خطابه‌ها و توصیه‌ها از نام حشد شعبی اسـتفاده نکردنـد. سـید احمـد الصافی و شیخ عبدالمهدی الکربلائی دو نماینده آیت‌الله سیستانی همواره واژه «داوطلبان» را بـه جـای حشـد شعبی به کار می‌برند. محمد حسین العمیدی مسئول معتمد آیت‌الله سیستانی دلیل چنین وسواسی را گسترده و جامع بودن قید «داوطلبان» عنوان و تأکید می‌کند که حشد شعبی یک نهاد دولتی است که امکان دارد اعضـاء آن از داوطلبان تشکیل نشده باشند و الزاماً با فتوای مرجعیت در این نهاد ثبت نام نکرده باشند. (سومر نیوز، ٢٠١٥)

---

١. تعارض مقتدی صدر با ایران تابع روند پیچیده‌ای است که از سال ٢٠٠٧ به بعد آغاز شد و خود نیازمند پژوهش مفصل و جداگانه‌ای است.

درباره مواضع محتاطانه آیت‌الله سیستانی در عراق دو دیدگاه وجود دارد. یک دیدگاه خط مشی مرجعیت اعلی در عراق را دنباله‌ای از مکتب خویی قلمداد می‌کند که بر کلّ حوزه نجف حاکم است. بر این اساس رویکرد آیت‌الله سیستانی نقطه مقابل اسلام سیاسی آیت‌الله خمینی قلمداد می‌شود که مبتنی بر عدم دخالت روحانیت در امور روز مره و سیاسی است. البته مداخله مقطعی آیت‌الله سیستانی در مسائل حساس سیاسی – اجتماعی عراق نفی کننده پیروی وی از مشی عدم مداخله در امور جاری است.

(Khalaji, ۲۰۰٦: ۳٤)

آیت‌الله سیستانی تا نیمه سال ۲۰۱۳ سه بار درخواست صدور فتوا برای جهاد در سوریه را رد کرد. روز ۲۱ ژوئن ۲۰۱۳ روزنامه المدی چاپ بغداد به نقل از کسی که وی را یکی از نمایندگان مراجع بزرگ نجف معرفی می‌نمود اعلام کرد که وی مشارکت در نبرد سوریه به دلیل تقویت شائبه تشکیل هلال شیعه ممنوع کرده است. او به نقل از این مرجع کسانی که برای جنگ به سوریه سفر می‌کنند را عصیان‌گر خطاب کرده بود. (صحیفه‌المدی (۲۸٤۹)، ۲۰۱۳: ۳)

رویکرد جریان‌های سیاسی شیعه اسلام‌گرا و مرجعیت به مسائل جاری سیاسی و کُنش حشد شعبی حکایت از این دارد که این نهاد علاوه بر نخست وزیر، جریان‌های سُنّی و کُرد و قوانین بازدارنده، با موانع بازدارنده دیگری نیز روبروست که حداقل حشد شعبی را با اصطکاک فراوان روبرو می‌سازند. در این رابطه فشار تا اندازه‌ای زیاد است که حتی برخی بر این باورند ممکن است بعد از حل مسائل امنیتی مربوط به داعش، مرجعیت اعلی بر اساس رویکرد مصلحت محور به مسائل عراق، وجوب کفایی جهاد را بردارد. تحقق چنین احتمالی مشروعیت دینی حشد شعبی را با چالش روبرو می‌سازد و با تقدس‌زدایی از حشد شعبی جایگاه آن را تا حد یک ساختار دولتی که تضعیف یا انحلال آن حساسیت برانگیز نخواهد بود، تنزل می‌دهد.(الدلیمی، ۲۰۱۷: ۲)

پیچیدگی‌های اجتماعی در عراق، آراء مردم را سیال و در برخی موارد متعارض ساخته است، اما با وجود این شواهد حکایت از استقبال عمومی از شکلی از اشکال انحلال حشد شعبی در دوره پسا داعش دارد. مؤسسه تحقیقات «گرینبرگ کوییناان سونر»[1] از ۲٦ مارس تا ۲۱ آوریل ۲۰۱۷ اقدام به برگزاری یک نظر

[1] . greenberg quinlan rosner research

سنجی در سطح عراق نمود کـه نتیجـه آن در قالـب ۵۸ صـفحه و بـا عنـوان «بهبـود امنیـت؛ فـتح بـاب همکاری»[۱] منتشر شد.[۲] نتایج پاسخ افراد به سؤالات بخش امنیت مؤید جایگاه مطلـوب حشـد شـعبی در نزد افکار عمومی مردم عراق داشت. توجه به نتایج این نظرسنجی کمک زیادی به بـرآورد امکـان تسـلط حشد شعبی بر مرکز ثقل سیاسی دارد. در ادامه برای پرهیز از پراکندگی نتایج همه ابعاد این نظر سنجی به صورت متوالی و یکجا مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. پرسش و پاسخ‌ها به طور مستقیم و غیر مستقیم مسئله ورود حشد شعبی به عرصه سیاسی و محبوبیت این نهاد را مورد ارزیابی قرار می‌دهد. به طـور کلـی نـزد افکار عمومی تمام عراقی‌ها به غیر از اهالی کردستان، ارتش و حشدشعبی دارای بالاترین اعتبار در مسئله آزادی اراضی از کنترل داعش هستند. نمودار زیر نتایج تفکیکی پاسخ به این سؤال است که شما به کـدام دو مورد بیشترین اعتبار برای آزادی اراضی تحت کنترل داعش را می‌دهید؟

(Greenberg quinlan rosner research, ۲۰۱۷: ۱۲)

---

۱. Improved Security Provides Opening for Cooperation

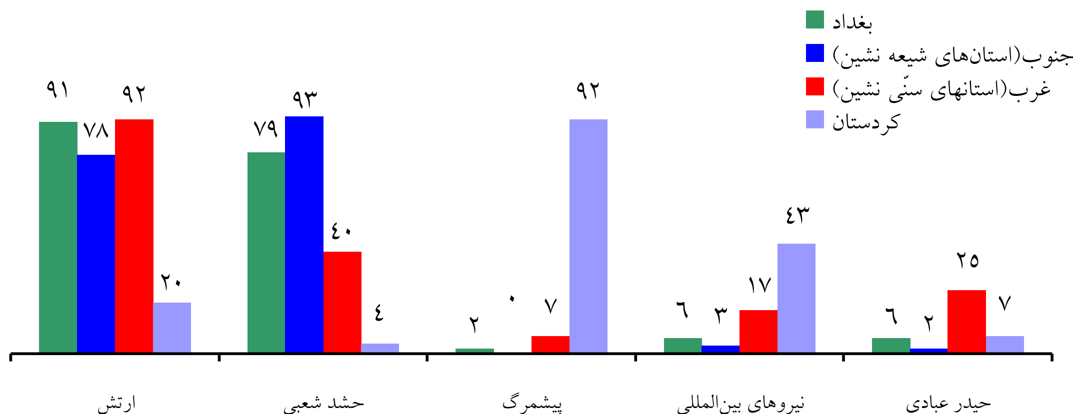
۲. مشخصات پاسخ دهندگان و ویژگی‌های نظرسنجی:

۱. ۱۳۳۸ پاسخ دهنده (۲۰۲۰ پاسخ دهنده بدون وزن)
۲. ۲۹۳ پاسخ دهنده از بغداد (۵۰۰ پاسخ دهنده بدون وزن)
۳. ۵۰۰ پاسخ دهنده از جنوب (۵۰۰ پاسخ دهنده بدون وزن)
٤. ۳٦۳ پاسخ دهنده از غرب (۵۲۰ پاسخ دهنده بدون وزن، شامل ۲۰۰ مصاحبه در موصل)
۵. ۱۸٤ پاسخ دهنده از کردستان (۵۰۰ پاسخ دهنده بدون وزن)

- حاشیه خطا در سطح ملی +/- ۲,۱۹ ؛ در سطح منطقه +/-٤,٤
- نمونه های پاسخ دهنده که در مناطق تحت کنترل داعش زندگی کرده بودند:

- ۲۰۰ مصاحبه در اردوگاه (ام-۱) خازر در نینوا
- ۱۰۰ مصاحبه در صلاح الدین (همه افراد یک سال در مناطق تحت کنترل داعش زندگی کرده بودند)
- ۱۰۰ مصاحبه در انبار (همه افراد یک سال در مناطق تحت کنترل داعش زندگی کرده بودند)
- داده‌ها از نمونه ملی و بر اساس معیارهای تعیین شده حذف شده‌اند (به شکل غیر تصادفی)

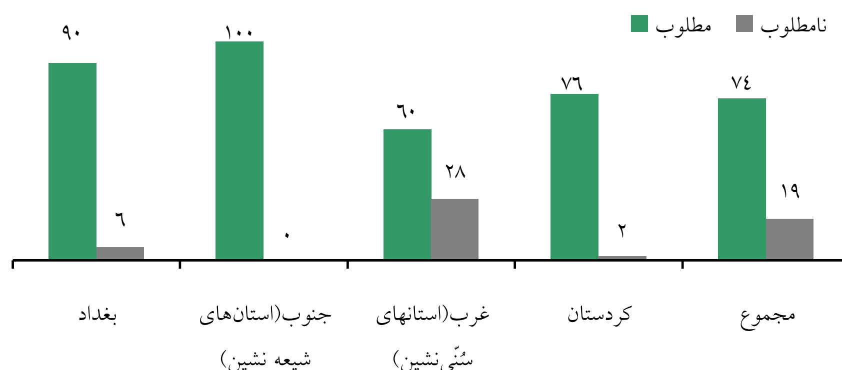
نمودار ٤-٤- نظر سنجی مؤسسه گرینبرگ درباره حشد شعبی (۱)



(Greenberg quinlan rosner research, ۲۰۱۷: ۱۲)

از ۱٦ ژانویه ۲۰۱۷ به بعد محبوبیت حشدشعبی در مناطق سُنّی‌نشین ۲۲ درصد افزایش داشته است. این نرخ در بغداد با رشد (٤-) روبرو بوده و در مناطق شیعه نشین رشد ۲ درصدی داشته است. در کردستان نیز با هیچ رشدی روبرو نبوده است. البته نرخ رشد پایین و منفی در جنوب و بغداد به دلیل اشباع نظری در رابطه با این موضوع است و رشد در مناطق سُنّی حکایت از تغییر رویکرد مردم نسبت به حشد شعبی دارد. این نتایج حاصل پاسخ به این سؤال است: احساس خود نسبت به برخی افراد، سازمان‌ها و چیزها را بیان کنید. نمره ۱۰۰ به معنی بسیار مطلوب، نمره (۰) به معنی بسیار نامطلوب و نمره٥۰ به معنی نه مطلوب و نه نامطلوب است. (Greenberg quinlan rosner research, ۲۰۱۷: ۱٦)

نمودار ٤-٥- نظر سنجی مؤسسه گرینبرگ درباره حشد شعبی (۲)



(Greenberg quinlan rosner research, ۲۰۱۷: ۱٦)

به غیر از کردستان، عموم مردم عراق (سُنّی و شیعه) جایگاه قدرتمندی برای حشد شعبی در روند مبـارزه بـا داعش در کنار سایر ساز و کارها اعم از ارتش و نیروهای پیشـمرگ قائـل هسـتند. البتـه نگـاه مـردم منـاطق مختلف به سه سازوکار داخلی مبارزه با داعش مؤید نکته مهمی بر این مبناست شکاف قومی در مناطق کُردی همچنان به قوت خود باقی است، اما این وضعیت در مناطق سُنّی بهبود چشمگیری داشته اسـت. ایـن نتیجـه حاصل پاسخ به این سؤال از مخاطبان است: شما به طور عمومی موافق یا مخـالف مشـارکت ارتـش، حشـد شعبی و نیروهای پیشمرگ در روند مبارزه با داعش هستید؟

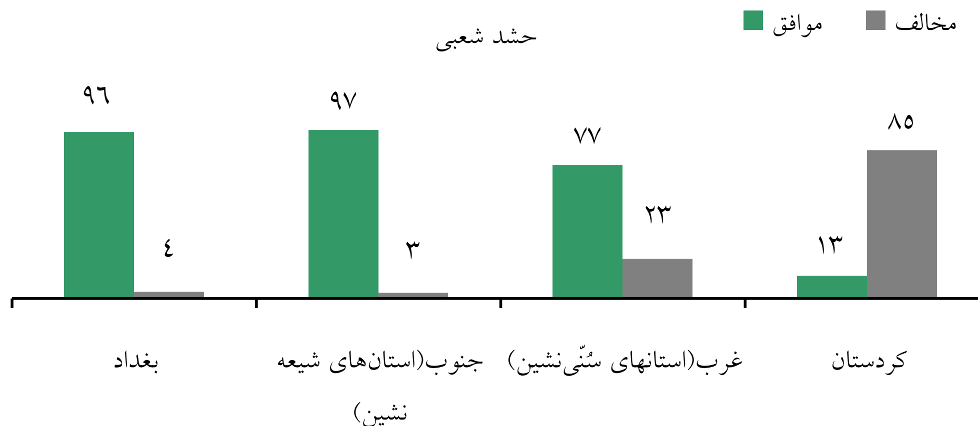
(Greenberg quinlan rosner research, ۲۰۱۷: ۱۷)

نمودار ٤-٦- نظر سنجی مؤسسه گرینبرگ درباره حشد شعبی (۳)



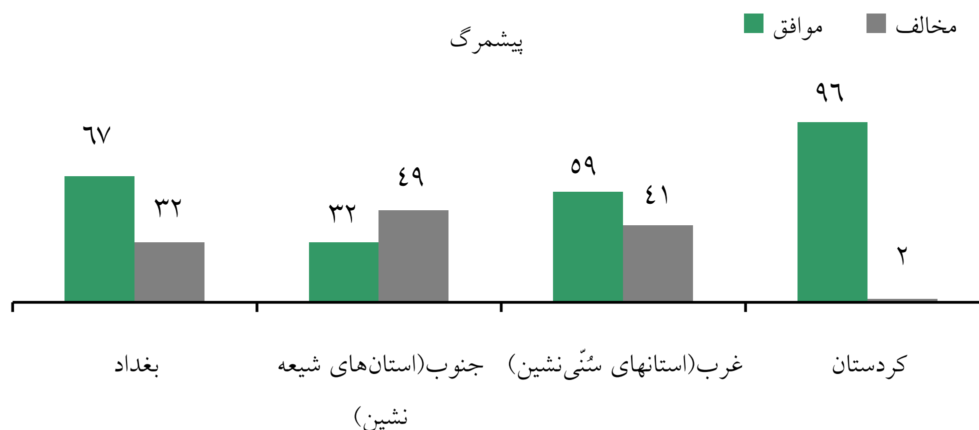
(Greenberg quinlan rosner research, ۲۰۱۷: ۱۷)

نمودار ٤-۷- نظر سنجی مؤسسه گرینبرگ درباره حشد شعبی (٤)



(Greenberg quinlan rosner research, ۲۰۱۷: ۱۷)

نمودار ٤-٨- نظر سنجی مؤسسه گرینبرگ درباره حشد شعبی (٥)



(Greenberg quinlan rosner research, ٢٠١٧: ١٧)

نتایج پاسخ به سؤالات توسط اهالی استان‌های سُنّی‌نشین نشان می‌دهد علیرغم بهبود دیدگاه آنان نسبت به حشد شعبی، نسبت به حضور این نهاد در مناطق خود ناراضی هستند و ترجیح مـی‌دهنـد امنیـت منـاطق توسط ارتش و پلیس تأمین شود. از سوی دیگر تفکیک آراء اهالی مناطق سُنّی نشان می‌دهد که مـردم نـه فقط به حشد شعبی بلکه به تمام گروه‌های شبه نظامی خارج از سـاختار رسـمی ارتـش و پلـیس اعتمـاد پایینی دارند که شامل گروههای سُنّی حشد عشایری و گارد نینوا نیز می‌شود. این نتیجه پاسخ بـه سـؤالی در این رابطه است که کدام یک از موارد زیر باید امنیت مناطق آزاد شده از کنترل داعـش در اسـتان‌هـای انبار، دیالی، نینوا و صلاح الـدین را تـأمین کننـد؟ (Greenberg quinlan rosner research, ٢٠١٧: ٢٠)

نمودار ٤-٩- نظر سنجی مؤسسه گرینبرگ درباره حشد شعبی (٦)



جدول ٤- ١٩- تفکیک آراء اهل سنت درباره ارتش عراق

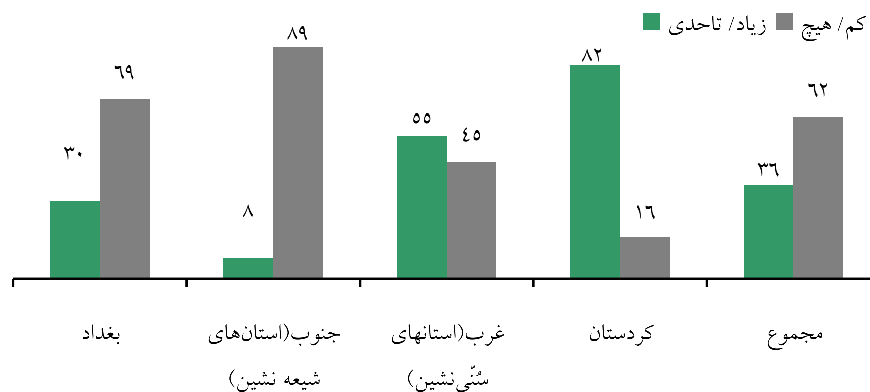
	موصل	اردوگاه آوارگان نینوا	انبار	صلاح‌الدین
ارتش عراق	٪۷۰	٪۶۹	٪۷۰	٪٤٦

(Greenberg quinlan rosner research, ۲۰۱۷: ۲۰)

پاسخ به سؤالات بعدی نشان می‌دهد که مردم سُنّی و کُرد نگران اعمال خشونت توسط نیروهای حشد شعبی در زمان آزادی اراضی هستند، البته آنها با نسبت پایین‌تری همین نگرانی را درباره نیروهای ارتش و امنیتی رسمی اعلام می‌کنند. دلیل ارائه این نوع پاسخ توسط کُردها کاملاً به مسئله تعارضات قومی باز می‌گردد، اما درباره سُنّی‌ها نشان دهنده نوعی سردرگمی نسبی ناشی از بی‌اعتمادی به همه بازیگران داخلی در عراق است. این تعارض در اعلام رقبت نسبتاً بالا درباره مشارکت حشد شعبی برای آزادی اراضی و مخالفت نسبی این نهاد با تأمین امنیت پس از آزادی اراضی نمایان است. نموداری که در ادامه می‌آید نتایج پاسخ به سؤالی را منعکس می‌کند که سؤال شوندگان می‌پرسد: با توجه به تجارب گذشته، نگرانی شما درباره اعمال خشونت اعضاء حشد شعبی حین آزادی اراضی در چه محدوده ای از پاسخ‌های (زیاد/ تا اندازه‌ای) و (کم/ هیچ) قرار می‌گیرد؟

(Greenberg quinlan rosner research, ۲۰۱۷: ۲۱)

نمودار ٤-١٠- نظر سنجی مؤسسه گرینبرگ درباره حشد شعبی (٧)

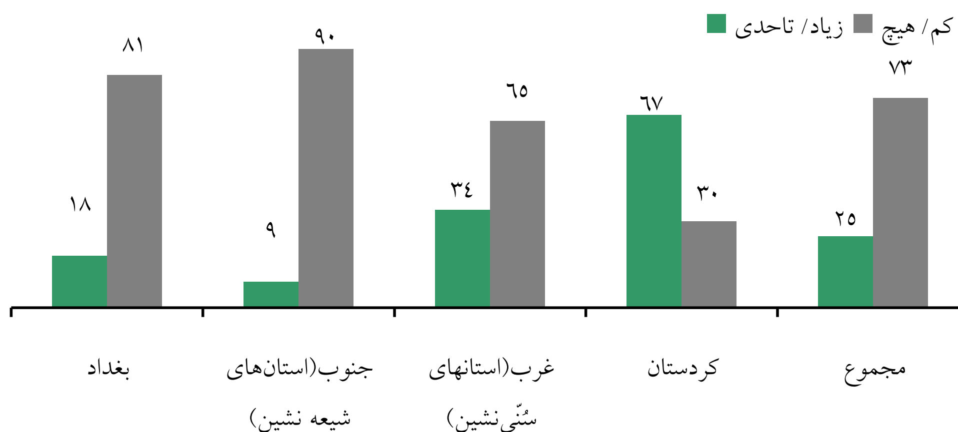


(Greenberg quinlan rosner research, ٢٠١٧: ٢١)

نمودار بعدی نتایج پاسخ به سؤالی را منعکس می‌کند که سؤال شوندگان می‌پرسد: با توجه به تجارب گذشته، نگرانی شما درباره اعمال خشونت ارتش و نیروهای امنیتی حین آزادی اراضی در چه محدوده ای از پاسخ‌های (زیاد/ تا اندازه‌ای) و (کم/ هیچ) قرار می‌گیرد؟

(Greenberg quinlan rosner research, ٢٠١٧: ٢١)

نمودار ٤-١١- نظر سنجی مؤسسه گرینبرگ درباره حشد شعبی (٨)



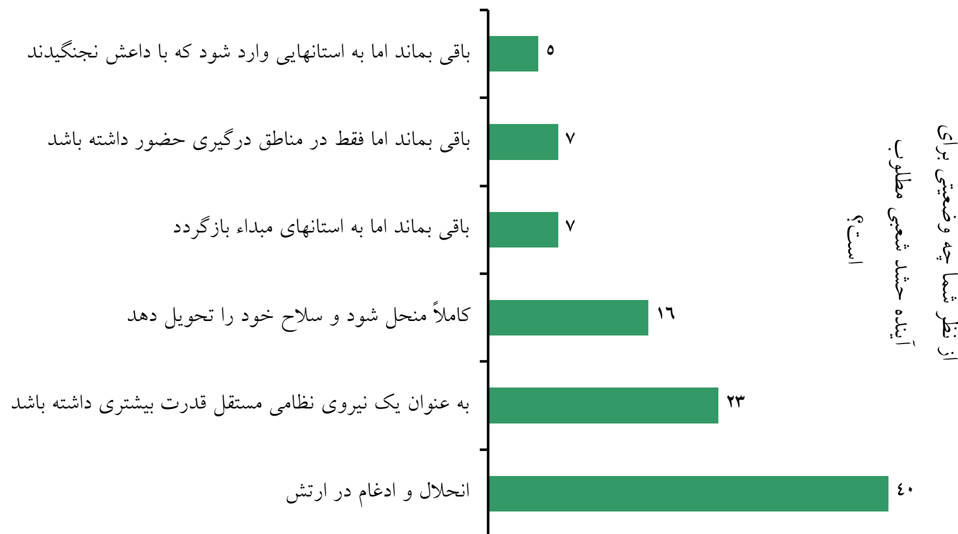
(Greenberg quinlan rosner research, ٢٠١٧: ٢١)

نتایج پاسخ بر پرسش بعدی نشان می‌دهد که عراقی‌ها به طور عمومی دیدگاهی مقطعی برای عبور از بحران به حشد شعبی دارند و به طور کلی تمایلی به ادامه حیات این ساختار به عنوان یک نهاد مستقل ندارند. بخش زیادی از عراقی‌ها (اعراب) خواستار ادغام حشد شعبی در ساختار رسمی هستند و کُردها

به طور کلی خواستار انحلال این نهادند. این نتیجه پاسخ به سؤالی است که خواستار نظر مخاطب دربـاره تعیین تکلیف حشد شعبی بعد از پاکسازی عراق از داعش شده است.

(Greenberg quinlan rosner research, ۲۰۱۷: ۲۰)

نمودار ٤-۱۲- نظر سنجی مؤسسه گرینبرگ درباره حشد شعبی (۹)



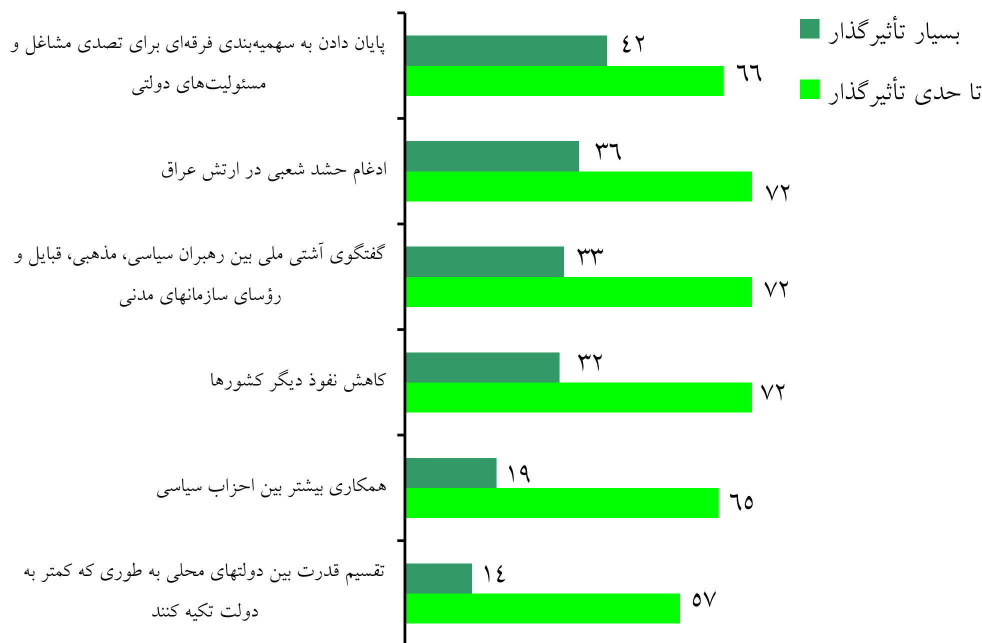
جدول ٤- ۲۰- تفکیک آراء درباره انحلال کامل حشد شعبی

	غرب(استان‌های سُنّی)	**اردوگاه آوارگان نینوا**	**کردستان**
انحلال کامل و تحویل سلاح	٪۲۰	٪۵۱	٪٦۰

(Greenberg quinlan rosner research, ۲۰۱۷: ۲۰)

رأی عمومی برای انحلال حشد شعبی تا اندازه‌ای قدرتمند است که حتی انحلال و ادغام حشد شـعبی در یکی از نهادهای رسمی را به عنوان دومین متغیر تأثیرگذار بر حل مناقشات داخلی عراق معرفی می‌کننـد. این نتیجه پاسخ مخاطبان به سؤالی است که از آنان خواسته بود فهرستی از عوامل خیلی مـؤثر بـر رونـد حل تعارضات عراق را معرفی کنند. (Greenberg quinlan rosner research, ۲۰۱۷: ٤٦)

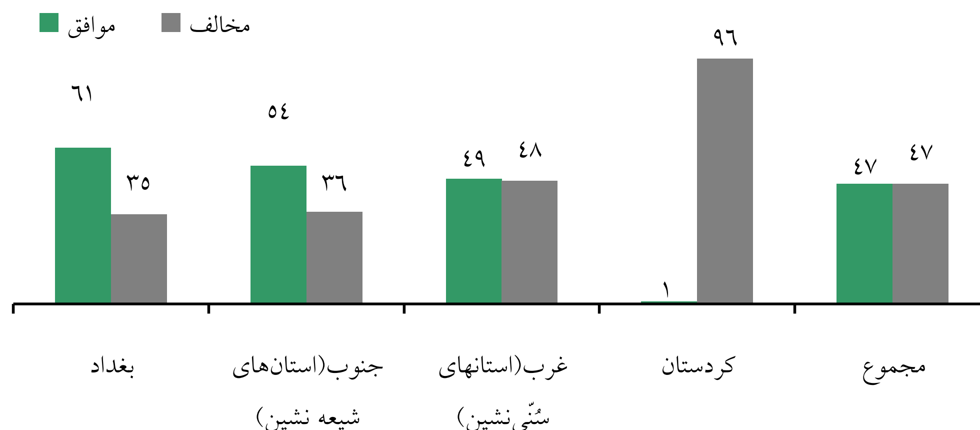
نمودار ٤-١٣- نظر سنجی مؤسسه گرینبرگ درباره حشد شعبی (١٠)



(Greenberg quinlan rosner research, ٢٠١٧: ٤٦)

تعارض آراء عراقی‌ها در بخش عربی با نظر عجیب آنان نسبت بـه مطالبـه بـرای ورود حشـد شـعبی بـه عرصه سیاست نمایان می‌شود. ٧٧٪ از عراقی ها اعم از شیعه، سُـنّی و کُـرد و عـرب خواسـتار نـوعی از انحلال یا محدودیت کارکرد برای حشد شعبی هستند، اما ٤٧٪ از آنان خواستار ورود این نهاد بـه حـوزه سیاست هستند. این نتیجه حاصل پاسخ به سؤالی است که خواستار اعلام موافقت یا مخالفت مخاطبان با ورود حشد شعبی به عرصه سیاست بواسطه ایجاد احزاب جدید و معرفی نـامزد در انتخابـات پارلمـان و شوراهای استانی عراق شده بود. (Greenberg quinlan rosner research, ٢٠١٧: ٢٣)

نمودار ٤-١٤- نظر سنجی مؤسسه گرینبرگ درباره حشد شعبی (١١)



(Greenberg quinlan rosner research, ٢٠١٧: ١٦)

٤-٨- استراتژی های مهار حشد شعبی در دوره پساداعش

احساس تهدید از تشکیل یک مرکز ثقل نظامی فراملی در عراق و حرکت آن به سمت ایجاد مرکز ثقل سیاسی جدید در عراق، بازیگران ذینفع را به بازخوانی تجارب مبتنی بر حلّ گروه‌های شبه نظامی و طراحی برنامه‌های کارآمد در عراق سوق داده است. تجربه به ایالات متحده نشان داده که محیط آنارشیک عراق ایجاد کننده بستری است که متغیرهایی نظیر قوانین بازدارنده نمی‌توانند مانع اراده سایر بازیگران باشند. هر چند ائتلاف و دولت مرکزی عراق بعد از سال ٢٠١٤ توانسته است تناسب نهادهای نظامی، امنیتی در عراق را به نفع ساختار رسمی تغییر دهند، اما نیروهای شبه‌نظامی همچنان به عنوان یک قطب قدرتمند باقی مانده‌اند. محبوبیت اجتماعی حشد شعبی نیز دلیل مضاعفی برای تثبیت این نهاد به عنوان یک مرکز ثقل نظامی است که بستر شکل‌گیری یک مرکز ثقل سیاسی قدرتمند را نیز فراهم می‌سازد. قوانین مداخله عناصر حشد شعبی در سیاست را منع کرده‌اند، اما شواهد عینی نشان می‌دهند اهرمی برای ایجاد بازدارندگی در مقابل ورود آنان به عرصه سیاست وجود ندارد. قانون هیئت حشد شعبی این ساختار تحت امر فرماندهی کلّ قوا قرار داده است، اما روند عملکرد حشد شعبی نشان می‌دهد نخست وزیر به سختی قادر به اعمال فرامین خود به حشد شعبی است. از سوی دیگر هیچ ضمانتی وجود ندارد

که نخست وزیرهای آینده عناصر برآمده از مرکز ثقل سیاسی متصـل بـه حشـد شـعبی نباشـند. بنـابراین ایالات متحده برای پرهیز از چالش‌های آینده برای انحلال نرم مرکز ثقل نظـامی جدیـد در عـراق تـلاش خواهد نمود. این روند با مرور شکست طرح‌های گذشته برای خلـع سـلاح، تضـعیف و دوبـاره سـازی نیروهای شبه نظامی در عراق (D.D.R)[1] به تولید برنامه‌های اجرایی جدید منجر شده است. (D.D.R) طرحی بود که بعد از سقوط رژیم بعث توسط نیروهای ائتلاف به آزمون گذاشته شد[2] و براساس آن اداره موقت ائتلاف در اوایل سال ۲۰۰٤ مسئولیت تهیه یک فرمول برای ساماندهی به گروه‌های شبه نظـامی را به «والتر اسلوکومب»[3] واگذار نمود. او در نهایت با تدوین «استراتژی انتقال و دوباره سازی» (T.R.S)[4] تا ژوئن ۲۰۰٤ موافقت‌نامه‌های دقیقی برای انحلال کامل ۹ گروه شبه نظامی بزرگ با استعداد ۱۰۲ هزار نفر را تنظیم نمود. این نیروها شاخه نظامی احزاب کُرد، شیعه و سنی و یا گروه‌های مستقل شبه نظامی شامل حزب اتحاد میهنی کردستان، حزب دمـوکرات کردسـتان، سـپاه بـدر، حـزب‌الله عـراق، حـزب‌الـدعوه و جیش‌المهدی بودند. این طرح شامل گروه‌های شورشی سُنّی نظیر حزب الاسلامی العراقی، الوفاق الوطنی العراقی و المؤتمرالوطنی العراقی نیز بود، اما بخش زیادی از شبه نظامیان سُنّی اساساً روند سیاسی جدیـد را به رسمیت نمی‌شناختند و از سوی دیگر قادر بودند بواسطه نفوذ دادن اعضـاء سـابق حـزب بعـث بـه ساختار نظامی- امنیتی دفاعی عراق اهداف خود را دنبال کنند. گروه‌های شبه نظامی شیعه نیـز بـه دولـت مرکزی عراق بی‌اعتماد بودند. با وجود این موانع پیش‌بینی شده بود که (D.D.R) در چارچوب یک برنامـه بلندمدت پنج ساله موفق خواهد شد و بر همین اساس برای اجرای استراتژی (T.R.S) سـه مسـیر تعریـف شده بود:

۱. نیروهای شبه نظامی باید در داخل ساختار امنیتی رسمی عراق ادغام شـوند؛ ایـن رونـد بایـد بـه صورت فرد به فرد اعمال شود تا این اطمینان وجود داشته باشد که همه نیروهای شبه نظامی بـه داخل ساختار جذب می‌شوند؛

---

۱ . Disarmament, Demobilisation and Reintegration

۲ . (D.D.R) قسمتی از طرح پل برمر برای مهار شورش در عراق بود که قبلاً درباره بخشی از آن در چارچوب روند بعثی زدایی و لغو آن توضیح داده شد.

۳ . Walter Slocombe

٤ . Transition and Reintegration Strategy (TRS)

۲. برخی از شبه نظامیان با مزایای یک نظامی بازنشسته می‌شدند؛

۳. باقیمانده افراد نیز می‌بایست در سازمان‌های خدمات شهروندی و مشاغل فنّی و حرفه‌ای سازماندهی می‌شدند. (O'Driscoll, van Zoonen, ۲۰۱۷: ۳۱)

اما استراتژی (T.R.S) که ذیل فرمان شماره ۹۱ اداره موقت ائتلاف در ۱۱ صفحه و پنج بخش توسط پل برمر ابلاغ شده بود، عملاً اجرایی نشد و برنامه زمانی پنج ساله برای خلع سلاح، تضعیف و دوباره سازی نیروهای شبه نظامی به دلیل استیصال اداره موقت ائتلاف و دولت عراق در سال اول (۲۰۰٤– ۲۰۰۵) کنار گذاشته شد. (CPA/ORD/۰۲JUNE۰٤/۹۱, ۲۰۰٤:۱-۱۱)

ایاد علاوی نخست وزیر وقت عراق در ژانویه ۲۰۰۵ استعداد شبه نظامیان را ۹۰ هزار نفر اعلام کرد و از پایان اجرای فرمان شماره ۹۱ اداره موقت ائتلاف خبر داد. یکی از موانع عمده برای اجرای استراتژی (T.R.S) عدم تخصیص بودجه توسط ائتلاف بود، زیرا اداره موقت بر این باور بود که (D.D.R) باید با استفاده از بودجه جاری عراق انجام شود. بنابراین هزینه خلع سلاح، تضعیف و دوباره سازی حدود ۱۰۰ هزار نیروی شبه نظامی معادل ۱٤,۳میلیون دلار بود که به طور طبیعی در اولویت‌بندی برنامه‌های دولت عراق قرار نداشت. (O'Driscoll, van Zoonen, ۲۰۱۷: ۳۱)

بنابراین اعضاء احزاب شیعه بدون انحلال شاخه‌های نظامی خود به پارلمان و وزارتخانه‌های دولتی و مسئولیت‌های اجرایی را در اختیار گرفتند، پس از آن نیز رقابت و نفوذ مانع انحلال گروه‌های شبه نظامی شیعه شد. البته وضعیت شبه نظامیان شیعه در حشد شعبی از تفاوت‌های بنیادین با دوره قبل برخوردار است. حشد شعبی با توصیف قانون تبدیل به یک نهاد رسمی در عراق شده که مرور روند بروکراتیک و سازمانی را طی می‌کند، اما با وجود این تجارب قبل نشان می‌دهد دولت عراق برای انحلال گروه‌های شبه نظامی وابسته به احزاب به دلیل عواملی نظیر منافع و وضعیت آنارشیک داخلی با چالش روبرو خواهد بود. از سوی دیگر تجربه عدم توفیق انحلال شبه نظامیان در عراق با تجربه جدید بسیج آنان در روند مبارزه با داعش گره خورده است. این یک چالش پیچیده است که مشاوران ائتلاف برای رفع آن «دوباره سازی» را از آخرین مرحله (D.D.R) به برنامه میانی انتقال داده و برنامه جدیدی تحت عنوان (D.R.D) را برای بازسازی ساختار حشد شعبی در قالب استراتژی (T.R.S) به دولت عراق پیشنهاد

می‌دهند. در این روش ساختار حشد شعبی طوری تغییر می‌کند که برنامه تضعیف (به مفهوم جلوگیری از بسیج دوباره) به طور خودکار و بدون صرف نیرو امکان‌پذیر خواهد شد، زیرا در مسیر دوباره سازی به مرور زمان جای نیروهای عقیدتی و حزبی با نیروهای نظامی حرفه‌ای تغییر می‌کند. در این روند نیروهای غیر کیفی در مسیر بازنشستگی قرار می‌گیرند یا در سایر اداره‌های دولتی ادغام خواهند شد. تغییر دیگری که مشاوران ائتلاف در استراتژی (T.R.S) اعمال کرده‌اند اجرای موازی آن با استراتژی (S.S.R) است که از تجربه افغانستان وام‌گیری شده است. در (S.S.R)[۱] به موازات روند نرم خلع سلاح، دوباره سازی و جلوگیری از بسیج دوباره نیروهای شبه نظامی، پیشنهاد می‌شود بخش امنیتی اصلاح شود. مشاوران ائتلاف تأکید دارند که استراتژی (T.R.S) و (S.S.R) با وسواس و گزینش فرد به فرد انجام شود. استدلال چنین اصراری ماهیت نیروهای جذب شده در حشد شعبی است. ارزیابی طراحان (D.R.D) از ۲۵ هزار عضو حشد شعبی نشان می‌دهد که بخش زیادی از این افراد از طبقه ضعیف جامعه هستند که دارای تحصیلات ابتدایی هستند یا دوره متوسطه را به اتمام نرسانده‌اند. این افراد قبل از پیوستن به حشد شعبی در شرایط سخت و با دستمزد حداکثر۲۰ دلار در هفته کار می‌کردند و فرصت استفاده از مزایا، انگیزه خوبی برای عضویت در حشد شعبی است. بنابراین بخش زیادی از حشد شعبی از استعداد لازم برای تبدیل شده به یک نیروی حرفه‌ای نظامی بی بهره‌اند. از سوی دیگر بی‌انگیزگی عقیدتی نیروهای امنیتی عراق باعث عدم دفاع آنان از مکان‌های مقدس می‌شود و بستر لازم برای بسیج دوباره نیرو در قالب گروه‌های شبه نظامی توسط احزاب را فراهم می‌سازد.

(O'Driscoll, van Zoonen, ۲۰۱۷: ۳۸-۳۹)

(D.R.D) پیشنهاد می‌کند که نیروهای حشد شعبی نباید بین تسویه و ادغام مخیر باشند زیرا به طور طبیعی بخش زیادی از آنان مایل به ادغام در ساختار امنیتی خواهند بود. این وضعیت ممکن است اشکالات به شرح زیر ایجاد می‌کند:

۱. ممکن است ادغام باعث جذب تعداد نیرویی فراتر از نیاز نهادهای نظامی و امنیتی شود و در نتیجه به گستردگی غیر قابل تحمل و بی‌تناسب ساختار بیانجامد؛

---

۱ . Security Sector Reform

۲. بخش زیادی از حشد شعبی را شیعیان تشکیل می‌دهند که ادغام آنان باعث بازگشت وضعیت ساختار امنیتی به دوره قبل از ۲۰۱٤ و تفوّق فرقه‌ای – مذهبی آنان بر نهادهای نظامی- امنیتی عراق می‌شود؛

۳. برخلاف شیب ملایم توصیه شده در اجرای موازی (D.R.D) و (S.S.R)، تعداد زیادی از اعضاء حشد شعبی در یک بازه زمانی محدود جذب ساختار امنیتی خواهند شد.

با توجه نگرانی‌های ذکر شده (D.R.D) توصیه میکند برای گریز از مشکل اول، ادغام مجدد باید متناسب با نیازهای بخش‌های امنیتی انجام شود و برای پرهیز از بازگشت به دوره بدون تناسب، ادغام باید بر اساس گنجایش و تنوع مذهبی انجام شود. (D.R.D) توصیه می‌کند در این مرحله از یک سیستم سهمیه‌بندی با معیارهای سنجش دقیق استفاده شود تا از جذب نیروهای افراطی یا جنایتکاران جنگی در ساختار امنیتی کشور جلوگیری شود. (D.R.D) با اتکاء به تجربه اجرای (D.D.R) در جمهوری دموکراتیک کنگو توصیه می‌کند نیروهای مازاد تسویه شده با همکاری سازمان ملل در دوره‌های آموزش فنی و حرفه‌ای مشارکت کنند و وارد زندگی غیر نظامی شوند، زیرا در کنگو سربازان تسویه شده به دلیل نارضایتی از مشاغل غیر نظامی دوباره به گروه‌های شبه نظامی پیوستند.
(O'Driscoll, van Zoonen, ۲۰۱۷: ۳۸-۳۹)

٤-۸-۱- چالش‌های مهار حشد شعبی

بازنویسی استراتژی‌های جدید برای انحلال شبه نظامیان در دوره پسا داعش، متون یک طرفه و انتزاعی به نظر می‌رسند که فاقد عمق متناسب با وضعیت پیچیده عراق هستند. متغیرهایی وجود دارند که اجرای استراتژی‌هایی نظیر (T.R.S) را با تردید جدّی روبرو می‌سازند. یکی از متغیرهای اساسی بقا و بازگشت‌پذیری داعش بر اساس الگوهای گذشته است. این باور عمومی در جامعه و در بین نخبگان سیاسی عراق وجود دارد که فروپاشی مراکز ثقل قدرت داعش در عراق به معنی نابودی این سازمان خواهد بود. به عنوان مثال بر اساس نظرسنجی مؤسسه گرینبرگ، به موازات افزایش فشار نظامی به داعش از ژانویه تا آوریل ۲۰۱۷، وضعیت امنیت در افکار عمومی عراقی‌ها با ۲٦ رتبه ارتقاء به درجه «خیلی

بهتر» رسیده بود و بر اساس همین نظر سنجی جایگاه امنیت بـه عنـوان یـک اولویـت در افکـار عمـومی عراقی ها با رشد (۱۲–) روبرو بوده است. (Greenberg quinlan rosner research, ۲۰۱۷: ۳-۷)

این روند ممکن است ظاهراً نشان دهنده فراهم شدن بستر اجرای اسـتراتژی (T.R.S) در عـراق باشـد، امـا شواهد عینی نشان می‌دهند اجتماع و نخبگان سیاسی عراق فهمی کاملاً بر عکس از روند واقعی دارنـد. ایـن شواهد عینی مستند نشان می‌دهند قدرت مانور نظامی داعش با از دست دادن مناطق تحت کنترل این سازمان به طور فزاینده‌ای افزایش یافته است. بر این اساس دبیرکل سازمان ملل متحـد روز ۳۱ مـی ۲۰۱۷، بـه ارائـه پنجمین گزارش خود درباره تهدید داعش به توضیح درباره عملکرد هسته مرکزی داعش در عـراق و سـوریه پرداخت. دبیرکل در پاراگراف چهارم از بخش «توسعه تهدید از ژانویه ۲۰۱۶»[۱] به تداوم فشار شـدید نظـامی علیه داعش در عراق و سوریه از ژانویه ۲۰۱۶ و چندین شکست و عقب‌نشینی مهم داعش اشاره شـده کـرده بود. با وجود این، با ارجاع به پاراگراف (۱۶) از گزارش نوزدهم گروه نظارت بر تحـریم و حمایـت تحلیلـی شورای امنیت که برای پشتیبانی از قطعنامه ۲۲۵۳ صادر شده بود بر تداوم پدیده تغییر تاکتیک‌های نظـامی در هسته مرکزی داعش تأکید داشت. (Security Council (S/۲۰۱۷/٤٦۷), ۲۰۱۷: ۳)

در پاراگراف (١٦) از گزارش مورد اشاره دبیرکـل کـه روز ۱۳ ژانویـه ۲۰۱۷ بـا شـماره (S/۲۰۱۷/۳۵) منتشر شده بود کارشناسان شورای امنیت به روزآمدسازی تاکتیک‌های نظامی داعش اشاره کرده و دربـاره آن چنین توضیح داده بودند:

> «فرماندهی مرکزی داعش تاکتیک‌های نظامی خـود را بـا شـرایط وفـق داده اسـت. فرماندهی مرکزی داعش تنها به توسعه استراتژی کلی مـی‌پـردازد و بـه فرمانـدهان محلی اجازه داده تا راه‌های ابتکاری خود را بکار گیرنـد. سـازمان در تـلاش اسـت تحرک نیروهای خود را در کارزارهای سبک ادامه دهد.(حرکت در شب، اسـتفاده از موتورسیکلت، دوچرخه و کاروان‌های کوچک)»

(Security Council(S/۲۰۱۷/۳۵), ۲۰۱۷: ۸)

---

۱ . این گزارش با شماره S/۲۰۱٦/۹۲ از تاریخ ۲۹ ژانویه ۲۰۱٦ توسط دبیرکل منتشر شده است.

دبیر کل سازمان ملل در گزارش پنجم به این مسئله اشاره کرده بود که علیرغم فشار نظامی شدید داعـش توانایی خود برای ساخت و مونتاژ وسایل نقلیه انفجاری و انتحاری را در مقیاس صنعتی حفظ کرده است و از تعداد قابل توجهی پهپاد برای اهداف تبلیغـاتی، شناسـایی و هـدایت غیـرمسـتقیم آتـش و حمـلات استفاده می‌کند. این گزارش با ارجاع به پاراگراف (١٤) از گزارش شـماره (S/۲۰۱۷/۳۵)، اعـلام کـرده بود که تخمین دقیق تعداد نیروی رزمی داعش غیر ممکن است، اما از ژانویه سال ٢٠١٦ ، تعداد نیروهای داعش در عراق و سوریه ١٢ تا ٢٠ هزار نفر برآورد می‌شود که این تعداد بخشی از ٣٣ هزار نیـروی ایـن سازمان در کل خاورمیانه است که ١٥ هزار نفر از آنان را نیروهای خارجی تشکیل مـی‌دهنـد. دبیرکـل بـا استناد به پاراگراف (٣) از گزارش شماره (S/۲۰۱۷/۳۵)، گزارش داده بود کـه رونـد الحـاق نیروهـای خارجی به هسته مرکزی کند شده و در مقابل بازگشت اعضاء خارجی به نقاط مبدأ تبدیل به تهدید اصلی شده است. البته تأکید شده بود که داعش به آموزش نیرو در استانهای انبار و نینوا در عراق ادامه می‌دهـد. دبیرکل با اشاره به کاهش درآمد داعش از ژانویه ٢٠١٦، اذعان کرده بود که ایـن سـازمان همچنـان ده‌هـا میلیـون دلار درآمـد ماهانـه خـود را حفـظ کـرده اسـت. او بـا ارجـاع بـه پـاراگراف ششـم از گـزارش (S/۲۰۱۷/۹۷) اعلام کرده بود درآمد داعش از فروش نفت از٥٠٠ میلیون دلار در سـال ٢٠١٥ بـه ٢٦٠ میلیون دلار در فوریه سال ٢٠١٧ کاهش یافته است[١] و در حال حاضر٧٠ تا٨٠ درصـد از درآمـد سـازمان وابسته به اخذ زکات است و ارسال هدایای مردمی از سایر نقاط دنیا نیز ادامه دارد. تخمین سازمان ملل از میزان دریافت هدایای خارجی معادل ماهانه ٣٥ تا ٤٥ میلیون دلار است.[٢] علاوه بر این داعش اخذ مالیات از کارمندان حقوق بگیر دولت در مناطق تحت کنترل خود را نیز افزایش داده است. این مسئله شامل اخذ ذکات و مالیات از شهروندان فقیری بوده است که تا قبل از فوریه ٢٠١٦ از پرداخت وجه به داعش معاف بوده اند. دلیل این افزایش، از دست رفتن منابع دریافت مالیات از حقوق کارمندان در مناطق خـارج شـده از کنترل داعش است. داعش تا قبل از سقوط موصل ٩٠ شعبه بانکی فعال در محدوده تحت کنترل خـود داشت که حقوق کارمندان را پرداخت می‌کردند و درآمد مالیاتی از آنها معادل یک میلیـارد دلار در سـال

---

١ . ارجاع به پاراگراف (٦) از صفحه سوم گزارش شماره S/۲۰۱۷/۹۷.

٢. ارجاع به پاراگراف (٢٢) از صفحه هفتم گزارش شماره S/۲۰۱٦/۹۲

بود که تنها ٦٧٥ میلیون دلار از این رقم مربوط به شعب مستقر در موصل بود. داعش همچنین تـا ژانویـه ٢٠١٦، سالانه ٩٠٠ میلیون دلار از راه دریافت حق ترانزیت دریافت می‌کرد که بـا از دسـت رفـتن زمـین بخش زیادی از آن کاهش یافته است. داعش برای جبران این کسری، دریافت هزینـه تـأمین آب و بـرق، عوارض گمرکی، حق ترانزیت و اجاره املاک و مستغلات را جایگزین یا افزایش داده است کـه رقـم آن معادل ٣٠ میلیون دلار در ماه است.[١] دبیرکل بر این باور است که داعش با کسری بودجه جدی روبروست که نتیجه آن کاهش شدید سطح خدمات و دیرکرد در پرداخت حقوق و دستمزد افراد است، اما از سـوی دیگر هزینه‌های سازمان با از دست دادن ویژگی کارگزاری و پاسخگویی به مردم کـاهش مـی‌یابـد و در نتیجه قادر است منابع محدود خود را صرف اداره جنگ کند، به عنوان مثال در برخی مناطق پرداخت حق ترانزیت به دلیل ویژگی منطقه جنگی تا ١٠٪ افزایش یافته است، یا اینکه برخی اعضاء داعش با توجه بـه کاهش یا دیرکرد پرداخت دستمزد، برای تأمین هزینه‌های زندگی کسب و کارهای جانبی راه انداخته‌اند.
(Security Council (S/٢٠١٧/٤٦٧), ٢٠١٧: ٣)

بعد از ارائه گزارش پنجم دبیرکل درباره داعش، نماینده آمریکا در شورای امنیت نیز در خلال جلسه روز بیستم جولای ٢٠١٧ به این مسئله اشاره کرد که داعش با وجود قرار داشتن زیر فشار شـدید در عـراق و سوریه، ایدئولوژی خود را گسترش داده، گـروه‌هـای جدیـدی را رادیکـالیزه کـرده و در نقـاط جدیـدی انشعاب ایجاد کرده است. این جلسه به صدور قطعنامه ٢٣٦٨ در راستای تداوم مبارزه با تروریسـم منجـر شد. (Security Council (٨٠٠٧TH Meeting), ٢٠١٧)

شواهد عینی و اطلاعات مندرج در گزارش دبیرکل سازمان ملل متحد توسط کارشناسان شورای امنیت در جلسه مورخ ٩ آگوست ٢٠١٧ نیز به تکرار شد. اطلاعات ارائه شده در گزارش دبیرکل سازمان ملل متحد با موارد مشابه که از سوی مسئولین اطلاعات و وزارت دفاع عراق ارائه شده است نیز همخوانی دارد. این مسئولین روز ٢٩ جولای ٢٠١٧ اعلام کرده بودند که بعد از آزادی موصل ٤ هزار نیروی رزمی و ٣ هـزار

١. ارجاع به پاراگراف (١٤) از صفحه هشتم گزارش شماره S/٢٠١٦/٦٢٩

عضو غیر نظامی داعش که در سازمان مشغول به کار بودند همچنان در عراق حضور دارند و ایـن نسـبت در سوریه شامل ۳ هزار نیروی رزمی و پنج هزار نیروی غیر نظامی است. (Business Insider, ۲۰۱۷) بررسی و انطباق اطلاعات موجود ضمیمه اطلاعات آماری گزارش کشوری تروریسم[1] که توسـط وزارت خارجه آمریکا در جولای ۲۰۱۷ منتشر شد، نشان می‌دهد عراق بعد از حملات گسترده ائـتلاف همچنـان در بین ۱۰ کشور اوّل مورد هجوم حملات تروریستی در رتبه اول قرار دارد و در هسته مرکـزی فعالیـت داعش، سوریه با فاصله معناداری در رتبه هفتم بعد از عراق قرار گرفته اسـت. ایـن تفـاوت بـدین معنـی است که عراق در آینده همچنان به عنوان کانون تمرکز عملیاتی داعش باقی خواهد ماند و نـابودی مرکـز ثقل فیزیکی داعش در موصل و اراضی دیگر تأثیر زیادی بر بقای این سازمان در عراق ندارد.

جدول ٤- ٢١- ١٠ کشور دارای بیشترین حملات تروریستی طی سال‌های ۲۰۱۵ و ۲۰۱٦

	مجموع حملات[2]		مجموع تلفات		متوسط تلفات در هر حمله		مجموع زخمی		متوسط زخمی در هر حمله		مجموع آدم‌ربایی	
سال	۲۰۱۵	۲۰۱٦	۲۰۱۵	۲۰۱٦	۲۰۱۵	۲۰۱٦	۲۰۱۵	۲۰۱٦	۲۰۱۵	۲۰۱٦	۲۰۱۵	۲۰۱٦
عراق	۲٤۱۷	۲۹٦۵	٦۹۷۳	۹۷٦٤	۳,۰۱	۳,٤٤	۱۱۹۰۰	۱۳۳۱٤	۵,۲۵	٤,۷٤	٤۰۰۸	۸۵۸٦
افغانستان	۱۷۱٦	۱۳٤۰	۵۳۱۲	٤۵٦۱	۳,۲٤	۳,۵۸	٦۲۵۰	۵۰۵٤	۳,۹۹	٤,۰۳	۱۱۳٤	۱٦۷۳
هند	۷۹۸	۹۲۷	۲۸۹	۳۳۷	۰,۳۸	۰,۳۸	۵۰۰	٦۳٦	۰,٦٦	۰,۷۳	۸٦٦	۳۱۷
پاکستان	۱۰۱۰	۷۳٤	۱۰۸۷	۹۵۵	۱,۱۱	۱,۳٤	۱۳۳۸	۱۷۲۹	۱,۳۷	۲,٤۳	۲۷۹	٤۵۰
فیلیپین	٤۹۰	٤۸۲	۲٦۰	۲۷۲	۰,۵٤	۰,۵۸	٤۳۰	٤۱۸	۰,۹۰	۰,۹۰	۱۲۷	۲۱٦
نیجریه	۵۸۸	٤٦٦	٤۹٤۰	۱۸۳۲	۹,۱۳	٤,۳۵	۲۷۸٦	۹۱۹	۷,۷۰	۲,٦٦	۵۸۵	۲٦۵
سوریه	۳۸۷	۳٦۳	۲۷٦۸	۲۰۸۸	۷,۹۱	٦,٤۲	۲۸۳۰	۲٦۵٦	۹,٦۳	۹,۱۹	۱٤۷٦	۱٤۰٦
ترکیه	۳۰۹	۳٦۳	۳۳۷	٦۵۷	۱,۱۱	۱,۸۱	۸۲۸	۲۲۸۲	۲,۷۸	٦,۳۷	۱٤۱	۱۸
یمن	٤٦۰	۳٦۳	۱۵۱۷	٦۲۸	۳,۹۰	۱,۸۹	۲۵۹۹	۷۹۳	٦,۹۷	۲,٤٤	٤۵٦	۱۷۳
سومالی	۲٤۱	۳۵۹	٦۵۹	۷٤۰	۳,۰۵	۲,۱۸	٤٦۳	۹٤۳	۲,۲۸	۲,۹۱	۱٦۱	۳۷۳
مجموع	۱۲۱۲۱	۱۱۰۷۲	۲۹٤۲٤	۲۵٦۲۱	۲,۵٦	۲,٤٤	۳۷٤۱۹	۳۳۸۱٤	۳,٤۰	۳,۳۲	۱۲۲٦٤	۱۵۵٤۳

(Country Reports on Terrorism ۲۰۱٦, ۲۰۱۷: ۵)

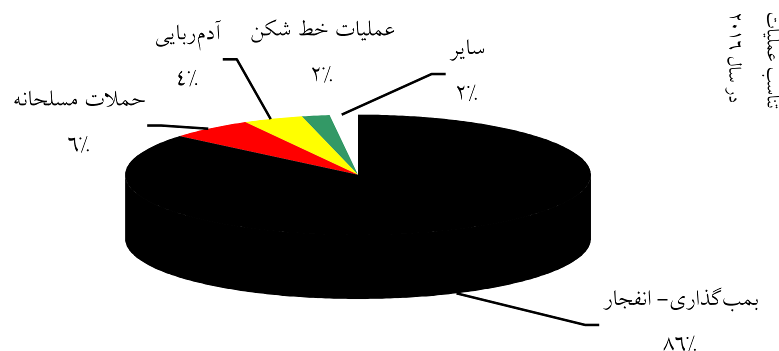
بر اساس گزارش کشوری تروریسم در سال ۲۰۱٦، در ٦٦٪ حملات در عراق، هـیچ سـازمانی مسـئولیت عملیات را برعهده نگرفته است، اما بر اساس شواهد، ۹٤٪ از آنها منتسب به داعش هستند. ایـن گـزارش همچنین ۰.۵٪ از حملات را نیز منتسب به عصائب اهل‌الحق می‌نماید. بر اساس این گزارش تعداد حملاتی که داعش مسئولیت مستقیم آنها را برعهده گرفته است از ۷۷۵ عملیات در سال ۲۰۱۵ به ۹۳۲ عملیات در

۱ . مجری این طرح کنسرسیوم ملی برای مطالعه تروریسم و پاسخ به تروریسم است که یک مرکز تحقیقاتی وزارت علوم و فناوری امنیت ملی است و در دانشگاه مریلند استقرار دارد.
۲. مجری یا مجریان عملیات جزو کشته شدگان هستند.

سال ۲۰۱٦ افزایش یافته که معادل (۲۳٪) افزایش نرخ حملات است. در سال ۲۰۱٦ نشان می‌دهـد، طـی ۷۸ مورد در سطح جهان، ۱۰ عملیات در یک روز مشخص در یک کشور انجام شده که ۷۱٪ از این موارد در عراق رخ داده است. در ۸۵ مورد گزارش شده در سطح جهان، تلفات حملات بیش از۵۰ نفر گـزارش شده که ۵۵٪ از آنها در عراق با رکورد ۵۷ حمله در یک روز رخ داده است.

(Country Reports on Terrorism ۲۰۱٦, ۲۰۱۷: ۸)

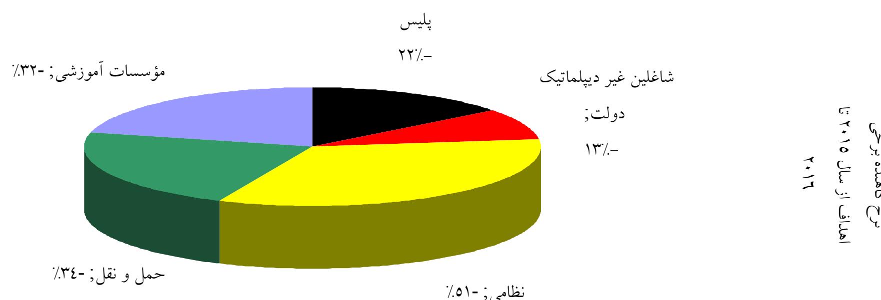
نمودار ٤-۱۵- تنوع عملیاتی داعش در عراق (۲۰۱٦)



(Country Reports on Terrorism ۲۰۱٦, ۲۰۱۷: ۸)

نرخ حملات انتحاری در سال ۲۰۱٦ معادل ۹٪ از کل عملیات‌ها بوده است. این نرخ به خوبی با روند تغییـر تاکتیک عملیاتی داعش از سال ۲۰۱۵ تا ۲۰۱٦ سازگار است. بر این اساس الگوی ترور در عراق از ۷۳ مورد در سال ۲۰۱۵ به ٤۸ مورد در سال ۲۰۱٦ کاهش یافته و در مقابل تعداد عملیات‌های خط‌شکن از ۸ مورد در سال ۲۰۱۵ به ۵۰ مورد در سال ۲۰۱٦ افزایش یافته است. توزیع اهداف حملات نشان میدهد که ۵۵٪ از آنها متوجه مردم غیر نظامی بوده و ۱۵٪ از آنها تجار را هدف قرار داده است. ۷٪ از حملات متوجه پلیس بـوده و ۲۳٪ باقیمانده نیز نظامیان را هدف گرفته‌اند. از سوی دیگر در حالی که تعداد کل حملات در عـراق افـزایش یافته‌اند، حمله به برخی اهداف نسبت به سال ۲۰۱۵ نرخ کاهنده داشته است. توزیع جغرافیایی عملیات‌ها نیز تغییراتی نسبت به سال ۲۰۱۵ داشته است. به عنوان مثال نرخ حملات در استان بغداد از ٤۱٪ به ۳۳٪ کـاهش یافته است و در مقابل نرخ حملات در انبار از ۱٦٪ به ۲۲٪ افزایش یافته است. نرخ حملات در اسـتان نینـوا نیز از ٤٪ به ۹٪ افزایش یافته است. (Country Reports on Terrorism ۲۰۱٦, ۲۰۱۷: ۸)

نمودار ٤- ١٦- عملیات‌های برخوردار از نرخ کاهنده (داعش-٢٠١٦)



گزارش‌های دبیرکل و شورای امنیت سازمان ملل متحد و اطلاعات ارائه شده از سوی مسئولین عراقی درباره ابقای عناصر داعش در عراق مسئله جدیدی محسوب نمی‌شوند. افزایش ٢٣ درصدی نرخ رسمی عملیات‌های داعش در سال ٢٠١٦ و افزایش ٢٨,٥ درصدی تلفات مؤید صحت دعاوی گزارش‌های سازمان ملل متحد درباره حفظ قدرت مانور جنگی داعش است. این گزارش‌ها مؤید ابقای الگوهای جنگی سابق داعش هستند، اما در عین حال از تغییر تاکتیک‌ها، ارتقاء توانمندی‌های نظامی و مالی خبر می‌دهند. تغییر تاکتیک عملیاتی داعش از کلان به محلی در کنار افزایش توانمندی نظامی و مالی در مناطق کوچک الگوی ثابت ناظر به عملکرد دولت اسلامی عراق از دسامبر ٢٠٠٨ به بعد است. این الگو ناظر به بازگشت‌پذیری دولت اسلامی به عراق و بازسازی توان عملیاتی این سازمان است که پدیده جدید و قابل انتظاری است.عملکرد نظامی داعش در سوریه و عراق از سال ٢٠٠٣ تا کنون، ذیل الگوی «جنگ ترکیبی»[1] قابل تعریف است. جنگ دوگانه، نوعی از نبرد است که بازیگر آن از یک سازمان ساختار یافته برخوردار است و نبرد را در سطوح چندگانه به طور ملموس و زمان‌های انتخاب شده برنامه‌ریزی می‌کند و سبک‌های چندگانه جنگ را به شکل ترکیبی و ویژه به کار می‌گیرد. به عبارت بهتر جنگ ترکیبی عبارت از ترکیبی از یک طیف مختلف از مدل‌های مختلف جنگ است که شامل توانایی‌های رایج، تاکتیک‌های نامتقارن و ایجاد وحشت است. (Hoff man, ٢٠٠٧: ٢٣-٥٢)

داعش ذیل الگوی جنگ دوگانه از زمان اشغال عراق تا جنگ در سوریه از تاکتیک‌های جنگ چریکی، ایجاد وحشت و مانورهای رایج جنگی بهره برده است و به طور طبیعی به چنین روندی ادامه خواهد داد. (McFate, ٢٠١٥: ١٧)

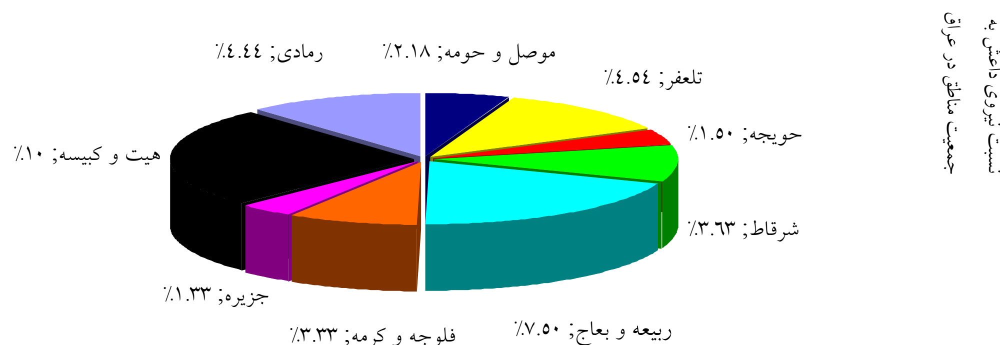
---

١ . HYBRIDIZED WARFARE

یکی از ستون پایه‌های عملکرد داعش در عراق بعد از آزادی موصل، توانایی سازمانی در بازسازی شبکه سلولی است و در عین حال ساده‌ترین تحلیل درباره استقرار با ثبات این سازمان در جغرافیای حضورش نیز مبتنی بر پذیرش اجتماعی این سازمان نزد جمعیتی است که در شهرهای تحت سیطره داعش زندگی می‌کردند. در این میان نیروهای فراملیتی مهاجر که با انگیزه کمک به دولت خلافت وارد عراق و سوریه شده‌اند یکی از عناصر تاثیرگذار در ساخت اجتماعی هوادار داعش هستند، اما واقعیت اینجاست که در گزارش‌های متعدد همواره حدود نیمی از نسبت نیروهای داعش را اتباع کشورهای عراق و سوریه تشکیل می‌دهند. بر اساس اعلام وزارت دفاع عراق، بین ۵۰ درصد نیروهای داعش در رمادی و ۸۰ درصد از آنان در فلوجه محلی بوده‌اند. این نهاد همچنین تا آوریل ۲۰۱٦ تخمین زده بود که ۷۰ درصد از نیروهای عملیاتی داعش در داخل موصل و ۹۲ درصد از نیروهای مستقر در حومه آن محلی بوده‌اند. از سوی دیگر تا ماه فوریه ۲۰۱٦ نسبت نیروهای داعش در عراق معادل ۱,۹۲ درصد از جمعیت ۱,٤میلیون نفری در مناطق تحت سیطره این سازمان تخمین زده شده می‌شد. بنابراین می‌توان پذیرفت که قدرت مانور نظامی داعش به کمیت نیروی انسانی وابسته نیست، بلکه این سازمان با اتکاء به قدرت ایدئولوژی نیروهای کیفی بقای نظامی خود را حفظ می‌کند. بر همین اساس، دفتر مدیریت اطلاعات ملی ایالات متحده در گزارش ارزیابی تهدیدات جهانی توسط جذابیت‌های ایدئولوژیک، فعالیت رسانه‌ای و کنترل قلمرو در عراق و شام قادر به هدایت مستقیم و غیر مستقیم حملات در هسته مرکزی و خارج از آن است.

(Statement the US Intelligence Community, ۲۰۱۷: ٦)

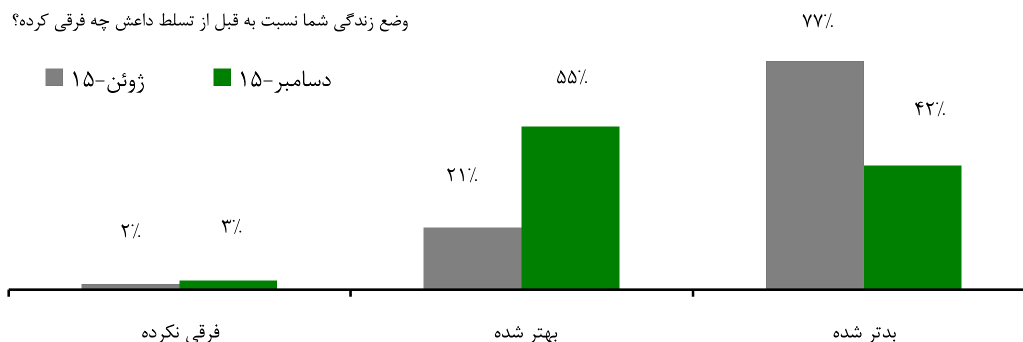
نمودار ٤– ۱۷– نسبت نیروهای بومی داعش به جمعیت مناطق تحت کنترل سازمان



(آزاد، ۱۳۹٥: ۱٦)

نتایج نظرسنجی مؤسسه مستقل مطالعات حکومت و جامعه مدنی[1] طی سال‌های ۲۰۱٤ و ۲۰۱۵ نشان می‌داد که بعد از آوارگی ٤,٥ میلیون عراقی، مردمی که در محدوده تحت کنترل داعش زندگی می‌کنند یا برای خروج از موصل بیش از حد فقیر، پیر یا ناتوان بوده‌اند و یا آنکه اساساً به ایدئولوژی داعش گرایش داشته‌اند. البته این نظر سنجی، نکات قابل تامل دیگری را نیز در بطن خود دارد که بر اساس آن می توان نمایه‌ای از جامعه سُنّیِ بعد از داعش بدست آورد. به عنوان مثال در ژوئن ۲۰۱۵، ۷۷٪ از پاسخ دهندگان بر این باور بودند که سطح زندگی آنان نسبت به قبل از تسلط داعش بر موصل بدتر شده است، اما در ماه دسامبر ۲۰۱۵، تنها ٤۲ ٪ از مردم چنین باوری داشتند. (IIACSS, ۲۰۱٥: ٦)

نمودار ٤- ۱۸- نظر سنجی مؤسسه مطالعات حکومت و جامعه مدنی درباره داعش در استان‌های سنی عراق(۲)



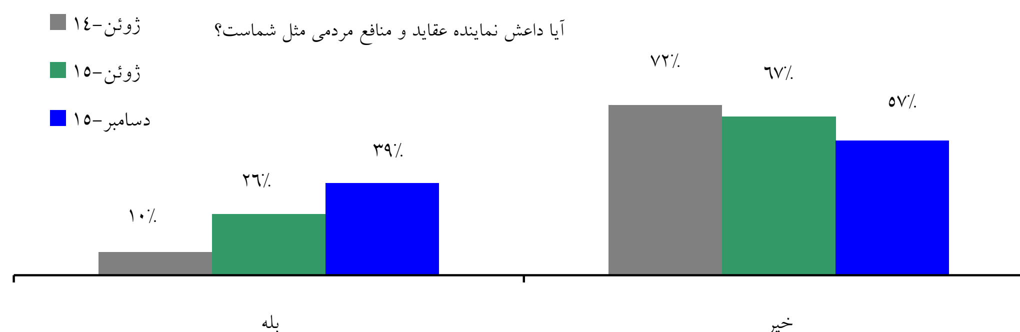
(IIACSS, ۲۰۱٥: ٦)

بر اساس این نظر سنجی در ژوئن ۲۰۱٤، تنها ۱۰٪ از جامعه آماری پاسخ دهنده داعش را نماینده عقیده و منافع مردم قلمداد کرده بودند ، اما در دسامبر ۲۰۱۵ این نسبت به ۳۹٪ افزایش پیدا کرده بود. (اختلاف نسبت‌ها به دلیل ارائه پاسخی به غیر از بله یا خیر است) (IIACSS, ۲۰۱٥: ۷)

---

۱ . قبلاً درباره کیفیت این نظرسنجی توضیح داده شده است.

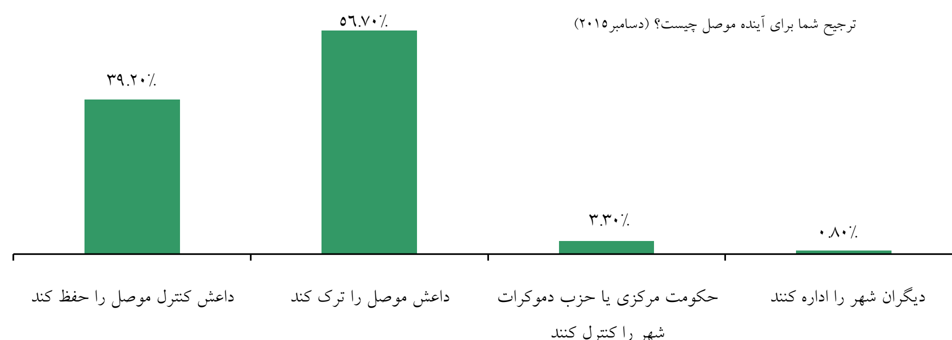
نمودار ٤- ١٩- نظر سنجی مؤسسه مطالعات حکومت و جامعه مدنی درباره داعش در استان‌های سنی عراق(٣)



(IIACSS, ٢٠١٥: ٧)

یکی از پاسخ های قابل تامل، ترجیح ٣٩,٢ درصدی مشارکت کنندگان در نظرسنجی ١٥ دسامبر ٢٠١٥ برای باقی ماندن کنترل شهر موصل در دست داعش است، که می تواند نمایه‌ای از وضعیت آینده استان‌های سُنّی‌نشین در دوران پسا داعش باشد.(IIACSS, ٢٠١٥: ٨)

نمودار ٤- ٢٠- نظر سنجی مؤسسه مطالعات حکومت و جامعه مدنی درباره داعش در استان‌های سنی عراق(٤)

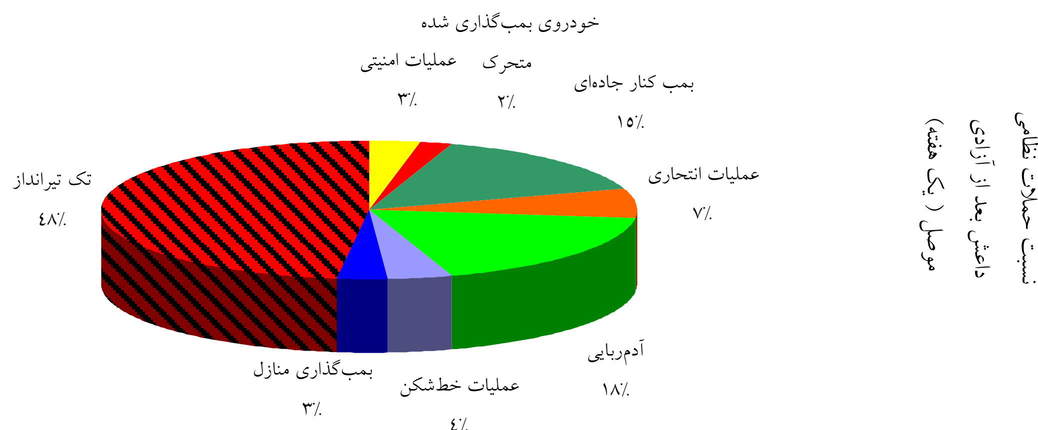


(IIACSS, ٢٠١٥: ٨)

بر اساس اطلاعات موجود، ٦٩ ٪ از آوارگان سُنّی تمایل دارند تا بعد از پاکسازیِ داعش به مناطق مسکونیِ خود بازگردند و ١٥٪ از آنان نیز مجبور به بازگشت به این مناطق هستند. اما واقعیت اینجاست که گرایشِ عقیدتی و کارکردیِ حدود٤٠٪ از ساکنانِ موصل تحت کنترل داعش به این سازمان ، حکایت از ابقای بستر ناامنی در این شهر است که قابل تسری به استان های سُنّی‌نشین در دوران پسا داعش است. ضمن اینکه داعش برای تداوم عملیات نظامی نیازی به همراهی تمام جمعیت ساکن در مناطق سُنّی نخواهد داشت. (السومریه نیوز، ٢٠١٥)

بعد از آزادی موصل داعش طی شش روز ، ۱۲۵ نوع عملیات هجومی در کل عراق انجام داد که به طـور متوسط شامل ۲۰٫۸۳ عملیات در هر روز بوده است. تعداد کل تلفات در این تعداد عملیات ٤٧٥ نفر بوده که تنها ١٤ نفر از آنان را افسران نظامی تشکیل می‌دادند. در این تعداد حملات سه هواپیمای نظامی ساقط شد و ٤٠ خودروی زرهی بعلاوه ١٥ مقرّ نظامی نابود شدند. اطلاعاتی درباره تعداد تلفات ایـن حمـلات در یک روز مشخص وجود ندارد، اما نرخ متوسط آن ٧٩ نفر در هر روز بوده است. (النبأ(٨٨)، ١٤٣٨: ٢)

نمودار ٤- ٢١- نسبت حملات نظامی داعش بعد از آزادی موصل



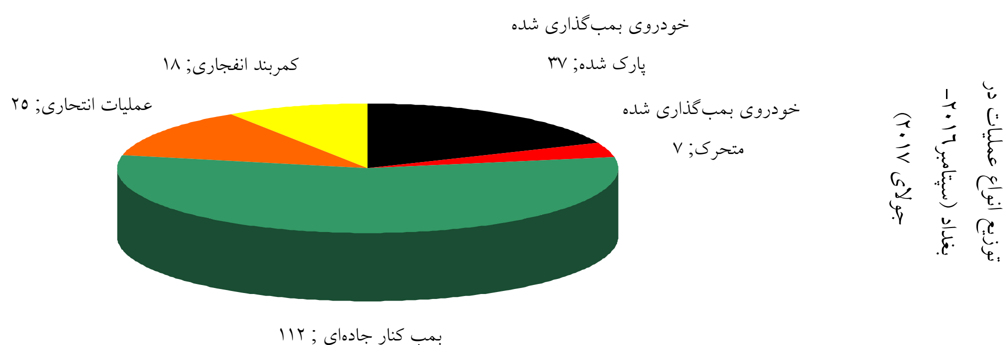
(النبأ(٨٨)، ١٤٣٨: ٢)

داعش استراتژی جنگی و تاکتیک‌های روزآمد سازی آن در هسـته مرکـزی را بـر اسـاس عامـل جغرافیـا طراحی و اجرا می‌نماید. مناطق جغرافیایی تاثیرگذار بر استراتژی جنگی داعش عبـارت از بیابـان جزیـره، شهرهای داخل محدوده بیابان جزیره و حومه شهرهای متصل به آن هستند. مانور جنگـی در بیابـان‌هـای منطقه جزیره در عراق و سوریه به داعش اجازه می‌دهد تا حملات چندگانه غـافلگیر کننـده را از منـاطق بیابانی به سمت شهرها و حومه شهرها برنامه‌ریزی و اجرا کند. شواهد عینـی برآمـده از عملکـرد نظـامی داعش در عراق نشان می‌دهد که این سازمان با ایجاد واحدهای مستقر در حومه شهرهای بزرگ به داخل آنان نفوذ می‌کند و با اجرای تاکتیک‌های جنگ چریکی به نیروهای امنیتـی و پلـیس حملـه ور مـی‌شـود. داعش به طور سنتی در منطقه گسترده بیابانی جزیره در دوره اشغال عراق حضور فعالی داشته است و بـه خصوص از سال ۲۰۱۲، بعد از تسلط بر دیرالزور و از سال ۲۰۱۳ بعد از تسلط بر رقّه گسـترده‌تـر شـده

است. بیابان‌های جزیره در عراق از شمال در برگیرنده شهرهای سامراء، بیجی و «تکریت» است و تا شمال بعقوبه در شعاع ٦٠ کیلومتری کمربند امنیتی بغداد امتداد دارد. این محدوده کل استان انبار را در بر می‌گیرد و در استان نینوا از کرانه غربی رود دجله، شامل شرقاط و قیاره می شود و سپس از جنوب موصل و تلعفر و بعاج تا مرز سوریه امتداد می‌یابد. بیابان‌های منطقه جزیره در سوریه از شمال شدادی در جنوب حسکه تا تمام جغرافیای استانهای دیرالزور و رقه در کرانه‌های شمالی، جنوبی، غربی و شرقی رود فرات امتداد دارد و در حمص تا شرق تدمر و در حلب تا منطقه سفیره در جنوب غربی شهر امتداد می‌یابد. در نتیجه کنترل منطقه بسیار دشوار و رقابت نظامی در آن با چالش روبروست. علاوه براین به استثناء بیابان‌های شرق حمص و حما، غرب سوریه عاری از بیابان است که طبیعتا قدرت مانور را از نیروهای بیابانی داعش می‌گیرد. در واقع جبر جغرافیا، داعش وادار را به طراحی و اجرای مانور جنگی در کریدور مرکزی سوریه از شرق بزرگراه ام-٥ تا رقه و کوهستان قلمون شرقی در شمال شرق دمشق در مرز این بزرگراه و مرزهای لبنان نموده است. (McFate, ٢٠١٥: ١٧)

بر اساس اطلاعات گزارش کشوری تروریسم در سال ٢٠١٦، همچنان ٣٣٪ از حملات نظامی متوجه بغداد بوده است که حکایت از تداوم تمرکز بر کمربند امنیتی بغداد توسط داعش دارد. داعش از سپتامبر ٢٠١٦ تا جولای ٢٠١٧، ١٩٩ عملیات در بغداد اجرا کرد که نتیجه آن ٢٢٠٠ کشته و زخمی و نابودی بیش از ٤٤ خودروی زرهی بود. (النبأ (٩٠)، ١٣٣٨: ٢)

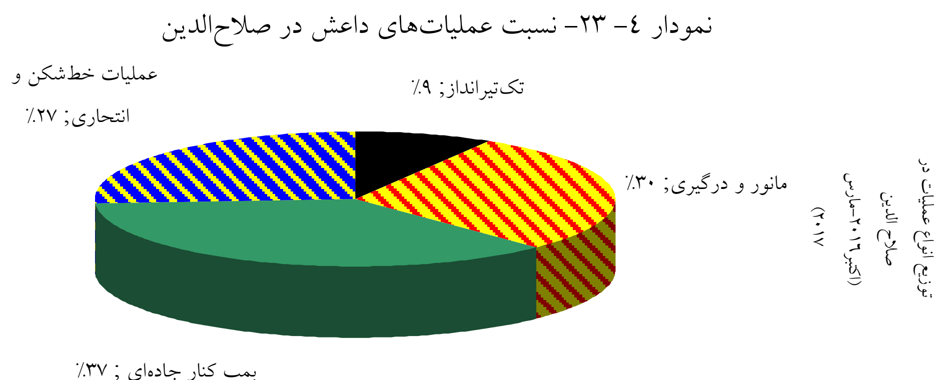
نمودار ٤- ٢٢- نسبت عملیات‌های داعش در بغداد



(النبأ (٩٠)، ١٣٣٨: ٢)

داعش طی شش ماه از چهارم اکتبر ۲۰۱٦ تا ۳۰ مارس ۲۰۱۷ بیش از ۹۷ عملیات هجومی در استان صلاح‌الدین به ثبت رسانید که ۱۰۳۷ کشته برجای گذاشت. در این حملات پنج هواپیمای بدون سرنشین ارتش عراق و ائتلاف ساقط شد، ۸۵ پادگان و مقرّ نظامی و ۱۲۷ نوع مختلف از ادوات زرهی منهدم شدند. همچنین ۳٤ خانه مسکونی از شیعیان بواسطه بمب‌گذاری تخریب گردید. (النبأ (۷۵)، ۱۳۳۸: ۲)

نمودار ٤- ۲۳- نسبت عملیات‌های داعش در صلاح‌الدین

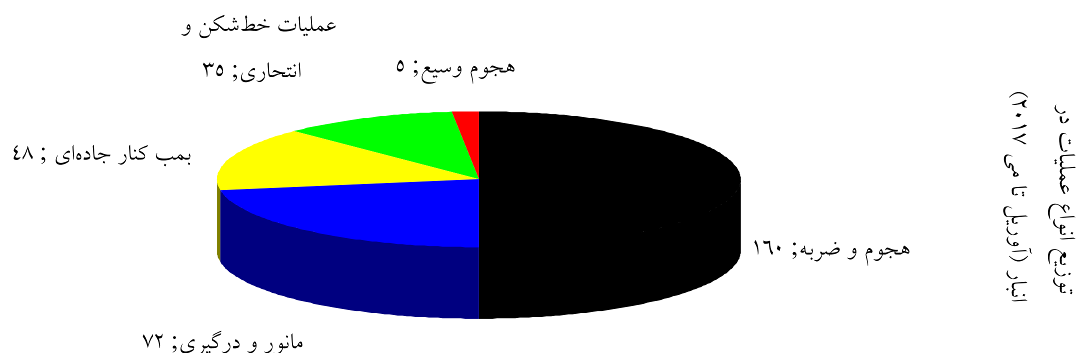


(النبأ (۷۵)، ۱۳۳۸: ۲)

داعش طی ۱۰۰ روز از اول مارس تا ۱۱ ژوئن ۲۰۱۷، بیش از ۹٤ عملیات در استان دیالی انجام داد که ۸۵ مورد آن بمب کنار جاده‌ای و ۹ مورد نیز عملیات انتحاری بود. در اثر این حملات ٤۳۰ کشته و زخمی از نیروهای ارتش و حشد شعبی، پیشمرگ و حشد عشائری بر جای ماند، ۱۰ مقرّ و منزل نیروهای حشد عشائری و ۱۹ دکل تأمین برق مناطق شیعه نشین نابود شد. همچنین بر اثر این حملات ۷۵ نوع از خودروهای زرهی نیز منهدم شدند. (النبأ (۸۵)، ۱۳۳۸: ۲)

داعش طی یک ماه از ۲۹ آوریل تا ۲۹ می ۲۰۱۷، ۱٦۰ عملیات هجومی انجام داد که ۱۱۰۰ کشته و زخمی برجای گذاشت. در این حملات که کاملاً نمایه نظامی داشتند ۱۹۲ خودروی زرهی از انواع مختلف ۱۱۵ خودروی تاکتیکی هامر و ۹ تانک منهدم یا به غنیمت گرفته شدند. (النبأ (۷۲)، ۱۳۳۸: ۲)

نمودار ٤-٢٤- نسبت عملیات‌های داعش در انبار



(النبأ (٧٢)، ١٣٣٨: ٢)

ایجاد درگیری توأمان در استان‌های انبار و دیالی نشانه تداوم اجرای الگوی قدیمی ایجاد سیستم تردد بـه «الطارمیه» و «سامراء» و استان انبار است که پیش‌تر تحت عنوان «سیستم الانبار» درباره آن شرح داده شد که نتیجه آن ایجاد خلاء قدرت در استان دیالی و تهدید امنیت ایران است. شواهد عینی حکایـت از ایـن دارد که علیرغم فشار نظامی شدید به داعش، این سازمان به شکل پیچیده‌ای در حال اجرای توأمـان سـه تاکتیک جنگ‌های منطقه‌ای، ناحیه‌ای و ترکیبی است. بر اساس سیر صعودی حملات طی سال‌های ٢٠١٥ و ٢٠١٦ می‌توان پیش‌بینی نمود که روند نظامی در بلند مدت همچنان بر عراق حکم‌فرمـا باشـد. در ایـن راستا بخش زیادی از توان مجموعه نیروهای ارتش، پلیس و حشد شعبی بر حفظ امنیـت کمربنـد بغـداد متمرکز خواهد بود. البته حفظ و اداره مناطق آزاد شده نیز یک چالش بزرگ در آینده محسوب می‌شود که نیازمند استخدام و آموزش نیروی نظامی است.

جدول ٤- ٢٢- ارزیابی انطباقی تاکتیک‌های جنگی داعش[1]

تاکتیک	تعریف	روند تجربی در مورد داعش	نمونه مهم
جنگ مستحکم	جنگ مستحکم یک موقعیت جنگی قوی است که بـه یـک مـانع طبیعـی وابسته است و از آن برای ایجاد یک لنگرگاه دفاعی یا دور کـردن قطعـی دشمن و حفظ قلمرو محوری استفاده می‌شود. (FM ٣-٩٠-١-Offense and Defense, ٢٠١٣: ٢٢٧)	در این تاکتیک داعش تلاش می‌کند جنگ را بـرای گـرفتن حـداکثر تلفـات از شـهروندان و نظامیـان، نابودی زیرساخت‌ها و جلـوگیری از دسترسـی بـه مناطق تحت کنترل به داخل شهرها منتقل کند.	رمادی (٢٠١٤- ٢٠١٥)؛ موصل (٢٠١٦ - ٢٠١٧)

١ . مندرجات این جدول دارای منبع واحدی نیست. این جدول با استفاده از مفاهیم پایه در جلد اول از کتاب آموزشی حمله و دفاع با شماره FM ٣-٩٠-١ تنظیم شده است. این کتاب توسط اداره آموزش ارتش آمریکا انتشار عمومی یافته است.

جنگ منطقه‌ای	جنگ منطقه‌ای دارای دو بعد منطقه کشتار و منطقه موانـع اسـت. منطقـه کشتار بخشی از یک کمین‌گاه که آتش‌باری در آن برای حفظ، تثبیـت، و نابودی دشمن متمرکز است. منطقه موانع، به محدوده‌ای اطلاق مـی‌شـود که کنترل آن توسط فرماندهی در سـطح لشـکر میسـر اسـت و بـه طـور معمول شامل محدوده اراضی با ارتفاع پسـت اسـت کـه امکـان طراحـی بکارگیری موانع تاکتیکی را فراهم می‌سازد. (FM ۳-۹۰-۱-Offense and Defense, ۲۰۱۳: ۲۷۳-۲۷٤)	در این تاکتیک داعش تلاش می‌کند عملیـات‌هـای آفندی را به محدوده‌ای دورتر از منطقه اصـلی کـه نیروهای پیش‌قراول در آن درگیـر هسـتند هـدایت کند تا نیـروی مقابـل را از منطقـه درگیـری اصـلی منحرف سازد.	داعش با حملات مستمر در پهنـه وسیع بیابان جزیره در استان‌هـای انبار، صـلاح‌الـدین و منـاطق دره رود دیـالی، تلفـات سـنگینی از واحدهای کوچک مستقر در آنهـا می‌گیرد.
جنگ ناحیه‌ای	جنگ ناحیه‌ای در محدوده اصلی نبرد رخ می‌دهد. در این نوع از جنـگ، فرماندهی بخش اعظمی از نیـروی واحـدهای رزمـی خـود را در ناحیـه درگیری مستقر می‌کند و عملیات‌های قـاطعی را بـرای شکسـت دشـمن طراحی و اجرا می‌کند. (FM ۳-۹۰-۱-Offense and Defense, ۲۰۱۳: ۲٤٤)	داعش در جنگ ناحیـه‌ای بـا رهیافـت کنـد کـردن پیشروی دشمن به شهرهای تحت کنترل خـود، در نقاط امکان‌پذیر، موانع ضدتحرک و ضدنفـر ایجـاد می‌کند.	سال ۲۰۱۳ داعـش بـا جنـگ در فلوجه، بخش زیـادی از اسـتعداد ارتش و پلیس را از استان دیـالی خـارج و در ایـن اسـتان خـلاء قدرت ایجاد کرد.
جنگ ترکیبی	جنگ ترکیبی به استفاده همزمان از چند سطح جنگ (کلاسیک، نامتقـارن و حملات تروریستی) توسط دشمنان منعطف و پیچیده با ایـن سـطح از درک اطلاق می‌شود که درگیـری موفـق در اشـکال مختلـف و براسـاس انطباق با یکی از اهداف در زمان خاص طراحی می‌شود. (Hoff man, ۲۰۰۷: ٥)	داعش در جنگ ترکیبی یا دوباره بـه شـهرهای آزاد شده باز مـی‌گـردد و آنکـه بـه شـکل هسـته‌هـای خاموش و بدون درگیری با نیروهای مقابل با هدف بقا و طراحی ضـد حمـلات آینـده در شـهر بـاقی می‌ماند.	تمام مناطق آلوده
گسترش	بقا و گسترش توسط داعش در شماره پنجم از نشریه دابق بواسطه تبیـین دلایل لزوم بیعت گروه‌ها و مردم در مناطق خـارج از محـدوده خلافـت تئوریزه شد.(DABIQ(ISSUE:٥),١٤٣٦: ٢٠-٣١)	داعش در مرحله گسترش برای حفظ ابتکار عمل و فرار از نابودی جبهه جدیدی را باز می‌کند	استراتژی کـلان خـارج از هسـته اصلی (عراق و سوریه)

ممکن است نتایج معکوس افزایش فشار نظامی بر داعش عجیب و غیرقابل باور به نظر برسد، اما ایـن رونـد کاملاً از منطق قابل فهمی برخوردار است. منطق حاکم بر عملکرد داعش در عـراق ادلـه مناسـبی بـرای ایـن استدلال هستند که تمام سازو کارهای مهار این سازمان تا اطلاع ثـانوی بـدون تغییـر جـدی در سـاختار بـه عملکرد خود ادامه خواهند داد. این ادله را می‌توان به شرح زیر توضیح داد:

۱. داعش با از دست دادن مرکز ثقل قدرت در موصل از حالت دفاعی خـارج و در قالـب جنـگ‌هـای منطقه‌ای، ناحیه‌ای و ترکیبی به مرحله تهاجم وارد شده است؛

۲. داعش نیروی رزمی رها شده از مناطق آزاد شده را برای دفاع از سایر مراکز ثقـل فیزیکـی کوچـک بسیج می‌کند، بنابراین سازمان با وجود کاهش نیروی رزمی، به دلیل محدود شدن جغرافیای باقیمانده با توان بیشتری می‌جنگد؛

۳. داعش با از دست دادن مسئولیت اداره مناطق تحت کنترل، بخش زیادی از نیـروی انسـانی و تـوان مالی خود را در قالب هسته‌های غیر متمرکز و متکثر، اما کارآمد، صرف جنگ نموده است؛

٤. نیمی از نیروی داعش محلی هستند که با اتکاء به ایدئولوژی بـه سـازمان پیوسـته‌انـد، ایـن نیروهـا تشکیل دهنده مراکز ثقل کوچک و توانمندی هستند که مهار تاکتیک های منعطف جنگی آنها نیروی مضاعفی می‌طلبد؛

٥. یک سوم حملات داعش همچنان بر بغداد متمرکز است و باقیمانده حملات این سازمان نیز کمربند امنیتی بغداد را هدف قرار می‌دهند، بنابراین داعش بـا اجـرای تاکتیـک جنـگ منطقـه‌ای ٦٧,٥٢٪ از استعداد کل نیروهای ارتش و پلیس و ۹۳٪ از استعداد حشد شعبی را مجبور به اسـتقرار در بغـداد و کمربند دفاعی بغداد کرده است. این روند از یک سو به معنی کاهش جـدی تـوان آفنـدی نیروهـای عراقی برای پاکسازی مناطق آلوده و استقرار در این مناطق برای حفظ امنیت آنهاست؛

٦. وضعیت آنارشیک حاکم بر عراق مؤید استمرار ناتوانی دولت در تأمین امنیت است که از یـک سـو اجرای استراتژی (T.R.S) در قبال حشد شعبی را با تردید روبرو می‌سازد و از سوی دیگر، دولـت را نیازمند دریافت کمک از ائتلاف و ایالات متحده نگاه می‌دارد.

البته یک استدلال نیز بر اساس عدم درک احتمالی ساختار و حاکمیت عـراق از طـور فزاینـده داعـش شـکل می‌گیرد که سابقه آن در سال ۲۰۱٤ نیز وجود دارد. براساس این شیوه از استدلال ممکن است دولت مرکـزی عراق با این فرض که با نابودی مراکز ثقل فیزیکی داعش، نیروهای امنیتی بدون نیاز به حشد شعبی قـادر بـه انجام مأموریت خود هستند در راستای تضعیف این ساختار گام بردارد. نشانه‌هـای آغـاز چنـین برداشـتی در نتیجه نظرسنجی مؤسسه تحقیقات «گرینبرگ کوییتلان سونر» نیز ملموس است. بر اساس این نظرسـنجی، بـه موازات افزایش فشار نظامی به مرکز ثقل فیزیکی داعش در موصل از ژانویه تا آوریل ۲۰۱۷، وضعیت امنیـت در افکار عمومی عراقی‌ها با ٢٦ رتبه صعود، به درجه «خیلی بهتر» رسیده بود و بر اساس همین نظـر سـنجی جایگاه امنیت بـه عنـوان یـک اولویـت در افکـار عمـومی عراقـی‌هـا بـا رشـد (-۱۲) روبـرو بـوده اسـت. (Greenberg quinlan rosner research, ۲۰۱۷: ۳-۷)

بهبود وضعیت امنیت و تنزّل دغدغه امنیت در افکار عمومی مردم عراق (درحالی که در عمل چنـین نیسـت) منبعث از خارج شدن کنترل اراضی تحت سیطره داعش از اختیار این سازمان است کـه ممکـن اسـت نتـایج عملی وخیمی به دنبال داشته باشد که یکی از آنها حرکت به سمت تضعیف، کاهش تنقش و یا حتی انحـلال حشد شعبی است. علاوه بر این اجرای نظریات دیگری نیز در عراق پیگیری می‌شوند که مبتنی بر جـایگزینی

گروه‌های شبه نظامی خوش‌خیم به جای شبه نظامیان بدخیم هستند. دکتر مایکل نایتس[1] بر این باور است برنامه ریزی برای اصلاح ساختار حشد شعبی باید با هدف کاهش نیروهای جمعی هیئت حشد شعبی صورت می‌پذیرد تا دولت با آزادی عمل بیشتر اقدام به کاهش بودجه تخصیص یافته به ابومهدی مهندس و تسویه نیروها اقدام کند. او در همین راستا فرقه العباس القتالیه را یک نمونه موفق از گروه‌های شبه نظامی در عراق معرفی می‌کند که باید در مقابل گروه‌های تحت نفوذ ایران تقویت شود و دلایل زیر را برای تقویت این گروه ذکر می‌کند:

۱. فرقه العباس همانند برخی گروه‌های مورد حمایت ایران در فهرست سازمان‌های تروریستی نیست؛
۲. به طور کامل با وزارت دفاع عراق همکاری می‌کند؛
۳. در امور امنیتی نظیر دستگیری افراد مداخله ندارد؛
٤. هر زمان که حکومت اراده داشته باشد آماده انحلال است[2]؛
۵. ارتباط خوبی با قبایل سُنّی برقرار کرده است[3]؛
٦. مورد اعتماد نیروهای پیشمرگ است.

نایتس با تأکید بر این که اساساً ساخت نهادهای موازی وزارت دفاع یک امر نامطلوب در عراق محسوب می‌شود اما فرقه العباس القتالیه را به دلایلی که ذکر شد یک نمونه مطلوب معرفی می‌کند و در نتیجه توصیه میکند که ایالات متحده باید به شکل غیر مستقیم و از طریق دولت عراق این گروه را تقویت کند.
(Knights, ٢٠١٦: ٣٣-٦٧)

---

۱ . محقق و مشاور پیوسته مؤسسه واشینگتن برای خاور نزدیک که تا کنون تحقیقات وسیع و دقیقی درباره ساختار نظامی و امنیتی عراق انجام داده و بعد از تشکیل حشد شعبی از مبتکران طرح ضد حزب‌الله سازی در عراق بوده است.

۲. میثم الزیدی سرپرست کل فرقه العباس روز ۲۳ آگوست ۲۰۱۷ اعلام کرد که این گروه تا زمان ابقای فتوای مرجعیت از هیئت حشد شعبی خارج نخواهد شد. و آخرین نفراتی خواهند بود که نهاد برآمده از فتوای مرجعیت را تضعیف خواهند کرد. میثم الزیدی در عین حال از آینده نگری برای آتیه نیروهای این گروه سخگن گفت و از ادغام هزار نفر از آنان در وزارت دفاع عراق خبر داد.

۳ . احمد عبدالله عبدالجبوری استاندار صلاح الدین روز ۲۵ می ۲۰۱۷ از حیدر عبادی درخواست کرد تا نیروهای فرقه العباس القتالیه را برای تأمین امنیت در جنوب این استان مستقر سازد، این در حالی است که سُنّی ها تمایلی به حضور حشد شعبی در مناطق خود ندارند. در جریان آزادی تکریت نیز حشد شعبی به شهر وارد نشد اما فرقه العباس القتالیه با هزار نیرو در جنگ شهری علیه داعش مشارکت کرد. همچنین فرقه العباس القتالیه تنها گروه شیعه بود که در کنار تیپ ۳۵ زرهی و نیروهای ائتلاف از جناح غرب وارد موصل شد و در جنگ شهری مداخله کرد.

٤- ٩- پیچیدگی ساز و کارهای مهار داعش در سوریه

جنگ داخلی در سوریه یک متغیر اساسی است که باعث تفاوت در بکارگیری ساز و کارهای مهار داعش در این کشور و عراق شد. بر خلاف عراق که هدف دولت و سایر بازیگران تنها معطوف به نابودی داعش بود، در سوریه دولت و حامیانش از یک سو و معارضین داخلی و حامیان آنها از سوی دیگر به موازات صف آرایی در مقابل هم با داعش نیز درگیر بودند. این مسئله به پیچیدگی شدید میدان نبرد در سوریه منجر شد که فهم دقیق آن نیازمند تقلیل سطح تحلیل به زیربخش‌ها و بخش‌هاست. این روند تعارض‌هایی ایجاد کرد که شرح دقیق هر یک و تأثیرگذاری متقابل آنها ضروری است. به عنوان مثال دولت سوریه و روسیه و ایران به عنوان تنها حامیان دولتی سوریه با بکارگیری چهار ساز و کار ترکیبی، متناسب با مقتضیات جبهه نبرد به جنگ با داعش و معارضین پرداختند:

۱. ارتش سوریه
۲. شبه نظامیان حامی دولت
۳. مدافعان حرم
٤. اتحاد و ائتلاف

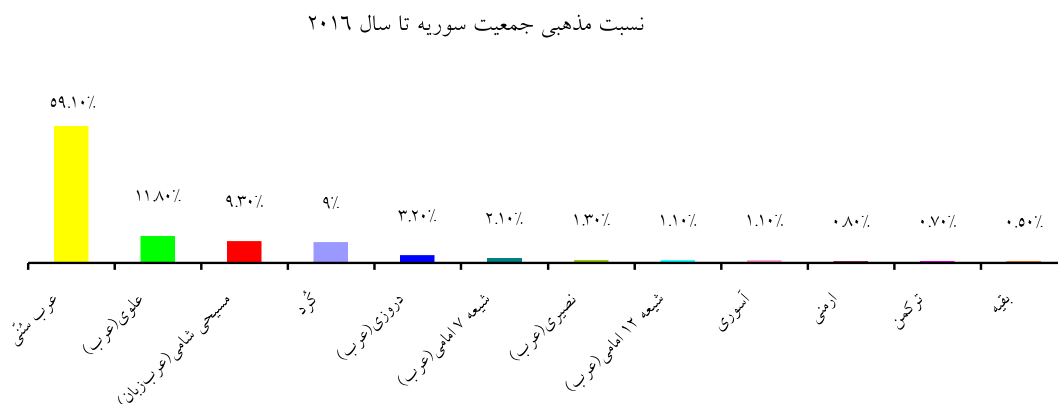
قرار گرفتن داعش و القاعده در فهرست تروریسم بین‌المللی و اختلاط محیط عملیاتی آنان با معارضین مسلح یک فرصت طبیعی برای اداره جنگ داخلی سوریه ایجاد کرد. ایالات متحده نیز از یک سو در قالب طرح سی.آی.اِی به معارضین برای تغییر رژیم سوریه کمک می‌کرد و از سوی دیگر فرماندهی ائتلاف بین‌المللی مبارزه با داعش را عهده دار شد. این تعارض باعث شد ائتلاف بین‌المللی بر خلاف عراق، قادر به همکاری با دولت مرکزی و استفاده از ظرفیت و امکانات رسمی سوریه نباشد و در نتیجه خود این نهاد به عنوان یکی از سازو کارهای مهار داعش برای اداره روند مبارزه با داعش بر روی زمین اقدام به ایجاد ساز و کارهای محلی نماید که نتیجه آن هم‌پیمانی با شبه‌نظامیان داخلی سوریه بود.وضعیت آنارشیک سوریه و منافع متعارض و اختلاف‌زای بازیگران باعث شد حتی بازیگران هم‌پیمان در یک بلوک، ساز و کارهای مهار داعش را در چارچوب کشمکش قدرت علیه یکدیگر بکارگیرند و حتی در برخی موارد با بازیگران بلوک مقابل برای مهار بازیگر هم‌پیمان خود متحد شوند. به عنوان مثال ترکیه برای مهار نیروهای کُرد هم‌پیمان با ائتلاف، بخشی از

نیروهای ارتش آزاد سوریه را بسیج کرد و دولت سوریه برای مهار شبه نظامیان داخلـی و کـاهش اتکـاء بـه نیروهای مدافع حرم با کمک روسیه، ساختار فروپاشیده ارتش را به شکل کاریکاتور گونه‌ای رشـد و توسـعه داد. در این بخش از فصل سوم تلاش بر توصیف این روابط پیچیده است.

٤-۹-۱- فروپاشی ارتش؛ چالش جنگ داخلی و داعش

سوریه کشوری با جامعه قومی و دارای تکثر مذهبی است که اکثریت جمعیت آن را سُنّی‌ها تشکیل می‌دهنـد. برآورد دانشگاه کلمبیا در «پروژه خلیج – ۲۰۰۰»[1] نشان می‌دهد در سال ۲۰۱٦، سُـنّی‌هـای شـافعی و حنفـی ٦٨,٤٪ جمعیت سوریه را به خود اختصاص داده بودند، اما تفوّق ویژگی قومی در این کشور و تعارضات بین آنها باعث شده تا علی‌رغم سُنّی بودن کُردها، مذهب سُنّی به عرب‌تبارها منتسب باشد.

نمودار ٤–۲۵– تناسب مذهبی در سوریه تا سال ۲۰۱٦



(The Gulf/۲۰۰۰ Project, ۲۰۱٦)

حکومت مرکزی سوریه یک رژیم علوی‌تبار و برآمده از یک کودتای حزب بعـث در سـال ۱۹٦۳ اسـت. آموزه‌های حزب بعث به دلیل تأکید بر قومیت عربی پوشش دهنده مناسبی برای ضعف جمعیتـی مـذهب حاکمان علوی سوریه بود. به همین دلیل از ۱۹٦۳ به بعد حکومت مرکزی سوریه با تمام توان تلاش کرد تا ذیل تعالیم حزب بعث، اسلام زدایی را در دستور کار قرار دهد و در عین حال بـا اسـتقرار یـک رژیـم

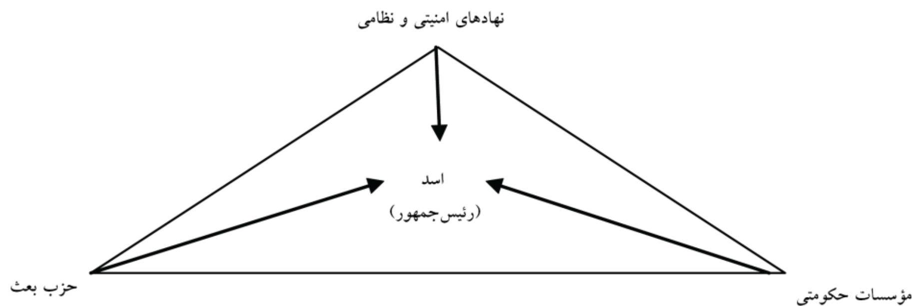
---

[1]. The Gulf/۲۰۰۰ Project

پلیسی و امنیتی پیچیده، کادرهای تأثیرگذار در این سیستم را از نیروهای علوی تبار انتخاب نماید. بررسی وضعیت اجتماعی و کیفیت حکمرانی حکومت مرکزی سوریه پروژه وسیعی است که در ردیف مأموریت و اهداف این پژوهش قرار ندارد، اما بررسی دقیق ساز و کارهای مهار داعش نیازمند اشاره گذرا به برخی واقعیت‌های مرتبط و تأثیرگذار بر این روند است. سوریه بعد از تأسیس شاهد کودتاهای مختلف بوده که ویژگی‌های پارادایمی به آن بخشیده است و بر این اساس می‌توان حاکمیت در سوریه پس از استقلال را به سه دوره جمهوری تقسیم نمود. (زیاده، ۲۰۱٦: ۱۷)

جمهوری اوّل به بازه زمانی بعد از استقلال سوریه در سال ۱۹٤٦ تا ۱۹۵۸ اطلاق می‌شود. این دوره با کودتاهای مکرر همراه بود اما تغییرات اساسی در ساختار سیاسی سوریه ایجاد نکرد. در این دوره تلاش شد تا با انشاء قوانین و ایجاد پارلمان برای حکومت مستقر مشروعیت سازی شود. چنین اقداماتی در دولت حسنی‌الزعیم که بعد از در کودتای مارس ۱۹٤۹ مستقر شد و نیز دولت أدیب الشیشکلی که در پایان همان سال با یک کودتای دیگر مستقر گردید ادامه داشت. جمهوری دوم از سال ۱۹۵۸ با اعلام وحدت سوریه و مصر آغاز شد و تا سال ۱۹٦۳ که حزب بعث بر کشور مسلط شد ادامه یافت. در این دوره طرف مصر با اتکاء بر مفهوم مشروعیت انقلابی بر اتحاد و ادغام تمام شئون دو کشور سوریه و مصر تأکید داشت و استقرار سوسیال دموکراسی را در اولویت برنامه‌های خود قرار داده بود، این دوره تا سال ۱۹٦۱ به طول انجامید و در نهایت با ایجاد آثار عمیق در سطوح نخبگی سوریه به استقرار جمهوری سوم منجر شد که حزب بعث با تسلط بر سوریه تا به امروز یک سیستم جدید حکومتی را بر کشور مستقر ساخت. در کودتای ۱۹٦۳ عملاً کمیته نظامی حزب زمام امور حاکمیت را به دست گرفت و بر تمام شئون کشور حاکم شد. ساختار کنونی کشور سوریه برآمده از بنیانی است که حافظ اسد بر اساس تدوین قانون اساسی ۱۹۷۳ آن را بنا نهاده است. بر این اساس قانون اساسی سوریه صلاحیت‌های وسیعی برای رئیس‌جمهور در نظر گرفت. نتیجه این وضعیت تسلط رئیس جمهور علوی تبار (اسد) بر تمام مؤسسات حکومتی، حزب بعث و دستگاه امنیتی کشور بود. (زیاده، ۲۰۱٦: ۱۸)

شکل ٤-٦- الگوی ساختار قدرت در سوریه



(زیاده، ۲۰۱٦: ۱۹)

حافظ اسد به موازات تلاش برای بعثی‌سازی سوریه، بخش اعظم کادرهای نیروی انسانی ساختار امنیتی نظامی این کشور را از علوی‌تبارها انتخاب کرد. این روند به شکل‌گیری پدیده‌ای در ساختار پیچیده و گسترده امنیتی – نظامی سوریه منجر شد که از آن با عنوان «افسران درجه دو» یاد می‌شود. این واژه به جایگاه افسران سُنّی در ساختار امنیتی – نظامی سوریه اشاره دارد که به غیر از موارد معدود جایی در هرم قدرت و تصمیم‌گیری نداشتند. شواهد عینی حکایت از این دارد که ٦۱,۳٪ رده‌های فرماندهی منتخب از سوی حافظ اسد در ارتش سوریه طی سال‌های ۱۹۷۰ تا ۱۹۹۷ علوی‌تبار بوده‌اند. همچنین براساس آمار در ابتدای دهه ۸۰ میلادی،۸۰-۸۵٪ فارغ التحصیلان دانشکده افسری ارتش از جامعه علوی بوده‌اند. قطب‌سازی از علوی‌ها در ساختار منحصر به جذب نیروها نیست، بلکه قومیت در تقسیم دانشجویان افسری بین سه دانشکده طراز اول پیاده، توپخانه و زرهی نیز مؤثر است، لذا بر اساس آمار۹۰٪ از دانشجویان تقسیم شده بین این سه دانشکده فراغ از میزان استعداد یا کارایی آنها علوی‌ها هستند. البته توازن در مسئولیت وزارت دفاع و فرماندهی ارتش و نیروهای مسلح یک استثناء محسوب می‌شود، زیرا این رده‌ها عملاً هیچ کنترلی بر نهاد متبوع خود ندارند و شخص رئیس‌جمهور به عنوان فرماندهی کلّ قوا به واسطه ساختار امنیتی پیچیده موجود در این نهادها، سازمان و شخص وزراء و فرماندهان ستاد ارتش را تحت نظر و کنترل دارد. (بوناصیف، ۲۰۱٦: ۸)

جدول ٤-۲۳- نسبت مذهبی وزاری دفاع و فرماندهان ارتش و نیروهای مسلح در دوره بشار اسد(۲۰۰۰-۲۰۱۱)

رؤسای ستاد ارتش و نیروهای مسلح	وابستگی دینی- مذهبی	وزاری دفاع	وابستگی دینی- مذهبی
ارتشپد حکمت الشهابی	سنی	ارتشپد مصطفی طلاس	سنی
ارتشپد حسن ترکمانی	سنی	ارتشپد حسن ترکمانی	سنی
ارتشپد داوود راجحهٔ	مسیحی	ارتشپد علی حبیب	علوی
ارتشپد فهد جاسم الفریج	سنی	ارتشپد داوود راجحهٔ	مسیحی
ارتشپد علی أیوب	علوی	ارتشپد فهد جاسم الفریج	سنی

(بوناصیف، ۲۰۱۵: ۲٦)

جدول ٤-۲٤- نسبت مذهبی فرماندهان نیروهای مسلح سوریه در آستانه بحران ۲۰۱۱

واحد خدمتی	نام و مسئولیت سازمانی	وابستگی دینی- مذهبی
لشکر اول	سرلشکر یوسف الأسد (فرمانده ارشد)	علوی
لشکر سوم	سرلشکر نعیم سلیمان (فرمانده ارشد)	علوی
	سرلشکر سلیم رشید برکات	علوی
لشکر چهارم	سرلشکر علی عمار (فرمانده ارشد)	علوی
	سرلشکر محمد علی درغام (معاون فرمانده)	علوی
لشکر پنجم	سرلشکر سهیل الحسن (فرمانده ارشد)	علوی
	سرهنگ علی عمار (معاون فرمانده)	علوی
لشکر هفتم	سرلشکر محمد خیرت (فرمانده ارشد)	سنی
لشکر نهم	سرلشکر مضر یوسف (فرمانده ارشد)	علوی
	سرهنگ أحمد یونس العقدهٔ	علوی
لشکر دهم	سرلشکر عمر ریباوی (فرمانده ارشد)	سنی
لشکر یازدهم	سرلشکر جهاد سلیطین (فرمانده ارشد)	علوی
	سرلشکر نسیب أبو محمود (معاون فرمانده)	علوی
لشکر چهاردهم	حسین حسین (فرمانده ارشد)	علوی
	سرلشکر محمد سویدان (معاون فرمانده)	علوی
لشکر پانزدهم	سرلشکر علی یوسف (فرمانده ارشد)	علوی
	سرهنگ رمضان رمضان (معاون فرمانده)	علوی
لشکر هفدهم	سرلشکر أسبر عبود (فرمانده ارشد)	علوی
	سرلشکر بدر عقیل (معاون فرمانده)	علوی
لشکر هجدهم	سرلشکر وجیه محمود (فرمانده ارشد)	علوی
	سرلشکر عزام المصری	سنی
نیروی دریایی	دریاسالار محمود الأحمد	علوی
نیروی زمینی	سرلشکر أحمد بللول	علوی

(بوناصیف، ۲۰۱٦: ۲۸-۲۷)

جدول ٤-٢٥- نسبت مذهبی رؤسای سازمان‌های امنیتی مسلط بر نیروهای مسلح در دوره بشار اسد (٢٠٠٠-٢٠١١)

مدیران اداره اطلاعات نیروی هوایی	وابستگی دینی- مذهبی	مدیران اداره اطلاعات نظامی	وابستگی دینی- مذهبی
سرلشکر ابراهیم حویجه	علوی	سرلشکر حسن خلیل	علوی
سرلشکر عزالدین اسماعیل	علوی	سرلشکر آصف شوکت	علوی
سرلشکر عبدالفتاح قدسیه	علوی	سرلشکر عبدالفتاح قدسیه	علوی
سرلشکر جمیل حسن	علوی	سرلشکر رفیق شحاده	علوی

(بوناصیف، ٢٠١٥: ٢٨)

جدول ٤-٢٦- نسبت مذهبی فرماندهان گارد ریاست جمهوری و لشکر چهارم زرهی در دوره بشار اسد (٢٠٠٠-٢٠١١)

فرمانده گارد ریاست جمهوری	وابستگی دینی- مذهبی	فرمانده لشکر چهارم زرهی	وابستگی دینی- مذهبی
سرلشکر علی حسن	علوی	سرلشکر محمود عمار	علوی
سرلشکر نورالدین نقار	علوی	سرلشکر علی عمار	علوی
سرلشکر شعیب سلیمان	علوی	سرلشکر علی درغام	علوی
سرلشکر بدیع علی	علوی		

(بوناصیف، ٢٠١٦: ٢٨-٢٧)

جدول ٤-٢٧- نسبت مذهبی فرماندهان شاخه‌های نیروی عملیات ویژه در آستانه بحران ٢٠١١

واحد خدمتی	نام و درجه و مسئولیت	وابستگی دینی- مذهبی
واحد ٣٥	سرهنگ محسن القباوی (فرمانده)	علوی
واحد ٤١	سرهنگ عدنان دیب (فرمانده)	علوی
	سرهنگ هیثم ابراهیم (معاون فرمانده)	علوی
واحد ٤٥	سرهنگ غسان عفیف (فرمانده)	علوی
	سرهنگ محمد معروف (معاون فرمانده)	علوی
واحد ٤٦	سرهنگ حلیم علوش (فرمانده)	علوی
	سرهنگ أکرم یوسف (معاون فرمانده)	علوی
واحد ٤٧	سرهنگ وهیب حیدر (فرمانده)	علوی
	سرهنگ عدنان الفای (معاون فرمانده)	علوی
واحد ٤٨	سرهنگ محمد میّا (فرمانده)	علوی
واحد ٥٣	سرهنگ زهیر سلیمان (فرمانده)	علوی
	سرهنگ حمزة نوفل (معاون فرمانده)	علوی
واحد ١٤٧	سرهنگ احسان أحمد (فرمانده)	علوی

(بوناصیف، ٢٠١٦: ٢٩)

جدول ٤-٢٨- نسبت مذهبی فرماندهان نیروهای ویژه و نیروهای ویژه هوابرد (چترباز) در دوره بشار اسد(٢٠٠٠-٢٠١١)

فرماندهی نیروهای ویژه	وابستگی دینی- مذهبی	فرماندهی نیروهای ویژه هوابرد	وابستگی دینی- مذهبی
سرلشکر علی حبیب	علوی	سرلشکر علی سلیمان	علوی
سرلشکر صبحی‌الطیب	سنی	سرلشکر محمد حسین‌الحسین	علوی
سرلشکر رئیف	علوی		
سرلشکر جمعة الأحمد	علوی		
سرلشکر فؤاد حمودة	علوی		

(بوناصیف، ٢٠١٦: ٢٨-٢٧)

جدول ٤– ٢٩– نسبت مذهبی فرماندهان نیروی هوایی و پدافند هوایی در دوره (٢٠٠٠–٢٠١١)

فرمانده نیروی هوایی	وابستگی دینی- مذهبی
سرلشکر علی محمد	علوی
حازم‌الخضرا	سنی
سرلشکر أحمد الحطاب	علوی
سرلشکر عبدالسلام لحام	سنی
سرلشکر عصام حلاق	سنی
سرلشکر أحمد بللول	علوی

(بوناصیف، ٢٠١٦: ٢٩)

جدول ٤– ٣٠– نسبت مذهبی فرماندهان شاخه‌های نیروهای عملیات ویژه هوابرد (چترباز) در آستانه بحران ٢٠١١

واحد	نام و درجه و مسئولیت	وابستگی دینی- مذهبی
واحد٥٥٤	سرهنگ سلیمان الأعوجی (فرمانده)	سنی
	سرهنگ محمد الحجل (معاون فرمانده)	علوی
واحد ٥٥٦	سرهنگ تمیم علی (فرمانده)	علوی
	سرهنگ أحمد سعوف (معاون فرمانده)	علوی
واحد ٦٣٦	سرهنگ نایف مشهدانی (فرمانده)	سنی
	سرهنگ أسامهٔ سعد (معاون فرمانده)	علوی
توپخانه	سرهنگ محمد حبیب (فرمانده)	علوی

(بوناصیف، ٢٠١٦: ٣٠)

ارتش سوریه در سال ٢٠١١، یعنی قبل از آغاز بحران و جنگ داخلی در کشور، استعدادی معادل ٣٢٥ هزار نیروی انسانی در اختیار داشت، اما در عمل به دلیل سازماندهی نیروها براساس اولویت‌های قومی- مذهبی، تنها قادر به استفاده از ٦٥ هزار نفر از استعداد موجود برای طراحی و اجرای عملیات‌های تهاجمی زمینی بود. عمده این نیروها نیز جمعی نیروهای گارد ریاست جمهوری، نیروهای ویژه و لشکر چهارم زرهی بودند. بر این اساس به طور منظم بخش عمده نیروهای دارای درجه و پرونده خدمت در ارتش از جامعه اهل سنت و رده‌های فرماندهی از افسران علوی تشکیل شده بودند. لذا بی‌اعتمادی بین طرفین باعث شده بود تا از نقل و انتقال آنان بین استان‌های دیگر پرهیز شود و این استعداد تنها در محل‌های نزدیک به خانه خود مشغول به خدمت باشند. بنابراین استعداد عملیاتی ارتش سوریه حتی قبل از آغاز بحران به طور میانگین معادل یک پنجم استعداد ارتش سوریه بود که از سال ١٩٧٦در قالب ١٢ لشکر بعلاوه گارد ریاست جمهوری خدمت می‌کردند. ٩ لشکر از این تعداد، ذیل مرکز فرماندهی سه سپاه خدمت می‌کردند، اما در عمل همه فرماندهی لشکرها به شخص رئیس جمهور به عنوان فرماندهی کل ارتش و نیروهای مسلح پاسخگو بودند. همچنین ٨ لشکر (شامل چهار تیپ در هر لشکر) از این تعداد نیز نیروهای زرهی و مکانیزه بودند که به نسبت سه به

یک در هر لشکر ترکیب شده بودند. استعداد تقریبی هر یک از این لشکرها معادل ۱۵۰۰۰ نفر بود و تیپ‌های لشکر توپخانه نیز در برگیرنده ۱۵۰۰ نفر نیرو بود که در گردان‌های ۳۰۰–۵۰۰ نفره تقسیم شده بودند از میان سه سپاه ارتش سوریه، سپاه اول در خط مقدم با اسرائیل خدمت می‌کرد که جغرافیای استقرار آن استان قنیطره هم مرز با تپه‌های جولان تا استان درعا در مرز اردن است. (Holliday (A), ۲۰۱۳:۱-٦)

در این میان تیپ‌های پیاده ٦١ و۹۰ در منطقه جولان و لشکر پنجم مکانیزه امنیت مرزهای اردن را تامین می‌کنند. در بخش شرقی دمشق تا «جبل دروز» نیز نیروهای لشکر پانزدهم نیروی مخصوص استقرار دارند و لشکر هفتم مکانیزه هم بخش غربی دمشق را از شمال جولان در «جبل هرمون» محافظت می‌کند. لشکر نهم زرهی نیز وظیفه پشتیبانی از لشکرهای مکانیزه در ضد حملات را بر عهده دارد. فلسفه تشکیل سپاه دوّم از ابتدا حفاظت از مناطق حضور ارتش سوریه در جنوب لبنان بود. این سپاه که متشکل از لشکر یکم زرهی و دهم مکانیزه بود با خروج از لبنان در سال ۲۰۰۵، وظیفه حفاظت از مرزهای سوریه با این کشور را عهده دار شد که خط دوم دفاعی در مقابل هجوم احتمالی اسرائیل نیز بود. تا قبل از شورش ۲۰۱۱، یک تیپ سبک پیاده از لشکر ١٤ نیرو مخصوص، وظیفه شناسایی در مناطق کوهستانی دمشق با لبنان را بر عهده داشت و لشکر یکم زرهی نیز وظیفه حفاظت از بخش جنوب پایتخت در ایستگاه «الکسوه» را بر عهده گرفت. سپاه سوّم نیز موظف به دفاع داخلی و تقویت جبهه مقابله با اسرائیل بود. بر این اساس مرکز فرماندهی لشکر ۱۱ زرهی موظف به تامین امنیت مرکز سوریه بود. همچنین لشکر سوم زرهی وظیفه تامین امنیت شمال دمشق را برعهده داشت که مرکز ثقل آن پایگاه «قطیفه» بود. علاوه بر این لشکرهای ۱۷و۱۸ سوریه، مستقل از ساختار سپاه‌های سه گانه عمل می‌کردند و به ترتیب وظیفه تامین امنیت شرق و شمال سوریه را عهده دار بودند. (Holliday (A), ۲۰۱۳:۸-۱۱)

با توجه به دلایل ذکر شده دولت مرکزی با آغاز بحران در سوریه اتکاء خود برای دفاع از حکومت را بر روی نیروهای نخبه نظیر گارد ریاست جمهوری و لشکر چهارم زرهی قرار داد که در واقع تنها بخش عملیاتی و قابل اعتماد محسوب می‌شدند. در واقع بخش عمده لشکر چهارم زرهی نیروهای موسوم به

«گروهان‌های دفاع»[1] بودند که بعد از کودتای نافرجام ۱۹۸٤، ابتدا ذیل پـرچم لشـکر ٥٦٩ زرهـی و یـک سال بعد تحت عنوان لشکر چهارم زرهی سازماندهی شده بودند. استعداد آنها معـادل یـک سـوم نیـروی زمینی ارتش سوریه و شامل ۱۲ گردان نخبه زرهی، نیروی ویژه و توپخانه بود. همچنین لازم به ذکر است که ۹۰ درصد از این نیروها علوی‌تبار و از بین قبایل وفادار به حافظ اسـد اسـتخدام شـده بودنـد. لشـکر چهارم زرهی که به تبع تقسیمات رایج در ارتش شامل سه تیپ زرهی و یک تیپ مکـانیزه بـود در زمـان آغاز شورش ۲۰۱۱ در حکم نیروی اضطراری و نقطه اتکاء بشار اسد عمل کرد. لذا رئیس جمهور ضـمن حفظ ترکیب این لشکر با افزودن نیروهای ویژه به ساختار آن، استعداد لشکر چهارم زرهی را به بـیش از حدّ متعارف گسترش داد که ۸۰ درصد نسبت مذهبی آنها را علوی‌ها شـکل مـی‌دادنـد. مرکـز ثقـل لشـکر چهارم زرهی پایگاه ترکیبی المزّه در جنوب دمشق و نقطه عطف وظایف آن مقابله با تهدیدات داخلی بـود و در ابتدای آغاز بحران در نقاط حساس اطراف پایتخت بـا دو هـدف خنثـی کـردن هرگونـه کودتـا و هجـوم احتمالی اسرائیل مستقر شد. گارد ریاست جمهوری به عنوان دومین مرکز ثقل دفاعی دمشـق در سـال ۱۹۷٦ تاسیس شده بود و بعدها ویژگی یک گردان زرهی را پیدا کرد. این سـاختار بعـد از ۱۹۸٤ بـا افـزوده شـدن تعدادی از نیروهای گروهان‌های منحل شده دفاعی تقویت شد. گارد ریاست جمهوری با آغاز بحران در سال ۲۰۱۱، با استعدادی معادل سه تیپ مکانیزه و دو تیپ امنیتی خدمت می کرد که اتفاقا فرماندهی آن بر عهـده مناف طلاس سُنّی بود که در جولای ۲۰۱۲ از کشور گریخت. مرکز ثقل گارد ریاسـت جمهـوری در اطـراف منطقه ریاست جمهوری در دمشق و پایگاه قاسیون در شمال پایتخت است که همانند لشـکر چهـارم زرهـی، نقاط حساس اطراف کمربند دمشق را برای جلوگیری از کودتای احتمالی در کنترل خود گرفته است. لـذا بـه طور کلّی می توان گفت این دو بخش، تنها نیروهای قابل اعتماد بشار اسد بودند که بـرای حفاظـت کمربنـد شمالی و جنوبی دمشق تقسیم وظیفه کردند. (Holliday (A), ۲۰۱۳:۸-۱۱)

بشار اسد، رئیس جمهور سوریه روز ۲٦ جولای ۲۰۱٥، در یک سخنرانی که به شکل زنـده از تلویزیـون دولتی این کشور پخش شد به تأثیر وضعیت نیروی انسانی ارتش بعد از ٤ سال جنگ داخلی بـر شـرایط جبهه‌ها اشاره کرده و درباره آن گفته بود:

---

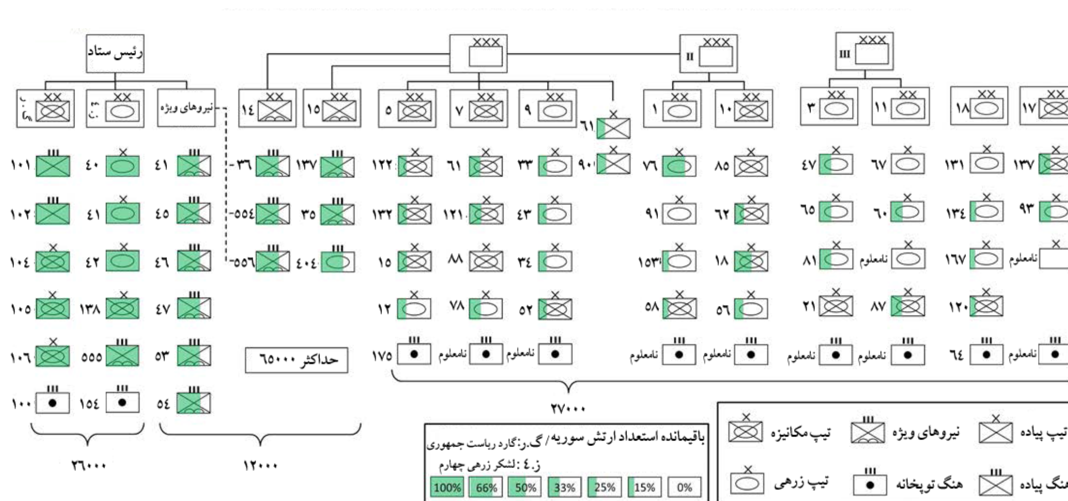
۱. سرایاالدفاع

«ارتش سوریه سرزمین‌هایی را در جریان جنگ با شورشیان از دست داده است. باید اهمیت منـاطقی را که نیروهای مسلح آنها را حفظ کرده‌اند تا دیگر مناطق سقوط نکند، نشان دهیم. ما در حال سقوط نیستیم... شکست در لغتنامه ارتش عرب سوریه معنا ندارد. اما تعداد نظامیان ارتش به خاطر مـرگ و میرها، پیوستن نیروها به مخالفان، و همچنین فرار از خدمت، رو به کاهش است. ارتش نمی‌تواند در هر بخشی از کشور حضور داشته باشد. ما مقاومت خواهیم کرد... نیروهای مسلح ما قادر هستند کـه از سرزمین مادری دفاع کنند.»

دعاوی رئیس جمهور سوریه ناظر به استعداد نیروی انسانی ارتش سوریه بود که بر اسـاس تخمـین‌هـای خوشبینانه طی سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۱٤، به ۱۵۰ هزار نفر کاهش یافته بود، به گونه‌ای که تا مارس ۲۰۱٤، بر اساس تناسب، هر سرباز ارتش سوریه در مقابل ۲٫۵ نیروی معارض (بعـلاوه جبهـه‌النصـره و داعـش) می‌جنگید. (Kilcullen, ۲۰۱٤: ۳)

البته تخمین‌های بدبینانه حکایت از این داشت که ارتش سوریه در آستانه سال ۲۰۱٤ تنها قادر به اتکاء به ٦٥ هزار نفر از نیروی باقیمانده در خدمت بوده است. از این تعداد، ۲٦ هزار نفر در گـارد ریاسـت جمهـوری و لشکر چهارم زرهی و ۱۲ هزار نفر در جمعی نیروهای ویژه خدمت می‌کردند. از جمعی ۱۱ لشکر سـپاه‌هـای سه‌گانه نیز تنها ۲۷ هزار نفر در شرایط خدمت باقی مانده بودند. (Kozak, ۲۰۱٥, ۱۳)

شکل ٤–۷– باقیمانده استعداد فعال ارتش سوریه تا سال ۲۰۱٤



(Kozak, ۲۰۱٥, ۱۳)

البته ارزیابی‌های میانه دیگری نیز وجود داشتند که تا اواخر سال ۲۰۱۵ وضـعیت بهتـری از ارتـش را بـه نمایش می‌گذاشتند. به عنوان مثال «ملیسا دالتون»، معاون مدیر مرکز برنامه‌های امنیتی بین‌المللی مطالعـات استراتژیک و بین‌المللی در جلسه استماع بخش تروریسم، عدم اعتبار و تجارت که کمیته روابط خـارجی مجلس نمایندگان آمریکا در روز ۱٤ فوریه ۲۰۱۷ برگزار کننده آن بود،[۱] تخمین زده بود ارتش سـوریه تـا اکتبر ۲۰۱۵، استعدادی بین ۸۰ تا ۱۰۰ هزار نفر نیروی در خدمت داشته است.

(House of Representatives, ۲۰۱۷, ۲۳)

جمع‌بندی برآوردهای موجود حکایت از این دارد که ارتش سوریه به طور متوسط تا آستانه ورود روسـیه به عملیات جنگی در سوریه حدود دو سوم استعداد خود را از دست داده بوده است که ایـن رونـد تـأثیر مستقیمی نیز بر وضعیت جبهه‌ها داشت. به عنوان مثال ائـتلاف جبهـه جنـوبی بـه فرمانـدهی ارتـش آزاد سوریه و همکاری جبهه‌النصره و سایر گروه‌های مستقل اسلام‌گـرا از روز ۲۷ آکوسـت تـا روز ۲۷ اکتبـر ۲۰۱٤، با انجام پنج عملیات در استان‌های درعا و قنیطره، نقاط مهمی را به کنترل خـود در آوردنـد.[۲] ایـن وضعیت از مارس ۲۰۱۵ در جبهه شمال غرب نیز ادامه یافت و ائتلاف جیش‌الفتح طی روزهای ۲۷ مارس و ۲٦ آوریل ۲۰۱۵، استان ادلب را تحت کنترل خـود گرفـت. بـه دنبـال ایـن رونـد داعـش نیـز روز ۲۱ می۲۰۱۵ بر تدمر مسلط شد. سقوط این مناطق درحالی اتفاق افتاد که ارتش مـدت‌هـا پـیش از حملـه از وقوع آن اطلاع داشت. حداقل در مورد ادلب، اتاق عملیات مشترک «جیش‌الفتح» از روز ۱۸ مارس۲۰۱۵، از آماده‌سازی نیروهای خود برای حمله قریب‌الوقوع به ادلب خبر داده بود و تا روز ۲٤ مـارس۲۰۱۵ نیـز مسجل بود که این ائتلاف با استعدادی در حدود سه هزار نفر به مواضع ارتـش در اسـتان ادلـب یـورش خواهد برد. بنابراین وخامت وضعیت ارتش سوریه برای مهار وضعیت و حفظ رژیم از سـقوط حتمـی و

---

۱ . این جلسه سوم از دوره یکصد و پانزدهم از کنگره آمریکا بود که با موضوع «نابودی تروریسم در سوریه؛ یک گام جدید به جلو» برگزار شده بود.

۲ . عملیات «الوعد الحق» از روز ۲۷ آکوست ۲۰۱٤ با مشارکت نیروهای «جبهه النصره»، «احرار الشام»، «ارتش آزاد سوریه» و نیروهای «جبهه جنوبی» در محیط جبهه «حوران» با هدف تسلط بر مرز «قنیطره» و «الروادی» انجام شد که به تصرف «حمیدیه»، «مجدولیه» و «نبع الصخر» درحومه «قنیطره» انجامید. روز چهارم سپتامبر ۲۰۱٤، عملیات «فالمغیرات صبحاً» بـا مشارکت همان گروههای پیشین بعلاوه «جنبش اسلامی المثنی» با هدف تصرف بخش های باقی مانده استان «قنیطره» انجام شد که به تسخیر «دیرالعدس»، «تـل‌المـال»، «کفرنسـاج» و «نبع‌الصخر» انجامید. روز ٤ اکتبر ۲۰۱٤ عملیات «والفجر و لیال العشر» با مشارکت گروه‌های «اجناب‌الشام»، «احرارالشام»، «جبهه‌النصره» و «صقورالشام» انجام شد که هدف از انجام آن، تسخیر «تل الحاره»، و «الحاره» بود و با موفقیت همراه شد. روز ششم اکتبر عملیات «لبیک الهم لبیک» با مشارکت «احرارالشام»، ارتش آزاد سوریه و «کتائب الحمزه» انجام شد که هدف از آن تسخیر «زمرین» و تپه های غربی و شمالی آن و همچنین تسلط بر «جدیه» و «الرباعی» بود. اهداف دیگر این عملیات و مزارع «حمادة» و کشودن جاده غوطه غربی بود کـه تنهـا تسخیر «زمرین» و تسلط بر ایست و بازرسی‌ها در «الرباعی» محقق شد. در حملات روز ۲۷ اکتبر ۲۰۱٤ نیز «نصیب» در سوریه – اردن به کنترل معارضین درآمد.

عدم احساس تهدید وجودی از سوی داعش، به ارتش سوریه فرصت داد تا بر اساس مقتضیات مناقشه، به طور طبیعی از ویژگی اهرمی داعش برای مهار معارضین و جبههالنصره نماید. توزیع جغرافیایی حضور و اعمال قدرت کارگزاری داعش تا سال ۲۰۱۵ نشان می‌دهد دولت مرکزی سوریه به غیر از برخی نقاط شهر دیرالزور در هیچ یک از نقاط سوریه با داعش درگیری استراتژیک نداشته است. داعش در شماره چهارم از ماهنامه به مسئله عدم بمباران مواضع خود توسط دولت مرکزی سوریه اشاره کرده و در این رابطه نوشته بود:

«نیروی هوایی اسد همه بمباران هوایی خود علیه دولت اسلامی در برخی ولایت‌های شام را احتمالا به این دلیل که بمباران‌های آمریکا برای آنها ارزان‌تر تمام می‌شود متوقف کرده است. بویژه آنکه رژیم اسد از نظر مالی در حال فروپاشی است.»

(DABIQ (ISSUE: ٤), ١٤٣٦: ٤٠)

از سوی دیگر معارضین سوری مدعی بودند که نیروی هوایی سوریه در مواردی از درگیری با داعش مواضع آزاد سوریه در خطوط نبرد را بمباران کرده و شرایط جبهه نبرد را به نفع داعش تغییر داده است. «ائتلاف ملی نیروهای انقلاب و معارضین سوری»[۱] روز دهم فوریه ۲۰۱٤ یادداشتی مبتنی بر اسناد میدانی منتشر کرد که براساس آن به تشریح سه ادعای عدم مواجهه، پشتیبانی و همکاری دولت سوریه با داعش پرداخته بود. بر اساس ادعای ائتلاف ملی معارضین این یادداشت متکی به اسناد ارائه شده از سوی نیروهای ارتش آزاد سوریه بود که از روز سوم ژانویه ۲۰۱٤ جنگ با داعش را در استان‌های مختلف سوریه آغاز کرده بودند. این یادداشت دعاوی خود را به شرح زیر توضیح داده بود:

- مراکز فرماندهی داعش در رقّه در ساختمان‌های مشخصی استقرار یافته که به طور عمده شامل کلیساهای ارامنه کاتولیک است، با وجود این بمب افکن‌های رژیم علیرغم پرواز در ارتفاع پایین از هدف قرار دادن این ساختمان‌ها و مناطق تحت کنترل داعش امتناع می‌کنند، این خط مشی در مورد مراکز فرماندهی داعش در شهر جرابلس در نزدیکی مرز ترکیه در شمال استان حلب و شهر دانا در استان ادلب نیز صادق است.

---

۱. الائتلاف الوطنی لقوی الثوره و المعارضین السوریه

- در مقابل داعش در جسرالشغور (استان ادلب) از حمله بـه مراکـز فرماندهی اسـتراتژیک رژیـم خودداری می‌کند. این روند در دیرالزور و شهر حلب نیز تکرار شده است؛
- در نبردهای روز دهم ژانویه ۲۰۱٤ بین ارتش آزاد سوریه و داعش در شمال استان حمص، بمب افکن‌های رژیم با حمله به خطوط ارتش آزاد شرایط پیشروی داعش را فراهم کردند؛
- در جریان درگیری بین جبهه الاسلامیه با داعش در حلب، سازمان رزم داعش مضمحل شد و در نتیجه عمر چچنی از امرای داعش یک کاروان از نیروهای کمکی را در حالی که به گفته شاهدان عینی توسط جنگنده‌های رژیم پشتیبانی هوایی می‌شد از رقّه به سـمت حلـب حرکـت داد. ایـن درحالی است که فردای همان روز کاروان لواء التوحید (از شـاخه‌هـای ارتـش آزاد سـوریه) در همان مسیر توسط جنگنده‌های رژیم مورد هدف قرار گرفت؛
- داعش با فروش نفت به دولت، سوخت نیروگاه‌های برق رژیم را تأمین می‌کند؛
- داعش با ترور فرماندهان برجسته ارتش آزاد سوریه عملاً در حال کمک به رژیم است.
- برخی امرای داعش، افرادی هستند که در زمان اشغال عراق با سازمان اطلاعات رژیم همکـاری داشتند و بر عبور نیروهای جهادی به عراق نظارت می‌کردند. به عنوان مثال یکی از امرای داعش در ادلب به نام مهند جنیدی اصالتاً یک علوی است که پیش‌تر در استان دیرالزور مسـئول عبـور دادن جهادی‌ها به عراق بوده و در حال حاضر با لباس افغـانی دوّاب و ریـش بلنـد بـه داعـش پیوسته است. ابواَنس عراقی نیز نمونه مشابه دیگری در رقّه است که پیش تر برای انجام وظیفـه مشابه از رژیم پول دریافت می‌کرده است.

(National Coalition of Syrian Revolution and opposition forces, ۲۰۱٤: ۱-۲)

یادداشت ائتلاف ملّی معارضین شواهد دیگری نظیر کشف مهمات مورد استفاده ارتش سوریه در مقرّهای سقوط کرده داعش یا کارت پرسنلی به جای مانده از نیروهای اطلاعاتی رژیم در این مقرّها را بـه عنـوان ادله اثبات ادعای پشتیبانی دولت سوریه از داعش و همکاری با این سازمان مورد استفاده قـرار داده بـود، اما واقعیت اینجاست که هر یک از این شواهد ممکن است به دلایل دیگری نظیر غنیمـت‌گیـری برجـای مانده باشند. البته ادعای عدم درگیری بین داعش و ارتش سوریه و پشتیبانی هوایی آنان از منطـق نظـامی

برخوردار است. تابوی ایجاد شده از ارتباط با سازمان‌هایی نظیر داعش و القاعده، این مسئله را به یک پدیده عجیب و راز آلود تبدیل کرده است، اما واقعیت اینجاست که اقتضائات محلی، حتی بازیگران ایدئولوژیک را نیز به سمت عمل‌گرایی سوق می‌دهد.[1] از سوی دیگر بر اساس روند طولانی نقش آفرینی سوریه در هدایت آشوب در عراق بعد از سقوط رژیم بعث، استفاده از ظرفیّت داعش برای مهار توان معارضین مسئله عجیبی به نظر نمی‌رسد. سازمان رزم داعش به دلایل ایدئولوژیک بر عملیات در عراق متمرکز است و به همین دلیل تهدید استراتژیک و وجودی برای دولت مرکزی سوریه ایجاد نمی‌کرد. در عین حال داعش در مناطق مورد مناقشه دولت مرکزی با معارضین درگیر بود و از سوی دیگر مناطق حیاتی نظیر پایتخت را تهدید نمی‌کرد.

٤-۹-۲- ساز و کار سازماندهی شبه نظامیان سوری

دولت مرکزی سوریه بعد از آغاز بحران و آشوب در کشور از سپتامبر ۲۰۱۲ با هدف آزاد کردن باقیمانده استعداد ارتش از مسئله حفاظت شهری، سازماندهی نیروهای شبه‌نظامی را آغاز کرد. این سازماندهی در قالب ساختاری با عنوان «کمیته‌های مردمی»[2] شروع شد که نیروهای آن را اقلیت‌های دینی نظیر علوی‌ها، دروزی‌ها و مسیحی‌ها اعم از زنان و مردان تشکیل می‌دادند. هدف از تشکیل کمیته‌های دفاع مردمی، واسپاری دفاع از محلات و روستاهای محل سکونت اقلیت‌های دینی به خود آنان بود. کمیته‌های مردمی به طور عمده در کنار ساختارهای شبه نظامی قدیمی‌تری تحت عنوان شبیحه شکل گرفتند و به کار خود ادامه دادند. (Heras, ۲۰۱۳: ۹)

---

۱ . به عنوان مثال حزب‌الله لبنان در جریان درگیری با داعش در جرود در منطقه قلمون غربی ضمن توافق با داعش و دولت سوریه روز ۲۸ آکوست ۲۰۱۷، ۳۱۰ نفر از نیروهای داعش را از این منطقه خارج و به سمت شهر میادین در استان دیرالزور منتقل کرد. خرید نفت از داعش نیز یکی از دست‌آویزهای مهم برای متهم کردن بازیگران رقیب به همکاری با تروریسم محسوب می‌شود، این درحالی است که دولت سوریه طی یک روند رایج و معمول به طور روزانه از داعش نفت خریداری می‌کند. دولت مرکزی برای تأمین بخشی از سوخت مورد نیاز نیروگاه‌ها، چاره‌ای جز خرید نفت از داعش و جبهه‌النصره ندارد. در عین حال فروش نفت توسط داعش و پرهیز دولت از قطع برق در مناطق تحت سیطره داعش یک تعامل دوجانبه بین آنها محسوب می‌شود. در عین حال کادر فنّی شرکت‌های نفتی و گاز تحت سیطره داعش شاغلین وزارت نفت سوریه بودند. به عنوان مثال شرکت نفت فرات برای چاه‌های نفتی العمر و کونوکو در استان دیرالزور بعد از تسلط داعش، همچنان ۱۰۷ تکنسین سابق را حفظ کرده و برنامه کاری و دستورات اداری خود را از وزارت نفت دولت مرکزی دریافت می‌کرد. (عین‌المدینه، ۲۰۱۵: ۲۳)

۲. اللجان الشعبیۀ

«شبیحه» شبه نظامیانی بودند که از دهه ۷۰ میلادی به این نام معروف شدند. این نام از ریشه عربی «شبح» (روح) گرفته شده بود. دلایل مختلفی درباره چنین نام‌گذاری ذکر شده است، از جمله اینکه گفته می‌شود این نام براساس خط‌مشی دین‌زدایانه حزب بعث و با هدف یادآوری تجمیع ارواح عربی که فارغ از دین و مذهب بسیج شده بودند، انتخاب شده است. همچنین با یک استدلال ادبی در زبان عربی، این اصطلاح به سایه بلند افرادی اطلاق می‌شود که در معرض نور ایستاده‌اند. اما واقعیت اینجاست که به مرور زمان و به دلیل عملکرد نیروهای شبه نظامی در سوریه، «شبیحه» به لفظی مذمون در جامعه این کشور تبدیل شد. این اصطلاح درباره افرادی بکار برده می‌شود که زندگی سایه‌وار دارند و از قدرت متکی به دستگاه‌های امنیتی بهره می‌برند. به عنوان مثال در افکار عمومی مردم سوریه رانندگی افراد با خودروی مرسدس بنز این شبهه را ایجاد می‌کند که او یک «شبیحه» است. یک نمونه از بکارگیری نیروهای شبیحه در سرکوب شورش حلب رخ داد. «حافظ اسد» ترکیبی از نیروهای نخبه علوی، شبه نظامیان حزبی و واحدهای قابل اطمینان ارتش را برای پاکسازی شورش احتمالی در مراکز شهری مستقر ساخت. وقتی نیروهای لشکر سوم زرهی ارتش و نیروهای منتخب «سرایا الدفاع» در مارس ۱۹۸۰ وارد حلب شدند، شهر را از چهار سمت محاصره و جستجوی خانه به خانه را آغاز کردند. آنها با پشتیبانی آتش تانک در شهر حرکت می‌کردند و بعد از جستجو، اقدام به جمع کردن صدها تن از متهمان در یک نقطه می‌نمودند. محاصره مناطق و جستجوی خانه به خانه توسط نیروهای ترکیبی رژیم سوریه و اعدام‌های میدانی نیز توسط آنان در دستور کار قرار گرفت. به دلیل مقاومت اخوان المسلمین و تلفات سنگین رژیم، اسد مجبور به محاصره شهر و به کارگیری آتش توپخانه و بمباران هوایی شد و پس از آن کماندوها و شبه نظامیان حزب بعث با پشتیبانی آتش زرهی به مناطق شهری وارد شدند و بعد از قتل عام گسترده، یک سوم شهر را با خاک یکسان کردند. بعد از پاکسازی حلب، لشکر سوم زرهی ارتش به طور کامل برای یک سال در شهر باقی ماند و هر خیابان را با استقرار یک تانک و پشتیبانی نیروهای شبه نظامی حزب بعث کنترل می‌کرد. در نتیجه شهر به یک اردوگاه کامل مسلح تبدیل شده بود که مملو از ایست‌های بازرسی ارتش و شبه نظامیان بود. (Holliday, ۲۰۱۳: ۱۲)

تقویت نیروهای شبه نظامی معتمد، بخش دوم از استراتژی سه‌گانه حافظ اسد در اداره امنیت کشور بود که بعد از سال ۲۰۱۱ نیز ادامه یافت. این استراتژی سه گانه به شرح زیر قابل تشریح است:

۱. انتخاب گزینشی: حافظ اسد به معدودی از واحدهای سیاسی قابل اعتماد اتکاء داشت که حاصل ترکیب واحدهای نخبه علوی و نیروهایی بود که مجبور به وفاداری شده بودند.

۲. شبه نظامیان: حافظ اسد نیروهای شبه نظامی طرفدار حکومت مرکزی را به عنوان مکمل نیروهای مسلح بکار گرفته بود.

۳. پاکسازی و حفظ: حافظ اسد نیروهای زرهی را برای پاکسازی مراکز جمعیتی گسترش داد. آنها در پادگان‌های نیروهای سنگین استقرار داده شده بودند و در صورت لزوم برای کنترل اوضاع از آتش غیر مستقیم بهره می‌گرفتند. (Holliday(B), ۲۰۱۳: ۱۰)

بر همین اساس در تمام دوره تسلط حزب بعث بر سوریه، شهروندان شبه نظامی در شهرهای مختلف در قالب سازمان‌های مختلف تسلیح و تجهیز می‌شدند. حزب بعث بعد از کنگره ژانویه۱۹۸۰، آموزش و تسلیح هزاران نفر از هواداران دولت مرکزی در سرتاسر کشور را آغاز کرد تا از آنان برای سرکوب مخالفان مسلح استفاده کنند. براساس این استراتژی نیروهای شبه نظامی در صورت وقوع یک شورش داخلی، باید علاوه بر ارتش سنتی سوریه قادر به مداخله باشند. بنابراین تسلیح و ذخیره مهمات برای شبه نظامیان هوادار مورد توجه بود و بسیج شبه نظامیان برای حمایت از دولت مرکزی یک استراتژی مرکزی محسوب می‌شد که شخص اسد در اجرای آن مشارکت مستقیم داشت. (Holliday (B), ۲۰۱۳: ۱۱)

نیروهای شبه‌نظامی شبیحه در سیستم شبکه امنیتی سوریه دارای جایگاه و ردیف تعریف شده هستند که وظایف مشخصی برای آنان تعریف شده است. به عبارت بهتر عناصر شبه نظامی شبیحه به سیستم اطلاعاتی- نظامی پیچیده سوریه وابسته هستند. این وابستگی به این دلیل است که بسیج نیروهای شبه نظامی وفادار به حکومت یکی از وظایف بنیادین سازمان‌های اطلاعات ملی و نظامی سوریه از ابتدای تسلط حزب بعث بر این کشور بوده است.

شبکه اطلاعات و امنیتی سوریه به سه بخش امنیتی- اطلاعاتی، نظامی- امنیتی و دستگاه‌های موازی قابل تفکیک است، تناسب دستگاه امنیتی سوریه با جمعیت این کشور یک شاخص مهم برای تعیین اهمیت این

ساختار پیچیده برای حکومت دارد. تا سال ۱۹۷۳ تعداد کارمندان و افسران دستگاه امنیتی سوریه ٦٥ هزار نفر برآورد شده بود. بر این اساس به ازاء هر ۲۷۵ شهروند سوریه یک مأمور اطلاعات مشغول به خدمت بود و با توجه به نسبت ٥٩,٥ درصدی شهروندان بالای ۱۵ سال، به ازاء هر ۱۵۳ شـهروند سـوری بـالغ یـک مـأمور اطلاعات در سوریه خدمت می‌کرد.(بیت الخبرة السوری، ۲۰۱۳: ۱۲۷)

تعداد نیروهای امنیتی تا قبل از بحران ۲۰۱۱ به ۹۰ هزار نفر افزایش یافت و این رقم تا سال ۲۰۱۵ با ۳۰٪ افزایش به ۱۲۰ هزار نفر رسید. بر این اساس بعد از بحران و جنگ داخلی سوریه به ازاء هر ۱۵۳ شهروند سوری یک مأمور امنیتی مشغول به خدمت بوده است. لذا با توجه به نسبت ٦٤,٨ درصدی جمعیت بالای ۱۵ سال در سوریه، بعد از آغاز بحران در سوریه، به ازاء هر ۹۹ نفر یک مأمور امنیتی مشغول بـه خـدمت است. (شبکه‌السوریه لحقوق الانسان، ۲۰۱۵: ٥)

دلیل تشریح سیطره دستگاه‌های اطلاعاتی و امنیتی سوریه، تأثیر این نهادها بر ساز و کارهای مهـار داعـش در ابعاد امنیتی و کشمکش‌های قدرت است که از اهمیت زیادی در تحلیل اطلاعات و نتیجـه گیـری برخـوردار است. دستگاه‌های اطلاعاتی سوریه بعد از بحران و جنگ داخلی در این کشور شبکه‌ای از نیروهـای شـبه نظامی محلّی را تحت کنترل خود گرفتند که نتیجه آن ایجاد یک ساختار متکثر امنیتی در سوریه بود. ایـن شبه نظامیان علاوه بر وظایف نظامی از برخی صلاحیت‌های امنیتی در محدوده محل سـکونت خـود نیـز برخوردار شدند. نتیجه این روند تکثیر سریع گروه‌های شبه نظامی با شاخه‌های متعدد در سوریه بـود کـه ذیل بخش دستگاه‌های موازی سازماندهی شدند. گسترش آنارشیک گروه‌های شبه نظامی به تشدید اعمال خلاف قانون توسط آنان در سوریه منجر شد. این وضعیت در ترکیـب بـا عملکـرد دسـتگاه‌هـای امنیتـی سوریه به ایجاد وضعیت پیچیده‌ای منجر شد که نتیجه آن در دوره فقـدان اقتـدار دولـت مرکـزی، ایجـاد شبکه‌ای از گروه‌های شبه نظامی مرتبط با دستگاه‌های امنیتی بود که از اختیارات گسترده برخوردار بودند و به پدیده «دولت در دولت» شکل دادند. (طلاع، ۲۰۱۷: ٤)

٤-٩-٣- ساختار امنیتی – اطلاعاتی سوریه

ساختار امنیتی و اطلاعاتی در سوریه زیر نظر دفتر امنیت ملی[1] اداره می‌شود. این دفتر بعد از انفجار دفتر امنیت قومی[2] در سال ۲۰۱۲ براساس فرمان شماره ۳٦ جایگزین آن شد. دفتر امنیت ملی از چهار اداره کل با ٤٨ زیر مجموعه اصلی و تعداد زیادی شاخه‌های محلی تشکیل شده و وظیفه آن مواجهه بـا بحـران در سوریه و ترسیم خط مشی امنیتی کشور است.

شکل ٤-٨- ساختار شبکه امنیتی – اطلاعاتی در سوریه



(طلاع و مجموعه الباحثین، ۲۰۱٦: ۱۱)

اداره کل اطلاعات: این اداره تحت عنوان واحد شماره ۱۱۱٤به طور مستقیم با شخص رئیس جمهور در ارتباط است و بدون عبور از فیلتر هر سازمان دیگر به وی گزارش می‌دهد. البته همکاری با دفتـر امنیـت ملی بخشی از سلسله مراتب محسوب نمی‌شود. اداره کل اطلاعات دارای ۱۲ شاخه مرکزی و شاخه‌هـای متعدد در همه استان‌هاست. این اداره به غیر نیروهای نظامی که بـه نماینـدگی از وزارت دفـاع و وزارت کشور در آن حضور دارند، بر اساس قانون یک اداره غیر نظامی اسـت. کارمنـدان غیـر نظـامی اداره کـل اطلاعات ذیل قانون کارمندان یکپارچه قرار دارند و زیر نظر نیروهای نظامی کار می‌کنند. این اداره بر همه

۱. مكتب الأمن الوطني

۲ . مكتب الأمن القومي

مراکز قدرت، فرماندهی و عقیدتی سیطره دارند و ۷۰٪ آنان علوی هستند. اداره کل اطلاعات دارای یک مدیر و معاون و ۱۱ شاخه به شرح زیر است: (طلاع و مجموعه الباحثین، ۲۰۱٦: ١٤-۱۲)

۱. شاخه اطلاعات (۲۵۵): این شاخه مسئول جمع‌آوری و آرشیو اطلاعات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، دینی، حزب و رسانه‌ای از شاخه‌های مرکزی و استان‌ها است و قرار منع خروج شهروندان از کشور را صادر می‌کند.

۲. شاخه تحقیق (۲۸۵): این شاخه مسئول بررسی صحت اطلاعات جمع آوری شده از سوی سایر شاخه‌ها، مزدوران و منابع خبری است و دستگیرشدگان در سایر شعبه‌ها برای تحقیق پیرامون همه حوزه‌های اطلاعات به این شاخه سپرده می‌شوند.

۳. شاخه مبارزه با تروریسم (۲۹۵): این شاخه به نجحا نیز معروف است و وظیفه آموزش برخی علوم نظامی و امنیتی به داوطلبان و نیروهای نظامی است. این شاخه موظف به بهبود آمادگی جسمانی نیروها برای مشارکت در عملیات‌های تهاجمی، قتل، آدم ربایی و مبارزه با تروریسم است. این واحد نقش مؤثری در مهار اولیه آشوب در درعا و بانیاس ایفا کرد.

٤. شاخه ضد جاسوسی(۳۰۰): این شاخه در پیگیری عناصر بیگانه و افراد مرتبط با سازمان‌های بیگانه تخصص دارد. همچنین نظارت نهادهای دولتی که با سازمان‌های خارجی در ارتباط هستند را برعهده دارد، همچنین با شاخه فنّی برای اشراف به فن‌آوری اطلاعات تشریک مساعی دارد.

۵. شاخه خارجی(۲۷۹): اداره اطلاعات خارجی که بر سفارتخانه‌های سوریه در سرتاسر دنیا اشراف دارد. این شاخه درباره تمام اطلاعات وارد شده به وزارت امور خارجه تحقیق می‌کند. علاوه بر این وظیفه دارد بر فعالیت شهروندان سوری مقیم خارج از کشور در اشکال سیاسی و اجتماعی نظارت داشته باشد.

٦. شاخه فنّی(۲۸۰): این شاخه مسئول نظارت و کنترل فنّی بر همه واحدها و حمایت از آنها بوسیله تمام ابزارهای فنّی و اجرایی است. همچنین تمام اقدامات مهندسی و برق و مکانیک در اداره کل و سایر اداره‌ها اعم از سیم و بی‌سیم، رایانه‌ای، نظارت بر پست‌های الکترونیک، کدگذاری و جنگ الکترونیک است.

۷. شاخه داخلی(۲۵۱): این شاخه اداره کـل در دمشـق و مسـئول ضـدّ اطلاعـات در سـوریه و بـه خصوص دمشق و حومه‌های آن است. این شاخه در انتصاب مسئولین حکومتی دخالت می‌کنـد. رئیس شاخه ۲۵۱ به طور انحصاری علوی اسـت و در انتخـاب رؤسـای اصـناف، مـدیران کـل، رؤسای دانشگاه‌ها، هیئت امنای شاخه‌های حزب بعث و تمام بخش‌هـای اصـلی دولـت دخالـت دارد.

۸. شاخه آموزش (غوطه۲۹۰): برگزار کننده تمام دوره‌هایی است که برای ارتقاء سـطح مـدیران در حوزه نظریه‌های امنیتی، اداری، اجرایی و فنّی ترتیب داده می‌شود.

۹. شاخه اقتصادی (۲٦۰): این مرکز در پیگیری و بررسـی مسـائل اقتصـادی و مـدیریتی در سـطح شهروندی، شرکت‌های خصوصی و نهادهای رسمی تخصص دارد.

۱۰. شاخه (۱۱۱): این شاخه مختص مدیر دفتر اداره کلّ اطلاعات است و تمـام پرونـده‌هـای تحـت اشراف این اداره را سازماندهی و در آنها مداخله می‌کند.

۱۱. شاخه‌های اداره کل اطلاعات در استان‌ها: در هر استان یک شاخه تابع اداره کل اطلاعات وجـود دارد که نمونه کوچکتری از اداره کلّ مرکز با تمامی شاخه‌های آن است. نیروهای شاخه استان‌هـا بر حسب درخواست مسئولین تا سطح روستاها اقدام به تحقیق اطلاعاتی می‌کنند.

اداره اطلاعات نظامی: این اداره بدون اینکه وزارت دفاع تسلطی بر آن داشته باشد از نظر مـالی، اداری و تسلیح به این وزارت خانه وابسته است. این اداره در تعیین وزیر دفاع و معاونـان وی، انتصـاب رؤسـای ارکان ارتش و انتقال رابطان و افسران و عناصر این نهاد دخالت دارد. رئیس اداره اطلاعات نظامی به طور مستقیم توسط شخص رئیس جمهور انتخاب می‌شود. این اداره دارای شاخه‌هـای مرکـزی و شـاخه‌هـای استانی است. همانند اداره کلّ اطلاعات بخش مرکزی اداره اطلاعات نظامی در دمشق واقع شـده و از ۱۲ شعبه برخوردار است. بر همین اساس شاخه‌هـای اسـتانی نیـز نمونـه‌هـای کـوچکتری از شـعبه مرکـزی محسوب می‌شوند. لذا شاخه‌های اداره اطلاعات نظامی به شرح زیر قابل توصیف است:

۱. شاخه (۲۹۱): واحد ۲۹۱ یک شاخه اداری است که به امور دیوانی داخلی اداره رسیدگی می‌کند، همچنین مسئولیت جلوگیری از هر گونه شکاف سازمانی و نقل و انتقال نیروها بین دستگاه‌ها را عهده دار است.

۲. شاخه (۲۹۳): این واحد بخشی از اداره اطلاعات نیست بلکه در بعد امنیتی به مسائل افسران رسیدگی می‌کند. این شاخه به پرونده‌های ارزیابی و نظارت بر کلّ افسران ارتش رسیدگی می‌کند و در امور مربوط به ارتقاء آنان دخالت دارد. همچنین از امکان برقراری ارتباط مستقیم با شخص رئیس‌جمهور برخوردار است.

۳. شاخه (۲۹٤)/ شاخه امنیت نیروها: این شاخه مسئول نظارت بر تحرکات واحدهای ارتش و نیروهای مسلح به استثناء نیروی هوای و پدافند هوایی است. این شاخه به پرونده پادگان‌ها، واحدهای نظامی و استعداد و وضعیت رزمی آنها رسیدگی می‌کند. بر این اساس هرگونه تحرک و جابجایی واحدهای ارتش باید با اطلاع و هماهنگی این شاخه انجام شود. این واحد وظیفه نظارت بر پلیس نظامی و واحدهای ملحق به تشکیلات نظامی را نیز برعهده دارد.

شاخه (۲۹٤)/ شاخه فلسطین: شاخه فلسطین قدیمی‌ترین واحد اداره اطلاعات ارتش و یکی از مهمترین واحدهای این اداره محسوب می‌شود. حجم وظایف محول شده به این شاخه معادل وظایف یک اداره کامل با تسلط به امور داخلی و خارجی است. وظیفه ابتدایی این شاخه نظارت بر فعالیت گروه‌های فلسطینی در داخل و خارج سوریه بود، اما محدوده آن به نظارت بر کل جنبش‌های اسلامی گسترش پیدا کرد که هدف از آن نفوذ در این جنبش‌ها و هدایت و کنترل آنها توسط شاخه ضدّ تروریسم بود. یکی از وظایف اختصاصی شاخه ۲۹٤ نظارت بر آوارگان فلسطینی مقیم سوریه است. این وظیفه توسط یک شاخه فرعی به نام «واحد کنترل فدایی‌ها»[1] انجام می‌شود که به امور ارتش آزادی بخش فلسطین و

---

۱ . وحدة الضابطة الفدائية: فدایی اصطلاحی است که به چریک‌های جنبش آزادی بخش فلسطین اطلاق می‌شود.

جنبش‌های مسلح فلسطینی می‌پردازد که به طور رسمی در خاک سوریه فعالیت می‌کنند.[1] (طلاع و مجموعه الباحثین، ۲۰۱٦: ۱٦-۱۵)

٤. شاخه اطلاعات: این واحد وظیفه اطلاعات جمع‌آوری شده توسط شاخه‌های اداره را بر عهده دارد که طیف‌های وسیعی نظیر ادیان و احزاب سیاسی را در بر می‌گیرد. شاخه اطلاعات اداره اطلاعات ارتش وظیفه نظارت بر فعالیت رسانه‌های محلی و رسانه‌های دیداری و شنیداری در کل جهان و برقراری ارتباط مستقیم و غیر مستقیم با آنان را عهده‌دار است.

۵. شاخه (۲۱۱): این شاخه واحد بی‌سیم است که مسئولیت نظارت بر امواج بی‌سیم ارتش و واحدهای امنیتی و رمز گذاری، آزمون و راهنمایی آنها را برعهده دارد.

٦. شاخه رایانه: این واحد بر کلیه امور مربوط به رایانه و اینترنت نظارت دارد که بخشی از آن نیز نظارت بر فعالیت هکرها و فیلترینگ است.

۷. شاخه (۲۲۵): این شاخه بر تمام خطوط سیمی و بی‌سیم ارتش و نیروهای مسلح نظارت دارد و مجری تمام پروژه‌های مخابراتی در کشور است.

۸. شاخه (۲٤۸) / تحقیقات نظامی: این شاخه به مثابه هیئت اصلی تحقیق در اداره اطلاعات نظامی است و بعد از شاخه فلسطین دومین واحد از نظر اعمال خشونت محسوب می‌شود.

---

۱ . این گروه‌ها حاصل انشقاق در سازمان فتح هستند که بعد از خروج سازمان آزادی بخش فلسطین از لبنان در سال ۱۹۸۲، شکل گرفتند و با برنامه ریزی اداره اطلاعات نظامی، به این کشور منتقل شدند. بعد از خروج فتح از لبنان، یاسر عرفات تشکیلات نظامی جدیدی در دره بقاع تشکیل داد، اما بخشی از فرماندهان سازمان آزادی بخش فلسطین، عرفات را مسئول خروج سازمان از لبنان قلمداد می‌کردند و با تشکیل چنین ساختاری نیز مخالف بودند. روز ۲۷ سپتامبر۱۹۸۲ یکی از فرماندهان سازمان آزادی بخش فلسطین به نام سعدصایل (ابوالولید) برای سرکشی به پایگاه‌های ساف و نظم بخشیدن به نیروها در دره بقاع بود، اما در این مسیر به قتل رسید. این رخ داد به خروج فرماندهان رده دوم فتح از سازمان انجامید که از ظهور چنین تشکیلاتی ناراضی بودند چرا که عرفات را مسئول خروج «ساف» از لبنان می‌دانستند. این فرماندهان ناراضی در نهایت علیه عرفات اعلام انتفاضه کردند و انشقاق خود از فتح را با نام «فتح الانتفاضه» اعلام نمودند. آنها با همکاری نیروهای سوری بر واحدهای متعلق به فتح در بقاع سیطره پیدا کردند و توسط لیبی تسلیح شدند. دولت سوریه نیز رسما از «فتح الانتفاضه» حمایت کرد،٦۰ تن سلاح در اختیارشان قرار داد و دفاتر فتح در این کشور به جدا شدگان از فتح تسلیم کرد. سازمان اطلاعات سوریه نیز بقیه اعضاء را یا به زندان افکند یا مجبور به پیوستن به جداشدگان از فتح کرد. در حالی کشورهای عربی به سوریه برای قطع محاصره و سرکوب نیروهای ساف در طرابلس فشار وارد می‌کردند که در نهایت فرانسه ترتیب خروج عرفات و ۵ هزار نیروی فدائی تحت امرش در طرابلس را داد و آنها را با پنج کشتی یونانی از طرابلس خارج کرد. با پایان قاعله طرابلس، انشقاق در میان «ساف» پذیرفته و تثبیت شد و در نهایت گروه‌های فلسطینی ذیل سه جریان از هم تفکیک شدند. جریان اول شامل سه گروه «فتح الانتفاضه»، «الصاعقه»، «جبهه ملی فرماندهی کل» و «جبهه مبارزه ملی» بودند که تحت عنوان ائتلاف میهنی به در سوریه تحت نظر سازمان اطلاعات به فعالیت خود ادامه دادند. جریان دوم شامل فتح و جبهه آزادی بخش عربی بود و جریان چپ گرا شامل «جبهه ملی»، «جبهه دموکراتیک» و «حزب کمونیست» که تحت عنوان ائتلاف دموکراتیک به فعالیت پرداختند. (أحمد، محمد، ۲۰۰۷: ۳۳) بعد از آغاز جنگ داخلی در سوریه نیروهای ائتلاف میهنی در کنار گروه‌های چپ و پان عرب فلسطینی، شاخه حزب بعث لبنان و استعداد محدودی از گروه المقاومه التوحید العربیه در لبنان و گروه کوچک حرس القومی العربی که ادعا می‌شود متشکل از اتباع کشورهای عربی است از سوی گارد ریاست جمهوری به خدمت گرفته شدند. (Beshara and Roche, ۲۰۱٦: ۵-٤۲)

۹. شاخه (۲۱۵) معروف به محرمانه: این واحد موظف به انجام عملیات‌های حمله و سرکوب است. این شاخه چهار هزار نیروی آموزش دیده برای حمله، ترور و دستگیری افراد مـورد نظـر سـایر واحدهای اداره اطلاعات نظامی در اختیار دارد.

۱۰. شاخه گشت‌زنی: این شاخه موظف به اجرای کلیه اوامر فرماندهی مرکزی و فرماندهی شاخه‌ها با توجه به وظایف امنیتی میدانی است.

۱۱. شاخه (۲۲۰)/ اطلاعات قنیطره (مشهور به شعبه سعسع)[۱]: این شاخه امور اطلاعـاتی مربـوط بـه جولان اشغالی و نیروهای حضار در این جبهه و نیروهای صلح‌بان سازمان ملل متحد را برعهـده دارد.

اداره اطلاعات ارتش همانند اداره کلّ اطلاعات دارای شـاخه‌هـای اسـتانی اسـت. بـه طـور کلّـی ۸۰٪ از نیروهای این اداره علوی تبار هستند که بخش اعظم آنان به عنوان مأمور تحـت پوشـش در سـایر دوایـر ارتش خدمت می‌کنند. این اداره دارای یک مدرسه اطلاعات نظامی اسـت کـه داوطلبـان عضـویت را بـه شکل مستقیم آموزش می‌دهد. (طلاع و مجموعه الباحثین، ۲۰۱٦: ۱٦)

اداره اطلاعات نیروی هوایی: این اداره توسط حافظ اسد تشکیل شد و نسبت نیروهای غیر علوی شاغل در آن با سایر دوایر امنیتی نظامی یکسان است. اداره اطلاعات نیروی هوایی نیز همانند اداره اطلاعات نظامی در تمام شئون اداری و مالی به وزارت دفاع وابسته است، اما طبق روند حاکم بر سایر دوایر، توسط وزیر کنتـرل نمی‌شود، بلکه برعکس، اداره اطلاعات نیروی هوایی نیز یکی دیگر از واحدهایی است که بـر شـئون وزارت دفاع و شخص وزیر نظارت دارد. این اداره از هفت شاخه اصلی و شش شاخه استانی بـه شـرح زیـر اسـت: (طلاع و مجموعه الباحثین، ۲۰۱٦: ۱۷–۱٦)

۱. شاخه اداری: این شاخه دارای وظیفه مشابه واحد ۲۹۱ در اداره اطلاعات نظامی است و براین اساس به امور دیوانی داخلی اداره رسیدگی می‌کنـد، همچنـین مسـئولیت جلـوگیری از هـر گونـه شـکاف سازمانی، ارتقاء درجه و نقل و انتقال نیروها بین دستگاه‌ها را عهده‌دار است.

---

۱. سعسع نام یک روستا در بخش اداری قطنا در استان ریف دمشق است.

۲. شاخه اطلاعات: درباره اطلاعات عمومی مختلف مرتبط با سازمان در تمام حوزه‌ها تحقیق مـی‌کنـد. همچنین بر فعالیت رسانه‌های محلی و جهانی نظارت دارد و با آنها به طور مسـتقیم و غیـر مسـتقیم ارتباط برقرار می‌کند.

۳. شاخه تحقیق: این شاخه هیئت اصلی دستگاه اطلاعات نیروی هوایی است و گفته می‌شـود بـدترین شاخه اطلاعات در اعمال شکنجه و خشونت است.

٤. شاخه فرودگاه: مقرّ این شاخه در فرودگاه المزّه واقع شده است. این شاخه مسـئولیت تـأمین امنیـت فرودگاه ریاست جمهوری، هواپیمـای رئـیس‌جمهـور و امـور اطلاعـاتی مـرتبط بـه تـأمین امنیـت رئیس‌جمهور در سفر به خارج از کشور را عهده‌دار است.

۵. شاخه عملیات: مسئول عملیات داخلی و خارجی دستگاه و از جمله نیروی هوایی است. این واحد با شاخه فرودگاه هماهنگی دارد و معمولاً نیروهای این واحد در دفاتر هواپیمایی سـوریه در خـارج از کشور پراکنده‌اند.

٦. شاخه عملیات ویژه: این واحد به شکل گسترده در تمام استان‌های سوریه پراکنده اسـت و در تمـام واحدهای پدافند هوایی، نیروی هوایی، فرودگاه‌های نظامی و غیر نظامی عملیات جنگی را با استفاده از سلاح و هواپیما هدایت می‌کنند.

۷. شاخه استان‌ها: این شاخه هفت منطقه به شرح زیر را پوشش می‌دهد:

- پایتخت: شهر دمشق و حومه آن را پوشش می‌دهد و مقرّ آن در دمشق واقع است.
- جنوب: استان‌های درعا، سویداء و قنیطره را پوشش می‌دهد و مقرّ آن در دمشق است.
- وسط: استان‌های حمص و حما را پوشش می‌دهد و مقرّ آن در حمص واقع است.
- شمال: استان‌های حلب و ادلب را پوشش می‌دهد و مقرّ آن در حلب واقع است.
- شرق: استان‌های دیرالزور، رقّه و حسکه را پوشش می‌دهد و مقرّ آن در دیرالزور واقع است.
- ساحل: استان‌های لاذقیه و طرطوس را پوشش می‌دهد و مقرّ آن در لاذقیه واقع است.

شاخه امنیت سیاسی: شاخه امنیت سیاسی یک شاخه غیر نظامی در شبکه اطلاعات و امنیت سوریه محسوب می‌شود که از نظر اداری زیر نظر وزارت کشور است، اما از نظر حرفه‌ای هیچ ارتباطی با این نهـاد نـدارد، در وزارت کشور نیز مثل وزارت دفاع، شاخه امنیت سیاسی بر امور وزیر، افسـران و واحـدهای پلـیس نظـارت

دارد. این شاخه در عمل یک اداره مستقل است که به طور مستقیم به شخص رئیس جمهور پاسخگو است. در بین سایر دستگاه‌های اطلاعاتی سوریه، شاخه امنیت سیاسی، گسترده‌ترین نفوذ را در جامعه دارد و از بیشترین تماس با مردم برخوردار است. این سازمان تحت پوشش در تمام کشور و بخش‌های جامعه حضور دارد. شاخه امنیت سیاسی در سوریه نیز دارای ۱۳ بخش به شرح زیر است:

(طلاع و مجموعه الباحثین، ۲۰۱٦: ۱۹–۱۸)

۱. شاخه امنیت پلیس: پرونده کارمندان نهاد در این شاخه نگهداری می‌شود. این شاخه دارای وظیفه مشابه واحد ۲۹۱ در اداره اطلاعات نظامی و شاخه اداری اداره اطلاعات نیروی هوایی است و براین اساس به امور دیوانی داخلی اداره رسیدگی می‌کند، همچنین مسئولیت جلوگیری از هر گونه شکاف سازمانی، ارتقاء درجه و نقل و انتقال نیروها بین دستگاه‌ها را عهده‌دار است.

۲. شاخه اطلاعات: این شاخه کلیه اطلاعات وارده از تمام دفاتر مرکزی سایر ادارات و شاخه‌های استانی را در حوزه‌های مختلف اعم از دانشگاه‌ها، مؤسسات و مدارس را جمع آوری می‌کند. این شاخه همانند شاخه اطلاعات اداره اطلاعات ارتش و نیروی هوایی وظیفه نظارت بر فعالیت رسانه‌های محلی و رسانه‌های دیداری و شنیداری در کل جهان و برقراری ارتباط مستقیم و غیر مستقیم با آنان را نیز عهده‌دار است.

۳. شاخه تحقیق: این شاخه در حکم هیئت اصلی دستگاه امنیت سیاسی عمل می‌کند و بازداشت‌شدگان شاخه های استانی و دفاتر مرکزی سایر ادارات برای بازجویی به این شاخه تحویل داده می‌شوند.

٤. شاخه گشت‌زنی و مراقبت: این واحد تعداد زیادی از نیروهای خود را موظف به گشت‌زنی در استان‌های دمشق و ریف دمشق می‌کند و در صورت لزوم انجام حمله در عملیات و دستگیری افراد به سایر اداره‌ها کمک می‌کند.

۵. شاخه احزاب و هیئت‌ها: این واحد بر فعالیت احزاب اعم از احزاب دوست تا حزب بعث و احزاب مخالف و متخاصم نظارت دارد. این واحد فعالیت تمام گروههای معارض را زیر نظر دارد و مراقب فعالیت در مساجد، کنیسه‌ها و کلیه فعالیت‌های دینی است. همچنین وظیفه اعطای مجوز به ائمه جماعت، سخنرانان، خادمان مساجد و تدریس دروس دینی بر عهده این شاخه است. این واحد

مجوز فعالیت مؤسسات خیریه و غیردولتی را صادر می‌کند و بر تمام جلسات و کنفرانس‌هایی که له یا علیه حکومت مرکزی برگزار می‌شوند نظارت دارد.

٦. شاخه امنیت اقتصادی: این شاخه تمام اطلاعات وارده از شاخه‌های استانی اعم از عمومی، خصوصی و مشترک را جمع‌آوری می‌کند و بر فعالیت کلیه دوایر دولتی نظارت دارد. شاخه امنیت اقتصادی گزارش‌های دوره‌ای به شخص رئیس جمهور ارائه می‌دهد. این واحد به موازات وظیفه اصلی، به وضع دینی کارمندان نظارت دارد و آرشیو کاملی از پرونده کارمندانی که بواسطه امور شغلی دستگیر شده‌اند در اختیار دارد.

٧. شاخه دفتری: واحد مربوط به مراسلات اداری بین تمام واحدها و شعبه‌ها

٨. شاخه امور عربی و بیگانه: این واحد اطلاعات مربوط به افراد بیگانه و عرب در خاک سوریه را جمع‌آوری و در عین حال اطلاعاتی نیز از شاخه‌های خارج از کشور دریافت می‌کند. اقامت و فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی اتباع بیگانه در سوریه با موافقت این شاخه صورت می‌پذیرد.

٩. شاخه سیستم اطلاعات: در این شعبه پرونده کاغذی و مجازی تمامی اتباع سوری‌تبار، عرب و بیگانه که از تمام شاخه‌های مرکزی و استان‌ها ارسال شده نگهداری می‌شود.

١٠. شاخه امور اداری: این واحد موظف به تأمین اسلحه، مهمات، تجهیزات اداری، ساختمان و تدارکات برای تمامی شعبه‌های مرکزی و استانی است که با وزارت کشور همکاری دارند.

١١. شاخه بی‌سیم: این واحد موظف به تأمین وسایل ارتباطی بی‌سیم و باسیم برای تمام شاخه‌های و محافظت از خطوط ارتباطی بین آنها و داخل وزارت کشور است.

١٢. شاخه نقلیه: این واحد موظف به تأمین وسایل نقلیه برای تمام واحدهاست.

١٣. شاخه استان‌ها: به جز قنیطره به ازای هر ١٣ استان، ١٣ شعبه تأسیس شده است. شاخه قنیطره دارای یک واحد مشترک با استان ریف دمشق است و تحت عنوان بخش قنیطره فعالیت می‌کند. این شاخه‌ها دارای بخش‌هایی در تمام نواحی کشور هستند و تمام خاک سوریه را پوشش می‌دهند.

٤-٩-٤- شبکه سیستم نظامی- امنیتی سوریه

به موازات شبکه امنیتی- اطلاعاتی، شبکه نظامی – امنیتی در سوریه نیز از قدرت و اختیار کامل برای کنترل جرائم و امنیت اجتماعی برخوردار است. در این فرایند شبکه نظامی – امنیتی، از قدرتی فراتر از پلیس رسمی کشور برخوردار است. این شبکه ترکیبی از وفادار ترین نیروها به رئیس جمهور و حزب بعث است که مشتمل بر سه بخش گارد ریاست جمهوری، لشکر چهارم زرهی و نیروهای تایگر (قوات‌النمر) هستند. پیش‌تر در شرح وظایف واحدهای ارتش به نقش گارد ریاست جمهوری و لشکر چهارم زرهی در بعد نظامی اشاره شد، اما به دلیل نقش مبرّز این واحدها در سیستم امنیتی و ایجاد و سازماندهی گروههای شبه نظامی در ادامه به طور اختصاصی درباره ساختار آن شرح داده خواهد شد:

گارد ریاست جمهوری: گارد ریاست جمهوری از ابتدای تأسیس نقش بارزی در کنترل بحران‌های داخلی سوریه ایفا کرده است. مشکلات قبایل بَدو با دروزی‌ها در سال ۲۰۰۱، انتفاضه کُردی در سال ۲۰۰٤ و درگیری‌های علوی- اسماعیلی در سال ۲۰۰٥، مسائل مهم سوریه بعد از تصدی ریاست جمهوری توسط بشار اسد است که گارد ریاست جمهوری نقش مؤثری در مهار آنها داشته است. این نهاد بعد از آغاز جنگ داخلی در سوریه نیز، کنترل بخش عمده‌ای از گروه‌های شبه نظامی موسوم به دفاع ملی را برعهده گرفت. گارد ریاست جمهوری از تیپ‌ها و گردان‌های جداگانه‌ای به شرح زیر تشکیل شده است: (طلاع و مجموعه الباحثین، ۲۰۱٦: ۲۲-۲۰)

- دفتر امنیت گارد
- هنگ ۱۰۱ امنیتی گارد
- هنگ ۱۰٤ توپخانه که به کاخ ریاست جمهوری و دمشق منتقل شد
- هنگ ۱۰٥

کارشناسان امنیتی گارد ریاست جمهوری را یکی از منسجم‌ترین ساختارهای نظامی – امنیتی سوریه قلمداد می‌کنند که به دلایل زیر قادر به هدایت یک کودتای سفید در سوریه است:

۱. اجتماع علوی به عنوان تنها ضامن استمرار بقای گارد و نظام حاکم
۲. ماهیت طبیعی روابط رقابتی
۳. کنترل واحدها بر یکدیگر

٤. خطوط مستقیم ارتباط با رئیس‌جمهور

٥. انحصار انتصاب و عزل فرماندهان گارد به فرماندهی کل نیروهای مسلح (بشار اسد)

لشکر چهارم زرهی: این لشکر از واحدهای سپاه اول سوریه است که به عنوان یک ذخیره استراتژیک در روزهای بحرانی، آموزش‌های ویژه دیده است و تجهیزات طراز اول در اختیار دارد. تعدادی از تیپ‌ها و گردان‌های این لشکر در داخل دمشق متمرکز هستند که کیفیت آن به شرح زیر است:

- منطقه معظمیه: هنگ ٥٥٥ هوابرد، هنگ ١٥٤، تیپ٤٠ زرهی و تیپ ١٣٨پیاده.
- منطقه زبدانی: گردان‌های پلیس نظامی، شیمیایی، اطلاعات و پادگان‌های آموزش و صائقه.
- منطقه یعفور: تیپ ٤١ زرهی.
- منطقه صبوره: تیپ ٤٢.

ماهیت عملکرد و وظایف امنیتی لشکر چهارم زرهی به شرح زیر است:

- معرفی فهرست افراد برای پیوستن به دستگاه‌های امنیتی براساس وابستگی مذهبی و وفاداری
- ایجاد دانشکده جنگ و نیروی هوایی و ارائه اسامی افراد برای پیوستن به این دانشکده. نام افراد در درجه اول برای شاخه‌های امنیتی اهمیت دارد و با هماهنگی شاخه ٢٩٣ اداره اطلاعات نظامی انجام می‌شود.
- دفتر امنیتی لشکر چهارم زرهی، در هماهنگی کامل با سایر شاخه‌های امنیتی قرار دارد و به طور مستقیم از تمام حوادث امنیتی در کشور مطلع می‌شود. این دفتر امنیتی تمامی مسائل پیچیده که انسجام شبکه امنیتی را تهدید میکند مورد بررسی قرار می‌دهد. دفتر امنیتی لشکر چهارم زرهی نقش زیادی در تعیین رؤسای شاخه‌های امنیتی و بویژه دمشق دارد.

جدول ٤-٣١- توزیع جغرافیایی گروه‌های شبه نظامی تحت کنترل شبکه سیستم نظامی- امنیتی

نام گروه	واحد حمایت کننده در ارتش	جغرافیای عملیاتی
لواء درع الساحل		لاذقیه
فوج الجولان		قنیطره
کتائب البعث		دمشق، حسکه، لاذقیه، طرطوس
قوات درع القلمون	گارد ریاست جمهوری	ریف دمشق
المقاومه السوریه		حلب، ادلب، حما، لاذقیه
نسور الزوبعه (مسیحی)		حلب، حما، حمص، دمشق، لاذقیه، قنیطره
سوروتو (سریانی)		حسکه
قوات الغضب (مسیحی)	گارد ریاست جمهوری، اطلاعات نیروی هوایی	حما
قوات النمر (تایگر)	فرماندهی نیروهای ویژه	حلب، حما، حمص، لاذقیه
صقور الصحراء		حلب، حما، حمص، لاذقیه

(Beshara and Roche, ٢٠١٦:١-٤٨)

جدول ٤-٣٢- گروه‌های شبه نظامی دروزی تحت کنترل شبکه سیستم نظامی- امنیتی

نام گروه	واحد حمایت کننده در ارتش	جغرافیای عملیاتی
درع الوطن(دروزی)		سویداء
جیش الموحدین (دروزی)	گارد ریاست جمهوری	قنیطره
لبیک یا سلمان (دروزی)		قنیطره
کتائب حماه الدیار(دروزی)	گارد ریاست جمهوری- فرماندهی سپاه پنجم	سویداء

(Beshara and Roche, ٢٠١٦: ٥٠-٦٥)

جدول ٤-٣٣- گروه‌های شبه نظامی فلسطینی و پان عربِ تحت کنترل شاخه فلسطین (٢٩٤)

نام گروه	واحد حمایت کننده در ارتش	جغرافیای عملیاتی
فتح الانتفاضه		دمشق
حرکه فلسطین حره		ریف دمشق (اردوگاه یرموک)
حرکه الشباب العوده الفلسطینیه(قوات الجلیل)		حلب، دیرالزور، حمص
لواء القدس		حلب، لاذقیه
حرکه العمل الوطنی المقاوم (لواء الجلیل)		سویداء، دمشق
الحزب الفلسطینی الدیمغراتی (سرایا العوده و التحریر)	گارد ریاست جمهوری	لاذقیه
الجبههالشعبیه لتحریر فلسطین- القیادهالعامه		دمشق
جیش التحریر الفلسطینی		دمشق، ریف دمشق، سویداء
جبهه النضال الشعبی الفلسطینی		دمشق
طلائع حزب التحریر الشعبیه (قوات الصاعقه)		دمشق، ریف دمشق
حزب البعث العربی الاشتراکی فی لبنان		ریف دمشق
المقاومه التوحید العربیه		ریف دمشق
الحرس القومی العربی		دمشق

(Beshara and Roche, ٢٠١٦: ٥-٤٢)

٤-٩-٥- دستگاه‌های موازی امنیتی در سوریه

دستگاه‌های موازی، مجموعه دیگری از نهادهای امنیتی هستند که بعد از سال ٢٠١١ و بواسطه ناتوانی دستگاه‌های اصلی امنیتی سوریه برای مهار بحران تشکیل شدند. اداره ارتباطات، بخش‌های امنیتی مضاعف در وزارت کشور، دستگاه‌های متصل به حزب بعث، افسران امنیتی در واحدهای نظامی و در نهایت کمیته های محلی و نیروهای دفاع ملی واحدهای موازی بودند که برای جبران ناتوانی نهاد ارتش در سوریه شکل گرفتند. اداره ارتباطات که به (ال.سی.دی) مشهور است از ادغام شاخه کنترل ارتباطات زمینی و شاخه‌های ٢٥٥ و ٢١١ در اداره اطلاعات نظامی، بخش فنّی اداره کل اطلاعات و شاخه‌های فنّی سایر دوایر اطلاعات تشکیل شد و مشارکت در تمام امور مربوط به کنترل رادیویی را آغاز کرد. روند ایجاد دستگاه‌های موازی در وزارت کشور بواسطه تبدیل عضویت تمام کارمندان به عناصر اطلاعاتی- امنیتی آغاز شد. نیروهای امنیت

داخلی در سال ۲۰۱۱، در حدود ۷۸ هزار نفر بود که ٦٦۲۰۷ نفر از آنان نیروهای غیر نظامی، دو هزار نفـر از آنان افسر و ۹۹۹۵ نفر نیز هم‌ردیف افسر بودند. این تعداد به غیر از نیروهای ارتش بود و وزارت کشور آنان را در قالب گردان‌ها، گروهان‌ها و واحدهای حفظ امنیت، برقراری نظم و وظایف خاص سازماندهی نمود. به این تعداد پزشکان و پرستاران شاغل در وزارت کشور نیز اضافه شدند. این نیروها در ۱۵ اداره، ١٤ فرماندهی پلیس، ٦٤ منطقه و ۲۸۰ ناحیه توزیع شدند. (طلاع و مجموعه الباحثین، ۲۰۱٦: ۲۳)

٤-۱۰- جمهوری اسلامی ایران و باز سازماندهی شبه‌نظامیان در سوریه

حکومت سوریه بعد از آغاز بحران سوریه ایجاد و سازماندهی نیروهای شبه نظامی را تحت فرمانـدهی و کنترل دستگاههای امنیتی- اطلاعاتی و نظامی – امنیتی آغاز کرده بود. با وجود این، دولت ایـن کشـور از جمهوری اسلامی ایران برای مهـار آشـوب داخلـی کمـک خواسـت و بـر همـین اسـاس از سـال ۲۰۱۱ مستشاران ایرانی از نهاد نیروی انتظامی برای کمک به مهار غیر نظامی آشوب در سوریه وارد ایـن کشـور شدند. سرتیپ حسین اشتری و محسن چیذری در زمره اولین مستشاران عـالی رتبـه‌ای بودنـد کـه بـرای کمک به آموزش جایگزینی ساز و کارهای ضد شورش به جای ساز و کارهای نظامی خشن بـرای مهـار بحران و تظاهرات‌های روزانه به سوریه عزیمت کردند. (بابایی، ۱۳۹۵: ٤۳٦)

سرلشکر شهید حسین همدانی یکی از مشهورترین مستشاران ایرانی است که با حضور در سوریه تـلاش کرد ساز و کارهای مردمی مقابله با نا امنی را خارج از ساختار ارتش رسمی سوریه را فراهم سازد. او روز ۱۳ دی۱۳۹۰ (دوم فوریه ۲۰۱۲) و پس از وارد شدن بحران سوریه به مرحله جنگ داخلی، برای حضـور مستشاری در سوریه مأموریت یافت. او بعد از تهیه یک طرح جامع که با مشـورت سـید حسـن نصـرالله دبیرکل حزب‌الله لبنان تدوین شده بود تلاش داشت تا با استفاده از الگوی بسـیج مستضـعفین، تسـلیح و آموزش مردم عادی در سوریه را آغاز کند. اما به زودی مشخص شد که سـطح مطالبـه دولـت سـوریه از ایران تنها دریافت امکانات است. شهید همدانی در این رابطه می‌گوید:

«با اینکه دولت این کشور از ما کمک خواسته بود، ولی باز هم مسئولین امنیتی سوریه بـه مـا اجـازه دخالت در ارتش را نمی‌دادند و می‌گفتند: ما از شما فقط امکانات می‌خواهیم.»(بابایی، ۱۳۹۵: ٤۳۸)

نهادهای امنیتی سوریه بدون صدور اجازه ارتباط با سازمان‌های سوری و دخالت در امور ارتش در نهایت تنها به نقش ایران به عنوان مستشار آموزش دهنده نیروها مشروط به کنترل ارتش بر آنها رضایت دادند. سرلشکر همدانی فرایند مذکور را چنین شرح می‌دهد:

«مسئولان سوری پرسیدند که معنی این اقدام چیست؟ گفتیم: یعنی تشکیل بسیج مردمی و برایشان توضیح دادیم. آنها هم با سه دلیل با این اقدام مخالفت کردند. اول گفتند: ما ارتش خودمان را نمی‌توانیم پشتیبانی کنیم، شما می‌خواهید یک ارتش دیگر برای ما درست کنید؟ نه، ما با این طرح مخالفیم. دوم، شما می‌خواهید به جوانان اهل سنت اسلحه بدهید؟ این‌که برای ما خطر دارد! اینها می‌آیند با ما می‌جنگند. به مردم که نمی‌شود اعتماد کرد. سوم، اینکه مردم غلط کرده‌اند می‌خواهند تشکیل ارتش بدهند، آنان باید جوانانشان را جهت سربازی در اختیار ما قرار دهند. کلاً با این اشکال‌های اساسی‌ای که گرفتند با طرح مخالفت کردند. با خود آقای بشار صحبت کردیم و قرار شد ما جوانان را آموزش دهیم و هر موقع که نیاز شد ارتش از اینها استفاده کند، اینها آماده باشند.» (بابایی، ۱۳۹۵: ٤٤٦)

پیش از این درباره ساختار متصلب و پیچیده حکومت، سیطره دستگاه‌های امنیتی بر سوریه و تسلط ایدئولوژی ضد دینی حزب بعث بر کشور و از همه مهمتر اشراف این ساختار بر ایجاد و سازماندهی نیروهای شبه نظامی توضیح داده شد، بنابراین مخالفت ساختار امنیتی سوریه با طرح شهید همدانی مسئله عجیبی به نظر نمی‌رسد. مقاومت ساختار حکومت سوریه در مقابل نفوذ ایران تا جایی ادامه یافت که سرلشکر همدانی از فرماندهی کل نیروهای مسلح در ایران درخواست بازگشت به ایران را داشت، اما در نهایت آیت‌الله خامنه‌ای ضمن اشاره به ساختار بیمار دولت سوریه از مستشاران ایران خواست تا به کار خود در این کشور ادامه دهند. شهید همدانی این روند را چنین تشریح می‌کند:

«در زمانی که با ما مخالفت می‌کردند و اجازه نمی‌دادند گزارش محضر حضرت آقا دادیم و درخواست کردیم تا ما به ایران بازگردیم چون این‌ها از وجود ما درست استفاده نمی‌کنند اما حضرت آقا یک رهنمودی به حاج قاسم دادند و فرمودند: شما نباید برگردید! سوریه مریضی است که خودش نمی‌داند، مریض است، باید این مریضی به دولتمردان سوری تفهیم شود. اگر

دکتر نمی‌رود، شما ببریدش، خودش به دکتر نمی‌گوید مریضی‌اش چیست؟ شما بگویید چه مشکلی دارد! اگر حاضر نمی‌شود که دکتر برایش نسخه بنویسد اگر نمی‌رود تا داروی نسخه نوشته شده را بگیرد، شما بروید دارویش را بگیرید دارو را نمی‌خورد؟ شما بهش بدهید و نظارت هم بکنید که داروها را بخورد تا درمان شود، حضرت آقا اصلاً در سوریه نبودند، اما انگار که در عمق میدان سوریه حاضر بودند، بعد از این رهنمود حضرت آقا، حدود سه ماه طول کشید تا ما کاملاً مشغول آموزش نیروهای سوری شدیم.» (بابایی، ۱۳۹۵: ۴۴۰-۴۳۹)

تا پایان سال ۲۰۱۲، به دلیل کاهش شدید استعداد ارتش و تقویت رزمی معارضین توسط بازیگران خارجی، موازنه قوا به طور جدی به ضرر دولت سوریه تغییر کرد و در نهایت بشار اسد روز ۲۱ ژانویه ۲۰۱۳، دستور ایجاد ساختار جدیدی با نام نیروهای دفاع ملی[۱] را صادر کرد. این ساختار جدید با نظارت کامل دستگاههای امنیتی سوریه بواسطه سازماندهی و آموزش نیروهای مردمی تأسیس شد. دوره‌های آموزش کوتاه مدت باعث شد تا نوامبر ۲۰۱۳، استعدادی معادل ۶۰ هزار نفر از نیروهای دفاع ملی توسط گارد ریاست جمهوری تأمین امنیت محله‌ها در ۷ استان را برعهده بگیرند که بخش زیادی از آنان در محله‌های مهم دمشق مستقر شدند. (The Carter Center, ۲۰۱۳: ۵)

سرلشکر همدانی درباره کیفیت دوره آموزش نیروهای دفاع ملی می‌گوید:

«هر هفته حدود ششصد نفر از این جوانان جذب می‌شدند و کار آموزش آنها شروع می‌شد. دوره آموزشی آنها هم دوازده روزه بود. یعنی اولین روزی که وارد پادگان می‌شدند تا آخرین روزی که از آنجا خارج می‌شدند، دوازده روز بیشتر طول نمی‌کشید. یک جوانی که می‌خواهد کار با اسلحه را یاد بگیرد، باید سه ماه آموزش ببیند. تازه به این مرحله رزم مقدماتی می‌گویند. بعد از آن هم آموزش تکمیلی و مراحل بعدی. ولی چون سوریه در بحران قرار داشت، ما سه ماه آموزش و جزوه‌های آن را فشرده و به دوازده روز رزم مقدماتی تبدیل کردیم. در این دوره آموزش‌های عمومی و تخصصی‌ای که نیاز نبود را کنار گذاشتیم. برای این جوانان تازه‌کار آموزش امداد،

---

۱. قوات الدفاع الوطنی

تخریب و آموزش سلاح‌هایی را که فعلاً نیاز نبود، تعلیق کردیم. طبق سازماندهی که انجام می‌دادیم، جوانان را به گروه‌های مختلف تقسیم می‌کردیم. گروهی به عنوان تک‌تیرانداز که فقط همین آموزش را می‌دیدند. گروهی آر.پی.جی‌زن که آنها نیز فقط کار با آر.پی.جی را می‌آموختند. عده‌ای برای کار با خمپاره شصت انتخاب می‌شدند که این عده نیز تنها کار با خمپاره شصت و شلیک و گرابندی با آن را آموزش می‌دیدند. همین‌طور گروه‌های دیگر و آموزش تسلیحات دیگر. با این اقدام تعداد روزهای آموزش به علت تخصصی شدن آن به یک نوع از تسلیحات، کاهش می‌یافت.» (بابایی، ۱۳۹۵: ٤٤٦)

طی کمتر از شش ماه سرلشکر شهید حسین همدانی در می ٢٠١٤ به حضور نیروهای دفاع ملی در ١٤ استان سوریه اشاره کرد که در قالب ٤٢ گروه و ١٢٨ گردان و استعدادی معادل ٧٠ هزار نفر، در تأمین امنیت شهرها و استان‌های سوریه مشارکت کردند، اما این نیروها در نهایت تحت فرماندهی گارد ریاست جمهوری، لشکر چهارم زرهی، حزب بعث، شاخه‌های اطلاعات نظامی، نیروهای ویژه و برخی لشکرهای ارتش قرار گرفتند. فرماندهی دکترین و آموزش ارتش آمریکا[1] با انتشار گزارشی در فوریه ٢٠١٦ به ارائه تحلیل درباره تهدیدات تاکتیکی در سوریه پرداخته بود و در خلال آن به نقش نیروهای دفاع ملی در سوریه اشاره داشت. «گزارش تهدیدات تاکتیکی در سوریه»، نیروهای دفاع ملی را بزرگترین بخش از شبه نظامیان داخلی سوریه ارزیابی کرده بود که بعضاً ضمن ادامه کسب و کار خود در حفاظت از مناطق شهری نیز مشارکت می‌کنند. البته این گزارش اذعان داشت که نیروهای دفاع ملی در عملیات‌های تهاجمی نظیر قصیر در سال ٢٠١٣ نیز حضور داشته‌اند و در حفاظت از فرودگاه حما نیز ایفای نقش کرده‌اند. این نیروها همچنین به دلیل برخورداری از ویژگی محلی، کمک زیادی در عملیات‌های شناسایی و جمع‌آوری اطلاعات از معارضین به ارتش سوریه نمودند. گزارش «تهدیدات تاکتیکی در سوریه» در بخش‌های مختلف به نقش ایران در آموزش نیروهای دفاع ملی برای ایجاد شبکه حفاظتی از زاغه‌های مهمات و سلاح در موقعیت‌های جنگی پیچیده با تهدید ترکیبی اشاره کرده بود.

(U.S.Army TRADOC Report: Syria Threat Tactics, ٢٠١٦: ٦-٢٢)

---

١ . U.S. Army Training and Doctrine Command (TRADOC)

جدول ٤-٣٤- توزیع جغرافیاییِ نیروهای دفاع ملّی

نام گروه	واحد حمایت کننده در ارتش	جغرافیای عملیاتی
اسود الامن العسکری		دیرالزور
لواء امام زین العابدین		دیرالزور
مجموعه نافذ اسدالله		دیرالزور
صقور الظاهر		حلب، حما، حمص، لاذقیه
فوج ابوحارث- ۳۱۳		دمشق، لاذقیه
فوج مغاویر البحر		لاذقیه
فوج الهادی		حما
کتائب الجبلاوی		دمشق، حمص
قوات الدعم		ریف دمشق
قوات حصن الوطن		ریف دمشق(قلمون)
لواء درع الوطن		دمشق
لواء صلاح الدین الایوبی (شاخه درع الوطن)	گارد ریاست جمهوری	دمشق
فوج المهام الخاصه		حمص
فوج امصام الخاصه		حمص
لواء سیف الحق اسدالله الغالب		ریف دمشق (سیده زینب)
لواء صقور القنیطره		قنیطره
قوات حماه سوریا (اسود الحسین)		دمشق، حما، حمص، لاذقیه
کتیبه الجبل		لاذقیه
قوات درع امن العسکری		لاذقیه
شارع نسرین- التضامن		دمشق
درع جزیره السوریه		حسکه
لواء الخیبر (العقرب)		حمص
لواء سیف المهدی	لشکر چهارم زرهی	ریف دمشق (سیده زینب)
فوج مغاویر البادیه	اداره اطلاعات نظامی	حلب، حمص

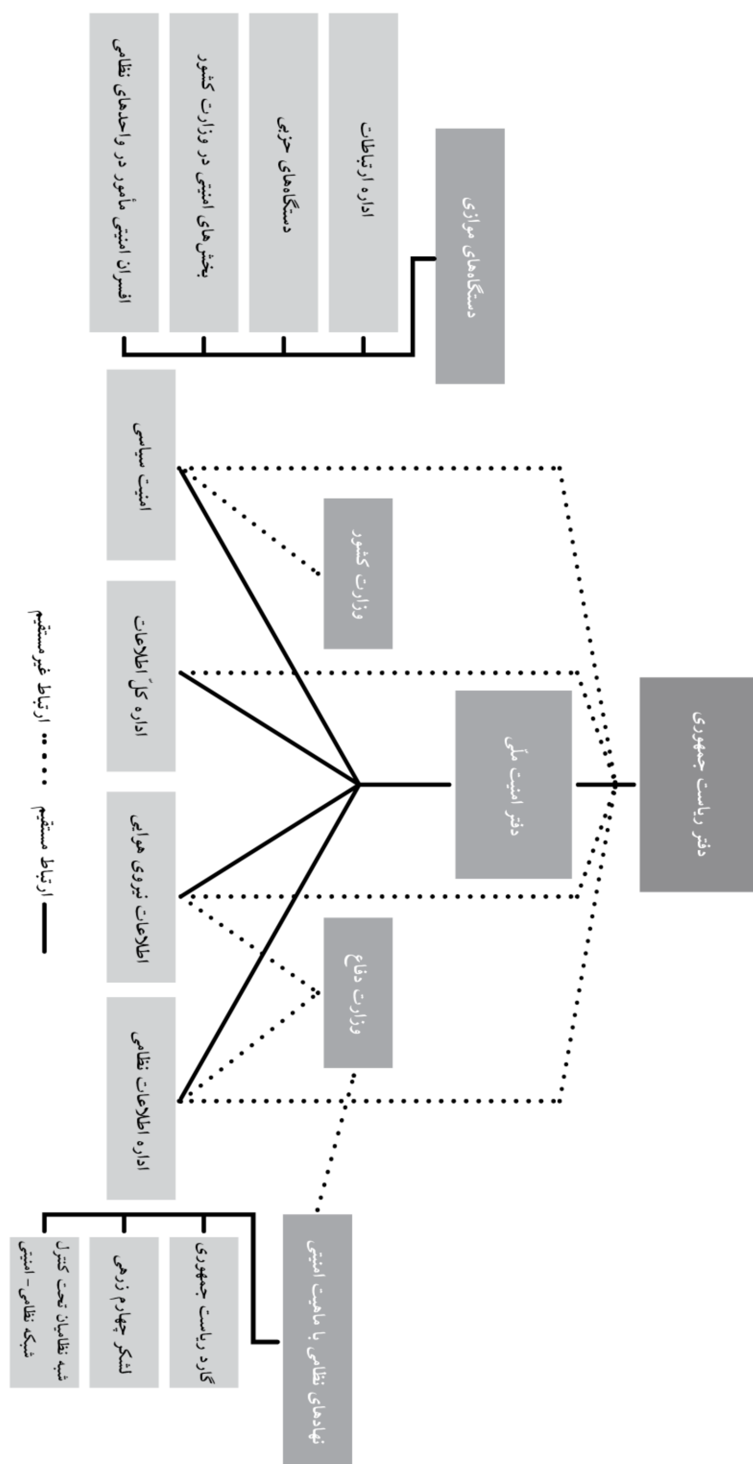
(Beshara and Roche, ۲۰۱٦:۱-٤۸)

به طور کلّی و فارغ از استثنائات می‌توان بر اساس شواهد عینی منبعث از عملکرد دستگاه‌های امنیتی سوریه و نیروهای شبه نظامی تحت کنترل آنها به یک الگوی دو بخشی از تقسیم وظیفه بین این دستگاه‌ها برای مهار بحران دست یافت که شامل داخل شهرها و حومه آنهاست.

جدول ٤-٣٥- الگوی تقسیم وظایف بین دستگاه‌های امنیتی سوریه برای مهار بحران

داخل شهرها	حومه دمشق و درعا	حومه شهرها
شاخه‌های اداره کلّ اطلاعات، امنیت سیاسی و جنایی	لشکر چهارم زرهی	پادگان‌ها و مؤسسات نظامی
شعبه‌های حزب بعث	گارد ریاست جمهوری	مستقر در حومه شهرها
سازمان‌های ملّی (کمیته‌ها و دفاع ملی)	نیروهای ویژه	
اتحادیه‌های دانشجویی	اداره اطلاعات نظامی	
دستگاه‌های استانی		

(فهد، ۲۰۱٤: ۲۱)



شکل ٤-۹- الگوی روابط در ساختار امنیتی – نظامی سوریه

(طلّاع و مجموعه الباحثین، ۲۰۱۷: ۷۵)

٤-١٠-١- نیروهای دفاع محلی در سوریه

علیرغم تلاش شاخه‌های امنیتی– اطلاعاتی و نظامی– امنیتی در سوریه برای سیطره بر نیروهای دفاع‌ملّی، گروه‌های شبه نظامی شیعه خارج از کنترل شبکه امنیتی سوریه باقی ماندند و به طور مستقیم توسط مستشاران ایرانی و حزب‌الله آموزش داده شده و خارج از ساختار دفاع ملی و گروه‌های تحت کنترل دولت مرکزی سوریه سازماندهی و وارد عملیات شدند.

جدول ٤- ٣٦- توزیع جغرافیاییِ گروه‌های شیعه سوری

نام گروه	جغرافیای عملیاتی	نام گروه	جغرافیای عملیاتی
فوج‌الحجه	حلب (نبل، الزهراء)		قنیطره، حما، طرطوس
الغالبون- سرایا المقاومه الوطنیه فی سوریا	دمشق، ادلب، قنیطره		
جنودالمهدی	حلب	مقاومه الوطنیه العقائدیه فی سوریا:	
کشافه الامام‌المهدی	حلب	١. قوات الحشد العشائری	
لواءالباقر	حلب	٢. فوج المهام الخاصه	
لواء الامام المهدی، کتیبه الامام علی	دمشق، حما، حمص	٣. فوج الشهید عماد مغنیه	
لواء الامام زین‌العبادین	حلب، حما	٤. قوات التدخل السرعه	
لواء سیده رقیه	ریف دمشق	٥. فوج الرضوان	
قوات‌الجعفری	ریف دمشق، حمص		
قوات‌الرضا	حلب، دمشق، حمص، ادلب		

(Beshara and Roche, ٢٠١٦:٤٨-٧٤)

در ماه می ٢٠١٦، بستر تشکیل ساختار شبه نظامی دیگری به نام نیروهای دفاع محلی شکل گرفت که خارج از ساختار نیروهای دفاع ملی بود و توسط ایران سازماندهی شد. نیروهای دفاع محلی از گروه‌هایی نظیر کتائب‌النیرب المهام الخاصه، فوج السفیره و فوج نبل و الزهراء تشکیل شد، اما تبلیغات گروه‌ها حول این ساختار جدید نشان می‌داد لواء الباقر (نیروهای قبیله بقاره)[١]، ستون اصلی استعداد نیروی انسانی نیروهای دفاع محلی را به خود اختصاص داده است. گروه‌های تشکیل دهنده دفاع محلی نقش مهمی در نبردهای استان حلب و به خصوص بخش جنوبی آن داشتند و بعد از آزادی شهر نیز کنترل آن را به دست گرفتند. (Al-Tamimi, ٢٠١٦: ٨)

١ . ریشه نام این قبیله به امام باقر(ع) بازمی‌گردد و رؤسای عشیره بر نصب هاشمی خود و امتداد آن تا امام علی(ع) تأکید دارند، اما در عین حال از نظر عقیدتی این قبیله را در زمره اهل سنت طبقه بندی می‌کنند و مناسک را به شیوه آنان به جای می‌آورند.(العسکر السّباهی العانی الشمّری، ١٩٩٦: ٣٢-٦٢)

روز چهارم آوریل ۲۰۱۷، سرتیپ «عدنان محرز عبدو» رئیس بخش سازمان و مدیریت و شاخه سازمان و تسلیح در فرماندهی کل ارتش و نیروهای مسلح سوریه، طی یک یادداشت به شماره ١٤٥٥، خطاب به فرماندهی کل ارتش و نیروهای مسلح (رئیس جمهور بشار اسد) گزارشی درباره اجرای دستورِ معاون فرماندهی کل ارتش (معاون نخست وزیر و وزیر دفاع) ارائه داده بود. این دستور ناظر به یادداشت شماره (٤٥) این فرماندهی به شاخه سازمان و تسلیح در تاریخ ۱۹ ژانویه ۲۰۱۷ بود که بخش سازمان و مدیریت را موظف به تشکیل یک کمیته با وظیفه سازماندهی نیروهای فعال همراه با طرف ایرانی برای سازماندهی نیروی انسانی دفاع محلی در استان‌ها نموده بود. بر اساس یادداشت شماره ١٤٥٥ که با هدف گزارش به شخص بشار اسد صادر شده بود، کمیته مذکور بر اساس دستور اداری ٦٧/٥٦٢ در تاریخ اول فوریه ۲۰۱۷ تشکیل و موضوعات سازمان، فرماندهی، تأمین جنگی و مادی، حقوق شهداء مجروحین و مفقودین و تسویه وضعیت متخلفین مکلف به خدمت اجباری و احتیاط، فراری‌ها و شهروندانی که با طرف ایرانی همکاری می‌کنند را مورد بررسی قرار داد که خلاصه آن به شرح زیر بود:

١. سازمان نیروهای نظامی و شهروندان سوری که همراه با طرف ایرانی در قالب تیپ‌های دفاع محلی در استان‌ها می جنگند:

استان	متخلفین خدمت اجباری	متخلفین خدمت احتیاط	فرار از خدمت	شهروندان	سایر	تعداد کل در استان
دمشق	٤١٠٦	٤٨٢٤	٦٠٠	٩٤٨٥	٦٠١	١٩٦١٦
درعا	٤٢١	٣٥٩	٦٥٨	٨٥٧	٠	٢٣٩٥
طرطوس	٣٢١	٠	٠	٦٧٩	١٠٠	١١٠٠
حمص	٩٨٠	١١٢٤	١١٢٧	٤٣١٤	١٥٠٦	٩٠٥١
حما	٢١٤٤	٢٦٥٤	٢٥٤٩	٣٩١٥	٨٦٤	١٢١٢٦
حلب	٣٩٢٥	٥٦٨٧	١٢١٣	١٠٢٤١	٤٨٦٤	٢٥٩٣٠
ادلب	١١٢٣	٢١١	٢٧٩	٢٩٢٩	٣٤٨٧	٨٠٢٩
لاذقیه	٧٩٠	٣٠٢	٤٧٧	٣١٦٥	٧٠٠	٥٤٣٤
رقه	٢١٤	٢٣٥	١٤٨	٢٢٠	٠	٨١٧
دیرالزور	٤٦١	٨٧٠	٠	٦٤٥	٠	١٩٧٦
حسکه	٣٨٨	٤٦٥	٩٥٢	٥٥٤	٠	٢٣٥٩
مجموع	١٤٨٧٣	١٦٧٣١	٨٠٠٣	٣٧٠٠٤	١٢١٢٢	٨٨٧٣٣

(التمیمی، ۲۰۱۷: ۷-۱)

٢. تسویه وضعیت نظامیان (فراری)، متخلفین مکلف به خدمت و متخلفین از خدمت اجباری و احتیاط و انتقال، انتصاب و تعدیل به منظور تحویل آنها به تیپ‌های دفاع محلی در استان‌ها:

شرح	تعداد
متخلفین از خدمت زیر پرچم	١٤٨٧٣
فراری از ارتش	٨٠٠٣
متخلفین از خدمت احتیاط	١٦٧٣١
نیروهایی که وضعیت آنها تسویه شده است	١٢١٢٢
مجموع	٥١٧٢٩

٣. تنظیم قرارداد داوطلبان عضویت در نیروهای مسلح برای شهروندانی همکار با طرف ایرانی به مـدت دو سال و تجدید آن با موافقت طرفین به شرح زیر:[1]

شرح	تعداد
نیروهای شهروند همکار با ایران	٣٧٠٠٤

(التمیمی، ٢٠١٧: ٧-١)

٤. اداره امور افسران مکلف به تسویه وضعیت دوره (٦٩) افسرانی است که در حال حاضر با طرف ایرانی در حلب کار می‌کنند و تعداد آنها ١٦٥٠ نفر است.

٥. فرماندهی تیپ‌های محلی فعال در استان‌ها تا پایان بحران در سوریه یا صدور دستور جدید در همـاهنگی با فرماندهی کل ارتش و نیروهای مسلح با طرف ایرانی خواهد بود.

٦. همه انواع تأمین نظامی و مالیِ نیروهای نظامی و شهروندان سوری که با طرف ایرانی همکاری می‌کنند بعد از سازماندهی در هنگ‌های دفاع محلی که در استان‌ها فعال هستند، پـس از همـاهنگی همـه جوانـب بـر عهده طرف ایرانی خواهد بود.

٧. تأمین حقوق مادی شهداء، مجروحین و مفقودین همکار با طرف ایرانـی از آغـاز تأسـیس برعهـده طـرف ایرانی خواهد بود، اما باقیمانده حقوق مقرر شده برای شهداء، مجروحین و مفقودین بر اساس قوانین زیر اعمال خواهد شد:

أ. نیروهای نظامی و متخلفین مکلف به خدمت زیر پرچم بعد از تسویه وضعیت؛

ب. شهروندان در چارچوب یک راه حلّ جامع

٨. دستورات سازمانیِ متضمن دستورات اجرایی (نظامیان و شهروندان)، همکـار بـا طـرف ایرانـی، بعـد از سازماندهی آنها در تیپ‌های دفاع محلی صادر خواهد شد.

---

١. صرف نظر از شروط معمول داوطلبی در شروط معمول داوطلبی در نیروهای مسلح براساس دستور دائم شماره ١ و تعدیلات آن در بخش داوطلبی

این یادداشت به موافقت رئیس ستاد کل ارتش و نیروهای مسلح، وزیر دفاع و فرماندهی کل نیروهای مسلح (بشار اسد) رسیده بود و بر اساس آن سپهبد «علی عبدالله ایوب» رئیس ستاد کل ارتش و نیروهای مسلح روز ۲۳ آوریل ۲۰۱۷، با عطف به یادداشت شماره ۱٤٥٥ و یادداشت صادر شده به شماره ۱٦٨١ در تاریخ ۲۱ آوریل ۲۰۱۷ دستور عدم تعرض و بازداشت نیروهای همکار با طرف ایرانی که با کارت هویت موقت فعالیت می‌کنند و به خصوص نیروهای دفاع محلّی را صادر کرد.[۱] این دستور با شماره ۸٦/۳۸۸۸۸ به واحدهای ذیربط ابلاغ شده بود.[۲] (التمیمی، ۲۰۱۷: ۷-۱)

٤-۱۰-۲- مدافعان حرم[۳]

به موازات آغاز تلاش برای استفاده از استعداد نیروهای سوری تبار، به دلیل چالش کمبود نیروی انسانی، روند دیگری بواسطه ورود نیروهای شیعه غیر سوری شکل گرفت. این استعداد جدید تحت عنوان مدافع حرم شناخته شدند. انگیزه شکل‌گیری این گروه‌ها تا حدود زیادی منبعث از دلایل مذهبی و منحصر به دفاع از مقدسات شیعه در مقابل هتک گروه‌های تکفیری بود و به همین دلیل استعداد آنها در ابتدای تشکیل در محدوده استقرار اماکن مذهبی در دمشق و ریف دمشق توزیع شده بود. ایدئولوژی داعش یک تهدید بالقوه برای مقدسات شیعیان در سوریه محسوب بود که اتفاقاً توسط هسته‌های کوچک داعش در استان ریف دمشق به صورت بالفعل بکار گرفته شد. داعش حرم حضرت سکینه (س) در درایا (استان ریف دمشق) را تقریباً به طور کامل تخریب کرد اما موفق به نبش قبر نشد، همچنین تلاش زیادی نیز برای تخریب حرم حضرت زینب (س) در مرکز استان ریف دمشق انجام داد، اما تعرض این سازمان به

---

۱. لازم به ذکر است پیش از صدور این دستور، فرمانده ایرانی نیروهای دفاع محلی در حلب (سیدجواد)، مورخ ۲۸ فوریه ۲۰۱۷، طی نامه‌ای به شماره ۲٤٦۱ از سرتیپ «زید علی صالح» فرمانده تیپ (۳۰) پیاده از گارد ریاست جمهوری در این استان خواستار تمدید عدم الحاق نیروهای دفاع محلی به خدمت اجباری و احتیاط تا تاریخ اول می ۲۰۱۷ شده بود. این نامه همچنین خواستار تمدید مهلت برای متخلفین خدمت اجباری و احتیاط و فراری‌ها تا زمان تسویه وضعیت آنان تا تاریخ یاد شده بود.

۲ . دفتر امنیت ملّی، بخش اطلاعات، اداره کلّ اطلاعات، اداره اطلاعات هوایی، بخش امنیت سیاسی، اداره امنیت جنایی، اداره مهاجرت و گذرنامه، پلیس نظامی.

۳ . به سختی می‌توان بین نقش جمهوری اسلامی ایران و حزب‌الله لبنان در روند مبارزه با داعش تفکیک قائل شد. حزب‌الله لبنان به دلیل مجاورت جغرافیایی با سوریه و تأثیرپذیری از آثار سوء اجتماعی حضور ارتش سوریه در جنوب لبنان با مسائل به مراتب پیچیدتری روبرو بود که تشریح آن نیازمند طراحی و تدوین یک پژوهش مستقل است. از سوی دیگر حزب‌الله در زمره گروه‌های شبه نظامی کوچک مدافع حرم قابل دسته بندی نیست. سطوح مختلفی از رده‌های فرماندهی تا نیروهای رزمنده عادی حزب‌الله با استعدادی بین ٥ تا ۷ هزار نفر در نقاط مختلف جبهه سوریه حضور یافتند. برخی منابع داخلی حزب‌الله این استعداد را تا ۸ هزار نفر نیز اعلام کرده‌اند و در عین حال به تردد هزار نیروی لبنانی غیر عضو در حزب‌الله اشاره دارند که با همانگی این سازمان وارد سوریه می‌شوند. (Middle East Report N۱۷٥, ۲۰۱۷:٦) حزب‌الله در موارد متعددی ابتکار عمل در روند مبارزه با داعش را در اختیار داشته که بخشی از آن نیز سازماندهی، آموزش و فرماندهی عملیاتی نیروهای شبه نظامی شیعه و گروه‌های غیر سوری بوده است.

مقدسات روز دوم می۲۰۱۳ با تخریب و نبش قبر حُجر بن عَدی صحابی پیامبر (ص) در غوطه شرقی در استان ریف دمشق کاملاً ملموس شد. البته روند حفاظت از مقدسات توسط هسته‌های شیعیان سوری و عراقی و افغانی مقیم سوریه از اواخر سال ۲۰۱۲ بواسطه ایجاد هسته‌های مسلح آغاز شده بود، اما از سال ۲۰۱۳ به شکل سازمان یافته و ملموس ادامه یافت. (آزاد (الف)، ۱۳۹۵: ٦٨-٦٩)

اولین هسته‌های گروه‌های شبه نظامی خارجی توسط عراقی‌های مقیم سوریه شکل گرفتند و در چارچوب کمیته‌های مردمی سوریه تسلیح شدند که توسط شبکه سیستم اطلاعات و امنیت سوریه سازماندهی شده بود. ابوعجیب یک شیعه سوری و عراقی تبارهایی چون ابوشهید (حیدر الجبوری)، ابوعلی درّاجی، ابوحمزه، شیخ ابوکرار البهلادی و ابوفاطمه موسوی در شکل‌گیری اولیه تیپ اباالفضل‌العباس نقش داشتند و در نهایت به فرماندهی در این شبکه مشغول شدند. تشکیل این تیپ خود هسته شکل‌گیری گروه‌های دیگری بود که به سرعت از تیپ اباالفضل‌العباس منشعب شدند. عراقی‌های مقیم سوریه از آگوست ۲۰۱۲ کمیته‌ای به نام سازماندهی ملی برای دفاع از سیده زینب تشکیل دادند. ثبت نام برای اعزام به سوریه از دفاتر کتائب حزب‌الله العراق و عصائب اهل‌الحق انجام شد و تعداد داوطلبان در بغداد تنها در یک روز به ۵۰۰ نفر رسید. گروه‌های عراقی با تاسیس دفاتری به نام پشتیبانی، جذب نیروی انسانی را از طریق ثبت نام اینترنتی و یا توزیع اعلامیه آغاز کردند. از ژانویه ۲۰۱۳، تبلیغات گروه‌های شیعه عراقی با شعار محوری «لبیک یا زینب»، برای جذب نیرو و اعزام به سوریه آغاز شد. در ادامه این روند با فتوای آیت‌الله شیخ قاسم طایی گروهی به نام تیپ اباالفضل‌العباس تشکیل شد. آیت‌الله طائی روز نهم آوریل ۲۰۱۳ برای بازدید از این تیپ به سوریه سفر کرد و در مورد منشاء تشکیل و ماموریت آن اینچنین توضیح داد:

> «این تیپ پس از لبیک جوانان شیعی تشکیل شد که پیام بزرگان مبنی بر لزوم تشکیل یک گردان نظامی مدافع مقدسات شیعه را به گوش جان خریدند و با تاسیس آن در مقابل تکفیری های اعزامی با پول شیوخ وهابی در سوریه مقابله کردند... من تنها مرجع تقلیدی هستم که برای دفاع از حرم حضرت زینب از تشکیل تیپ ابوالفضل العباس دفاع کرده است... راهبرد ما در چارچوب دفاع از حرم است و به نزاع میان ارتش و تکفیری‌ها تسری نمی‌یابد و بنابراین تیپ ابوالفضل‌العباس صرفا از حرم حضرت زینب دفاع می‌کند... مهم‌ترین مسئله مؤکد درباره تیپ ابوالفضل‌العباس این است که

> این مدافعان گرایش سیاسی به هیچ یک از طرفین مناقشه در سوریه ندارند و صرفا به دفـاع از حـرم حضرت زینب می‌پردازند. اکنون بسیاری از جوانان متدین سـوری بـا مشـاهده ایـن تیـپ و انگیـزه تشکیل آن برای دفاع از مقدسات به آن پیوسته‌اند.» (النجف نیوز، ۲۰۱۳)

بنابر اظهارات آیت‌الله شیخ قاسم طایی سازماندهی اولیه گروه‌های شبه نظامی عراقی در سوریه، با انگیـزه دفاع از حرم اهل بیت و تلاش برای عدم مداخله در مناقشه داخلی این کشور انجام شده اسـت. امـا ایـن روند از نیمه سال ۲۰۱۳ تغییر کرد و گروه‌های عراقی دلایل دیگـری را بـرای حضـور در سـوریه مطـرح کردند. به عنوان مثال جنبش نجباء حزب‌الله در عراق به رهبری شیخ اکرم عباس کعبی، انگیزه حضـور در سوریه را از دفاع از مقدسات به سمت اهداف سیاسی سوق داد و روز۳۰ آگوست ۲۰۱۳ اعـلام کـرد کـه اگر حکومت سوریه سقوط کند اهداف ایالات متحده آمریکا را هدف قرار خواهد داد. جنبش نجبـاء بـا تشکیل تیپ عمار بن یاسر برای اولین بار در جغرافیایی خارج از محـدوده مقدسـات شـیعه در نبردهـای استان حلب مشارکت کرد. حضور نیروهای عراقی در سوریه با مخالفت حوزه نجف و مرجعیت اعلی در عراق روبرو بود که پیشتر در بخش عراق درباره آن توضیح داده شد. بر همین اساس کمیته سـازماندهی ملی برای دفاع از حرم حضرت زینب (س) تلاش داشت اثبات کند با وجود تصدی ولایت فقیه (آیت‌الله خامنه ای)، نیازی به اذن شرعی سایر مراجع تقلید برای اعزام بـه سـوریه نیسـت. ایـن کمیتـه بـا صـدور بیانیه‌های ایجابی استدلال می‌کرد ولی فقیه بر مسئله اعزام به سوریه و عملکرد کسـانی کـه مسـئول ایـن اقدام هستند اشراف کامل دارد و در نتیجه شک و تردیدی در شرعی بودن اعزام به سوریه وجـود نـدارد. این بیانیه با فرض گرفتن صحت فتاوای برخی مراجع درباره عدم مصـلحت عزیمـت بـه سـوریه، چنـین فتاوایی را با وجود ولی فقیه غیر الزام‌آور تلقی و استدلال می کرد که چون آیـت‌الله سیسـتانی از ولایـت فقیه و رهبری او حمایت می‌کند، بنابراین شک و تردیدی در مشروعیت اعزام بـه سـوریه بـرای دفـاع از حرم حضرت زینب نیست. البته آیت‌الله خامنه‌ای در مقام ولایت فقیه هیچ‌گاه فتوای عمومی بـرای جهـاد در سوریه صادر نکرد، اما گروه‌های عراقی با استفتاء از سید کاظم حسنی حائری که از طرفـداران جـدّی ولایت فقیه است، تلاش کردند موازنه مشروعیت فقهـی بـرای اعـزام نیروهـای عراقـی عـازم سـوریه را سنگین‌تر کنند. آیت‌الله حائری روز پنجم نوامبر۲۰۱۳ در پاسخ به استفتایی درباره سـفر بـه سـوریه بـرای

دفاع از مقدسات، دلایل لزوم این اقدام را به دامنه‌ای فراتر از مسائل مـذهبی تسـری داده و ایـن اقـدام را مشروط به رهبری از سوی آیت‌الله خامنه‌ای کرده بود:

«مسئله سوریه و دفاع از سیده زینب و رقیه (علیهما سلام) نیست. مساله رویارویی با کفر اسـت کـه تصدی مرکز جهان اسلام را به دست گرفته و دفاع از مرکز اسلام واجـب اسـت بـه شـرط آنکـه از رهبری کار توسط رهبری فاسد اجتناب شود و کل راه‌هایی که به ولایت ولی امر مسلمین سید علـی خامنه‌ای ختم می‌شود صحیح است.» (آزاد، ۱۳۹۵: ۷۲-۷۱)

جدول ٤-۳۷- روند حضور نیروهای مدافع حرم عراقی در سوریه

دوره زمانی	کنش	شرح
تابستان و زمستان ۲۰۱۲	توسعه گروه‌های محلی	تشکیل کمیته‌های دفاع مردمی در سوریه و تیپ ابالفضل العباس
زمستان ۲۰۱۲ تا تابستان ۲۰۱۳	اعزام گروه‌های عراقی به سوریه	هسته‌های کوچک فعالیت در سوریه را آغاز کردند.
بهار ۲۰۱۳	آغاز تمرین نظامی در سوریه	مشارکت در عملیات‌هایی فراتر از جغرافیای حرم
اوایل تابستان ۲۰۱۳	آغاز اقدامات مشروعیت بخش	گسترش دایره ادبیات ایجابی از اهداف مذهبی به اهداف سیاسی

(آزاد، ۱۳۹۵: ۷۳)

جدول ٤-۳۸- توزیع جغرافیایی گروه‌های عراقی در سوریه

نام گروه	جغرافیای عملیاتی	نام گروه	جغرافیای عملیاتی
لواء کفیل زینب	دمشق، ریف دمشق، حلب، حمص	لواء ذوالفقار	دمشق
لواء اباالفضل العباس	دمشق، حلب	سرایا انصارالله	دمشق
فیلق وعد الصادق	دمشق	کتائب سیدالشهداء	دمشق، درعا
جیش المؤمل	دمشق	لواء عمار یاسر (جنبش نجباء)	حلب
لواء حمزه السیدالشهداء(ع)	دمشق	لواء الحمد (جنبش نجباء)	حلب
کتائب حزب‌الله	حلب	لواء الامام الحسن‌المجتبی(جنبش نجباء)	دمشق
کتائب امام علی(ع)	دمشق	قوات زینب کبری	دیرالزور
کتائب الصابرون	دمشق	فوج التدخل‌السریع	دمشق
لواء اسدالله الغالب	دمشق، ریف دمشق، لاذقیه	سرایاالدفاع الشعبی	دمشق
لواء الامام الحسین	دمشق، ریف دمشق	سرایا الخراسانی	حلب
لواء المؤمل	دمشق	تشکیلات اسد بغداد	دمشق
لواء محمدباقر صدر(سازمان بدر)	ریف دمشق	کتائب حیدرالکرار للقناصه	نقاط مختلف

(Beshara and Roche, ۲۰۱٦:٤۸)

استعداد نیروهای عراقی در سوریه تا سال ۲۰۱۷ به طور متوسط به ۱۷ هزار نفـر رسـید. عـلاوه بـر ایـن، نیروهای شیعه افغانی و پاکستانی تبار نیز وارد سـوریه شـدند. از نظـر اسـتعداد و انسـجام هسـته اصـلی نیروهای انتقال یافته به جبهه‌های مهم، شیعیان افغانی تبار بودند که در سـال ۲۰۱٤ در قالـب یـک گـروه

پیش‌قراول داوطلب با استعداد ۲۲ نفر وارد سوریه شدند و استعداد آنها تا قبل از سال ۲۰۱۷ به ۱٤ هـزار نفر رسید. هسته دوم، شامل شیعیان پاکستانی بود که یک هسته۵۰ نفره از آنان در سال ۲۰۱۵ توسط ایران به سوریه اعزام شد و استعداد آنها تا سپتامبر ۲۰۱٦ به ۷ هزار نفر افزایش یافت. (Kozak, ۲۰۱۵, ۱۷)

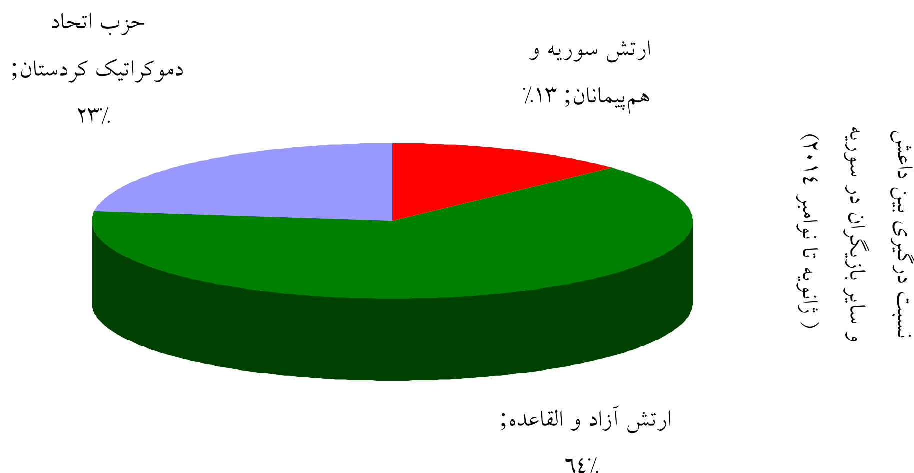
جدول٤-۳۹- توزیع جغرافیاییِ حزب‌الله لبنان، گروه‌های افغانی و پاکستانی در سوریه

نام گروه	جغرافیای عملیاتی
فاطمیون (افغان)	دمشق، ریف دمشق, حلب، حمص، درعا، ادلب
حزب‌الله افغان	درعا
زینبیون(پاکستان)	دمشق، ریف دمشق، حلب
جیش حزب‌الله پاکستان	دمشق، ریف دمشق، حلب
حزب‌الله لبنان	دمشق، ریف دمشق، حلب، حمص، درعا، لاذقیه، قنیطره، حما

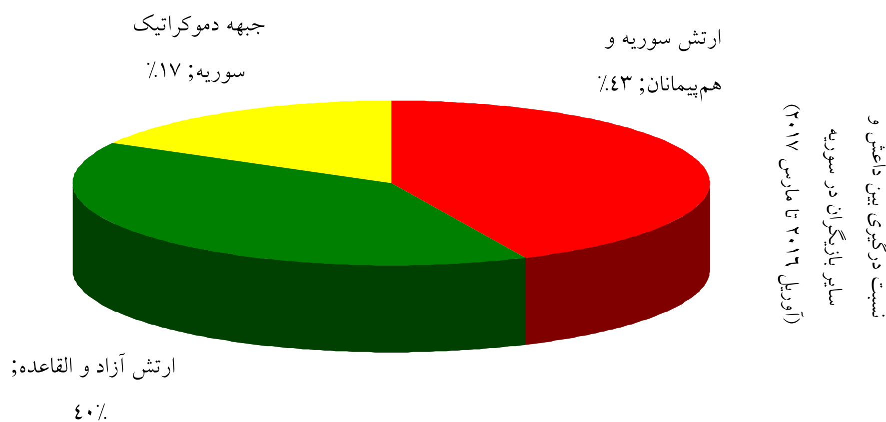
(Beshara and Roche, ۲۰۱٦: ٤۸)

مطابق الگوی جنگی و دلایلی که پیش‌تر توضیح داده شد، انطباق جغرافیای گروه‌های شبه نظامی سـوری و پس از آن مدافعان حرم با جغرافیای حضور داعش در این کشور نیز حکایت از ایـن واقعیـت دارد کـه بخش زیادی از استعداد این نیروها همانند ارتش سوریه در جبهه جنگ داخلی با معارضین صـرف شـده است. این نیروها هیچ عملیات زمینی برای بازپس‌گیری رقّه به عنوان مرکز ثقل فیزیکی داعش در سـوریه انجام ندادند. همچنین تا زمان آغاز تثبیت وضعیت جبهه جنگ با معارضـین، عملیـات ایـن نیروهـا علیـه مواضع داعش در دیرالزور به عنوان دومین منطقه استراتژیک تحت کنترل داعش آغاز نشد. به طـور کلّـی می‌توان چنین استدلال نمود که ساز و کارهای بکارگرفته شده توسط دولت سـوریه و ایـران، بـه عنـوان تابعی از وضعیت جنگ در جبهه نبرد دارای کارکرد برای تأمین اهدافی با اولویت بیشتر از نابودی یا مهار داعش بوده‌اند. البته این اولویت ها با تثبیت وضعیت جبهه جنگ داخلی تغییر کرد. به عنوان مثال نسـبت درگیری بین داعش با سایر بازیگران در بازه زمانی ژانویه تا نوامبر ۲۰۱٤ حکایت از این دارد که تنها ۱۳٪ از حجم درگیری بین داعش، نیروهای سوری و هم‌پیمانانش بوده است. حال آنکـه ایـن نسـبت در بـازه زمانی بین مارس ۲۰۱٦ تا آوریل ۲۰۱۷ به ٤۳٪ افزایش یافته است. (IHS Markit, ۲۰۱۷:۱-۲)

نمودار ٤-٢٦- نسبت درگیری بین داعش و سایر بازیگران تا ژانویه ٢٠١٤



نمودار ٤-٢٧- نسبت درگیری بین داعش و سایر بازیگران از آوریل ٢٠١٦ تا مارس ٢٠١٧



(IHS Markit, ٢٠١٧:١-٢)

٤-١١- ائتلاف بین‌المللی و ساز و کارهای ثانویه در سوریه

ائتلاف بین‌المللی عزم ذاتی به فرماندهی آمریکا خود به عنوان یکی از ساز و کارهای مهار و نابودی مراکز ثقل فیزیکی داعش در عراق و سوریه وارد عمل شد. ایـن ائـتلاف بـا یـک مـاه و ١٢ روز تـأخیر، از ٢٠ سپتامبر ٢٠١٤ عملیات هوایی علیه مواضع داعش در سوریه را آغاز کـرد. امـا آغـاز عملیـات ائـتلاف در سوریه دارای یک تفاوت اساسی با اقدام این نهاد بین‌المللی در عراق بود. دولت وقت عراق بواسطه نامـه هوشیار زیباری وزیر امورخارجه وقت در تاریخ ٢٥ جولای ٢٠١٤ به شورای امنیت سازمان ملـل، ضـمن

تشریح وضعیت کشور، از این نهاد و سایر کشورها برای مبارزه با داعش درخواست کمک کـرد. بعـد از تشکیل ائتلاف بین‌المللی، نیز ابراهیم جعفری وزیر خارجه جایگزین زیباری طی نامـه ۲۲ سـپتامبر ۲۰۱٤ به شورای امنیت از اقدام جامعه بین‌المللی برای مبارزه با داعش در عراق استقبال نمود.

(United Nations(S/۲۰۱٤/٤٤۰&٦٩١), ۲۰۱٤: ۱-۳)

اما این وضعیت در مورد سوریه متفاوت بود. زیرا دولت از شورای امنیت درخواستی در رابطه با مداخلـه این نهاد یا تشکیل یک ائتلاف بین‌المللی برای مبارزه با داعش نکرده بود. در عین حال سازمان اطلاعـات ایالات متحده از اکتبر ۲۰۱۳، کار آموزش و تجهیز معارضین معتدل در ترکیه و اردن را آغاز کرده بود کـه هدف از آن کمک به آنان برای تغییر رژیم بود. بشار اسد به طور تلویحی پیشنهاد همکـاری بـا آمریکـا و ائتلاف را مطرح کرد. او بمباران مواضع داعش توسط ائتلاف را مشروط به موافقت دمشق و در عین حال مشارکت نیروهای ارتش سوریه در عملیات زمینی نمود. البته دولت و وزارت دفاع آمریکـا بارهـا تحقـق چنین وضعیتی را محال اعلام کردند و تصریح نمودند که ایالات متحده و ائـتلاف بـین‌المللـی بـا دولـت سوریه در روند مبارزه با داعش همکاری نخواهند نمود. دولت آمریکا بر این نکته تأکید داشت کـه اسـد باید کناره‌گیری خود از ریاست جمهوری را اعلام و به شیوه دموکراتیک شرایط تشکیل دولت انتقـالی را فراهم آورد. (Pollack, ۲۰۱٤: ۹-۳۵)

با وجود عدم رضایت دولت سوریه برای مداخله نظامی علیه داعش در خاک این کشور، دولت آمریکا بـا استناد به ناتوانی دولت سوریه در حمله به داعش و با استناد به حق دفاع مشروع، حملات در سوریه علیه داعش را آغاز نمود. سامانتا پاور نماینده آمریکـا در سـازمان ملـل، روز ۲۳ سـپتامبر ۲۰۱٤ بـا اسـتناد بـه پیوست‌های S/۲۰۱٤/٦٩١ و S/۲۰۱٤/٤٤۰ که استمداد رسمی دولت عراق از شورای امنیـت و سـایر کشورها برای مبارزه با داعش مطرح شده بود به عدم توانایی رژیم سوریه برای مبارزه مؤثر بـا داعـش و پناهگاه‌های امن این گروه اشاره و تصریح کرد که ایـالات متحـده حمـلات خـود علیـه داعـش و گـروه خراسان (القاعده) در سوریه را که منافع آمریکا در سرتاسر جهان را تهدید می‌کند آغاز کرده است.

(United Nations (S/۲۰۱٤/٦٩٥), ۲۰۱٤:۱-۲)

برخی بر این باورند که دکترین عدم توانایی دولت سوریه در حقوق بین‌الملل پذیرفته نشده و همچنان محل اختلاف است و نمی‌توان ادعای ناتوانی این کشور را مجوزی برای مداخله در سوریه دانست. زیرا دولت‌ها تنها در صورت رضایت صریح دولت، دفاع مشروع و تجویز شورای امنیت ذیل ماده ٤٢ منشور می‌توانند در سرزمین کشور دیگری به زور متوسل شوند. (طباطبایی لطفی، شارق، ١٣٩٥: ١٩٨-١٩٥)

با وجود این، شورای امنیت سازمان ملل متحد روز ٢٠ نوامبر ٢٠١٥ با استناد به حملات داعش دیگر نقاط جهان از سایر کشورها خواست داعش را تهدیدی جهانی و بی‌سابقه علیه صلح و امنیت بین‌المللی قلمداد کرد و از دولت‌هایی که توانایی لازم را دارند دعوت کرد تا تمام اقدامات مطابق با حقوق بین‌الملل مخصوصاً منشور ملل متحد، همچنین حقوق بشر، پناهندگی و حقوق بشردوستانه در مناطق تحت کنترل داعش با تشدید و هماهنگ کردن اقداماتشان برای جلوگیری و سرکوب افعال تروریستی که توسط داعش، جبهه النصره و سایر گروهها و اشخاصی که با القاعده همکاری می‌کنند و مکان امن آنها در سوریه و عراق را از بین ببرند.(United NationsS/RES/٢٢٤٩ (٢٠١٥), ٢٠١٥: ١-٢)

بنابراین ایالات متحده مشروعیت لازم برای اقدام نظامی در سوریه را کسب کرد، اما به دلیل عدم همکاری با دولت مرکزی سوریه، مطابق با الگوی عملکرد سایر بازیگران که در این کشور فعال بودند، برای مبارزه با داعش دارای ملاحظاتی بود که بر پیچیدگی این روند افزود. با افزایش قدرت مانور داعش در سوریه، وزارت دفاع آمریکا از روز ١٦ جولای ٢٠١٤، (قبل از تشکیل ائتلاف) ٥٠٠ میلیون از پنج میلیارد دلار بودجه ضد تروریسم سالانه این نهاد را به آموزش و تجهیز نیروهای معارض معتدل سوری برای مبارزه با داعش اختصاص داد. پنتاگون بعد از تشکیل ائتلاف بین‌المللی این روند را از ٢٣ ژانویه ٢٠١٥ با آموزش حدود ١٠٠ نیروی موسوم به معارض معتدل در ترکیه آغاز کرد، اما بعد از ١٠ ماه به صورت یک‌طرفه این فرایند را متوقف کرد. دلیل توقف آموزش و تسلیح نیروهای معتدل مورد حمایت ایالات متحده آمریکا این بود که آنها بخش قابل توجهی از سلاح و تجهیزات دریافت شده را به جبهه‌النصره، (شاخه القاعده در سوریه) تحویل داده بودند. فرماندهی منطقه مرکزی در وزارت دفاع آمریکا، ساعت یک بعد از ظهر روز ٢٥ سپتامبر ٢٠١٥، اعلام کرد نیروهای سوری معتدل که توسط نیروهای ائتلاف در خاک ترکیه برای نبرد با داعش آموزش دیده‌اند، بخشی از تجهیزات خود را به یک

واسطه مشکوک که به نظر می‌رسد رابط نیروهای جبهه‌النصره بوده است تحویل داده‌اند. این خبر مبتنی بر تماس یک واحد از معارضین معتدل با نماینده ائتلاف بود که از تحویل ٦ کـامیون از تجهیـزات دریـافتی خود را به یک رابط از «جبهه‌النصره» طی روزهای ۲۱ و۲۲ سپتامبر ۲۰۱۵ خبر داده بود. این میزان معـادل یک‌چهارم کل تجهیزاتی بود که نیروهای معتدل سوری برای نبرد با داعش تحویل گرفته بودند. سـرهنگ پاتریک‌ریدر، سخنگوی فرماندهی منطقه مرکزی نسبت به گزارش نیروهای معتدل شـدیدا ابـراز نگرانـی کرد و چنین رخدادی را نقض قرارداد آموزش این نیروها قلمداد نمود. به دنبال این رخداد وزارت دفـاع آمریکا روز ۹ اکتبر۲۰۱۵، رسما از «مکث عملیاتی در سوریه» و «تغییر تمرکز به سمت نیروهای کُرد» خبر داد. پیترکوک سخنگوی مطبوعاتی وزارت دفاع آمریکا علت مکث عملیاتی را تلاش برای یافتن نیروهای زمینی انگیزه‌مند در مبارزه با داعش اعلام نمود و از کُردهای کوبانی به عنوان نمونه موفق چنین نیروهایی یاد کرد. پیترکوک سخنگوی وزارت دفاع آمریکا نیز به نقل از اشتون‌کارتر وزیر دفاع در این رابطه گفـت که چالش‌های عمده‌ای بر سر راه تجهیز و آموزش معارضان معتـدل سـوری وجـود دارد و بـا توجـه بـه پیچیدگی‌های موجود، پنتاگون به سمت نوعی مکث عملیاتی در تجهیز و آموزش نیروها حرکت خواهـد کرد. در نهایت وزارت دفاع آمریکا روز ٤ نوامبر ۲۰۱۵ از سازماندهی ساختار جدیـدی بـه نـام نیروهـای جبهه دموکراتیک سوریه خبر داد. (ابراهیمی‌فر، آزاد، ١٣٩٦: ٢٨)

هسته مرکزی جبهه دموکراتیک سوریه از نیروهای حزب اتحـاد دموکراتیـک تشـکیل شـد و ائـتلاف بخـش دیگری از این نیروها را تحت عنوان ائتلاف سوری‌های عرب[۱] معرفی کرد. براساس اعلام جبهـه دموکراتیـک سوریه و تأکید وزارت دفاع آمریکا استعداد این ساختار متشکل از نیروهای کانتون‌هـای خـودگردان روژاوا و قبایل عرب در استان‌های حسکه، حلب، رقّه و دیرالزور تشکیل شده بود، اما شـواهد عینـی حکایـت از ایـن داشت که نیروهای کُرد از خودگردانی روژاوا هسته اصـلی و مـورد اتکـاء در جبهـه دموکراتیـک سـوریه را تشکیل می‌دهند و آنچه از اعراب شنیده می‌شود صرفاً نام گروههایی است کـه یـا از اسـتعداد قابـل تـوجهی برخوردار نیستند و یا آنکه حزب اتحاد دموکراتیک عامدانه آنها را سرکوب می‌کند.[۲]

(Balanche (A), ٢٠١٦: ٢٩)

۱ . Syrian Arab Coalition

۲ . در رابطه با روژاوا، کانتون‌های خودگردانی و چالش‌های برآمده از آن در بخش تأثیر ساز و کارهای مهار داعش بر کشمکش قدرت در سوریه توضیح داده خواهد شد.

جدول ٤-٤٠- استعداد تخمینی نیروهای روژاوا متشکل از نیروهای اصلی و متحدین آن

نیروهای اصلی	واحدهای حمایت خلق	واحدهای حمایت زنان	نیروهای دفاع ذاتی	نیروهای امنیتی (آسایش)	پلیس
استعداد	٢٤٠٠٠ (کُرد)	١٣٠٠٠ (کُرد)	١٠٠٠٠ (کُرد)	٤٠٠٠ (کُرد)	١٠٠٠ (کُرد)
وظیفه	دفاع از کانتون	طرح برابری جنسیتی	دفاع شهری (آتش‌نشانی و...)	پلیس نظامی	پلیس نظامی
محل خدمت	کانتون‌های عفرین، کوبانی و جزیره	کانتون‌های عفرین، کوبانی و جزیره	کانتون‌های کوبانی و جزیره	کانتون‌های عفرین، کوبانی و جزیره	فقط کانتون جزیره
نیروهای متحد	**نیروهای دفاع خلق** (کُرد)	**گردان‌های بین‌المللی (غیر سوری)**	**سنادید (قبایل عرب)**	**گاردهای خابور (آسوری)**	**شورای نظامی سریانی**
استعداد	نامعلوم	٢٠٠	٤٠٠	٣٠٠	٢٠٠٠
وظیفه	نقش حمایتی	نقش حمایتی	نامشخص	نامشخص	نامشخص
محل خدمت	فقط کانتون کوبانی	کانتون‌های کوبانی و جزیره	فقط کانتون جزیره	فقط کانتون جزیره	فقط کانتون جزیره

(Casagrande, ٢٠١٦: ٢-٤)

جدول ٤-٤١- اعضاء ائتلاف سوری‌های عرب در جبهه دموکراتیک سوریه[1]

منطقه	نام گروه‌ها
کانتون عفرین و محله شیخ مقصود در حلب	جیش‌الثوار (عرب و کرد)، کتیبهٔ ثوار تل‌رفعت، لواء ٩٩ مشاهٔ، لواء القوات‌الخاصهٔ، اللواءالأول مغاویر حمص، قوات‌العشائر (اکثریت کرد)، جبههٔ الأکراد (کرد)، کتیبهٔ الشهیدهٔ جیان أحرص (جبههٔ حمایهٔ المرأهٔ للشهباء)، لواء الشمال الدیمقراطی، قوات الشهباء
شهر منبج	کتائب شمس الشمال (عرب، کرد و ترکمن)، ألویهٔ الفرات، لواء جند الحرمین، کتائب شهداء الفرات، لواء القوصی، کتیبهٔ ترکمان منبج (ترکمان)، کتیبهٔ الشهید کاظم عارف، لواء السلاجقهٔ (ترکمان)
شهرهای تل‌ابیض و رقّه	جبههٔ ثوار الرقهٔ، لواء صقور الرقهٔ، لواء شهداء الرقهٔ، فصیل لواء التحریر، لواء أحرار الرقهٔ، لواء أحرار الطبقهٔ، لواء أمناء الرقهٔ، لواء هارون الرشید، جبههٔ ثوار تل أبیض، لواء شهداء حمام ترکمان، بقایا لواء أویس القرنی
کانتون جزیره (استان حسکه)	نیروهای قبیلهٔ شمر، قوات النخبهٔ (قبایل شمر والشعیطات)، تجمع الضباط الأحرار، لواء صقور البادیهٔ (قبیلهٔ الشعیطات)، نیروهای قبایل الشرابیه و الزبید
شوراهای نظامی و گروه‌های شبه‌نظامی مستقل	شورای نظامی الباب، جبههٔ ثوار الباب، لواء شهداء قباسین (کرد)، کتائب شهداء ریف الباب، کتیبهٔ أحرار عریمهٔ، لواء الشهید سلو الراعی، لواء شهداء اکلعیبهٔ، کتیبهٔ نسائیهٔ لمجلس الباب العسکری، شورای نظامی جرابلس، کتائب فراس جرابلس، کتیبهٔ أحرار جرابلس، کتائب صقور جرابلس، کتائب ثوار منبج، شورای نظامی منبج، لواء تحریر الفرات، شورای نظامی دیرالزور ، شاخه سیاسی جبهه دموکراتیک سوریه

(عنب بلدی أونلاین، ٢٠١٧)

ژنرال جوزف دانفورد رئیس ستاد مشترک ارتش آمریکا روز ١٩ ژوئن ٢٠١٧ استعداد نیروهای جبهه دموکراتیک سوریه را ٥٠ هزار نفر اعلام و تصریح کرد که بین٢٠ تا ٢٥ هزار نفر از این استعداد را اعراب تشکیل می‌دهند. هرچند ایالات متحده بر نسبت تقریباً مساوی استعداد ائتلاف سوری‌های عرب و روژاوا در جبهه دموکراتیک سوریه تأکید دارد، اما واقعیت اینجاست که نیروهای روژاوا از ساختار منسجم و سیستمی برخوردارند و در مقابل گروه‌های عرب، منبعث از کُنش قبایل، متکثر و فاقد فرماندهی مشخص هستند. نتیجه چنین فرایندی تسلط سیستمی نیروهای حزب اتحاد دموکراتیک بر ساختار جبهه دموکراتیک سوریه است.

---

١ . لواء و الویه به معنی تیپ و کتیبه و کتائب به معنی گردان و گردان‌ها است. اطلاق تیپ و گردان به گروه‌ها الزاماً به معنی اینکه استعداد آنها هم ردیف یک تیپ یا گردان استاندارد است نمی باشد.

زیرا ایالات متحده بر اساس تجربه به این نتیجه رسیده بود که تنها نیروی مـورد اعتمـاد و انگیـزه‌منـد بـرای مبارزه با داعش کُردها هستند. (Clawson, ۲۰۱٦: ۱۰)

«مصطفی سیجری»، رئیس دفتر سیاسی «لواء المعتصم» از شاخه‌های ارتش آزاد سوریه در این رابطه گفته بود:

> «حمایت آمریکا از نیروهای عرب سلبی و غیرحقیقی است. دلیل این امر نیـز تـرس غیـرواقعـی آمریکا از تحویل تسلیحات اعطایی آمریکا به داعش و القاعده توسط ارتش آزاد سوریه است.»
>
> (إسمارت نیوز (الف)، ۲۰۱٦)

عدم حمایت آمریکا از نیروهای عرب در جبهه شمالی یک اهرم کمک کننده به حزب اتحاد دموکراتیک برای جلوگیری از تشکیل یک ظرفیت عربی در این جبهه بوده است. به عنوان مثال روز ۱۵ دسـامبر ۲۰۱۵ عشـایر حومه رقّه برای جلوگیری از تسلط حزب اتحاد دموکراتیک بر اراضی عربی و تل‌ابیض ساختار جدیدی به نام «جیش العشایر الرقّه» تشکیل دادند، اما به مدّت سه هفته توسـط نیروهـای دفـاع خلـق در حومـه تـل‌ابـیض محاصره شدند و در نهایت «جبهه الثوار الرقه» از شاخه‌های ارتش آزاد سوریه روز هفتم ژانویـه ۲۰۱٦ اعـلام کرد که «جیش العشایر الرقه» با وجود برخورداری از دو هزار نفر استعداد رزمی به دلیل عدم دریافت حمایت تسلیحاتی و مالی توسط کُردها، منحل شده است. (سوریا علی طول، ۲۰۱٦)

ایالات متحده طی روند عملیات آزادی رقّه (غضب فرات) تعداد مستشـاران خـود در کنـار نیروهـای جبهـه دموکراتیک سوریه را به ۵۰۰ نفر افزایش داد و علی رغم دسترسی به پایگاه‌های هوایی در ترکیه، شش پایگاه نیز در مناطق تحت سیطره حزب اتحاد دموکراتیک دایر کرد که در سه استان سوریه پراکنده بودند. سه مـورد از این پایگاه‌ها، فرودگاه‌های نظامی رمیلان (حسکه)، صوران (حلب) و طبقه (رقّه) بودنـد کـه بـرای ارسـال تجهیزات و لجستیک مورد استفاده قرار گرفتند و چهار مورد دیگر نیز پایگاه‌های نظـامی تـل‌تمـر و شـدادی (حسکه) و عین عیسی (حلب) بودند. پنتاگون علیـرغم مخالفـت شـدید ترکیـه از روز۳۰ مـی۲۰۱۷، انتقـال تسلیحات سنگین و پیشرفته به نیروهای جبهه دموکراتیـک سـوریه را آغـاز کـرد. (أولیفـر، العلـو، ۲۰۱۷: ۵) وزارت دفاع آمریکا در لایحه بودجه نظامی سال ۲۰۱۸ در بخش عملیـات‌هـای احتمـالی خـارج از کشـور[۱]، خواستار ارتقاء تنخواه از ٤۳۰ به ۵۰۰ میلیون دلار در بخش مبارزه با داعش شد.[۲] وزارت دفاع آمریکا در دفاع

۱. Overseas Contingency Operations (OCO)
۲ . Counter Islamic State of Iraq and Syria (ISIS)Train and Equip Fund (CTEF)

از این لایحه به آموزش استعداد تقریبی ۲۵ هزار نفر از معارضین غربال شده تـا پایـان سـال ۲۰۱۷ اشـاره و پیش‌بینی کرده بود که ۵ هزار نفر دیگر نیز در سال ۲۰۱۸ به ایـن تعـداد افـزوده خواهـد شـد. وزارت دفـاع تصریح کرده بود که این نیروها در زمین‌های آزاد شده در سال ۲۰۱۷ استقرار یافته‌اند و در پاکسازی باقیمانده اراضی در سال ۲۰۱۸ مشارکت خواهند کرد.

(Department Of Defense Budget Fiscal Year (FY) ۲۰۱۸, ۲۰۱۷: ۱۸)

درخواست وزارت دفاع برای تصویب۵۰۰ میلیون دلار تنخواه مرتبط بـا برنامـه آمـوزش و تسـلیح نیروهـای عرب است و در طرح پیشنهادی آن هیچ نامی از نیروهای روژاوا یا حزب اتحاد دموکراتیک برده نمی‌شود. با وجود این به نظر می‌رسد تنخواه درخواست شده وزارت دفاع آمریکا در اختیار جبهه دموکراتیـک کردسـتان قرار میگیرد که هسته آن را نیروهای روژاوا تشکیل می‌دهند.

جدول ٤-٤٢- درخواست بودجه وزارت دفاع برای تسلیح و آموزش جبهه دموکراتیک سوریه

دسته بندی (براساس میلیون دلار)	نرخ درخواست در بودجه ۲۰۱۷	نرخ درخواست در بودجه ۲۰۱۸
تسلیحات، مهمات و تجهیزات	۳۲۲,۵	۳۹۳,۳
تأمین حداقل نیازهای زندگی	۷,۳	٦,۱
حمل و نقل و اداره	٤۱,۳	٤۰
تثبیت عملیات و هزینه‌های ضروری	۵۸,۹	٦۰,٦
مجموع	٤۳۰	۵۰۰

(Department Of Defense Budget Fiscal Year (FY) ۲۰۱۸, ۲۰۱۷: ۱۸)

نیروهای جبهه دموکراتیک سوریه بعـد از تأسـیس بـا پشـتیبانی هـوایی، مستشـاری و لجسـتیک ائـتلاف بین‌المللی در ۸ نبرد کوتاه مدت و میان مدت با داعش درگیر شدند و بعد از آزادی اراضی تحـت کنتـرل این سازمان بر آنها مسلط شدند. ائتلاف با اتکاء به جبهه دموکراتیک سوریه دو نبرد بزرگ را هدایت کرد که یکی از آنها با عنوان «خشم فرات»[۱]، رقّه را به عنوان مرکز ثقل فیزیکی داعش در سوریه هدف قرار داد و دیگری با عنوان «طوفان جزیره»[۲] با پیش‌روی به سمت استان دیرالزور در کرانه شرقی رود فرات تسلط بر حوزه های اصلی نفت و گاز سوریه را آغاز کرد. (CJTF-OIR (A), ۲۰۱۷)

[۱] . غضب الفرات

۲ . عاصفه الجزیره

جدول ٤-٤٣- عملکرد نیروهای جبهه دموکراتیک سوریه علیه داعش

نام نبرد	تاریخ	موقعیت جغرافیایی	استعداد	نتیجه
الهول	٣١ اکتبر تا ٣٠ نوامبر ٢٠١٥	شرق استان حسکه	٢٧٠٠ نفر	تسلط بر ٢٤٠ روستا، دو میدان نفتی و دو میدان گاز، پایگاه گردان ١٢١ ارتش، سدّ باسل اسد در جنوب حسکه و ٦ ایستگاه مرزی با عراق (١٤٠٠کیلومتر مربع)
سد تشرین	٢٣ تا٣٠ دسامبر ٢٠١٥	شمال شرق استان حلب	نامعلوم	تسلط بر سد تشرین و ١٠٠ روستا (٦٤٠ کیلومتر مربع)
شدادی	١٧ نوامبر ٢٠١٥ تا ٢٠ فوریه ٢٠١٦	جنوب استان حسکه	٦٠٠٠ نفر	تسلط بر شهر شدادی و ٤٧ روستا (٢٤٠٠ کیلومتر مربع)
تل ابیض	٣١ می تا ١٦ ژوئن ٢٠١٥	استان رقّه	٤٠٠٠ نفر	تسلط بر شهرهای تل ابیض، سلوک و ٣٠ روستا و پایگاه گردان ٩٣ ارتش و بخشی از بزرگراه ام-٤ (٤ هزار کیلومتر مربع)
منبج	٣١ می تا ٢٧ آگوست ٢٠١٦	استان حلب	نامعلوم	تسلط بر شهر منبج و ١٠٥ روستا
رقّه	٦ نوامبر ٢٠١٦ تا ١٧ اکتبر ٢٠١٧	استان رقّه	٤٠٠٠٠	شهرهای استان رقّه در کرانه شرقی فرات
طبقه	٢٢ مارس تا ١٠ می ٢٠١٧	استان رقّه	٣٠٠٠	تسلط بر شهر، سدّ و پایگاه هوایی طبقه
دیرالزور	٩ سپتامبر تا ١٧ نوامبر ٢٠١٧	استان دیرالزور	نامعلوم	تسلط بر کرانه شرقی فرات و ٩٨٪ از منابع نفت

(Operation Inherent Resolve Report to the United States Congress, ٢٠١٧: ٢٣-٣٠)

٤-١٢- ساز و کارهای مهار داعش و کشمکش قدرت در سوریه

پیش‌تر توضیح داده شد که ساز و کارهای مهار و نابودی داعش در سوریه بر بستر بحران و جنگ داخلی این کشور شکل گرفتند. این ساز و کارها توسط دو قطب درگیری ایجاد شدند. از یک سو دولت مرکزی سوریه و متحدینش اقدام به استفاده از ظرفیّت نهادهای نظامی رسمی این کشور و نیز ایجاد ظرفیّت‌های بالفعل در قالب ایجاد نهادهای غیر رسمی برای مبارزه با داعش کردند. از سوی دیگر ائتلاف بین‌المللی به فرماندهی ایالات متحده با اتکاء به بسیج نیروهای غیر رسمی پرداخت و بدون اجازه دولت مرکزی سوریه حمله به مرکز ثقل فیزیکی داعش در رقّه و سایر نقاط تحت کنترل این سازمان را آغاز نمود. ائتلاف برای تأمین بخش اصلی نیروی انسانی در عملیات‌های زمینی، تسلیح نیروهای کُرد وابسته به حزب اتحاد دموکراتیک را در دستور کار قرار داد و حول این هسته مرکزی، آموزش، تسلیح و سازماندهی معارضین مسلح را آغاز کرد که هدف بنیادین آنها تغییر رژیم در سوریه بود. این روند به تعارض پیچیده منافع بازیگران در سوریه منجر شد. یک سال بعد از آغاز عملیات هوایی و زمینی ائتلاف، روسیه نیز با دعوت رسمی دولت سوریه برای مبارزه با تروریسم عملیات نظامی در این کشور را آغاز کرد. روسیه با این اقدام ضمن ایجاد بازدارندگی در مقابل ایالات متحده، موازنه قدرت را بر بستر مبارزه با تروریسم به نفع دولت مرکزی سوریه تغییر داد. ترکیه نیز تلاش کرد ایالات متحده را از هم‌پیمانی با

حزب اتحاد دموکراتیک (شاخه پ.ک.ک در سوریه) بازدارد، اما به دلیـل عـدم موافقـت آمریکـا بـا ایـن درخواست و بعد از پیش‌روی نیروهای این حزب بر روی زمین، ترکیه نیز بـدون اجـازه دولـت سـوریه، سازماندهی و پشتیبانی رزمی و لجستیک نیروهای شبه نظامی معارض را بـا هـدف مبـارزه بـا تروریسـم (پ.ک.ک و داعش) آغاز کرد.

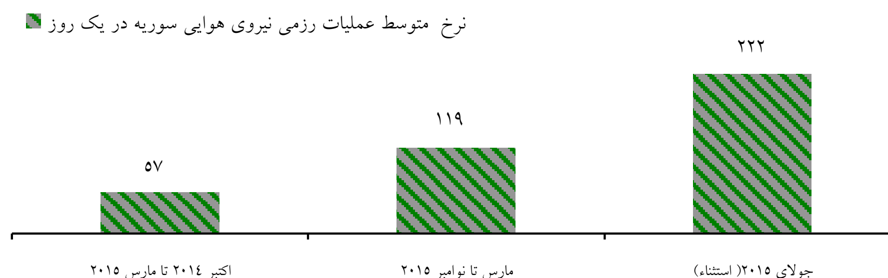
روسیه و ترکیه به عنوان بخشی از ساز و کارهای نابودی و مهار داعش وارد عمل شدند و ساز و کارهای ثانویه‌ای را فعال ساختند که نتیجه آن رویارویی پیچیده ساز و کارهای مهار و نابودی داعش در چارچوب کشمکش قدرت بود. این روند به دلیل منافع مشترک بازیگران در بلوک‌های مخالف حتـی بـه رویـارویی بخشی از ساز و کارها در یک بلوک متحد منجر شد. بنابراین در ادامه تـلاش خواهـد شـد ایـن ادعـا در چارچوب تشریح آثار ورود روسیه و ترکیه در روند مبارزه با داعش مورد ارزیابی قرار گیرد.

٤-١٣- ورود روسیه و توازن ساز و کارها

بشار اسد، رئیس جمهور سوریه روز ٢٦ جولای ٢٠١٥، در یک سخنرانی که به شکل زنـده از تلویزیـون دولتی این کشور پخش می‌شد به روند کاهش تعداد نظامیان ارتـش بـه دلیـل مـرگ و میـر، پیوسـتن بـه مخالفان و فرار از خدمت اشاره و تصریح کرد که ارتش نمی‌تواند در هر بخشی از کشور حضـور داشـته باشد. این اظهارات اسد به روند حاکم بر جبهه شمال غرب اشاره داشت که بر اساس آن طی روزهای ٢٧ مارس و ٢٦ آوریل ٢٠١٥، کنترل کامل استان ادلب از اختیار دولت مرکزی خارج شده بود. علاوه بر این، روز دوم آگوست ٢٠١٥، آلیستر بسکی سخنگوی شورای امنیت ملی دولت آمریکا اعلام کرد کـه ایـالات متحده برای اطمینان از موفقیت نیروهای معتدل سوری آموزش دیده توسط پنتاگون در انجـام مأموریـت، گام‌های لازم را انجام خواهد داد که شامل آتش دفاعی برای دفاع از آنها خواهد بود. اظهارات بسـکی بـه معنی احتمال مقابله ائتلاف با توان هوایی سوریه بود که بر خلاف نیروی زمینی همچنان با تمـام ظرفیّـت در خدمت باقی مانده بود. نیروی هوایی سوریه از اکتبر ٢٠١٤ تا مـارس ٢٠١٥ بـه طـور متوسـط ١٧١٠ عملیات در هر ماه انجام داده بود که معادل ٥٧ عملیات در هر روز بود. نیـروی هـوایی در ٩ مـاه بعـد از مارس، ٣٥٥٣ عملیات رزمی در هر ماه انجام داد که معادل ١١٩ عملیات در هر روز بود. بـر ایـن اسـاس

حملات هوایی سوریه از ماه مارس تا نوامبر۲۰۱۵، به دو برابر افزایش یافته بود. همچنین نیروی هوایی سوریه بعد از سقوط ادلب، ٦٦٧٣ سورتی پرواز رزمی در ماه جولای انجام داد که معادل ۲۲۲ عملیات رزمی در هر روز و افزایش نرخ ٤ برابری (۳,۹۰) حملات هوایی بود. بنابراین نیروهای هوایی سوریه، برخلاف ارتش، توان رزمی خود را به خوبی حفظ کرده بود. البته نرخ عملیات در ماه جولای ۲۰۱۵ یک استثناء بود که نشان می‌داد نیروی هوایی سوریه قادر به افزایش غیر مترقبه عملیات‌های هوایی است. از سوی دیگر افزایش چشمگیر نرخ حملات هوایی حکایت از این داشت که نیروی هوایی در حال جبران ضعف نیروی زمینی در ایجاد بازدارندگی در مقابل پیش‌روی معارضین است. (آزاد (الف)، ۱۳۹۵: ٤٤)

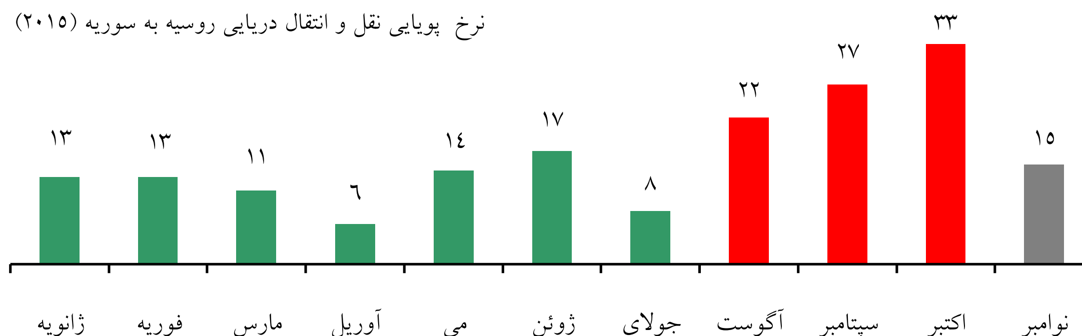
نمودار ٤-۲۸- توانایی انعطاف پذیری نیروی هوایی سوریه



(آزاد (الف)، ۱۳۹۵: ٤٤)

بنابراین با افزایش شواهد فروپاشی زمینی و احتمال آغاز بازدارندگی یا اعمال محدودیت پرواز در مقابل توان نیروی هوایی توسط ائتلاف، روسیه از روز ۱۵ ژوئن ۲۰۱۵ تحویل تسلیحات سنگین به ارتش سوریه را آغاز کرد و از روز ٤ سپتامبر ۲۰۱۵ ترابری نظامی در فرودگاه باسل اسد در بندر لاذقیه، به طور فزاینده‌ای افزایش داد. طی دو ماه قبل از آغاز عملیات در سوریه، ٦۹ فروند از جنگنده بمب افکن‌های روسیه به پایگاه حمیمیم در لاذقیه منتقل شدند و دینامیک نقل و انتقال دریایی از بندر نووراسییسک به بندر طرطوس از طریق تنگه بسفر تا ٤۹ سفر (۳۳ سفر نظامی) افزایش یافت که نرخ آن نسبت به دو ماه ابتدای سال ۲۰۱۵ به دو برابر افزایش یافته بود. (InformNapalm, ۲۰۱۵)

نمودار ٤- ٢٩- انتقال لجستیک روسیه به سوریه در سال ٢٠١٥



(InformNapalm (A), ٢٠١٥)

انتقال اسکادران‌های هوایی و یگان‌های نظامی روسیه به سوریه طی ماه‌های آگوست و سپتامبر ٢٠١٥ به خوبی مؤید این مسئله بود که روسیه به زودی عملیات نظامی در سوریه را آغاز خواهد کرد. بر همین اساس نیز یگان‌های رزمی ارتش روس در استان‌های لاذقیه، حما، ریف دمشق و حلب مستقر شدند.

(InformNapalm, ٢٠١٦)

جدول ٤-٤٤- نیروهای روس منتقل شده به سوریه طی ماه‌های آگوست تا سپتامبر ٢٠١٥

نقاط استقرار نیروهای روس	یگان‌ها و ادوات انتقال یافته به سوریه
حلب	تانک‌های تی- ٩٠
لاذقیه (بندر و پایگاه حمیمیم)	تیپ٢٧ تفنگداران (موتوریزه)، تانک‌های تی- ٩٠، توپ‌های هویتزر، نفربرهای بی.تی.آر-٨٢
حما (دو پایگاه)	تیپ ٢٤ نیروهای ویژه، تیپ‌های ٢٨،٣٢ و ٧٤ تفنگداران (موتوریزه)
ریف دمشق (فرودگاه تَلکَلَخ)	تیپ ٣٣٦ تفنگداران دریایی
نامعلوم	تیپ ٦١ و ٨١٠ تفنگداران دریایی، تیپ١٢٠و گردان هشتم توپخانه، تیپ٦١ تفنگداران دریایی، راکت‌اندازهای تی.او.اس

(InformNapalm, ٢٠١٦)

ولادیمیر پوتین روز ١٥ سپتامبر ٢٠١٥، در نشست سازمان پیمان امنیت جمعی (سی.اس.تی.او) در شهر دوشنبه، پایتخت تاجیکستان برنامه روسیه در سوریه را اعلام کرد. او با اشاره به افزایش نفوذ داعش در افغانستان و عراق و سوریه به تهدید این سازمان برای مکه و مدینه و اروپا و روسیه بر لزوم تشکیل یک نیروی مشترک علیه این تهدید تأکید کرد. پوتین از طرح روسیه برای تشکیل یک ائتلاف علیه تروریسم در عراق و سوریه خبر داد و برخلاف آمریکا بر حمایت از دولت سوریه در روند مبارزه با تروریسم تأکید و سایر کشورها را مبارزه با تروریسم در چارچوب این ائتلاف دعوت کرد.

(President of Russia (A): ٢٠١٥)

البته روسیه قبل از آغاز مشارکت در عملیات نظامی از سال ۲۰۱۳ بواسطه انتقال انواع تسلیحات بـه بنـدر طرطوس به دولت سوریه در جنگ داخلی کمک کرده بود. از ژانویه ۲۰۱۳ تا نـوامبر ۲۰۱۵، ۵۵ نـاو از ٤ ناوگروه ۱۱۹ بار به بندر طرطوس در سوریه بار حمل کردند که ۲۸ ناو از این تعداد، به طـور انحصـاری، نیرو و اقلام نظامی به سوریه منتقل می‌کردند. (InformNapalm, ۲۰۱٦)

جدول ٤–٤٥– نرخ انتقال تسلیحات روسیه به بندر طرطوس سوریه قبل از مشارکت نظامی

سال	تعداد سفر	ناوگان دریای بالتیک		ناوگان دریای سیاه		ناوگان شمال		ناوگان پاسفیک	
		جنگی	غیر جنگی	جنگی	غیر جنگی	جنگی	غیر جنگی	جنگی	غیر جنگی
۲۰۱۳	۲۹	۳	۱	٤	۲	۰	٤	۲	۲
۲۰۱٤	٤٦	۳	۱	٤	۳	۳	۱	۰	٤
۲۰۱۵	٤٤	۲	۲	۷	۱	۱	۳	۰	٤

(InformNapalm, ۲۰۱٦)

روسیه از روز۳۰ سپتامبر ۲۰۱۵، عملیات‌های هوایی روزانه در سوریه را آغاز کرد. نیروی هـوایی روسـیه بـه طور متوسط با ۵۰ عملیات رزمی در روز، حجم عملیات‌های روزانه را بین ۲۹ تا ٤۷ درصد افـزایش داد کـه تقریباً تمام آنها متوجه مناطق مورد منازعه بین ارتش سوریه و معارضین در جنگ داخلـی بـود. جـان کربـی سخنگوی دولت آمریکا ۹۰ درصد حملات روسیه متوجه اهدافی غیر از داعش اعـلام کـرد. شـورای روابـط خارجی آمریکا نیز با یک تخمین مشابه، ۸۵ تا ۹۰ درصد حملات نیروی هوایی روسیه را متوجـه معارضـین معتدل سوری ارزیابی نمود. باراک اوباما رئیس جمهور وقت آمریکا نیز عصر جمعه دوم اکتبر ۲۰۱۵ در یـک کنفرانس خبری مشارکت نظامی روسیه در سوریه را شکل آشکار حمایت از بشار اسد خواند و در این رابطه گفت:

«من به آقای پوتین گفتم در صورتی که اگر او حاضر به میانجی‌گری با شرکای خود آقـای اسـد و ایـران برای یک انتقال سیاسی باشد، حاضر به کار با او هستم. ما می‌توانیم بقیه جامعه جهانی را نیـز وارد رونـد میانجی‌گری کنیم. اما یک راه صرفاً حل نظامی، به معنی تلاش فاقد کارایی روسیه و ایـران بـرای سـر پـا نگاه داشتن اسد و ساکت کردن مردم است که آنها را به سمت یک باتلاق هدایت خواهـد کـرد. مـن بـه پوتین گفتم تمام دنیا در نابودی داعش منافع مشترکی دارند؛ اما صرف نظر آنچه آقای پوتین می‌گویـد، او تفاوتی بین داعش و معارضین معتدل سُنّی که می‌خواهند اسد برود قائل نیسـت. از نظـر آنهـا (روسـیه و سوریه)، آنها تروریست هستند و این یک فاجعه و مردود است.»

(U.S Department of Defence (A): ۲۰۱۵)

ورود روسیه به عملیات هوایی در سوریه به معنی پایان احتمال بکارگیری ساز و کارهای بازدارنده در مقابـل نیروی هوایی سوریه بود. روسیه از روز هفتم اکتبر ۲۰۱۵، هماهنگی با ایالات متحده، اسرائیل و ترکیـه را در راستای جلوگیری از هرگونه تداخل و تصادم در آسمان سوریه آغاز کرد. این روند به غیر از برخی استثنائات نظیر سرنگونی سوخوی روسیه توسط پدافند هوایی ترکیه و سرنگونی یک فرونـد سـوخوی سـوریه توسـط ائتلاف بدون تغییر باقی ماند.

جدول ٤–٤٦– روند هماهنگی روسیه با ائتلاف، اسرائیل و ترکیه در عملیات‌های هوایی[1]

تاریخ	شرح عملکرد
۲۰۱۵/۱۰/۷	آغاز همکاری با ترکیه به منظور جلوگیری از تصادف احتمالی در آسمان سوریه
۲۰۱۵/۱۰/۱۰	اعلام امضاء سند مشترک بین وزارت دفاع روسیه و نیروهای ائتلاف به منظور جلوگیری از تصادف هوایی در سوریه
۲۰۱۵/۱۰/۱۲	آغاز استفاده بمب‌افکن‌های «اِی.ان.۳۰– بی» روسیه از حریم هوایی ترکیه در دیاربکر و اسکی‌شهیر با استفاده از هدایت اطلاعاتی ترکیه براساس توافق آسمان باز
۲۰۱۵/۱۰/۱٤	وزارت دفاع روسیه و ایالات متحده آمریکا در یک ویدئو کنفرانس شروط پرواز امن دو طرفه در آسمان سوریه را تعیین کردند
۲۰۱۵/۱۰/۱٦	براساس گزارش سرهنگ اندری کارتوپلو، رئیس ستاد عملیات اصلی وابسته به ستاد کل نیروهای مسلح روسیه از ١٤ اکتبر یک خط مسـتقیم تلفنی (هات لاین) از مرکز همکاری مشترک هوایی در پایگاه حمیم در سوریه با نیروی هوایی اسرائیل ایجاد و از ۱۵ اکتبر یک تمرین هوایی مشترک بین نیروی هوای روسیه و اسرائیل به منظور جلوگیری از تصادفات هوایی در سوریه برگزار شد. همچنین یک خط ارتباطی مسـتقیم با ترکیه به همین منظور برقرارشد..
۲۰۱۵/۱۱/۳	سرهنگ اندری کارتوپلو، رئیس ستاد عملیات اصلی وابسته به ستاد کل نیروهای مسلح روسیه اعلام کرد رأس سـاعت ۱۱ قبـل از ظهـر روز سوم نوامبر نیروی هوایی روسیه و ایالات متحده آمریکا یک تمرین مشترک در آسمان سوریه انجام دادند که موضوع آن هشدار، سازماندهی، عمل متقابل و تبادل اطلاعات بین مراکز کنترل و ستادهای گروه‌های عملیات در پایگاه حمیمیم سوریه و مرکز اسـتراتژیک عملیـات هـوایی آمریکا در قطر بود و دو طرف اطلاع رسانی متقابل در مورد عملیات‌های نظامی خطرناک در آسمان سوریه را تمرین کردند. کارکنان نیـروی هوایی روسیه و ائتلاف یک فاصله جغرافیایی حداقل به مسافت ۳ مایل از محیط عملیاتی هم تعریف کردند تا در فضای ایجاد شده به تبـادل اطلاعات به زبان روسی و انگلیسی بپردازند. بعد از بازگشت بمب افکن‌های روسیه ایالات متحده به پایگاه حمیم و قطر ، دو طرف به مـرور اطلاعات مبادله شده در کانال ارتباطی برقرار شده مبادرت کردند.

ارتش سوریه از سال ۲۰۱٤ با اتکاء به اجرای طرح آشتی ملّی، سازماندهی دوباره نیروهای جـدا شـده از ارتش آزاد را در دستور کار قرار داد. وزارت دفاع روسیه نیز از آگوست ۲۰۱۵ تـا جـولای ۲۰۱۷ بـا ۲۲۸ گروه در ۲۰٤۳ شهر و روستا در کلّ سوریه قرار داد ترک مخاصمه امضاء نمود. بررسی عملکرد روس‌هـا نشان می‌دهد آنها این ظرفیّت را در قالب گروه‌های شـبه نظـامی محلـی سـازماندهی نمودنـد.[2]روسـیه از

۱. این جدول بر اساس اطلاعات منتشر شده در بولتن‌های روزانه وزارت دفاع روسیه درباره عملکرد گروه هوایی این کشور در سوریه تنظیم شده است.

۲. نمونه بارز سازماندهی دوباره نیروهای ارتش آزاد، روز ١٦ فوریه ۲۰۱۵ در گروهی به نام «قوات درع القلمون» متبلور شد و استعداد این گروه تا ۱۹ می۲۰۱۷ بـه۲۸۰۰ نفـر رسـید. «قوات درع القلمون» با لشکر سوم زرهی، گارد ریاست جمهوری و نیروهای حزب‌الله در ارتباط بود و افسران روس نیز در آموزش آنها مشارکت داشتند. «فوج الحرمون الشعبی» نیز یکی از آخرین نمونه‌های موفق سازماندهی دوباره نیروهای ارتش آزاد بود که از دسامبر ۲۰۱٦ با استعداد ۱۵۰۰ نفر طی هماهنگی با گارد ریاست جمهوری و لشکرهای چهارم زرهی و هفتم ارتش کنترل نقاط ایست و بازرسی شهرهای منطقه جبل‌الشیخ شرقی نظیر بیت سابر، بیت تیما، کفر حور و سعسع را بر عهده گرفت. روس‌ها از تشکیل یک گروه شبه نظامی دیگر

ابتدای ورود عملیاتی به سوریه تلاش کرد با ایفای نقش میانجی بین معارضین و دولت سوریه، ظرفیّت گروه‌های کوچک و فاقد قدرت ایجاد تغییر استراتژیک در میدان نبرد را در قالب متحدین کوچک باز سازماندهی نماید. وزارت دفاع روسیه با کاربرد عبارات پر طمطراق ملّی‌گرایانه به توصیف گروه‌های کوچک پرداخت و در تبلیغات خود به طور دائم اعلام کرد که از توان اطلاعاتی و رزمی آنها برای ضربه زدن به داعش و جبهه النصره بهره برداری می‌کند. ولادیمیر پوتین رئیس جمهور روسیه در کنفرانس خبری روز ۱۱ دسامبر ۲۰۱۵ با وزیر دفاع این کشور، معارضین سوری را «وطن پرست» خطاب کرد و آنان را هم ردیف ارتش سوریه قرار داد. او برای اولین بار دستور ویژه همکاری همزمان گروه هوایی روسیه در سوریه با ارتش حکومتی و نیروهای ارتش آزاد سوریه را صادر کرد که خود مدعی بود با استعداد پنج هزار نفر در جبهه‌های حمص، حماه، حلب و ادلب با تروریسم وارد جنگ شده‌اند. پوتین تاکید داشت که روسیه علاوه بر پشتیبانی هوایی، سلاح، تجهیزات و مواد مورد نیاز را در اختیار ارتش آزادِ سوریه قرار داده است. روز ۱۵ دسامبر ۲۰۱۵، وزارت دفاع روسیه، معارضین سوری را «معتدل» خطاب کرد و استعداد آنها را پنج هزار نفر (۱۵۰ گروه) اعلام نمود که در کنار ارتش سوریه در حال همکاری هستند. وزارت دفاع روسیه روز ۱۱ ژانویه ۲۰۱٦ درباره پشتیبانی هوایی ۱۱ واحد از نیروهای معارضین وطن پرست با استعداد ۷ هزار نفر اطلاع رسانی نمود. (آزاد، ۱۳۹٤: ۱۸-۱۱)

٤-۱۳-۱- تنش‌زدایی روابط آمریکا و روسیه در مبارزه با تروریسم

با استقرار توازن در جبهه نبرد و مهار اقدام نظامی احتمالی علیه ارتش سوریه، آمریکا علی‌رغم اختلاف منافع پیرامون بشار اسد، ناچار به تعامل با روسیه برای دستیابی به گفتمان مشترک درباره بحران سوریه حول مبارزه با تروریسم شد و طرفین تنش‌زدایی از روابط خود در سوریه را به طور عملیاتی آغاز کردند. هرچند ترکیه در ابتدای این روند با ساقط کردن جنگنده روس تلاش کرد، ضمن ایجاد تنش دامنه آن را به روابط روسیه با

در دره بقاع حمایت کردند که توسط «حاج محمد جعفر» فرماندهی می‌شد. این گروه با استعداد ٤۰۰ نفر «درع الوطن – القوة الخاصة» نام دارد که نیروهای خود را از ١٤ روستای منطقه بقاع در لبنان تأمین کرده بود و در عملیات تدمر مشارکت می‌کند. نیروی رزمی این گروه به طور انحصاری از عشیره «آل جعفر الکِرام» تأمین می‌شود و محدوده عملیاتی آن ریف حمص است. روس‌ها طی یک اقدام مشابه تأمین مالی و تسلیحاتی نیروهای قبیله بقاره را برعهده گرفتند. «نواف بشیر» رئیس شورای قبیله بقاره که پیش از این به معارضین پیوسته بود، همراه با برخی اعضاء قبیله، با وساطت حزب‌الله لبنان به بیروت رفته بود. (آزاد، ۱۳۹٤: ۱۸-۱۱)

ایالات متحده، ناتو و ائتلاف بکشاند، اما تمام آمریکا و نهادهای مذکور ضمن اعلام برائت از مداخله در رخداد، تنش‌زدایی از روابط طرفین را نیز در دستور کار قرار دادند.[1] (آزاد(ب)، ۱۳۹۵: ۵۰)

تنش‌زدایی روابط بین طرفین، با حرکت به سمت هنجارهای مشترک در روند سیاسی ادامه یافت و تلاش آنها بر این مبنا قرار گرفت تا بر بستر مبارزه با تروریسم به راه حل درباره مناقشه قدرت در سوریه دست یابند. بر این اساس روسیه و آمریکا محور تصمیم گیری نشست وین (۱) بودند که در روز ۳۰ اکتبر ۲۰۱۵ برای حل بحران سوریه تشکیل شده بود و مبارزه مشترک با داعش و القاعده در سوریه بخشی از آن بود. بر اساس بند ۷ از بیانیه این نشست، شرکت کنندگان درباره تشکیل دولت انتقالی بر مبنای اعلامیه ۲۰۱۲ ژنو و قطعنامه شماره ۲۱۱۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد به توافق رسیدند. بعد از اجلاس وین (۱)، لاوروف، در یک کنفرانس خبری مشترک با جان کری از توافق با آمریکا برای ایجاد یک مکانیسم رزم مشترک خبر داد و اظهار امیدواری کرد که هر دو طرف در همان روز یک فهرست (مشترک) از سازمان‌های تروریستی تهیه کنند و طی دو هفته بعد به یک توافق آتش بس دست پیدا کنند.

(U.S Department of state (B): ۲۰۱۵)

البته اختلاف روسیه و آمریکا درباره عدم مشارکت بشار اسد در دولت انتقالی همچنان به قوت خود باقی ماند. به عنوان مثال روسیه در روز ۱۱ نوامبر ۲۰۱۵ و در آستانه برگزاری نشست وین (۲) یک طرح ۸ ماده‌ای برای بر قراری صلح در سوریه ارائه داد که به علت عدم اشاره به نقش بشار اسد در دوره انتقالی و نامزدی وی در انتخابات ریاست جمهوری، با مخالفت آمریکا مواجه شد، با وجود این روسیه و آمریکا همچنان به تشریک مساعی حول منافع مشترک در اجلاس وین (۲) ادامه دادند. البته هیچ یک از برنامه‌های سیاسی پیرامونی دو طرف جای عمل نپوشیدند.[2] آمریکا و روسیه در ادامه تلاش برای تنش‌زدایی، بر اساس طرح

---

۱. سخنگوی ائتلاف، روز ۲٤ نوامبر ۲۰۱۵ در کنفرانس خبری که بعد از سقوط سوخوی ۲٤ روسی برگزار شد، ضمن اعلام اصلِ خبر درباره آن گفت: هیچ نیرو و هواپیمایی از ایالات متحده آمریکا در منطقه حضور نداشت. این صرفا اقدام بین روسیه و ترکیه بود. این مسئله‌ای نیست که نیروهای ائتلاف در آن دخالت کنند. پیتر کوک سخنگوی رسمیِ پنتاگون نیز ضمن حمایت از حق دفاع ترکیه از آسمان و حاکمیتِ خود تاکید کرد که نیروهای نظامی ایالات متحده آمریکا در درگیری بعد از عبور هواپیمای روسی از مرز ترکیه مشارکتی نداشته‌اند. اوباما نیز طرفین را به تنش‌زدایی دعوت و گفتگو با پوتین برای حل مسئله را آغاز کرد. (آزاد (ب)، ۱۳۹۵: ۵۰)

۲ . به عنوان مثال «جان کری» در کنفرانس خبری مشترک با لاوروف، از باور مشترک برای برقراری آتش‌بس و توافق برای آغاز یک فرایند سیاسی موازی بر اساس بیانیه ژنو ۲۰۱۲ سخن گفت و اظهار امیداواری کرد که این فرایند از روز اول ژانویه ۲۰۱٦ آغاز شود. وزیر خارجه آمریکا از یک هدف گذاری شش ماهه برای دست‌یابی به این فرایند یاد کرد که هدف آن ایجاد یک دولت فراگیرِ معتبرِ غیر مذهبی (سکولار) و تنظیم یک برنامه زمانی برای تدوین قانون اساسی جدید و تعیین شرایط رای‌گیری و نامزدهای انتخابات بود. جان کری همچنین از توافق جمعی در وین (۲) برای برگزاری یک انتخابات آزاد و عادلانه برای رای دادن به قانون اساسی جدید ظرف مدت ۱۸ ماه خبر داد که تحت نظارت سازمان ملل متحد برگزار خواهد شد و در برگیرنده تمام سوری‌های واجد شرایط رأی‌گیری در خارج کشور خواهد بود. (U.S Department of state (C): ۲۰۱۵)

ابتکاری روسیه، از روز ۲۷ فوریه ۲۰۱٦ یک برنامه جدید ترک مخاصمه در سوریه را در دستور کار قرار دادند که طبق توافقات گذشته داعش و القاعده در آن مستثنی شده بودند. مبنای این توافق بیانیه ۱۱ فوریه ۲۰۱٦ گروه بین‌المللی حمایت از سوریه در مونیخ، قطعنامه ۲۲٥٤ شورای امنیت سازمان ملل متحد، بیانیه ۲۰۱۵ وین و بیانیه ۲۰۱۲ ژنو بود. آمریکا و روسیه به دلیل تمایز جغرافیای حضور داعش، اختلافی بر سر مبارزه با این سازمان نداشتند، اما دو طرف به دلیل اختلاط مواضع جغرافیایی معارضین سوری و القاعده، درباره حمله به مواضع جبهه‌النصره با یکدیگر چالش داشتند.[1] روسیه و آمریکا در راستای رفع اختلاف پیرامون القاعده، از ۱۵جولای ۲۰۱٦ همکاری در اتاق عملیات مشترک اردن برای شناسایی نیروهای موثر این سازمان را آغاز کردند. این همکاری بر پایه قطعنامه ۲۲٥٤ شورای امنیت بود و دو طرف در خلال آن به تصریح درباره همکاری‌های نزدیک فنی، اطلاعاتی، لجستیک و عملیاتی پرداخته و بر مشارکت «رهبران ملّی» برای نصب سیستم‌های تبادل اطلاعات با هدف حمله دقیق به جبهه‌النصره تأکید کرده بودند. با وجود توافق بین طرفین، به دلیل پیچیدگی‌های میدان نبرد، بمباران مناطق مختلط عملاً ادامه یافت و در نهایت روسیه و آمریکا برای غلبه بر تصلب موجود روز نهم سپتامبر ۲۰۱٦، در ژنو سوئیس، توافق جدیدی برای اعمال آتش‌بس در سوریه را اعلام کردند. آنها توافق کردند که رژیم سوریه قادر به انجام پروازهای رزمی در مناطق حضور معارضین نباشد و اختیار بمباران جبهه النصره به آمریکا و روسیه منحصر شود.

(آزاد(ب)، ۱۳۹۵: ۵۵-۵۲)

با وجود توافق روسیه و آمریکا، روز ۱۲ سپتامبر ۲۰۱٦، یک حمله هوایی ناشناس به کاروان کمک‌های بشردوستانه سازمان ملل در حومه حلب، همه چیز را دوباره معلق ساخت. هیچ یک از بازیگران مسئولیت این حمله را بر عهده نگرفتند و در یک فرایند پیچیده روسیه و آمریکا با استناد به شواهد و مدارک موجود به شکل متقابل یکدیگر، دولت سوریه و القاعده را متهم به انجام این حمله کردند. این وضعیت روز ۱۷سپتامبر

---

۱ . ژنرال «سرگی رودسکوی»، فرمانده ستاد کلّ نیروهای مسلح روسیه روز ۲۷ می۲۰۱٦، بر این نکته تأکید کرد که علیرغم در خواست روسیه از امریکا برای کار با گروه‌های «میانه‌رو» به منظور جداسازی قلمرو خود از «جبهه‌النصره»، اما عملا چنین اتفاقی رخ نداده و در عین حال آمریکا از روسیه می‌خواهد تا مناطق حضور مختلط این گروه‌ها را هدف قرار ندهد. فرمانده ستاد کلّ نیروهای مسلح روسیه بر این نکته تاکید کرد که چنین مسامحه‌ای باعث شده تا فرایند مبارزه با «جبهه‌النصره» عملا ناکارآمد بماند. «جان‌کری» روز۱۵جولای ۲۰۱٦ برای توضیح درباره این چالش، در کنفرانس خبری مشترک با لاوروف به همکاری معارضین سوری با «جبهه‌النصره» در نبرد با رژیم سوریه اشاره کرد و ضمن اذعان به اینکه رویارویی «جبهه‌النصره» با حکومت اسد یک عذر برای چشم پوشی از تروریستی بودن این گروه نیست بر لزوم چاره‌اندیشی در این رابطه تأکید کرد. (آزاد(ب)، ۱۳۹۵: ۵۵-۵۲)

۲۰۱۷ با حمله نیروی هوایی ائتلاف به مواضع ارتش سوریه در فرودگاه دیرالزور وخیم‌تر شد و در نهایت بعد از یک هفته تنش بین طرفین طرح آتش‌بس دوم نیز عملاً با شکست روبرو شد. (آزاد(ب)، ۱۳۹۵: ۵۵)

روسیه، بعد از شکست دو طرح آتش‌بس که ترتیبات آن با همکاری با آمریکا تنظیم شده بود احیاء روابط با ترکیه را آغاز کرد و در نهایت روز ۳۰ دسامبر۲۰۱٦ طی همکاری با ترکیه با هفت گروه بزرگ معارض سومین توافق آتش‌بس را به اجرا گذاشت. طرح آتش‌بس ابتکاری روسیه و ترکیه به دلیل مشارکت گروه‌های قدرتمند و قدرتمند بالقوه که قادر به ایجاد تغییرات استراتژیک در جبهه نبرد بودند از اهمیت بالایی برای حرکت به سوی پایان تخاصم مسلحانه برخوردار بود، زیرا تا آن زمان قرارداد ترک مخاصمه میان روسیه با گروه‌های معارض شامل گروههای محلی کوچکی بود که فاقد قدرت طراحی و اجرای عملیات‌های تغییر دهنده استراتژیک بودند. استعداد کل معارضین مسلح در چهار جبهه شمال‌غرب، شمال، مرکز و جنوب بین۱۰۰ تا۱۵۰ هزار نفر و در قالب چهار دسته قابل تقسیم‌بندی بود:

جدول ٤-٤٧- استعداد، ویژگی و توانایی گروه‌های معارض مسلح در سوریه

	استعداد	ویژگی	توانایی
قدرتمند قدرتمند بالقوه	۹۰ هزار	۲۳ گروه دارای سازمان	دارای قدرت بسیج نیرو و طراحی و اجرای عملیات آفندی و ایجاد تغییرات استراتژیک
متوسط	۱۰- ۱۵ هزار	۲٦ گروه با استعداد متغیر و ایدئولوژی متفاوت	فاقد قدرت بسیج نیرو و طراحی و اجرای عملیات آفندی و ایجاد تغییرات استراتژیک
محلی	۱۰-٦۰ هزار	صدها گروه چند ده نفره محلی	

(Balanche (B), ۲۰۱٦: ٤)

بر اساس دسته‌بندی چهارگانه از گروه‌های معارض مسلح در سوریه، تنها ۲۳ گروه دارای قدرت بسیج ۹۰ هزار نیرو و طراحی و اجرای عملیات آفندی استراتژیک در سه جبهه اصلی شمال غرب، جنوب و مرکزی هستند که استعداد آنها به طور تقریبی به شرح زیر توزیع شده است:

جدول ٤-٤۸- توزیع استعداد گروه‌ها در سه جبهه اصلی سوریه[1]

	القاعده	سلفی – جهادی سوری‌تبار	اسلام‌گرای سیاسی	سکولار	جمع
جبهه شمال غرب	۱٦٤٥۰	۱۳۱٦۰	۱۵۵۱۰	۱۸۸۰	٤۷۰۰۰
جبهه دمشق	۱۰۰۰	۱٤۲۰۰	٤۸۰۰		۲۰۰۰۰
جبهه جنوبی	۹۲۰	۹۲۰	۹۲۰	۲۰۰۱۰	۲۳۰۰۰
جمع	۱۸٤۵۰	۲۸۲۸۰	۲۱۲۳۰	۲۱۸۹۰	۹۰۰۰۰

(Balanche (B), ۲۰۱٦: ٤)

۱ . دقت اعداد در این جدول برای کمک به درک بهتر تفاوت استعداد و ایجاد توانایی برای تناسب بندی آنهاست.

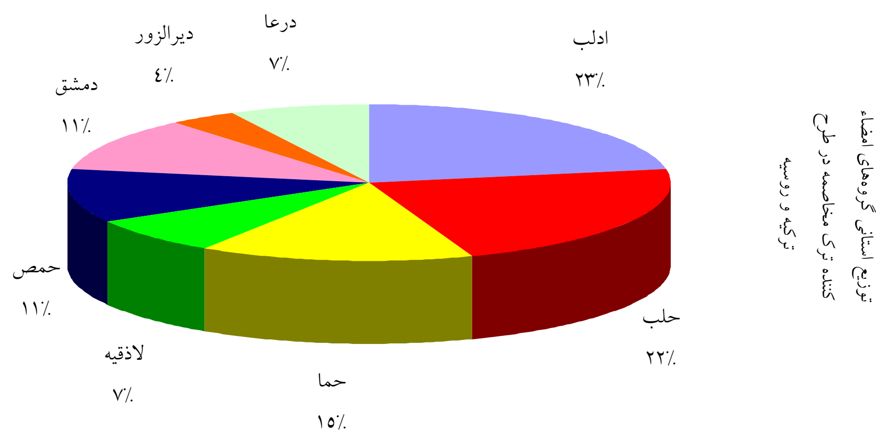
استعداد و منطقه نفوذ ۷ گروه امضاء کننده طرح آتش‌بس ابتکاری روسیه و ترکیه، نشان می‌داد که این طرح موفق به مهار نسبی ۵۱۵۰۰ نفر از استعداد ۹۰ هزار نفر از استعداد گروه‌های قدرتمند و قدرتمند بالقوه شده است. بنابراین طرح آتش‌بس مشترک روسیه و ترکیه به میزان بالایی کارآمد باقی ماند و مبنای تهیه و اجرای طرح دیگری به نام کاهش تنش را فراهم کرد.

جدول ٤- ٤٩- استعداد و توزیع نیروهای ۷ گروه مشارکت کننده در طرح آتش‌بس روسیه و ترکیه

	فیلق‌الشام	احرارالشام	جیش‌الاسلام	ثوارالشام	جیش‌المجاهدین	جیش ادلب	جبهه‌الشامیه
تعداد شاخه	۱۹	بیش از ۸۰	٦٤	۸ گردان	۱۳	۳ شاخه بزرگ	۵ شاخه بزرگ
استعداد	٤۰۰۰	۱٦۰۰۰	۱۲۰۰۰	۲۵۰۰	۸۰۰۰	٦۰۰۰	۳۰۰۰
جغرافیای حضور	حلب، ادلب، حما، حمص	حلب، دمشق، درعا، ادلب، لاذقیه، حما، حمص	حلب، دمشق، درعا، دیرالزور، لاذقیه، حما، حمص	حلب، ادلب، لاذقیه	حلب، ادلب، حما	ادلب	حلب، ادلب، دمشق

(Ministry of Defence of the Russian Federation (A), ۲۰۱٦)

نمودار ٤-۳۰- توزیع جغرافیایی ۷ گروه قدرتمند معارض در طرح آتش بس روسیه – ترکیه



٤-۱۳-۲- تداخل ساز و کارها در بلوک ائتلاف بین‌المللی

بعد از آغاز بحران داخلی سوریه در سال ۲۰۱۱، حزب اتحاد دموکراتیک به عنوان شاخه حزب کارگران کردستان (پ.ک.ک)، به چالش اوّل امنیت ملّی ترکیه تبدیل شد. با این وصف بکارگیری استعداد حزب اتحاد دموکراتیک به عنوان هسته مرکزی ساز و کارهای ثانویه مهار و نابودی داعش در سوریه به بروز چالش بین ترکیه عضو ائتلاف بین‌المللی راه حلّ اصلی و آمریکا فرمانده این نهاد منجر شد. ترکیه قادر به اقناع ایالات متحده در کنار گذاشتن این حزب و بکارگیری نیروهای عرب تحت حمایت خود نشد و در نتیجه بکارگیری

ساز و کارهای اخلال‌گر در روند عملکرد حزب اتحاد دموکراتیک در سوریه را آغاز کرد. «پ.ک.ک» در اوایل دهه ۱۹۷۰، به رهبری عبدالله اوجالان (آپو) در آنکارا تأسیس شد و بعد از نقل مکان به مناطق کردنشین در جنوب شرقی ترکیه، از تاریخ ۲۷ نوامبر ۱۹۷۸، با نام حزب کارگران کردستان به فعالیت ادامه داد. «پ.ک.ک» با ایدئولوژی رادیکال مارکسیستی درگیری با دولت ترکیه برای استقلال طلبی را آغاز نمود. در نتیجه از سال ۱۹۸۰ اعضاء «پ.ک.ک» یا به زندان و اعدام محکوم شدند یا به کردستان سوریه گریختند و از سوی دولت سوریه به عنوان اهرم فشار علیه ترکیه در اختلافات دو کشور مورد استفاده قرار گرفتند. حافظ اسد، به این حزب در خاک سوریه و مناطقی از لبنان که تحت کنترل ارتش سوریه بود سر پناه داد. نیروهای «پ.ک.ک» از پایگاه مشترکی در شمال دمشق به پایگاه «معصوم کُرکمز» در دره بقاع لبنان نقل مکان کردند و در آنجا با گروه‌های مسلح فلسطینی و به خصوص جبهه دموکراتیک ارتباط برقرار کردند و توسط آنان آموزش‌های چریکی دیدند. دولت سوریه همچنین برای «پ.ک.ک» حساب بانکی باز کرد و سلاح در اختیار آنان قرار داد. (Crisis Group Middle East Report (N°۱۳٦), ۲۰۱۳: ۱۲)

«پ.ک.ک» عملیات نظامی علیه ترکیه را از آگوست ۱۹۸٤ آغاز کرد. دولت سوریه به «پ.ک.ک» اجازه داد تا در دمشق، قامشلو، دریک، درباسیه، راس‌العین، عفرین، حلب و حسکه دفتر تأسیس کند و در مقابل سایر احزاب کُرد سوری و به خصوص جناح بارزانی را سرکوب می‌نمود. حافظ اسد سیاست ایجاد رقابت و تنش بین «پ.ک.ک» و احزاب دموکرات و میهنی کردستان عراق را در دستور کار خود قرار داده و تا جایی پیش رفت که حتی تصاویر «اوجالان» جایگزین تصاویر «بارزانی» در مکان‌های عمومی شد. دولت سوریه با حمایت استراتژیک از «پ.ک.ک» در واقع به تضعیف جنبش کُردی در سوریه مبادرت ورزید. نتیجه این روند نفوذ عمیق پ.ک.ک در جامعه کُردی سوریه بود، چنانکه برآورد می شود بین ۷ تا۱۰هزار کُرد سوری به دلیل مشارکت در درگیری‌های چریکی با ترکیه کشته یا ناپدید شده باشند. این تعداد به طور واضح با اجازه دولت سوریه توسط «پ.ک.ک» نام نویسی شده بودند تا به جای خدمت اجباری سربازی در ارتش سوریه، برای «پ.ک.ک» در ترکیه بجنگند. این روند تا سال ۱۹۹۸، که دولت ترکیه، سوریه را به اقدام نظامی در خاک این کشور تهدید نمود ادامه پیدا کرد. بعد از توافق دو دولت بخش زیادی از رهبران «پ.ک.ک» توسط حکومت سوریه به ترکیه تحویل داده شدند و نیروهای مسلح رسمی این گروه در سوریه به ۱ تا۱۰ سال زندان در سوریه محکوم شدند. پس از این سوریه و ترکیه پیمان «آدنا» را در سال ۱۹۹۹ منعقد کردند و در حالیکه

«پ.ک.ک» مرکز فرماندهی خود را به کوهستان قندیل در خاک عراق منتقل نموده بود نیروهای ارتش سوریه ، نیروهای «پ.ک.ک» را مجبور به ترک خاک این کشور کردند. «اوجالان» پس از اخراج از سوریه در سال ۱۹۹۹ در کنیا دستگیر و به دولت ترکیه تحویل داده شد و «پ.ک.ک» روز دوم آگوست همان سال با دولت ترکیه آتش‌بس اعلام کرد و سه سال بعد مطالبه تشکیل دولت مستقل کُردی توسط «پ.ک.ک» جای خود را با دموکراسی‌سازی در ترکیه و اعاده حق استفاده از زبان کُردی عوض کرد. اما «پ.ک.ک» در سال ۲۰۰۳ بعد از اعلام آتش بس یک جانبه با ترکیه، با دو هدف حفظ پایگاه در سوریه و نگهداری هزاران عضو و هوادارش، اقدام به تاسیس یک حزب جدید در سوریه با نام «اتحاد دموکراتیک» نام گرفت.

(Tejel, ۲۰۰۹: ۷۶-۷۷)

«پ.ک.ک» در بسیاری از کشورها در لیست سیاه قرار گرفت و در دوم آوریل ۲۰۰٤، شورای اتحادیه اروپا این سازمان را به فهرست سازمان‌های تروریستی اضافه کرد. در همان سال، وزارت خزانه‌داری ایالات متحده نیز دارایی‌های شاخه‌های این سازمان را مسدود نمود. اما «اتحاد دموکراتیک» علیرغم ارتباط مستقیم و درهم تنیده سازمانی با «پ.ک.ک» از این روند مصون ماند. البته «پ.ک.ک»، ایجاد ساختارهای موازی دیگری را نیز در سوریه آغاز کرد که حزب «اتحاد دموکراتیک» در همه آنها عضو بود. به عنوان مثال از سال ۲۰۰۵ «شورای مردمی کردستان غربی»[۱] و «اتحادیه مردمی کردستان»[۲] که توسط فرماندهی «پ.ک.ک» در قندیل هدایت می‌شدند در سوریه نیز دارای شاخه بودند. «پ.ک.ک» روز هفتم جولای ۲۰۱۱ جنبش دیگری به نام «جامعه دموکراتیک در کردستان غربی»[۳] تأسیس کرد.[٤]

(Ileana, van Wilgenburg, Hossino, ۲۰۱۲: ۹)

۱ . EncûmenaGel ya Rojavayê Kurdistanê
۲ . Koma Civakên Kurdistan, KCK
۳ . Tevgera Civaka Demokratîk a RojavayêKurdistan, TEV-DEM

٤ . این سیستم شاخه‌ای و در هم تنیده از احزاب، ابزاری برای پنهان نگاه داشتن تاثیر «پ.ک.ک» و ایجاد یک نمایی دموکراتیک از تصمیم‌گیری در کردستان غربی بود، اما واقعیت اینجاست که تصمیم‌گیری نهایی در این سیستم توسط «پ.ک.ک» اتخاذ می‌شد. این شبکه، بواسطه طیفی از فرماندهان «پ.ک.ک» اداره می‌شود. «نظیر حاجی منصور» و «جمشید عثمان» یک کُرد ایرانی و از فرماندهان نظامی در حسکه (جزیره) و تل ابیض، «حوَل کمال» از فرماندهان نظامی در عفرین، «زوحات کوبانی» مسئول امور دیپلماتیک در اروپا، «نواف خلیل» پل ارتباطی با اروپا در بروکسل بلژیک، نمونه افرادی بودند که از «پ.ک.ک» در ساختار تصمیم‌گیری حزب «اتحاد دموکراتیک» مشارکت داشتند. «شاهین جالو» که فرمانده کل نیروهای نظامی سوریه نیز یک عضو مشترک بین «پ.ک.ک» و حزب «اتحاد دموکراتیک» بود که سال‌ها نماینده «پ.ک.ک» در اروپا و عضو کمیته مرکزی این حزب را عهده دار بود. «عمر حسین جالوش» مأمور و نماینده سیاسی این حزب در عین‌العرب (کوبانی) و همه فرماندهان نظامی در این شهر قبل از آغاز اعتراضات عمومی در سوریه از اعضاء «پ.ک.ک» بودند. «شیار هولدز»، «آلدَر خلیل» و «ایلحان احمد» همگی از کُردهای ترک‌تبار و اعضاء «پ.ک.ک» بودند که کادر فرماندهی حزب در عین العرب و نمایندگی آن در شورای عالی کُرد را عهده دار بودند. «رِدور خلیل» سخنگوی نیروهای «دفاع خلق» شاخه نظامی حزب نیز سابقه یک دهه جنگ برای «پ.ک.ک» را در کارنامه خود داشت.

روند مذاکره بین دولت ترکیه و «پ.ک.ک» از سال ۲۰۰۵ آغاز شد که مشهورترین آنها در اسلو بود. پ.ک.ک در ژوئن ۲۰۱۰ به دولت ترکیه را بین پذیرفتن آتش‌بس یا قرار داد صلح مشروط به افزایش حقوق مدنی و فرهنگی کردها مخیر نمود که صریحاً از سوی دولت رد شد. عبدالله اوجالان از سال ۲۰۰۵ به ایده استقلال طلبی پایان داد و با نفی دولت — ملت گرایی، نظریه ملت دموکراتیک و نظام کنفدرالیسم دموکراتیک را به عنوان نقشه راه مطرح کرد. ظهور این ایده و طرح آن از سوی عبدالله اوجالان تابع یک روند تاریخی از تحولات و تغییرات در ساختار پ.ک.ک بود.

جدول ٤-٥٠- روند شکل‌گیری ایده کنفدرالیسم دموکراتیک

نام شاخه	شرح
جبهه رهایی‌بخش ملی کردستان	شاخه سیاسی که امورسیاسی- سازمانی و دیپلماتیک و مالی و رسانه‌ای را در کردستان، اروپا و سایر کشورهایی که کردها در آن سکونت داشتند برعهده داشت
ارتش رهایی‌بخش خلق کردستان	شاخه نظامی که جنگ رهایی‌بخش ملی را در کردستان انجام می‌داد
اتحادیه دمکراتیک کردستان	تغییر نام شاخه سیاسی در کنگره هفتم (۱۹۹۹)
نیروهای دفاع از خلق	تغییر نام شاخه نظامی در کنگره هفتم (۱۹۹۹)
کنگره آزادی و دمکراسی کردستان	انحلال پ.ک.ک در ٤ آوریل ۲۰۰۲-
کنگره خلق کردستان	انحلال کنگره آزادی و دمکراسی کردستان در پاییز ۲۰۰۳- در طی این پروسه ساختار عمودی مارکسیست- لنینیست حزبی پ.ک.ک به یک سیستم مدیریت افقی تغییر یافت که دارای بیش از ده کمیته تحت عنوان‌های کمیته سیاسی، کمیته اجتماعی، کمیته دفاع مشروع (که در سومین نشست به کمیته دفاع خلق تغییر نام داد)، کمیته بهداشت خلق، کمیته علم و روشنگری، کمیته اقلیت‌ها، کمیته مطبوعات، کمیته امور مالی و دارایی و چند کمیته دیگر بود.
احیاء پ.ک.ک	در زمستان سال ۲۰۰۳ اوجالان یک نهاد ایدئولوژیکی برای جهت‌دهی فکری به همه نهادهای کنگره خلق ایجاد کرد که به یادبود پ.ک.ک نام آن را حزب کارگران کردستان (پ.ک.ک) نام نهاد.
کنفدرالیسم دمکراتیک جامعه کردستان	اوجالان در نوروز ۲۰۰۵ کنگره خلق کردستان را به کنفدرالیسم دمکراتیک جامعه کردستان تغییر نام داد و برای آن پرچمی تعیین نمود که ستاره‌ای سرخ در میان خورشیدی زرد رنگ بر زمینه‌ای سبز قرار دارد و در زبان کردی کوما جواکین کردستان نامیده شد. این نظام سه قوه دارد: قوه قانونگذاری و یا مقننه که کنگره خلق بالاترین ارگان آن و به مثابه مجلس و پارلمان آن است. قوه مجریه که در قالب هیئت اجرایی کنفدرالیسم دمکراتیک جامعه کردستان شکل پذیرفته و نقشی همانند کابینه وزیران را داشته و دارای ریاست مشترک زن و مرد است. و قوه قضائیه که از دادگاه‌های خلقی و دیوان عدالت اداری تشکیل می‌شود که به عنوان مرجع تجدیدنظر عمل می‌نماید. این سه قوه مستقل از همدیگر عمل می‌نمایند. اعضای کنگره خلق با انتخابات از میان تمامی اعضای نظام ما و خلق‌مان انتخاب شده ولی به دلیل وجود شرایط ویژه گاه این انتخابات در برخی مناطق قابل اجرا نیست. انتخابات نمایندگان کنگره هر دو سال یکبار اجرا می‌شود و هر فرد از رئیس گرفته تا اعضای هیئت اجرایی تنها دو دوره می‌توانند در آن عضویت داشته باشند. نمایندگان نیز دو سال یکبار تغییر می‌یابند.

(پایگاه اطلاع رسانی جامعه آزاد و دموکراتیک شرق کردستان)

پ.ک.ک نوین بدون دخالت اجرایی و جهت‌دهی عملی وظیفه نظارت بر فعالیت‌های فکری- ایدئولوژیکی کادرهای تمام بخش‌های کردستان را برعهده گرفت و در قالب آثار پرشمار برای تبیین

نظریه کنفدرالیسم دموکراتیک و گسترش دایره شمولیت آن به اقوام غیر کرد تلاش کرده است. به عنوان مثال ریوار آبدانان از نظریه پردازان حزب در تعریف کنفدرالیسم دموکراتیک می‌نویسد:

> «کنفدرالیسم دموکراتیک به جای شعار (برای رهایی از وضع موجود ما هم بایستی یک دولت ملت هر چند کوچکی داشته باشیم)، پایه‌های خود را بر این اصل استوار ساخته است: هر جامعه‌ای باید طبق هویت خویش دارای مدیریت‌های بومی دموکراتیک و غیردولتی» (آبدانان، ۱۳۹۲: ۷)

«پ.ک.ک» بیش از هر چیز سعی بر تبیین و اثبات این مسئله دارد که نظریه اوجالان تمامیت ارضی کشورها را به رسمیت می‌شناسد. آبدانان در این رابطه چنین می‌نویسد:

> «کنفدرالیسم دموکراتیک کردستان که فرم مدیریت سیاسی ملت دموکراتیک کرد است، بدون دستکاری در مرزهای سیاسی ترکیه، ایران، عراق و سوریه تمام تنوعات فرهنگی و واحدهای اجتماعی کرد و سایر هویت‌هایی که در میان کردها زندگی می‌کنند (نظیر آذری، آشوری، ارمنی و...) را در درون خود جای می‌دهد و امکان مدیریت‌های خودگردان آنها و آزادیشان را فراهم می‌آورد.» (آبدانان، ۱۳۹۲: ۸)

اوجالان تلاش کرده است این شیوه از حکومت را در قالب مانیفست تمدن دموکراتیک تئوریزه کند که حاصل آن در دوره پنج جلدی از کتابی با همین نام و در قالب ۱۱۲۳ صفحه گردآوری شده است. آنچه نظریه اوجالان را از رویکرد معطوف به خودمتاری و تلاش برای دستیابی به استقلال متمایز می‌سازد، درک وی از واقعیت‌های ژئوپلیتیک و اجتماعی و در نتیجه تغییر رویکرد وی از تلاش سُنتی برای ساخت دولت – ملت و کسب قدرت است. او در بازنگری نظری خود به اهمیت کلیدی تفاوت بین اشکال قدرت و مطالبه خودگرانی دموکراتیک برای حل مسائل بنیادین اجتماعی پی برده است. اوجالان نتیجه رویکرد دیکتاتوری به قدرت را آزمونی می‌داند که شوروی و انقلاب‌های ناموفق نمونه‌های شکست خورده آن هستند و «پ.ک.ک» به عنوان یک حزب سوسیالیست باید از آنها عبرت بگیرد. اوجالان در مانیفست تمدن دموکراتیک، قدرت و دولت را تهدید مرگبار سلامتی جامعه قلمداد می‌کند که به جنگ دموکراسی‌ها می‌روند ، اما به سادگی دچار شکست نمی‌شوند. وی در عصر مدرنیته کاپیتالیستی بزرگترین تهدید دموکراسی‌ها و مدیریت‌های خودگردان را قدرت‌های دولت – ملت‌گرا قلمداد می‌کند که با اعمال

قاطع‌ترین مرکزگرایی حق خود مدیریتی جامعه را از آن سلب می‌کنند. او در ذکر عبرت از سرنوشت شوروی، دلیل ورشکستگی سوسیالیسم واقع‌گرا را تلاش آن برای شکست یک قدرت – دولت بواسطه تشکیل یک دولت – قدرت مخالف قلمداد و اذعان می‌کند که سوسیالیسم بدون دموکراسی محکوم به شکست است و مسائلی چون حقوق بشر، حقوق اقلیت‌ها، جامعه مدنی و... از سرکوب دموکراسی و مدیریت ذاتی دولت- ملت‌ها نشأت گرفته‌اند و حل آنها تنها با رفع غصب حقوقی صورت گرفته توسط دولت – ملت‌ها امکان‌پذیر است. اوجالان با مثال قرار دادن خصلت فدرال ایالات متحده آمریکا و اتحادیه اروپا، آن دو را شاهدی برای اثبات ادعای خود می‌داند. زیرا این سیستم‌ها بر پایه تلاش برای بازگرداندن ارزش‌های دموکراتیک غصب شده به جامعه مدنی، اقلیت‌ها و مدیریت‌های بومی بنیان گذاشته شده‌اند. (اوجالان، ۱۳۹۲: ۲۵- ۲٤)

اوجالان شرط عبور از مصائب ملت – دولت و تبدیل شدن به ملت دموکراتیک را روش مدیریتی خودگردان می‌داند و در ادامه توضیحات خود «پ.ک.ک» کنونی را نماد یک حزب پخته دموکراتیک می‌داند که با احزاب دولت – ملت گرای سنتی متفاوت است. او در مورد حیات سیاسی و خودگردانی دموکراتیک در ملت دموکراتیک معتقد است که هر ملتی دارای مدیریت ذاتی مخصوص به خود است که اگر از آن محروم شود در واقع از حالت ملت نیز خارج شده است. (اوجالان، ۱۳۹۲: ۲۱۸)

اوجالان نقشه سیاسی خاورمیانه بعد از «سایکس– پیکو» را بدلی از پیمان صلح ورسای قلمداد می‌کند که در واقع مفهوم آن پایانی بر صلح بود و خاورمیانه را به درون بحران و بن‌بستی عمیق فرو برد. او بر این اساس استدلال می‌کند که تمامی دولت – ملت‌هایی بوجود آمده که بعد از جنگ جهانی اول سازمان‌هایی بودند که در داخل علیه ملت‌های خویش و در خارج علیه یکدیگر به جنگ مشغول شدند. بنابراین از منظر وی تداوم نگهداری این دولت – ملت‌های ساختگی به معنی ثبات رژیم‌هایی از جنگ‌های داخلی و خارجی است. اوجالان مهم‌ترین شاهد ادعای خود را تقسیم کُردستان به دنبال عهدنامه «سایکس – پیکو» می‌داند و بر این باور است که دولت – ملت‌های پهناور برآمده از این عهدنامه در واقع سرزمین‌هایی طراحی شده هستند که بواسطه پاکسازی قوم کُرد برای ارمنی و سریانی و یهودی پدید آمده‌اند و در یک کلام موازنه دولت – ملت در خاورمیانه توسط نیروهای هژمونیک مدرنیته کلاسیک طراحی شده است. او بر همین اساس تشکیل هسته

دولت – ملت کُرد در اقلیم کردستان را نیز در چارچوب حساب و کتاب‌های هژمونیک اسرائیل ارزیابی می‌کند که شامل حمایت از حزب دموکرات کردستان عراق توسط اسرائیل در دهه ۱۹٦۰و ایجاد جنگ دوم خلیج فارس برای تشکیل هسته ماندگار دولت – ملت کُرد توسط این حزب با هدف پاکسازی «پ.ک.ک» بوده است. اوجالان بر این مسئله تأکید دارد که ترتیب دهندگان جنگ خلیج فارس، همان نیروهایی بودند که طی سده‌های اخیر کردستان را تجزیه کرده‌اند. (اوجالان، ۱۳۹۲: ۲٦۷–۲٤۷)

بنابراین اوجالان در نظریه خود نه تنها دیگر به دنبال تشکیل یک دولت – ملت مستقل نیست، بلکه تشکیل هسته دولت – ملت را یک سم مهلک قلمداد و در این رابطه تصریح می‌کند:

> «اگر انقلاب کردستان رهیافت ملت دموکراتیک خویش را از طریق برقراری مدیریت‌های کنفدرال و اقتدار دموکراتیک نهادینه گرداند، این مدل می‌تواند در حل گره‌های کور قدرت و بیماری دولت‌گرایی هزاران ساله خاورمیانه راهگشای تحولاتی ریشه‌ای گردد. چیزی که خلق‌ها و فرهنگ‌های خاورمیانه به آن احساس نیاز می‌کنند اقتدار دموکراتیک است. به غیر از این هر نوع چاره‌یابی دیگری که متکی به آزمودن اعمال نیرو و قوه دولتی باشد همانگونه که تا کنون در همه نمونه‌های آزموده شده دیده شده است منجر به یک زندگی اجتماعی است که استمرار آن تحت مسائلِ حادتر شده، سخت خواهد بود.» (اوجالان، ۱۳۹۲: ۲٦۵)

ترکیبی از تأکید «پ.ک.ک» بر حفظ تمامیت ارضی سوریه (نفی استقلال خواهی) و نفوذ تاریخی این حزب در جامعه کُردی سوریه یک فرصت تاریخی در اختیار حزب اتحاد دموکراتیک قرار داد و به تغییر معادلات بحران در شمال سوریه منجر شد. با اعتراضات عمومی در سوریه بسیاری از ناظران بر این باور بودند که احزاب کُرد علیرغم همه شکاف‌های موجود موفق به سازماندهی خود در بدنه معارضین خواهند شد. اما در شرایطی که معارضین عرب در حال تدارک افزایش فشار به حکومت مرکزی بودند بشار اسد از روز ۲٦ مارس ۲۰۱۱، امتیاز دهی به کردها را با اصلاح قوانین شماره (٤۱) و (٤۳) (صادره

در سال ۲۰۰٤) و قانون شماره (٤٩) (صادره در سال ۲۰۰۸) آغاز کرد.[1] بشار اسد روز هفتم آوریل ۲۰۱۱ نیز قانون شماره (۹۳) را لغو کرد و به افراد بی‌تابعیت موسوم بـه (اجانـب) اجـازه داد بعـد از ثبـت نـام، تابعیت شهروند عرب سوری دریافت کنند. البته این دستور شامل حال افراد بی سرزمین غیـر ثبـت شـده (مکتومین) نبود[2] (Kurd watch (A&B), ۲۰۱۱)

بنابراین با وجود تصاعد اعتراضات در مناطق عربی، تا پیش از تشـکیل شـورای میهنـی کُـرد در اکتبـر۲۰۱۱، بیشتر کمیته‌های جوانان که وابسته به یکی از احزاب کُردی بودند به شکل غیر منسجم فعالیت می‌کردند. روز ۲٦ اکتبر۲۰۱۱، شورای میهنی کُرد سوریه در اربیل مرکز اقلیم کردستان عراق و تحت حمایت مسعود بارزانی شکل گرفت. به غیر از حزب اتحاد دموکراتیک و جنبش آینده کُردی ۱۱ حزب فعال در کردستان سـوریه در این شورا عضو شدند. این شورا یک تقلید آشکار از شورای ملی سوریه بود که توسط معارضین عرب تشکیل شده بود. با آغاز تلاش شورای میهنی کُرد برای بسیج عمومی و ایجاد وحدت در بـین احـزاب علیـه دولـت مرکزی، زمینه های رویارویی حزب اتحاد دموکراتیک که در حال هماهنگی با دولت مرکزی سوریه بود آغاز شد و نیروهای حزب سرکوب سایر احزاب کردی را آغاز کرد.

(Kurd Watch (Report ۹), ۲۰۱۳:٥-۹)

به دنبال روند تصاعدی قدرت‌یابی حزب اتحاد دموکراتیک و ساختارهای وابسته به آن، این حـزب طـی از جولای ۲۰۱۲، ضمن توافق با دولت مرکزی و پس از عقب‌نشینی نیروهای ارتش و امنیتی، بر مناطق کُردنشین سوریه مسلط شد. حزب روز ۱۳ نوامبر ۲۰۱۳ در مناطق سه گانه کُردی شمال سوریه در بخش اعظـم اسـتان حسکه[3] (جزیره) و شهرهای عفرین و عین‌العرب (کوبانی) در استان حلب دولت موقت تشـکیل داد. حـزب

---

۱. قانون شماره (٤۳) انتقال مالکیت زمین در محدوده‌ای که برای برنامه بهره برداری تصویب شده ممنوع شده بود. براین اساس انتقال زمین‌های کشاورزی از والدین به فرزندان یا نوه‌ها نیاز به کسب مجوز از دولت داشت، قانون شماره (٤۹) نیز مالکیت زمین در مناطق مرزی و اجاره بلند مدت مشروط به اخذ مجوز دولتی کرده بود. با وجود این اصلاحات، برادران یـا خواهران برای انتقال زمین همچنان نیاز به اخذ مجوز دولتی داشتند. (Kurd Watch (Report ٦), ۲۰۱۰: ۱-۱۱)

۲. قانون (۹۳) در ۲۳ آگوست ۱۹٦۲ براساس اجرای یک سرشماری خاص در استان حسکه به تصویب رسید و از روز پنجم اکتبر همان سال به اجرا گذاشته شد. براساس این قـانون ۱۲۰ هزار کرد با استناد به این مسئله که ترک تبار هستند سلب تابعیت شدند و حق مالکیت از آنان سلب شد. این اقدام شدید دولت سوریه متاثر از انقلاب «ملا مصـطفی بـارزانی» در عراق بود که امکان داشت تحرکات کُردها در سوریه را نیز رادیکالیزه کند. این احساس مخصوصا در مورد جزیره که دارای سابقه مطالبات خودمختاری بـود و در مجـاورت مرزهـای کردستان عراق نیز قرار داشت ، قوی تر بود. به موازات این اقدام در ۸ مارس ۱۹٦۳ ائتلافی از مقامات بعثی قدرت را به نام «آرمان گرایان پان عرب» به دست گرفتند. در نوامبر ۱۹٦۳ «محمد طالب هِلال» فرمانده امنیتی حسکه گزارشی با جنبه های سیاسی ، فرهنگی و اجتماعی تهیه کرد. او در این گزارش ، کُردها را «مردم خشن کوهی» خطاب کرد که فاقد تـاریخ ، تمدن ، زبان و پایه قومی هستند و در ادامه نوشت: «ما باید کُردها را مردمی در نظر بگیریم که در حال تلاش برای ایجاد یک میهن خیالی هستند. آنها دشـمن مـا هسـتند و بـا وجـود وابستگی های مذهبی که با ما دارند ، بین آنان و اسرائیل فرقی وجود ندارد.» (Kurd Watch (Report ٥),۲۰۱۰:۳-۱۰)

۳ . ارتش سوریه حضور خود را در مناطق محدودی نظیر شهر قامشلو، بخش زیادی از شهر حسکه و محدوده استقرار تیپ توپخانه ٥٦٤ را حفظ کرد.

اتحاد دموکراتیک بعد از طی یک روند پر فراز و نشیب سه ساله در نهایت روز ۱۰ دسـامبر ۲۰۱۵ اقـدام بـه تشکیل شورای تأسیس فدرالی در شمال سوریه نمود و روز دوم ژوئن ۲۰۱٦ مبـانی نظـری تشـکیل فـدرالی تحت عنوان «قرارداد اجتماعی فدرالی دموکراتیک در روژاوا– شمال سوریه»[1] را منتشر کـرد. در بنـد (ب) از ماده سوم در باب اول این میثاق، مناطق جزیره، کوبانی و عفرین به عنوان بخش‌هـایی از جغرافیـای سـوریه معرفی شده که اداره خودگردان در آن مستقر می‌شود و شهر عفرین مرکز این اداره در بخش عفـرین خواهـد بود. این بخش‌ها بر اساس پیشنویس دیگری تحت عنوان اداره خودگردان اداره خواهد شد.

(سنایی، آزاد، ۱۳۹۵: ٤٠–۳۸)

جدول ٤–٥١– روند توسعه ساز و کارهای خودگردانی توسط حزب اتحاد دموکراتیک

بازه زمانی	کُنش	کارکرد
۲۰ جولای ۲۰۱۲	محاصره مراکز دولتی در مناطق کُردی	تسلط بر زمین
۱۰–۱۲ نوامبر۲۰۱۲	عقب نشینی دولت از درباسیه، تل‌تمر، عامودا و مالکیه (دریک) و تسلط حزب بر مرز ترکیه	
۱۸ جولای ۲۰۱۳	انتشار قانون دولت موقت خودگرانی دموکراتیک در کردستان غربی (روژاوا) با پایتختی قامشلو	ایجاد کارگزاری
۱۵ سپتامبر۲۰۱۳	تسلط حزب بر استان حسکه و دو شهر عین‌العرب (کوبانی) و عفرین در استان حلب	
۱۳ نوامبر۲۰۱۳	اعلام دولت موقت خودگردان با ٦۱ عضو در جزیره، کوبانی و عفرین و تشکیل کمیته نگارش قانون	
۲۱ ژانویه ۲۰۱٤	اعلام آغاز به کار ساختار اداری خودگردانی (کانتون) با ۲۲ وزارتخانه، توسعه ساختارهای نظامی و امنیتی دفاع خلق و آسایش و آغاز امنیتی شرایط علیه احزاب کُرد رقیب	اداره خودگردان
۵ فوریه ۲۰۱۵	اعلام قانون اداره سه کانتون (بخش‌های خودگردان جزیره، کوبانی و عفرین)	
۱۰ دسامبر۲۰۱۵	تشکیل شورای تأسیس فدرالی در شمال سوریه و تغییر مرکز از قامشلو به عفرین	
۲ ژوئن ۲۰۱٦	انتشار میثاق قرارداد اجتماعی فدرالی دموکراتیک در روژاوا – شمال سوریه	

(سنایی، آزاد، ۱۳۹۵: ٤٠–۳۸)

ویژگی اهرمی عملیاتی‌سازی نظریه اوجالان در سوریه به وضوح در روند روابط «پ.ک.ک» و دولـت ترکیـه نمایان شد. عبدالله اوجالان به موازات اعلام دولـت موقـت در کردسـتان غربـی (روژاوا) و در آسـتانه اعـلام کانتون در این مناطق، در روزهای ۲۲ اکتبر و ۲۹ نوامبر۲۰۱٤، با اعضاء حزب دموکراتیـک خلـق‌هـا[2] کـه بـه «پ.ک.ک» گرایش دارند ملاقات کرد و خودگردانی را به عنوان بخش اصلی مرحله جدید مذاکرات صلح بـا دولت مطرح نمود. او تاکید کرد بود می‌بایست نیازهای قانونی ایجاد خودگردانی برطرف شـود و اصـلاحات مورد نیاز برای اجرای آن در قانون اساسی انجام شود. در ادامه این روند، روز ۲۸ فوریـه ۲۰۱۵، سـیری ثریـا اُوندر در یک کنفرانس مطبوعاتی از صدور یک بیانیه ۱۰ بندی توسط اوجالان خبر داد که ناظر بـه مضـامین

---

۱ . العقد الاجتماعی للفیدرالیهٔ الدیمقراطیهٔ لروج آفا – شمال سوریا

۲. سیری ثریا اُوندر معاون حزب و ادریس بالوکن، پِروین بولدان و هاتیپ دیکل دیگر اعضاء این حزب.

نظری خودگردانی و اجرای کنفدرالیسم دموکراتیک بود.[1] در مقابل اردوغان در روز ۱۵ مارس ۲۰۱۵، بیانیه‌ای صادر کرد و یکباره پس از ۱۰ سال مقوله‌ای به نام «مشکل کُردی» را انکار کرد و آن را تلاش بـرای تجزیـه ترکیه خواند و بدین ترتیب مذاکرات صلح بین طرفین متوقف شد. (Yeğen, ۲۰۱۵: ۱۵)

ترکیه به موازات آغاز حملات داعش به کوبانی با ایجاد آرایش نظامی در مرز سوریه مانع از ارسـال هرگونـه کمک اعم از مواد غذایی، آب آشامیدنی، دارو و تسلیحات به مناطق کُردی شد. دولت اقلیم کردسـتان نیـز در همراهی با ترکیه از ماه آوریل ۲۰۱٤ به بهانه جلوگیری از قاچاق و ورود غیر قـانونی از مرزهـا در محـدوده مالکیه (دریک) یک خندق ۱۷ کیلومتری در مرز با سوریه نمود. هر چند حزب در مقابل مطالبه احزاب کُردی برای مشارکت در اداره مناطق کردی و ورود ارتش آزاد و پیشمرگه‌های اقلیم کردستان به این منـاطق تسـلیم شد، اما ورود آمریکا به صحنه نبرد و آغاز کمک دوباره موازنه را به نفع حزب اتحـاد دموکراتیـک تغییـر داد. علیرغم اعتراض دولت ترکیه، فرماندهی مرکزی نیروهای آمریکا روز ۱۹ اکتبر ۲۰۱٤ کمـک بـه حـزب را بـا ارسال هوایی ۲۷ پالت سلاح سبک، مهمات و لوازم پزشکی بر روی شهر «عین العرب» آغاز کرد.
(Kurd watch, ۲۰۱٤)

با وجود تلاش ترکیه تشکیلات خودگردانی دموکراتیک در کردستان سوریه روبه قوام پـیش مـی‌رفـت. ایـن تشکیلات شامل دو شورای قانون گذاری و قضایی و یک کمیته عالی انتخابـات در رأس هـرم اداری و یـک شورای اداری در هر کانتون است که هر یک از آنها از ۲۰ هیئت بـرای رسـیدگی بـه امـور مختلـف تشـکیل شده‌اند. (مرکز عمران للدراسات الاستراتیجیهٔ، ۲۰۱۵: ۹)

جدول ٤-٥٢- مشخصات کانتون‌های خودگردان در کردستان غربی (روژاوا)

کانتون	مساحت (ک.م۲)	تعداد نواحی اداری	تعداد روستا	تعداد شهرداری	مرکز اداری
جزیره	۲۳,۰۰۰	۱٤	۱۷۱۷	۱۳	عامودا
عفرین	۳,۸۵۰	۷	۳٦٦	۱۷	عفرین
کوبانی	۳,۰٦۸	۲	٤٤۰	۱	کوبانی

(مرکز عمران للدراسات الاستراتیجیهٔ، ۲۰۱۵: ۹)

[1] . بیانیه اوجالان در برگیرنده این مفاهیم بود: «تعریف و محتوای سیاست های دموکراتیک، تعریف ابعاد ملی و محلی راه حل دموکراتیک، ضمانت قانونی و دموکراتیک شهروندی آزاد، روابط بین دولت و جامعه و –اینکه چگونه این موارد می‌توانند نهادینه شوند – ابعاد اقتصادی اجتماعی فرایند حل مشکل، مدیریت دموکراسی و گره‌های امنیتی در دوره زمانی فرایند حل مشکل با شیوه‌هایی که نظم و آزادی عمومی حفظ شود، راه حل‌های قانونی و ضمانت سیاست‌های مربوط به زنان، فرهنگ و محیط زیست، توسـعه دموکراسـی کثـرت‌گـرا بـرای تعریف مفهوم هویت، تعریف مفاهیم جمهوری دموکراتیک، میهن و ملت مشترک با مفاهیم دموکراتیک و ضمانت قانونی و پشـتیبانی قـانون اساسـی از ایـن مـوارد همـراه بـا سیسـتم دموکراسی کثرت گرا.»

جدول ٤-٥٣- هیئت‌های فعال در شوراهای اداری هر کانتون

روابط خارجی	کار و اموراجتماعی	تجارت و اقتصاد	مخابرات	تأمین	آموزش و پرورش	دفاع و حمایت ذاتی
عدالت	خانواده شهداء	زراعی	داخلی و آسایش	امور دینی	فرهنگی	اداره محلی و شهرداری‌ها
حقوق بشر	حمل و نقل	بهداشت	مالی		امور زنان و خانواده	شهرداری‌های مردمی

(مرکز عمران للدراسات الاستراتیجیهٔ، ٢٠١٥: ١١)

حزب اتحاد دموکراتیک به دلیل فاصله جغرافیایی مناطق کرد نشین برای عملیاتی سازی کنفدرال دموکراتیک با یک چالش بزرگ روبرو بود و به همین دلیل بلافاصله بعد از آغاز عملیات مشترک با ائتلاف تلاش کرد با استفاده از بستر مبارزه با داعش شکاف جغرافیایی بین کانتون‌های سه گانه را پُر کند. شکاف جغرافیایی بین کانتون‌های سه گانه حاصل اجرای طرح کمربند عربی است که دولت سوریه از سال ١٩٧٣ اجرای آن را آغاز کرده بود. در نوامبر ١٩٦٣، محمد طالب هلال فرمانده امنیتی حسکه گزارشی با جنبه‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی برای دولت مرکزی ارسال کرد که در آن کردها را با اسرائیل مقایسه شده و تأکید شده بود که آنها در تلاش برای ایجاد یک میهن خیالی هستند. هلال برای جلوگیری از این روند پیشنهادات ١٢ گانه‌ای ارائه داد که بندهای ششم، هشتم و دهم آن ناظر به محصور کردن و اختلاط مناطق کردی با جمعیت‌های عربی بود. بر این اساس دولت مرکزی بر اجرای برنامه‌ای را در دستور کار قرار داد که به «کمربند عربی» مشهور شد و با اجرای آن حدود ١٤٠ هزار کُرد از ٣٣٢ دهکده در محدوده‌ای معادل ١٥٠ کیلومتر مربع در امتداد مرز ترکیه اخراج و به جای آنان شهروندان عرب سکونت داده شدند. این طرح در سال ١٩٦٥ به تصویب رسید و اجرای آن از سال ١٩٧٣ آغاز شد. با اجرای طرح کمربند عربی تا سال ١٩٧٦، ٢٥ هزار خانواده عرب در جزیره اسکان داده شدند.

(Kurd Watch Report (١), ٢٠٠٩: ١٣-١٦)

بنابراین نیروهای جبهه دموکراتیک سوریه با ترکیب ٢٤ هزار نیروی کرد، ٤٣٥٠ نیروی عرب و ٢ هزار نیروی سریانی به شهر منبج در کرانه غربی رود فرات حمله کردند. ترکیه هشدار در مورد لزوم عقب نشینی آنها به کرانه غربی رود را آغاز کرد، اما این نیروها در قالب شورای نظامی منبج تحت حمایت لجستیک و هوایی ایالات متحده روز ٢٤ ژوئن ٢٠١٦، کنترل منبج را در اختیار خود گرفتند. جبهه دموکراتیک بعد از تصرف منبج متوقف نشد و یک شورای نظامی جدید به نام شورای نظامی جرابلس برای حمله به این شهر خبر داد و روز ٢٢ آگوست ٢٠١٦ نیروهای خود را از کرانه رود ساجور در شمال

منبج عبور به سمت جرابلس در شمال عبور داد. با این وصف، ترکیه از بامداد روز ۲٤ آگوست ۲۰۱٦، عملیاتی را با نام «سپر فرات»، آغاز کرد محدوده اجرای این عملیات در طول ۹۰ کیلومتر نوار مرزی ترکیه از کرانه غربی فرات در جرابلس به سمت شرق تا اعزاز ادامه داشت و تا شهر الباب در ٤٥ کیلومتری خاک سوریه ادامه یافت که نتیجه آن عقب راندن جبهه دموکراتیک از جرابلس و حفظ شکاف عربی به مساحتی در حدود ۲۳۰۰ کیلومتر مربع بین دو کانتون کوبانی و عفرین بود. ادله ترکیه از آغاز این عملیات مبارزه با همه اشکال تروریسم اعم از داعش و «پ.ک.ک» و جلوگیری از ایجاد یک کیان تروریستی در مرزهای این کشور بود. بنابراین ترکیه تا روز ۱٦ مارس ۲۰۱۷ پایان عملیات سپرفرات را اعلام کرد و ۱۰ الی۱۲ هزار نیروی وابسته به ارتش آزاد سوریه را در محدوده تصرف شده استقرار داد. این محدوده از روستای مریمین تا سد الشهباء امتداد داشت و شامل ۱۱ روستا بود. ترکیه انتقال آوارگان سوری به شهرها و روستاهای این محدوده را آغاز کرد و اداره آنها را به شوراهای محلی وابسته به دولت موقت ائتلاف معارضین سپرد. (مرکز عمران للدراسات الاستراتیجیة، ۲۰۱٦: ۷-۱)

مناقشه ترکیه با حزب اتحاد دموکراتیک در سوریه به یک چالش برای پیشبرد اهداف ائتلاف در حمله موازی به مراکز ثقل فیزیکی داعش در موصل و رقّه تبدیل و به اختلاف بین ایالات متحده و دولت ترکیه نیز منجر شد. حدود سه ماه بعد از آغاز عملیات سپر فرات ژنرال وُتل فرمانده منطقه مرکزی در وزارت دفاع آمریکا، روز ۲۷ اکتبر۲۰۱٦ به این مسئله اشاره کرد که ایالات متحده امیدوار بود عملیات موصل و رقّه به موازات هم انجام شود، اما آغاز عملیات ترک‌ها در شمال سوریه باعث تعویق چند هفته‌ای برنامه شد. (NBC News, ۲۰۱٦)

در واقع حزب اتحاد دموکراتیک در سایه اختلاف آمریکا و ترکیه موفق به جلب پشتیبانی ایالات متحده در مقابل حملات ترکیه شد که نتیجه منطقی آن تثبیت وضعیت حزب در مناطق تحت کنترل آن بود. «برت مک‌گورگ»، نماینده ویژه دولت آمریکا در ائتلاف مبارزه با داعش چهار روز بعد از آغاز عملیات سپر فرات از اقدام ترکیه در حمله به نیروهای جبهه دموکراتیک سوریه پرداخت به شدت انتقاد کرد و دراین‌باره نوشت:

«ما می‌خواهیم روشن کنیم که این درگیری‌ها در جایی که داعش حضور دارد غیر قابل قبول و مایه نگرانی عمیق است. آمریکا در این فعالیت‌ها مشارکتی ندارد. آنها با نیروهای آمریکا همکاری ندارند و ما از آنان حمایت نمی‌کنیم.» (Brett McGurk, ۲۰۱٦)

جوزف وُتل فرمانده منطقه مرکزی نیز بر تداوم حمایت از نیروهای دفاع خلق تأکید کرد و اشتون کارتر وزیر وقت دفاع آمریکا به تلاش برای توقف این حملات در همه سطوح اشاره و بر این نکته تأکید کرد که آمریکا از همه اقدامات ترکیه در مبارزه با داعش و ایجاد امنیت در مناطق مرزی و جرابلس (البته در بخش غربی) شدیداً حمایت می‌کند، اما این حمایت شامل حملات جنوب جرابلس که علیه نیروهای جبهه دموکراتیک سوریه انجام می‌شود نیست. (U.s department of Defence (D), ۲۰۱٦)

با وجود حمایت دیپلماتیک ایالات متحده از حزب اتحاد دموکراتیک، ترکیه روز ۲۵ آوریل ۲۰۱۷ مواضع این حزب در شمال سوریه را بمباران کرد و واحدهای رزمی ارتش را با آرایش تهاجمی در منطقه درباسیه واقع در مرز سوریه مستقر کرد، روز بعد از آن، ایالات متحده نیروهای ویژه رزهی را برای جلوگیری از درگیری نیروهای ترک به منطقه تنش اعزام کرد و این نیروها بین دو طرف حائل شدند. این اقدام آمریکا بعد از آن رخ داد که حزب اتحاد دموکراتیک تهدید کرد در صورت تهدید موجودیت کانتون‌ها توسط ترکیه، نیروهای شرکت کننده در عملیات آزادی شهر طبقه در استان رقّه برای دفاع در مقابل تهاجم ترکیه به داخل کانتون‌ها باز خواهند گشت. البته نیروهای حائل آمریکا از روز ششم مارس ۲۰۱۷ نیز در منبج بین نیروهای کُرد و نیروهای تحت حمایت ترکیه قرار گرفته بودند. ژنرال تون‌سند فرمانده ائتلاف بین‌المللی درباره این اقدام آمریکا توضیح داد که ایالات متحده می‌خواهد نیروی جبهه دموکراتیک سوریه در مبارزه با داعش و آزادی رقّه متمرکز باشد در مناقشات دیگر. (The star, ۲۰۱۷)

ترکیه علیرغم مخالفت آمریکا، در ماه جولای ۲۰۱۷ وعده آغاز عملیات دیگری با نام سیف‌الفرات را داد که هدف از آن تسلط کامل بر محدوده مِنُغ، تل‌رفعت، دیرجمال، حربل، شیخ عیسی و کلّ روستاهای تل‌الشهباء بود که نیروهای حزب اتحاد دموکراتیک به طور مشترک با جبهه دموکراتیک سوریه در آنها استقرار داشتند. هدف ترکیه از اجرای این عملیات تکمیل عملیات سپر فرات (درع الفرات) در راستای جلوگیری از امکان تحقق هرگونه اقدام جایگزین حزب اتحاد دموکراتیک برای اتصال غرب و شرق

فرات به یکدیگر بود. ترکیه در عین حال با اجرای این عملیات قادر به تکمیل کمربند عربی کـانتون عفـرین میشد. ارتش ترکیه در نهایت زیر پوشش اجرای طرح کاهش تنش به عنوان یکی از نیروهای سه گانه ضـامن آتش بس در ادلب روز ۱۳ اکتبر ۲۰۱۷ نیروهای خود را وارد خاک سوریه کرد و در جنـوب کـانتون عفـرین آرایش نظامی گرفت. (العلو، ۲۰۱۷: ٦)

تشکیل گروه‌ها و انحلال آنها در سوریه یک روند مرسوم و تابع دشمنی‌ها و دوستی‌های بین گروهی بود که نتیجه آن نیز ادغام‌ها و ائتلاف‌های متعدد است. برهمین اساس تخمین و بـرآورد از اسـتعداد و تعـداد گروه فعال در یک ائتلاف کاری بسیار دشوار بود. با این وصف ترکیه قادر به ادغام استعدادی بین ۱۰ تـا ۱۲ هزار نفر از گروه‌های وابسته به ارتش آزاد سوریه و گروه‌های مستقل در چارچوب عملیـات «حـوار کلس»[1] شد که در عملیات درع الفرات و سیف الفرات تحت پشتیبانی زرهی و هوایی ارتش ترکیـه در دو جبهه با داعش و نیروهای حزب اتحاد دموکراتیک وارد جنگ شدند. اتاق عملیات حوار کلس در آخرین علام وضعیت آرایش اعضاء این ائتلاف تا ۲۵ سپتامبر ۲۰۱۷، تعداد آنها را ۲٦ گـروه اعـلام کـرد کـه در قالب سه بلوک یا ائتلاف کوچکتر تقسیم‌بندی شده بودند.

جدول ٤-٥٤- ترکیب اتاق عملیات حوار کلس

	ائتلاف سلطان مراد		ائتلاف النصر	ائتلاف جیش الوطنی
فرقه السلطان مراد	فرقةالحمزة	لواء السلطان سلیمان شاه	فرقه الصفوة	لواء السمرقند
فرقه السلطان عثمان	فرقه التاسعه	لواء صقور الشام	احرارالشرقیه	لواء المنتصر بالله
جیش‌النخبه	فرقه ۲۳	لواء المعتصم	الفوج الاول	لواء محمد الفاتح
لواء صقور الشمال	ثوار الجزیره	لواء المغاویر	الفوج الخامس	لواء الوقاص
لواءالشمال	جیش الاحفاد	احرار الشام	جبهه الاصاله و التنمیه	لواء الثالث
	جیش الاسلام			

(غرفة عملیات حوار کلس، ۲۰۱۷)

۳-۱٤- کنفدرالیسم دموکراتیک و تقسیمات اداری- سیاسی سوریه بعد از داعش

بعد از ایجاد ساز وکارهای ثانویه توسط ائتلاف بین‌المللی، رقابت برای تسلط بر زمین بین دو بلـوک رو در رو با داعش در سطوح مختلف آغاز شد. اداره اطلاعات نظامی سوریه از ابتدای جنگ در تلاش بود تا

۱ . نام شهری در شمال استان حلب

با ایجاد گروه‌های مسلح عرب که ظاهراً به دولت مرکزی وابسته نبودند تا جای ممکن کنترل اراضی را در استان‌های مختلف حفظ کند. این گروه‌ها با فرماندهی نیروهای بعثی در امتداد هماهنگی سُنّتی دولت با حزب اتحاد دموکراتیک بر پایه تأمین منافع دو طرف در راستای جلوگیری از تفوّق اعراب معارض بر مناطق کُردی شکل گرفتند. البته این روند به دو دلیل متضمن تقبل ریسک از سوی طرفین بود:

۱. حزب اتحاد دموکراتیک علاوه بر هماهنگی با دولت مرکزی سوریه در هم‌پیمانی رسمی ائتلاف به سر می‌برد و این امکان وجود داشت که به طور یکجانبه در فرایند کشمکش قدرت در چارچوب مطالبات آمریکا عمل کند.
۲. این خطر برای حزب اتحاد دموکراتیک وجود داشت که دولت مرکزی با تسلط بر زمین، تفوّق به دست آمده از سوی حزب را خدشه دار و ساختارهای کارگزاری ایجاد شده در مناطق کُردی را مضمحل سازد.

در همین راستا اداره اطلاعات نظامی ارتش سوریه و روسیه در هماهنگی با نیروهای دفاع خلق، تلاش کردند تا گروه‌های عرب همسو با دولت مرکزی را به جای گروه‌های وابسته به ارتش آزاد سوریه در ائتلاف سوری‌های عرب عضو جبهه دموکراتیک سوریه سازماندهی نماید. به عنوان مثال در سپتامبر ۲۰۱٦، قبل از آغاز مرحله اوّل عملیات آزادی رقّه در نوامبر ۲۰۱٦، «لواء صقور الرقة» به فرماندهی «فیاض الفیاض» از سوی اداره اطلاعات نظامی با تجهیزات کامل نظامی برای همکاری با جبهه دموکراتیک سوریه به قامشلو اعزام شد و حتی مورد حمایت تسلیحاتی و لجستیک ائتلاف نیز قرار گرفت.[1] «لواء صقور الرقة» پیش از عضویت در جبهه دموکراتیک سوریه ضمن همراهی حزب اتحاد دموکراتیک سوریه موفق به جلب اعتماد ایالات متحده شده بود. این گروه روز ١٦ ژوئن ۲۰۱۵ همراه با واحدهای دفاع خلق، حمایت زنان و اتاق عملیات برکان‌الفرات در عملیات مشترک «شهید روبار قامشلو» علیه داعش جنگیده بود و در پاکسازی اراضی حدفاصل جبل عبدالعزیز در استان حسکه تا انتهای شهر تل‌أبیض در استان رقّه مشارکت کرده بود.(إسمارت نیوز (الف)، ۲۰۱۷)

---

۱. در کنار فیاض افراد دیگری نظیر غانم خلف مفتاح عضو سابق کادر رهبری ملی حزب بعث، خلیل شویخ عضو شاخه حزب در تل‌أبیض و ابویامن گروه‌هایی نظیر لواء الغانم، تجمع شمال و مغاویر بادیه را تحت پوشش عضویت در ارتش آزاد سوریه تأسیس کردند.

«أبو عیسی» فرمانده «لواء ثوار الرقۀ» که متشکل شاخه‌های بزرگ مسلح ارتش آزاد در رقّه بود ضمن ابراز نگرانی از حضور «لواء صقور الرقۀ» در عملیات آزادی این شهر و کنار گذاشته شدن «لواء ثوار الرقـۀ» بـه عنوان تنها شاخه فعال ارتش آزاد سوریه در استان اعلام کرد که مستنداتی از ارتباط «لواء صقور الرقۀ» بـا دولت سوریه به ائتلاف و فرماندهی جبهه دموکراتیک ارائه داده است، بـا وجـود ایـن، فرمانـدهی جبهـه دموکراتیک سوریه «لواء ثوار الرقۀ» را از مشارکت در عملیات کنار گذاشت. از سوی دیگر حـزب اتحـاد دموکراتیک ضمن استفاده از ظرفیت اداره اطلاعات نظامی برای حذف گروههای مؤثر ارتش آزاد، بـا هـر گونه نشانه اعاده کنترل دولت مرکزی توسط گروه‌های دست ساز اداره اطلاعـات نظـامی نیـز بـه شـدت برخورد می‌کرد.[۱] (إسمارت نیوز (الف)، ۲۰۱۷)

علیرغم تلاش حکومت مرکزی برای نفوذ در جبهه دموکراتیـک سـوریه، نسـبت نیروهـای دسـت سـاز اداره اطلاعات نظامی در ترکیب اصلی عملیات رقّه بسیار ناچیز (۱/۵۰) بود بنابراین ارتش سوریه به موازات آغـاز عملیات اصلی آزادی رقّه، با پیشروی به سمت شهر، رقابت با ائتلاف و نیروهای هم‌پیمان با این نهاد را برای در اختیار گرفتن کنترل رقّه آغاز کرد. بر این اساس نیروهای جبهه دموکراتیک سوریه در قالب اتاق عملیـات خشم فرات با استعداد۴۰ هزار نفر در قالب ۷ گروه اصلی[۲] و ۱۲ گروه فرعی[۳] از ۱۸ جهت نظامی آغاز نمود. در مقابل واحدهای ارتش سوریه و نیروهای شبه نظامی تایگر نیـز از محـور رصـافه در جنـوب غربـی رقّـه پیشروی به سمت شهر را آغاز کردند و روز ۱۸ ژوئن ۲۰۱۷ در جنوب شرقی فرودگاه شهر طبقه با نیروهـای جبهه دموکراتیک سوریه درگیر شدند. در این مناقشه نیروی هوایی سوریه با بمباران هوایی تلاش داشـت تـا راه ارتش برای پیشروی به سمت کرانه جنوبی فرات و عبور از پل طبقه به سمت رقّه را باز کند، امـا ائـتلاف پس از ارتباط با طرف روس، از مسیر شرق به غرب به سمت رقّه حـد فاصـل دو کیلـومتری مواضـع جبهـه دموکراتیک سوریه را منطقه کاهش تنش اعلام کرد. با ادامه عملیات ارتش سوریه در این محدوده، یک فروند

---

۱. به عنوان مثال اداره اطلاعات تلاش داشت تا بواسطه خانواده غانم از عشیرۀ جیس به مرور پرچم سوریه را در مناطق تحت کنترل این عشیره در عین‌عیسی در شمال رقّه برافرازد، اما واحدهای دفاع خلق بعد از درگیری با این خانواده دوباره پرچم حزب اتحاد دموکراتیک و جبهه دموکراتیک سوریه را در این مناطق برافراشتند.

۲. دفاع خلق، دفاع زنان، جیش الثوار، جبهه الاکراد، کتائب شمس الشمال، قوات العشائر، لواء مغاویر حمص

۳ . صقور الرقۀ، لواء التحریر، لواء السلاجقه، لواء الصنادید، شورای نظامی سریانی، شورای نظامی منبج، شورای نظامی دیرالزور، نیروهای نخبه، نیروهای دفاع ذاتی، لواء مغاویر حمص

اف–۱۸ ائتلاف، رأس ٦:٤٣ بعد از ظهر روز ۱۸ ژوئن ۲۰۱۷، یک فروند جنگنده سوخوی ۲۲ نیروی هـوایی سوریه را سرنگون کرد. (CJTF-OIR (A), ۲۰۱۷)

اقدام ائتلاف به سرنگونی بمب افکن نیروی هوایی سوریه به یک دوره تـنش کلامـی بـین روسـیه و ایـالات متحده منجر شد، وزارت دفاع روسیه اعلام کرد کانال ارتباط با ائـتلاف را قطـع کـرده اسـت و هـر جنگنـده ائتلاف که وارد حریم عملیاتی روسیه شود را هدف قرار می‌دهد. با وجود این تهدید استرالیا پروازهای خـود در چارچوب ائتلاف را قطع کرد، اما دو طرف تا روز ۲۳ ژوئن ۲۰۱۷ به مناقشه پایان دادند و در نتیجه ارتش سوریه با پذیرش وضع موجود از پیشروی به سمت رقّه پرهیز کرد.(عنب بلدی أونلاین، ۲۰۱۷)

بنابراین بلوک ائتلاف موفق شد بلوک حامی دولت مرکزی سوریه را از پیشروی در خـاک خـود بـازدارد. حزب اتحاد دموکراتیک به عنوان هسته اصلی جبهه دموکراتیک سوریه در یک بزنگاه تـاریخی موفـق بـه توسعه ارضی قلمرو خود شد. بنابراین عملاً ائتلاف بین‌المللی مبارزه با داعش از ظرفیّت نیروهای محلـی در دو بخش مبارزه با تروریسم و تغییر موازنه در کشمکش قدرت علیه دولت مرکزی سوریه بهره‌برداری کرد. این روند با تشکیل و توسعه ساختارهای کارگزاری در مناطق تحت سیطره حزب اتحاد دموکراتیـک کامل شد. روز ۱۸ آوریل ۲۰۱۷، نیروهای جبهه دموکراتیک سوریه از تشکیل شورای اداره شـهر رقّـه بـا مشارکت کردها و عرب‌ها خبر دادند. این شورا برای اداره بخش‌هایی از شمال استان رقّه با شعار «برادری مردم و همزیستی ضمانت امت دموکراتیک»[1] تشکیل شد. شورای شهر رقّـه در عـین عیسـی واقـع در٦٥ کیلومتری شمال رقّه با حضور فرماندهان جبهه دموکراتیک و رؤسـای قبایـل و عشـایر اسـتان اقـدام بـه تأسیس شورا با ١٤ کمیته و دو رئیس مشترک زن و مرد نمود. انتخاب رؤسـای مشـترک زن و مـرد یـک شیوه مرسوم در حزب «پ.ک.ک» و شـاخه‌هـای آن از جملـه حـزب اتحـاد دموکراتیـک اسـت کـه بـه کانتون‌های کردی و شورای شهر رقّه نیز تسرّی یافت. «محمود شواخ البرسان» از شیوخ مقبول رقّه و یکی از زنان کرد این شهر به نام «لیلی مصطفی» به عنوان رؤسای مشترک شورای شـهر رقّـه برگزیـده شـدند. (القیادة العامة لقوات سوريا الديمقراطية، ۲۰۱۷)

---

۱. أخوة الشعوب والتعايش ضمانة الأمة الديمقراطية

روز ۱۸ جولای ۲۰۱۷، دو هیئت از وزارت خارجه آمریکا در مرکز هماهنگی و روابط ائتلاف بین‌المللی در شهر عین عیسی برای سوّمین بار با اعضاء شورای شهر رقّه دیدار کردند. این دیدار توسط «منان سیدو» مشاور سیاسی مرکز هماهنگی و روابط برای دستیابی به راه حل‌های مشکلات استان از مسیرهای رسمی ترتیب داده شده بود. مک‌مکلی و الکس استار نمایندگان رسمی وزارت خارجه آمریکا و شخصیت های تکنوکرات و مهندسان شرکت‌های (TRTK / MAG /RAMKO / IRD) افرادی بودند که درباره آوار برداری و ترمیم و بازگرداندن زندگی طبیعی به شهرهای استان با شورای شهر رقّه وارد مذاکره شدند. (المرکز الإعلامی لقوات سوریا الدیمقراطیة (الف)، ۲۰۱۷)

روز ۲۳ جولای ۲۰۱۷ نیز ژنرال روبرت جونز معاون فرماندهی کلّ ائتلاف راه حل اصلی برای دیدار با شورای شهر رقّه وارد عین عیسی شد و در یک کنفرانس خبری به سؤالات خبرنگاران پاسخ گفت. در این دیدار رؤسای مشترک شورای شهر و عمر علوش عضو دفتر روابط شورا، محامی عبدالله العریان مسئول کمیته خدمات و عبدالسلام حمسور مسئول دفتر سازمان‌های بشر دوستانه حضور داشتند. ژنرال روبرت جونز در این دیدار ضمن تشکر از شورای شهر رقّه با ادای عبارات معناداری به چهارمین دیدار خود از روژاوا اشاره کرد و گفت:

> «این چهارمین بازدید من از روژاوا و شمال سوریه است و هر بار تغییرات عملی محسوسی را در بازسازی زیرساخت‌ها ملاحظه کرده‌ام که حاصل تلاش شورا بوده است.»

(المرکز الإعلامی لقوات سوریا الدیمقراطیة(ب)، ۲۰۱۷)

روز ۲۷ جولای ۲۰۱۷، کنفرانس مردمی دموکراتیک وابسته به نظام فدرالی شمال سوریه برای رأی گیری درباره تقسیمات اداری این ساختار جدید در رمیلان واقع در استان حسکه با ١٥٦ عضو تشکیل جلسه داد.[1] این قانون با شماره (۱) و تحت عنوان «قانون تقسیمات اداری ویژه مناطق فدرالی دموکراتیک شمال

---

۱. این کنفرانس به موازات قانون تقسیمات اداری، قانون انتخابات (شماره۲) در سه اقلیم فدرال شمال سوریه را در ۱۰ فصل و ٤۰ ماده و مؤعد انتخابات را نیز در قالب قانون شماره (۳) در سه ماده تصویب کرد. این مواد سه گانه به ترتیب زمان برگزاری انتخابات کومیسیون‌ها را در تاریخ ۲۰۱۷/۹/۲۲، انتخاب شورای شهرک‌ها، نواحی، مناطق و کانتون‌ها (اداره‌های محلی) را در تاریخ ۲۰۱۷/۱۱/۳ و انتخابات شوراهای مردمی در اقلیم‌ها و کنفرانس مردمی دموکراتیک در نظام فدرالی دموکراتیک شمال سوریه را در تاریخ ۲۰۱۸/۱/۱۹ تعیین کرده بود.

سوریه»[1] در چهار فصل و ۹ ماده به تصویب رسید که نتیجه آن تعیین سه منطقه (اقلیم) با شش شهرستان در شمال سوریه بود که عین عیسی از استان رقّه نیز به عنـوان یکـی از نـواحی شهرسـتان تـل‌ابـیض در چارچوب آن قرار گرفت. (المرکز الإعلامی لقوات سوریا الدیمقراطیۀ (ج)، ۲۰۱۷)

تصویب این قانون به این معنی بود که حزب اتحاد دموکراتیک با تشکیل فـدرال یـک مرحلـه بـه ایجـاد کنفدرال دموکراتیک در شمال سوریه نزدیک شده است. ماده اول از قانون واحـدهای اداری را بـه شـش بخش روستا، ناحیه، شهرک، منطقه، بخش (المقاطعه) و اقلیم تقسیم نموده و بـه تعریـف هریـک از ایـن مفاهیم و مفاهیم میانی پرداخته است:

۱. مزرعه: یک گروه جمعیتی با کمتر از ۱۰۰ نفر؛
۲. روستا: یک گروه جمعیتی بین ۱۰۱ تا ۵ هزار نفر؛
۳. شهرک: یک گروه جمعیتی بین ۵۰۰۱ تا ۲۵ هزار نفر و یک زیر مجموعه اداری از یک ناحیـه یـا مرکز منطقه؛
٤. ناحیه: یک بخش از منطقه که جمعیت آن حداقل ۱۵ هزار نفر است و مرکز آن میتواند یک شـهر یا یک روستا باشد؛
۵. شهر: یک گروه جمعیتی با بیش از ۲۵ هزار نفر؛
٦. محله: بخشی از شهر یا شهرک که در شهر حـداقل ۵ هـزار نفـر جمعیـت دارد و در شـهرک‌هـا حداقل ۲ هزار نفر جمعیت دارد؛
۷. منطقه: بخشی از اقلیم یا شهرستان است که حداقل ۵۰ هزار نفر جمعیت دارد و مـی‌توانـد شـامل بیش از یک شهر و ناحیه باشد. مرکز منطقه ممکن است یک شهر یا شهرک باشد؛
۸. بخش: متشکل از شهر و حومه‌های آن است و بخشی از یک اقلیم محسوب مـی‌شـود. بخـش از یک یا چند منطقه تشکیل شده و مرکز آن یک شهر است؛

۱. قانون التقسیمات الإداریۀ الخاص بمناطق الفیدرالیۀ الدیمقراطیۀ لشمال سوریا

۹. اقلیم: یک واحد اداری خودگردان که از یک یا چند بخش یا منطقه با ویژگی‌های مشابه تاریخی جغرافیایی، اقتصادی و فرهنگی مشابه تشکیل شده است و بواسطه یکپارچگی جغرافیایی و ارتباطات مشخص می‌شوند.

ماده (۲) از فصل دوم به ایجاد واحدهای اداری اختصاص دارد و ضمن تأکید بر تقسیمات شش‌گانه تعیین شده در ماده (۱) به شخصیت حقوقی جداگانه هر یک از این واحدها اشاره کرده است. ماده (۳) در فصل دوم به ترتیب نزولی واحدهای اداری موجود در یک اقلیم اشاره دارد. براین اساس هر بخش از مناطق، مناطق از نواحی، نواحی از شهرها، شهرها از شهرک‌ها و شهرک‌ها از محله‌ها تشکیل شده‌اند. ماده (٤) از این فصل تصریح کرده که حدود مزارع، روستا، شهرک و نواحی توسط شورای بخش و بر اساس پیشنهاد هیئت اجرایی بخش تعیین می‌شود. مواد (٥)، (٦) تعریف مناطق و بخش‌ها و تعیین مراکز و حدود آنها را در اختیار شورای مردم در اقلیم قرار داده و کنفرانس مردمی دموکراتیک[1] را نمونه آن معرفی کرده است. ماده (۷) تعریف اقلیم و تعیین مراکز و حدود آن را در اختیار کنفرانس مردمی دموکراتیک قرار داده است.[2] (المرکز الإعلامی لقوات سوریا الدیمقراطیۀ (ج)، ۲۰۱۷)

در ماده (۸) از فصل چهارم از قانون شماره (۱) مصوب شورای مردمی دموکراتیک رمیلان به مصادیق تقسیمات اداری برای اقلیم‌ها اشاره شده است. براساس این ماده فدرالی دموکراتیک شمال سوریه به سه اقلیم جزیره، فرات و عفرین تقسیم شده است.

۱. اقلیم جزیره

اقلیم جزیره به دو بخش تقسیم شده است: حسکه و قامشلو

➢ **بخش حسکه**: شامل چهار منطقه حسکه، درباسیه، سری‌کانیه و تل‌تمر است.

- **منطقه حسکه**: شامل مرکز شهر حسکه و شهرک‌ها، روستاها و مزارع تابع مرکز و نواحی شدادی، عریشه و الهول است.

---

۱. منظور کنفرانس روز ۲۷ جولای ۲۰۱۷ در رمیلان استان حسکه است که ١٥٦ عضو آن به قانون تقسیمات اداری رأی دادند.

۲. این حدود در قانون شماره (۱) تقسیمات اداری در روز ۲۷ جولای ۲۰۱۷ مشخص شدند و کنفرانس مردمی دموکراتیک در رمیلان آن را تصویب کرد.

- **منطقه سری‌کانیه**: شامل مرکز شهر سری‌کانیه و شهرک‌ها، روستاها و مزارع تـابع مرکـز و ناحیـه زرکان است.
- **منطقهٔ درباسیه**: شامل مرکز شهر درباسیه، شهرک‌ها، روستاها و مزارع تابع مرکز است
- **منطقه تل‌تمر**: شامل مرکز شهر تل تمر و روستای خابور است.

➢ **بخش قامشلو**: شامل دو منطقه قامشلو و دیریک است.

- منطقهٔ قامشلو: شامل مرکز شهر قامشلو و شهرک‌ها، روستاها و مزارع تابع مرکز و نواحی عـامودا، تربسبیهٔ، تل حمیس، تل براک است.
- منطقهٔ دیریک: شامل مرکز شـهر دیریـک و شـهرک‌هـا، روسـتاها و مـزارع تـابع مرکـز و نـواحی کرکی‌لکی، تل‌کوجر، جل‌أغا است.

۲. **اقلیم فرات**

اقلیم فرات به دو بخش تقسیم شده است: کوبانی و تل‌أبیض

➢ **بخش کوبانی**: شامل دو منطقهٔ کوبانی و صرین است.

- **منطقهٔ کوبانی**: شامل مرکز شهر کوبانی و شهرک‌ها، روستاها و مزارع تابع مرکز و نواحی شیران و قنایا است.
- **منطقهٔ صرین**: شامل مرکز شهر صرین و شهرک‌ها، روستاها و مـزارع تـابع مرکـز و ناحیـه جلبیـهٔ است.

➢ **بخش تل‌أبیض**: شامل منطقه تل أبیض، شهرک‌ها، روستاها و مزارع تابع آن و نواحی عین‌عیسی و سلوک است.

۳. **اقلیم عفرین**

اقلیم عفرین به دو بخش تقسیم شده است: عفرین و شهباء

➢ **بخش عفرین**: شامل مناطق عفرین، جندیرس و راجو است.

- **منطقهٔ عفرین**: شامل مرکز شهر عفرین و شهرک‌ها، روستاها و مزارع تابع مرکز و نواحی شیراوا، ماباتا، شران و میدانکه است.
- **منطقهٔ جندیرس**: شامل مرکز شهر جندیرس و شهرک‌ها، روستاها و مزارع تابع مرکز و ناحیه «شیه» است.
- **منطقهٔ راجو**: شامل مرکز شهر راجو و شهرک‌ها، روستاها و مزارع تابع مرکز و نواحی بلبله، میدانا و بهدینا است.

➢ **بخش شهباء**: شامل منطقه تل رفعت و سه ناحیه است.

- **منطقهٔ تل رفعت**: شامل مرکز شهر تل رفعت و شهرک‌ها، روستاها و مزارع تابع مرکز و نواحی أحرز، فافین و کفرنایا است. (المرکز الإعلامی لقوات سوریا الدیمقراطیهٔ (ج)، ۲۰۱۷)

از میان مناطق تحت اداره جبهه دموکراتیک سوریه، عین عیسی به عنوان یکی از نواحی بخش تل‌ابیض در اقلیم فرات در تقسیمات اداری نظام فدرالی شمال سوریه قرار گرفت، بنابراین محل استقرار مرکز هماهنگی و روابط ائتلاف بین‌المللی و شورای شهر رقّه در محدوده یکی از اقلیم‌های سه گانه نظام فدرالی شمال سوریه تقسیم‌بندی شد. هر چند بخش‌های تحت کنترل نیروهای جبهه دموکراتیک سوریه در استان رقّه در این تقسیم بندی جای نگرفت، اما اداره این مناطق به شیوه رایج در کانتون‌های کردی حکایت از آغاز روند جدیدی در اداره بخش‌های خارج از کنترل دولت مرکزی داشت.

روز ششم آگوست ۲۰۱۷ بار دیگر ائتلاف بین المللی و جبهه دموکراتیک سوریه حول اداره آینده رقّه بعد از آزادی کامل تشکیل جلسه داد. این جلسه با نظارت «آمد سیدو» مشاور سیاسی جبهه دموکراتیک بین الکس استار نماینده امور شهروندی وزارت خارجه آمریکا در ائتلاف، کمبرلی بیلی نماینده وزارت خارجه آمریکا در امور سیاسی و افسران و نیروهای ویژه ائتلاف با نمایندگان سیاسی و نظامی فدرالی دموکراتیک در شمال سوریه در مقر شورای شهر رقّه در عین عیسی برگزار شد. حضور الهام احمد رئیس مشترک «جامعه دموکراتیک در کردستان غربی»،[۱] حسن محمد علی و عبدالقادر موحد عضو هیئت سیاسی این شورا در جلسه مذکور به معنی تأثیرگذاری مهم ساختارهای برآمده از عملکرد حزب اتحاد دموکراتیک بر اداره آینده رقّه بود.

---

۱ . Tevgera Civaka Demokratîk a RojavayêKurdistan, TEV-DEM

«جامعه دموکراتیک در کردستان غربی» اداره فدرال دموکراتیک شمال سوریه و کانتون‌های سه گانه را بر عهده داشت. براساس اعلام رسمی جبهه دموکراتیک سوریه این جلسه علاوه بر تصمیم‌گیری درباره اداره بهتر رقّه به موضوعاتی نظیر ایجاد اختلال از سوی دولت سوریه برای آزادی رقّه و مداخله دولتهای خارجی نیز رسیدگی کرد.[1] (المرکز الإعلامی لقوات سوریا الدیمقراطیة(د)، ۲۰۱۷)

الهام احمد بعد از پایان جلسه اعلام کرد که نظام فدرالی دموکراتیک در شمال سوریه با دوستان خود در ائتلاف بین‌المللی درباره چالش‌های سیاسی و چالش‌های اداره رقّه در آینده بحث کرده است.او درباره نقش فدرال شمال سوریه در اداره آینده رقّه و جلوگیری از تسلط دوباره دولت مرکزی بر این شهر چنین تصریح کرد:

> «ما به دوستان خود در ائتلاف تأکید کردیم نظام فدرالی دموکراتیک در شمال سوریه، مرجع سیاسی در شورای اداره شهر رقّه محسوب می‌شود و برای همه مشخص است که ما بر ایجاد شورای شهر رقّه نظارت داشتیم و امکانات و پشتیبانی لازم برای اداره منطقه را ارائه دادیم. طرف آمریکایی به نوبه خود بر این موضوع متمرکز بود و این جزئیات را درک می‌کرد. دولت سوریه پیام‌هایی در راستای تلاش برای سیطره دوباره بر شهر ارسال می‌کند که به دلیل طبیعت استبدادی این رژیم، یک خطر بزرگ برای دموکراسی و امنیت مردم رقّه محسوب می‌شود، به همین دلیل ما به شرکای خود در ائتلاف درباره لزوم اداره رقّه توسط شورای منتخب مردم که بخشی از نظام فدرالی شمال سوریه است تأکید کردیم.» (المرکز الإعلامی لقوات سوریا الدیمقراطیة(ذ)، ۲۰۱۷)

فقدان جایگزین مناسب برای نیروهای کُرد در جبهه دموکراتیک سوریه، یک امتیاز بی بدیل برای حزب اتحاد دموکراتیک محسوب می‌شود که قادر است با استفاده از ویژگی اهرمی آن در امور نظامی، به برنامه‌های سیاسی حزب نیز جامه عمل بپوشاند. سید فرحان حاج عیسی مدیر دفتر روابط اجتماعی جبهه دموکراتیک سوریه روز ۱۲ آگوست ۲۰۱۷ در این رابطه گفته بود:

---

۱ . دیگر اعضاء جلسه شامل جیهان شیخ أحمد و طلال سلو سخنگوهای رسانه‌ای جبهه دموکراتیک سوریه، عبدالقادر عفیدلی معاون فرمانده کلّ این جبهه، لیلی مصطفی و شواخ البورسان رؤسای مشترک شورای شهر رقّه، روشن أحمد و أحمد شعبان رؤسای مشترک شورای شهر طبقه و ادریس محمد فرمانده کل امنیت داخلی شهر رقّه بودند.

«نیروهای ما بر روی زمین عمل می‌کنند و برنامه تغییر سیاسی و اخلاقی جامعی را برای بخش‌های مختلف جامعه سوریه به پیش می‌برند. ما قادر به جمع کردن تمام فرزندان سوری در یک سنگر واحد علیه مبارزه با تروریسم هستیم. نیروهای ما مصمم به مبارزه با تروریسم تا آخر هستند و شایعاتی که درباره بازگشت رژیم منتشر می‌شود رویاهای عده‌ای و تمناهای عده‌ای دیگر است، اما از سوی عموم مردم یک مسئله فراموش شده است. جایی که با خون فرزندان شمال آزاد شده توسط فرزندان شمال اداره خواهد شد.» (المركز الإعلامی لقوات سوريا الديمقراطيۀ(ر)، ۲۰۱۷)

با نمایان شدن نشانه های آزادی رقّه، هیئت نمایندگان ائتلاف بین‌المللی بار دیگر در روز ۱۷ آگوست ۲۰۱۷ با شورای شهر رقّه دیدار کردند. برت مک‌گورک نماینده ویژه رئیس جمهور آمریکا در ائتلاف در رأس این هیئت قرار داشت. کارن داکر نماینده وزارت خارجه آمریکا و مدیر «برنامه آغاز برای امنیت و ثبات»، همراه با مایکل راتنی دیگر نماینده وزارت خارجه آمریکا و مسئول پرونده سوریه بعلاوه ژنرال استیو جونز معاون فرمانده ائتلاف در این دیدار حضور داشتند. برت مک گورک از حمایت تمام عیار کشورهای عضو ائتلاف از شورای شهر رقّه تأکید کرد. مایکل راتنی نسبت دست آوردهای جبهه دموکراتیک ابراز شگفتی نمود و بیان کرد که آمریکا حتی تصور این حجم از پیروزی سریع را نداشت. در مقابل ابراز نگرانی لیلی مصطفی رئیس مشترک شورای شهر و شیوخ قبایل درباره احتمال عبور نیروهای ارتش سوریه از رود فرات و ورود به رقّه ژنرال جونز نسبت به جلوگیری از این تحقق این احتمال و وقوع حملات هوایی دولت سوریه اطمینان داد. او تأکید کرد که ائتلاف با روسیه برای دور نگاه داشتن نیروهای سوری از رقّه هماهنگی لازم را انجام داده است. (المركز الإعلامی لقوات سوريا الديمقراطيۀ(ز)، ۲۰۱۷)

از روز چهارم اکتبر ۲۰۱۷، شورای شهر رقّه با همکاری ۷ کمیساریای ناحیه عین عیسی از اقلیم فرات در فدرالی شمال سوریه، کار تنظیم اوراق شناسایی آوارگان برای ورود به شهر را آغاز کرد. عمر ذیاب رئیس مشترک دارالشعب در عین‌عیسی این روند گامی در راستای تکمیل جمعیت مناطق، شهر و محلات در ساختار تعریف شده اقلیم‌ها ارزیابی کرد. همان روز ۱٦۰ نیروی آکادمی شهید رستم أمارغی، از دوره آموزش تأمین امنیت داخلی رقّه فارغ التحصیل شدند. این یازدهمین گروه آموزش دیده برای اداره آینده رقّه بود که آموزش نظامی، سیاسی، پزشکی، واکنش سریع، عملیات روانی و نحوه برخورد با غیرنظامیان در ایستگاه‌های بازرسی را دریافت کرده بود. هیئت نمایندگی ائتلاف با ریاست برت مک‌گورک، روز ۱۸ اکتبر ۲۰۱۷ بار

دیگر با شورای شهر و معتمدین و شیوخ عشایر رقّه دیدار کرد. مک‌گورک در این دیدار از التزام ائتلاف به همکاری با شورای شهر رقّه و نیروهای جبهه دموکراتیک سوریه سخن گفت و به پروژه‌هایی اشاره کرد که آنها بعد از آزادی شهر با پاکسازی تله‌های انفجاری، بازسازی شبکه‌های آب و برق و مدارس آغاز خواهند کرد. نماینده ویژه رئیس جمهور آمریکا در ائتلاف به مسئله بازگشت سیطره دولت مرکزی بر رقّه اشاره کرد و گفت: بسیاری درباره استقرار رژیم سوریه در شمال سوریه تردید دارند، اما ما تأکید می‌کنیم که رژیم سوریه در رقّه هیچ جایگاهی ندارد. (المركز الإعلامي لقوات سوريا الديمقراطيةٔ(ژ)، ۲۰۱۷)

نیروهای جبهه دموکراتیک سوریه یک روز قبل از اعلام آزادی کامل رقّه، طی یک اقدام معنادار تصاویر بزرگ عبدالله اوجالان رهبر زندانی پ.ک.ک را در میدان النعیم در وسط شهر رقّه به اهتزاز درآوردند[۱] و روز ۲۰ اکتبر ۲۰۱۷ بعد از ۱۳٤ روز نبرد علیه داعش، با صدور بیانیه‌ای، پاکسازی کامل شهر را به طور رسمی اعلام کردند. جبهه دموکراتیک سوریه در این بیانیه نحوه اداره آینده رقّه را چنین تشریح کرد:

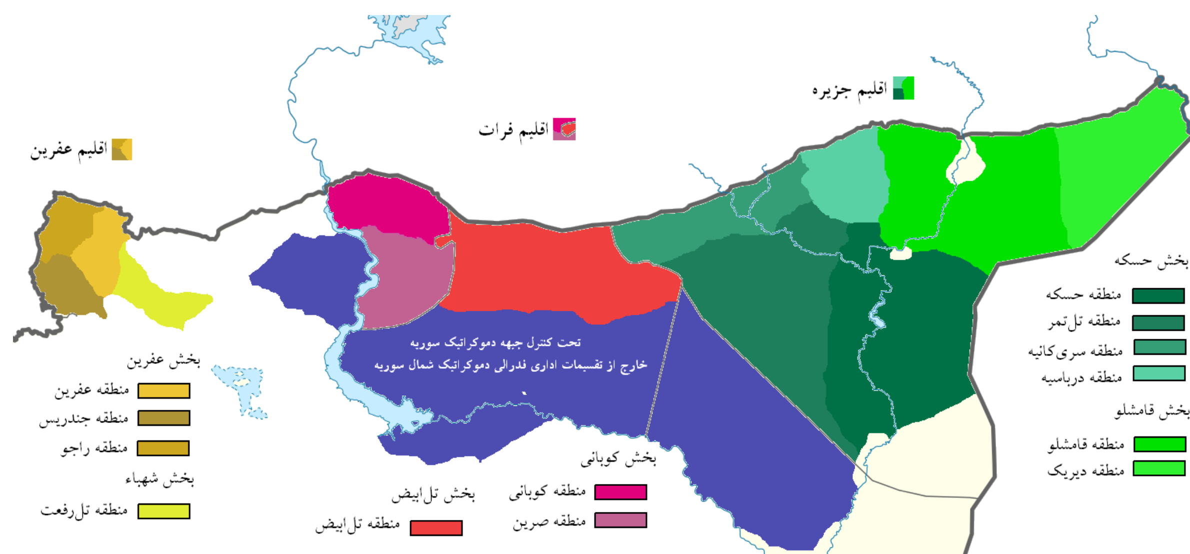
> «ما در فرماندهی کل جبهه دموکراتیک سوریه اعلام می‌کنیم که اداره رقّه و حومه آن را به شورای اداره این شهر می‌سپاریم و وظیفه تأمین امنیت رقّه و حومه آن را به نیروهای امنیت داخلی شهر واگذار می‌کنیم. همچنین تعهد خود به حفاظت از مرزهای استان در قبال تمام تهدیدات خارجی را اعلام می‌کنیم و تأکید می‌کنیم که رقّه در آینده توسط مردم این استان و در چارچوب سوریه دموکراتیک غیر متمرکز و فدرال اداره خواهد شد.»
>
> (المركز الإعلامي لقوات سوريا الديمقراطيةٔ(س)، ۲۰۱۷)

توسعه ارضی حزب اتحاد دموکراتیک در بخش عربی منحصر به رقّه نماند، جبهه سوریه دموکراتیک از روز نهم سپتامبر ۲۰۱۷، با پشتیبانی هوایی و لجستیک ائتلاف، پاکسازی باقیمانده اراضی استان حسکه

---

۱ . دولت ترکیه نسبت به اقدام جبهه دموکراتیک سوریه در اهتزاز تصاویر اوجالان در میدان اصلی رقّه، به شدت اعتراض کرد و در نتیجه آمریکا برای جلوگیری از تنش مجبور به مداخله شد. سفارت ایالات متحده در آنکارا با صدور بیانیه‌ای اعلام کرد اوجلان شخصیتی که قابل احترام باشد نیست. این بیانیه تصریح کرد: «نگرش ما نسبت به آزادسازی رقه به عنوان یک منفعت برای همه مردم سوریه روشن است. انتظار ما از همه طرف‌ها، اجتناب از اقداماتی است که ممکن است تنش را افزایش دهد یا تهاجمی تلقی شود. پ.ک.ک یک سازمان در فهرست سازمان‌های تروریستی خارجی است و اوجالان به دلیل فعالیت‌های تروریستی مرتبط با پ.ک.ک در ترکیه در زندان است. او فردی که ارزش احترام داشته باشد نیست.» آدریان رانکین گالوی نیز در اقدام مشابهی، ضمن اشاره به حمایت چند دهه آمریکا از ترکیه در مقابل حملات پ.ک.ک بر تروریستی بودن سازمان پ.ک.ک تأکید کرد و اهتزاز تصاویر اوجالان در رقّه را محکوم کرد. رایان دیلون سخنگوی ائتلاف نیز تصریح کرد که ائتلاف تمرکز بر را تأیید نمی‌کند. البته مداخله کلامی نهادهای آمریکا مانع از توسعه نمادهای پ.ک.ک در رقّه نشد و نیروهای جبهه دموکراتیک سوریه، این روند را با نقاشی پرچم حزب اتحاد دموکراتیک سوریه و پ.ک.ک بر دیوارهای شهر ادامه دادند. (عنب بلدی أونلاین (ب)، ۲۰۱۷)

(اقلیم جزیره) و حومه شرقی استان دیرالزور را آغاز کرد. در این روند جبهه دموکراتیک سوریه و آمریکا عملاً دور دوم رقابت با ارتش سوریه و روسیه برای تسلط بر اراضی مفید و منابع نفت و گاز سوریه در استان دیرالزور را آغاز کردند. این عملیات طوفان جزیره (عاصفه‌الجزیره) نام گرفت. جبهه دموکراتیک سوریه روز ٢٤ سپتامبر ٢٠١٧ همانند رقّه، در روستای ابوخشب واقع در شمال غربی استان، شورای نظامی دیرالزور را تشکیل داد و روز ٢٥ سپتامبر ٢٠١٧ نیز شورای اداره این استان را تأسیس کرد. این شورا از ١٤ کمیته تشکیل شد.[١] برای شورای شهر دیرالزور نیز به سبک ساختار اداری پ.ک.ک رؤسای مشترک زن و مرد به نام‌های غسان یوسف و لیلی عدنان الحسن انتخاب شدند و پنج نفر نیز به عنوان معاونان رئیس شورا برگزیده شدند.[٢] (المرکز الإعلامی لقوات سوريا الديمقراطية(ش)، ٢٠١٧)



نقشه ٤-٣- تقسیمات اداری نظام فدرالی دموکراتیک در شمال سوریه، رقّه و دیرالزور

(منبع: نگارنده)

١. کمیته زنان، کمیته عدالت، کمیته صلح، کمیته جوانان و ورزش، کمیته سازمان‌ها و امور بشردوستانه، کمیته خدمات و شهرداری‌ها، کمیته تربیت و تعلیم، کمیته آثار تاریخی و فرهنگ، کمیته کشاورزی و دامداری، کمیته مالی، کمیته امنیت داخلی، کمیته حفاظت کمیته خانواده شهدا و کمیته سازمان شوراها

٢ . معاونان ریاست شورا عبارت بودند از دیاب الجیلات، أحمد البطاع، کمال الموسی، شمسة الحسین و سامر العبدالله.

تسری دخالت حزب اتحاد دموکراتیک در انتخاب شورای شهر رقّه و دیرالزور علاوه بر نفـی نقـش دولـت مرکزی سوریه، به معنی نفی نقش دولت موقت شورای ائتلاف معارضین سوری نیز بود. وزارت اداره محلـی دولت موقت به ریاست جواد ابوحطب، روز دهم آگوست ۲۰۱۷، در غازی عنتپ ترکیـه، اقـدام بـه انتسـاب اعضاء شورای استانی دیرالزور با ریاست یک زن نموده بود. ۲۸ عضو از ٤١ عضو این شورا در جلسه مذکور حضور داشتند. وزارت اداره محلی همچنین انتخابات دفتر اجرایی شورای استان را نیز برگزار کرد کـه نتیجـه آن انتخاب ۱۲ عضو برای ارائه خدمات به شهروندان استان در داخل و خارج از سوریه بود.

(عثمان، ۲۰۱۷: ۷)

بنابراین ساختار اداری و کارگزاری ابداع شده توسط حزب اتحاد دموکراتیک بر دومین استان عربی سوریه که داعش بر آن مسلط بود سیطره یافت. با توجه به محـور عملیـاتی جبهـه دموکراتیـک سـوریه، حـزب اتحـاد دموکراتیک، در رقابت با ارتش سوریه و روس‌ها بر بخش عمده‌ای از منابع نفت و گاز ایـن اسـتان در شـرق فرات مسلط شد. دیرالزور از دهه۹۰ منطقه اصلی تأمین انرژی در سـوریه محسـوب مـی‌شـود. وزارت نفـت سوریه نفت این منطقه را توسط سه شـرکت الفـرات (AFPC)، دیرالـزور (DEZPC) و سـوریه (SPC) اداره می‌کرد. از این سه شرکت الفرات در همکاری با شرکت شِل و شرکت دیرالزور با همکاری شرکت توتال بـه استحصال نفت می‌پرداختند. شرکت سوریه (وطنیّه) نیز بـه طـور مسـتقل بـه اسـتخراج نفـت مشـغول بـود. استان‌های حسکه و دیرالزور، ۵۷٪ از غلات و ۷۵٪ از پنبه کشور سوریه را تولید می‌کنند. تـا قبـل از بحـران سال ۲۰۱۱، تولید نفت سوریه به ٤۲۵ هزار بشکه در روز رسید که ۲٤٦۲۰۰ بشـکه از ایـن تعـداد در اسـتان حسکه (۵۷,۹۲٪) و۱۷۰ هزار بشکه از آن در استان دیرالزور (٤۰٪) تولید می‌شد. در عین حال تا سال ۲۰۱۱، سه میلیون و ٦۰۰ متر مکعب از ۱۱ میلیون و۵۰ هزار متر مکعب از گاز تولید شده در سـوریه نیـز در اسـتان حسکه (۳۲,۵۷٪) تولید می‌شد.(عین‌المدینه، ۲۰۱۵: ٦)

بنابراین حزب اتحاد دموکراتیک با تشکیل فدرال دموکراتیک شمال و مشارکت در اداره اسـتان دیرالـزور بـه طور مستقیم و غیر مستقیم بر استحصال ۹۸٪ از نفت سوریه و ۳۲,۵٪ از گاز این کشور مسـلط شـده اسـت. البته از سال ۲۰۱۳ حزب اتحاد دموکراتیک به صورت دوفاکتو کنترل چاه‌های نفت حسکه را برعهـده داشـته است. هر چند تولید نفت رسمی به دلیل آسیب خط لوله نفت در این منطقه متوقف شده اسـت، امـا شـواهد عینی حکایت از این دارد که تولید نفت به صورت غیر رسمی با نظارت نیروهای دفاع خلق ادامه داشته است.

حزب به طور روزانه ٤٠ هزار بشکه نفت از پمپ‌های نفتی تحت سیطره خود برداشت می‌کرد و هر بشکه را با قیمت ١٥ دلار به عشایر عرب می‌فروخت. این نفت خام سپس در ٣ هزار پالایشگاه متحرک موجود در سطح منطقه به گازوئیل و بنزین تبدیل می‌شد و به قیمت هر بشکه ٤٠ دلار به فروش می‌رسید. واسطه‌ها از هر ٨ بشکه نفت خام، ٦ بشکه محصول پالایش شده به دست می‌آوردند.

(Butter, ٢٠١٥: ١٨-١٩)

نظام فدرالی شمال تنها به فروش نفت در بازار داخلی اتکاء نداشت. کانتون جزیره از سال ٢٠١٣ روزانه ٦٠ الی ٧٠ هزار بشکه نفت استحصال شده از ١٣٢٢ چاه نفت حوزه نفتی رمیلان را از طریق اقلیم کردستان به بازارهای جهانی صادر می‌نمود. (عوده، ٢٠١٧: ٦)

جدول ٤-٥٥- میزان تولید نفت در سوریه (براساس آمار سال ٢٠١٠)

نام میدان نفتی	میزان استحصال (بشکه)	استان
العمر	٨٠,٠٠٠	دیرالزور
التیم و الورد	٥٠,٠٠٠	دیرالزور
تنک	٤٠,٠٠٠	دیرالزور
چاه‌های رمیلان	٩٠,٠٠٠	حسکه
سویدیه	١١٦,٠٠٠	حسکه
شدادی، جبسه، الهول	٣٠,٠٠٠	حسکه
یوسفیه	١٢٠٠	حسکه
جزل	٣٠٠٠	تدمر
حیان	٦٠٠٠	تدمر
پالایشگاه بانیاس	١٢٥٠٠٠	
پالایشگاه حمص	١٠٧٠٠٠	

(مرکز نورس للدراسات، ٢٠١٧)

جدول ٤-٥٦- میزان تولید گاز در سوریه (براساس آمار سال ٢٠١٠)

نام میدان گاز	میزان استحصال (مترمکعب)	استان
رمیلان	٢,٠٠٠,٠٠٠	حسکه
جبیسه	١,٦٠٠,٠٠٠	حسکه
شاعر	٣,٠٠٠,٠٠٠	تدمر
الهیل	٢,٠٠٠,٠٠٠	تدمر
آراک	٧٥٠,٠٠٠	تدمر
حیان	٦٥٠,٠٠٠	تدمر
جُحار	٣٥٠,٠٠٠	تدمر
المهر	٤٠٠,٠٠٠	تدمر
ابو رباح	٣٠٠,٠٠٠	تدمر

(مرکز نورس للدراسات، ٢٠١٧)

نقشه ٤-٤- میزان تسلط نظام فدرالی دموکراتیک شمال و شوراهای اداره رقّه و دیرالزور بر منابع نفت و گاز

البته با وجود نفت، ۷۵٪ از اقتصاد مناطق تحت کنترل نظام فدرالی شمال متکـی بـه زراعـت و ۱۵٪ از آن نیز وابسته به دامپروری است. محصولات این دو بخش از طریـق مـرز سـمیلکا بـه اقلـیم کردسـتان و از شهرستان جرابلس به مناطق تحت کنترل نیروهای سپر فرات فرستاده می شود و بخشی از آن نیز به عمق سوریه ارسال می‌گردد. در سال ۲۰۱۷، ٦٥٪ از سطح زیر کشت نظام فدرالی شمال به کاشت گنـدم (٦۰۰ هزار تُن) اختصاص داشت و ۱۵٪ از آن نیز صرف کاشت پنبـه، حبوبـات و سـبزیجات مـی‌شـد. درآمـد خودگردانی کانتونی در سال ۲۰۱٦ از جمیع منابع درآمدی بعلاوه اخذ وجوه گمرکی برای صادرات بـالغ ۲ میلیارد و ۷۰۰ میلیون لیره سوریه بود و درآمد اضافه‌ای نیز از کامیون‌های حمل به مناطق تحـت کنتـرل دولت مرکزی کسب می‌شد. این مالیات در مورد وسایل نقلیه ای که به طـور کامـل بـارگیری نشـده انـد

بین۵۰ تا ۲۰۰ دلار برای هر تُن و برای کامیون‌هایی که کاملاً بارگیری شده‌اند (بسته به نوع کامیون اعم از تریلر یا غیره) تا ٤ هزار دلار در هر تُن افزایش می‌یابد. یکی از نقاط ضعف اساسی نظـام فـدرالی شـمال تأمین برق است. به عنوان مثال اقلیم جزیره به ۵۰۰ مگاوات بـرق نیـاز دارد کـه تنهـا ۵۰ مگـاوات آن از طریق توربین گازی سویدیه تأمین می‌شود. ۲۵ مگاوات از آن صرف امور حیاتی نظیر تصـویه آب شـرب می‌شود و باقیمانده برق که از نیروگاه برق آبی تشرین به دست مـی‌آیـد بـین شـهرها و روسـتاها توزیـع می‌گردد. (عوده، ۲۰۱۷: ۷-٦)

حزب اتحاد دموکراتیک با استفاده از بسترهای موجود اعم از منافع دولت مرکزی برای دور کردن ارتـش آزاد سوریه از اراضی خارج از کنترل دولت و فقدان نیروهای محلی قابل اطمینان برای ائتلاف موفـق بـه تسلط بر زمین و تأسیس و تثبیت ساختارهای کارگزاری فدرالی برای حرکت به سـمت عملیـاتی سـازی نظریه کنفدرالی دموکراتیک اوجالان شد. پ.ک.ک و به تبع آن حزب اتحاد دموکراتیک ایجاد فدرالیسم یا هر نوع از خودمختاری را مردود می‌داند. بلکه تنها یک پوشش برای مهار اقدامات بازیگران ذینفع داخلی و خارجی در دوره گذار محسوب می‌شود ضمن اینکه نظام فدرالی شمال سوریه نیز عملاً به شیوه ترسیم شده در کنفدرالیسم دموکراتیک کردستان اداره می‌شود. پ.ک.ک و سـاختارهای زیرمجموعـه آن در آثـار پرشمار روزانه به طور مکرر و پرحجم به تکرار تبیین لزوم استقرار کنفدرالیسم می‌پردازند. به عنوان مثـال نشریه آلترناتیو که توسط پژاک شاخه ایرانی پ.ک.ک منتشر می‌شود در تشریح تفـاوت بـین فدرالیســم و کنفدرالیسم به تقبیح فدرالیسم می‌پردازد و در این رابطه می‌نویسد:

> «واژه فدرالیسم نه مقدس و نه مرادف با دمکراسی است. کشورها می‌توانند، به طـور قانونی فدرال نامیده شوند، اما در عمل مرکزگرا باشند. این مورد از ضعفی ساختاری و تناقض در عملکرد سیستم فدرالی رخ می‌دهد... لازم به توضیح است که فدرالیسم (فدراسیون) با کنفدرالیسم (کنفدراسیون) فرق می‌کند. از نظر حقوق بـین‌المللـی در کنفدراسیون ایالت‌ها بمثابه یک کشور حق تعیین سرنوشـت (جـدائی) را دارنـد. در حالیکه در فدرالیسم این حق طبیعی وجود ندارد. هر سیستم فدرالی، الزاما بـر عـدم تمرکز استوار است.» (بانه، ۱۳۹٤: ۷۳)

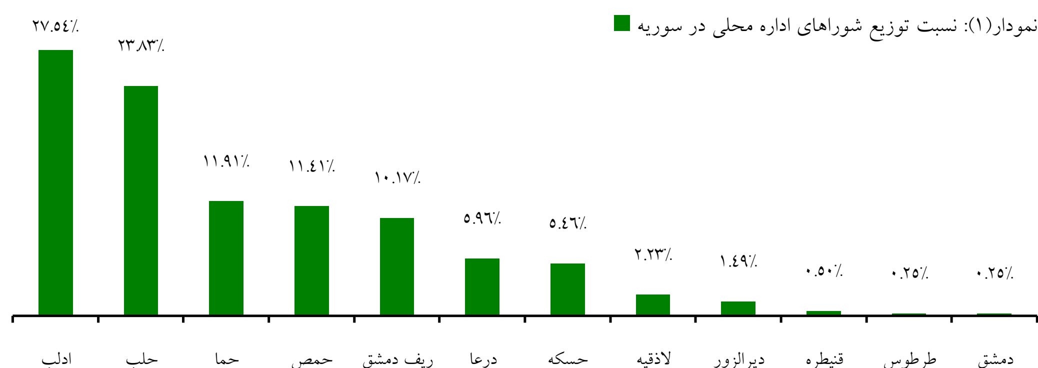
آلترناتیو سپس به شرح وجه تمایز اساسی میان سیستم فدرال و سیاست عدم تمرکز می‌پردازد و نمونه آن را هر شکلی از وجود حاکمیت دوگانه در حکومت فدراتیو قلمداد می‌کند که خود اساساً با عـدم تمرکـز نیز همراه است و فقدان آن را باید در عدم تمرکز اداری و یا حتی در خودمختاری، جستجو کرد. آلترناتیو توضیح می‌دهد که برخلاف حکومت فدراتیو، سیستم‌های کنفدراتیو بر اسـاس توافـق بـرای هـدف‌هـای معینی به وجود می‌آیند و قدرت اجرایی مرکزی فقط از نمایندگان زیر مجموعه‌ها تشکیل مـی‌شـود و بـر خلاف دولت فدرال، قدرت اجرایی و حکومت مرکزی ضعیفی دارد. آلترنـاتیو در نهایـت شـش تفـاوت اساسی بین ارکان نظام کنفدراتیو و فدراتیو بر شمرده است:

۱. زیر مجوعه ممکن است، هویت قانونی کاملاً مستقل خود را حفظ کند؛
۲. مرکز فقط مجاز به اعمال آن قدرت و اختیاراتی است کـه زیـر مجموعـه هـا (ایالـت‌هـا) بـه آن تفویض کرده‌اند. یعنی اختیارات آنها تابعی است از اختیارات ایالت‌ها؛
۳. زیر مجموعه ها در بسیاری مسایل، می توانند تصمیم مرکز، را وتو نمایند؛
٤. تصمیمات مرکز فقط ممکن است زیرمجموعه هـا را متعهـد کنـد و نـه شـهروندان ایالـت‌هـای کنفدرال را، به عنوان مثال بسیاری از تصمیات اتحادیه اروپا، به طور مستقیم به جزئـی از پیکـره قانونی دولت‌های عضو تبدیل نمی‌شود و نیاز به تصویب پارلمان‌های دولت‌هـای عضـو دارد تـا رسمیت قانونی در آن‌ها پیدا کرده و حقوق و یا تعهد قانونی برای آن‌ها به وجود آورد؛
۵. مرکز فاقد منبع مالی و یا پایگاه انتخاباتی مستقل است؛
٦. زیرمجموعه‌ها، اختیارات خود را بطور دائم به مرکز تفویض نمی‌کنند. سرانجام این کـه، کـانتون هر زمانی بخواهد، می‌تواند از اتحاد بیرون بیاید، حال آنکه در سیستم فدرال امکان جـدایی حـق یک طرفه‌یی نیست. (بانه، ۱۳۹٤، ۷۷-۷۳)

تشکیل نظام فدرال دموکراتیک در شمال سوریه و تعیین تقسیمات اداری جدید، بـر اسـاس مـتن قـانون اساسی سوریه حتی از اختیار رئیس جمهور نیز خارج و نیازمند برگزاری همه‌پرسی برای مراجعه بـا آراء عمومی درباره تبدیل ساختار سیاسی سوریه به فدرالی است، لذا پ.ک.ک و حزب اتحاد دموکراتیـک در فضای آنارشیک برآمده از خلاء قدرت در مناطق آزاد شده از کنترل داعش در حال تلاش برای غیر قابـل

برگشت‌سازی مسیر طی شده و ایجاد بستر برای حرکت به سمت تحقق عملیاتی کنفدرالیسم دموکراتیک در سوریه است. البته واقعیت‌های حاکم بر سوریه نیز به پیشبرد این هدف کمک شایانی می‌نماید. به عنوان مثال استراتژی معارضین عرب در دوره بعد از داعش و پایان درگیریهای نظامی با دولت مرکزی یک متغیر تسهیل کننده برای تحقق اهداف پ.ک.ک در سوریه خواهد بود. از آغاز بحران در سال ۲۰۱۱، به مرور دولت مرکزی تسلط خود بر بخشی از مناطق کشور را از دست داد و در نتیجه دولت موقت شورای معارضین سوریه با تصویب قانون شماره ۱۰۷ و در همکاری با مؤسسه آلمانی (GIZ) تصمیم به اداره خودگران مناطق تحت کنترل خود گرفت. براساس قانون شماره ۱۰۷ که در چهار فصل و ۷۱ ماده تدوین شده بود، دولت موقت شورای معارضین مقرر کرد تا مناطق تحت کنترل ارتش آزاد سوریه بواسطه تشکیل شوراهای محلی توسط معارضین به شکل خودگردان اداره شوند. تعداد این شوراها تا سال ۲۰۱۵ به ٤۰۵ مورد در سرتاسر سوریه رسید که با نسبت متفاوتی از کارآمدی از مشغول به اداره کارگزاری مناطق خود شدند. شوراهای محلی از ١٤ استان سوریه به غیر از استان‌های سویداء (تحت کنترل دروزی‌ها) و رقّه (تحت کنترل داعش) به نسبت‌های متفاوت در ۱۲ استان دیگر استقرار دارند که نوع ارائه خدمات توسط آنها به متغیرهای متعددی نظیر نزدیکی به مرزهای بین‌المللی، فاصله از خطوط مقدم جبهه و اختلاط با محیط تحت سیطره القاعده بستگی دارد. لذا نسبت توزیع این شوراها در کل سوریه به شرح زیر است:

نمودار ٤-۳۱- توزیع جغرافیایی شوراهای اداره محلی دولت موقت معارضین سوریه



(الدسوقی، طلّاع، ۲۰۱۵: ۱۱)

مؤسسه مطالعات استراتژیک عمران وابسته به شورای ائتلاف معارضین که در اسطانبول ترکیـه اسـتقرار دارد، این استراتژی جدید را در قالب کتاب‌های سالانه دوم و سوم این مؤسسه در سال‌های ۲۰۱٦ و ۲۰۱۷ منتشـر کرد. این دو کتاب با عناوین «آزمون‌های ملی در مواجهه با سیالیت صحنه سوریه»[۱] و «چالش‌هـای پیشـرفت ملّی در خلال مداخله روسیه»[۲] منتشر شدند. هادیا العمری، محمد منیر الفقیر و أیمن الدسوقی نظریه پـردازان استراتژی جدید معارضین با توجه به واقعیت‌های موجود هستند. آنهـا در فصـل سـوم از کتـاب دوم سـالانه استراتژی جدید معارضین تحت عنوان «گزینه خودگردانی در آزمون بازسازی دولت سـوریه»[۳] تشـریح شـده بود. این سه نظریه‌پرداز سوری در فصل سوم از کتاب سوم نیز ذیل عنوان «اداره محلی ضامن تشکیل دولـت انتقالی»[٤] به تبیین لزوم اجرای استراتژی جدید معارضین پرداخته بودند. استدلال آنها به طور خلاصه بـر ایـن مبنا استوار است که باید یک شورای حکومتی متشکل از شوراهای محلی تحت کنترل معارضـین، شـوراهای تحت کنترل خودگردانی دموکراتیک در مناطق کُردی و شوراهای محلی دایـر در منـاطق تحـت کنتـرل نظـام ایجاد شود که به طور مشترک در چهار حوزه تشکیل حکومـت، توسـعه محلـی، ارائـه خـدمات پایـه، امـور پناهندگان و آوارگان و مصالحه و انسجام ملّی به فعالیت بپردازد. این نظریه اینگونه استدلال می‌کند کـه تنهـا نقطه امیدواری معارضین برای شکل‌گیری مرحله انتقالی و تشکیل ساختار سیاسی جدیـد تقویـت شـوراهای محلی در مناطق تحت کنترل آنها و اشاعه این شوراها به مناطق تحت کنتـرل حکومـت مرکـزی اسـت زیـرا جدایی مناطق تحت کنترل معارضین یک نقطه ضعف محسوب می‌شود که دولت مرکزی سوریه از آن بـرای تضعیف سیطره کارگزاری دولت ائتلاف شورای معارضین بهره برداری می‌کند و تنها راه غلبه بـر ایـن نقطـه ضعف، تقویت شوراهای محلی در مناطق تحت کنترل معارضین و توسعه آنها به مناطق تحت کنترل حکومت مرکزی است. این روند که با مشارکت سازمان ملل متحد و فعـالان مـدنی طـی خواهـد شـد و هـدف از آن افزایش آگاهی عمومی، رقابت کارگزاری با دولت و انتقاد از سیستم و در نهایت پشتیبانی و بسـیج اجتمـاعی برای ورود به دوره انتقالی برای تغییر دموکراتیک رژیم در سوریه است.

(العمری، الدسوقی، الفقیر، ۲۰۱۷: ٦٦–٤٨)

---

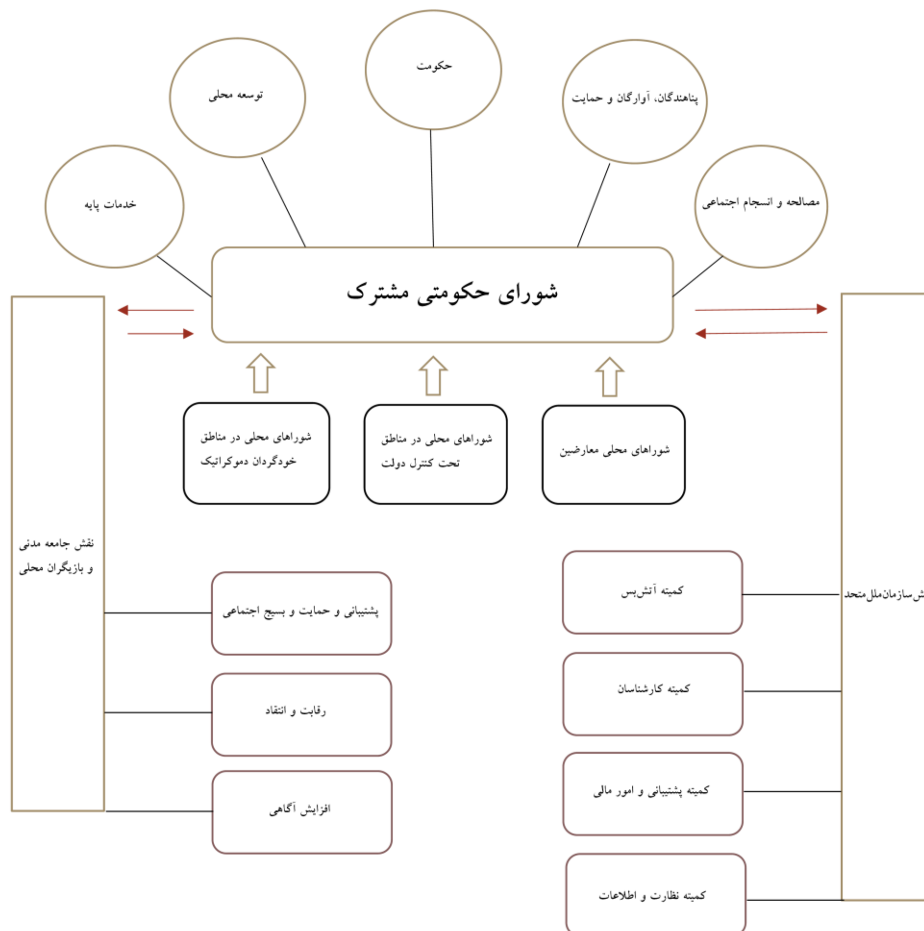
۱. اختبارات وطنیة فی مواجهة سیولة المشهد السوری

۲. تحدیات النهوض الوطنی إبّان التدخل الروسی

۳. خیارات اللامرکزیة فی اختبارات إعادة بناء الدولة السوریة

٤. الإدارة المحلیة کضامن لبناء الدولة فی المرحلة الانتقالیة

شکل ٤-١٠- الگوی مطلوب معارضین برای اداره شورایی سوریه



(العمری، الدسوقی، الفقیر، ٢٠١٧: ٦٦)

٤-١٥- چالش انحصاری نظام فدرالی دموکراتیک شمال برای امنیّت ملی ایران

حزب اتحاد دموکراتیک شاخه پ.ک.ک در سوریه است و شاخه دیگر این حزب حیات آزاد کردستان یا پژاک است که جغرافیای فعالیت آن در ایران قرار دارد. پژاک از سال ٢٠١١ و با آغاز نا آرامی در سوریه تمرکز عملیاتی خود را ایران به سوریه منتقل نمود و شاخه سوری پ.ک.ک را در راستای عملیاتی‌سازی کنفدرالیسم دموکراتیک یاری نمود. به موازات تشکیل کانتون‌های سه گانه در شمال سوریه پژاک اقدام به برگزاری کنگره چهارم این حزب در قندیل نمود که حاصل آن ارائه باز تعریف از پژاک و تغییرات

ساختاری و رویکردی این حزب بود که یک در سیستم خودمدیریتی بـه نـام جامعـه دموکراتیـک و آزاد شرق کردستان (کودار) متبلور شد. (آلترناتیو (٤٩)، ٢٠١٥: ١٢)

اساسنامه جدید منتشر شده پژاک بعد از کنگره چهارم اساسنامه جدیدی منتشر کرد و نظـام کـودار را بـه رسمیت شناخت.پژاک اعلام کرد که خط مشی مستقل حزب را براساس اصـول و مبـانی «کـودار» و هـم راستا با سیاست‌های آن تنظیم کرده است. (اساسنامه حزب حیات آزاد کوردستان، ١٣٩٣ :٦٤)

پژاک روز ٩ می ٢٠١٤ مبانی اساسی نظام کنفدرالیسم دموکراتیک در شرق کردستان (کودار) را منتشـر کـرد. این مانیفست ضمن تاکید بر رد دولت- ملت و ملـی‌گرایـی، آن را مـانعی جـدی در برابـر نهادینـه‌شـدن و گسترش دموکراسی و آزادی جامعه دانست. و نظام کنفدرالیسم دموکراتیک را در برابر ایـن وضـعیت، مـدلی غیردولتی و دموکراتیک اعلام کرد که آزادی و اراده‌مندی تمامی تنوعات اجتماعی را ممکن می‌گرداند. نظـام کنفدرالیسم دموکراتیک معرفی شده از سوی پژاک، با تبعیت از مبانی ارائه شده از سوی اوجـالان و پ.ک.ک مرجع تصمیم‌گیری را جامعه قلمداد کرده است که تصمیمات و مصوبات از سـوی مجـالس روسـتا، بخـش، محله‌ها و نواحی شهری اتخاذ می‌شـوند. پـژاک حـداقل شـرط لازم بـرای تحقـق زیسـت سیاسـی مشـترک کنفدرالیسم دموکراتیک و دولت ایران را پذیرش بنیان خود مدیریتی دموکراتیک توسط حکومت ایران اعـلام کرده و خاطر نشان ساخت که هدف خودمدیریتی دموکراتیک سهیم شدن در اختیارات دولتـی نیسـت بلکـه شکل‌گیری مدیریت یا اقتدار دموکراتیک جامعه در چارچوب مرزهای کنونی ایران می‌باشد. مانیفست کـودار تهدید کرد که رسیدن به چنین بنیانی از طریق یک قانون اساسی دموکراتیک برقرار خواهد گشـت کـه نمـود سازش میان جامعه دموکراتیک و دولت است و در غیر این صورت، کنفدرالیسم دموکراتیک به‌طور یک‌طرفـه به برقراری خودمدیریتی دموکراتیک اقدام خواهد کرد. (مانیفست کودار، ٢٠١٤: ١- ٢٦)

بر اساس بند ١١ در مانیفست کودار کنفدرالیسم دموکراتیک، همانند نمونه سوری آن در برابر تهدید نیروهای مهاجم خارجی و مداخلات نیروهای سلطه‌جوی داخلی (مداخله و حمله طبقات قدرت‌طلب درون جامعـه)، از نیروی دفاع ذاتی (نیروهای دفاع از خلق) برخوردار است که تحت کنتـرل ارگـان‌هـا و نهادهـای سیاسـت دموکراتیک قرار دارند. ماده ٢ در قانون اساسی کودار موسس این ساختار را عبدالله اوجالان معرفی کرده و در

ماده ٤ پرچم نیز تعیین شده است.[1] کودار جامعه را بهترین ضامن تأمین امنیت خود قلمداد می‌کند کـه قـادر است با سیاست‌های نوین انکار و نابودی جوامع کردستان از سوی دولت‌ها و قدرت‌ها، به بهترین وجه امنیت داخلی‌اش را برقرار سازد و نیازهای امنیتی‌اش را برآورده سازد. کودار بر این اساس نظام دفاع ذاتی اجتماعی را تأسیس می‌نماید. در امر دفاع ذاتی فعالیت‌هـای دموکراتیـک از قبیـل راهپیمـایی، برگـزاری نشسـت‌هـا و جلسات اعتراضی، نافرمانی‌های مدنی، تحصن، اعتصاب و قیام نیز به عنوان راهکارهای دفـاع ذاتـی ارزیـابی شده که در مقابله با استعمار، سرکوب، سلطه، اِعمال قدرت و زور و هر عملی که حقوق و آزادی‌های خلـق را نادیده می‌گیرد فعالیت‌های غیرقابل اجتناب معرفی شده است. (کودار:٢٠١٥: ١٠٦)

پژاک در راستای قرینه‌سازی ساختار خودگردانی دموکراتیک در کردستان ایران، روز ٧ مارس ٢٠١٥، اقدام به تأسیس نهادی بنام «پلاتفرم هورام» در منطقه «هورامان» (٧٥ کیلومتری جنوب شرق مریوان)، زیر چتـر جامعه دموکراتیک و آزاد شرق کردستان (کودار) نمود. شورای رهبری کودار نیز روز ٤ مـارس ٢٠١٥، بـا صدور بیانیه‌ای تأسیس «پلاتفرم هـورام» از سـوی فعـالان شـرق کردسـتان را در راسـتای اسـتقرار نظـام کنفدرالیسم دموکراتیک و گامی مهم در زمینه سازماندهی مردمـی ارزیـابی کـرد. ایـن بیانیـه شـیوه هـای عملیاتی‌سازی کنفدرالیسم دمکراتیک را کومین، مجلس، پلاتفرم، کنگره و شورا عنوان کرد و آن را ضامن بقای خلق‌ها در برابر سیاست‌های نابودی دولت- ملتها قلمداد نمود. (کودار، ٢٠١٥)

ریاست مشترک کودار روز هفتم ژوئن ٢٠١٦ با صدور بیانیه‌ای به سفر حسن روحانی رئیس جمهور ایران به ارومیه و مهاباد اعتراض کرد. این بیانیه طولانی در چهار بخش به تحلیل مبتنی بر تقبیح سخنان رئیس‌جمهـور در طول این سفر پرداخت. هر چند این بیانیه مبتنی بر شعارها و الفاظ عامه‌پسند بود، اما از منظر تقابـل یـک کارگزاری مدعی با دولت مرکزی ایران که دارای یک قرینه عملیاتی در سوریه بود اهمیـت داشـت. پـژاک و کودار در هفته آخر اکتبر ٢٠١٦ به ترتیب کنگره پنجم حزب و کنگره دوم کودار را برگزار کردند. کنگـره دوم جامعه دموکراتیک و آزاد شرق کوردستان (کودار) در روزهای ٢٢، ٢٣ و ٢٤ اکتبر ٢٠١٦ با حضور ٨٦ نفـر از اعضای منتخب کنگره برگزار شد و با صدور یک بیانیه ١٠ بندی خاتمه یافـت. ایـن کنگـره پـس از ارزیـابی

---

١ . در زمینی سبز رنگ ، درختی با تنه‌ای قهوه‌ای و شاخ و برگی به شکل خورشیدی متشکل از ٢١ اشعه‌ی بزرگ و ١٩ اشعه کوچک به شکل برگ بوده که سـتاره‌ای سـرخ در وسـط خورشید جای می‌گیرد و کلمه کودار با رنگ سرخ در زیر تنه‌ی درخت نوشته می‌شود.

عملکرد و برنامه‌های دو سال گذشته کودار اساسنامه آن را اصلاح و به تصویب رساند و در این راستا «فـواد بریتان» و «زیلان تانیا» را به عنوان رؤسای مشترک کودار در انتخابات مجمع عمومی کنگـره برگزیـد. کنگـره دوم کودار سیستم دموکراتیک جامعه شـرق کوردسـتان را جـایگزین مـدل »دولـتـ ملـت» بـرای تحقـق و نهادینه‌نمودن مدل «کنفدرالیسم دموکراتیک» در شرق کوردستان و ایران را به عنوان هدف استراتژیک تعریف نمود. این کنگره بر جامعه‌محوری، حق تعیین سرنوشت در چهارچـوب مـدل «خـودمـدیریتی دموکراتیـک»، امکان تاسیس مجالس محلی و منطقه‌ای، ایجاد کمون‌ها، تعاونی‌های اجتماعی، سندیکاها، احزاب و نهادهـای اجتماعی و مشارکت مردمی در تصمیمات سیاسی و اجتماعی به عنوان حقوق مشروع ملت‌ها و از ملزومـات تحقق دموکراسی در ایران تأکید کرد. کنگره دوم کودار، جمهوری اسلامی را در راستای دموکراتیزاسیون ایران موظف و مکلف به پذیرش و به رسمیت‌شناختن حق «خودمدیریتی دموکراتیک» کردهـا در شـرق کردسـتان دانست. کنگره دوم کودار این امر را حداقل مطالبه ملت کرد در شرق کردسـتان دانسـت و پـیش‌شـرط آن را تغییر قانون اساسی فعلی ایران قلمداد کرد. این کنگره دوباره تهدیدات قبلی را تکرار و اعلام کرد که تنهـا در صورتی که جمهـوری اسـلامی، حقـوق و آزادی‌هـای ملـت کـرد در شـرق کوردسـتان و در رأس آن حـق خودمدیریتی دموکراتیک آنان را به رسمیت بشناسد، سیستم کنفدرالیسم دموکراتیک می‌تواند با آن در تعامـل باشد و در غیراین‌صورت کودار به صورت یک‌جانبه، اجرایی‌نمودن آن را به عنوان اولویت برنامه‌ی سیاسیــ اجتماعی خود مبنا قرار خواهد داد. کنگره دوم تهدید کرد کودار و به طبع آن ملت کرد در شرق کوردستان در مقابل هرگونه تهاجم و فشار نیروهای سرکوب‌گر داخلی و جریان‌هـای مداخلـه‌گـر خـارجی، از حـق دفـاع مشروع برخوردار است. (حزب حیات آزاد کردستان (الف)، ۲۰۱٦)

پس از کودار حزب حیات آزاد کردستان (پژاک) پنجمین کنگره خـود را در روزهـای ۱۵ و ۱٦ اکتبـر بـا شرکت ۸۲ نفر از اعضایش برگزار کرد. در جریان این کنگره، پژاک طی قطعنامـه‌ای محـور تمـامی ابعـاد مبارزاتی خویش را چارچوب اندیشه و عمل انقلابی «خط سوم» اعلام کرد که به مفهوم خط‌مشی مبـارزه برای تحقق برساخت ملت‌دموکراتیک بر اساس پـارادایم جامعـه‌ی اخلاقـیــ سیاسـی در ایـران و شـرق کوردستان است. پژاک در کنگره پنجم مبنای سیاست دموکراتیک را اتحاد و هم‌پیمانی با دیگـر نیروهـا و خلق‌های ایران اعم از فارس، آذری، عرب، بلوچ، مازنی و ... به عنوان اولویت برنامه‌های سیاســی جهـت

دموکراتیزه نمودن ایران اعلام نمود. پژاک ، کردستان را قلب تپنده تحول‌خواهی و خاستگاه کنش سیاسی در ایران معرفی نمود و بر این مبنا تمامی نیروهای سیاسی و اجتماعی شرق کردستان را به ایجاد «جبهه‌ی دموکراتیک نیروهای شرق کوردستان» فراخواند و اعلام کرد که در جهت تحقق این امر خود را به تلاش وافر و مهیانمودن این مهم، ملزم می‌داند. پژاک نیز همانند کودار تحقق خودمدیریتی سیاسی ـ اجتماعی دموکراتیک در شرق کوردستان را حداقل مطالبه خلق کرد در شرق کردستان اعلام و تهدید کرد که در صورت عدم تغییر در خرد و نگرش سیاسی ساختار جمهوری اسلامی و اقدام عملی‌ست پژاک پیشبرد و تحقق این مسئله را به صورت یک‌جانبه و در تمامی ابعاد مبارزاتی، بکارگیری حق دفاع مشروع، اعم از مبارزه سیاسی و اجتماعی و... گسترش می‌بخشد. (حزب حیات آزاد کردستان (ب)، ۲۰۱۶)

روند فعالیت پژاک و کودار به عنوان یک قرینه از حزب اتحاد دموکراتیک و روژاوا (کردستان غربی) در سوریه حکایت از این دارد که هر نوع کنش شاخه سوری پ.ک.ک بر عملکرد شاخه ایرانی آن تأثیر مثبت و مستقیم دارد و به تبع این روند، ثبات نظام فدرالی شمال سوریه و قوام بخشی به آن در تقسیمات اداری- سیاسی آینده این کشور، به عنوان یک الگوی چالش برانگیز توسط پژاک در ایران دنبال خواهد شد.

۳-۱۶- ساز و کارهای مهار داعش و امنیت اسرائیل

یکی از محورهای مناقشه قدرت در سوریه، احتمال بکارگیری ساز و کارهای مهار داعش، در یک جنگ ایدئولوژیک علیه اسرائیل است. گشوده شدن یک جبهه جدید در جولان علیه اسرائیل، انتقال تسلیحات استراتژیک از خاک سوریه به حزب‌الله و ایجاد تأسیسات ساخت تسلیحات استراتژیک در سوریه مسائلی هستند که اسرائیل همواره نسبت به وقوع آنها هشدار داده و بر اساس استراتژی دفاعی این رژیم، اقدام به انجام ضربات محدود نظامی نموده است. این روند به دلیل همسویی منافع روسیه و آمریکا برای تأمین امنیت اسرائیل، به شکل‌گیری پدیده‌ای در دو بلوک رقیب انجامید که نتیجه آن تلاش روسیه برای مهار ایران و مدافعان حرم از طریق اجرای طرح‌های مختلف بوده است. به طور کلی استراتژی رژیم صهیونیستی در سوریه به دو پارادایم قابل تقسیم است. پارادایم اوّل شامل بازه زمانی قبل از ظهور نشانه‌های نابودی مراکز ثقل فیزیکی داعش و پارادایم دوم معطوف به دوره بعد از آن و بازه آغاز حلّ

سیاسی و بازگشت ثبات نسب به کشور است. این استراتژی ذیل یک دستور کلّی با عنوان بی‌طرفی مشروط قابل تعریف است که اجزاء آن بر اساس ضرورت‌های حاکم بر میدان تعین می‌شدند. نتانیاهو روز ۱۰ نوامبر۲۰۱۵ طی گفتگویی در موسسه «امریکن اینترپرایز»، حول محور سیاست «بی‌طرفی مشروط» مواضع دولت خود در قبال دولت سوریه و داعش تشریح کرده بود:

«من قادر به درک یک صورت مسئله روشن در سوریه نیستم، زیرا شما بین دو انتخاب وحشتناک یا دو چشم‌انداز قرار دارید. از یک طرف با یک رژیم وحشتناک دیکتاتور و سکولار روبرو هستید که ممکن است ایران را تقویت و آن را وارد سوریه کند و از طرف دیگر داعش که به مرزهای ما در جولان رسیده است. وقتی دو دشمن ما در حال جنگ با هم هستند، من نمی‌توانم بگویم که یکی از آنها را تقویت می‌کنم، بلکه به تضعیف هر دوی آنها می‌پردازم، یا حداقل اینکه مداخله نمی‌کنم. اما تعریف من درباره سوریه این است: من نمی‌خواهم سوریه به عنوان سرزمینی برای طراحی و اجرای حمله به ما استفاده شود.» (The Federalist, ۲۰۱٦)

نتانیاهو روز ۸ ژوئن ۲۰۱٦ به توضیح کاملتری درباره کُنش اسرائیل در سوریه پیرامون سیاست «بی‌طرفی» مشروط پرداخت و گفت:

«اسرائیل در فرایند سرنگونی اسد مشارکت نمی‌کند و مداخله در مناقشه سوریه نیز تنها برای حفاظت از منافع اسرائیل خواهد بود. این امر بویژه اکنون که ایران در سوریه مشغول عملیات است کاملاً درست است. ما می‌خواهیم اطمینان حاصل کنیم که سوریه نه توسط نیروهای سوری، نه ایرانی، نه حزب‌الله و نه سایر نیروهای اسلام‌گرا تبدیل به یک پایگاه برای حمله به اسرائیل نخواهد شد. سیاست من مبتنی بر بکارگیری تمام اقدامات برای جلوگیری از این اتفاق است.»

(The Jerusalem Post (B), ۲۰۱٦)

نتانیاهو نخست وزیر اسرائیل روز ۲۱ سپتامبر۲۰۱۵، در اولین دیدار خود با پوتین، بعد از ورود روسیه به صحنه نبرد در سوریه، طی یک کنفرانس خبری در کرملین، به تلاش ایران و دولت سوریه برای انتقال

تسلیحات استراتژیک (تغییر دهنده بازی) به حزب‌الله و تلاش برای گشایش یک جبهه دوم علیه اسرائیل در بلندی‌های جولان اشاره کرده و سیاست‌های اسرائیل در سوریه را طی دو بخش تشریح کرده بود[1]:

۱. انجام «هرکاری» برای توقف تسلیح حزب‌الله
۲. جلوگیری از گشایش جبهه دوم علیه اسرائیل در جولان

(President of Russia (A), ۲۰۱۵)

نتانیاهو به طور عمده مواضع خود درباره سوریه و مسائل محوری انتقال سلاح و امنیت مرزهای شمالی را به صورت رسمی و آشکار در حضور رئیس جمهور روسیه مطرح کرده و یا در مصاحبه‌های پر شمار خود در حال تلاش برای اعلام موافقت روسیه با مواضع اسرائیل بوده که البته هیچ یک از آنها نیز توسط روسیه تکذیب نشده است. پوتین روز ۲۱ سپتامبر ۲۰۱۵ در اولین کنفرانس خبری مشترک با نتانیاهو بعد از آغاز عملیات نظامی در سوریه، به دلایل اهمیت تأمین امنیت اسرائیل برای روسیه اشاره کرد و درباره دغدغه‌های طرح شده توسط نخست وزیر اسرائیل گفت:

«شما می‌توانید در این رابطه مطمئن باشید. ما هرگز فراموش نمی‌کنیم که بسیاری از مردم شوروی سابق در اسرائیل زندگی می‌کنند. این مسئله به روابط کشورهای ما ابعاد وسیع‌تری می‌بخشد. روسیه همواره پاسخگوی اقدامات خود در منطقه بوده و به این روند ادامه خواهد داد. بر همین اساس ما از آتشباری‌هایی که به قلمرو اسرائیل می‌شود آگاه هستیم و آنها را محکوم می‌کنیم. من وضعیت را درک می‌کنم، این حملات بواسطه سیستم‌های تولید سلاح پشتیبانی می‌شوند. در مورد سوریه من فکر می‌کنم همه ما از این مسئله آگاهی داریم که امروز ارتش سوریه در شرایطی نیست که قادر به گشودن یک جبهه دوم باشد. توان این ارتش به اندازه‌ای

---

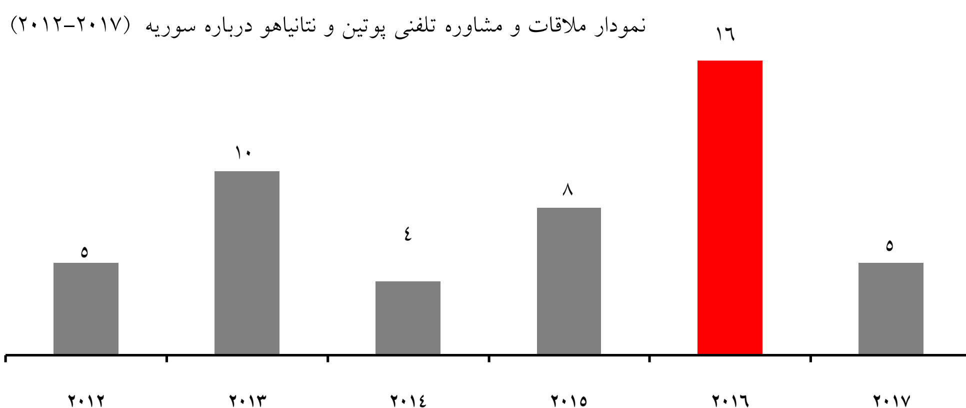
۱ . «نتانیاهو» کمتر از یک سال بعد، مجدداً برای ترسیم خطوط قرمز رژیم صهیونیستی در سوریه به مسکو رفت و در کنفرانس خبری مشترک با «پوتین» که روز ۲۱ آوریل ۲۰۱۶ برگزار شده بود به تکرار خط قرمزهای اسرائیل پرداخت: «من در جلسات قبلی سیاست‌های اسرائیل درباره امنیت مرزهای شمالی را بیان کرده‌ام. اسرائیل خطوط قرمز مشخص و قابل فهمی درباره امنیت خود دارد. اول!... ما هر کاری برای اطمینان درباره اینکه حزب‌الله به تسلیحات فوق مدرن از سوریه و عراق دست پیدا نمی‌کند انجام می‌دهیم.دوم!... ما همه توان خود برای جلوگیری از یک جبهه دوم تروریستی در جولان را بکار می‌گیریم. این خطوط قرمزی است که ما تعیین کرده‌ایم و همچنان بر آن اصرار داریم. ما نمی‌توانیم به عقب یعنی زمانی که روستاها و فرزندان ما زیر آتش قرار داشتند برگردیم. بنابراین با توافق یا بدون آن، جولان بخشی از قلمرو حاکمیت اسرائیل باقی خواهد ماند.»

(The Jerusalem Post (A), ۲۰۱۶)

است که قادر به حفظ وضعیت خود باشد، اما با وجود این ما به طور کامل نگرانی‌های شما را درک می‌کنیم.» (President of Russia (B), ۲۰۱۵)

روابط روسیه و رژیم صهیونیستی به دلایل متعددی از سطح نزدیک به استراتژیک برخوردار است. آنان دارای منافع و همکاری‌های مشترک امنیتی و اقتصادی و سیاسی حول موضوعات مختلف هستند. روسیه و اسرائیل همچنین دارای منافع موازی هستند که به طور جداگانه از طریق اتحاد و ائتلاف و همکاری با دیگر بازیگران تحقق آنها را پیگیری می‌کنند. به عنوان مثال روسیه برای تأمین منافع اختلاف‌زای خود با آمریکا در سوریه، به بلوک ایران پیوست و اسرائیل ضمن درک منافع روسیه تلاش برای مهار جمهوری اسلامی ایران و گروه‌های هم پیمان با آن را بر بستر منافع مشترک با روسیه آغاز نمود. بر همین اساس نخست وزیر اسرائیل از آغاز جنگ داخلی سوریه، به طور مستمر با رئیس جمهور روسیه در ارتباط بوده است. پوتین و نتانیاهو از سال ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۷، ٤٨ بار درباره مسئله سوریه با یکدیگر ملاقات نموده و یا به صورت تلفنی به گفتگو پرداختند. (آزاد، ۱۳۹۵: ٦٠)

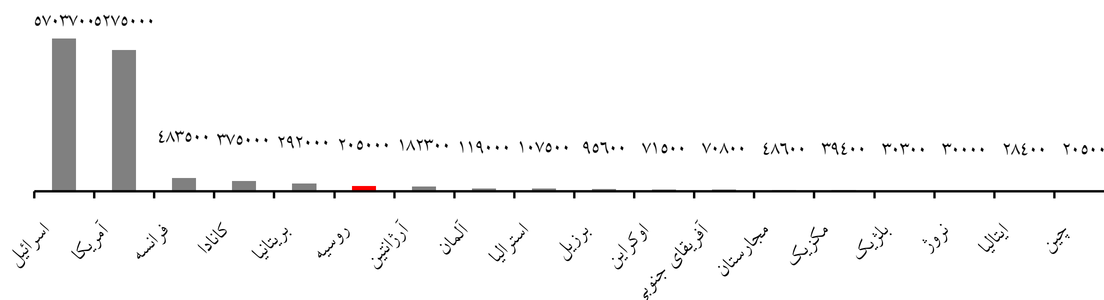
نمودار ٤-۳۲- روابط روسیه و اسرائیل حول بحران سوریه (۲۰۱۲-۲۰۱۷)



(آزاد، ۱۳۹۵: ٦۱)

حجم ارتباطات دیپلماتیک روسیه و اسرائیل حول پرونده سوریه و امنیت اسرائیل دارای بسترهای مهمی در روابط طرفین است که جمعیت یهودی‌های روس‌تبار بنیان آن را تشکیل می‌دهد. روسیه از نظر جمعیت یهودی ششمین رتبه در کشورهای جهان را داراست. (DellaPergola, ۲۰۱۱: ۲۲)

نمودار ٤–٣٣– پراکندگی جمعیت یهودیان در روسیه نسبت به سایر نقاط



(DellaPergola, ٢٠١١: ٢٢)

یهودیان روس‌تبار، سومین بخش جمعیت اسرائیل را بعد از عبری زبان‌ها و عرب تبارها تشکیل می‌دهند. فلسطین اشغالی، سومین جغرافیای سکونت روس‌تبارها خارج از اتحاد جماهیر شوروی سابق است. یهودی‌های روس‌تبار در سلسله مراتب حکومت یکی از مهم‌ترین آنها در ساختار حکومتی اسرائیل آووگیدور لیبرمن است. گسترش حضور نخبگان روس تبار در حوزه‌های استراتژیک اسرائیل از سال ١٩٦٣ آغاز شد و به تولید یک الگوی نظری توسط جسیکا کلر انجامید. این الگو شامل مشارکت نخبگان داخلی و خارجی روس‌تبار در حوزه‌های مختلف است. این الگو به مقایسه مشارکت این دو گروه از نخبگان روس‌تبار در آلمان و اسرائیل پرداخته بود که از نظر جمعیت، دو رتبه پایین‌تر از اسرائیل قرار دارد. بررسی کلر حکایت از حضور تمام‌عیار نخبگان روس‌تبار خارجی در حوزه‌های استراتژیک اسرائیل داشت در حالی که حوزه‌های سیاسی و اقتصادی آلمان از حضور روس‌تبارها خالی بود.

(Glöckner, ٢٠١٠: ٧٨)

جدول ٤–٥٧– الگوی جسیکا کلر از مقایسه نخبگان یهودی روس‌تبار در آلمان و اسرائیل

نخبگان یهودی روس‌تبار در اسرائیل						**نخبگان یهودی روس‌تبار در آلمان**					
نخبگان خارجی			نخبگان داخلی			نخبگان خارجی			نخبگان داخلی		
سیاست	اقتصاد	علم	اطلاعات	رسانه	هنر	سیاست	اقتصاد	علم	اطلاعات	رسانه	هنر
فعال	فعال	فعال	فعال	فعال	فعال	....	....	فعال	فعال	فعال	فعال

(Glöckner, ٢٠١٠: ٧٨)

نرخ رشد جمعیت روس‌تبارها در اسرائیل طی دوره زمانی ٢٠٠٦ – ٢٠٠٧ افزایش چشم‌گیری داشت و تا سال ٢٠١٢ به ٢٠٪ از جمعیت اسرئیل رسید. بسیاری از روس‌تبارهای اسرائیل دارای تابعیت دوگانه هستند و در فرایند سیاسی روسیه نیز مشارکت دارند. به عنوان مثال چند صد هزار یهودی روس‌تبار در

انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۱۲ روسیه از صندوق‌های رأی‌گیری دایر شده در شهرهای فلسطین اشغالی به پوتین یا رقیب او میخائیل پروخروو رای دادند. (Ynetnews (A), ۲۰۱۲)

هفته٦٠پرواز مستقیم بین مسکو و تلاویو برای جابجایی روس‌تبارها برقرار است و دو طرف از سال ۲۰۰۸، قردادی برای لغو روادید اتباع خود امضاء کردند. به همین ترتیب روابط طرفین در حوزه‌های اقتصادی و امنیتی نیز از سطح بالایی برخوردار است. به عنوان مثال روسیه تا سال ۲۰۱٤ در کنار قزاقستان و آذربایجان بزرگترین صادر کننده نفت به اسرائیل بوده است. دو طرف روز ۲۸ مارس۲۰۱۱ قرداد همکاری فضایی امضاء کردند که در برگیرنده پژوهش‌های سیاره‌ای، زیست شناسی و پزشکی فضایی، ماهواره ناوبری و راه‌اندازی خدمات و فن‌آوری بود. مسکو روز ۲۵ اکتبر۲۰۱۳ قرار دادی برای توسعه فن‌آوری نانو در اسرائیل با تلاویو امضاء کرد که مجری آن شرکت «روس نانو» بود. البته روسیه و اسرائیل در حوزه نظامی نیز همکاری‌های مشترکی دارند. اسرائیل و روسیه روز ششم سپتامبر ۲۰۱۰ یک قرارداد پنج‌ساله نظامی با هم امضاء کردند. روسیه از سال ۲۰۰۹ خرید پهپاد از اسرائیل را آغاز کرد و در آوریل همان سال اولین محموله ۵۳ میلیون دلاری از اسرائیل تحویل گرفت. دومین محموله به ارزش۱۰۰ میلیون دلار در پایان سال ۲۰۰۹ از اسرائیل تحویل گرفته شد. و در اکتبر۲۰۱۰ سومین بخش از محموله پهپاد به ارزش٤۰۰ میلیون دلار به رو.سیه تحویل داده شد و در سال ۲۰۱۲ تولید پهپاد برای تحویل در سال ۲۰۱٤ به طور مشترک توسط اسرائیل و روسیه ادامه یافت. روسیه در سپتامبر ۲۰۱۵، چهارمین محموله پهپاد را به ارزش٤۰۰ میلیون دلار از اسرائیل تحویل گرفت. (Ведомости, ۲۰۱۵)

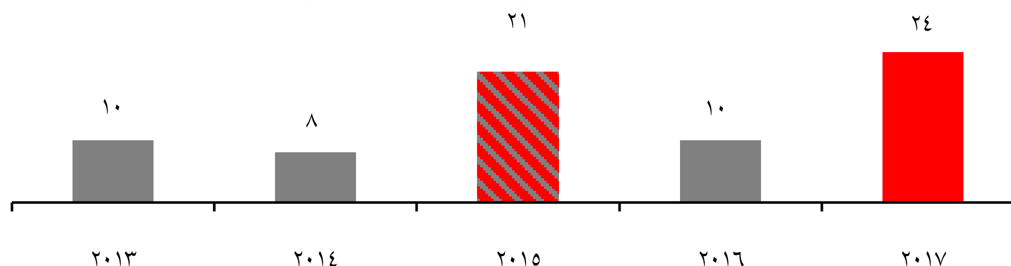
بررسی اطلاعات آشکار نشان می‌دهد[1] اسرائیل ذیل سیاست بی‌طرفی مشروط از ژانویه ۲۰۱۳ تا سپتامبر ۲۰۱۷، ۷۵ بار به مواضع حزب‌الله لبنان بواسطه ضربات محدود حمله کرده است. البته ژنرال امیر اِشل فرمانده نیروی هوایی این رژیم، روز ۱۷ آگوست ۲۰۱۷ بدون اشاره به تعداد دقیق این حملات تصریح کرد که تعداد حملات اسرائیل به کاروان‌های سلاح حزب‌الله در سوریه از سال ۲۰۱۲ در به یک عدد سه رقمی (۱۰۰) نزدیک شده است. (Haaretz (A), ۲۰۱۷) نتانیاهو روز ۲۱ سپتامبر ۲۰۱۵ بعد از اولین

---

۱. این اطلاعات مبتنی بر شمارش حملاتی است که بیانیه‌های رسمی وزارت دفاع سوریه درباره آنها اطلاع رسانی کرده است یا رسانه‌های جمعی اخبار مربوط به آنها را منتشر کرده‌اند و از سوی هیچ یک از طرف‌های ذینفع رد یا تکذیب نشده‌اند.

ملاقاتش با پوتین بعد از حضور عملیـاتی روسـیه در سـوریه مـدعی شـد کـه پـوتین هـدف قـرار دادن کاروان‌های سلاح حزب‌الله در سوریه را پذیرفته و نتانیاهو نیز اطمینان یافته است.
(Times of Israel (A), ۲۰۱۵)

نمودار ٤-٣٤- فراوانی حملات اسرائیل به مواضع حزب‌الله در سوریه (۲۰۱۳-۲۰۱۷)



اسرائیل از سال ۲۰۱۳ بواسطه ضربات محدود تلاش کرد تا خطـرات ناشـی تحـرک حـزب‌الله بـر بسـتر آنارشی حاکم بر سوریه را مهار کند، اما افزایش تهدیدات کلامی از سوی برخی گروه‌های مدافع حرم بـه تشدید اقدامات دیپلماتیک اسرائیل برای پیش‌گیری از وقوع هر گونه تهدید احتمالی آینـده انجامیـد. روز ۲٤ فوریه ۲۰۱۷ شیخ اکرم عباس کعبی دبیرکل جنبش نجباء یکی از گروه‌های عراقی هم پیمان بـا ایـران در سوریه با صدور بیانیه‌ای برای همراهی ارتش سوریه در روند آزادی جولان اعلام آمادگی کرد. (موقـع حركة النجباء (الف)، ۲۰۱۷) دو هفته بعد از صدور بیانیه کعبـی، مسـئول نظـامی «جنـبش نجبـاء» روز ۸ مارس۲۰۱۷ از تشکیل تیپ آزادی جولان (لواء تحریر الجولان) به عنوان یک تکلیف شـرعی در راسـتای عملیاتی‌سازی توجیهات دبیرکل این جنبش و گامی به سوی آزادی مقدسـات در فلسـطین اشـغالی خبـر داد.(موقع حركة النجباء (ب)، ۲۰۱۷) «جنبش نجباء» همان روز تصاویر و ویدئویی از رژه نیروهـای لـواء تحریر الجولان منتشر کرد که پرچمی با همین عنوان حمل می‌کردند.(موقع حركة النجباء (ج)، ۲۰۱۷)
همان روز سید هاشم موسوی سخنگوی جنبش نجباء طی یک کنفـرانس خبـری در تهـران بـا اشـاره بـه تأسیس یگان جدید «تیپ آزادی جولان» به جزئیات بیشتری درباره آن اشاره کرد:

«اعضای این واحد جزو نیروهای ویژه مقاومت اسلامی نجباء هستند که مأموریت اصلی آنـان در صورت موافقت دولت سوریه، مشارکت در عملیات آزادسازی این منطقه اشـغالی خواهـد بـود.

رزمندگان تیپ جولان مقاومت اسلامی نجباء، فوق‌العاده آموزش‌دیده و زبده هستند و تا کنون تنها در نبردهایی اندک، آن هم برای پایان دادن به کار دشمن و در مراحل آخر، وارد نبرد شده‌اند.» (خبرگزاری دفاع مقدس، ۱۳۹۵)

با آغاز این روند بنیامین نتانیاهو، روز ٦ مارس۲۰۱۷ تصمیم خود برای سفر به مسکو حول گفتگو درباره مسائل تثبیت موقعیت ایران در سوریه و جولان را اعلام کرد و در این رابطه گفت:

«ایران می کوشد تا موقعیت نظامی خود را در خاک سوریه و آبهای نزدیک این کشور محکم کند و نیز خواستار آن است که در بلندی‌های جولان، جبهه جدیدی در مقابل اسرائیل بگشاید. من در گفت و گوهایم با ولادیمیر پوتین، رئیس جمهوری روسیه، مخالفت خود با این اقدام ایران را با صراحت بیان خواهم کرد. امیدوارم در مذاکره با پوتین تفاهمی حاصل شود که بر مبنای آن برخوردهای احتمالی میان نیروهای دوطرف تا حد ممکن کاهش یابد و این موضوع را نیز با پوتین در میان خواهم گذاشت.» (تایمز اسرائیل، ۲۰۱۷)

نخست اسرائیل روز نهم مارس ۲۰۱۷ ضمن شرکت در یک کنفرانس خبری مشترک با «ولادیمیر پوتین» در کاخ کرملین، در مقابل انظار به پوتین یادآوری کرد که بسیاری از شهروندان اسرائیل روس‌تبار هستند و روسی صحبت می‌کنند، و در ادامه خطاب به رئیس جمهور روسیه گفت:

«اسرائیل و روسیه بر این مبنا (روس‌تبارهای اسرائیلی) روند رسمی توافقات و استراتژی را کامل کرده‌اند و من شخصاً از شما برای رسیدن به این دست‌آورد تشکر می‌کنم. یکی از چیزهایی که ما را با هم متحد می‌کند نبرد علیه تروریست‌های اسلام‌گرای رادیکال است. سال گذشته پیشرفت قابل ملاحظه‌ای در مبارزه با تروریست‌های اسلام‌گرای رادیکال سُنّی نظیر القاعده و داعش حاصل شد که روسیه نیز سهم بزرگی در آن داشت. البته ما خواهان آن نیستیم که تروریسم اسلام‌گرای شیعه به رهبری ایران، جایگزین تروریسم اسلام‌گرای سُنّی شود. ما کشور و ارتش خود را داریم و قادریم از خودمان دفاع کنیم؛ اما من می‌خواهم بگویم که خطر تروریسم اسلام‌گرای شیعه تنها علیه ما نیست، بلکه منطقه و کل جهان را تهدید می‌کند. من با اطمینان

می‌گویم که ما بدون توجه به مسئله شیعه و سُنّی، به دنبال مقابله با تهدید تمـام تروریسـت‌هـای اسلام‌گرای رادیکال هستیم.» (President of Russia (A), ۲۰۱۷)

در ادامه اقدامات دیپلماتیک و ضربات هوایی اسرائیل، سـخنگوی کـاخ سـفید روز ۳۱ مـارس۲۰۱۷، بـه موضوع جدیدی تحت عنوان «مناطق کاهش‌تنش»[1] در جنوب سوریه اشاره کرد و آن را بخشی از گفتگـو با اردن و دیگرانی که در جنگ سوریه درگیر هستند توصیف نمود. (The White House (H), ۲۰۱۷)

روزنامه «هاآرتص» روز نهم آوریل ۲۰۱۷ در توضیح کاملتری درباره روند آغاز شده به نقـل از «نتانیـاهو» اعلام کرد که او با پوتین، ترامپ و سایر دولت مردان در منطقه لابی برای ایجاد یک «منطقـه حائـل» بـین اردن، سوریه و اسرائیل به منظور جلوگیری از نفوذ ایران و گروه‌های تحت حمایتش نظیـر حـزب‌الله بـه مرزهای جولان را آغاز کرده است. این منطقه توسط نیروهای ثالث برای تأمین امنیت اسـرائیل محافظـت می‌شوند.(Haaretz (A), ۲۰۱٦) روز اول می۲۰۱۷ پایگاه خبری «اسـپوتنیک» مـتن پـیش‌نـویس طـرح روسیه برای ایجاد «مناطق چهارگانه کاهش‌تنش»[2] را منتشر کرد و روز بعد ولادیمیر پوتین رئیس جمهـور روسیه طی تماس تلفنی با ترامپ رئیس جمهور آمریکا به تبادل نظر درباره مناطق کاهش تنش پرداخت.
(The White House (I), ۲۰۱۷)

این طرح در نهایت در روز چهارم می۲۰۱۷ به یک یادداشت برای ایجاد مناطق کاهش‌تنش تبدیل شد که به امضاء نمایندگان هیئت روس، ایران و ترکیه رسید.

(The Ministry of Foreign Affairs of the Russian Federation (A), ۲۰۱۷)

ژنرال «سرگی رودسکوی» فرمانده بخش عملیات اصلی روسیه روز ۵ می۲۰۱۷ مشخصات مناطق کاهش تنش را به شرح زیر اعلام کرد:

۱. ادلب، شمال شرق لاذقیه، غرب حلب و شمال حمص که یـک میلیـون جمعیـت عـادی در آنهـا ساکن هستند و ۱٤۵۰۰ نفر از قوی‌ترین گروه‌های معارض نیز در این مناطق حضور دارند؛
۲. رستن و تل‌بیضاء در شمال حمص که ۳ هزار شورشی و ۱۸۰ هزار نفـر جمعیـت در ایـن منـاطق حضور دارند؛

---

۱ . de-escalation areas
۲ . Four Zones of Reduction of Tension

۳. غوطه شرقی که ۹ هزار نفر شورشی آن را کنترل می‌کنند و ٦۹۰ هزار نفر ساکن دارد؛

٤. درعا و قنیطره که ۸۰۰ هزار نفر جمعیت دارد و توسط ۱۵ هزار نیروی جبهه جنوبی اداره می‌شود. (Ministry of Defence of the Russian Federation (A), ۲۰۱۷)

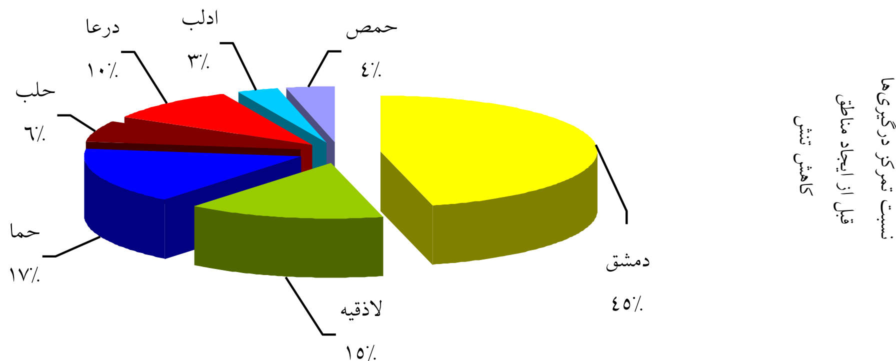
قرار گرفتن نام قنیطره (استان هم‌مرز جولان) در زمره مناطق کاهش‌تنش مؤید این واقعیت بود که اسرائیل با استفاده از ظرفیت روسیه و آمریکا موفق به دور کردن تهدید از مرزهای شمالی خود شده است. وزارت خارجه آمریکا یک روز بعد از امضاء یادداشت مناطق کاهش‌تنش، ضمن ابراز نگرانی درباره آنچه تداوم نقش مخرب ایران به عنوان ضامن آتش‌بس خوانده بود با توافق ایجاد مناطق چهارگانه کاهش تنش در سوریه موافقت و از آن حمایت کرد. (U.S Department of state (A), ۲۰۱۷)

سرگی لاوروف وزیر امورخارجه روسیه روز ۱۰ می۲۰۱۷ در واشینگتن با رئیس جمهور و وزیر امورخارجه ایالات متحده دیدار و گفتگو نمود. کاخ سفید محورهای گفتگوی ترامپ و لاوروف را شامل تأکید رئیس جمهور آمریکا بر لزوم همکاری با روسیه برای پایان دادن به درگیری، بویژه مهار رژیم اسد، ایران و شبه نظامیان مورد حمایت ایران اعلام کرد. (The White House (J), ۲۰۱۷)

وزیر خارجه روسیه با اشاره به گفتگوی خود با مسئولین دولت آمریکا درباره مناطق کاهش‌تنش تصریح کرد که ایده ایجاد مناطق کاهش‌تنش در گفتگوی تلفنی ترامپ با پوتین رد و بدل شده و سپس تیلرسون در سفر به مسکو جزئیات آن را با دولت روسیه به اشتراک گذاشته شده و دو طرف مورد آن بحث کرده‌اند. لاوروف با اشاره بخش جنوبی مناطق کاهش‌تنش در سوریه توضیح داد که آمریکا به ایجاد ثبات در مرزهای سوریه، اردن و اسرائیل علاقمند است و دو طرف مایل به همکاری در این زمینه هستند. (The Ministry of Foreign Affairs of the Russian Federation (B), ۲۰۱۷)

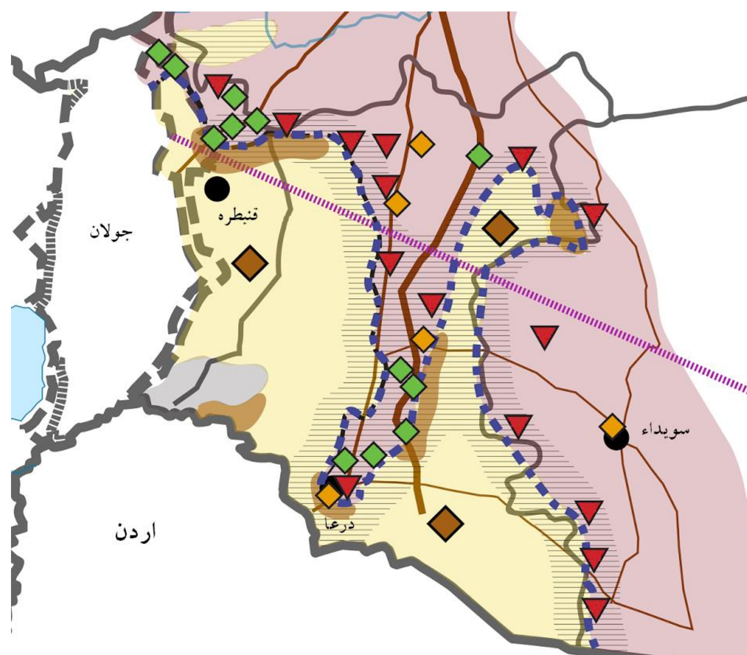
بررسی آمار ۱۰۰ بولتن مشترک روزانه وزارت دفاع روسیه و ترکیه درباره نقض آتش‌بس در سوریه طی روزهای قبل از ایجاد مناطق کاهش تنش ناظر به این مسئله مهم بود که اساساً هیچ یک از دو طرف ترک و روس به نقض آتش‌بس و تنش در این منطقه اشاره‌ای نکرده بودند و لذا قرار گرفتن نام استان قنیطره در این فهرست، شاهد عینی مناسبی برای اثبات این ادعاست که روسیه و آمریکا در حال اجرای یک طرح جغرافیایی برای اطمینان بخشی به تأمین امنیت اسرائیل بودند. (آزاد، ۱۳۹۵: ٦۰)

نمودار ٤–٣٥– نسبت تمرکز جغرافیایی مناقشه مسلحانه در سوریه قبل از اجرای طرح مناطق کاهش تنش



(آزاد، ١٣٩٥: ٦٠)

اجرای طرح مناطق کاهش تنش از ساعت ١٢ نیمه شب روز نهم جولای ٢٠١٧ آغاز و وظیفه تأمین امنیت در این مناطق به نیروهای پلیس روس سپرده شد که با دو طرف آمریکایی و اردنی همکاری می‌کردند.همزمان با آغاز اجرای توافق، بنیامین نتانیاهو ضمن تبریک به مناسبت تدوین برنامه آتش‌بس و منطقه کاهش تنش در جنوب سوریه هشدار داد که ایران و نیروهای هم‌پیمان با ایران نباید به این منطقه نزدیک شوند. او به گفتگوهای عمیق هفته قبل خود با وزیر خارجه آمریکا و رئیس جمهور روسیه اشاره کرد و تأکید کرد که آنها برآورده شدن مطالبه اسرائیل ضمانت کرده‌اند.(Haaretz (B), ٢٠١٧)



خطوط حضور القاعده | معارضین | جیش خالد بن‌الولید | ارتش سوریه
خط حدّ عقب نشینی نیروهای مقاومت | حدفاصل بین معارضین، القاعده و ارتش
مناطق کاهش تنش در درعا، قنیطره و سویداء
نقاط حضور نیروهای مقاومت | نقاط حضور ناظران روس
نقاط حضور مشترک نیروهای روس و مقاومت | مراکز اداری- اجرایی القاعده

نقشه ٤-١١- مختصات منطقه کاهش‌تنش در جنوب غربی سوریه[۱]

بعد از اعلام رسمی اجرای طرح مناطق کاهش‌تنش مناقشات کلامی از سوی اسرائیل و ایران آغـاز شـد[۲]، اما روسیه با استقرار پلیس در ایستگاه‌های تعیین شده، کنترل آتش‌بس و جلـوگیری از عبـور طـرف‌هـای

۱ . این نقشه براساس انطباق مختصات اعلام شده توسط وزارت دفاع روسیه تنظیم شده است.

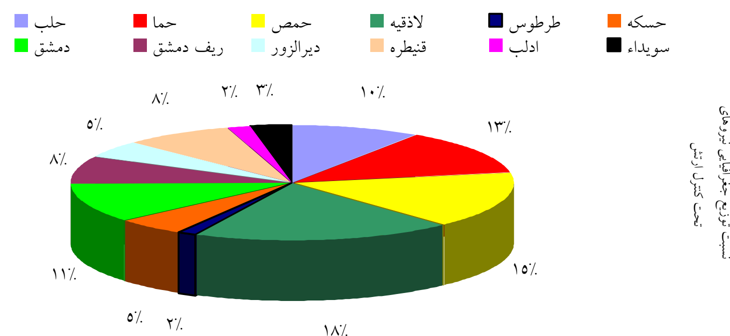
۲ . «حسین جابری انصاری» معاون عربی و آفریقای وزارت امور خارجه روز ۱۵ جولای ۲۰۱۷ در حاشیه دیدار با «الکساندر لاورنتیه» نماینده ویژه پوتین در امور سوریه درباره تأثیر توافق آمریکا و روسیه بر نحوه حضور نیروهای ایرانی جنوب غرب سوریه گفت: «حضور ایران در هر شکل و در هر سطحی در بحران سوریه بر اساس درخواست دولت سوریه و توافقات دو کشور انجام شـده است و منوط به توافق هیچ طرف دیگر منطقه‌ای و بین‌المللی نیست. توافق دیگران در ارتباط با ایران حتی اگر انجام شود هیچ نتیجه عملی و مؤثری درباره حضور ایران نخواهد داشت.». یک روز پس از اظهارات انصاری نخست وزیر اسرائیل، بعد از ملاقات با ماکرون رئیس جمهور فرانسه گفت که به طور کامل مخالف توافق آمریکا و روسیه در جنوب سوریه است زیرا وافقی که قرار است ایران را از مرز سوریه با اسرائیل تا ۲۰ کیلومتر دور کند، در واقع حضور ایران را در سوریه دائمی می‌کند و باعث تثبیت حضور ایرانی‌ها در سوریه می‌شود. لاوروف در پاسخ به دعـاوی نتانیـاهو درباره تأمین منافع اسرائیل ضمانت داد و تصریح کرد که اسرائیل در جریان جزئیات مذاکرات و توافق طرفین بوده و طرح را پذیرفته است. وی در این رابطه گفت: «این توافق بـر اسـاس آمـایش منافع همه طرف‌های ذینفع و از جمله اسرائیل انجام شده است بنابراین ما بر اساس این واقعیت عمل می‌کنیم که طرف اسرائیلی از همه آنچه درباره آن توافق شده کاملاً اطلاع دارد و با آن موافقت کرده است. من می‌توان تضمین کنم که ما و همکاران آمریکایی ما تمام آنچه باعث منافع اسرائیل در این توافق می‌شود را انجام داده‌ایم.»

درگیر با تسلیحات را آغاز کرد. البته وزارت دفاع آمریکا روز ۱۱ جولای ۲۰۱۷ اعلام کرد که پنتاگون بـه دلیل پرهیز از ابهامات ناشی از سرعت مذاکرات و فقدان شفافیت جزئیـات طـرح، هـیچ‌گونـه مشـارکت رسمی در روند برقراری آتش‌بس، نظارت بر آن و اعمال زور در فرایند آن نخواهد کرد. بنـابراین روسـیه به عنوان تنها نیروی ضامن حفظ آتش‌بس در منـاطق کـاهش‌تـنش وارد محـدوده تعیـین شـده گردیـد و نیروهای حزب‌الله لبنان و جنبش نجباء تخلیه نیروهای خود از درعا را آغاز کردند.[۱] وزارت دفـاع روسـیه روز ۲٤ جولای ۲۰۱۷ به طـور رسـمی از اسـتقرار پلـیس روسـیه در دو نقطـه ایسـت و بازرسـی بـرای جلوگیری از ورود تسلیحات و ۱۰ مرکز مراقب در مرز مناطق کاهش تنش در جنـوب غربـی سـوریه تـا فاصله ۱۳ کیلومتری خط آتش‌بس ۱۹۷۳ در جولان خبر داد و «سرگی شویگو» فرمانده کل ارتش روسـیه در گزارش روز ۲٦ جولای ۲۰۱۷، استعداد کل پلیس روس که برای استقرار در کل منـاطق کـاهش‌تـنش شکل گرفته‌اند را چهار گردان اعلام کرد.

(Ministry of Defence of the Russian Federation (B), ۲۰۱۷)

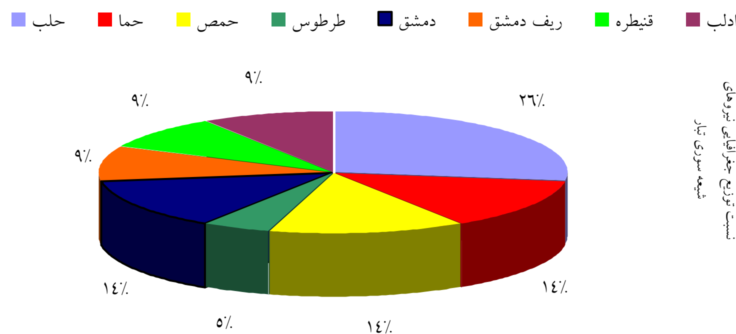
فارغ از تبلیغات رسانه‌ای و شعارهای سیاسی ردّ و بدل شده بین بازیگران، بررسـی شـواهد عینـی مبتنـی بـر تحرکات ساز و کارهای مهار داعش در سوریه که به طور هم زمان در جنگ داخلی این کشور نیز بکار گرفته شدند، نشان می‌دهد، ایران و بازیگران ذینفع در بلوک درگیر با اسرائیل تلاشی برای گشایش یک جبهه جدید علیه اسرائیل انجام نداده‌اند.

نمودار ٤-۳٦- نسبت توزیع جغرافیایی نیروهای تحت کنترل شبکه نظامی- امنیتی سوریه

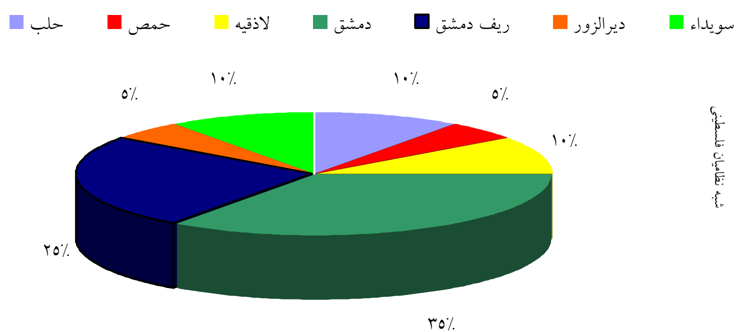


۱ . روز ۱۲جولای ۲۰۱۷ کاروان‌های متعلق به آنها با خروج از بخش شرقی مخیم درعا به منطقه استقرار کارخانجات و شاخه اطلاعات نیروهای هوایی وارد شده‌اند و بخش دیگری از این کاروان‌ها نیز «حی‌سجنة» در نزدیکی مرز اردن را ترک کردند. گفته می‌شد این نیروها به سمت ریف درعای شمالی حرکت کرده و در شهرک عتمان موضع گرفتند، همچنین گروه‌های کوچکتری از آنهـا بـه شهرک إزرع و صنمین وارد شدند. از روز ١٤جولای ۲۰۱۷ افسران روس به نقاط ایست و بازرسی تحت کنترل ارتش وارد شدند و روز ۱۹جولای ۲۰۱۷ حدود ٤۰۰ پلیس روس در نقاط ایست و بازرسی در حد فاصل بین آموزشگاه رانندگی در نزدیکی الموثبین (جنوب سویداء) تا قرارگاه بی‌سیم ۱۱۰ در شهر صنمین مستقر شدند که تحت فرماندهی لشکر نهم ارتش سوریه قرار دارد.

نمودار ٤-٣٧- نسبت توزیع جغرافیایی نیروهای شیعه سوری تبار

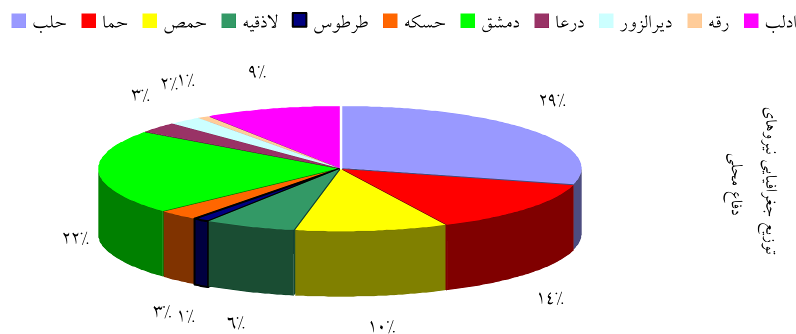


نمودار ٤-٣٨ – نسبت توزیع جغرافیایی نیروهای شبه نظامیان فلسطینی حامی دولت سوریه

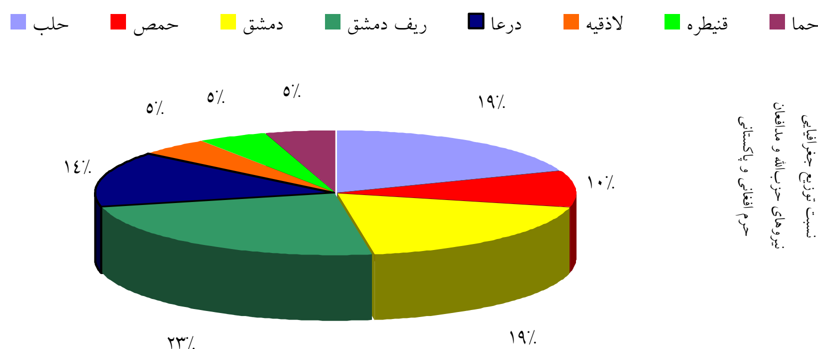


اطلاعات مندرج در این نمودارها فاقد منبع واحد و متکی بر جمع آوری و مقایسه داده‌ها از تعداد کثیـری خبـر و گـزارش مربوط به تحرکات و نقل و انتقال گروه‌ها در میادین نبرد تا زمان اجرای طرح مناطق کاهش تنش در سوریه است. (بـدیهی است این نسبت‌بندی تقریبی است و امکان دارد با تأثیرپذیری از سیالیت شرایط حاکم بر جبهه نبرد دستخوش تغییر شود.)

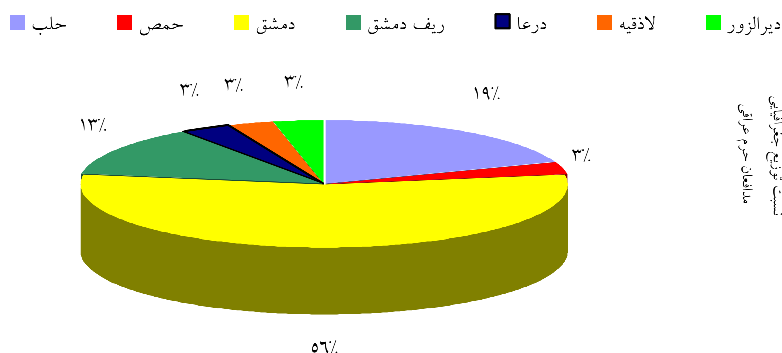
نمودار ٤-٣٩- نسبت توزیع جغرافیایی نیروهای دفاع محلی



نمودار ٤-٤٠- نسبت توزیع جغرافیایی نیروهای حزب‌الله، افغانی و پاکستانی



نمودار ٤-٤١- نسبت توزیع جغرافیایی نیروهای عراقی



اطلاعات مندرج در این نمودارها فاقد منبع واحد و متکی بر جمع آوری و مقایسه داده‌ها از تعداد کثیری خبر و گزارش مربوط به تحرکات و نقل و انتقال گروه‌ها در میادین نبرد تا زمان اجرای طرح مناطق کاهش تنش در سوریه است. (بدیهی است این نسبت‌بندی تقریبی است و امکان دارد با تأثیرپذیری از سیالیت شرایط حاکم بر جبهه نبرد دستخوش تغییر شود.)

جدول ٤-٥٨- توزیع جغرافیایی کل نیروهای تحت کنترل ارتش و بلوک ایران (محور مقاومت) در سوریه[۱]

نیروهای	حلب	حما	حمص	لاذقیه	طرطوس	حسکه	دمشق	ریف دمشق	دیرالزور	قنیطره	ادلب	سویداء
تحت کنترل ارتش	٪۱۰	٪۱۰	٪۱۳	٪۱٦	٪۱	٪٤	٪۱۷	٪۱۲	٪٥	٪٦	٪۱	٪٥
مقاومت	٪۲۳	٪٤	٪۹	٪۳	٪۱	٪۰	٪۳٦	٪۱٦	٪۱	٪٤	٪۳	٪۰

۱ . اطلاعات مندرج در این نمودارها فاقد منبع واحد و متکی بر جمع آوری و مقایسه داده‌ها از تعداد کثیری خبر و گزارش مربوط به تحرکات و نقل و انتقال گروه‌ها در میادین نبرد تا زمان اجرای طرح مناطق کاهش تنش در سوریه است. (بدیهی است این نسبت‌بندی تقریبی است و امکان دارد با تأثیرپذیری از سیالیت شرایط حاکم بر جبهه نبرد دستخوش تغییر شود.)

بررسی روند توزیع استانی نیروهای تحت کنترل ارتش و محور مقاومت در سوریه، الگویی کلی از تمرکز عملیاتی و اولویت‌های امنیتی محور مقاومت در جنگ داخلی سوریه و مبارزه با داعش ایجاد می‌کند که قنیطره در آن از جایگاه پایینی (٦٪ از استعداد نیروهای تحت کنترل ارتش و ٤٪ از استعداد نیروهای مقاومت در این محدوده متمرکز بوده‌اند) برخوردار بوده است. این دست آورد تخمینی با عدم هرگونه اطلاعات از درگیری و مناقشه استراتژیک در درعا و قنیطره در بولتن‌های مشترک وزارت دفاع روسیه و ترکیه همخوانی دارد.

اسرائیل با این ادعا که ایران یا بلوک متخاصم با این رژیم ممکن است در آینده، آرایش و توزیع جغرافیایی نیروهای تحت امر خود را در راستای جنگ برای حذف اسرائیل تغییر دهند لابی‌گری با بازیگران ذینفع برای بیرون راندن ایران و نیروهای تحت امرش از سوریه در مقطع بعد از پاکسازی مراکز ثقل فیزیکی داعش را آغاز کرد. این تلاش تنها بر اساس احساس خطر وجودی و جلوگیری از بوجود آمدن هر نوع احتمال وخیم در آینده آغاز شده بود. ادبیات نخست وزیر اسرائیل و فعالیت‌های دیپلماتیک و نظامی این رژیم بعد از اجرای طرح مناطق کاهش تنش حکایت از اضافه شدن دو گزینه به خط قرمزهای قبلی اسرائیل دارد:

١. جلوگیری تأسیس پایگاه توسط ایران در سوریه (تثبیت وضعیت)
٢. منع ساخت تسلیحات استراتژیک در سوریه و لبنان

نتانیاهو روز ٢٣ آگوست ٢٠١٧ در خلال یکی از سفرهای پرشمار خود به مسکو در کنفرانس مشترک خبری با پوتین به طرح دغدغه درباره تقویت حضور ایران در سوریه پرداخت و گفت:

> «ایران تلاش‌های گسترده‌ای برای تقویت حضور خود در سوریه انجام می‌دهد؛ این تهدیدی برای اسرائیل، برای خاورمیانه و برای جهان است. ایران همچنین در گسترش کنترل و نفوذ خود در عراق و یمن پیشرفت‌های جدّی نموده که این در بسیاری جنبه‌ها یک تمرین براساس الگویی که در لبنان پیاده کرده است محسوب می‌شود.» (President of Russia (B), ٢٠١٧)

نتانیاهو بعد از دیدار با پوتین نیز در یک کنفرانس خبری با خبرنگاران رسانه‌های اسرائیل در تلاویو شرکت کرد به مشکل حضور ایران در اراضی که از داعش تخلیه می‌شود اشاره کرد و در این رابطه گفت:

«ایران نیت خود را برای دسترسی به دریای مدیترانه پنهان نمی‌کند، ایران می‌خواهد شبه نظامیان شیعه را از راه هوا، دریا و زمین وارد سوریه کند تا از آنها علیه اسرائیل استفاده نماید. پوتین متوجه شده است که این توسعه برای اسرائیل و دیگران در منطقه بسیار خطرناک است؛ اما ما منفعل نخواهیم شد و این نکته به صورت شفاف و دقیق به اطلاع رئیس جمهور روسیه رساندیم. من قبلاً گفته‌ام که اورشلیم نمی‌تواند با تأسیس پایگاه دریایی، زمینی و هوایی ایران در سوریه موافقت کند؛ پایگاه‌هایی که در آینده علیه اسرائیل مورد بهره برداری قرار گیرند. چنین گفتگوهایی (نشست با پوتین) برای تأمین امنیت و منافع اسرائیل است و من منافع روسیه را درک می‌کنم. در روسیه مثل نقاط دیگر جهان این مفهوم پذیرفته شده که وقتی اسرائیل خطوط قرمزی را ترسیم می‌کند، روسیه از آنها عبور نمی‌کند. اسرائیل می‌خواهد از یک جنگ منطقه‌ای جلوگیری کند و این مهم است که پیشاپیش نسبت به مسائلی که می‌تواند به بدتر شدن وضعیت می‌انجامد، هشدار دهد. اورشلیم در حال لابی شدید با مسکو و واشینگتن است تا بعد از پایان جنگ در سوریه تمام نیروهای خارجی این کشور را ترک کنند. ایران همانطور که لبنان را از طریق نایب خود حزب‌الله کنترل می‌کند در سوریه نیز به همان روش مشغول کنترل سوریه از طریق دهها هزار شبه نظامی شیعه است و تلاش می‌کند سوریه را لبنانیزه نماید.»

(The Jerusalem Post (A), ۲۰۱۷)

احساس تهدید اسرائیل از تثبیت حضور ایران و نیروهای مقاومت در سوریه، به طور عام دارای ارتباط مستقیم با دشمنی ایدئولوژیک بین طرفین است، اما اماره‌های خاص مخابره شده از سوی بلوک مقاومت درباره بکارگیری ساز و کارهای نابودی داعش علیه اسرائیل نیز در تشدید احساس تهدید در این رژیم نقش به سزایی دارند. ممکن است تشکیل صوری یک تیپ عراقی تحت عنوان آزادی جولان مخابره کننده مقیاس کوچکی از تهدید کلامی به اسرائیل باشد، اما بکارگیری عباراتی با مفاهیم مشابه از دبیرکل حزب‌الله لبنان دارای تأثیر به مراتب بیشتری در روند امنیتی سازی اسرائیل دارند. سید حسن نصرالله در سی و هشتمین سالگرد روز قدس (۲۳ ژوئن ۲۰۱۷) در بخشی از سخنانش به طور تلویحی به نقش نیروهای غیر سوری بلوک مقاومت در جنگ آینده با اسرائیل اشاره کرد و در این رابطه گفت:

«در سال‌های گذشته محور مقاومت شامل ایران و حزب‌الله لبنان و مقاومت فلسطینی بود، اما امروز در عراق هم به ما پیوسته‌اند، در یمن هم به ما پیوسته‌اند؛ دشمن باید بداند در صورت آغاز یک جنگ توسط اسرائیل با سوریه و لبنان قادر به رویارویی در یک کشور خاص نخواهد بود. من نمی‌گویم دولت‌ها در جنگ مشارکت خواهند کرد، بلکه تأکید می‌کنم، در جنگ آینده با اسرائیل فضایی باز خواهد شد که هزاران نفر از نیروهای مقاومت از لبنان، فلسطین، عراق، یمن، پاکستان و افغانستان در آن شرکت خواهند کرد.» (موقع المنار، ۲۰۱۷)

٤-۱۷-۱- سطح مخاصمه با اسرائیل در دوره پسا داعش

وضعیت جاری سوریه حکایت از این دارد که دولت مرکزی توان و قصدی برای گشایش یک جبهه جدید علیه اسرائیل ندارد. ایران و نیروهای مقاومت نیز به دلیل چالش جنگ در سوریه اولویتی برای طراحی و اجرای ترتیبات یک جنگ علیه اسرائیل و حتی پاسخ به ضربات محدود اسرائیل نیز قائل نیستند. «موسسه مطالعات امنیت ملی اسرائیل»[۱] روز ۳۰ دسامبر ۲۰۱٤ با شبیه‌سازی از یک درگیری محدود مرزی بین ارتش این رژیم و نیروهای حزب‌الله لبنان، به این جمع‌بندی رسید که طرف مقابل تمایلی برای ورود به یک جنگ بلند دامنه را ندارد. اسرائیل، حزب‌الله، حماس، ایران، روسیه و حماس به عنوان کنش‌گران در یک درگیری شبیه‌سازی شده در مناطق «هاردو» و «جولان» بودند. در این شبیه‌سازی، حزب‌الله به جای پاسخ مستقیم بر روی اجرای عملیات‌هایی نظیر ربایش سربازان تمرکز نمود و عکس‌العمل ایران و سوریه نیز از حدّ حمایت کلامی فراتر نرفت. «موسسه مطالعات امنیت ملی اسرائیل» در این شبیه‌سازی علت اتخاذ چنین موضعی از سوی ایران را درگیری در جبهه داعش و پرونده هسته‌ای و نیز دلیل عدم مداخله کنش‌گرانی چون حماس و روسیه نیز پرهیز از ورود به مناقشه به دلیل روبرو بودن با بحران اعلام کرد. (The Jerusalem Post (A), ۲۰۱٤)

---

۱ . Institute for National Security Studies (INSS)

شواهد عینی نیز نشان می‌دهند که ارزیابی موسسه مطالعات امنیت ملی اسرائیل درباره عـدم پاسـخگویی مستقیم حزب‌الله به ضربات اسرائیل و عدم مداخله سایر بازیگران صحیح بوده اسـت. اسـرائیل در طـول جنگ داخلی سوریه با پذیرش حدی از ریسک درگیری و تلاش برای کنترل ترتیبات بحران و جلوگیری از تصاعد تنش، ضمن تداوم ضربات محدود به مواضع حزب‌الله موفق به حفظ وضعیت جبهه داخلی در وضعیت عادی شد.[۱] علیرغم تبلیغات جاری درباره مشارکت نیروهـای مـدافع حـرم در جنـگ آینـده بـا اسرائیل و پروپاگاندای این رژیم درباره خطر بالقوه تثبیـت حضـور ایـران و نیروهـای تحـت امـرش در سوریه، بر اساس سه محور کلیدی می‌توان به برآوردی نسبی درباره تأثیر ساز و کارهای مهار داعـش در سوریه بر روند مخاصمه اسرائیل و محور مقاومت در آینده دست یافت:

۱. پرهیز حزب‌الله از یک جنگ تمام عیار
۲. سیاست‌های دولت سوریه
۳. فقدان شرایط آغاز یک جنگ تمام عیار

حزب‌الله و اسرائیل بعد از جنگ ۳۳ روزه در سال ۲۰۰۶ در شرایط بازدارنـدگی متقابـل قـرار داشـته‌انـد. درگیری‌های بین طرفین نیز با کنترل دوجانبه بحران همراه بوده است. به عنوان مثال تـرور هـوایی جهـاد مغنیه در سوریه با پاسخ محدود حزب‌الله همراه بود و واکنش دوباره اسرائیل را به دنبال نداشت. بـر ایـن اساس، اسرائیل مسئولیت بخش زیادی از حملات به مواضع حزب الله در سوریه را برعهده نمـی‌گیـرد و حزب الله نیز به بحران دامن نمی‌زند. توسعه زیرساخت‌های نظامی و به خصوص موشکی حزب‌الله یـک اقدام استراتژیک برای حفظ توان مقابله در جنگ‌های آینده محسوب می‌شود که الزاماً به معنی آماده شدن برای یک تهاجم پیش‌دستانه رسمی نیست. دلایـل اسـتراتژیک و بازدارنـده زیـادی در مقابـل طراحـی و اجرای یک جنگ علیه اسرائیل توسط حزب‌الله وجود دارد. کمی بعد از جنگ ۳۳ روزه، دبیرکل حـزب‌الله لبنان گزاره کوتاهی درباره این جنگ تولید کرد که به نظر می‌رسد به عنوان الگوی عملکرد این سازمان در

---

۱ . اسرائیل ضربات محدود را به گونه‌ای طراحی و اجرا کرد که در چارچوب مدیریت بحران ایران و حزب‌الله را از قرار گرفتن در چهار موقعیت زیر دور نگاه دارد:

۱. اقدامات غیر قابل پیش‌بینی(غافلگیرکننده)؛
۲. احساس عظیم بودن خطر؛
۳. احساس ضیق وقت برای تصمیم گیری یا پاسخگویی؛
۴. احساس بوجود آمدن عواقب مصیبت‌بار به خاطر اقدام نکردن.

سال‌های بعد از ۲۰۰٦ کاربرد داشته است. سید حسن نصرالله روز ۲۷ آگوست ۲۰۰٦ در مصاحبه با شبکه الجدید در پاسخ به سؤالی که از اراده حزب‌الله برای جنگ با اسرائیل با وجود آگاهی از نتایج مخرب آن پرسیده بود، گفت:

«اگر از من بپرسید، چنانچه می‌دانستم که یک درصد هم احتمال داشته باشد که ربودن (دو سرباز اسرائیلی به دست حزب‌الله) به چنین جنگی منجر شود، آن کار را می کردم؟ جواب من این است: «ابدا نه!» به دلایل انسان‌دوستانه، اخلاقی، اجتماعی، امنیتی، نظامی و سیاسی.»(قناۂ نیو تی وی، ۲۰۰٦)

علاوه بر چالش‌های داخلی حزب‌الله در لبنان، سید حسن نصرالله بارها بر این مسئله تأکید کرده است که آزادی جولان یک مسئله ملّی و مربوط به دولت سوریه است که به حزب‌الله ارتباطی ندارد و تنها در صورت درخواست سوری‌ها به آنها کمک مادی و معنوی و هماهنگی خواهد کرد.[1] حکومت مرکزی سوریه به عنوان مدعی اصلی باز پس‌گیری جولان بعد از جنگ ۱۹۷۳ (یوم کیپور) هیچ اقدام عملی در این رابطه انجام نداده است. سوریه طی یک سال تلاش‌های فراوان دیپلماتیک موفق شد قرار داد جداسازی نیروهای اسرائیل و سوریه را در آوریل ۱۹۷٤ با این رژیم امضاء کند که بر اساس آن روستای قنیطره برای اداره غیر نظامی به سوریه واگذار شد و در عوض سوریه از تسلط بر مناطق «تلال» و «کانیه»

---

۱ . روز پنجم می۲۰۱۳، بعد از پنجمین حمله هوایی اسرائیل، دولت سوریه جلسه اضطراری تشکیل داد. «علی حیدر»، وزیر امور آشتی ملی سوریه در پایان جلسه اضطراری دولت سوریه در روز حمله اعلام کرد: «این تجاوز، راه را برای تمامی احتمالات باز کرده است. سوریه این حق را دارد که با هر روش و وسیله‌ای از خود دفاع کند.آتش‌بس با دشمن به پایان رسیده است و حمله به هر نقطه‌ای، از جمله بلندی‌های جولان، بی‌پاسخ نخواهد ماند.» پس از این، «سید حسن نصرالله»، دبیرکل حزب الله لبنان روز ۹ می ۲۰۱۳ طی سخنانی که به مناسبت بیست و پنجمین سالگرد تأسیس رادیو نور برای اولین بار، از آمادگی حزب‌الله برای کمک به سوریه برای گشودن جبهه جولان در کنار مقاومت مردمی سوریه سخن گفت: «جبهه جولان باز است... یعنی اعلام باز بودن جبهه جولان برای مقاومت مردمی. و این طبیعی است... به سوریه جنگ تحمیل کردید تا ضعیف شود و این یعنی حاشیه امنی که امکان شکل‌گیری مقاومت مردمی در جولان را فراهم می‌کند، ایجاد شد! دیگر مسئولیت بر عهده مقاومت مردمی جولان است. این یک پاسخ بزرگ استراتژیک است. قاعدتا به بنده ربطی ندارد که به این مسئله بپردازم چون مخصوص نیروهای سوریه‌ای است. گفتند سکوی‌های موشک‌مان را به سمت فلسطین تنظیم کرده‌ایم. دستورات لازم را داده‌ایم و آتش به اختیار است و... این‌ها اسرائیل را ترساند... خب، بگذارید ما هم به آنها بپیوندیم... ما هم می‌خواهیم به آنها بپیوندیم... همان‌طور که سوریه در کنار ملت لبنان ایستاد و مقاومت مردمی آن را به لحاظ مادی و معنوی حمایت کرد تا این مقاومت توانست جنوب لبنان را آزاد کند ما نیز در مقاومت لبنان اعلام می‌کنیم در کنار مقاومت مردمی سوریه خواهیم ایستاد و برای آزادسازی جولان سوریه به آنها کمک‌های مادی و معنوی و با آنها همکاری و هماهنگی خواهیم کرد.» تأکید دبیر کل حزب‌الله لبنان درباره ویژگی‌های «مردمی» و «ملّی» بودن مقاومت در جولان بعد از شهادت «سمیر قنطار» توسط اسرائیل نیز تکرار شد و سید حسن نصرالله در این باره چنین توضیح داد: «از اولین لحظاتی که جناب رئیس جمهور بشار اسد در یکی از سخنرانی‌ها به ایده مقاومت مردمی در جولان یا مرزهای سوریه اشاره کرد و از آغازین لحظات چنین جنبش مردمی‌ای، اسرائیل نسبت به این پروژه یعنی آغاز، بنیانگذاری یا جنبش مقاومت مردمی سوریه در مرزهای سوریه و داخل جولان، حساسیت بسیار شدیدی نشان داد... قاعدتا اسرائیل مدام می‌کوشد به موضوعات ابعاد خارجی بدهد. وقتی از مقاومت جولان یا مقاومت در مرزهای سوریه با جولان صحبت می‌کند می‌کوشد لباس ایرانی به آن بپوشاند. مدام از عبارات ایران، جمهوری اسلامی ایران، سپاه پاسداران انقلاب و... استفاده می‌کند. چون دشمن اسرائیلی اصولا چیزی به نام مقاومت ملی را به رسمیت نمی‌شناسد؛ نه در فلسطین، نه در لبنان، نه در سوریه و نه در هیچ جای دیگر. در نگاه اسرائیل هر کس با او می‌جنگد مزدور ایران است. نباید به این توصیف‌ها و تقسیم‌بندی‌های اسرائیلی تن داد. هر چه از روز اول رخ داد و آنچه امروز رخ می‌دهد، اراده سوریه و سوری‌هاست. نقش سمیر و برخی برادران مانند آنها که یک سال قبل در منطقه قنیطره به شهادت رسیدند، پشتیبانی، کمک، انتقال تجربیات و ایستادن در کنار این مقاومت نوپای سوری بود؛ مقاومتی که به آن امید هست و دشمن به شدت از آن می‌ترسد.»

چشم پوشید، سوریه نیز از انجام هرگونه عملیات علیه اسرائیل در طول مرزها طی سال‌های بعد جلوگیری به عمل آورد.(زیسر، ۱۳۷٤: ۵۵۵)

با فرض نابودی داعش، پایان جنگ داخلی سوریه، تثبیت ساز و کارهای مهار داعش و نادیده‌انگاری مداخله سایر متغیرها، مرور موجز روند جنگ ۱۹روزه در اکتبر۱۹۷۳ و قیاس آن با شرایط کنونی سوریه، برآورد مناسبی از امکان استفاده از مرزهای جنوبی این کشور برای آغاز یک جنگ علیه اسرائیل ارائه می‌دهد. ارتش سوریه در جنگ یوم گیپور که از ششم تا بیست و پنجم اکتبر ۱۹۷۳ با همراهی مصر و حمایت چند کشور عربی دیگر علیه رژیم صهیونیستی آغاز شد، با استعدادی معادل سه لشکر هفتم، نهم و پنجم و دو لشکر ذخیره اول و سوم نیروی زمینی و بکارگیری ۱۸۸ توپ دور برد به دو تیپ و یازده واحد توپخانه رژیم صهیونیستی مستقر در جولان از شش محور حمله کرد. این حمله توسط ۱۰۰ بمب افکن پشتیبانی هوایی می‌شد و آتشباری توپخانه از ابتدا به مدت ۵۰ دقیقه ادامه داشت. سه تیپ پیشاهنگ از سه سپاه از خطوط آتش بس گذشته و پاسگاه های ناظران سازمان ملل را پشت سر گذاشتند و نیروی تهاجمی اصلی نیز با همراهی آتشبارهای متحرک پدافند هوایی، بولدوزرهایی برای پرکردن خندق های ضدتانک، خودروهای زرهی پل گذار برای عبور از موانع و خودروهای مین روب در پی آنها روانه میدان نبرد شد. در ساعات آغازین جنگ اولویت اصلی توپچی های مدافع اسرائیلی هدف قرار دادن خودروهای مهندسی دشمن بود و موفق شدند خسارات سنگینی نیز به آنها وارد کنند، اما پیاده نظام سوری توانست از میان آتش سنگین دشمن گذشته و با ابزارهای خاک‌برداری دستی راه عبور را برای تانک‌ها باز کند. ارتش سوریه در این جنگ ۲۸ هزار سرباز،۸۰۰ تانک و ٦۰۰ توپ در مقابل استعدادی در حدود ۳ هزار سرباز، ۱۸۰ تانک و ٦۰ دستگاه توپ اسرائیل به کار گرفت. سوری‌ها از روز دوم جنگ دو لشکر زرهی دیگر را نیز به میدان جنگ فرستادند. کماندوهای سوری با هلیکوپتر به میدان نبرد منتقل شده و سنگرهای مهم دشمن در کوه هرمون را که انواع ابزارهای تجسسی در آن قرار داشت به تصرف خود درآوردند و یک پاتک اسرائیلی را نیز با کمین دفع کردند. جریان نبرد با ورود نیروهای ذخیره اسرائیلی به میدان جنگ رفته‌رفته معکوس شد و از روز ۸ اکتبر اسرائیل عقب‌زدن نیروهای سوریه به سوی مرزهای پیش از آتش‌بس را آغاز کردند. در نهایت حافظ اسد که با اتکاء به سپاه کمکی عراق و اردن برنامه یک حمله

عظیم در روز ۲۳ اکتبر را تنظیم کرده بود، به دلیل توافق آتش‌بس میان اسرائیل و مصر تصمیم گرفت عملیات را لغو کند و آتش‌بس را بپذیرد. (O'balance, ۲۰۱٤: ۵۸-۷۳)

دولت سوریه بعد از جنگ ۱۹۷۳ با پذیرش واقعیات موجود، از طرق دیپلماتیک مسئله جولان را پیگیری نمود. تا سال ۲۰۱۱، امن‌ترین مرزهای اسرائیل با دولت سوریه بوده است و به همین دلیل نیز این رژیم به دلیل فقدان یک بدیل مناسب تمایلی به سقوط حکومت کنونی نداشت. این تجربه نشان می‌دهد که دولت سوریه فارغ از تقسیمات سیاسی- اداری این کشور بعد از داعش و جنگ داخلی، حداقل به روند قبلی روابط خود با اسرائیل ادامه خواهد داد. مرور خط مشی ساختار نظامی – امنیتی سوریه نشان داد که دولت سوریه در بدترین شرایط نیز در راستای مهار گروه‌های شبه نظامی تلاش می‌کند. سیستم امنیتی سوریه کنترل بخش اعظمی از شبه نظامیان داخلی را در اختیار گرفت. از سوی دیگر تنها ۳۲٪ از نیروهای دفاع محلی داوطلبانه به این ساختار پیوسته بودند و ۵۸٪ از آنان را نیروهای فراری از خدمت در سطوح مختلف تشکیل می‌دادند. ارتش و ساختار امنیتی سوریه در تمام سال‌های جنگ داخلی تلاش زیادی برای بازسازی، ساختار رسمی ارتش و کاهش نقش شبه نظامیان انجام داد که البته با موفقیت چندانی همراه نبود. دو نمونه ملموس از چنین روندی تلاش حزب بعث و روسیه برای تشکیل دو سپاه چهارم و پنجم بود که هدف از آن نیز جذب شبه نظامیان در ساختار ارتش بود. روز هشتم اکتبر۲۰۱۵، سپهبد «علی عبدالله ایوب»، رئیس ستاد کل ارتش سوریه در خلال ارائه اولین گزارش از حملات هوایی روسیه به شکل‌گیری ساختار جدیدی در نیروهای مسلح سوریه تحت عنوان «سپاه چهارم هجومی»[1] اشاره نمود. تغییر در ساختار ارتشی بعد از ۵۰ سال از تاریخ تأسیس و در شرایطی که سازمان سابق آن نیز به دلیل جنگ داخلی با اختلال جدی روبرو شده مسئله مهمی بود که به دلایل مهمی برای توجیه نیاز داشت، زیرا در شرایط فروپاشی ساختار ارتش، به طور طبیعی اولویت با بازسازی و تقویت سه سپاه قبل بود نه ایجاد یک سپاه جدید. ارتش با عدم استقبال عمومی برای خدمت روبرو بود و ستاد فرماندهی به طور مستمر مجبور به فراخوان مکلفین به خدمت اجباری و احتیاط و دستگیری افراد فراری و متخلف و اعزام

---

۱. الفیلق الرابع اقتحام

اجباری آنها به یگان‌های خدمتی در ساختار قدیمی سه سپاه قبلی بود[1]، بنابراین در چنین شرایطی اهداف ایجاد یک سپاه جدید مبهم به نظر می‌رسید که توجه آنها ضروری به نظر می‌رسید، برخی منابع مدعی بودند که سپاه چهارم طرح ماهر اسد برادر رئیس جمهور و فرمانده گارد ریاست جمهوری و لشکر چهارم زرهی برای انحلال ساختار شبه نظامی دفاع ملی است و حتی به فرماندهی نیروی قدس نیز اعلام شده است. (السوریه نت (الف)، ۲۰۱٦)

این ادعا ناظر به ادعای دیگری بود که توسط برخی منابع روس در جولای ۲۰۱٦، مطرح شده بود. این منابع از ارائه پیش‌نویس بازسازی ساختار دفاعی سوریه توسط سرلشکر سلیمانی فرماندهی «نیروی قدس» خبر داده بودند که در قالب دو بخش اصلی و یک بخش مستقل به «جاسم فریجی» وزیر دفاع و «عبدالله ایوب» رئیس ستاد ارتش ارائه شده و شامل سه بخش بوده است:

۱. بازسازی لشکر چهارم زرهی، طبق الگوی سپاه در قالب سه نیروی زمینی، دریایی و هوایی؛
۲. بازسازی سایر بخش‌های ارتش؛
۳. اجرای الگوی بسیج مستضعفین.

این منابع با ادله‌ای نظیر عدم تمایل حزب بعث سوریه برای تغییر ساخت نیروهای وفادار گارد ریاست جمهوری و لشکر چهارم زرهی و جلوگیری از نفوذ سپاه پاسداران در ساختار آن چنین استدلال کرده بودند که این طرح با استقبال دمشق روبرو نخواهد شد. (South front, ۲۰۱٦)

روز چهارده اکتبر ۲۰۱۵، فهرستی دقیقی از اسامی، نشانی سکونت و حتی شماره تماس نیروهای داوطلبی که تا آخر ماه سپتامبر به سپاه چهارم پیوسته بودند منتشر شد و حکایت از این داشت که روند عضوگیری در سپاه چهارم از ژانویه ۲۰۱۵ آغاز شده و طی ۹ ماه تنها ۱۰٦٤ نفر داوطلب پیوستن به سپاه چهارم شده بودند. (السوریه نت (ب)، ۲۰۱٦) عدم استقبال عمومی برای عضویت در سپاه چهارم، منجر به تلاش برای انحلال نیروهای دفاع ملی و سازماندهی آنان در ساختار رسمی ارتش شد. منابعی از نیروهای

---

۱. روز۲۰ نوامبر ۲۰۱۵، فهرست دقیقی از ٥٤ هزار ۸۷۹ فرد فراخوان شده به خدمت احتیاط طی سال‌های ۲۰۱٤ و ۲۰۱۵ منتشر شد که در تشکیلات و اداره‌های مختلف ارتش به خدمت گرفته شده بودند. بخش زیادی از توزیع نیرو در اداره تسلیح، فرماندهی سپاه دوم و سوم، لشکرهای ١٤ و ۱۵ و تیپ ٦٦ انجام شده بود. هزار نفر از این افراد نیز که بیشتر آنان از مناطق ساحلی جذب شده بودند، در واحدهای مختلف گارد ریاست جمهوری نظیر چتربازی، فرماندهی تانک، مسئول شلیک تانک و شلیک موشک‌های کبری به خدمت گرفته شده بودند.

جمعی ارتش، حزب‌الله یا دفاع ملی اعلام می‌کردند که ارتش در حال اجبار بخشی از واجدین شرایط خدمت اجباری و احتیاط برای خدمت در سپاه چهارم است که مشغول خدمت در نیروهای دفاع ملی هستند.[۱]

تشکیل سپاه چهارم با شکست روبرو شد و هیچگاه اخبار دقیقی از استعداد و جغرافیای عملیاتی این سپاه منتشر نشد، با وجود این، فرماندهی کل ارتش و نیروهای مسلح جمهوری عربی سوریه روز ۲۲ نوامبر ۲۰۱٦، با صدور بیانیه‌ای از تشکیل ساختار نظامی جدیدی به نام «سپاه پنجم هجومی»[۲] خبر داد. این بیانیه از دواطلبان می‌خواست تا برای مشارکت در تکمیل پیروزی نهایی علیه تروریسم در هفت استان برای ثبت نام به مراکز جذب نیرو مراجعه کنند که به شرح زیر بود:

۱. دمشق: فرماندهی منطقه جنوبی- فرماندهی موقعیت دمشق- فرماندهی لشکر دهم (قطنا)
۲. حمص: فرماندهی منطقه وسط
۳. حما: فرماندهی موقعیت حما- دانشکده امور اداری در شهر مصیاف
٤. حلب: فرماندهی منطقه شمال
۵. طرطوس: فرماندهی موقعیت طرطوس
٦. لاذقیه: فرماندهی منطقه ساحل
۷. درعا: فرماندهی سپاه پنجم
۸. سویداء: فرماندهی لشکر پانزدهم نیروهای ویژه

فرماندهی کل ارتش و نیروهای مسلح متذکر شده بود از داوطلبان بدون توجه به منطقه سکونت آنان در هر یک از دفاتر پذیرش استانی استقبال خواهد شد و بر همین اساس ساکنان منطقه شرقی سوریه برای مراجعه به مراکز دایر در هر یک استان‌های یاد شده مجاز بودند. شروط عضویت در سپاه پنجم، شامل

---

۱ . این منابع ادعا می‌کردند که نیروهای دفاع ملی بعد از عضویت در سپاه چهارم برای آموزش به پادگان «دریج» در حومه شمال غرب دمشق اعزام می‌شوند. تا روز ۳۰ نوامبر ۲۰۱۵، ۲۷ هزار نفر از واجدین شرایط خدمت احتیاط برای آموزش به پادگان «دریج» اعزام شدند که بین ۳۰۰ تا ۵۰۰ نفر از آنان به یگان‌های خدمتی خود منتقل می‌شدند، در این رابطه شاهدان عینی از ادغام حدود ۳ هزار نفر از نیروهای دفاع ملی زیر پرچم سپاه چهارم در شمال حما خبر دادند که یکی از جبهه‌های بحرانی بود. بنابر ادعای شاهدان این نیروها در مقر تیپ ۸۷ ارتش واقع در ورودی روستای «کفراع» در مسیر شرقی بین شهر «حما» و شهرک «معرشحور» برای عملیات در شمال حما و جنوب ادلب در حال سازماندهی بودند.

۲ . الفیلق الخامس اقتحام

سلامت جسمانی، برخورداری از ۱۸ سال سن و عدم مشمولیت خدمت زیر پرچم یا قرار داشتن در شرایط فرار از خدمت بود. کارکنان دولت نیز در صورت توافق واحد خدمتی خود مخیّر به یک سال خدمت داوطلبانه در سپاه پنجم شدند. بر اساس بیانیه فرماندهی کل ارتش و نیروهای مسلح حقوق کارکنان دولتی به حقوق خدمت در سپاه پنجم اضافه می‌شد که شامل حقوق و پاداش، ارتقاء شغلی و تشویق بود.(وزارة الدفاع فی الجمهوریة العربیة السوریة (الف)، ۲۰۱٦)

یکی از افسران لشکر چهارم زرهی ارتش سوریه ادعا کرده بود که ایده تشکیل سپاه پنجم اساساً متعلق به روس‌ها بوده که از سال ۲۰۱۵ شکل گرفته است و بر همین اساس نیز فرماندهی عالی این سپاه را ژنرال‌های برجسته روس برعهده دارند و آن را از طریق افسران سوری‌تبار هدایت می‌کنند. این افسر، دلایل ظهور چنین ایده‌ای را موارد زیر اعلام کرده بود:

۱. تصمیم برای انحلال تدریجی گروه‌های شبه نظامی در سرتاسر سوریه و جذب آنها در ساختار رسمی و قاعده‌مند ارتش به دلیل فساد در ساختار دفاع ملی و فقدان کارایی آن. به عنوان مثال نیروهای شبه نظامی (دفاع ملی) که در ۱۵ استان فعال هستند، به دلیل ویژگی محلی عملاً از انجام وظیفه نظامی به سمت حفاظت از اموال تجّار و عقد قرار دادهای نانوشته برای حفاظت از بازارها در مقابل تعرض و تهاجم احتمالی سوق یافته‌اند.

۲. جلوگیری از تشکیل ساختاری نظیر «حشدشعبی» در عراق؛

۳. گرفتن زمام امور آموزش نیروهای شبه نظامی از ایران؛

٤. جذب نیروهای سُنّی که پیش از این در داخل گروه‌های معارض فعالیت می‌کردند.

نقش روسیه از ابتدای اعلام تشکیل سپاه پنجم، مشخص و برجسته بود.[1] ارتش سوریه تلاش داشت با معافیت اعضاء فراری از مجازات و وعده‌های جذاب مالی، استعداد لازم برای تشکیل سپاه پنجم را تأمین

---

۱. اداره سیاسی وزارت دفاع سوریه در بولتن شماره ٤۸، به توضیح درباره ابعاد ائتلاف بین روسیه و سوریه در مبارزه با تروریسم پرداخته بود و از تشکیل سپاه پنجم هجومی به عنوان گامی در راستای پیشبرد توفیقات و مواجهه با تحولات سریع میدان نبرد یاد کرده بود. تصریح بولتن‌های حزب بعث و نشریات وابسته به حزب درباره مسئولیت افسران روس در کادر سپاه پنجم نیز حکایت از نقش محوری روسیه در این ساختار جدید دارد. نشریه بعث در مطلب پنجم از بولتن شماره ۱۵۷۵۱ که روز ۳۱ ژانویه ۲۰۱۷ منتشر شد به این مسئله اذعان کرده بود که ستاد فرماندهی سپاه پنجم از ریاست دو گانه روسی- سوری برخوردار است. این بولتن سرلشکر «عبدو ابراهیم» را به عنوان رئیس سوری ستاد فرماندهی سپاه پنجم معرفی کرده بود. شماره ۱٤۷۸۸ نشریه «العروبه» چاپ موسسه الوحده وابسته به حزب بعث در حمص، ضمن اشاره به دیدار روز ۲۹ ژانویه ۲۰۱۷ «عمار السباعی» دبیر شاخه حزب در این استان با فرمانده سپاه پنجم، نام وی را ژنرال «سرگی کروگی» معرفی کرده بود.

نماید.[1] به موازات تلاش ارکان روسی و سوری سپاه پنجم، حزب بعث نیز ظرفیّت شبکه‌ای خود برای جذب نیرو در سپاه پنجم را به کار گرفت[2]، اما علیرغم نمایش تلاش‌های همه جانبه، جذب نیرو به سپاه پنجم نیز روند ناامید کننده‌ای را طی می‌کرد. به عنوان مثال تا روز ۱۵ ژانویه ۲۰۱۷، تنها استعدادی در حدود ۲۵۰۰ نفر به این سپاه پیوسته بودند.(السوریه نت (ب)، ۲۰۱۷)

بی‌میلی به خدمت نظامی در سپاه پنجم منحصر به عوام و جامعه سنّی نبود بلکه حتی اعضاء حزب بعث و وفاداران به نظام نیز گرفتار این معضل بودند. در این رابطه «هلال هلال» دبیر رهبری ملّی حزب بعث (القیاده القِطری)، روز هشتم فوریه ۲۰۱۷، طی ایراد سخنانی در جمع نمایندگان سازمان‌های ملی و اتحادیه‌های کارگری به وضع موجود اعتراض کرد و اعضاء حزب را به تعقیب و اخراج تهدید کرد:

---

۱. با توجه به تغییر روند جذب نیرو برآورد می‌شد، به شرط صدور قرار منع تعقیب و مجازات قادر به جذب ۱۰ درصد جمعیت جوانان ساکن در استان‌های دمشق و ریف دمشق باشد که تعداد آنها در حدود ۱۲ هزار نفر تخمین زده شده بود. بر همین اساس فرماندهی کل نیروهای مسلح و ارتش (بشار اسد) روز ١٤ دسامبر ٢٠١٦ با صدور دستور اداری به شماره ٢٠١٦/٥٠٢ و شماره کلی ١٠٨٥٥ دستور تعلیق اعزام نیروهای احتیاط به خدمت اجباری را صادر کرد، اما این دستور همچنان بر لزوم پیوستن متخلفین و افسران فراری به صفوف ارتش تأکید داشت. بنابراین به موجب این دستور که از تاریخ پنجم ژانویه ۲۰۱۷ لازم الاجرا شده بود، از روز ۲۲ دسامبر ٢٠١٦، دوایر دولتی فهرستی شامل ۸۰ هزار نفر از جوانان مشمول خدمت دوره احتیاط تنظیم کردند که در صورت عضویت در سپاه پنجم از خدمت در این دوره احتیاط معاف می‌شوند.

۲ . به عنوان مثال «عبدالمعطی مشلب» رئیس دفتر سازمان‌های ملی و اتحادیه‌های کارگریِ حزب، روز دوم دسامبر ٢٠١٦، در مجتمع آموزشی حومه قدسیا، در جمع کادرها و فعالان حزب بعث در استان ریف دمشق سخنرانی کرد و از آنان خواست تا مردم را برای پیوستن به صفوف ارتش از مسیر عضویت در سپاه پنجم تشجیع کنند. بنابراین حزب، نیروی انسانی در ادارات و دوایر دولتی را به عنوان یک ظرفیت بالقوه هدف گرفت و تلاش فراگیر برای جذب آنان را در سرتاسر کشور آغاز کرد. به عنوان مثال روز ١٦ دسامبر ٢٠١٦، دکتر «محمد شریتح» دبیر شاخه حزب در لاذقیه و «ابراهیم خضر سالم» استاندار لاذقیه، همراه با معاون فرمانده نیروهای روس و رئیس روسی ستاد سپاه پنجم، در همایش بزرگی با مسؤلان رسمی اداره‌ها حاضر شدند که موضوع آن لزوم پیوستن به سپاه پنجم و ایجاد ترتیبات تشویقی برای انجام این امر بود. استاندار لاذقیه در این همایش به حقوق ۲۰۰ دلاری هر داوطلب بعلاوه لباس و غذا، تسهیلات جبرانی و درمانی اشاره کرد و معاون فرمانده نیروهای روس درباره تجهیز کامل این ساختار توسط روسیه و حضور مستشاران این کشور برای آموزش نیروها در این ساختار توضیح داد. در ادامه این روند حزب بعث روز ۲۲ ژانویه ۲۰۱۷، در کنفرانس سالانه، ترتیبات تشویق و تشجیع جوانان برای پیوستن به کادر سپاه پنجم را به بحث گذاشت و در این جلسه نمایندگان حما و ادلب به طور خاص بر نقش عملکرد و شبکه حزبی بر پیشبرد این هدف تأکید کردند. حزب حتی بهره برداری از ظرفیّت دوره‌های آموزش مدنی برای جذب نیرو به سپاه پنجم را نیز در دستور کار قرار داد. به عنوان مثال نمایندگان بعث روز ۲۵ ژانویه ۲۰۱۷ طی برگزاری دوره کمک‌های اولیه به اتحادیه‌های کارگری در بیمارستان «شهید ممدوح اباظه» در استان قنیطره، کلاس‌هایی را برای توجیه فرهنگی نمایندگان مؤسسات و اداره‌ها به منظور تشجیع کارگران برای پیوستن به سپاه پنجم برگزار کردند. اما با وجود این سطح از تبلیغات، بی‌میلی برای پیوستن کارمندان دولت به سپاه پنجم همچنان ادامه یافت و در نتیجه دولت مرکزی از روش‌های ترغیبی به سمت اعمال زور پیش رفت. به عنوان مثال روز پنجم ژانویه ۲۰۱۷ برخی کارمندان وزارت آموزش در حسکه ادعا کردند که اسامی ۲۰۰ نفر از کارمندان این نهاد در استان وارد فهرست افراد مورد نیاز برای عضویت در سپاه پنجم شده است. یکی از کارمندان وزارت آموزش مدعی بود که دریافت حقوق ماهانه بدون ارائه «برگه وضعیت» که نشان دهنده عدم نیاز افراد باشد امکان پذیر نیست. کارمندان دیگر مدعی بودند که این وضعیت شامل حال ٤ هزار نفر از افراد مشغول در سایر ادارات و دوایر استان نیز هست. حزب بعث در روند جذب نیرو به سمت استفاده از ظرفیّت دانشجویان نیز متمایل شد. به عنوان مثال روز ۲۱ فوریه ۲۰۱۷، دکتر «محمد عیسی» دبیر شاخه دانشگاهی حزب در حمص با جمعی از دانشجویان سال‌های سوم، چهارم و پنجم دیدار کرد و با آنان حول لزوم پیوستن به تیپ بعث و سپاه پنجم درباره فرهنگ داوطلبی و تقویت وضعیت ملّی و البته مزایای خدمت در تیپ بعث سخن گفت. در ادامه این روند شاخه دانشگاهیان حزب، روز ۲۸ فوریه ۲۰۱۷ در راستای برنامه جدید عملکرد حزبی، جلسه‌ای برگزار کرد و «محمد شامی» رئیس شاخه دانش، فرهنگ و رسانه حزب در حمص با مسئول شاخه حزب در قریتین دیدار و بر لزوم تلاش برای جذب نیرو به سپاه پنجم در قالب گفتگوهای فرهنگی و تشکیل همایش‌های مهم تأکید کرد. چرخش تمرکز حزب به سمت ظرفیّت دانشگاه‌ها، نگرانی‌هایی را در بین کادرهای آموزش و دانشجویانی که رغبتی برای پیوستن به سپاه پنجم نداشتند ایجاد کرد. در حالیکه تا روز ٢٦ فوریه ۲۰۱۷ از بین حدود ۳۰۰ هزار دانشجوی مشغول به تحصیل در دانشگاه‌های سوریه تنها ۲۰ نفر داوطلب خدمت در سپاه پنجم شده بودند، اتحادیه ملّی دانشجویان سوریه مدعی شد که دستگاه‌های اطلاعاتی اقدامات امنیتی نظیر دستگیری دانشجویان را با هدف فشار به آنان آغاز کرده‌اند. برخی اقشار دانشگاهی نیز نگران این مسئله بودند که بعد از تن دادن به عضویت در سپاه پنجم و یک سال خدمت داوطلبانه، نوع خدمت آنان به دوره اجباری نظیر آنچه در دوره ۱۰۲ اتفاق می‌افتد تغییر کند.

«ایفای نقش ملی و کمک به ارتش عربی سوریه بواسطه فراهم کردن کادر نیروی انسانی و اعـزام شهروندان و اعضاء حزب به خدمت‌های احتیاط و اجباری و سپاه پنجم یک طرح اجتماعی است که موقعیت حزب را تقویت می‌کند. این امر یکی از بزرگترین مأموریت‌های ملّی اسـت. اجـرای این مأموریت وابسته به فرزندان رفقای حزبی است که در اتحادیه‌های کارگری اشتغال دارنـد نـه متخلفینی که خدمت دوره ضرورت و احتیاط را انجام نداده‌اند یا توسـط قاچـاقچی‌هـا از کشـور گریخته‌اند. این رفقا در چنین حالتی از حزب منفصل خواهند شد و به مأموریت آنـان پایـان داده خواهد شد.» (البعث (الف)، ۲۰۱۷)

در نهایت حزب بعث به دلیل عدم استقبال عمومی و حتی خواص از عضویت در سپاه پـنجم مجبـور بـه الحاق شاخه نظامی حزب به این سپاه شد و جذب نیـرو را از ایـن طریـق بـه آزمـون گذاشـت.[1] حـداقل استعداد لازم برای تشکیل یک سپاه دو لشکر و حداقل استعدادی بین ۳۰ تا ۳۵ هـزار نفـر بـود، امـا عـدم استقبال عمومی برای خدمت در این سپاه منجر به الحاق سایر واحدهای ارتش به سپاه پنجم برای پوشش ضعف نیروی انسانی در این سپاه شد. به عنوان لشکر ۳۰ گارد ریاست جمهوری در حلب و «فوج مغاویر البحر» که توسط همین نهاد در لاذقیه تأسیس شده بود زیر چتر سپاه پنجم قـرار گرفتنـد. ارتـش انضـمام واحدهای دفاع ملی به سازمان رزم سپاه پنجم را نیز در دستور کار قرار داد. به عنوان مثـال کمیتـه امنیتـی حما روز ۲۲ فوریه ۲۰۱۷ از دوایر دفاع ملی در این استان خواست تا همه موظفین عمـومی و شـهری را در مدت یک ماه به سپاه پنجم معرفی کند. لذا در نهایت سپاه پنجم با تشکیل چهار لشکر غیر استاندارد و

---

۱. ادامه تلاش‌های حزب بعث برای تأمین استعداد لازم برای سپاه پنجم، گردان‌های بعث شاخه نظامی حزب به انضمام سپاه پنجم در آمد و جذب نیرو به نام این سـپاه را آغـاز کـرد. گردان‌های بعث بعد از آغاز جنگ داخلی با فرماندهی «هلال هلال» در حلب شکل گرفت. او روز هشتم نوامبر ۲۰۱۲ استعداد این گردان‌ها را ۵ هزار نیروی رزمی ارزیابی کرده بود، اما «عمار السباعی» دبیر شاخه حزب در استان حما، روز ۲۹ ژانویه ۲۰۱۷ گفت که استعداد این گردان‌ها به ۱۰ هزار نفر رسیده است. بر همین اساس «هلال هلال» نیـز روز ششـم فوریـه ۲۰۱۷، طی جلسه‌ای با هیئت‌های استانی حزب بعث، ادعا کرد که بر اساس یک ارزیابی واقعی استعداد گردان‌های بعث به یک تیپ ارتقاء پیدا کرده و بعد از انضمام به سپاه پنجم تحت نظارت رفقای بعثی هدایت و فرماندهی می‌شود. به دنبال اظهارات هلال، دکتر «احمد همام حیدر»، دبیر شاخه حزب در استان ریف دمشق، مهندس «علاء منیر ابراهیم»، استاندار ریف دمشق، جلسه‌ای با حضور «مجاهد اسماعیل» فرمانده گردان‌های بعث در استان برگزار کردند که «عبدو درخبانی» رئیس دفتر جوانان و برخی فرمانـدهان گـردان‌هـای بعـث در منـاطق مختلف استان ریف دمشق نیز در آن حضور داشتند. این جلسه به بررسی جنبه‌های پیوستن گردان‌های بعث به سپاه پنجم از جمله مشوق‌ها و حقوق و دستمزد داوطلبان خدمت در این ساختار اختصاص داشت. با الحاق تیپ بعث به سپاه پنجم اولین نمونه مشخص از انحلال گروه‌های شبه نظامی اتفاق افتاد. بنابراین شعبه گردان‌های بعث (کتائـب البعـث) در اسـتان سویداء، اولین اطلاعیه برای جذب نیرو در سپاه پنجم را بواسطه تشکیل یک سازمان رزم جدید به نام تیپ بعث (لواء البعث) منتشر کرد. این امید وجود داشت که گردان‌های بعث بـا اتکاء به شعارهای ملّی‌گرایانه حزب بتواند بر قطب‌بندی مذهبی موجود در کشور غلبه کند و با بهره‌گیری از شبکه سازمانی حزب و تبلیغات جذاب‌تر نیروی بیشتری را از جامعه سُنّی جذب کند. به عنوان مثال حقوق نیروهای جذب شده به تیپ بعث ۲۰۰ دلار آمریکا اعلام شد و در مورد کارکنان دولتی این دستمزد بعلاوه حقوق عادی و ۵۰ درصد اضافه دستمزد بود.

استعداد ۳۰ هزار نفر که ترکیبی از نیروهای داوطلب، شبه نظامیان و کادرهای سابق ارتـش بودنـد شـکل گرفت. (طلّاع و مجموعه الباحثین، ۲۰۱۷: ۸۵)

هدف از تشریح روند تشکیل دو سپاه چهارم و پنجم توجه دادن به تداوم سیاسـت دولـت سـوریه بـرای تقویت ساختار رسمی این کشور و جلوگیری از گسترش نفوذ ایران و بلوک نیروهای ایدئولوژیک در این کشور بود. بدیهی است این احتمال وجود دارد که روندهای آینده دولـت سـوریه را مجبـور بـه پـذیرش حضور و نقش محور مقاومت در سوریه نماید، اما روند عملکرد دولت سوریه حکایـت از ایـن واقعیـت دارد که این نهاد در شرایط ثبات، اجازه تشکیل و فعالیت هر نوع ساختار خارج از کنترل را بـه بـازیگران ایدئولوژیک نخواهد داد.

فصل چهارم به بررسی همه جانبه ابعاد بکارگیری ساز و کارهای مهار و نابودی مراکز ثقل فیزیکـی داعش در عراق و سوریه اختصاص داشت. در این فصل تلاش شد تا از یک سو شواهد عینی مرتبط با بکارگیری ساز و کارهای مهار و نابودی مراکز ثقل داعش بر بستر دغدغه‌هـای امنیتـی و از سـوی دیگر تأثیر این ساز و کارها بر کشمکش‌های معمـول قـدرت در زیـر مجموعـه امنیتـی شـامات در مجموعه امنیتی خاورمیانه مورد ارزیابی قرار گیرند. این روند از پیچیدگی‌های زیادی برخوردار است که به طور کلی ذیل عنوان چالش عدم تفکیک دغدغه امنیت و قدرت و ایجاد وضعیت‌های ابهام‌آمیز قابل تعریف است. بر همین اساس در فصل چهارم تلاش بر این است تا ضمن انطباق شواهد عینـی با بخشی از مبانی نظری در فصل دوم، پیچیدگی‌های موجود از هم تفکیک و توضیح داده شوند.

فصل پنجم
جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

فصل پنجم: نتیجه گیری

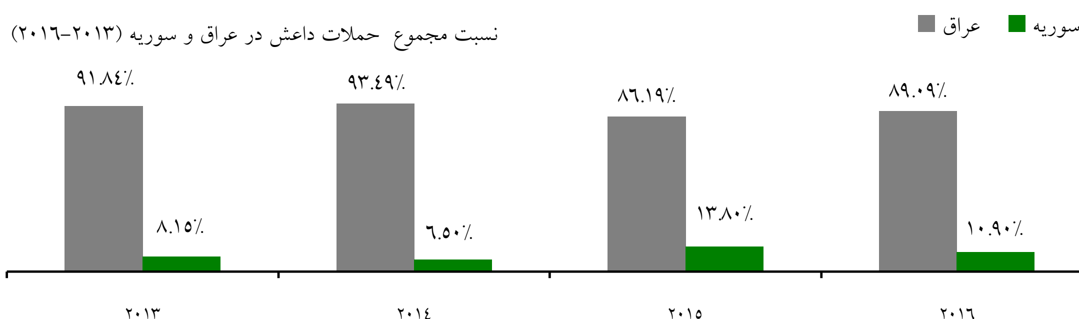
فصل پنجم به انطباق روندها و الگوهای استخراج شده از یافته‌های فصل سوم با چارچوب‌های نظری فصل دوم اختصاص دارد. در این فصل تلاش بر این است تا از تجزیه و تحلیل روند و عملکرد ساز و کارهای مهار داعش و الگوی حاصل از آن بر اساس انطباق با چارچوب‌های نظری خُرد و با رویکردی معطوف به مسئله امنیّت ملّی جمهوری اسلامی ایران نتیجه‌گیری شود. نمودارهای آماری ارائه شده در این فصل حاصل تحلیل اطلاعات موجود در فصل سوّم هستند.

۵-۱- تداوم بقای سیّال داعش و ساز و کارهای مهار در آنارشی ناقص

مرور روند عملکرد دولت اسلامی عراق و داعش تردیدی برای پذیرش این باور باقی نمی‌گذارد که مرکز ثقل اصلی در این سازمان ایدئولوژی است. داعش نیرو و مشروعیت خود را از ایدئولوژی کسب می‌کند و به همین دلیل اقدامات نظامی تنها راه حلّ برای نابودی داعش نیست. بنابراین ساز و کارهای مبارزه با داعش، تنها قادر به هدف‌گذاری برای نابودی مراکز ثقل فیزیکی این سازمان هستند. ایدئولوژی منبع بی‌انتهایی از قدرت است که کارکرد ساز و کارهای مبارزه با داعش را تا حدّ یک تضعیف کننده توانایی داعش برای گرفتن زمین و مشروعیت است. بررسی شواهد عینی حاکی از این است که برخلاف باور عمومی در عراق، نابودی نمادهای خلافت به عنوان مراکز ثقل فیزیکی داعش، به معنی نابودی سازمان و پایان عملیات نظامی داعش در عراق نیست. از منظر ایدئولوژیک عراق و به طور خاص بغداد برای داعش دارای جایگاه ویژه‌ای برای اقامه دولت و اعاده خلافت اسلامی است. از این منظر داعش با هر نوع دولت مستقر اعم شیعه یا سُنّی وارد نزاع وجودی می‌شود. این روند بعد از سقوط رژیم بعث و تشکیل دولت دموکراتیک آغاز شد و با حمله توأمان به مواضع شیعیان و سُنّی‌ها بر پایه استدلال پیچیده ابومصعب زرقاوی ادامه یافته است و الگوهای موجود نشان می‌دهند که این روند بعد از اعلام پاکسازی کامل اراضی عراق از داعش نیز ادامه یابد. تأکید بر عراق به عنوان کانون اصلی تداوم حملات داعش

ادعایی که از طریق سنجش نسبت مجموع عملیات‌های داعش در عراق و سوریه که دو مرکز ثقل فیزیکی خلافت (موصل و رقّه) در آن قرار داشتند قابل اثبات است. نسبت عملیات‌های داعش در عراق طی سال‌های ۲۰۱۳ تا ۲۰۱٦ بین ۹۲٪ تا ۸۹٪ از کلّ عملیات‌های سازمان در عراق و سوریه و نسبت عملیات‌های داعش در سوریه در همین بازه زمانی بین ۸٪ تا ۱۱٪ از مجموع عملیات‌های این سازمان در عراق و سوریه بوده است.

نمودار ٥-۱- مقایسه نسبت حجم حملات داعش در عراق و سوریه (۲۰۱۲- ۲۰۱٦)



از سوی دیگر مقایسه نرخ آمار عملیاتی داعش، حکایت از وجود یک ارتباط معنادار بین روند عملیاتی این سازمان و پدیده خلافت است. نرخ حملات داعش طی سال ۲۰۱۳ تا ۲۰۱٤ که منتهی به سیطره داعش بر موصل و اعلام خلافت شد، ۲٥,۰٥٪ افزایش یافته و بعد از اعلام خلافت و استقرار مراکز ثقل فیزیکی داعش با رشد منفی ۲۷,٥٦٪ در سال ۲۰۱٥ روبرو بوده است. از سوی دیگر با آغاز شدت عمل نظامی علیه داعش و افزایش نشانه های سقوط موصل، نسبت مجموع حملات داعش در عراق با رشد ۱۸,٤۸٪ روبرو بوده است. بنابراین داعش با تأثیر پذیری از ایدئولوژی به عنوان مرکز ثقل اصلی و هدایت کننده قادر بوده قابلیت‌ها یا توانایی‌های سازمان را حتی با وجود بی‌نظمی در مرکز ثقل و پایان قاعده‌مندی آن بدون به طور منسجم و قابل تشخیص حفظ کند. این الگوی عمکرد نشان می‌دهد که داعش با پایان دادن به تصمیم‌گیری یکپارچه و واسپاری آن به مراکز ثقل کوچک منطقه‌ای، امکان شناسایی توانایی‌های مهم و اقدام اثرگذار علیه مرکز ثقل را با دشواری زیاد روبرو ساخته است که این روند در آینده نیز ادامه خواهد یافت. این انتظار وجود دارد توانایی‌های مهم در مراکز ثقل کوچک و

محلی داعش قدرت فیزیکی در سیستم این سازمان را به سمت تداوم نبرد هدایت کنند. این قابلیت‌ها وابسته نیازمندی‌های مهم منحصر به فرد محلی هستند و از آسیب پذیری‌های مهم محلی تأثیر می‌پذیرند. بنابراین حتی بکارگیری یک الگوی غیرمعمول یکپارچه نیز به سختی قادر به تشخیص آسیب‌پذیری‌های بالقوه و بالفعل در مراکز ثقل کوچک داعش و تعیین اهمیت آنها هستند. داعش بعد از سقوط موصل، با ایجاد تکثر در مراکز ثقل فیزیکی از حالت تدافعی به تهاجمی تغییر وضعیت داده است و منابع مادی، تسلیحات و نیروی انسانی را به جای دفاع از قلمرو خلافت و امور کارگزاری دولت به شکل غیر متمرکز در روند عملیات نظامی به کار گرفته است و تا انقیاد بعدی به همین روند ادامه خواهد داد. بر این اساس با پاکسازی نشانه‌های فیزیکی در عراق و حتی سوریه می‌بایست در انتظار افزایش عملیات‌های نظامی داعش در عراق بود. متغیرهای عملیاتی داعش شامل جنبه‌های نظامی و غیر نظامی است. این جنبه‌ها تمامی هشت عنصر مرتبط به هم سیاسی، نظامی، اقتصادی، اطلاعات، زیرساخت، فیزیکی، محیط و زمان را در بر می‌گیرد که هر یک از آنها یک مرکز ثقل جداگانه قلمداد می‌شوند و شناسایی آنها به دلیل تکثر با دشواری روبروست. قیاس این روند با شواهد عینی مبتنی بر بازسازی شبکه سلولی دولت اسلامی عراق طی سال ۲۰۱۲، مؤید دوباره این واقعیت است که بدون نابودی مرکز ثقل ایدئولوژیک داعش ساز و کارهای مبارزه با این سازمان، تنها قادر به مهار نسبی آن خواهند بود. تهدید امنیت ملّی ایران توسط داعش در عراق به دلیل تفاوت چشمگیر حجم عملیات و پیوستگی جغرافیایی این کشور، با خطر این سازمان در سوریه قابل مقایسه نبوده و در آینده نیز نخواهد بود. بنابراین سیّالیت داعش و تداوم عملیات نظامی این سازمان در عراق کماکان امنیت ملّی جمهوری اسلامی ایران را در محورهای زیر تهدید خواهد شد:

۱. تهدید سرزمینی بواسطه احتمال تراوش ناامنی از مرزهای استان دیالی به استان‌های غربی کشور و احتمال طراحی و اجرای عملیات در عمق خاک جمهوری اسلامی ایران؛
۲. تهدید بغداد به عنوان یکی از کانون‌های نفوذ استراتژیک ایران برای حفظ توازن قدرت در کشمکش‌های سنتی قدرت و امنیت در غرب آسیا؛

۳. تهدید عتبات عالیات به عنوان خطوط قرمز مذهبی و تهدید استان‌های شیعه به عنـوان بسـترهای نفوذ نسبی ایدئولوژیک ایران.

استمرار بقای سیّال داعش در عراق و سوریه، علاوه بر ایران و کشورهای هـدف امنیـت در سـطح نظـام بین‌المللی به معنی بزرگترین مجموعه‌های متشکل از واحدهای متعامل را نیز در آینده تهدید و واحدهای مختلف در نظام بین‌الملل را با مسئله درگیر نگاه خواهد داشت. عراق و سوریه نمونه‌هایی از دول ضعیف در جامعه بین‌المللی هستند که عدم امنیت داخلی آنها به روابط منطقه‌ای سرایت نموده و بی‌ثباتی داخلـی آنها که متأثر از عواملی نظیر آوارگـان، عبـور تروریسـم از مرزهاسـت عـلاوه بـر امنیّـت همسـایگان بـر واحدهای خارج از منطقه نیز تأثیرگذار است. بنابراین اگر بقای سیّال داعش در عراق و سوریه یک فرض قوی و متکی به الگوی مستند است، ابقای سیّال ساز و کارهای مهار این سـازمان نیـز توسـط واحـدهای ذینفع دنبال خواهد شد.

الگوی مبارزه با داعش حکایت از فقدان اشتراک و یکپارچگی ساز و کارهای مبارزه با این سـازمان دارد که خود منشاء آغاز پیچیدگی‌های ناشی از برداشت‌ها، سوء برداشت‌ها، استفاده‌هـا و سـوء اسـتفاده‌هـا از بستر مبارزه با داعش در معماهای دفاع و امنیت- قدرت بـوده اسـت. ایـن ناشـی از ویژگـی‌هـای متغیـر آنارشی بین‌المللی است که ادعای وجود جامعه جهانی و نظم بین‌المللی در موضوع مبارزه با داعش را به یک مسئله قابل بحث تبدیل می‌کند. اگر وجود آنارشی ناقص را به عنـوان یـک فـرض بپـذیریم، اساسـاً وجود جامعه بین‌المللی هنجارهای مشترک یا قواعد و سنت‌هایی بین اعضاء سیستم بین‌المللـی بـی‌معنـی است، زیرا روابط بازیگران در آنارشی ناقص شدیداً تحت تـأثیر هـراس، بـی‌اعتمـادی، دشـمنی، تحقیـر، بی‌تفاوتی و اهانت است که البته قویاً نمونه‌های قابل اثباتی برای تشـخیص ایـن وضـعیت وجـود دارنـد. به عنوان مثال ستیز ایدئولوژیک ایران و هم‌پیمانانش با اسرائیل جنگ بی‌پایانی را رقم زده که از شدّت آن کاسته نمی‌شود. ثبات واحدهای درگیر در این نزاع به کسب قدرت وابسته است و دامنـه نـاامنی در بـین آنها امری گسترده و خودکار محسوب می‌شود. در چنین شرایطی سخن گفتن از جامعه بین‌المللی و رابطه تنگاتنگ آن با ایده نظم بین‌المللی که متأثر از سلطه هنجارها، نهادها و ارزش‌ها بر کلّ نظام است بی‌معنی به نظر می‌رسد، اما به هر حال تهدید سیستمی داعش بـه تشـکیل واحـدهای جدیـدی در قالـب ائـتلاف

بین‌المللی با این سازمان منجر شد. بنابراین نمی‌توان با اطمینان از استقرار آنارشی ناقص بر نظام بین‌الملل سخن گفت. ائتلاف بین‌المللی یکی از ساز و کارهای مبتنی بر استقرار در آنارشی کامل محسوب می‌شود که بر توسعه معیارهای تحکیم هویّت و مشروعیت متکی است. ائتلاف بین‌المللی مبارزه با داعش، نمادی از پذیرش هویّت و مشروعیت دولت‌ها توسط یکدیگر است. این نهاد نمادی از وجود جامعه بین‌المللی بر پایه شناخت و پذیرش تساوی در حاکمیت، مرزهای سرزمینی است. با وجود این همچنان دولت‌های زیادی وجود دارند که از نظر داخلی به شکل دولت- ملت یا ملت- دولت، توسعه نیافته‌اند و واحدهایی هستند که بخشی از هنجارهای بین‌المللی را به رسمیت نمی‌شناسند و احترام متقابل بین بسیاری از واحدها برقرار نیست. مداخله در امور داخلی دیگران، عدم احترام برای ایدئولوژی‌های سازمان دهنده متقابل، احتراز از توسّل به زور در حلّ مناقشات وجود، تحکم آنارشی کامل و ایده وجود جامعه بین‌المللی و نظم بین‌المللی را به چالش می‌کشند. بررسی آنارشی‌ها و تشخیص اینکه مبارزه با داعش بر بستر کدام یک از آنها جریان دارد گیج کننده است، اما به هر حال این یک مسئله واضح است که ایالات متحده، با فرماندهی یک ائتلاف با عضویت ۷۳ کشور در یک سوی کارزار مبارزه با داعش ایستاده است و ایران و هم‌پیمانانش در سوی دیگر این کارزار. روسیه نیز به عنوان یک همپیمان میانی با هر دو واحد همکاری کرده است.

۵-۲- تأثیر الگوی تجدید نظرطلبی بر روند مهار داعش و امنیت ایران

تقسیم نامتوازن ساز و کارهای مبارزه با داعش، تابع یک الگوی قدیمی‌تر از روابط میان انواع واحدهای تجدید نظر طلب و خواستار وضع موجود در مجموعه امنیتی خاورمیانه است. الگوهای تجدید نظر طلبی و حفظ وضع موجود، ایران و سوریه و آمریکا را به دو قطب مشخص در روند مبارزه با داعش تقسیم کرده و به دولت‌های روسیه، عراق و ترکیه جایگاهی بینابین داده است. نتیجه رقابت انواع مختلف تجدید نظرطلبی در بین خود و با دول طرفدار حفظ وضع موجود و تداخل تجدید نظرطلبی محلی با تجدید نظرطلبی جهانی، وضعیت پیچیده‌ای ایجاد کرد. روند استقرار مراکز ثقل فیزیکی داعش در عراق و سوریه از شباهت‌ها و تفاوت‌هایی برخوردار است که بخش‌های زیادی از آن به مسائل داخلی در این کشورها

وابسته و با آنها متداخل است. از یک سو همه واحدهای تجدید نظرطلب و خواهان وضع موجود درباره لزوم نابودی مراکز ثقل فیزیکی و ایدئولوژیک داعش و مهار مانور جنگی سیّال این سازمان اتفاق نظر دارند و از سوی دیگر دارای سطوح مختلفی از دشمنی در چارچوب معمای امنیت- قدرت هستند که بستر مبارزه با داعش فرصت مناسبی را برای آنان فراهم می‌کند تا توزیع قدرت علیه یکدیگر را سامان دهند. شاخص‌های الگوی رفتار ایران، روسیه و عراق به طور عمومی این واحدها را در قالب یکی از انواع تجدید نظر طلب نسبت به وضعیت کلان توزیع قدرت قرار می‌دهد. البته این واحدها در مواردی خواهان حفظ وضع موجود هستند که مبنای اختلاف آنان با یکدیگر است.

جدول ۵-۱- سه واحد برخوردار از ساز و کارهای مهار داعش با رویکرد عمده تجدید نظرطلبی

ایران	**روسیه**	**عراق**
تجدید نظرطلبی انقلابی	تجدید نظر طلبی سنتی	تجدید نظرطلبی افراطی
مرجع امنیت در ایران و نهادهای تحت امر آن، این واحد را واجد ویژگی تجدید نظرطلبی انقلابی کرده‌اند. ایران موجودیت اسرائیل را تهدید می‌کند و ایدئولوژی سیاسی انقلابی را به صحنه بین‌المللی می‌کشد. ایران با عبور از خطوط ملی، کشمکش ایدئولوژیک با آمریکا را به هر گوشه سیستم می‌کشاند.	روسیه هیچ‌گونه چالش بنیادی با اصول حاکم در نظم موجود ندارد، این واحد در چارچوب نظم موجود می‌خواهد باعث توزیع مجدد قدرت، موقعیت، نفوذ و یا منابع در مقابل آمریکا شود. روسیه دامنه بیشتری برای سازش و حل و فصل مسالمت آمیز ایجاد می‌کند.	عراق در تلاش برای بازیابی هویت جدید، خواستار حفظ بخش عمده ساختار موجود است اما در عین حال می‌خواهد در نحوه عملکرد ایران اصلاحات مهمی انجام پذیرد. عراق تهدید مهمی متوجه توزیع بنیادی قدرت و موقعیت در سیستم نمی‌کند. این واحد بواسطه فراهم بودن امکان مذاکره، به دنبال فرصت‌هایی در سیستم به هم پیوسته است که در آن نقش داشته باشد و تا حدودی اهرم‌ها را به دست گیرد.

نقش واحدهای ایجاد کننده ساز و کارهای مهار داعش، حول مسائل و پویش‌های امنیتی تأثیرگذار در مجموعه امنیتی خاورمیانه، بین انواع تجدید نظرطلبی و حفظ وضع موجود قابل تقسیم است. به طور کلی می‌توان این مسائل و پویش‌ها را ذیل شش عنوان اصلی دسته‌بندی کرد.

شواهد عینی حکایت از این دارند که تمام واحدهای ایجاد کننده ساز و کارهای مهار داعش خواهان حفظ و ارتقاء ثبات و قدرت دولت مرکزی عراق هستند. بدین ترتیب هیچ یک از آنان مناقشه‌ای بر سر مبارزه با تروریسم و عوامل بی‌ثبات کننده در عراق ندارند. البته یکپارچگی منافع برای حفظ ثبات دولت مرکزی به معنی عدم رقابت ایران و آمریکا به عنوان کنشگران اصلی ذینفع در این کشور نیست. این دو واحد ضمن تلاش برای حفظ وضع وجود در عراق، توسعه مراکز ثقل قدرت خود را نیز پیگیری می‌کنند که بر شکل ساز و کارهای مهار داعش، امنیت ملی ایران و امنیتی‌سازی مسائل تأثیر قطعی خواهد داشت.

جدول ۵-۲- نقش بازیگران ایجاد کننده ساز و کارهای مهار داعش در مورد مسائل و پویش‌های امنیتی تأثیرگذار

بازیگر/ مسائل	**حفظ رژیم سوریه**	**ثبات دولت مرکزی عراق**[1]	**مراکز ثقل قدرت ایران**[2]	**امنیت اسرائیل**[3]	**مراکز قدرت آمریکا**
ایران	حفظ وضع موجود	حفظ وضع موجود	حفظ وضع موجود	تجدید نظر طلب	تجدید نظر طلب
ترکیه	تجدید نظر طلب	حفظ وضع موجود	تجدید نظر طلب	حفظ وضع موجود	حفظ وضع موجود
آمریکا	تجدید نظر طلب	حفظ وضع موجود	تجدید نظر طلب	حفظ وضع موجود	حفظ وضع موجود
عراق	حفظ وضع موجود	حفظ وضع موجود	تجدید نظر طلب	حفظ وضع موجود	حفظ وضع موجود
سوریه	حفظ وضع موجود	حفظ وضع موجود	تجدید نظر طلب	حفظ وضع موجود	تجدید نظر طلب
روسیه	حفظ وضع موجود	حفظ وضع موجود	تجدید نظر طلب	حفظ وضع موجود	تجدید نظر طلب

توسعه مراکز ثقل قدرت ایران و امنیت اسرائیل، دو مسئله‌ای هستند که تمام واحدهای ایجاد کننده ساز و کارهای مهار داعش، حول آنها دارای مواضع متعارض یا مخالف با ایران هستند و هر یک از آنان وابسته به اقتضائات و توان خود، سطحی از اقدامات بازدارنده در مقابل توسعه مراکز ثقل قدرت ایران و امنیتی‌سازی مسائل پیرامون اسرائیل را انجام می‌دهند.[4]

وحدت رویه غیر هم سطح تمام واحدها در تقابل با ترتیبات تجدید نظرطلبی انقلابی ایران، یک روند بسیار مهم است که همه واحدها در ایجاد آن دارای ارتباط سازمان یافته نیستند، اما در مجموع قادرند به طور جداگانه بر بقا، توان و قدرت مانور ساز و کارهای ایران برای مهار داعش و استفاده از آنها در امنیتی‌سازی سایر مسائل تأثیرگذار باشند. چگونگی ایجاد ساز و کارهای مبارزه با داعش، به دو محور همپیمانی‌های رسمی و غیر رسمی قابل تقسیم هستند. این تقسیم‌بندی از این منظر مهم که نوع همپیمانی

---

۱ . اخلالگری شبکه امنیتی- نظامی سوریه در مسائل امنیتی عراق، در زمره استثنائاتی است که بعد از سال ۲۰۱۱ به دلیل گرفتاری رژیم سوریه در جنگ داخلی این کشور تغییر شکل داد و از کنترل خارج شد. بنابراین علیرغم فقدان هر گونه نشانه درباره تغییر رویکردهای رژیم بعث در سوریه، می‌توان استدلال کرد که در صورت بقای این ساختار سیاسی، دولت مرکزی این کشور به دلیل ضعف مفرط در نهادهای نظامی- امنیتی قادر به ادامه سیاست بی‌ثبات سازی عراق نخواهد بود. البته می‌توان این استدلال منطقی را نیز مطرح کرد که بعد از تجربه بی‌ثباتی سوریه، رژیم بعث حفظ ثبات عراق را به نفع خود قلمداد خواهد کرد. لازم به یادآوری است که بعد از انفجار ۱۹ آگوست ۲۰۰۹ در دو وزارت امورخارجه و امور مالی عراق، تنش بین عراق و سوریه به شدت بالا گرفت و نوری مالکی نخست وزیر وقت عراق، ضمن متهم کردن سازمان اطلاعات سوریه، با ارسال یک نامه کتبی به دبیرکل سازمان ملل متحد، خواستار تشکیل کمیته تحقیق در رابطه با این دو انفجار شد که ۹۵ کشته و ٦۰۰ زخمی برجای گذاشت.

۲ . بررسی رفتار تمام بازیگران ایجاد کننده ساز و کارهای مهار داعش نشان می‌دهد که هیچ یک خواهان توسعه مراکز ثقل قدرت ایران نیستند. از این منظر حتی دولت سوریه که حیات آن توسط مراکز ثقل نظامی ایجاد شده توسط ایران حفظ شد، با بقا و توسعه این مراکز در حدّ توان مقابله می‌کند.

۳ . هیچ واحدی به غیر از ایران مسائل پیرامون اسرائیل را امنیتی نمی‌کند. دولت سوریه از مشارکت در چنین روندی ناتوان است و دولت عراق نیز از ورود به روندهای مبتنی بر توزیع بنیادی قدرت و موقعیت در سیستم و مناقشات تجدید نظر طلبانه انقلابی ایران پرهیز دارد.

٤ . نگارنده: براساس همین روند، متن استراتژی نیروهای دفاعی اسرائیل، ایران راه به عنوان تنها مصداق تهدید دولتی این رژیم دسته بندی کرده است.

می‌تواند در تشکیل و توسعه مراکز ثقل قدرت و بقای آنها تأثیر داشته باشد. این تقسیم‌بندی به واحدهای معارض و مخالف با تجدید نظرطلبی انقلابی ایران و روند امنیتی‌سازی مسائل پیرامون آن امکان می‌دهد.

جدول ۵-۳- چگونگی تشکیل ساز و کارهای مهار داعش حول محورهای رسمی و غیر رسمی

بازیگران	ارتش عراق	حشد شعبی	پیشمرگ و عشایر سُنّی	مدافعان حرم	شبه نظامیان سوری[1]	ارتش سوریه	روسیه	ائتلاف بین‌المللی
ایران	-	غیر رسمی	غیر رسمی	غیر رسمی	رسمی	رسمی	غیر رسمی	-
ترکیه	-	-	غیر رسمی[2]	-	غیر رسمی	-	-	رسمی
آمریکا	رسمی	-	رسمی	-	غیر رسمی	-	-	رسمی
عراق	رسمی	رسمی	رسمی	-	-	-	-	رسمی
سوریه	-	-	-	غیر رسمی	غیر رسمی	رسمی	رسمی	-
روسیه	-	-	-	غیر رسمی	رسمی	رسمی		-

۵-۳- هم‌پیمانی‌ها؛ الگوهای جنگ نیابتی و پارتیزان

بدون مسامحه می‌توان ایران را مبداء سرمایه‌گذاری سیستماتیک بر روی ساختارهای غیررسمی در مجموعه امنیتی خاورمیانه قلمداد کرد. ویژگی مبتنی بر استراتژی ایران بعد از پیروزی انقلاب اسلامی است. قانون اساسی بر حمایت از نهضت‌های آزادی بخش تأکید دارد، سپاه پاسداران مأمور به دفاع مسلحانه از انقلاب و نظام اسلامی است و نیروی قدس با کیفیتی سیّال برای تشکیل و حمایت از هسته‌های مردمی و مسلح حزب‌الله در سرتاسر جهان مأموریت دارد.

این روند به طور طبیعی مستلزم ایجاد همپیمانی‌های غیررسمی است که سپاه پاسداران انجام آن را با آموزش، تسلیح و کادرسازی معارضین رژیم بعث آغاز کرد که نماد آن سپاه بدر بود. سپاه به عنوان نهاد تحت امر مرجع امنیت در ایران به دلیل تنش‌ها و مخاصمات برآمده از تجدید نظرطلبی انقلابی و امنیتی‌سازی‌های معمول در این قالب از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی با موج فزاینده تولید حوادث تهدید کننده موجودیت انقلاب روبرو بوده و به طور طبیعی استراتژی‌های خود را مبتنی بر میزان تولید حادثه تنظیم کرده است که نتیجه آن ایجاد میدان نامتقارنی از گسترش و توزیع قوا بوده که همپیمانی

---

۱ . شبه نظامیان سوری به دو بخش عرب معارض و غیر معارض با دولت مرکزی و یک بخش کُرد (حزب اتحاد دموکراتیک) تقسیم می‌شوند.

۲ . همکاری ترکیه با شبه نظامیان سُنّی تحت حمایت اثیل نجیفی (استاندار سابق نینوا) در پادگان بعشیقه، فاقد هرگونه اثر استراتژیک قابل محاسبه است.

غیررسمی با گروه‌های مسلح ایدئولوژیک در عراق بخش جدایی‌ناپذیر از آن بوده است. ایران به دلیل حمایت از گروه‌های عراقی در مبارزه با رژیم بعث و آمریکا در دوره اشغال و به موازات آن تجهیز و تسلیح حزب‌الله لبنان و گروه‌های مقاومت فلسطینی سطوح داخلی و منطقه‌ای را وارد تعامل با یکدیگر ساخت.

به دلیل اجرای این الگو توسط ایران، دعاوی نظری پرشماری وجود دارند که ایران را احیاءگر نوع تغییر شکل یافته‌ای از الگوی جنگ‌های نیابتی در خاورمیانه است که با فروپاشی نظام دو قطبی تقریبا از میان رفته بود. این تعابیر بعد از سال ۲۰۱۱ و مشارکت گسترده مدافعان حرم در جنگ داخلی سوریه توسعه یافت. عملکرد ایران در توسعه همپیمانان غیررسمی با تعریف مضیّق «گراینت هیوز» که نایب را یک گروه شبه نظامی و تنها واحد مشارکت کننده در یک جنگ نیابتی قلمداد می‌کند همخوانی دارد. از سوی دیگر بر اساس تعریف موسع «دیلان کریگ» نسخه ۲۰۱۱ پروژه اوپسالا از جنگ نیابتی، ایران تنها احیاءگر الگوی نوین جنگ‌های نیابتی محسوب نمی‌شود، زیرا در این تعریف نیروهای شبه‌نظامی تنها حاضران در میدان نبرد نیستند، بلکه یک یا تعدادی از دولت‌ها نیز در شرایطی که حداقل یکی از مرزهای مستقل مورد تجاوز قرار گرفته است در وضعیت رویارویی با استفاده از هم‌پیمانی‌های مستقیم و غیرمستقیم به سر می‌برند.

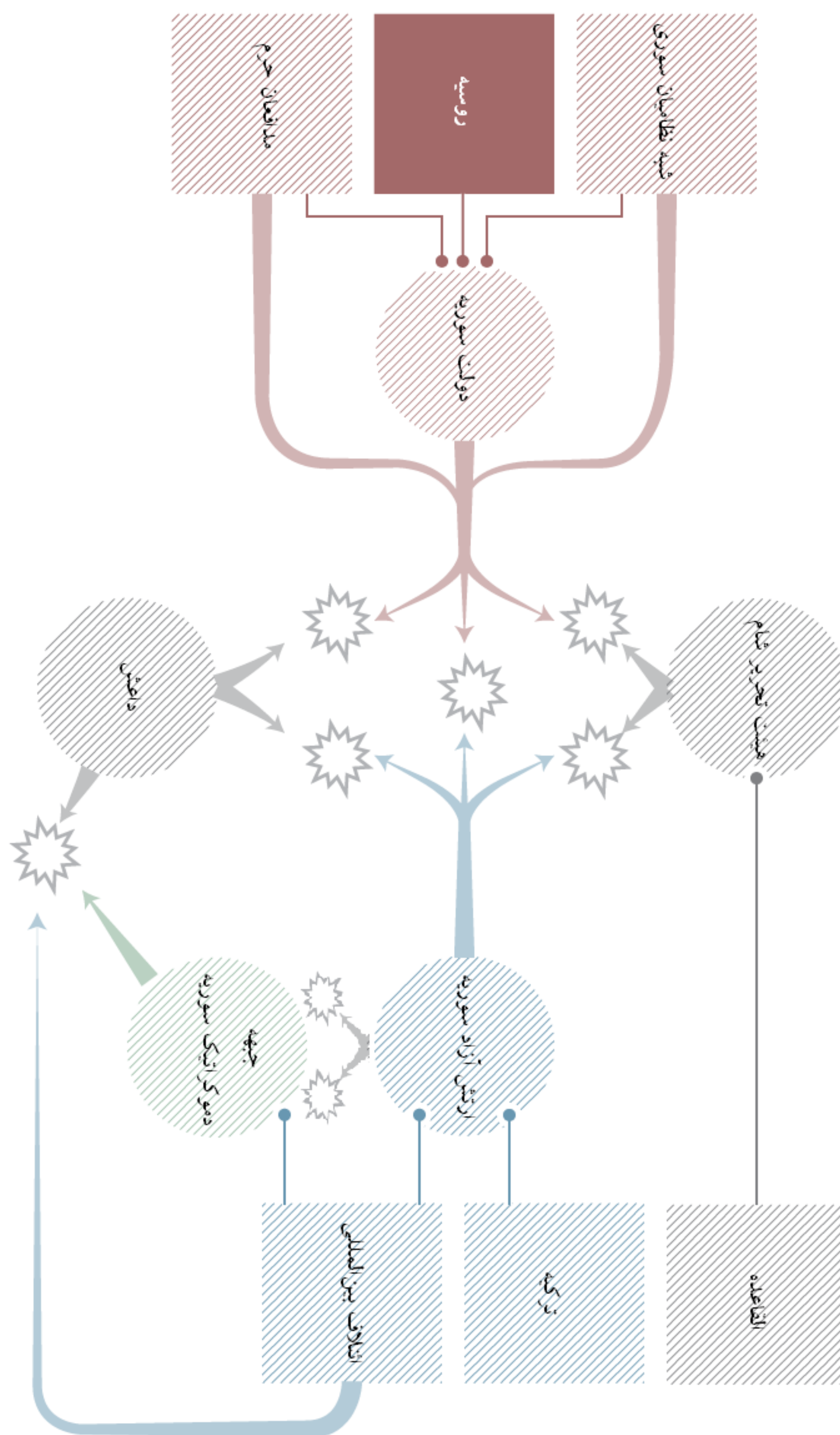
در تعریف کریگ که مبتنی بر روندسازی ۶۰ ساله از انواع جنگ‌های نیابتی است، بازیگران غیر دولتی الزاماً در همپیمانی غیررسمی با واحدهای دولتی به سر نمی‌برند. الگوی جنگ نیابتی موسّع در عراق به دلیل مشروعیت نسبی داخلی و تمام‌عیار بین‌المللی، ساده و کاملاً شفاف به نظر می‌رسد. بنابراین در این دایره مفهومی موسّع، نه تنها ایران، بلکه تمام بازیگران خارجی ایجاد کننده ساز و کارهای داعش در روند مبارزه با این سازمان و استفاده از ساز و کارها برای توزیع دوباره قدرت، اداره کنندگان یک جنگ نیابتی چندوجهی بوده‌اند. این روند شامل هر دو نوع رسمی و غیر رسمی همپیمانی است و در سوریه پیچیدگی بسیار بیشتری از عراق دارد. به عنوان مثال وزارت دفاع آمریکا و ستاد ارتش ترکیه بدون کسب اجازه از دولت مرکزی سوریه در خاک این کشور پایگاه تأسیس کردند و ضمن تسلیح، تجهیز و آموزش غیر رسمی نیروهای همپیمان با خود واحدهای مختلف ارتش را نیز در بخش‌هایی از عملیات اصلی علیه

داعش، ارتش سوریه، همپیمانان رسمی دولت سوریه و پ.ک.ک مشارکت دادند.[1] همپیمانان ترکیه و ایالات متحده در موارد معدودی به طور مستقیم با همپیمانان سوریه و ایران درگیر شدند، اما رقابت آنها با دولت مرکزی در تسلط بر جغرافیای تحت کنترل داعش و ایجاد تغییر غیر رسمی در تقسیمات اداری کشور، یک شاهد عینی برای اثبات دخالت مقاشات قدرت و امنیت است.

بنابراین مبارزه بازیگران خارجی با داعش در سوریه و حتی عراق (حتی اگر هدف توزین دوباره قدرت علیه سایرین در پس نیّات آن قرار نداشته باشد) منطبق با تعریف موسّع از جنگ نیابتی است که وجود نوعی همکاری استراتژیک بین دولت خارجی با شریک محلی رسمی و غیر رسمی در برای کارگردانی خشونت‌های منطقه هدف الزامی است. جنگ نیابتی در هر دو نوع مضیّق و موسّع آن تابع اراده دولتهای خارجی برای حضور گسترده در منطقه درگیری است. آمریکا از سال ۲۰۱۲ بر اساس استراتژی دفاعی قرن ۲۱ برای دستیابی به اهداف مورد نظر در قلمرو رقیب از حضور گسترده نظامی استفاده نمی‌کند و دست کم در میان مدت نیز این استراتژی را تغییر نخواهد داد. حتی نیروهای رسمی ایرانی که با استعدادی در حدود ۱۰ الی ۱۲ برابر نیروهای ارتش آمریکا وارد سوریه شدند، در چارچوب مشارکت مستشاری قابل تعریف است.

---

۱ . در مورد ترکیه این استدلال وجود دارد که در جریان مذاکرات ترک مخاصمه در آستانه، دولت سوریه و دولت‌های ذینفع را مجاب به مداخله برای تثبیت کمربند عربی اطراف کانتون‌های عفرین و کوبانی کرده باشد. این ادعا متکی به اعلام خبر رسمی نیست، اما جغرافیای مداخله نیروهای همپیمان با ترکیه در زمره مناطقی است که دولت سوریه نیز از تسلط پ.ک.ک بر آن احساس خطر می‌کند و به نظر می‌رسد ریسک استقرار ترکیه در این مناطق پایین تر از پ.ک.ک است. زیرا ترکیه به دلیل فقدان محمل حقوقی بالاخره مجبور به ترک خاک کشور خواهد شد، اما بستر پ.ک.ک بر اتباع کُرد سوریه قرار دارد.



شکل ۵-۱- الگوی موسّع جنگ نیابتی بین ساز و کارهای مهار داعش در سوریه

بنابراین تمام دولت‌های خارجی در منقاشات موازی سوریه به طور عمده از ظرفیت بازیگران غیردولتی استفاده می‌کنند. لذا نقش واسطه‌های غیردولتی برای ایجاد ثبات در عراق و سوریه بسیار پررنگ و غیر قابل چشم پوشی است. البته با نسبت استعداد و الگوهای تشکیل و عملکرد نیروهای غیر دولتی در عراق و سوریه از تفاوت‌های بنیادین برخوردارند.

الگوی بکارگیری هم‌پیمانی‌های رسمی و غیررسمی در جنگ‌های نیابتی عراق و سوریه بر خلاف نظریه «برتیل دونر» درباره ماهیت جنگ‌های نیابتی در دوره جنگ سرد معطوف به نقش پررنگ کشورهای درحال توسعه (٦٨٪) البته ابخشی از استدلال دونر با واقعیات جاری در این جنگ همخوانی دارد. به عنوان مثال ایران به عنوان یک قدرت محلی در غیاب حضور گسترده ایالات متحده فرصت بیشتری برای بازی‌گری پیدا کرد که امکان تداوم یا افزایش آن نیاز به بررسی دارد. «برتیل دونر» بر اساس نتایج مطالعات خود ادعا می‌کند که دولت‌های در حال توسعه بر مبنای تصمیمات استراتژیک خود، مشتاق ارسال منابع برای مداخله هستند.

براساس الگوی «رایان جاستین یورا» در همپیمانی‌های رسمی و غیر رسمی با ساز و کارهای مبارزه با داعش در عراق و سوریه، سه شاخص زیر وجود داشته یا تحقق یافته‌اند:

٤. یک رابطه مستقیم مبتنی بر همکاری؛
٥. وجود یک دشمن مشترک برای حامی و نایب؛
٦. حفظ روابط میان حامی و نیروی نایب در طول زمان.

سه شاخص بالا در صورت تداوم بکارگیری ساز وکارهای مبارزه با داعش برای مهار مانور نظامی این سازمان یا توزین قدرت در آینده نیز باید بر قرار باشند. براساس الگوی نظری یورا، تعارض یا اختلاف نقش تجدید نظرطلبانه ایران با تمام واحدها بر سر امنیت‌سازی مسائل پیرامون اسرائیل، این واحد را در بخش همپیمانی‌های رسمی با نایب‌ها بر سر اشتراک دشمنی با اسرائیل یا اولویت خصومت با این رژیم، دچار اختلاف یا حتی تعارض خواهد نمود. لذا تشکیک در وجود دشمن مشترک، احتمال اخلال در شاخص سوم را به میزان زیادی افزایش خواهد داد و روابط ایران به عنوان حامی از نیروی نایب رسمی در جنگ احتمالی علیه اسرائیل را دچار خدشه خواهد ساخت. براساس روندسازی و دسته‌بندی نظری پروژه اوپسالا (١٩٥٧-

۲۰۱۱) از مجموعه داده‌های مناقشات نیابتی، جنگ نیابتی مستلزم تأمین شاخص‌های ۱۰ گانه نیروهای نظامی، عملیات‌های مشترک، دسترسی به قلمرو، پشتیبانی سلاح، تدارکات و آموزش، تخصص بودجه و کمک اقتصادی، داده‌های اطلاعاتی، حمایت‌های ناشناخته و سایر اشکال حمایت است که نمونه‌های عینی آن در روند مبارزه با داعش و جنگ داخلی سوریه قابل مشاهده است[1]، اما تداوم امکان تأمین این شاخص‌ها در یک جنگ علیه اسرائیل محل تردید است.

جدول ۵–٤– اشکال و شدت حمایت در روابط حامی– نایب در عراق (دولت؛ فرادولتی– دولت؛ غیر دولتی)

حامی	اعزام نیروهای نظامی	عملیات‌های مشترک	دسترسی به قلمرو	پشتیبانی سلاح	تدارکات	آموزش	تخصیص بودجه	کمک اقتصادی	داده‌های اطلاعاتی	حمایت‌های ناشناخته	شدت[2]
ایران	−	−	+	+	+	+	−	−	+	+	متوسط
آمریکا	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	بالا
ائتلاف	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	بالا
حزب‌الله	−	−	−	−	−	+	−	−	+	+	پایین

جدول ۵–۵– اشکال و شدت حمایت در روابط حامی– نایب در سوریه[3]

حامی	اعزام نیروهای نظامی	عملیات‌های مشترک	دسترسی به قلمرو	پشتیبانی سلاح	تدارکات	آموزش	تخصیص بودجه	کمک اقتصادی	داده‌های اطلاعاتی	حمایت‌های ناشناخته	شدت[4]
ایران	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	بالا
ائتلاف	+	+	+	+	+	+	+	−	+	+	بالا
ترکیه	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	بالا
روسیه	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	بالا
حزب‌الله	+	+	+	−	−	+	−	−	+	+	متوسط

۱ . تعیین شدت حمایت هر بازیگر از نایب‌ها بر اساس تأمین نسبت تأمین شاخص‌های ۱۰ گانه نیازمند دسترسی به اطلاعات دقیق است. هیچ یک از واحدها به غیر از روسیه و آمریکا آماری در رابطه با اشکال و میزان حمایت خود از نایب‌ها در روند مبارزه با داعش اعلام نکردند. بنابراین مقایسه شدت حمایت بازیگران، مقدور نیست و تنها می‌توان ادعا کرد، شدت حمایت ابرقدرت (ایالات متحده) و قدرت‌های بزرگ (روسیه) و قدرت‌های خُرد (ترکیه و ایران) در روند مبارزه با داعش که مبتنی بر هنجارهای عام است دارای اختلاف متکی بر دسترسی به منابع است. البته این اختلاف تنها به میزان دسترسی واحدها به منابع مربوط نیست، بلکه متغیرهایی نظیر اختلاط روند مبارزه با داعش و موازنه قدرت در جنگ داخلی سوریه، نقش تجدید نظرطلبی واحدها یا رویکرد ایدئولوژیک آنان نیز وابسته است. همچنین تعیین شدت بالا برای حمایت هر واحد به معنای تأثیر بالای آن نیست. طی شش ماه بعد از فروپاشی ارتش، استعداد بخش رزمی حشدشعبی (بدون احتساب نیروهای شیعه غیر عضو در حشد شعبی) به ۱۷٪ از ظرفیّت کل نیروهای نظامی و امنیتی رسید که این نسبت با کسر استعداد پنج تیپ از نیروهای حفاظت اشخاص به ۲۳٪ از نسبت کل نیروهای مسلح عراق (حدود یک چهارم) افزایش یافت. که معادل تیپ‌های مضمحل شده بود، اما تأثیرگذاری این واحدها با ارتش عراق قابل قیاس نیست، ضمن اینکه اندازه‌گیری آن نیز امکان پذیر نیست. لذا حتی ایالات متحده نیز به نقش بی‌بدیل حشد شعبی در نبردها معترف است. اطلاعات مربوط به مشارکت ۹۳٪ از استعداد حشد شعبی در دفاع از پایتخت نیز مؤید تأثیر وجودی این نهاد است.

۲ . معیار تعیین شدت حمایت مشارکت حامی در تأمین (+–۵) از شاخص‌هاست. (دولت، فرادولتی، غیر دولتی– دولت؛ غیر دولتی)

۳ . اشکال و شدت حمایت از نایب‌ها در سوریه تنها معطوف به مبارزه با داعش نیست. نایب‌های ایران پیش و بیش از آنکه به مبارزه با داعش پرداخته باشند، در توازن قوا علیه معارضین مسلح و حامیان آنها بکار گرفته شدند.

٤ . معیار تعیین شدت حمایت مشارکت حامی در تأمین (+–۵) از شاخص‌هاست.

استراتژی دفاعی اسرائیل به غیر از حزب‌الله لبنان و حماس هیچ یـک از همپیمانـان رسـمی و غیررسـمی ایران اعم از دولتی و غیر دولتی را واجد ویژگی اجرای ترتیبات تهدید وجودی اسرائیل مستلزم آغاز یک جنگ تمام‌عیار قلمداد نمی‌کند.[۱] این ادعا با یافته‌های پروژه اوپسالا نیـز مطابقـت دارد کـه بـر اسـاس آن ۸۳,۳٪ از توجه مستقیم بازیگران غیر دولتی در روابط نیابتی صرف مناقشات داخلی شده اسـت، نـه یـک درگیری فراملی ایدئولوژیک.

از سوی دیگر حتی در صورت اراده جنگ در دولت سوریه به عنوان واحد برخوردار از اتصال جغرافیایی با اسرائیل، بر اساس نسخه ۲۰۱۱ پروژه اوپسالا، احتمال بالایی وجـود دارد کـه ایـران بـه عنـوان حـامی نایب‌ها برای تأمین الزامات جنگ ناگزیر از مداخله مستقیم در یک جنگ نیابتی فرضی با اسرائیل باشد که ذیل عنوان «حمایت ثانویه از مناقشه» قابل دسته‌بندی است. توانایی ایران به عنوان یک قدرت خُرد، برای تأمین شاخص‌های ۱۰ گانه لازم برای آغاز جنگ علیه اسرائیل، که با سـایر واحـدها (اعـم از ابرقـدرت، قدرت بزرگ، سازمان‌های بین‌المللی) در شرایط تعارض و اختلاف به سر می‌برد، محل تردید است.[۲] این ادعا با شواهد عینی جاری در جنگ سوریه نیز مطابقت دارد[۳] و نشان می‌دهد ایران طی سال‌هـای بعـد از ۲۰۱۲، به غیر از سردادن شعارهای تجدید نظرطلبانه، اقدام عملی برای ارتقاء ظرفیّت ساز و کارهای مهار داعش (براساس شاخص‌های۱۰ گانه لازم برای جنگ) انجام نداده است. یعنـی الگـوی عمـل ایـران نیـز مطابق با الگوی تولید شده در پروژه اوپسالا از عملکرد ٦٩,٤٪ از قدرت‌های خُرد معطوف به مداخلـه در مناقشات داخلی بوده است.

در استراتژی دفاعی اسرائیل، حزب‌الله به عنوان یکی از دو دشمن فرودولتی این رژیـم دسـته‌بنـدی شـده است که جنگ با آن نیاز به بسیج امکانات یک نبرد تمام عیار دارد. حزب‌الله یکی از همپیمانان غیر رسمی دولت سوریه و ایران در کارزار داخلی و مبارزه با داعش است که در قالب حامیان ویژه نیابتی دسته‌بندی می‌شود.[٤]

---

۱ . نگارنده: برای درک بهتر این ادعا رجوع کنید به استراتژی نیروهای دفاعی اسرائیل در فصل سوم پژوهش

۲ . نگارنده: پروژه «اوپسالا»، در دوره بعد از فروپاشی شوروی، تنها ایالات متحده امریکا را واجد ویژگی ابرقدرت قلمداد می‌کند که حداقل ۱۲٪ از قابلیت‌های جهان را در اختیار دارد. قدرت‌های بزرگ نیز به کشورهایی اطلاق می‌شود که دست کم ۲٪ از قابلیت‌های جهان را در انحصار خود داشته باشند و شامل فرانسه، چین، بریتانیا و آلمان هستند. در این دسته‌بندی، همه کشورهایی که کمتر از ۲٪ از قابلیت‌های جهان را در اختیار دارند جزو قدرت‌های خُرد محسوب می‌شوند.

۳ . طی سالهای ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۷، توزیع جغرافیایی هم‌پیمانهای رسمی و غیر رسمی در پیوستار جغرافیایی با مرزهای شمالی اسرائیل به ترتیب ٦٪ و ٤٪ بوده است.

٤ . در تعریف موسّع جنگ نیابتی ممکن است که یک بازیگر غیر دولتی از یک دولت حمایت کند اما به دلیل عدم دسترسی به منابع دولتی در قالب حامیـان ویـژه نیـابتی دسـته‌بنـدی می‌شود.

حزب‌الله یک حامی با امکانات محدود است که برخلاف دولت‌ها مجبور به رعایت قوانین حق حاکمیت و قوانین عدم مداخله در سطوح سیستمی و بین‌المللی نیست و خارج از سیستم دولتی عمل می‌کند. به همین دلیل ممکن است از انعطاف‌پذیری بیشتری در قالب یک حامی نیابتی برخوردار باشد، اما ایفای چنین نقشی در امنیتی‌سازی مسئله اسرائیل با تردید جدّی روبروست. حزب‌الله از یک سو قادر به تجمیع منابع لازم برای کمک به یک طرف تخاصم نیست و از طرف دیگر دولت سوریه به عنوان تنها واحد ذیحق و بازیگری که امکان ایجاد بستر جنگ با اسرائیل برای ساز و کارهای مهار داعش را دارد با این اقدام مخالف است. بنابراین نزاع رودرو با اسرائیل یک برنامه خارج از دستور محسوب می‌شود. البته تغییر شرایط ممکن است استثنائاتی ایجاد کنند، یا استثنائاتی را از میان بردارند. در قیاس با الگوی ایجاد شده از بررسی ۵۲ مناقشه نیابتی در پروژه اوپسالا، مبارزه برای مهار داعش نیز بیش از یک دوره زمانی طول خواهد کشید. بر این اساس می‌توان استدلال کرد تا زمانی که ایران و همپیمان رسمی و غیر رسمی این واحد در چارچوب ساز و کارهای مهار داعش فعال هستند، ممکن است امکانات خود را علیه اسرائیل سازماندهی کنند. این ادعا ناظر به شرایط بحران دائمی در خاورمیانه و سیّالیت ناشی از آن است.[1] آمریکا در عراق با تقویت مستمر ارتش، پیشمرگه و عشایر سُنّی، تلاش می‌کند توزیع قدرت را به ضرر حشدشعبی تغییر دهد. از سوی دیگر ایالات متحده در سوریه با پشتیبانی از جبهه دموکراتیک سوریه عملاً در راستای تشکیل یک کیان مُخل در سوریه گام بر می‌دارد که به طور مستقیم و غیر مستقیم امنیت ملّی ایران را تحت تأثیر قرار می‌دهد. از سوی دیگر حمایت مادی پرهزینه در قالب ارسال سلاح، مواد و مشاوران در فواصل دور، برای ایالات متحده یک چالش غیر مستقیم در عراق و سوریه محسوب می‌شود که بر شدت حمایت از نایب‌ها و توانایی معطوف به امکان تغییر موازنه علیه ایران اثرگذار است. از این منظر احتمال بالایی وجود دارد آمریکا به دلیل اولویت‌های استراتژی دفاعی خود و توجه به ارزش درگیری سوریه در هرم منطقه‌ای یا جهانی در نهایت بعد از تعیین تکلیف نهایی داعش این کشور را ترک

---

۱. نگارنده: ۷۲,۹٪ از مداخله قدرت‌های خُرد در مناقشات داخلی به عنوان یک حامی در خاورمیانه رخ داده است. ۸٦,۹٪ از مداخلات حامیان نیابتی در خاورمیانه معطوف به درگیری‌های داخلی و فرا دولتی (Extrastate) بوده است.

کند.[1] ادعای احتمال خروج آمریکا از سوریه، بر اساس تحقیقات اوپسالا پیرامون وجود ارتباط بین میزان قدرت و انواع جنگ تقویت می‌شود، زیرا تنها ۵۳٪ از روابط نیابتی ابرقدرت‌ها بـه طـور مسـتقیم متوجـه درگیری‌های داخلی است و تنها ۱۳٪ از روابط نیابتی آنها به طور مستقیم معطوف به درگیری از نـوع فـرا دولتی (Extrastate) است که تشکیل ائتلاف مبارزه با داعش و همپیمانی‌های پیرامون آن در چـارچوب آن قابل تفسیر است. پایان دادن آمریکا به همپیمانی مسـتقیم بـا جبهـه دموکراتیـک سـوریه و ترکیـه بـا گروه‌های شبه نظامی معارض سوری ذیل چارچوب نظری پـارتیزان، یـک مسـئله قابـل انتظـار بـه نظـر می‌رسد. ایالات متحده در قالب یک ذینفع سوم، بر اساس جبر میدان نبـرد از حـزب اتحـاد دموکراتیـک برای مشارکت در نبرد با داعش حمایت کرد و ترکیه نیز طبق چنـین قاعـده‌ای بـرای اخـلال در پیوسـتار جغرافیایی کُردی به شکل غیرقـانونی وارد خـاک سـوریه شـد.[2] روابـط نیـابتی آمریکـا و حـزب اتحـاد دموکراتیک، معطوف به درگیری یک ابرقدرت در یک نبرد فرادولتی بوده است. بنـابراین نیروهـای دفـاع خلق یا همپیمانان عرب جبهه دموکراتیک سوریه، مشروعیت بین‌المللی خود را در چـارچوب مبـارزه بـا تروریسم ذیل پیمان با یک ائتلاف بین‌المللی کسب کردند که اساسـاً یـک حـوزه غیـرسیاسـی محسـوب می‌شود.

این روند از این جهات برای حزب اتحاد دموکراتیک مشکل‌ساز خواهد بـود کـه تـأمین پـول، سـلاح و مشروعیت، وابسته به کار ویژه ائتلاف بین‌المللی در مبارزه با داعش است نـه ایجـاد یـک کیـان سیاسـی مستقل یا فرایند تغییر رژیم در سوریه. از سوی دیگر حزب اتحـاد دموکراتیـک را از خطـر بازیچـه قـرار گرفتن توسط آمریکا مصون نیست. فشار ترکیه یا دولت سوریه و روسیه در شرایط بعد از بازگشت ثبات ممکن است ائتلاف را با چالش حضور نامشروع در سوریه مواجه کند و در عین حال به نابودی سـازمان

---

۱ . نگارنده: بر اساس یافته‌های پروژه اوپسالا، ابرقدرت‌ها تنها از بیش از یک درصد از فرصت مداخله در درگیری‌های بین قدرت‌های خُرد برای ورود استفاده کـرده‌انـد. ایـن نسـبت درباره درگیری‌های داخلی و (درگیری بین یک دولت و موجودیت‌های سیاسی که به عنوان یک دولت شناسایی نشده‌اند) کمتر از این است. بـر همـین اسـاس درگیـری محلـی بـین بازیگران غیر دولتی کششی برای ابرقدرت‌ها و قدرت‌های بزرگ خارجی ایجاد نمی‌کند. در درگیری‌های داخلی و شرایطی که طرف تخاصم یک موجودیت سیاسی فاقد شناسایی است، احتمال حمایت نیابتی بازیگران ضعیف داخل منطقه بیشتر از بازیگران مشابه خارج از آن است، زیرا فرض بر این است که هزینه چنین حمایتی برای آنان زیاد است.

۲ . پیش‌تر بر اساس قیاس بین شواهد عینی استدلال شد که احتمال بالایی برای توافق ترکیه و دولت سوریه در حفظ کمربند عربی حول کانتون‌ها وجود دارد، با وجود این توافقاتی از این دست غیر قابل اثبات هستند و تنها در شرایط جبر و اضطرار کاربرد دارند. لذا حاکمیت سوریه در شرایط ثبات قادر به اقدام به اعمال فشار حقوقی و فیزیکی به ترکیه برای خروج از خاک سوریه و تحویل مناطق به دولت مرکزی است.

حزب اتحاد دموکراتیک ذیل مبارزه با تروریسم (شاخه پ.ک.ک) مشروعیت ببخشد. مشابه چنین روندی در جریان درگیری مستقیم آمریکا و ایران در شرق سوریه اتفاق افتاد. همپیمانان عـرب ائـتلاف از سـوی ایالات متحده استحاله شدند و مجبور به کنار گذاشتن اهداف خود در جنگ داخلی سوریه شدند.[1]

تحکم الگوی روابط پارتیزان‌ها و ذینفع سوم، در مورد ترکیه و همپیمانان غیر رسمی این واحد در سوریه نیز با احتمال بالایی از تحقق روبروست. این احتمال وجود دارد که شبه نظامیان سوری بعـد از دسـتیابی بازیگران دولتی به توافقات سیاسی و بده‌بستان‌های دیپلماتیک، به مرور قربانی منافع تکنوکراتیـک شـوند. این شبه نظامیان بخشی از بدنه شاخه نظـامی شـورای ائـتلاف معارضـین سـوری هسـتند کـه نـاگزیر از مشارکت در فرایند حلّ سیاسی است و طبیعتاً ممکن است به سوی محافظه‌کاری سوق می‌یابد. کما اینکه تاریخ روابط پارتیزان – ذینفع سوم، پس از جنگ جهانی دوم، مملو از تجارب مشابهی است که مبـارزان برجسته را بعد از ورود به دستور کار سیاسی، بر اسـاس تشـخیص حـامی دولتـی فـدای منـافع واحـدها شده‌اند.

ساده‌ترین امکان مخرّب برای همپیمانان غیررسمی ائتلاف و ترکیه در آینده ایجاد ابهامات اساسی در روند حلّ سیاسی بحران است که ممکن است در شیوه نگارش قانون اساسی جدید سوریه یا ترتیبات ورود بـه مرحله انتقالی رخ دهد. این ابهامات ممکن است به بازیابی تدریجی یا سریع مشروعیت بین‌المللی رژیـم سوریه بیانجامد که تا پیش از آن یک دشمن مطلق برای ارتش آزاد سوریه بوده است. ایـن رونـد ممکـن است به تغییر حدّ جنگ و سرزمین‌های آزاد شده از کنترل داعش بیانجامد که بخش عمـده آن در کنتـرل جبهه دموکراتیک و بخش کمتر آن در اختیار معارضین عرب قرار گرفته است. در این شرایط، همپیمانان غیر رسمی ائتلاف و ترکیه با ایجاد نوع جدیدی از فضای سیاسی که عمق آن ناپیداست روبـرو خواهنـد شد. در چنین شرایطی آنها بدون تعیین هدف مشخص و دست‌یافتنی ممکن اسـت گرفتـار منـافع ذینفع

[1]. نگارنده: وزارت دفاع آمریکا تا روز اول آگوست ۲۰۱۷ تسلیح برخی از گروه‌های «قوات الشهید أحمد العبدو»، «جیش أسود الشرقیة» و «لواء شهداء القریتین» را به دلیل عدم تمکین از شروط این نهاد برای قطع درگیری با نیروهای مورد حمایت ایران و انتقال قوای خود به شدادی قطع کرد. تا روز ۳۱ آگوست ۲۰۱۷ اتاق عملیات اردن نیـز از گروههـای یـاد شـده خواست که خاک این کشور را ترک کنند و خانواده‌های خود را به اردوگاه رکبان در داخل خاک سوریه منتقل نمایند.

سوم شوند و در مقابل اقدام نظامی دولت مرکزی برای تحویل اراضی تحت کنترل خود، بدون پشتوانه حامی نیابتی خود باقی بمانند.

الگوی مدافعان حرم نمونه دیگری از همپیمانی غیررسمی در چارچوب روابط نیابتی یک قدرت خُرد محسوب می‌شود که به طور سازمان‌یافته در مناقشه سوریه به عنوان یک کشور ثالث اجرا شد. فرایند مواجهه با مدافعان حرم نیز به راحتی با چارچوب نظری پارتیزان قابل تطبیق و تحلیل است. پیش‌تر براساس الگوی نظری «رایان جاستین یورا»، استدلال شد که تعارض یا اختلاف نقش تجدید نظرطلبانه ایران با تمام واحدها بر سر امنیت‌سازی مسائل پیرامون اسرائیل، این واحد را در بخش همپیمانی‌های رسمی با نایب‌ها بر سر اشتراک دشمنی با اسرائیل یا اولویت خصومت با این رژیم، دچار اختلاف یا حتی تعارض خواهد نمود.

نتیجه تعارض یا اختلاف ایران و سایر بازیگران که دولت سوریه نیز بخشی از آن محسوب می‌شود، ممکن است به یک همدستی همگانی برای پایان دادن به مشروعیت تداوم روابط نیابتی ایران در سوریه بیانجامد. نابودی مراکز ثقل فیزیکی داعش، محمل بکارگیری ساز و کارهای مبارزه با این سازمان را تنها برای ائتلاف از بین نمی‌برد. ایران نیز به طور پیچیده‌تری در معرض پایان مشروعیت حضور در سوریه قرار دارد. احتمال درخواست پایان همپیمانی و خروج ایران از سوریه، چه در صورت بقای رژیم سوریه و چه در صورت تغییر آن با نسبت بالایی وجود دارد. ماهیت رژیم سوریه مخاطره حضور یک بازیگر تجدید نظرطلب انقلابی را نمی‌پذیرد و حاکمیت جایگزین احتمالی نیز ایران را اساساً یک دشمن تلقی خواهد کرد. البته همدستی برای پایان دادن به نقش ایران در سوریه الزاماً سیستماتیک و هماهنگ نیست، بلکه به عنوان مثال دولت سوریه ممکن است تحت فشار سایر بازیگران به درخواست خود از ایران و همپیمانانش برای حضور در سوریه پایان دهد. بنابراین در صورت پایان یافتن همپیمانی رسمی ایران، به طور طبیعی همپیمانی غیر رسمی مدافعان حرم نیز پایان خواهد یافت. پایان مأموریت مدافعان حرم در سوریه، خود شکل جدیدی از پایان یک رابطه نیابتی محسوب می‌شود که در آن طرف‌های غیردولتی بدون هماهنگی دولت متبوع خود از سوی یک دولت ثالث به شکل سازمان یافته وارد مناقشه داخلی یک دولت ثالث دیگر شده‌اند. انحلال ساختارهای پوشش دهنده حدود ۵۰ هزار نیروی مدافع حرم یک مسئله

مناقشه برانگیز است. نیروهای عراقی و لبنانی به دلیل اتصال زمینی و همبستگی‌های عربی با مشکل کمی برای بازگشت به کشور متبوع خود برخوردارند، اما خروج اتباع پاکستانی و افغانی یک مسئله مورد نگرانی سایر واحدهاست.[۱] ایجاد مناطق کاهش تنش و اذعان مسئولین روس به خروج نیروهای غیر سوری از این کشور نیز ناظر به جریان طرح‌هایی برای آینده است که الزاماً ایالات متحده مسئول اجرای آن نیست.[۲]

۵-۴ - ایران و الگوی شبه‌نظامیان همپیمان با دولت

حشد شعبی در عراق

روابط نیابتی در روند مبارزه با داعش به دلیل مشروعیت برآمده از هنجارهای مشترک مبارزه با تروریسم تابع پیچیدگی‌هایی است که نتیجه تداخل با اجرای الگوهای دیگری است. همپیمانی‌های غیررسمی نظیر ایالات متحده با حزب اتحاد دموکراتیک، ترکیه با معارضین عرب، ایران با مدافعان حرم و حزب‌الله با دولت سوریه در چارچوب انواع روابط نیابتی قابل توضیح و تفسیر هستند، اما حشد شعبی در عراق و نیروهای دفاع وطنی و محلی در سوریه به دلیل ارتباط رسمی با دولت مرکزی صرفاً تابع الگوی روابط نیابتی نیستند. هرچند این ساختارها دارای ارتباط ایدئولوژیک و سازمانی با ایران هستند، اما در سطوح مختلف، منابع و مشروعیت و آزادی و اختیار عمل خود را از دولت‌های مرکزی عراق و سوریه کسب می‌کنند. بر اساس چهار استراتژی استخراج شده از الگوی نظری «پاول استانیلند» درباره شبه نظامیان حامی دولت، می‌توان استدلال کرد که حشد شعبی در شرایط فروپاشی یک چهارم استعداد ارتش عراق

---

۱ . نگارنده: ژنرال «لوید جی آستین»، فرماندهی وقت منطقه مرکزی در دولت اوباما، روز ۱۶ مارس ۲۰۱۶، به تداوم تهدید شبکه تهدیدایرانی (ITN) شامل نیروی قدس و همپیمانان آن نظیر حزب‌الله لبنان و گروه‌های شبه نظامی‌شیعه (عراقی) در منطقه اشاره و در این‌باره تصریح کرده بود که بعد از نابودی داعش و ایجاد ثبات در سوریه، آمریکا و شرکای ایالات متحده با بهبود قدرت شبکه تهدیدایرانی روبرو خواهند بود که با کسب تجربه در جنگ بدست آمده و مشتمل بر یک شبکه چند ملیتی از مبارزان افراطی شیعه در ساخت آینده مشارکت خواهند داشت.

۲ . نگارنده: با تشدید فعالیت نظامی و دیپلماتیک اسرائیل برای خروج نظامی ایران از سوریه روسیه، الکساندر شین سفیر روسیه در اسرائیل ضمن گفتگو با شبکه یک خبر در تلویزیون این رژیم به موافقت روسیه درباره خروج نیروهای ایرانی بعد از تثبیت وضعیت اشاره کرد و در این رابطه گفت: «ما با این مسئله موافقیم که هیچ نیروی خارجی و از جمله ارتش ایران (اشاره به حضور ایران نه الزاماً ارتش) نباید در سوریه حضور داشته باشند، اما در مرحله فعلی باید از روند صلح، دولت فعلی و مبارزه با تروریسم حمایت کنیم.» لاوروف وزیر خارجه روسیه نیز روز ۱۴ نوامبر ۲۰۱۷ از توافق با آمریکا برای ایجاد یک منطقه کاهش تنش جدید در جنوب سوریه سخن گفت که یکی از ترتیبات آن خروج نیروهای غیر سوری از این منطقه است.

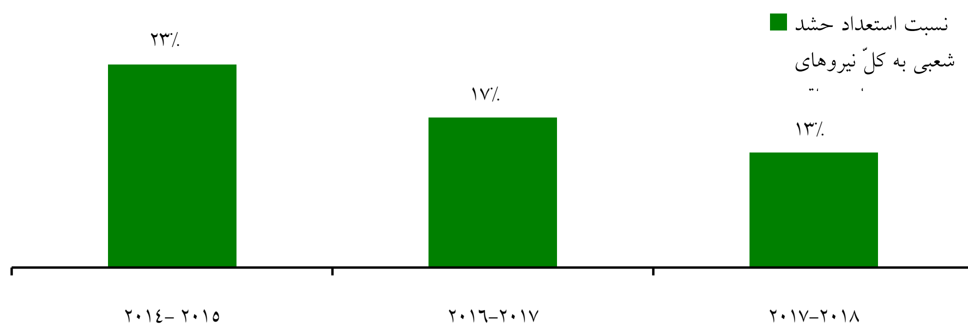
در چارچوب اتخاذ استراتژی سرکوب ایجاد شـد. حشـد شـعبی در دوره انفعـال و بازیـابی ارتـش طـی سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۶، بواسطه وارد کردن ضربات مهلک پایدار به داعش توزیع نیروی جنگی را به نفع دولت مرکزی تغییر داد. حشدشعبی نابودی داعش و سایر گـروه‌هـای شـبه نظـامی معـارض بعثـی را در دستور کار قرار داد و با حملات هماهنگ، اعمال زور علیه مظنونـان و حامیـان آنهـا، کنتـرل جمعیـت و جابجایی جمعیت در استان‌های دیالی و صلاح‌الدین، هر چند واکنش شدید سُنّی‌ها را برانگیخت و دولت مرکزی را به اعمال استراتژی های جدید واداشـت، امـا بـا اسـتفاده از نیـروی مرگبـار و سـختگیرانه در چارچوب استراتژی سرکوبگری، بغداد و دولت مرکزی را از خطر وجودی حفظ کرد. از جایی که انگیزه و ماهیت اعمال زور در استراتژی‌های سرکوب گرایانه متفاوت است، سرمایه‌گذاری‌هـای وسـیع بـرای از بین بردن داعش توسط حشد شعبی به دلیل دخالت متغیرهای دیگر به شرح زیر کاهش و یـا بـه عبـارتی پایان یافت:

- روند طبیعی بازسازی و توسعه ساختار رسمی اعم از ارتش، پلیس و نیروهای ضدّ ترور؛
- احساس نگرانی دولت و جریان‌های پراگماتیک و پان عرب شیعه از نفوذ ایران؛
- اعتراض و واکنش شدید جریان سُنّی؛
- نگرانی برخی جریان‌های حوزه نجف از گسترش نظریه ولایت فقیه در عراق؛
- مداخله موازنه‌گر ایالات متحده بواسطه تقویت نیروهای پیشمرگ و عشایر سُنّی

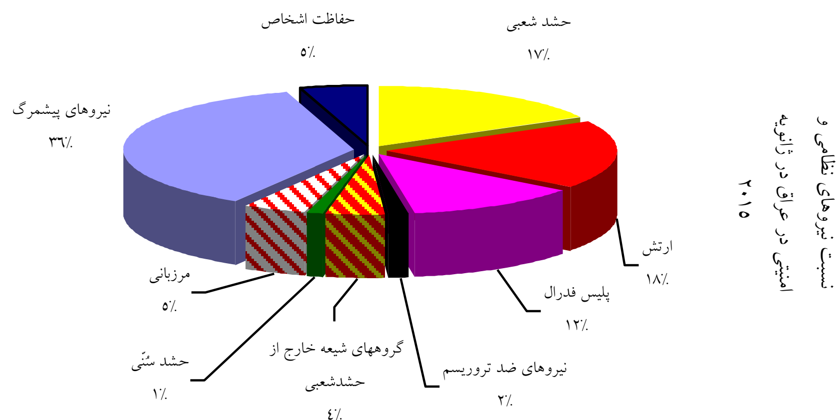
بنابراین دولت با اعمال تحدید ارادی حشد شعبی، استفاده از حشـدشـعبی در اسـتراتژی سـرکوب را بـه استفاده از استراتژی این ساختار در چارچوب استراتژی مهار تغییر داد که در خلال روند اجرای آن، کمتر از اعمال زور استفاده می‌شود. حشد شعبی بواسطه بکارگیری در استراتژی مهار با حدّ پایین‌تری از اعمال زور، به ایفای نقش دفاع از پایتخت و استان‌های شیعه مشغول شد و با نسبت محدودتری در عملیات‌های تهاجمی شرکت داده شد. نخست وزیر عراق به دلیل رویارویی با اقتدارگریزی نسبی حشد شعبی و نفـوذ ایران در این ساختار، ترس شدید از خدشه‌دار شدن اختیارات فرماندهی کلّ قـوا یـا از دسـت دادن آن را مخفی نمی‌کرد و در مقاطع بالا رفتن تنش به طور علنی به هشدارهای صـریح یـا ضـمنی در ایـن رابطـه می‌پرداخت. بنابراین دولت به گونه‌ای به تنظیم شرایط پرداخت که مقیاس زیادی از نیروی حشد شعبی را

برای حفظ ثبات صرف کند. این رویه حتی در صورت ترک مواضع از سوی گروه‌های شبه نظامی مخالف نیز ادامه می‌یابد. براساس الگوی استانیلند دولت عراق به دلیل نیاز به ظرفیّت حشد شعبی ناگزیر از پذیرش حدّی از اقتدارگریزی حشد شعبی بود. بنابراین دولت مرکزی طی یک فرایند طبیعی که البته انگیزه داخلی و خارجی مهار حشد شعبی نیز به آن سرعت بخشید، با بازسازی ساختار رسمی نظامی عراق تا سال ۲۰۱۷، تناسب استعداد کلّ نیروهای مسلح به حشد شعبی را به ضرر این ساختار تغییر داد.

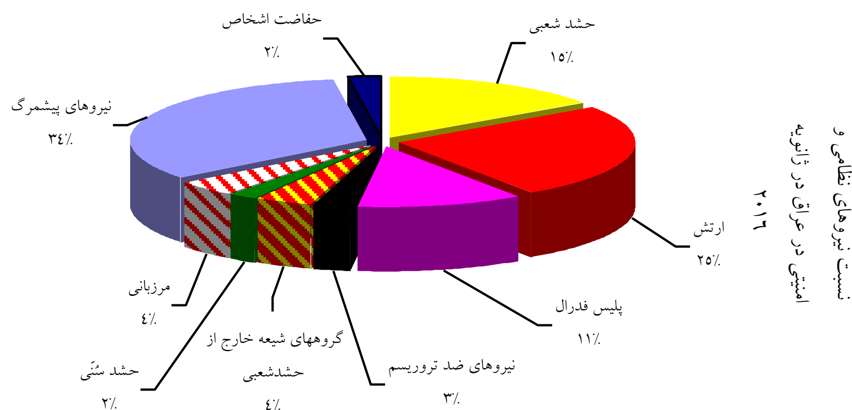
نمودار ۵-۲- نسبت نیروهای حشد شعبی به کلّ نیروهای مسلح عراق (۲۰۱۴-۲۰۱۸)



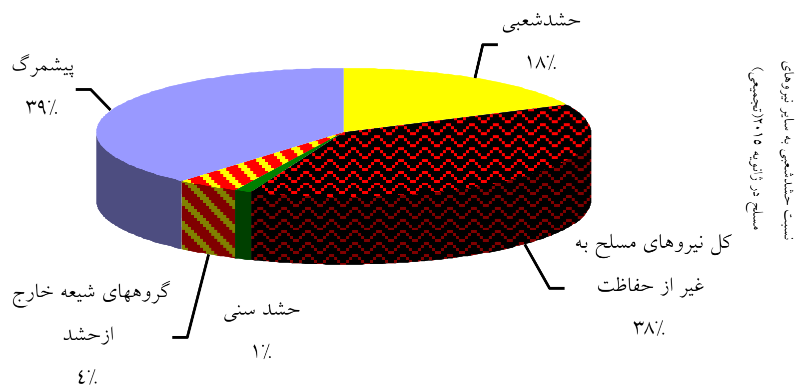
نمودار ۵-۳- نسبت تفکیکی نیروهای حشد شعبی به نیروهای مسلح رسمی در عراق (ژانویه ۲۰۱۵)



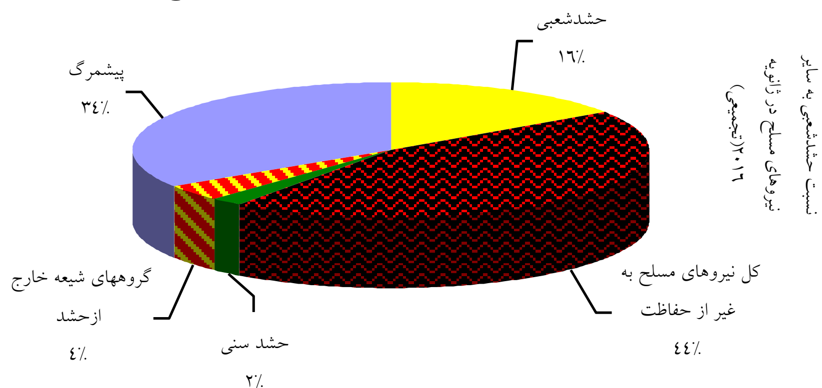
نمودار ٥-٤- نسبت تفکیکی نیروهای حشد شعبی به نیروهای مسلح رسمی در عراق (ژانویه ٢٠١٦)



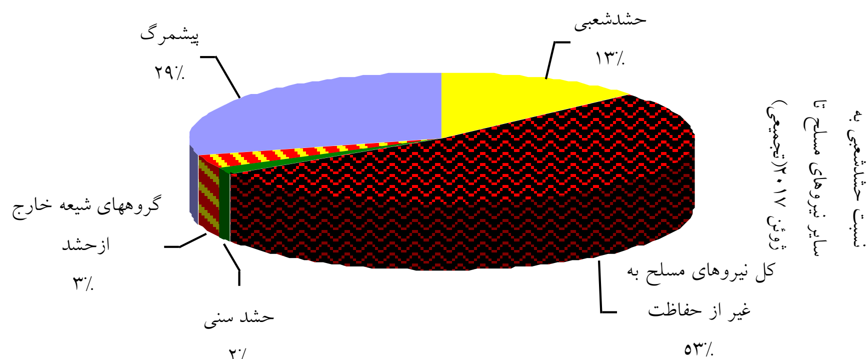
نمودار ٥-٥- نسبت تفکیکی نیروهای حشد شعبی به سایر نیروهای مسلح عراق (ژانویه ٢٠١٥)



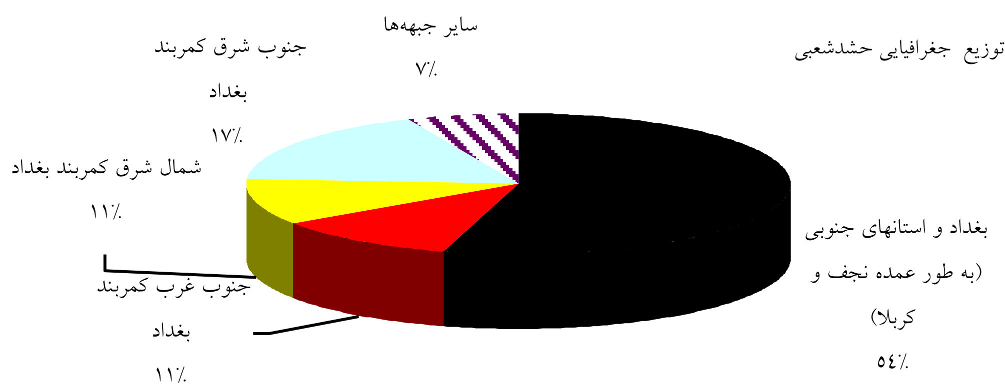
نمودار ٥-٦- نسبت تفکیکی نیروهای حشد شعبی به سایر نیروهای مسلح عراق (ژانویه ٢٠١٦)



نمودار ۵-۷- نسبت تفکیکی نیروهای حشد شعبی به سایر نیروهای مسلح عراق (ژانویه ۲۰۱۷)



نمودار ۵-۸- توزیع جغرافیایی استقرار نیروهای حشد شعبی در عراق



تبانی به عنوان استراتژی سوّم در الگوی نظری استانیلند، روند فعال و پایداری است که احتمال اجرای آن برای کاهش نقش حشد شعبی در عراق بسیار بالاست. بنابر الگوی استانیلند تبانی تحت عنوان صف‌آرایی یک دولت و بازیگر مسلح سازمان‌یافته علیه یک بازیگر مسلح دیگر تعریف می‌شود. البته تعریفی با شدت و غلظتی که استانیلند بکار برده در مورد روابط حشد شعبی و دولت عراق صادق نیست. حشد شعبی که ساختار قانونی است که فرماندهی آن را نخست وزیر برعهده دارد، اما همچنان یک ساز و کار خارج از نهادهای نظامی رسمی کشور محسوب می‌شود. مهمترین ویژگی حشد شعبی ارتباط ایدئولوژیک رده‌های اصلی و میانی فرماندهی آن با ولایت فقیه و ارتباط سازمانی با نهادهای نظامی تحت امر ولایت فقیه در ایران است. عمق نفوذ این ارتباطات در برخی گروه‌های حشد شعبی تا سطح نیروهای صف امتداد دارد که نتیجه آن بازتولید شعارهای تجدید نظرطلبانه علیه آمریکا و اسرائیل است. اعلام تشکیل

تیپ آزادی جولان از سوی جنبش نجباء که همزمان با عضویت در حشد شعبی، واحدهایی را نیز تحت عنوان مدافعان حرم به سوریه اعزام کرده است یک نمونه از آثار ارتباط ایدئولوژیک و سازمانی حشد شعبی با ایران است که مبنای همگرایی آمریکا و روسیه در دو بلوک مخالف پیرامون تأمین امنیت اسرائیل شد. وجود چنین گروه‌هایی در حشد شعبی یک معضل برای دولت عراق محسوب می‌شود که در قالب دو پیمان استراتژیک و امنیتی از سال ۲۰۰۸ با ایالات متحده همکاری دارد و در چارچوب مأموریت‌های ناتو و ائتلاف بین‌المللی نیز از این واحد خدمات دریافت می‌کند. بنابراین ارتباط ایدئولوژیک و سازمانی ۳۵ تیپ از ۵۲ تیپ (٦٨,٦٢٪) حشد شعبی با ایران یک چالش مهم برای ایالات متحده و دولت عراق محسوب می‌شود. ١٤تیپ از این تعداد متعلق به شاخه نظامی سازمان بدر هستند که در زمان مبارزه مسلحانه با رژیم بعث به طور مستقیم از سوی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در خاک ایران تأسیس شد.[1]

براساس توصیف استانیلند از ترتیبات استراتژی تبانی، بازیگر مسلح سازمان یافته از سوی دولت تسلیح می‌شود، لجستیک دریافت می‌کند و آموزش می‌بیند. اجرای گسترده این روند در عراق ممکن است بواسطه تقویت و بکارگیری گروه‌های همکار با وزارت دفاع عراق و خارج از هسته ایدئولوژیک حشدشعبی نظیر فرقه العباس‌القتالیه دنبال شود.[2]

شدت و ضعف بکارگیری این استراتژی به سیاست‌های متقابل دولت و حشد شعبی بستگی دارد. بدین مفهوم تابعیت حشد شعبی از فرماندهی کلّ قوا ممکن است این روند را با کندی روبرو نماید، اما توقف اجرای بلند مدت آن یک امر بعید به نظر می‌رسد. به عنوان مثال دسترسی حشد شعبی به تسلیحات و

---

۱ . نگارنده: با آغاز جنگ تحمیلی، برنامه ریزی برای سازماندهیِ هسته‌های مسلح از معارضین عراقی آغاز شد که اولین تظاهر آن «جیش الثوری»، شاخه نظامی سازمان عمل اسلامیِ عراق بود و پس از مدتی «جیش الغضب» شاخه نظامیِ حزب الدعوه و پس از آن «حرکه المجاهدین العراق» با مسئولیت سید عبدالعزیز حکیم، فعالیت خود علیه رژیم بعثی را آغاز نمودند. این روند در کردستان عراق نیز با شکل گیری حزب اسلامی کردستان ادامه پیدا کرد، اما نقطه عطف شکل گیری هسته های حزب الله در عراق، شکل گیری بسیج عراق و تاسیس «تیپ۹بدر» توسط شهید اسماعیل دقایقی و در نهایت تجمیع این دو ساختار در بدنه «سپاه۹بدر» بود.

۲ . نگارنده: دولت عراق در سال ۲۰۱۷، حمایت مستقل از فرقه العباس القتالیه را آغاز نمود و ٤٤١ میلیون دلار بودجه به این گروه اختصاص داد. این گروه اجازه یافت تا با دسترسی به قبرستان تانک‌ها در تاجی و بصره، ادوات زرهی مورد نیاز خود را از اقلام باقی مانده بعد از جنگ خلیج فارس در سال ۱۹۹۱ تأمین کند. این موارد شامل تانک تی-۵۵، زره پوش‌های مدل (ام. تی- ال. بی) و (ام-۱۱۳)، بعلاوه خودروهای زرهی گشت‌زنی مدل (ای. ای-۹ کاسکافال) ، نفربر زرهی بنهارد و خودروهای گشت زنی (بی. ار. دی. ام-۲) بوده است. فرقه العباس القتالیه با جمع آوری قطعات سالم در قبرستان تسلیحات و مونتاژ دوباره آنان در کارگاه‌ها اقدام به تولید دوباره سلاح می‌کند. این قطعات به طور عمده از تانک‌های اسقاط شده، توپ‌های ضد هوایی۵۷ میلیمتری و موشک اندازهای۲٤۰ میلیمتری جمع آوری می‌شوند. علاوه بر این وزارت دفاع تحویل خودروهای هامر، نفربرهای زرهی (ام-۱۱۳) و خودروهای زرهی بادجر به فرقه العباس القتالیه را آغاز کرده است. وزارت دفاع برای جبران اجحاف مالی مورد ادعا، تأمین بودجه هزار نفر از نیروهای این گروه (۱۳٪ از نیروهای در خدمت) را برعهده گرفته و سازمان ضدّ تروریسم عراق نیز وظیفه آموزش گردان کماندویی فرقه العباس القتالیه را عهده دار شده است.

لجستیک، این هراس که ممکن است آنها تحت شرایط خاصی تصمیم به چیزی شبیه کودتا یا توسل به زور علیه دولت بگیرند را تقویت می‌کند. نفوذ ایدئولوژیک و سازمانی ایران پوشش دهنده تمام کادر فرماندهی میانی حشد شعبی نیست، اما تمرکز ۹۳ درصدی استعداد حشد شعبی در پایتخت در شرایط خاص کمی رعب برانگیز به نظر می‌رسد. بنابراین دولت عراق ناچار است استراتژی تبانی را با شیب ملایمی به اجرا بگذارد. بر اساس الگوی نظری استانیلند، تبانی با گروه‌های خوش‌خیم یک استراتژی کوتاه مدت برای دولت عراق محسوب می‌شود، اما اجرای آن در بلند مدت، قدرت دولت را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد و خلع سلاح احتمالی حشد شعبی را به دلیل فراهم ساختن مشروعیت وجود گروه‌های غیردولتی با چالش روبرو می‌سازد. بنابراین بر اساس همین الگوی نظری منطق رفتار با گروه‌های خارج از ساختار به دولت عراق حکم می‌کند که در میان مدت فرایند اخراج نیروهای غیر همسو و جذب نیروهای غیر ایدئولوژیک را در قالب اجرای استراتژی ادغام در دستور کار قرار دهد.

شواهد عینی نشان می‌دهد که دولت عراق با طرح ایالات متحده، اجرای استراتژی ادغام را با هدف انحلال گروه‌های شبه نظامی از سال ۲۰۰٤ در دستور کار داشته، اما با شکست روبرو بوده است. لذا دغدغه‌های موجود درباره حشد شعبی این احتمال را مطرح می‌سازد که دولت مرکزی با بعد از نابودی مراکز ثقل فیزیکی داعش، براساس محاسبه اشتباه از تهدید سیّال داعش یا اولویت بخشیدن به اهداف سیاسی، تضعیف یا انحلال حشد شعبی را در دستور کار قرار دهد. تصویب قانون حشد شعبی چنین ساز و کارهایی را در اختیار فرماندهی کلّ قوا قرار می‌دهد.

بر اساس الگوی نظری استانیلند حشد شعبی، با اتخاذ یک رویکرد شاذ از سوی نخست وزیر می‌تواند در جایگاه یک شبه نظامی دشمن دسته‌بندی شود. این واحد دشمن ممکن است اهدافی نظیر پیوستن به محور مقاومت، حمله به مواضع آمریکا و اسرائیل یا هر هدف تجدید نظرطلبانه انقلابی دیگر را در تعارض با الگوهای دولت حاکم بسیج کند. در این چارچوب نیازی نیست که حشد شعبی به یک گروه شورشی ضدّ دولتی تبدیل شود یا الزاماً به مبارزه مستقیم با دولت مرکزی بپردازد، بلکه ممکن است با دستیابی به مراکز ثقل جدید خواستار توزیع مجدد قدرت باشد. از سوی دیگر این امکان وجود دارد که تسلط حشد شعبی بر

مرکز ثقل سیاسی یا تقویت پیوندهای موجود، این ساختار را در غیاب یا تشطط سـایر جریانهـای سیاسـی و قومی، به یک سازمان سیاسی با قدرت تشکیل یک رژیم تبدیل نماید.

رژیم فرضی جدید نیازمند ساخت یک عرصه سیاسی در محیط‌های بلاتکلیفی نظیر امنیتی‌سازی مسائل با اسرائیل است. بنابراین اندیشه‌ها و فعالیت‌های ایدئولوژیک نقش اصلی را در ترسیم عرصه سیاسی توسط حشد شعبی ایفا می‌کنند. این فعالیت‌ها ممکن است با آغاز و تصاعد رقابت برای سازماندهی اقدامات یـا ستیز برای تسلط به شکل انفجاری ظهور کنند. ممکن است هراس ایدئولوژیک از حشد شعبی، با الگـوی نظری استانیلند منافات داشته باشد، زیرا او اساساً در طرح نظری خود شبه نظامیان حامی دولـت را دارای ایدئولوژی سازگار با رژیم قلمداد می‌کند. در اینجا می‌توان با مسامحه منظور از استانیلند درباره سازگاری ایدئولوژیک را در چارچوب حمایت گروه مسلح از دولت تفسیر کرد. البته این انتقـاد بـه الگـوی نظـری استانیلند نیز وارد است که نمی‌توان یک گـروه دارای سـازگاری ایـدئولوژیک را در قالـب شـبه نظامیـان دشمن دسته‌بندی کرد. حشد شعبی بر اساس الگوی سابین کری و نیل میشل در چارچوب گروه‌های نیمه رسمی قابل دسته‌بندی است که به شـکل سـاختارمند از ویژگـی‌هـای قـومی، ملّـی، مـذهبی، سیاسـی و ایدئولوژیک برخوردار است.

جدول ۵–٦– گونه‌شناسی حشد شعبی در انطباق با الگوی سابین کری و نیل میشل

مرتبط با اجتماع	مرتبط با دولت
نیمه رسمی	
قومی/ ملّی/ مذهبی	**شبه نظامیان قومی/ ملّی/ مذهبی** ساختارمند
ریسک برای شهروندان	بالا
ریسک برای دولت	متوسط
حزب سیاسی، ایدئولوژیک	**شبه نظامیان سیاسی، ایدئولوژیک** ساختارمند
ریسک برای شهروندان	بالا
ریسک برای دولت	پایین

بر اساس الگوی کری و میشل، ریسک پایینی از سوی حشد شعبی به عنوان یک گروه نیمه رسـمی سیاسـی، ایدئولوژیک ساختارمند، متوجه دولت عراق است. این نتیجه‌گیری ناظر به انتزاعی بودن بیش از حـدّ الگـوی نظری استانیلند درباره دشمن انگاری حشد شعبی است. حتی بر اسـاس الگـوی نظـری اسـتانیلند، میزانـی از اقتدارگریزی در یک ساختار شبه نظامی که به سمت ساختارمندی پیش می‌رود طبیعی است. از سوی دیگر تا زمانی که امکان دسترسی دموکراتیک به مرکز ثقل سیاسی از طریق انتخابات وجود دارد، انگیـزه‌منـدی بـرای

طراحی اقدامات سلبی در سطح پایینی قرار خواهند داشت. هر چند سابقه تشکیل یک رژیم ایـدئولوژیک در عراق با تسلط حزب بعث بر ساختار حاکمیت وجود دارد، اما تکرار چنین الگویی نیازمند بکارگیری ترتیبات خشونت آمیزی علیه ساختار است. اقدامات سلبی از این دست نیز نیازمند ایجاد انسـجام و انگیـزه، وحـدت فرماندهی و رویه در واحد عمل کننده است که اجرای ترتیبات آن در ساختار متکثـر عـراق و حشـد شـعبی دیده نمی‌شود. حشد شعبی بر اساس الگوی کری و میشل به عنوان یک گـروه نیمـه رسـمی قـومی، ملّـی و مذهبی، ریسک متوسطی برای دولت و ریسک بالایی برای شهروندان دارد. این ادعـا نـاظر بـه رونـد تقابـل جریان‌های سیاسی سُنّی و کرد با روند مشارکت حشد شعبی در پاکسازی استان‌های سُنّی‌نشین و کُرد نشـین است. این ادعا همچنین ناظر به نظر سنجی مؤسسه تحقیقات گرینبرگ از سُنّی‌ها و کُردها درباره حشد شعبی است. البته آراء مردم در کردستان و استان‌های سُنّی نشین درباره حشد شعبی اختلاف زیادی بـاهم دارنـد بـه عنوان مثال ٤٠٪ از سنّی‌ها و فقط ٤٪ از کردها برای حشد شعبی در آزادی اراضی تحت کنترل داعش اعتبـار قائل بودند. ٢٣٪ از سنّی‌ها و ٨٥٪ از کردها مخالف مشارکت حشد شعبی در روند مبارزه بـا داعـش هسـتند. تنها ١٦٪ از سنّی‌ها موافق تأمین امنیت مناطق آزاد شده از کنترل داعش در اسـتان‌هـای انبـار، دیـالی، نینـوا و صلاح الدین توسط حشد شعبی هستند. نتیجه نظرسنجی با الگوی کـری و میشـل در زمینـه احسـاس خطـر قومیت‌ها و مذاهب دیگر نسبت حشد شعبی انطباق دارد. ٥٥٪ از سنّی‌ها و ٨٢٪ از کُردهـا نسـبت بـه اعمـال خشونت اعضاء حشد شعبی حین آزادی اراضی، در سطوح متوسط تـا زیـاد ابـراز نگرانـی کـرده بودنـد. در نتیجه٢٠٪ از مردم استان‌های سُنّی، ٥١٪ از آوارگان اردوگاه نینوا و٦٠٪ از کُردهـا خواسـتار انحـلال کامـل و تحویل سلاح حشد شعبی هستند.

الگوهای استانیلند، شبه نظامیان حامی دولت را از منظر خطرات قومی، ملّی و مذهبی مورد بررسی قرار نداده است و به همین دلیل با الگوی ارائه شده از سوی کری و میشل قابل انطباق و قیاس نیسـت. از سـوی دیگـر ویژگی روابط حشد شعبی و دولت مرکزی بیش از آنکه براساس دسته‌بندی استانیلند، بـه عنـوان یـک گـروه دشمن با دولت قابل ارزیابی باشد، براساس الگوی کری و میشل به عنوان یک سازمان نیمه رسـمی سیاسـی، ایدئولوژیک ساختارمند قابل تعریف است که امکان دارد با تقویت ارتباط با مرکز ثقل سیاسی، موازنه قـدرت را در چارچوب دموکراتیک تغییر دهد. چنین ساختاری ریسک پایینی برای دولت ایجاد می‌کنـد، امـا بـه هـر

حال احساس نسبتی از تهدید سیاسی، به موازات فشار جریان‌های سیاسی- اجتماعی سنّی‌ها و کردها، احتمال بکارگیری استراتژی‌های محدودساز، تضعیف کننده و در نهایت حل کننده حشد شعبی را بالا نگاه می‌دارد.

جدول ۵-۷- استراتژی‌های احتمالی دولت عراق در قبال حشد شعبی (براساس الگوی استانیلند)

استراتژی‌های عملیاتی		
حشد شعبی (شبه نظامیان متحد)	**استراتژی متحد مسلح**: تبانی با شبه نظامیان خوش‌خیم جایگزین (عمیق)	**استراتژی حامی اضافی**: الحاق غربال شده اعضاء حشد شعبی و انتقال باقیمانده نیروها به فضای غیرنظامی

۵-۵- نیروهای دفاع ملّی، دفاع محلّی و حزب اتحاد دموکراتیک در سوریه

سوریه و عراق دارای تفاوت‌های بنیادین در ساختار حاکمیّت هستند. هرچند دولت عراق جدید با ابتکار عمل پنتاگون در دوره اشغال، عشایر سنّی را در قالب شوراهای بیداری (صحوات) برای مبارزه با دولت اسلامی عراق بسیج کرده بود، اما بستر صحوات جامعه سنّی بود، در حالیکه بسیج نیرو در حشدشعبی از جامعه شیعیان عراق آغاز شد. حساسیّت برانگیزی این پدیده باعث شد تا دولت عراق از ابتدای تشکیل حشدشعبی برای قانونمندسازی آن گام بردارد. دولت عراق جدید بر بستر فروپاشیده رژیم بعث شکل گرفت، تسلط نسبی شیعیان همپیمان با ایران بر نهادهای حکومتی، سطحی از نفوذ ایران بر آنها را به دنبال داشت، آنارشی حاکم بر عراق نیز دامنه این نفوذ برای تقویت ارتباط با گروه‌های شبه نظامی که بنیانگذار حشد شعبی را افزایش داد. اما چنین وضعیتی تا قبل از سال ۲۰۱۱ بر سوریه حاکم نبود. حاکمیّت این کشور از ساختاری غیر دموکراتیک برخوردار بود که شبه نظامیان غیررسمی به عنوان بخشی از استراتژی سه‌گانه برای سرکوب مخالفان بکار گرفته می‌شدند.

هرچند ایران بواسطه مستشاران خود تلاش کرد به یک ساختار شبه نظامی متشکل از نیروهای مردمی سامان دهد، اما در نهایت ساختاری ذیل عنوان نیروهای دفاع ملی زیر نظر شبکه امنیتی – نظامی سوریه شکل گرفت و توسط واحدهای مختلف نظیر اداره‌های اطلاعات نظامی، نیروی هوایی در حفاظت شهری بکارگرفته شدند. این نیروها به عنوان بخشی از ساختار نسبتاً فاسد حکومت سوریه خود عملاً به یک معضل در سوریه تبدیل شدند. بعد از دفاع ملی ساختار دیگری از شبه نظامیان حامی دولت در سوریه با عنوان دفاع محلی شکل گرفت که بخش زیادی از نیروهای آن، شامل فراری‌های از خدمت اجباری، احتیاط و زیر پرچم

بود. براساس انطباق یافته‌های پژوهش با الگوی نظری پاول استانیلند دولت سوریه به دلیل گستردگی شدید بحران و جنگ داخلی این کشور به ندرت قادر به بکارگیری سرکوب علیه داعش بوده است. نیروهای شبیحه، کمیته‌های محلی و دفاع ملی ساختارهای شبه نظامی غیر رسمی حامی دولت بعد از جنگ داخلی بودند که نیروی آنان به دلیل ضرورت صرف دفاع شهری یا مشارکت در جنگ علیه معارضین بوده است. به همین دلیل نیروهای دفاع ملی از وارد کردن ضربات مهلک پایدار، توزیع نیروی جنگی در یک نقطه با هدف نابودی داعش یا معارضین ناتوان بوده است. حملات هماهنگ، اعمال زور علیه مظنونان و حامیان آنها و اقداماتی نظیر تلاش برای کنترل جمعیت، جابجایی جمعیت، نیز اقداماتی است که به طور عمده در انحصار نیروهای رسمی شبه امنیتی- نظامی سوریه باقی ماند. بنابراین دولت سوریه به دلیل نوع ساختار امنیتی این کشور تنها با هدف آزاد کردن باقیمانده ظرفیّت نیروهای ارتش از حفاظت شهری و نیز دستیابی به یک اهرم برای بازیابی ظرفیّت حجم گسترده فراریان از خدمت به تشکیل ساختار دفاع ملّی تن داد. تلاش برای ایجاد سپاه چهارم و پنجم در ارتش درحالی که ساختار سه سپاه سنتّی به بازسازی جدّی نیاز داشت، یک دلیل برای اثبات این ادعاست که دولت سوریه تمایلی به سرمایه‌گذاری‌های وسیع برای ایجاد گروههای شبه نظامی حامی نداشته است و در آینده نیز نخواهد داشت.

بنابراین حتی به سختی می‌توان ادعا کرد که دولت سوریه با ایجاد نیروهای دفاع وطنی از استراتژی مهار استانیلند استفاده کرده است. دولت سوریه به معنی دیکتاتوری یک اقلیّت بر اکثریت است که هیچ حدّی از خشونت و بی‌ثباتی را تحمل نمی‌کند. تنها نشانه‌های ضعیف استفاده از استراتژی مهار، در تشکیل گروه‌های شبه‌نظامی از معارضین کم وزن محلی قابل مشاهده است که بعد از وساطت روس‌ها ایجاد شدند. اعمال خلاف قانون نظیر باج‌گیری در مناطق تحت کنترل گروه‌های شبه نظامی و حتی دفاع ملی یک پدیده رایج است و دولت سوریه با استفاده از استراتژی مهار در این مناطق ممکن است در آینده بتواند شرایط بازگشت نیروهای دولتی را فراهم کند.

نیروهای دفاع ملی و دفاع محلی تحت کنترل شدید شبکه امنیتی – نظامی سوریه قرار دارند و به همین دلیل رژیم حاکم از قدرت انحلال سریع آنها برخوردار است. بنابراین دولت سوریه نیازی به استفاده از استراتژی تبانی ندارد، اما ادغام استراتژی است که دولت سوریه حتی در شرایط بحرانی نیز تمایل بـه اجرای را نشان داده است. انحلال گروه‌های شبه نظامی یا تبدیل آنها به نیروهای عادی یک سیاست دولتی برای پایان دادن

به اعمال زور غیردولتی با استفاده از سیاست جذب به جای حذف نیروهای شبه‌نظامی است کـه در صـورت بقای رژیم سوریه اجرا خواهد شد. این استراتژی شامل مذاکرات صلح با شبه‌نظامیان مخالف دولت و انتقـال رسمی شبه‌نظامیان حامی دولت به داخل ساختار رسمی کشور است. البتـه بکـارگیری هرگونـه اسـتراتژی در قبال شبه نظامیان حامی دولت به ساختار سیاسی آینده سوریه نیز ارتباط مسـتقیمی دارد. بـه عنـوان مثـال در صورت تبدیل سوریه به یک کشور فدرال ممکن است نیروهای شبه نظامی کنونی به نیروهای دفاع ذاتـی در هر ایالت یا اقلیم تبدیل شوند و در صورت تداوم اداره شورایی کشـور ایـن احتمـال قـوی وجـود دارد کـه گروه‌های شبه نظامی بدون خلع سلاح به عنوان بخشی از دولت ایفای نقش کنند. بر اساس چارچوب نظـری استانیلند، می‌توان نیروهای دفاع ملی را به عنوان تنها ساختار گسترده شبه نظامی حامی دولـت در چـارچوب شبه نظامیان متحد دسته‌بندی کرد که قادر به بسیج نمادها، بخش‌های جدا از هم مردم و مطالباتی است که در عرصه سیاسی مورد نظر یک رژیم هستند. بخشی کوچکی از شبه نظامیان نیز که از تعارض با دولت مرکـزی دست برداشته و به جای تخاصم به همپیمانی با دولت روی آورده‌اند در زمره شبه نظامیان منطقـه خاکسـتری دسته‌بندی می‌شوند. البته بعید به نظر می رسد که رژیم سوریه بواسطه این که تعداد اندک از شبه نظامیان کـه عموماً بدون برنامه سیاسی هستند یا خارج از آن قرار دارند، قادر به پر کردن شکاف بین متحـدین سیاسـی و مخالفان باشد.

در این میان قابل توجه ترین ویژگی مربوط به نیروهای نظامی – دفاعی حزب اتحاد دموکراتیک است که بـا دولت خصومت منجر به درگیری گسترده نداشته و در فرایند جنگ داخلی نیز به عنوان یک ابـزار موازنـه بـه نفع دولت مرکزی عمل کرده است. حزب اتحاد دموکراتیک در عـین حـال بـا اسـتفاده از همپیمـانی رسـمی ائتلاف و پشتیبانی ایالات متحده موفق به سیطره بر بخش‌های مهمی از خـاک سـوریه اسـت کـه از ظرفیـت تبدیل شدن به یک کیان در چارچوب کنفدرالیسم دموکراتیک برخوردار است. بنابراین نیروهای دفاع خلق و سایر ساز و کارهای رزمی حزب در چارچوب شبه نظامیان دشمن، قابل دسته بندی هستند که قادرند به طور قدرتمندی اهداف را در تعارض با الگوهای ایدئولوژیک یک رژیم حاکم بسیج می‌کنند. آنها الزاماً بـه مبـارزه مستقیم با دولت نمی‌پردازند، بلکه خواستار توزیع مجدد قدرت در چارچوب تعریف پ.ک.ک از کنفدرالیسم دموکراتیک هستند. به همین دلیل در شرایط ثبات بعد از داعش، از نظر دولت نامشروع و برای نظـم سیاسـی مطلوب دولت مضرّ تشخیص داده می‌شوند.

اگر براساس الگوی نظری استانیلند حزب اتحاد دموکراتیک را در چارچوب شبه نظامیان حامی دولت در جنگ داخلی سوریه دسته‌بندی کنیم، باید بپذیریم به غیر از این حزب هیچ یک از سایر گروه‌های شبه نظامی حامی دولت (اعم از نیروهای دفاع ملّی و دفاع محلی و معارضین) قادر به تشکیل یک رژیم در مقابل رژیم مرکزی نیستند. تنها حزب اتحاد دموکراتیک به عنوان یک سازمان منظم، طیفی از نیروها با مجموعه‌ای از اهداف سیاسی، باورهایی درباره جنبش و عمل و دیدگاه‌هایی درباره نمادهای سیاسی و مطالبات است. حزب اتحاد دموکراتیک را می‌توان نمادی از انفجار فعالیت‌های ایدئولوژیک در دوره رقابت برای سازماندهی اقدامات و ستیز برای تسلط قلمداد کرد. پ.ک.ک به خوبی ایدئولوژی و قدرت سیاسی را در هم آمیخته است. ایدئولوژی‌های اداره حکومت در کارکنان حزب، بروکراسی و نظامی حزب اتحاد دموکراتیک نهادینه شده و از طریق فرایندهای رسمی و غیررسمی آموزش داده می‌شوند و با ایجاد جامعه‌پذیری تکثیر می‌شوند.

براساس الگوی نظری استانیلند رژیم سوریه در صورت بقا به راحتی قادر است نیروهای دفاع ملی و محلی را به عنوان گروه‌هایی که ایدئولوژی آنها با رژیم سازگار است اما تداوم حفظ موجودیت آنها به نفع دولت نیست، در قالب حامیان اضافی به دستگاه‌های دولتی ملحق کند تا کنترل متمرکز اعمال زور را در اختیار خود داشته باشد. براساس این الگو حزب اتحاد دموکراتیک و ساز و کارهای نظامی آن قدرتمندتر از آن هستند که در چارچوب گروه‌های ناخوشایند انعطاف‌پذیر هدف سرکوب و نظارت دولت مرکزی قرار گیرند. بعید به نظر می‌رسد دولت ضعیف سوریه از ظرفیت و قدرت کافی برای وارد کردن ضربه نهایی حزب و ساختارهای آن برخوردار باشد. ضمن اینکه حزب اتحاد دموکراتیک نیز به دلیل دسترسی به منابع نفت در شرق فرات و سلاح از قدرت نسبی بالایی برخوردار است و راه‌اندازی کارزارهای سرکوب از سوی دولت را با ریسک بالایی همراه می‌کند.

دولت سوریه توان پیش‌فرض قرار دادن استراتژی مهار در قبال حزب اتحاد دموکراتیک را ندارد. ممکن است بعد از پایان حمایت آمریکا، دولت سوریه قادر باشد حزب اتحاد دموکراتیک را با الزام اطلاعاتی و اعمال زور به شکل گسترده‌ای هدف قرار دهد، اما آنها حتی اگر از نظر اندازه فیزیکی یا قدرت نظامی در شرایط حداقلی قرار گیرند به دلیل پایگاه اجتماعی قوی در مناطق کُردی سوریه، یک تهدید واقعی برای طرح سیاسی بنیادین دولت ایجاد می‌کنند که استراتژی محو فوری یا همیشگی آنها را امکان ناپذیر می‌سازد، لذا وجود آنها همیشه احساس می‌شود و چانه‌زنی یک راه جایگزین موقت به جای رویارویی با شاخه پ.ک.ک در سوریه

است. ضمن اینکه ممکن است دولت سوریه مجبور باشد برای جلوگیری بر هم خوردن موازنه به نفع معارضین عرب، همانند ابتدای بحران و جنگ داخلی، استراتژی تبانی چند سطحی با حزب اتحاد دموکراتیک را در دوران پساداعش نیز ادامه دهد. در این روند دولت مجبور به پذیرش نیمه رسمی حزب اتحاد دموکراتیک و اعطای امتیازات زیادی با آنهاست. بعید به نظر می‌رسد دولت سوریه قادر به سوق دادن استراتژی خود به سمت حامی اضافی باشد و در راستای ادغام نیروهای سازمان یافته و ایدئولوژیک دفاع خلق و آسایش گام بردارد. حزب اتحاد دموکراتیک به دلیل برخورداری از ویژگی منحصر به فرد ایدئولوژیک، در یک منطقه خاکستری قرار داد و دولت می‌تواند با اکراه همکاری با آن را تحت عنوان یک شریک تجاری ادامه دهد تا از تبدیل شدن مناطق تحت کنترل فدرال شمال به یک کنفدرال جلوگیری کند.

جدول ۵-۸- گونه‌شناسی نیروهای دفاع ملی و دفاع محلی بر اساس الگوی کری و میشل

مرتبط با اجتماع	**مرتبط با دولت**
نیمه رسمی	
محلی	**شبه نظامیان محلی ساختارمند**
ریسک برای شهروندان	خیلی کم
ریسک برای دولت	خیلی کم
قومی/ ملّی/ مذهبی	**شبه نظامیان قومی/ ملّی/ مذهبی** ساختارمند
ریسک برای شهروندان	بالا
ریسک برای دولت	متوسط
حزب سیاسی، ایدئولوژیک	**شبه نظامیان سیاسی، ایدئولوژیک ساختارمند**
ریسک برای شهروندان	بالا
ریسک برای دولت	پایین
نظامی	**نیروهای موازی**
ریسک برای شهروندان	بالا
ریسک برای دولت	پایین

انطباق شواهد عینی مربوط به نیروهای دفاع ملی و محلی نشان میدهد که این گروه‌ها به شکل نیمه رسمی ساختارمند از سوی دولت مرکزی یا با نظارت دولت مرکزی در همه سطوح بکار گرفته شدند. چنین حوزه گسترده‌ای به دلیل احساس نیاز برای پر کردن خلاء قدرت نظامی برای حفظ رژیم بوده است. البته بخش زیادی از استعداد نیروهای دفاع ملی و دفاع وطنی به عنوان شبه نظامیان محلی ساختارمند مشغول به خدمت بوده‌اند. صحت ادعای میشل و کری درباره ریسک پایین این گروه‌ها برای دولت و شهروندان نسبی است. این نیروها به طور طبیعی از قدرت ایجاد خطر برای دولت برخوردار

نیستند، اما به دلیل ارتکاب اعمال خلاف قانون در مناطق تحت سیطره خود خطراتی را بـرای شـهروندان ایجاد می‌کنند. نسبیت صحت دعاوی درباره نیروهای دفاع ملی و محلـی در چـارچوب بررسـی آنهـا در قالب شبه نظامیان قومی، ملّی، مذهبی و سیاسی، ایدئولوژیک و موازی نیز صادق است. این گـروه‌هـا بـه طور عمومی قادر به ایجاد خطر برای دولت نیستند، زیرا تحت کنترل عمیق شبکه امنیتی — نظامی سوریه قرار دارند، اما به دلیل برخورداری از اختیارات فوق‌العاده، ریسک بالایی برای شهروندان ایجاد می‌کنند.

جدول ۵-۹- گونه‌شناسی حزب اتحاد دموکراتیک بر اساس الگوی کری و میشل

مرتبط با اجتماع	**مرتبط با دولت**
غیر رسمی	
محلی	**شبه نظامیان محلی**
ریسک برای شهروندان	کم/ متوسط
ریسک برای دولت	کم
قومی	**شبه نظامیان قومی**
ریسک برای شهروندان	خیلی بالا
ریسک برای دولت	بالا
حزب سیاسی، ایدئولوژیک	**شبه نظامیان سیاسی، ایدئولوژیک**
ریسک برای شهروندان	خیلی بالا
ریسک برای دولت	بالا
نظامی	**شبه نظامیان غیردولتی**
ریسک برای شهروندان	خیلی بالا
ریسک برای دولت	پایین

براساس الگوی میشل و کری، شاخه‌های نظـامی حـزب اتحـاد دموکراتیـک در چـارچوب شـبه‌نظامیـان غیررسمی قابل دسته‌بندی هستند که برای دسـتیابی بـه اهـداف سیاسـی، ایـدئولوژیک تعریـف شـده در پ.ک.ک به همکاری غیر مستقیم با دولت در روند مبارزه با معارضین عرب پرداختند. معیارهای میشل و کری با برخی واقعیات مرتبط با توان نظامی حزب و ناتوانی متقابل نظامی دولت مرکزی سوریه همخوانی ندارد به همین دلیل براساس این الگو، شاخه‌های نظامی حزب اتحـاد دموکراتیـک ریسـک پـایینی بـرای دولت ایجاد می‌کنند.

جدول ۵-۱۰- استراتژی‌های احتمالی دولت سوریه در قبال نیروهای دفاع ملی و محلی و حزب اتحاد دموکراتیک (براساس الگوی استانیلند)

	استراتژی عملیاتی
نیروهای دفاع ملی و محلی (شبه نظامیان متحد)	**استراتژی حامی اضافی**: الحاق غربال شده اعضاء دفاع ملی و دفاع محلی به ساختار ارتش و خارج کردن باقیمانده نیروها از وضعیت نظامی
نیروهای خلق (شبه نظامیان متحد)	**استراتژی شریک تجاری: دولت در** توافق با حزب اتحاد دموکراتیک، همکاری با این حزب را برای حفظ موازنه قدرت با معارضین و جلوگیری از تشکیل یک کنفدرال ادامه می‌دهد.

۵-٦- ساز و کارهای مهار داعش و مرکز ثقل قدرت

بر اساس انطباق ویژگی‌های ساز و کارهای مبارزه با داعش و الگوی نظری مرکز ثقل، نمی‌توان برای همه این ساز و کارها ویژگی مرکز ثقل قائل شد. تمام ساز و کارهای مهار داعش از وحدت و انسجام قابل قیاس با یک مرکز ثقل نظامی برخوردار نیستند. هیچ یک از ساز و کارهای مبارزه با داعش در قالب حامی یا نایب بدون اتکاء به همپیمانی‌های رسمی و غیر رسمی در چارچوب روابط نیابتی یا الگوی شبه نظامیان حامی دولت قادر به صرف تمام نیروی خود برای ضربه زدن به مرکز ثقل قدرت داعش در یک نقطه کانونی مجتمع و متمرکز نبودند. همچنین هیچ یک از ساز و کارهای مبارزه با داعش به تنهایی قابل توصیف در قامت یک عامل فعال یا محرک عمل برای تغییر رفتار موثر داعش نیستند. همچنین هیچ یک از این ساز و کارها به تنهایی دارای قابلیت نفوذ، قدرت رهبری، هدایت و کنترل تمام سیستم خود در راستای دستیابی به اهداف سیاسی ملّی خود نبودند. هرچند که اساساً تعریف اهداف سیاسی ملّی برای برخی ساز و کارها نظیر مدافعان حرم دشوار یا امکان ناپذیر است.

تمام ساز و کارهای مبارزه با داعش، فارغ از اینکه توسط کدام یک از واحدها بکارگرفته شده باشند، تنها در چارچوب روابط نیابتی در بلوک‌های منحصر به خود تحت عنوان یک مرکز ثقل نظامی با شبکه‌ای از قدرت و جنبش قابل تعریف هستند که بکارگیری نیرو براساس یک استراتژی نابودگر در جنگ‌های محدود و نامحدود علیه داعش را تسهیل کردند. با وجود این این مراکز ثقل نظامی ترکیبی برای حفظ نیروی خود و تخریب کامل نیروی داعش، تنها قادر به انجام دو بخش از اهداف تعیین شده برای یک مرکز ثقل نظامی بودند:

٤. تحمیل اراده برای پایان دادن به کنترل جغرافیایی از سوی داعش؛

۵. استفاده از حداکثر نیروی موجود برای نابود کردن انسجام سازمانی داعش

شواهد عینی حاکی است هیچ یک از مراکز ثقل نظامی ترکیبی مبارزه با داعش، قادر به پایان دادن توانایی این سازمان برای ادامه یک جنگ طولانی براساس یک استراتژی با دوام نبودند. بدین ترتیب واحدهای ذینفع به طور طبیعی تلاش خواهند کرد مراکز ثقل نظامی ترکیبی برای مهار داعش را حفظ کنند. البته این استدلال وجود دارد که برخی واحدها ممکن است قادر به ایجاد مراکز ثقل غیر نظامی مرتبط با مرکز ثقل نظامی باشند و بواسطه ایجاد همکاری بین آنها و ثبات در سیستم کلان موفق به ساخت مراکز ثقل چندگانه در چارچوب موازنه قدرت یا پیگیری اهداف تجدید نظرطلبانه خود خارج از روند مبارزه با داعش شوند. چنین ایده‌ای به خصوص از سوی فرماندهی منطقه مرکزی در وزارت دفاع آمریکا در مورد ایران و نایب‌های غیردولتی مورد حمایت این واحد که در قالب حشد شعبی و سایر گروه‌های شبه نظامی در منطقه خاورمیانه حضور دارند، تقویت می‌شود. این فرماندهی حتی در دوره ترامپ نسبت به روند تلاش ایران برای سرنگونی تدریجی دولت عراق بواسطه حضور بلندمدت در ساختار امنیتی این کشور از طریق نفوذ و کنترل نسبی بر بخش اعظمی از استعداد ۱۰۰ هزار نفری حشد شعبی هشدار داده بود.البته چنین فرضیه‌ای از قابلیت آزمون در مورد تمام حامی‌های دولتی و نیاب‌های غیردولتی در روند مبارزه با داعش برخوردار است. این احتمال وجود دارد که واحدهای حامی در تلاش برای تکثیر مراکز ثقل مورد حمایت خود باشند.

ابزارهای چهار گانه ملّی اعمال قدرت اعم از نظامی، دیپلماتیک، اطلاعاتی و اقتصادی، منابع قدرت هر مرکز ثقل محسوب می‌شوند که در قلمروهای چندگانه زمینی، هوایی، دریایی، فضایی و سایبری فعال هستند و از توانایی‌ها یا قابلیت‌های فیزیکی مهم برخوردارند. توانایی‌های مهم در حکم اجزاء یا بافت منسجم قدرت فیزیکی در سیستم هستند که ممکن است ایران، آمریکا، ترکیه و روسیه را به سمت نبرد، هدایت کنند. اما مسئله اساسی اینجاست که ابزارهای اعمال قدرتِ هیچ یک از این واحدها علیرغم آنکه در قلمروهای زمینی، هوایی، دریایی، فضایی و سایبری فعال هستند، ملّی نیستند. به عبارت بهتر ابزارهای اعمال قدرت واحدهای حامی را به دلیل موانعی که در چارچوب روابط نیابتی با آنها روبرو هستند نمی‌توان بخشی از یک مرکز ثقل نظامی یا سیاسی ملّی به حساب آورد. به عنوان مثال ایران علیرغم

احاطه نسبی ایدئولوژیک بر حشد شعبی و برخی نهادهای دولت عراق به سختی قادر به وادار کردن نیروها برای انجام تحرکات مطلوب خود است.

نمونه‌های متعدد عینی نشان می‌دهند که در آشفته‌ترین شرایط، نخست وزیر عراق به عنوان فرماندهی کل نیروهای مسلح قادر به اعمال قدرت از طریق ابزارهای ملّی برای جلوگیری از تحرکات تجدید نظرطلبانه یا اخلال در آنها بوده است. در سوریه نیز دولت مرکزی علیرغم از دست دادن قدرت کنترل بیشتر خاک کشور، قادر به حفظ تسلط نسبی روابط ایران و نایب‌های سوری در چارچوب قرارداد مشخص و عملیات‌های نظامی معطوف به حفاظت شهری و به طور محدودتری مبارزه با داعش و معارضین مسلح بوده است. در این راستا، نیروهایی نظیر مدافعان حرم به دلیل فقدان ویژگی‌های ملّی اساساً در چارچوب یک مرکز ثقل نظامی که قادر به احاطه بر سایر مراکز ثقل قدرت باشند تعریف نمی‌شوند. مدافعان حرم از طریق حامی‌ها، تنها به طور کنترل شده به ابزار اعمال قدرت نظامی دسترسی دارند و از میان قلمروهای چندگانه نیز تنها به طور کنترل شده به زمین دسترسی دارند. تشکیل مراکز ثقل در سوریه برای آمریکا به مراتب دشوارتر و حتی غیر ممکن است، زیرا مشروعیت حضور آمریکا در خاک این کشور تنها بواسطه تشکیل ائتلاف بین‌المللی مبارزه با داعش تأمین شده است. آمریکا در سوریه نه به طور کامل بر قلمروهای چندگانه تسلط دارد و به طور طبیعی ابزارهای چهار گانه ملّی نیز در کنترل این واحد نیست. حمایت ایالات متحده از حزب اتحاد دموکراتیک سوریه نیز در چارچوب همپیمانی غیررسمی ائتلاف قابل تعریف است. فدرال شمال و ساز و کارهای کارگزاری ایجاد شده در کرانه شرقی فرات بدون تعریف در قانون اساسی سوریه فاقد مشروعیت خواهند بود و حتی بعد از طی این فرایند و تبدیل شدن سوریه به یک ساختار فدرال[1]، دسترسی به اهرم‌های چهار گانه ملّی از مسیر دولت مرکزی سوریه امکان‌پذیر است.

ایالات متحده در عراق تنها از طریق تقویت ابزارهای اعمال قدرت ملّی، تلاش می‌کند تا از ظرفیّت دولت مرکزی برای مقابله با اقدامات تجدید نظرطلبانه احتمالی ایران بهره برداری کند. روند تقابل آمریکا با

---

۱ . استقرار کنفدارلیسم دموکراتیک یک ساختار نظری است که پ.ک.ک به طور مستمر تحقق آن را پیگیری می‌کند، اما دست‌یابی به آن با چالش‌های متعددی روبروست.

ایران در عراق کاملاً ایجابی و نرم و از طریق تقویت ابزارهای اعمال قدرت موازی با حشد شعبی پیگیری شده است. البته این یک واقعیت است که ایران از نفوذ نسبی بیشتری نسبت آمریکا در مرکز ثقل سیاسی برخوردار است. این نفوذ غیر مستقیم به دلیل حضور همپیمانان رسمی ایران در نهادهای مختلف میسر شده است و الزاماً دارای بعد ایدئولوژیک نیست.[1] تبلیغات درباره چند گروه مسلح عراقی معیار درستی برای قضاوت درباره سیطره ایدئولوژیک ایران بر عراق نیست. قرار گرفتن بخشی از بدنه حشد شعبی در زیر چتر ایدئولوژیک ایران به معنی توانایی احزاب مرتبط با این ساختار برای بهره برداری از محبوبیت حشد شعبی برای تسلط بر یک نسبت مشخص از کرسی‌های پارلمان عراق است.

این نسبت به معنی افزایش سهم رأی از جوامع کُرد و سنّی نیست، بلکه حکایت از جابجایی سهم جریان‌های سیاسی در داخل جامعه شیعه دارد. بنابراین در ساختار دموکراتیک و سهمیه‌بندی سیاسی عراق، جریان‌ها و افراد دارای ارتباط ایدئولوژیک با ایران، حتی در صورت راه یابی به پارلمان برای تشکیل یک دولت با اکثریت شیعه مجبور به ائتلاف با سایر جریان‌های پراگماتیک هستند. براساس این محدودیت‌ها، تنها راه تسلط تمام عیار بر مراکز ثقل قدرت در عراق، طراحی و اجرای یک کودتا خواهد بود. فرضیه کودتا برای تسلط بر مراکز ثقل چندگانه که به طور انحصاری توسط فرماندهی منطقه مرکزی مطرح شده با آماده‌سازی اطلاعاتی میدان نبرد امکان‌پذیر است. آماده‌سازی اطلاعاتی میدان نبرد شامل هشت جنبه نظامی و غیر نظامی محیط عملیاتی است که اشراف بر آنها توسط بیش از آنکه محلی از واقعیت داشته باشد، یک اهرم تحریک از سوی آمریکا برای استفاده از ظرفیّت دولت مرکزی عراق در راستای اعمال استراتژی‌های تضعیف و انحلال نیروهای شبه نظامی است.[2]

---

۱ . نگارنده: مجلس اعلای عراق به عنوان یک حزب دست ساز ایران و شریک در حاکمیت، نه تنها داعیه دار پیروی از ولایت فقیه نیست، بلکه ارتباط گسترده‌ای با آمریکا دارد و خواستار حفظ توازن روابط با ایران و سایر بازیگران است. حزب الدعوه نیز به عنوان محور ائتلاف جریان‌های شیعی برای تشکیل دولت و حزبی که به طور عرفی نخست وزیر عراق از بدنه پارلمانی آن انتخاب می‌شود، از مشی پراگماتیک برخوردار است. این حزب از ابتدا نه تنها مخالف پیروی از ولایت فقیه بود، که بر خلاف ظاهر و خط مشی اسلامی مخالف هر نوع دخالت فقاهت در سیاست است. نوری مالکی به عنوان یکی از مشهورترین اعضاء حزب و چهره‌ای منتسب به ایران، بارها خواستار اجرای کامل توافق استراتژیک با آمریکا شده است.

۲ . نگارنده: این جنبه‌ها در بر گیرنده ۸ عنصر مرتبط به یکدیگر هستند که شامل عوامل سیاسی، نظامی، اقتصادی، اطلاعات، زیرساخت، فیزیکی، محیط و زمان است و هر یک از آنها یک مرکز ثقل قلمداد می‌شود.

۵-۷- تأثیر آنارشی، هنجار و کشمکش قدرت بر روند مبارزه با داعش

تحلیل فعالیت‌های واحدهای همپیمان و متخاصم بر بستری که ناظر به وجود توأمان نشانه‌های آنارشی ناقص و کامل است، با دشواری روبروست، اما با وجود این وضعیت گیج کننده، مهار عملکرد سازمان سیّال داعش فارغ از الگوهای دوستی و دشمنی حاکم بین واحدها، به یک هنجار مشترک بین همه آنان شکل می‌دهد. این هنجار به تظاهراتی در سطوح مختلف می‌انجامد که حدّ اعلای آن تشکیل یک ائتلاف بین‌المللی بین واحدهایی است که به طور عمومی خواستار حفظ وضع موجود در نظام بین‌الملل هستند. در حدّ متوسط واحدهایی با سطوح مختلف تجدید نظرطلبی به تلاش حول هنجار مشترک مبارزه با داعش و مهار آن می‌پردازند. انفعال ارادی واحدهای متخاصم در مقابل تلاش دشمنان‌شان برای مهار داعش، پایین‌ترین سطح از نوعی توافق حول هنجار مهار داعش است که نمونه عینی آن در مورد ایران و اسرائیل به عنوان دشمن‌ترین واحدهای مجموعه امنیتی خاورمیانه صادق است.[1] با وجود ابهام گسترده در تعریف امنیت و امنیت ملّی، مسئله داعش از سوی همه واحدهای امنیتی‌ساز در چارچوب طیفی از مسائل قرار داده شد که نیازمند اتخاذ تمهیدات اضطراری است. بدین ترتیب داعش یک تهدید وجودی با برجستگی زیاد در بین اذهان است که باعث جمع بین قواعد اجتماعی بیناذهنی میان واحدها و خوداتکایی واحدهای امنیتی‌ساز در تعیین اولویت‌های امنیتی و اقدام علیه آنها می‌شود. در این همپوشانی، امنیتی‌سازی مسئله داعش نیازی به اقدامات زبانی نهادینه‌ساز ندارد و حتی مشخص ساختن داعش به عنوان یک تهدید وجودی، نیازمند تدابیر اضطراری و پذیرش این ادعا از سوی مخاطبانی چشمگیر نیز نیست.[2] بنابراین مبارزه با داعش و مهار این سازمان به طور عمومی در همه سطوح پنجگانه تحلیل به عنوان یک هنجار مشترک پذیرفته شده است.

---

۱ . نگارنده: وزارت دفاع آمریکا بارها به دلیل همپوشانی عملیاتی واحدهای حشد شعبی در میدان رزم مورد انتقاد قرار گرفت. فرماندهی منطقه مرکزی در وزارت دفاع و نماینده ویژه رئیس جمهور آمریکا از عملکرد حشد شعبی در روند آزادی موصل و بیجی تقدیر کردند.

۲ . نگارنده: سطح این ادعا در جوامع مختلف متفاوت است. به عنوان مثال در جامعه موزائیکی عراق که تمایلات ملّی‌گرایانه نظیر حفظ تمامیت ارضی در آن بیشتر یک شعار محسوب می‌شود، عمده شیعیان تهدید داعش را یک پدیده معطوف به اراضی سُنّی قلمداد می‌کنند. تشکیل حشد شعبی نیز متأثر از متغیرهای متعددی است که در بعد عقیدتی حفظ عتبات مقدسه و کیان شیعی اولویت آن را تشکیل می‌دهند نه بیرون راندن داعش از تمامیت اراضی عراق. این مسئله بر سطوح تصمیم‌گیری نیز تأثیرگذار است و امکان دارد به تغییر اولویت‌های امنیتی بیانجامد. این مسئله در واکنش دیرهنگام و منفعل دولت مرکزی به مسئله همه پرسی اقلیم کردستان نیز مشهود بود. این یک واقعیت است که بخش زیادی از نخبگان شیعه (نه سُنّی) استقلال اقلیم کردستان و جدایی استان‌های سنّی را به عنوان اراضی آشوب‌ساز به نفع خود می‌دانند. بسیاری از نخبگان شیعه، سُنّی و کُرد عراق موحد را تنها یک اسم میدانند و بر این باورند که عراق عملاً به سه کشور تجزیه شده است.

نظام بین‌المللی به معنی بزرگترین مجموعه متشکل از واحدهای متعامل یا به هم وابسته که هیچ‌گونه سطح سیستمی بالاتر از آن وجود ندارد از خطر عملیاتی داعش مصون نیست. حتی ممکن است بتوان ادعا کرد که مسئله داعش به ایجاد خرده نظامی حول این مسئله منجر شده و گروهی از واحدها را که در یک منطقه مشخص استقرار ندارند، به دلیل نوع یا شدت تعامل با یکدیگر حول مسئله داعش، در چارچوب ائتلاف بین‌المللی از کلّ نظام بین‌الملل قابل تشخیص ساخته است. واحدها اعم از خرده گروه‌ها، سازمان‌ها، جوامع و در سطوح بالاتر دولت‌ها، کشورها و سازمان‌های فراملی نیز درباره تهدید داعش و مبارزه با آن اختلاف نظری ندارند. واحدهای فرعی شامل گروه‌های سازمان یافته و افراد به عنوان نازل‌ترین سطح تحلیل نیز در این چارچوب قرار می‌گیرند.

مبارزه با داعش به عنوان یک هنجار مطرح است، اما نیّات و اقدامات حامی‌ها، روابط نیابتی و همپیمانی‌ها در خلال آن به حوزه کش‌مکش‌های قدرت بین دولتی تسری یافت. به عنوان مثال برداشت دولت‌های ایران، آمریکا و اسرائیل از نیّات یکدیگر، بخش امنیت نظامی را به موازات مبارزه با داعش در دو سطح توانایی‌های آفندی و پدافندی تا آستانه رویارویی مسلحانه این بازیگران پیش برد. دولت‌های ترکیه، ایران، سوریه و روسیه و آمریکا، بخشی از اقدامات معطوف به ایجاد ثبات سازمانی، استقرار نظام حکمرانی و ایدئولوژی‌های خود را بر بستر بخش امنیت سیاسی انجام دادند و با استفاده از روند مبارزه با داعش به آن مشروعیت بخشیدند. دولت‌های سوریه، روسیه و ایران با ادله مبارزه با داعش موفق به وارد کردن ضربات مهلک بر پیکره سازمان نظامی معارضین مسلح سوری شدند. دولت ترکیه نیز با همین ادله موفق به مداخله نظامی در سوریه و جلوگیری از ایجاد یکپارچگی سرزمینی در بین کانتون‌های جداگانه کردی در شمال سوریه شد. آمریکا نیز علیرغم سستی بنیان حقوقی مداخله نظامی در سوریه و تأسیس پایگاه در این کشور، موفق شد، ذیل پوشش مبارزه با تروریسم، عملاً اهداف خود در بخش سیاسی را پیگیری نماید. آمریکا با دفاع نظامی از حزب اتحاد دموکراتیک در چارچوب هم‌پیمانی با ائتلاف، به استقرار نظام فدرال شمال در سوریه مشروعیت بخشید که تشکیل آن به معنی خدشه به استقلال دولت مرکزی سوریه بود هیچ ارتباطی با روند مبارزه با داعش نداشت. ایالات متحده با پشتیبانی نظامی از ساختارهای کارگزاری ایجاد شده خارج از کنترل دولت در اراضی آزاد شده توسط جبهه دموکراتیک کردستان، به

تشکیل یک کیان مستقل موازی در سوریه کمک کرد که عملاً تقسیمات سیاسی- اداری آینده این کشور را تحت تأثیر قرار می‌دهد و به دلیل برخورداری از یک بدیل موازی در ایران، امنیت جمهوری اسلامی ایران را نیز با خدشه روبرو می‌سازد. بنابراین بازیگران امنیتی‌کننده در مرز میان امنیت بین‌الملل و امنیت داخلی و به نام اصول کلی مانند حقوق بشر، امنیت جمعی، ثبات بین‌المللی و مبارزه با تروریسم، تلاش کردند موضوع‌های امنیت در بخش سیاسی را با استفاده از دستور کار نظامی به نفع خود سامان دهند.

در روند مبارزه با داعش، فعال‌ترین حوزه‌های پنجگانه امنیتی بخش نظامی است که علاوه بر موضوع‌های امنیت و بازیگران امنیتی‌کننده از حیث بازیگران صاحب نقش نیز بسیار غنی بوده است. این بازیگران در برگیرنده عوامل زور بودند که بخشی از آنها اساساً بر بستر تهدید امنیتی داعش و با فلسفه وجودی دفع این تهدید متولد شدند، اما در عین حال به یک چالش امنیتی برای برخی بازیگران بدل گشتند. به عنوان مثال حشدشعبی به عنوان یک نهاد برآمده از فتوای مرجعیت اعلی در عراق برای مبارزه با داعش آغاز به کار کرد، اما به دلیل ماهیّت نیروهای تشکیل دهنده آن، ذاتاً یک سازمان تهدید کننده منافع ایالات متحده است و ممکن است منافع جریان‌های سیاسی و قومی و حتی دولت مرکزی در عراق را نیز با مخاطره روبرو سازد. تشکیل گروه‌های شبه نظامی خارجی که ذیل فرماندهی نیروی قدس با عنوان مدافعان حرم در سوریه فعال شدند نیز یکی دیگر از واحدهای نظامی با ساختار مبهم هستند که نیّت ایران برای استفاده از آنان در امنیتی‌سازی ایدئولوژیک مسائل در حوزه امنیت سیاسی با آینده نامعلومی روبروست. این مسئله در مورد تشکیل واحدهای شبه‌نظامی سوری‌تبار نیز صادق است و دولت مرکزی سوریه به دلیل آنارشی حاکم بر کشور و ناتوانی از اداره بخش امنیت با تشکیل و فرماندهی آنها توسط نیروی قدس موافقت نمود. اما ساختار تک‌ساخت و امنیتی سوریه نیز به شدّت از کاربری این نهادهای نوساخته در بخش امنیت سیاسی داخلی این کشور و تأثیر آنها بر مسائل سیاست خارجی سوریه نگران است. حاکمیت سوریه در اختیار یک اقلیت مذهبی است که بعد از یک کودتای آرام، با تکیه بر هویت‌سازی عربی و ترکیب آن با آراء سوسیالیستی و البته سرکوب شدید نظامی و امنیتی تا سال ۲۰۱۱، اکثریّت سُنّی در این کشور را مهار کرده است. بعث به عنوان حزب حاکم، از ساختاری قومی و سکولار برخوردار است که به دلیل احاطه علوی‌ها و به طور ویژه خانواده اسد، به شدّت با هر نوع ترویج اسلام‌گرایی اعم

از شیعه و سُنّی مخالفت می‌کند و حتی در آنارشی بعد از ۲۰۱۱ نیـز تـلاش کـرد بـا اسـتفاده از سیسـتم پیچیده نظامی امنیتی هر نوع نهادسازی ایدئولوژیک در کشور را مهار کند یا کنترل آن را در اختیار بگیرد.
در بخش نظامی که ساز و کارهای مهار داعش در آن قابل دسته‌بندی هستند، دولت‌های عـراق و سـوریه مهم‌ترین موضوع امنیت محسوب می‌شوند و نخبگان حاکم بر آنها به دلیل در اختیار داشتن منابع نظـامی فزون‌تر و ادعای حق مشروع کاربرد زور در داخل و خارج قلمرو فرمانروایی خود، مهـم‌تـرین بـازیگران امنیتی کننده مسائل هستند. ساز و کارهای مهار داعش ممکن است دولت‌های عراق و سوریه را در برابـر چالش‌های درونی آسیب‌پذیر سازند. این واحدها ممکن است در آینده مدعی تشـکیل دولـت باشـند، در حالی که هنوز از قدرت کافی برای آزاد ساختن خود از قید حکومت یا برانداختن آنها برخوردار نیسـتند. سرشت این واحدها به این معنی است که آنها مکرراً موضوع علاقه و عمل نظامی قرار می‌گیرند و امنیتی می‌شوند. آنها به راحتی به عنوان یک تهدید برای دولت و حاکمیت جلوه داده می‌شوند و حتی بواسـطه فعالیت‌های شبه دولتی که انجام می‌دهند ممکن است بعد از استقرار ثبـات، دولـت را بـه توسـل بـه زور نظامی برای تضمین انحصار خودش بر خشونت برانگیزند.
بنابراین ویژگی هنجاری مبارزه با داعش و مهار این سازمان تحت تأثیر تحکم آنارشی نـاقص قـرار دارد. در این وضعیت کشمکش برای قدرت و الگوهای دشمنی بر در رونـد بکـارگیری سـاز و کارهـای مهـار داعش تأثیر می‌گذارند. سخن گفتن از تهدید داعش به عنوان یک هنجار مشترک بین واحـدها، بـدون در نظر گرفتن شرایط آنارشی، انتزاعی است. دشواری تفکیک بین نیّت بازیگران و وجـود شـواهدی کـه در برخی موارد احتمال سوء استفاده بازیگران از بستر مبارزه با داعش تقویـت مـی‌کننـد بـر پیچیـدگی‌هـا و ابهامات روند مهار داعش می‌افزاید.
ایالات متحده با کمک به ایجاد کارگزاری های خارج از سیطره دولـت مرکـزی سـوریه و جلـوگیری از ورود نیروهای رسمی سوریه به شرق فرات، نشانه‌های قوی‌تری دربـاره احتمـال سـوء اسـتفاده از بسـتر مبارزه با داعش ایجاد کرده است. ممکن است تلاش آمریکا برای تأمین امنیـت کـه جـزء پـویش طبیعـی آنارشی مسلحانه است، به سادگی به پیگیری تلاش برای کسب قدرت و اقدام علیه دولت مرکزی سوریه منجر شود. در این شرایط همه مجبورند با احتیاط عمل کنند و نگران انگیـزه‌هـای یکـدیگر باشـند. ایـن

حالت باعث تشدید معمای قدرت امنیت در مجموعه خاورمیانه مـی‌شـود و ابهـام و نـاامنی در سیاسـت داخلی نیز بر امنیت ملی اثر مهمی دارد. به سختی می‌توان تشخیص داد که رفتار ایـران و آمریکـا متوجـه تغییر توازن نظامی و قدرت یا تلاش برای تأمین امنیت در مقابل تهدید داعش است. این مصداق معمـای امنیت بر بستر مبارزه با داعش است که بر اساس آن تدابیر واحدهای حامی متخاصم از سوی طرف مقابل تهاجمی قلمداد می‌شود. برهمین اساس اسرائیل به طور مداوم برای بازنمایی رفتـار ایـران در چـارچوب یک دولت تجدید نظر طلب تلاش می‌کند و ساز و کارهای ایران برای مهار داعـش را بـه صـورت یـک چالش محوری برای امنیت این رژیم و سایر دولت‌های منطقه ترسیم می‌کند. این ادعا که احساس تهدیـد از روابط نیابتی و همپیمانی‌های ایران در روند مبارزه با داعش ناشی از بازنمایی اسرائیل اسـت، نـاظر بـه این واقعیت است که هیچ نشانه ملموس مبنی بر امنیتی‌سازی مسئله اسرائیل توسـط ایـران در چـارچوب مبارزه با داعش دیده نمی‌شود.

با وجود فقدان شواهد عینی که نشان دهنده اقدامات تجدید نظرطلبانه ایران علیه اسرائیل باشـد، نـابودی اسرائیل و دشمنی با آمریکا از چنان عمق ایدئولوژیکی در ایران برخوردار است کـه سـاختارهای داخلـی این واحد را در تعارض شدید با الگوی حاکم بر روابط خارجی ایران نگاه داشته اسـت. حجـم اسـتدلال کلامی علیه وضع موجود نشان می‌دهد که مرجع امنیت در ایران گرچه ممکن است به دلایل تـاکتیکی از سیاست‌های حفظ ثبات به طور موقت یا در مقطع خاص حمایت کند، ولی به هـر حـال هـیچ دلبسـتگی درازمدت عمومی نسبت به آن ندارد. به همین دلیل قوی یا ضعیف بودن ایـران بـرای سیسـتم از اهمیـت خاص برخوردار است، زیرا ماهیت تجدید نظر طلبانه ایران کشمکش قدرت را تقویت کرده و بُعد تهدید آمیز ایدئولوژیک را به کشمکش معمولی قدرت نظامی در روند مبارزه با داعش می‌افزاید. این امر باعـث گشودن و افزایش شدت خصومت و هراس بین بلوک مقاومت با اسرائیل و حامیانش در سطحی فراتر از مقاصد واقعی دوطرف نسبت به یکدیگر است.

۵-۸- امنیتی‌سازی بیناذهنی اسرائیل از ساز و کارهای ایران برای مهار داعش

روابط نیابتی ایالات متحده در چارچوب ائتلاف و حول یک هنجار مشترک شکل گرفته است. آمریکا علیرغم آنکه زیر پوشش این روند عملاً به شکلگیری یک کیان موازی دولت مرکزی در شمال سوریه کمک کرده است، به طور مداوم هر نوع قصدی در این رابطه را تکذیب می‌کند. ایران و همپیمانان غیر رسمی آن نیز بدون انجام هرگونه اقدام عملی علیه امنیت اسرائیل که بستر آن را ساز و کارهای مهار داعش تشکیل داده باشد، به طور مداوم از قصد خود برای تهدید امنیت این رژیم سخن می‌گویند.

بنابراین ایران با امنیتی‌سازی مسئله‌ای خارج از اولویت، به بازنمایی تهدیدها و آسیب‌پذیری‌های بیناذهنی از روابط نیابتی خود در مجموعه خاورمیانه کمک می‌کند. منطق تهدیدها و آسیب‌پذیری‌های نظامی برآمده از روابط نیابتی ایران تابعی از تعامل میان توانایی‌های نظامی و میزان دوستی و دشمنی آنها با واحدهای متخاصم است که هر دو حاصل امنیتی کردن مسائلی است که واقعاً درحال امنیتی شدن نیستند. ایران، آمریکا و اسرائیل مسائل را در چارچوب مناسبات خصمانه امنیتی می‌کنند و تهدیدها و آسیب‌پذیری‌ها را برحسب توانایی‌های نظامی احتمالی خود ارزیابی می‌کنند. اسرائیل نسبت توانایی‌های مطلق نیروهای مقاومت در سوریه را به عنوان مهاجمان بالقوه با توانایی‌های خود می‌سنجد. اسرائیل از ریسک توانایی‌های مطلق مهاجمان بالقوه در شرایط ثبات بعد از جنگ داخلی سوریه آگاه است و نسبت به تعیین کنندگی سرشت و حجم تهدیدهای نظامی محور مقاومت احساس تهدید وجودی دارد.

البته در صورت وجود اراده برای تهاجم، استعداد نیروهای مقاومت در سوریه و تجهیزات آنها تعیین کننده نوع تهدیدی است که آنها می‌توانند مطرح کنند. اسرائیل بدون اشاره به شواهد عینی دلالت کننده بر طراحی یک تهاجم علیه اسرائیل، با اتکاء به مبنای ایدئولوژیک امنیتی‌سازی مسائل در ایران، این باور را به عنوان یک مفروض قطعی قرار داده است که امنیتی‌سازی مسئله اسرائیل بعد از پایان جنگ داخلی سوریه با قوت از سرگرفته خواهد شد. از سوی دیگر ایران و بازیگران غیردولتی همپیمان با ایران، با تبلیغات پرحجم و مداوم درباره آماده‌سازی شرایط حذف اسرائیل، بدون آنکه شواهد عینی مبنی بر هرگونه برنامه‌ریزی واقعی برای اجرای چنین تهاجمی مطرح باشد، عملاً در منطقه خاکستری که از سوی

فرماندهی منطقه مرکزی وزارت دفاع آمریکا ترسیم شده است گام برمی‌دارنـد.[1] ایـن رونـد بـه اسـرائیل فرصت می‌دهد تا برای تأمین امنیت بلند مدت این رژیم، مسائل پیرامون ساز و کارهای ایجاد شده بـرای مهار داعش توسط ایران را امنیتی سازد. این امر یک واقعیت سیاسی است که پیامدهایی دارد، زیرا امنیتـی انگاشتن ساز و کارهای مهار داعش سبب می‌شود اسرائیل، به شیوه‌ای متفاوت با قبل از ایجاد این سـاز و کارها رفتار کند. از سوی دیگر اسرائیل به تنهایی قادر به تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی درباره امنیتی بـودن یا نبودن ساز و کارهای مهار داعش نیست. اسرائیل برای امنیتی کردن مسئله ساز و کارهـای ایـران بـرای مهار داعش، نیازمند طی فرایندی بیناذهنی برای ایجاد پذیرش آن نزد جامعه بین‌المللی است، زیرا توفیـق در این امر، نه توسط اسرائیل، بلکه توسط مخاطبان کنش گفتاری امنیتی اسرائیل تعیین می‌شود. به عبارت بهتر اسرائیل و با شدت کمتری آمریکا تلاش می‌کنند، مخاطبان ساز و کارهای ایران برای مهار داعـش را به عنوان یک تهدید وجودی مشترک برای امنیت منطقه و نظام بین‌الملل بپذیرند.

برخی ویژگی‌های سوء در ساز و کارهای ایـران بـرای مهـار داعـش اعـم از رویکـرد مـذهبی- فرقـه‌ای گروه‌های شبه نظامی یا اقدامات احتمالی خارج از چارچوب قانون آنان علیـه غیرنظامیـان، از مهـم‌تـرین شرایط تسهیل کننده کنش گفتار امنیتی اسرائیل یا سایر مخالفان ساز و کارهای ایران هستند و ممکن است آن را نتیجه بخش سازند. این کنش گفتار امنیتیِ موفقیت‌آمیز، تلفیقی از زبان (شـرایط درونـی) و جامعـه (شرایط بیرونی) است. البته شرایط اجتماعی مرتبط با جایگاه اقتدار بـازیگر امنیتـی کننـده مسـئله سـاز و کارهای ایران در پذیرش ادعاهای مطرح شده توسط مخاطبان مؤثر است. به همین دلیل الزاماً اسرائیل بـه صورت مستقیم و انفرادی اقدام به امنیتی سازی مسائل مرتبط با ساز و کارهای ایران نمی‌پـردازد. از ایـن منظر حتی ممکن است دولت سوریه با امنیتی سازی مسئله ساز و کارهای ایران، به شکل غیـر مسـتقیم و غیر سازمان یافته بخشی از کنش گفتار امنیتی اسرائیل باشد. در این وضـعیت دولـت سـوریه در صـورت امنیتی‌سازی مسئله ساز و کارهای ایران می‌تواند مانع امنیتـی شـدن موضـوع توسـط اسـرائیل شـود و در صورت انفعال یا همراهی با این مسئله نقش یک تسهیل کننده را بازی خواهد کرد.

---

۱. نگارنده: منطقه خاکستری یک تعریف انتزاعی منحصر به فرد است که از سوی جوزف وتل فرمانده منطقه مرکزی مطرح شد. او منطقه خاکستری را فضای تنگی قلمداد کرده بود که درگیری در آن جریان دارد و محاسبه غلط در آن به راحتی می‌تواند تنش‌های ناشی از قضاوت غلط یا سوء تفاهم ایجاد کند.

ایجاد این شرایط به اسرائیل امکان می‌دهد روش‌های بازدارنده در مقابل ایران را به آزمون بگذارد. اسرائیل با استناد به شواهد عینی که از سوی محور مقاومت در منطقه خاکستری ترسیم شده است، وانمود می‌کند که دیالکتیک توانایی‌های نظامی نسبی محور مقاومت با توجه به تغییرات توانمندی، فن‌آوری و راهبرد، با هدف حذف این رژیم در آینده توسعه خواهند یافت. بدین ترتیب حتی اگر ایران، اجرای ترتیبات حذف اسرائیل را در دستور کار آینده قرار داده باشد، با حرکت در منطقه خاکستری، اسرائیل و هم‌پیمانانش را به امنیتی‌سازی پیش از موعد و اخلال در هر نوع تهاجم احتمالی علیه اسرائیل قبل از اجرای آن واداشته است.

توفیق در امنیتی کردن مسائل، به تنهایی توسط اسرائیل معین نمی‌شود، بلکه به مخاطبان کنش گفتاری امنیتی این رژیم بستگی دارد، یعنی مخاطبان اعم از روسیه، آمریکا و در نهایت نهادهای بین‌المللی باید مسئله ساز وکارهای تحت کنترل ایران را به عنوان یک تهدید وجودی برای ارزشی مشترک بپذیرند. ویژگی‌های این تهدید از مهم‌ترین شرایط تسهیل کننده کنش گفتار امنیتی اسرائیل هستند و آن را نتیجه بخش می‌سازند. کنش گفتاری اسرائیل علیه ساز و کارهای تحت کنترل ایران از دستور زبان امنیت پیروی می‌کند و شعارهای پرفشار ایران درباره حذف اسرائیل نیز ویژگی‌های تهدیدات ادعایی اسرائیل که یا امنیتی شدن موضوع ساز و کارهای مهار داعش را تسهیل می‌کنند. اسرائیل در راستای بازدارندگی در مقابل تهدید وجودی آینده و تضمین امنیت نظامی، از یک سو ایجاد توزان از داخل را بواسطه تقویت توانمندی‌ها و اجرای دقیق استراتژی نیروهای دفاعی در دستور کار قرار داده است و از سوی دیگر ایجاد توازن از خارج را بواسطه تحریک همپیمانانی که تهدیداتی مشابه این رژیم احساس می‌کنند دنبال می‌کند. براساس انطباق شواهد عینی با چارچوب نظری بوزان و استناد به قابل معاوضه بودن ابزارها (قدرت) در دستور کار نظامی و انباشت و محاسبه و انتقال راحت قدرت نظامی می‌توان الگوی ساده زیر را برای رفتار اسرائیل در راستای برقراری توازن در مقابل ساز و کارهای مهار داعش در سوریه ترسیم کرد:

«اگر ایران (الف)، اسرائیل (ب) را تهدید کند و روسیه و آمریکا (پ) و (ت) هم از ایران (الف) بترسند، (پ) و (ت) می‌توانند با مطرح ساختن تهدید دیگری برای ایران (الف)، به کمک اسرائیل (ب) بیایند.»

بنابراین اسرائیل با دعوی مشروعیت بقا، موجودیت این رژیم را بـه عنـوان موضـوع امنیـت، در معـرض تهدید ساز و کارهایی اعلام می‌کند که از سوی ایران علیه داعش فرماندهی می‌شوند. اسـرائیل بـه عنـوان بازیگر امنیتی کننده روسیه، آمریکا و در صورت لزوم نهادهای بین‌المللی را به عنـوان بـازیگران صـاحب نقشی که بر پویش‌های بخش امنیت نظامی و سیاسی و تصمیمات اتخاذ شده در حوزه امنیت اثـرگذارنـد وارد فرایند امنیتی‌سازی می‌کند و از تلاش آنان برای امنیتی نشدن مسائل در راسـتای مهـار تهدیـد ایـران بهره می‌برد.

۵-۹- تسرّی به بخش سیاسی و نظم دهی اجتماعی در روند مبارزه با داعش

روابط نیابتی و همپیمانی‌های دو بلوک متخاصم ایران و آمریکا، کاملاً به بخـش امنیـت سیاسـی عـراق و سوریه تسرّی یافته و با ماهیت دوگانه در این بخش ایفای نقش می‌کنند. امنیـت سیاسـی نـاظر بـر ثبـات سازمانی نظم‌های اجتماعی است و ویژگی بسیج‌کنندگی در ساز و کارهای محلی و فراملّی مهـار داعـش، عملاً به معنی آغاز یک نظم‌دهی اجتماعی جدید در عراق و سوریه است. شواهد عینی نشان می‌دهـد کـه نظم‌دهی جدید اجتماعی که حول تشکیل همپیمانی‌های محلی و فراملّی داعش دارای ابعـاد ایـدئولوژیک بوده‌اند.

این خصیصه در ساز و کارهای ایجاد شده توسط ایران، ظاهری کاملاً مشهود دارند و یا حداقل درباره این ویژگی آنها به شدت تبلیغ می‌شود. این ویژگی در اهرم‌های موازنه قدرت رژیم سوریه که بعدها به عنوان ساز و کارهای مهار داعش توسط ائتلاف بسیج شدند نیز وجود دارد. ائتلاف و ایـالات متحـده انگیـزه و قصدی برای توسعه بازیگران ایدئولوژیک ندارند، اما فقدان نیروی زمینی قابل اتکاء، ائتلاف را به سـمت تقویت نیروهایی سوق داد که علیرغم تبلیغات دموکراتیک، اجرای یک ایدئولوژی عمیق و پردازش شـده را به آزمون گذاشتند. بنابراین باید پذیرفت که بخش امنیت نظامی در روند مبارزه با داعش دارای نتایجی بوده که به شکل حساب شده به بخش امنیت سیاسی سـر ریـز شـده‌انـد و ذات آنهـا یـک تهدیـد بـرای حاکمیت دولت محسوب می‌شود.

هم‌پیمان‌های محلی که از سوی ایران و ائتلاف بکارگرفته شدند حتی اگر برای ورود به بخش سیاسی برنامه‌ای نداشته باشند از منظر دولت‌های عراق و سوریه فارغ از تفاوت ماهیتشان (دموکراتیک در عراق و دیکتاتوری در سوریه) به طور ذاتی به عنوان تهدیدهای سیاسی ایدئولوژیک علیه ثبات سازمانی دولت محسوب می‌شوند که می‌توانند هدف‌های مختلفی را دنبال کنند. حشد شعبی در عراق و حزب اتحاد دموکراتیک در سوریه برای دست‌یابی به مراکز ثقل چندگانه سیاسی، نظامی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی باید طیفی از اقدامات از قبیل تحت فشار گذاشتن حکومت در زمینه سیاستی خاص تا براندازی آن، دامن زدن به جدایی‌طلبی و از هم گسیختن کالبد سیاسی دولت را در پیش بگیرند.[۱] ارزیابی چنین عمقی از تهدید توسط ایران نسبت دولت مرکزی سوریه برنامه‌ریزی شده باشد، فاصله زیادی از واقعیت دارد. اصلی‌ترین دلیل برای ارائه چنین تحلیلی عدم دسترسی هم‌پیمان‌های ایران به ابزارهای چهار گانه ملّی اعمال قدرت به عنوان منابع قدرت هر مرکز ثقل در این کشور است. حتی با در نظر گرفتن شرایط از هم‌گسیختگی نظامی – سیاسی در سوریه، تهدید ایدئولوژی سیاسی گروه‌های سوری‌تبار هم‌پیمان با ایران ضعیف‌تر از آن است که اندیشه دولت به ویژه هویت ملّی و ایدئولوژی سازمان‌بخش آن و نهادهایی که تجلی آن به شمار می روند را تحت تأثیر قرار دهد. البته به دلیل موجودیت اساساً سیاسی دولت، تهدیدهای سیاسی- ایدئولوژیک ساز و کارهای هم‌پیمان با ایران با نسبت‌های بسیار متفاوتی، به اندازه تهدیدهای نظامی برای دولت‌های عراق و سوریه مرعوب کننده هستند، بویژه در حالتی که آماج این تهدیدها دولت ضعیف باشند. به نظر می‌رسد هراس از تسری عملکرد ساز و کارهای هم‌پیمان با ایران از

---

۱ . در مورد تهدید سیاسی پ.ک.ک که در ترتیبات مبارزه با داعش متبلور شده است تردیدی وجود ندارد، تهدید پ.ک.ک یک امر واقع است نه برداشت از نیت‌ها، اما حشد شعبی در عراق چنین وضعیتی ندارد. ساخت ایدئولوژیک هسته مرکزی حشد شعبی ایجاد کننده برداشتهای تهدید آمیز علیه دولت مرکزی در آینده است، فقدان اقتدار مرکزی برای دور نگاه داشتن این نهاد نظامی از مرکز ثقل سیاسی نیز مزید بر علت است. در این میان اظهارات و مواضع برخی افراد نیز نهاد دولت در عراق را به این برآورد می‌رساند که این ساز و کار نظامی در واقع یک اسب تروای سیاسی است که ایران از طریق آن تلاش دارد به یک ساخت یکپارچه ایدئولوژیک در عراق دست پیداکند به عنوان مثال لازم به یادآوری است که سرتیپ مسجدی سفیر ایران در عراق، حشد شعبی را پروژه استراتژیک سپاه قلمداد کرد که معطوف به آینده است یا شیخ اکرم عباس کعبی، دبیرکل جنبش نجباء در مصاحبه با شبکه تلویزیونی سومریه نیوز که در دو بخش طی روزهای ٤ و٧ نوامبر ٢٠١٥ پخش شد، طی اظهاراتی دوپهلو ضمن ردّ تلاش حشد شعبی برای براندازی دولت عراق گفته بود که اگر فتوای مرجع صلاحیت دار (ولی فقیه) برای این اقدام وجود داشته باشد، نیروها این کار را خواهند کرد. کعبی در این باره گفته بود: «حشد الشعبی نمی‌تواند بدون اذن شرعی تصمیم به تغییر نقش در عراق بگیرد.اگر مرجع صلاحیت دار مذهبی در این باره تصمیم بگیرد ما برای خدا قیام خواهیم کرد و به پیش خواهیم رفت. اجرای چنین کاری برای ما عادی است.» وقتی کعبی درباره توانایی حشد شعبی برای انجام یک کودتا به منظور براندازی دولت در عراق مورد سوال قرار گرفته بود ضمن تاکید دوباره بر لزوم فتوای مرجع صلاحیت دار دینی پاسخ داده بود: «حشد شعبی قدرتمند ترین ساختار نظامی ایجاد شده در عراق است که قادر به ایجاد تغییر یا براندازیِ دولت است. سیستم حکومت عراق نمی تواند شاهد پیشرفت اسلام گرایان باشد ، زیرا نظامی سکولار است ، اما ما در هر زمانی قادر به ساقط کردن آن هستیم.»

بخش نظامی به سیاسی یک ویژگی مشترک بین دولت‌های عراق و سوریه، ایالات متحده روسیه و حتـی اسرائیل است. البته این ترس مشترک به معنی اشتراک منافع و اهداف بـین ایـن بـازیگران نیسـت، بلکـه هریک از منظر منافع خود از شکل‌گیری مراکز ثقل سیاسی جدید برآمده از این ساز و کارهای نظـامی در هراس هستند.[۱]

این برداشت نزد بازیگران وجود دارد که ساز و کارهای تحت کنترل ایران این امکان را دارند تا از دستور کار نظامی برای تبدیل شدن به سازمان‌های سیاسی شبه دولت یا موازی با دولت تبدیل شـوند. احسـاس تهدید از نیّات ایران در واحدهای مختلف متفاوت است. به عنوان مثال ایالات متحده یا اسـرائیل تهدیـد هم‌پیمانهای ایران را تا حدّ یک شبه ابر دولت در حال ظهور که در حال سیطره بر زیرمجموعه‌های امنیتی خاورمیانه است بازنمایی می‌کنند. آنها با استناد به گسترش جغرافیایی نیروهای فراملّی ایدئولوژیک که بـه شکل گروه‌های اجتماعی فاقد دولت، سازمان یافته‌اند بـه ایـن تهدیـد بازنمـایی شـده در قالـب توسـعه هژمونیک ایران از تهران تا مدیترانه و باب‌المندب عینیت می‌بخشند.

گروههای غیر دولتی هم‌پیمان با ایران مورد شناسایی بین‌المللـی قـرار نگرفتـه‌انـد، امـا نهادهـای نظـامی قدرتمندی هستند که از سیاسی نیز نیرومند محسوب می‌شوند. تشـخیص نیّـات ایـران از دسـتورکارهای بازنمایی شده‌ای که آمریکا و اسرائیل تبلیغ می‌کنند کار دشواری اسـت. همـانطور کـه جامعـه معارضـین سوری متأثر از سطح دشمنی با رژیم حاکم در ایجاد داعش توسط اداره اطلاعات نظـامی ارتـش سـوریه تردید ندارند، ایران نیز در ایجاد جامعه‌پذیری این ادعا که داعش توسط آمریکا و اسرائیل برای مهار محور مقاومت و تأمین امنیت رژیم صهیونیستی ایجاد شده موفق عمل کرده است.[۲]

---

۱. توافق روسیه و آمریکا درباره ایجاد مناطق کاهش تنش و تلاش مشترک روسیه، آمریکا و دولت‌های مرکزی عراق و سوریه برای بازسازی ساختار ارتش رسمی و تقویت آن در مقابل نیروهای شبه نظامی مورد حمایت ایران یک استناد مناسب برای اثبات وحدت رویه واحدهای مختلف در تضعیف شعاع عمل ساز و کارهای مورد حمایت ایران است.

۲ . نگارنده: ادعای یک رسانه (روزنامه کیهان) درباره اعتراف هیلاری کلینتون به ایجاد داعش توسط آمریکا در کتاب گزینه‌های سخت (Hard Choices) تبدیل به یک جنجال فراگیر شد که سطوح مختلفی از افراد بدون واکاوی این ادعا برای اثبات ایجاد داعش توسط آمریکا به آن استناد می‌کنند. این درحالی است که در این کتاب ۶۰۰ صفحه‌ای هیچ اشاره‌ای به نام داعش نشده است چه رسد به ایجاد یا حمایت از آن. یکی دیگر از مستندات در دعاوی از این دست، استناد به اظهارات دونالد ترامپ در جریان رقابت‌های انتخاباتی آمریکا به تشکیل داعش توسط دولت اوباماست، حال آنکه او در استدلال خود بوجود آمدن داعش را نتیجه سیاست‌های غلط دولت اوباما ارزیابی می‌کند نه یک ماهیت دست‌ساز. دعـاوی دیگـری نیـز درباره کمک‌های لجستیک پنتاگون به داعش از راه هوا مطرح شده است که استناد آنها تنها به چند ویدئوی مبهم است. ساده‌ترین امکان برای ردّ چنین استدلال‌هایی مراجعـه بـه نـص کتاب کلینتون یا عبارات ترامپ و طرح این سؤال است که کمک‌های احتمالی آمریکا به داعش در قیاس با سطح کلان نبرد قادر به ایجاد چه تغییر استراتژیکی است؟ بـه هرحـال ایـن دعاوی به دلایل مختلف از جامعه‌پذیری قابل قبولی برخوردارند. سطح دشمنی ایران، آمریکا و اسرائیل در نزد افکار عمومی داخلی ایران تا اندازه‌ای بالاست که امکان طراحـی چنـین

هیچ دلیل عملیاتی مبنی بر اینکه آیا ایران واقعاً قصد دارد دستور کار نظامی ساز و کارهای مورد حمایت خود علیه داعش را به بخش سیاسی- ایدئولوژیک تسرّی دهد یا یک جبهه فراملّی برای آزادی قدس ایجاد کند وجود ندارد، اما انبوهی از شعارهای روزانه، نصوص متراکم درباره حذف اسرائیل و صدور انقلاب، مأموریت سپاه و نیروی قدس برای تشکیل هسته‌های مسلح حزب‌الله در سرتاسر جهان و تصریح قانون اساسی ایران به حمایت از نهضت‌های آزادی‌بخش، مبانی متراکمی از تأثیر ایدئولوژی قدرتمند بر روند امنیتی‌سازی مسائل توسط ایران هستند، که باعث می‌شوند واحدهای متخاصم با ایران از ارتکاب به کوچکترین غفلت در مقابل نیّات احتمالی ایران اجتناب کنند. ایالات متحده، اسرائیل و دولت‌های ذینفع شاهد بسیج و سازماندهی ۱۰۰ هزار نفر نیروی مسلح جدید در عراق هستند. ۱۵۰ هزار نفر نیروی مسلح مشابه نیز با ملیّت‌های مختلف در سوریه فعال شدند که همگی دارای ارتباط ایدئولوژیک و بعضاً ارگانیک با ایران هستند. بنابراین فارغ از کیفیت و درجه اعتقاد نیروها و توانایی جابجایی آنها در جغرافیای هدف، ایران موفق به تجمیع جنبش‌های ایدئولوژیک و مذهبی فراملّی بوده که علاوه بر هسته مرکزی، قادر به جلب بالاترین درجه هواداران در برخی از جوامع هدف هستند. استعداد رزمی این نیروها طی سال‌های ۲۰۱٤ تا ۲۰۱۷ از چند گروه غیرسازمان یافته به ۸ سپاه استاندارد و سازمان یافته ارتقاء یافت که در بخش سوری به طور مستقیم از سوی مستشاران ایرانی فرماندهی می‌شوند.

در بعد نظری ایران قادر است با نشر عقاید ایدئولوژیک و اسلامی، اندیشه‌های قوام‌بخش و ثبات نظم سیاسی در دولت‌های دموکراتیک و پراگماتیک عراق و پان عرب و بعثی سوریه را در معرض تهدید قرار دهد.[1] چنین تهدیدی منحصر به ایدئولوژی منبعث از ایران نیست، حزب اتحاد دموکراتیک نیز با زیر سؤال بردن ایدئولوژی مشروعیت‌بخش دولت در سوریه، جدایی گزیدن از هویت دولتی را در چارچوب نظریه کنفدرالیسم دموکراتیک پ.ک.ک تبلیغ می‌کند و با ایجاد الگوی عملی برای معارضین سوری در تشکیل خودگردانی‌ها موجودیت دولت مرکزی سوریه را هدف قرار داده است. تثبیت چنین ساختاری در

سناریویی از سوی آمریکا و اسرائیل بدون درنگ از طرف آنان پذیرفته می‌شود. همچنین احاطه سازمان سیا و موساد به مسائل منطقه و جهان چنان بازنمایی شده است که در جامعه مخاطب این تبلیغات، تقریباً هیچکس شکی درباره امکان ارتباط سازمان‌های داعش و القاعده با سرویس‌های جاسوسی ندارد.

۱. نگارنده: «وُتل» فرمانده منطقه مرکزی در دولت ترامپ نیز درباره تلاش ایران برای سرنگونی تدریجی دولت عراق بواسطه حضور بلندمدت در ساختار امنیتی این کشور از طریق نفوذ و کنترل نسبی بر بخش اعظمی از استعداد ۱۰۰ هزار نفری حشد شعبی هشدار داده بود.

کرانه شرقی فرات به ایجاد مراکز ثقل چندگانه‌ای از سوی پ.ک.ک می‌انجامد و بـه ایـن واحـد فرصـت می‌دهد تا از طرق پژاک به تلاش برای بازنمایی شکاف‌هـای قـومی در ایـران شـدت ببخشـد و اسـتعداد بی‌ثباتی را بالا ببرد. تلاش برای بازنمایی عدم همخوانی نظم سیاسی موجـود در ایـران بـا نظـم سیاسـی جهانی در ترویج اصولی چون مردم‌سالاری یا حقوق بشر بخشی از روند احتمالی آینده خواهـد بـود کـه بستر تهدید ساختاری را از سوی جامعه بین‌المللی فراهم می‌سازد.

در بعد نظری کانون اصلی تهدید ساز و کارهای مهار داعش علیه دولت‌ها، حاکمیت اسـت. ایـن سـاز و کارها فارغ از اینکه توسط کدام یک بازیگران بکار گرفته شـوند در حـدّ اعـلای خـود مـی‌تواننـد نهایتـاً حاکمیت دولت‌ها در سـوریه، عـراق و اسـرائیل را نشـانه بگیرنـد. در حـدود پـایین‌تـر ایجـاد نهادهـای ایدئولوژیک در ساختار حاکمیت دولت‌های عراق و سوریه یک تهدید محسوب می‌شوند. بنابراین طبیعی به نظر می‌رسد که این دولت‌ها با و یا حتی بدون تحریک واحدهای متخاصـم، بـا سـاز و کارهـای مهـار داعش به عنوان اهرم احتمالی نقض حاکمیت (مداخله) به عنوان مسئله‌ای امنیتی برخورد کنند. البتـه ایـن رونـد وابسـته بـه ضـعف‌هـای دولـت‌هـای عـراق، سـوریه و اسـرائیل اولویـت‌هـای نگرانـی آنهـا از آسیب‌پذیری‌های گوناگون خواهد بود.

بنابراین ماهیت تهدید احتمالی روابط نیابتی و هم‌پیمانی‌های ایران و آمریکا مسئله مهم و تأثیرگـذاری در پویش‌های منطقه‌ای خاورمیانه محسوب می‌شود. مسـئله اینجاسـت کـه ماهیـت ایـن تهدیـدات فـارغ از واحدهای بکارگیرنده آنها، به ندرت با تهدیدات عمدی که در دسته‌بندی ارائه شـده از سـوی بـوزان بـر منطقه‌ای یا غیرمنطقه‌ای بودن پویش‌ها تأثیرگذارند همخوانی دارد.[1]

به عنوان مثال از یک سو دلایل محکمی برای اثبات اینکه آمریکا در چارچوب هم‌پیمانی ائتلاف با جبهـه دموکراتیک سوریه در تلاش برای استفاده از نظام فدرالی شمال به عنوان تهدید عمدی مبتنی بـر شـکاف دولت– ملت، علیه دولت ضعیف سوریه است وجود ندارد. از سوی دیگر قول حمایت نظامی ائـتلاف از شورای شهر رقّه در مقابل تهاجم زمینی یا هوایی ارتش سوریه ناظر به تهدیـد عمـدی دولـت سـوریه از

---

۱. رجوع شود به دسته‌بندی نه گانه بوزان از تهدیدات نه‌گانه تأثیرگذار بر پویش‌های منطقه ای و غیر منطقه‌ای

سوی آمریکاست که با اتکاء به ضعف این دولت در دفاع از استقلال خود و شکاف حاکم میان دولت- ملت در این کشور انجام می‌شود. البته این استدلال نیز وجود دارد که استقرار نظام فدرال شمال توسط پ.ک.ک، معلول حمایت رژیم سوریه از سال ۱۹۸٤ از این حزب و تقویت آن بوده که بعد از آغاز جنگ داخلی نیز از سال ۲۰۱۲ به شکل دیگری ادامه یافته است.

این روند در مورد ترکیه و حمایت این واحد از نیروهای شبه نظامی معارض سوری نیز صدق می‌کند. به سختی می‌توان پذیرفت که حمایت ترکیه از شبه نظامیان معارض سوری برای اشغال بخشی از خاک این کشور که با هدف حفظ کمربند عربی در اطراف کانتون‌های نظام فدرال شمال انجام شد یک تهدید عمدی مبتنی بر شکاف دولت- ملت، علیه دولت ضعیف سوریه است. تهدید استقلال سوریه توسط ساز و کارهای مورد حمایت ترکیه بیشتر با الگوی تهدیدهای ناخواسته واحدها علیه دولت‌های آسیب‌پذیر از شکاف دولت – ملت سازگار است. این ادعا از این منظر تحکیم می‌شود که الگوی اقدام ترکیه در مورد کانتون‌های شمال علیرغم حمایت تمام‌عیار این واحد از معارضین مسلح سوری به مناطق دیگر تسرّی نیافته است. به عبارتی این شکل از مداخله توسط ترکیه در صورت توانایی دولت سوریه برای تسلط بر اراضی شمالی این کشور از احتمال پایینی برخوردار بود.

پیرو مبحث استدلالی قبل، نمی‌توان بر ادعایی که ارتبط ایدئولوژیک و سازمانی حشد شعبی با ایران را یک روند برنامه‌ریزی شده و مبتنی بر دلایل سیاسی- ایدئولوژیک برای اعمال تغییر قلمداد می‌کند صحه گذاشت. قرابت و ارتباط هسته مرکزی حشد شعبی با ایران تابع یک رابطه ارگانیک است که قدمت آن به دوره حمایت ایران از معارضین مسلح عراقی علیه رژیم بعث و دوره اشغال این کشور توسط آمریکا باز می‌گردد. ورود معارضین عراقی به حاکمیت و در نتیجه سیطره هم‌پیمانان ایدئولوژیک ایران بر مراکز ثقل نظامی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی نیز تابع یک روند طبیعی برآمده از فرآیند تغییر رژیم در عراق بوده است. بقای گروه‌های شبه نظامی شیعه مرتبط با ایران در عراق نیز در چارچوب یک روند متأثر از فقدان اقتدار مرکزی و ورشکستگی دولت قابل تفسیر است. بنابراین ساختار حشد شعبی با وجود مشروعیت‌پذیری از فتوای مرجعیت اعلی و قوانین مصوب در این کشور به طور ذاتی تحت نفوذ ایران قرار داشت که بر اقتدارگریزی‌های نوبه‌ای این ساختار نیز تأثیر داشته است. تلاش حشد شعبی برای

تسرّی از بخش نظامی به سیاسی نیز در راستای یک طراحی برای براندازی حاکمیت قابل ارزیابی نیست، در این رابطه توضیح داده شد که تروانش بخش نظامی به سیاسی نیز یک معلول ذاتی از فقدان اقتدار مرکزی در کشور و ناتوانی دولت برای کنترل اوضاع و اعمال قوانین بازدارنده موجود در این رابطه است. همپیمانی ایران با گروه‌های سوری از یک روند بسیار سحطی و فاقد عمق پیروی می‌کند. ایران تا قبل از درخواست کمک مستشاری رژیم سوریه برای مهار بحران، فاقد هرگونه ضریب نفوذ در ساختار امنیتی نظامی این کشور بود. شواهد عینی حاکی از این واقعیت است که علیرغم فروپاشی سیستمی سوریه در سال‌های بعد از ۲۰۱۱ شبکه امنیتی – نظامی این کشور همچنان انسجام خود را حفظ نمود و ضریب نفوذ ایران را در حدّ آموزش و فرماندهی نیروهای شبه نظامی محلّی حفظ کرد. برخلاف عراق، ضریب جامعه‌پذیری ایران منحصر به جغرافیای استقرار اقلیّت علوی و شیعه است که تحت سلطه شبکه امنیتی نظامی سوریه قرار دارند. از این جمعیت که حداکثر ۱۲٪ جمعیت سوریه را تشکیل می‌دهند، ۱۱٪ علوی هستند که به دلیل ویژگی‌های خاص فرقه‌ای، فاقد هرگونه گرایشات ایدئولوژیک و حتی مذهبیِ مبتنی بر شریعت هستند. شواهد عینی حکایت از این دارد که ایران علیرغم توانمندی بسیج استعداد قابل توجهی از نیروهای شبه نظامی سوری و غیر سوری، تلاش خود را معطوف به اداره جنگ داخلی سوریه برای حفظ رژیم مرکزی سوریه نموده است نه برنامه ریزی برای ساخت مراکز ثقل سیاسی – نظامی. فقدان تراکم حضور نیروهای هم‌پیمان با ایران در مرزهای مشترک با اسرائیل و عدم پاسخگویی به حملات مکرر این رژیم به مواضع حزب‌الله در سوریه نیز حکایت از این واقعیت دارد که محور مقاومت در کوتاه‌مدت و میان‌مدت اولویتی برای استفاده از ساز و کارهای مهار داعش علیه اسرائیل قائل نبوده و در نتیجه و برنامه‌ای نیز برای آغاز امنیتی سازی مسائل علیه این رژیم نداشته است. علاوه بر این، روند عملکرد دولت مرکزی سوریه طی سال‌های بعد از جنگ ۱۹۷۳ نیز ناظر به این واقعیت است که این رژیم نیز اولویتی برای آغاز یک جنگ علیه اسرائیل قائل نبوده است. با وجود این، عمق دشمنی بین ایران و اسرائیل، دسته‌بندی تهدید ساز و کارهای مهار داعش در زمره تهدیدهای سیاسی- ایدئولوژیک غیرعمدی علیه اسرائیل را با تردید روبرو می‌سازد. به هرحال قرائن قدرتمندی نشانگر این واقعیت هستند که نهادهای امنیتی ساز ایران در چارچوب اجرای مأموریت خود برای ایجاد همگرایی بین نیروهای فوق ملی

منطقه‌ایِ ایدئولوژیک در بخش‌های نظامی- سیاسی فعال هستند. این نیروها بدون تبعیت از هیچ دولتی به طور مستقیم توسط ایران فرماندهی می‌شوند.

در چارچوب تعریف موسّع بوزان از امنیت، استقرار مراکز ثقل فیزیکی داعش در عراق و سوریه ایجاد کننده مجموعه‌ای گسترده از معانی اساسی بود که شرایط توجیه بسیاری از اقدامات سیاسی را فراهم ساخت. بنابراین می‌توان پذیرفت که ابهام در تعریف امنیت، یکی از بسترهای ایجاد تعریف موسّع از حدود امنیت ملّی در چارچوب مبارزه با داعش بوده است. از سوی دیگر ارتباط غیر قابل بازگشت امنیت و ناامنی افراد به امنیت دولت و وظیفه ذاتی دولت برای دفاع از اتباع خود در مقابل مداخله خارجی، حمله و تهاجم بیگانه، بستر تحمیل خطر و ایجاد هزینه برای اقدامات سیاسی در پوشش تأمین امنیت را نیز فراهم ساخت. تابعیت امنیت فردی از ساختارهای سیاسی عالی‌تر دولتی و بین‌المللی و عدم امکان تقسیم امنیت ملّی به امنیت فردی نیز در این فرایند تأثیر به سزایی برجای گذاشت.

اسرائیل با امنیتی‌سازی مسائل حول ساز و کارهای مهار داعش در سوریه، موضوعات سیاسی را وارد دایره امور امنیتی می‌کند و در چارچوب طیفی قرار می‌دهد که نیازمند اتخاذ تمهیدات اضطراری است. اسرائیل تلاش کرد با تبدیل تهدید ساز و کارهای مهار داعش به یک رویه خود مرجع امنیتی، حضور ایران و نیروهای هم‌پیمان با آن را بدون آنکه واقعاً تهدیدی وجودی برای این رژیم باشند، به عنوان یک تهدید امنیتی بازنمایی کند. اسرائیل تلاش تمام‌عیاری برای جا انداختن یک تهدید وجودی با اثرات سیاسی اساسی انجام داد و موفق شد با استفاده از ظرفیّت هم‌پیمانی با روسیه تهدید ایدئولوژیک احتمالی ایران را مرزهای خود دور کند. اسرائیل به عنوان یک واحد امنیتی‌ساز موفق بوده است تا به موازات روند ورود ساز و کارهای مهار داعش به سوریه، با اتکاء به استراتژی نیروهای دفاعی این رژیم، به حملات محدود و عملیات‌های بین جنگی علیه این ساز و کارها در رأس اولویت‌های خود مشروعیت ببخشد. اسرائیل تلاش کرد با نمایش دائمی تدابیر اضطراری، ادعای تهدید امنیتی ساز و کارهای مهار داعش برای اسرائیل را به مخاطبان تأثیرگذار بقبولاند.

۵-۱۰- تأثیر ساز وکارهای مهار داعش بر دگرگونی ساختاری خاورمیانه

خاورمیانه یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای سطح پایین با ویژگی یک خرده نظام است که بکارگیری ساز و کارهای مهار داعش سه مؤلفه کلیدی تشکیل دهنده ساختار گوهری آنها دستخوش تغییر نشده است. هیچ یک از ساز و کارهای مهار یا نابودی داعش قادر به تغییر آرایش واحدها و تفاوت آنها در کوتاه مدت نشدند. دلایل ناتوانی ساز و کارهای مهار داعش برای ایجاد چنین تغییری در خلال انطباق نظری خُرد و شواهد عینی پژوهش در حوزه روابط نیابتی، شبه نظامیان دولتی و مراکز ثقل قدرت مورد بحث قرار گرفت. به عنوان مثال حتی بعد از تسلط نسبی حزب اتحاد دموکراتیک بر کرانه شرقی فرات و سیطره شبه نظامیان مورد حمایت ترکیه بر کرانه غربی فرات تا اعزاز در مرز کانتون عفرین، هیچ بازیگری داعیه نقض تمامیت ارضی سوریه را نداشته است. در عراق نیز هم‌پیمانی پیشمرگ‌ها با ائتلاف و تسلط آنان بر اراضی مورد مناقشه با دولت مرکزی که در روند مبارزه با داعش تصرف شده بود، هیچ خاصیت اهرمی برای پیشبرد هدف استقلال کردستان عراق نداشت. ساز و کارهای مهار و نابودی داعش قادر به تغییر الگوهای دوستی و دشمنی سُنتی بین واحدهای درگیر با آنها نبودند و حتی منجر به تشدید آن شدند. به عنوان مثال تشدید تنش بین اسرائیل و بلوک مقاومت، یک متغیر وابسته به گسترش ساز و کارهای مهار داعش توسط ایران در سوریه بود که تبعات آن در آینده نیز ادامه خواهد یافت.

بکارگیری شبه نظامیان سوری توسط ترکیه نیز در واقع به بسیج بخشی از معارضین مسلح و کمک به اشغال زمین توسط آنان منجر شد که نشان دهنده دوام عمق تخاصم بین سوریه و ترکیه است. همپیمانی‌های رسمی و غیررسمی ایران، ایالات متحده، ترکیه و روسیه در چارچوب روابط نیابتی قدرت مانور این واحدها در بخش نظامی را با نسبت‌های مختلف افزایش داد، اما این روند به معنی ایجاد مرکز ثقل جدید نظامی توسط این بازیگران و تسرّی آن به سایر بخش‌ها نیست و باعث ایجاد تغییر توزیع قدرت میان واحدهای اصلی نمی‌شود. بنابراین بکارگیری ساز و کارهای مهار داعش، علیرغم ظاهر گسترده آن، به تغییر چشمگیر در هیچ یک از مؤلفه‌های گوهری مجموعه خاورمیانه نشد و به تعریف مجدد از این مجموعه امنیتی منطقه‌ای نیانجامید. این روند به معنی حفظ وضع موجود در مجموعه امنیتی خاورمیانه است، اما در عین حال به معنی عدم وقوع هیچگونه تغییری نیست، بلکه تغییرات پدید آمده در

مجموع یا مؤید تداوم وضعیت حاکم بر ساختار گوهری مجموعه است یا به شکل جدی ایـن سـاختار را متزلزل نمی‌سازد.

تسلط داعش بر بخش‌های گسترده‌ای از خاک عراق و سوریه به تغییر رسمی مرزهای بـین‌المللـی منجـر نشد، بنابراین نمی‌توان ادعا کرد که بکارگیری ساز و کارهای مهار داعش با انهدام مراکز ثقل فیزیکی ایـن سازمان در عراق و سوریه از استحاله درونی و بیرونی مجموعه خاورمیانه جلوگیری کرده است، از سوی دیگر بکارگیری این ساز و کارها در چارچوب کشمکش قدرت نیز به تغییرات منجر به استحاله درونی و بیرونی ختم نشد. یعنی ساختار گوهری مجموعه از درون چارچوب مرزهای آن دستخوش دگرگونی نشد و مرزهای بیرونی آن نیز تغییری نکردند. تمام آنچه بواسطه ایجاد و نابودی مراکـز ثقـل فیزیکـی داعـش توسط ساز و کارهای مهار آن رخ داد جرح و تعدیل‌های کوچکی در مرزبندی‌هـا ایجـاد کـرد کـه تـأثیر چشمگیری بر ساختار مجموعه نداشت و به افزوده شدن یا جدا شدن دولـت‌هـای اصـلی، تغییـر توزیـع قدرت و الگوی دوستی و دشمنی منجر نشد. ورود مسـتقیم ایـالات متحـده و قـدرت‌هـای خـارجی در چارچوب ائتلاف بین‌المللی و روسیه در چارچوب همکاری نظامی با ایران در روند مبارزه با داعـش بـه موازات مداخله آنان در امور مجموعه نظیر کشمکش قدرت در سوریه بوده است که به شکل پیچیده‌ای با مسئله داعش همپوشانی داشت، اما این روند به فروپوشانی و در نتیجـه از کـار افتـادن پـویش درون‌زای مجموعه خاورمیانه منجر نشد.

واکنش ایالات متحده و روسیه به تحرکات ساز و کارهای مهار ایران برای مهار داعش ناشی از احسـاس تهدید آنان به عنوان قدرت‌های سطح بالا از ذات تجدید نظرطلبی ایدئولوژیک ایران به عنوان یک قدرت منطقه‌ای است. زیرا این هراس وجود دارد کـه نفـوذ و قابلیـت ایـران در حـد قابـل تـوجهی مـرتبط بـا فرایندهای امنیتی کردن ایدئولوژیک مسائل حول خصومت با اسرائیل از جغرافیای عراق تا زیر مجموعـه امنیتی شامات در محدوده مرزهای شمالی این رژیم باشد.

تشکیل ائتلاف مبارزه با داعش توسط آمریکا، شیوه بکارگیری ساز و کارهای محلی مبارزه با این سـازمان و اختلاط این ساز و کارها با کشمکش‌های قدرت و امنیت در عراق و سوریه، مؤید وسعت منافع ایالات متحده و قابلیت‌های بی‌شمار آن برای هدایت و تنظیم رقابت‌های خود در کلّ کره زمین است. روسیه نیز

به عنوان یک قدرت بزرگ در تلاقی و همپوشانی کشمکش قدرت و امنیت، الزامات منطقه‌ای را کنار گذاشت و با آغاز عملیات نظامی در سوریه، همانند آمریکا در روابط امنیتی خود تا حدّ زیادی ورای منطق جغرافیا و نزدیکی عمل نمود.

باوجود تلاش آمریکا و تا حدود ضعیفی روسیه برای جلوگیری از ایجاد مرکاز ثقل قدرت همپیمان با ایران در عراق و سوریه، وضعیت دولت‌های ضعیف در این کشورها با ایران به عنوان یک قدرت محلی گره خورده و ایران با استفاده از این ویژگی می‌تواند در برابر تهدیداتی که ناشی از قدرت‌های بزرگ دور دست است، امنیت خود را تأمین کند، هر چند این وضعیت به معنای شکل‌گیری وابستگی متقابل امنیتی ایران، عراق و سوریه علیه قدرت‌ها نیست.

این ادعا ناظر به الگوی فراگیر توزیع قدرت میان روسیه و آمریکا است که آنها را بواسطه ساز و کار نفوذ به پویش‌های منطقه‌ای مجموعه خاورمیانه پیوند زده است. اختلاط رقابت منطقه‌ای بومی با روند مبارزه با داعش، تقاضاهایی را برای نفوذ آمریکا و روسیه در منطقه فراهم نمود که نتیجه آن شکل‌گیری صف‌بندی‌های امنیتی ترکیبی محسوس و نامحسوس در مقابل تجدید نظرطلبی ایران و رفتار احتمالی این واحد در آینده است. البته به دلیل نشأت‌گیری الگوهای منازعه اعم از مسئله داعش و خصومت سُنتی با اسرائیل از عوامل بومی، قدرت‌های خارجی حتی در صورت حضور گسترده فیزیکی نمی‌توانند منطقه را بازتعریف، غیرامنیتی و مجدداً سازماندهی نمایند. همپیمانی‌های رسمی و غیررسمی در چارچوب روابط نیابتی پیچیده نیز قادر به تغییر دستور کارهای مجزا و قدرتمند در خاورمیانه نیستند. به عنوان مثال دورنمایی از پایان جنگ ایدئولوژیک داعش بعد از نابودی مراکز ثقل فیزیکی این سازمان دیده نمی‌شود و علاوه بر ایران کلّ جریان اسلام‌گرایی اعم از گروه‌های فراملّی و ملّی همچنان به عنوان یک تهدید برای تمام رژیم‌های خاورمیانه وجود خواهند داشت و به موازات این روند بخش جهادی علیه منافع غرب و اسرائیل نیز عمل خواهد کرد.

الگوهای دوستی، دشمنی در خاورمیانه پیچیده و چند بعدی است و ادعای حذف اسرائیل در شامات به عنوان اصلی‌ترین زیر مجموعه خاورمیانه از اختصاص بلوک ایران خارج شده است. بعد از آغاز جنگ داخلی سوریه و نفوذ جریان اسلام‌گرایی مسلح به مناطق خلاء قدرت در این کشور، داعش و شاخه‌های

القاعده بیش از ایران مدعی جنگ با اسرائیل هستند. ایالات متحده و روسیه در کنترل مستمر پـویش‌هـای امنیتی منطقه‌ای یا داخلی خاورمیانه توفیق کسب نکرده‌اند، بنابراین به سختی می‌تـوان الگـوی روشـنی از رابطه میان نفوذ آنها در پویش‌های منطقه‌ای خاورمیانه بعد از نابودی مراکز ثقـل داعـش ترسـیم کـرد. بـا وجود این امریکا و روسیه بواسطه انتقال تسلیحات یا نیرو، سطح کلی قابلیـت نظـامی در منطقـه را بـالا بردند. آنها تلاش کردند توزیع قدرت منطقه‌ای را آشکارا به نفع اسرائیل تغییر دهند، امـا قـادر بـه کنتـرل خاورمیانه نبوده و در شکل‌گیری پویش‌های امنیتی – سیاسی قدرتمند منطقه‌ای نیز نقش حاشیه‌ای دارند. این ادعا از این منظر مطرح می‌شود که در مجموعه امنیتی خاورمیانه منازعه بیش از حد تعیین کننده است و معلوم نیست هر نوع تحول احتمالی در منطقه بتواند ویژگی کلاسیک منازعه ساز بـودن را تغییـر دهـد. ایران با وجود توسعه همپیمانی‌های نظامی رسمی و غیررسـمی در عـراق سـوریه، همچنـان تنهـا واحـد تجدیدنظر طلب انقلابی منطقه محسوب می‌شود. هیچ نشانه استراتژیک درباره اینکه ایران همپیمانی‌هـای خود را معطوف به امنیتی‌سازی مسئله اسرائیل و جنگ آینده با این رژیم تشیکل داده باشد وجـود نـدارد، باوجود این تمام واحدهای درگیر در مبارزه با داعش اعم از طیف‌های تجدید نظرطلب سنتی و افراطی و خواستاران حفظ وضع موجود، با تجدیدنظرطلبی انقلابی ایران در مسئله اسرائیل دارای رویکرد مخالف یا متعارض هستند و احتمال اینکه در آینده به توافق نوشته یـا نانوشـته بـرای پایـان دادن بـه امنیتـی‌سـازی اسرائیل دست یابند زیاد است. چنین روندی ممکن است همپیمانی‌های ایران با دولتهای عـراق و سـوریه برای مهار داعش را با چالش روبرو سازد و احتمال استقرار دوباره مراکز ثقل فیزیکی داعش در محـدوده جغرافیایی مانور سنتی این سازمان را افزایش دهد.

تعارض و اختلاف همگانی با نیّات تجدیدنظرطلبی انقلابی ایران و تلاش جامعگانی برای توقف ایران در منطقه خاکستری، علاوه بر تضعیف ساز و کارهای مؤثر نظیـر حشـد شـعبی و مـدافعان حـرم، موقعیـت اسرائیل در یک نظام توازن قوای متغیر را قدرتمند خواهد کرد و درجه توسعه آن را افزایش خواهـد داد. با این تفاسیر حتی اگر عملکرد ایران در چارچوب تجدید نظرطلبی قابل تفسیر باشد، باید پـذیرفت ایـن واحد نیز به اندازه دول طرفدار حفظ وضع موجود بخشی از نظام آنارشی است و آن واحـدها نیـز بـرای تغییر وضع موجود به ضرر ایران گام برداشته‌اند. اگر سایر واحدها قضـاوت دربـاره رفتـار ایـران را کنـار

نگذارند، تصویر روشن و کلی از پویایی امنیتی سیستم به دست نمی‌آید. ایران حتی اگر در راستای اهداف تجدید نظر طلبانه گام برداشته باشد، حداقلی از اهداف مربوط به حفظ وضع موجود را پیگیری می‌کند که حذف مراکز ثقل فیزیکی داعش و بازگشت ثبات و امنیت به عراق و سوریه بخشی از آن است. تأمین امنیت داخلی ایران در مقابل تهدید سیال داعش حداقل هدف مربوط به حفظ وضع موجود برای ایران تلقی می‌شود، زیرا حتی اگر تجدید نظر طلب‌ترین دولت‌ها نیز نتوانند پایگاه داخلی خود را حفظ کنند، نمی‌توانند اهداف بزرگتری را پیگیری نمایند. بنابراین ایران حداقل طالب حفظ قلمرو و بخش‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی خود از تهدید تروریسم است و نمی‌خواهد تغییرات نامطلوب یا تهدیدات امنیتی بر آنها تحمیل شود.

تهدید به استفاده از زور یکی از ویژگی‌های قدیمی روابط بین‌المللی در شرایط آنارشی است و در این شرایط، ابزار اصلی ایجاد نظم، یعنی نیروهای مسلح، خود منشاء اصلی تهدید امنیت است. ایران نیز در وضعیت آنارشی، به قدرت نظامی نیاز دارد تا ضمن دفاع از خود، برای مقاصد امنیتی در مدیریت سیستم از آن استفاده کند. اما این قدرت به طور طبیعی از پویایی ضدّ امنیتی علیه دول متخاصم و خواستاران حفظ وضع موجود برخوردار است. اصولاً ضرورت وجود نیروهای مسلح با هدف تأمین امنیت ملّی توجیه می‌شود و در نتیجه از لحاظ سیاسی باید فرض کرد که قدرت نظامی ایران به امنیت ملّی بسیار مرتبط است. نیروهای نظامی دولتی، تأمین کننده حمایت از اقشار عمومی در مقابل تهدیدات غیر منصفانه برای توسل به زور هستند و در فراگرد ایجاد و حفظ ساز و کارهای نظامی کافی، این امر به صورت حمایت بخشی از امنیت ملّی در می‌آید. مسئله دفاع همواره ضروری و در نتیجه یک مشکل پایدار است، زیرا تداوم تهدیدات، اهمیت دفاع را حفظ می‌کند و پیشرفت ساز و کارها را تداوم می‌بخشد. حمایت از تشکیل حشد شعبی در عراق و گروه‌های مدافع حرم در سوریه ضرورت‌هایی هستند که در همین راستا تفسیر می‌شوند. اما دولت عراق به طور طبیعی یک ساختار ولو رسمی را با ویژگی اقتدارگریزی نسبی و گرایش ایدئولوژیک و سازمانی قوی به ایران در شرایط ثبات بر نمی‌تابد. ایجاد واحدهای فراملّی مدافع حرم در خاک سوریه نیز یک اقدام منحصر به فرد محسوب می‌شود که حتی دولت ضعیف سوریه نیز

نسبت به آن احساس تهدید می‌کند و در صورت بازیابی قدرت بـه طـور طبیعـی در صـدد مهـار آن بـر می‌آید.

تقریباً در طول تاریخ جدید، معمای قدرت- امنیت از ویژگی‌های بسیار پایدار در روابط بـین‌الملـل بـوده است. تنش بین منافع طرفداران وضع موجود و تجدید نظرطلبان، شـتاب مسـتقل تکنولـوژی، مسـابقات تسلیحاتی و ابهامات، عواملی هستند که باعث بروز اشکال در تفکیـک رفتـار تهـاجمی از غیـر تهـاجمی می‌شوند و معمای قدرت- امنیت را زنده نگاه می‌دارند. در همین راستا تلاش ایران برای دسـت‌یـابی بـه قدرت از تأمین امنیت به طور اطمینان بخشی قابل تفکیک نیست. ایران نمی‌تواند سیاست امنیت ملّی خود را بر پایه اصول صریحی که از هر کدام از آنها به طور جداگانه تفسیر می‌شوند، بنا کند، زیرا به طور کلی انتظار برای از بین رفتن شرایط ایجاد کننده معمای قـدرت- امنیـت بـه دلیـل سـاختار سیاسـی آنارشـی قدرتمند بی‌معنی است و تنش بین دول طرفدار حفظ وضع موجـود و تجدیـد نظرطلـب کـاهش یـافتنی نیست. این روند به خصوص با توجه به سیاست‌های مرجع امنیت و نهادهای تحت امر آن در ایران یـک امر طبیعی به نظر می‌رسد.

دو معمای دفاع و قدرت – امنیت با پویایی تسلیحات به هم مرتبط هستند، در نتیجه هر دوی آنها بـدون تقویت تعارض ناشی از استقلال پویش تسلیحات، نمی‌توانند به سمت وخامت بروند. اسرائیل با اسـتفاده از امکانات فنی خود قادر است نقل و انتقالات و رفتارهای نظامی ایران و محـور مقاومـت را بـا دقـت و تداوم پیگیری کند. این توانایی‌ها، حملات برق‌آسا را به خصوص در مواردی کـه مسـتلزم بسـیج شـدید نیروها یا حرکت نیروهای نظامی و دریایی باشد، بسیار دشوار می‌سازد، اما تکنولوژی‌ها و ترتیباتی کـه در اختیار اسرائیل قرار دارند باعث از بین رفتن معمای قدرت- امنیت نمی‌شوند، لذا ابهام و افزایش فرصـت هشدار، پایین آمدن میزان شدت و هراس از تهدیدات نظامی ایران را کاهش می‌دهند. این امر از اولویـت و اهمیت معمای قدرت – امنیت در تخاصم طرفین می‌کاهد و اسرائیل را بـه سـمت اسـتفاده از ظرفیّـت بازیگران صاحب نقش و تأثیر گذار بر پویش‌های بخش امنیت نظامی و سیاسی و حتی فشار به آنان برای مهار ایران سوق می‌دهد. این بازیگران شامل طیف‌های مختلفی است که انواع واحدهای تجدید نظرطلب و خواستار حفظ وضع موجود که اتفاقاً هم‌پیمان ایران نیز محسوب می‌شوند در زمـره آنـان قـرار دارنـد.

تقریباً تمام جوامع موفق امنیتی در سیستم، متشکل از دولت‌های قوی هستند و قسمت عمده اجزاء دچار کشمکش، از کشورهای ضعیف هستند.

بنابراین کمک ایران به ایجاد دولت‌های قوی هم‌پیمان با خود در عراق و سوریه باعث تقویت امنیت داخلی این واحد می‌شود و تأسیس دولت‌های قوی همسو در عراق سوریه می‌تواند از تشدید مستقیم معمای قدرت- امنیت جلوگیری نماید. این مسئله در سوریه به دلیل مرزهای مشترک این کشور با فلسطین اشغالی از پیچیدگی‌های بیشتری برخوردار است. تصمیم برای بازستاندن جولان از اسرائیل یک مسئله ملّی است و به طور طبیعی شیوه اعاده این جغرافیا نیز در درجه اوّل مستلزم عزم ملّی در سوریه است. تصمیم برای حذف موجودیت اسرائیل نیز به طریق اولی از همین روند پیروی می‌کند. کمک ایران به تشکیل یک دولت قدرتمند ایدئولوژیک در سوریه که مسائل مرتبط با اسرائیل را از منظر ایران امنیتی‌سازی نماید، تصمیمی است که فرصت امنیتی‌سازی پیرامون ساز و کارهای ایران را از اسرائیل می‌ستاند و در عین حال مسئله اسرائیل را امنیتی نگاه می‌دارد.

روندسازی داده‌های این پژوهش و تحلیل آن مؤید فرضیه اصلی طرح شده در فصل اول هستند. بر این اساس این ادعا انطباق زیادی با واقعیت دارد که ساز و کارهای بکار گرفته شده برای مهار داعش از سوی هر یک از بازیگران در چارچوب مبارزه سیستمی با تروریسم، تأثیر مثبتی بر امنیت ملّی جمهوری اسلامی ایران دارند؛ حال آنکه ممکن است روابط این بازیگران نظیر ایران و آمریکا در چارچوب الگوی دشمنی قابل تعریف باشد. از سوی دیگر تأثیر مثبت یا منفی بکارگیری همان ساز و کارها در چارچوب کشمکش‌های قدرت، وابسته به پیچیدگی و تشدید معمای امنیت- قدرت و سطح نفوذ بازیگران صاحب نقش در این چارچوب هستند. به عنوان مثال می‌توان تقویت ارتش و پلیس عراق توسط ایالات متحده و ائتلاف را در چارچوب تلاش برای تضعیف ساز و کارهای اعمال قدرت ایران در عراق قابل تفسیر کرد، اما تقویت این نهادها در دوره صلح تأثیر منفی بر امنیت ملّی جمهوری اسلامی ایران ندارند، اما از سوی دیگر هم‌پیمانی آمریکا با پ.ک.ک علیه داعش و تقویت نهادسازی‌های این حزب در سوریه به طور مشخص در کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت امنیت ملّی ایران را تهدید می‌کند.

بنابر تحلیل روند دادها می‌توان ادعا کرد که ساز و کارهای مهار داعش، ماهیت روابط نیابتی جمهوری اسلامی ایران با دولت عراق و سوریه را در چارچوب معمای امنیت- قدرت، به سمت تلاش برای ساخت مرکز ثقل سیاسی از مرکز ثقل نظامی و تبدیل آن به مراکز ثقل استراتژیک سوق می‌دهد، اما این ادعا به دلایلی نظیر تسلط حزب بعث بر تمام شئون کشور، ساخت غیردموکراتیک قدرت در سوریه و ویژگی‌های شبکه امنیتی نظامی این کشور صادق نیست.

به همین ترتیب می‌توان گفت که روابط نیابتی جمهوری اسلامی ایران و گروه‌های شبه‌نظامی در عراق به دلیل تداخل مراکز ثقل نظامی و سیاسی به سمت ساخت مراکز ثقل استراتژیک سوق خواهد یافت، اما دست‌یابی به یک مرکز ثقل استراتژیک یکپارچه در عراق از یک سو به دلیل ویژگی قومی موزائیکی و از سوی دیگر به دلیل ساخت دموکراتیک قدرت در این کشور تنها بواسطه تغییر ساخت قدرت بوسیله چیزی شبیه به یک کودتا امکان‌پذیر است. اما در سوریه به دلیل استقرار یک ساختار غیردموکراتیک امنیتی نه تنها ساخت یک مرکز یا مراکز ثقل نظامی برای ایران امکان پذیر نیست، بلکه به همین ترتیب تسری و تداخل مراکز ثقل نظامی و سیاسی نیز متصور نخواهد بود.

تحلیل داده‌های پژوهش به خوبی نشان می‌دهند که ساز و کارهای بکار گرفته شده برای مهار داعش فارغ از اینکه توسط کدام یک از بازیگران بکارگرفته شده باشند فاقد قدرت ایجاد استحاله بیرونی در مجموعه امنیتی منطقه‌ای خاورمیانه هستند. از سوی دیگر این ادعا که ساز و کارهای مهار داعش از قدرت تعیین کننده در توزیع قدرت برخوردارند یا آنکه قادر به ایجاد دگرگونی اساسی در الگوی دوستی و دشمنی هستند قابل تأیید نیست. به تبع این نتیجه‌گیری، می‌توان ادعا کرد که قدرت‌های خارجی بواسطه بکارگیری مستقیم ساز و کارهای مهار داعش، قادر به فروپوشانی در مجموعه امنیتی خاورمیانه و از کار انداختن پویش درون‌زای آن نیستند.

فهرست منابع

فارسی

کتاب

- احمدی، اردوان، داعش در سوریه پیشینه و روندها، ۱۳۹۵، نوبت اول، تهران، انتشارات سیادت.

- آزاد، امیرحامد، سایه روشن حشد شعبی، ۱۳۹۵، نوبت اول، تهران، موسسه مطالعات راهبردی اندیشه سازان نور.

- ــــــــــــ، نیروی قدس؛ برسازی استراتژیک ایران، ۱۳۹۵، نوبت اول، تهران، موسسه مطالعات راهبردی اندیشه سازان نور.

- بوزان، باری، مردم، دولتها و هراس، ۱۳۸۹، نوبت دوم، پژوهشکده مطالعات راهبردی.

- ــــــــــــ، ویور، الی، دوویلد، پاپ، چارچوبی تازه برای تحلیل امنیت، ۱۳۹۲، نوبت دوم، ترجمه علیرضا طیب، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.

- بابایی، گل‌علی، پیغام ماهی‌ها، ۱۳۹۵، نوبت پنجم، تهران، انتشارات صائقه، انتشارات ۲۷.

- تودنهوفر، یورگن، ده روز با داعش از درون دولت اسلامی، ۱۳۹٤، نوبت اول، تهران، نشر کتاب کوله پشتی.

- شریفات، عبدالمحمد، داعش افکار و تشکیلات، ۱۳۹٤، نوبت اول، قم، دارالاعلام لمدرسه اهل‌البیت علیهم‌السلام.

- صدرالحسینی، سیدرضا، داعش (اندیشه و عمل)، ۱۳۹۵، نوبت اول، تهران، انتشارات زمزم هدایت.

- زارعان، احمد، آزاد، امیرحامد، معمای جذب داعش، ۱۳۹۵، نوبت اول، موسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور.

- قوام، سید عبدالعلی، اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل، ۱۳۸۸، نوبت پانزدهم، انتشارات سمت.

- ــــــــــــ، روابط بین‌الملل؛ نظریه ها و رویکردها، ۱۳۸۸، چاپ سوم، تهران، انتشارات سمت.

- نورانی، سیدمهدی، داعش از کاشت تا برداشت، ۱۳۹۳، نوبت اول، انتشارات شهید کاظمی و مجد اسلام.

مقاله

- اوجالان، عبدالله، مانیفست تمدن دموکراتیک (مسئله کُرد و رهیافت دموکراتیک)، ۱۳۹۲، مترجم: - آ. کاردوخ، مرکز جلد پنجم، برلین، مرکز نشر آثار و اندیشه های عبدالله اوجالان، انتشارات گریلا.

- احمدوند، سلمان، احمدوند، ایمان، بازخوانی رهیافت‌های تبیین‌گر تروریسم (رویکرد ترکیبی) مطالعه موردی: داعش، ۱۳۹۳، شماره۹۰، فصلنامه سیاست دفاعی.

- امینیان، بهادر، زمانی، سید حسام‌الدین، داعش: پیوند سلفیت تکفیری و بعثی‌گرایی، ۱۳۹٤، شـماره ۲۳، فصـلنامه آفاق امنیت.

- ابراهیمی‌فر، طاهره، آزاد، امیرحامد، مکانیزم نابودی منابع قـدرت داعـش، ۱۳۹۵، شـماره ۱۷، فصـلنامه علمـی- پژوهشی مطالعات سیاسی جهان اسلام.

- ____________، علل بقای شبکه‌های اقتصادی سازمان‌های تروریستی در خاورمیانه در عرصه ارتباطات سیاسی، ۱۳۹٦، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال سیزدهم، شماره ۳۹، کرج، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج.

- امینیان، بهادر، زمانی، سید حسام‌الدین، چهارچوبی نظری برای تحلیل رفتـار گـروه داعـش، ۱۳۹۵، شـماره ۲٦، فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا

- اکبری، حمیدرضا، چگونگی نقش آفرینی داعش در مناسبات سیاسـی خاورمیانـه، ۱۳۹۵، شـماره اول، فصـلنامه فصلنامه جستارهای سیاسی معاصر.

- احمدی فشارکی، حسینعلی، اسماعیل‌زاده امامقلی، یاسر، داعش و امنیت ایران با تکیه بر مکتب کپنهـاگ، ۱۳۹۵، شماره ۱۸، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست.

- آبدانان، ریوار، کنفدرالیسم دموکراتیک پروژه‌ای روزآمد برای حل مسئله کورد و دیگر خلـق‌هـای ایـران، ۱۳۹۲، مرکز مطبوعات حزب حیات آزاد کوردستان (پژاک)، انتشارات گریلا.

- آلترناتیو(٤۹)، کوبانی ای آبروی جهان آزادیت مبارک ،۱۳۹۳، سال هشتم، دوره دوم، ارگـان حـزب حیـات آزاد کردستان، انتشارات مرکز مطبوعات پژاک.

- آذین، احمد، سیف‌زاده، علی، بررسی زمینه‌های اجتماعی و سیاسی ظهور داعش در خاورمیانه، ۱۳۹٤، شماره ٤، فصلنامه سیاست خارجی.

- آزاد، امیرحامد، راه‌های خروج از بحران خاورمیانه، ۱۳۹٤، شماره ٦۲، تهران، فصلنامه مطالعات جهان اسلام.

- ____________، بررسی نقش عراق در جنگ سوریه، ۱۳۹٤، پژوهش پشـتیبان شـماره ۱۳۳، مؤسسـه مطالعـات راهبردی اندیشه سازان نور.

- ____________، نگاهی به روابط روسیه و حکومت مرکزی سوریه با معارضین سـوری، ۱۳۹٤، هفتـه‌نامـه بـدر، شماره ۳۵، مؤسسه مطالعات راهبردی اندیشه سازان نور.

- ____________، آرایش میدانی نبرد در سوریه، ۱۳۹۵، ویژه‌نامه عیار مقاومت، روزنامه جوان.

- ____________، روابط روسیه و آمریکا در سوریه و پویش‌هـای امنیتـی خاورمیانـه، ۱۳۹۵، فصـلنامه مطالعـات راهبردی جهان اسلام، سال هفدهم، شماره ٦۸، مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور.

- ـــــــــــــــ، چالش با القاعده و سناریوهای پیش‌رو در سوریه، ۱۳۹۵، هفته نامه بدر، شماره ٦٤، مؤسسه مطالعات راهبردی اندیشه سازان نور.
- ـــــــــــــــ، تحلیلی بر روند تبلیغات درباره ورود حشدشعبی به سوریه، ۱۳۹۵، هفته نامه بدر، شماره ۷٤، مؤسسه مطالعات راهبردی اندیشه سازان نور.
- ـــــــــــــــ، تحلیلی بر حمله ائتلاف به کاروان مقاومت در سوریه و راهکارهایی برای آینده، ۱۳۹٦، هفته‌نامه بدر، شماره ۷۰، مؤسسه مطالعات راهبردی اندیشه سازان نور.
- ـــــــــــــــ، اهمیت دستیابی به مرز سوریه و عراق در جنگ تاکتیک‌ها، ۱۳۹٦، هفته‌نامه بدر، شماره۷۳، مؤسسه مطالعات راهبردی اندیشه سازان نور.
- برنامه و اساسنامه حزب حیات آزاد کوردستان، ۱۳۹۳، مصوب کنگره چهارم، انتشارات مرکز مطبوعات پژاک.
- برنامه و اساسنامه جامعه دموکراتیک و آزاد شرق کوردستان (کۆمەڵگای دیمۆکراتیک و ئازادی رۆژهەڵاتی کوردستان) کودار، ۲۰۱٤، انتشارات مرکز مطبوعات پژاک.
- بخشی شیخ احمد، مهدی، بهادری، بهنام، وهاب پور، پیمان، بررسی ایدئولوژی گروه تکفیری، وهابی دولت اسلامی عراق و شام(داعش)، ۱۳۹۳، شماره ٦٤، ، فصلنامه علوم سیاسی،
- باقری دولت‌آبادی، علی، نوروزی نژاد، جعفر، ۱۳۹٤، کاستی‌های نرم افزاری امنیت در عراق و قدرت‌یابی گروه تروریستی داعش، ۱۳۹٤، شماره ١٦، فصلنامه علمی- پژوهشی مطالعات سیاسی جهان اسلام.
- بانه، عگید، نوشتاری در باب کنفدرالیسم، ۱۳۹٤، ماهنامه آلترناتیو، سال نهم، شماره ۵۵، مرکز مطبوعات حزب حیات آزاد کوردستان.
- باقری دولت آبادی، علی، تاکتیک‌های جنگ روانی داعش، ۱۳۹۵، شماره۱، فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی.
- بصیری، محمدعلی، آقا محمدی، زهرا، فلاحی، احسان، بسترهای شکل‌گیری و تداوم تروریسم در غرب آسیا، مطالعه موردی داعش در عراق و سوریه، ۱۳۹۵، شماره ۱۹، فصلنامه علمی- پژوهشی مطالعات سیاسی جهان اسلام.
- تاجیک، هادی، علیشاهی، عبدالرضا، مجیدی نژاد، سیدعلی، گفتمان حاکم بر شکل‌گیری و فعالیت‌های داعش بر اساس نظریات اسپرینگز- تیلی، ۱۳۹۳، شماره ۲۳، فصلنامه آفاق امنیت.
- توکلی، سعید، القاعده، داعش؛ افتراقات و تشابهات، ۱۳۹٤، شماره ۲۳، فصلنامه آفاق امنیت.
- حیدری، الهام، کالبدشکافی جریان داعش، بررسی زمینه‌های ذهنی، ملی و منطقه‌ای، ۱۳۹۳، شماره ۹، ، فصلنامه علمی- تخصصی حبل‌المتین.

– حیدری، ایوب، فرهنگ و گسترش تروریسم و افراطی‌گری در خاورمیانه و شمال آفریقا (با تأکید بر فعالیت‌های داعش)، ۱۳۹۳، شماره ٤، فصلنامه سیاست.

– حاتمی، محمدرضا، شکل‌گیری داعش در کانون پویش جهانی شدن، ۱۳۹٤، پژوهشنامه روابط بین الملل

– خلخالی، سعیدرضا، عباسی، عبدالرضا، ۱۳۹۲، بررسی قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در گسترش حوزه نفوذ ژئوپلیتیکی، همایش ملی ژئوپلیتیک جنوب غرب آسیا.

– خاتونی، مجتبی، یزدان‌پناه، کیومرث، افضلی، رسول، مطالعهٔ ژئوپلیتیک عمومی داعش در رسانه های اجتماعی؛ «ملت صلیب» و «جیش‌الصفوی»، ۱۳۹۵، شماره دوم، فصلنامه مطالعات ملی.

– رستمی، محمدرضا، جریانات افراطی و تکفیری در منطقه و راهکارهای مقابله با آنها با توجه به نقش خاورمیانه‌ای روسیه، ۱۳۹٤، شماره ۱، فصلنامه سیاست خارجی.

– زیسر، آیل، سوریه و اسرائیل میان جنگ و صلح، ۱۳۷٤، شماره ۵، مطالعات خاورمیانه.

– زمانی، قاسم، ماهیت حقوق داعش در حقوق بین‌الملل: دولت یا بازیگر غیردولتی؟، ۱۳۹۳، شماره اول، ، فصلنامه دولت پژوهی.

– زارعان، احمد، زمینه‌های ظهور و گسترش داعش در محیط امنیتی غرب آسیا، ۱۳۹۳، شماره ۲۳، فصلنامه آفاق امنیت.

– زحمتکش، حسین، معصومی زارع، هادی، تحرک‌پذیری سلفی‌جهادی در آسیای غربی و امنیت عمومی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۵، شماره ٤٤، فصلنامه علمی– پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی.

– ساداتی نژاد، نقش ایالات متحده امریکا در شکل‌گیری جریان‌های افراطی در جهان اسلام (مطالعه موردی القاعده و داعش)، ۱۳۹٤، شماره ۷، فصلنامه اندیشه سیاسی در اسلام.

– سمیعی اصفهانی، علیرضا، شفیعی سیف‌آبادی، محسن، آینده گروهک‌های تکفیری و راهکارهای ثبات بخش دولت سوریه و عراق، ۱۳۹٤، شماره ١٤، پژوهش‌های راهبردی سیاست.

– سمیعی اصفهانی، علیرضا، اکوانی، حمدالله، شفیعی سیف‌آبادی، تحلیل گفتمانی جهانی شدن و ظهور اسلام سیاسی سلفی جهادی در خاورمیانهٔ عربی، ۱۳۹٤، شماره ۷ ، پژوهش‌های سیاست اسلامی.

– سنایی، اردشیر، کاویانپور، مونا، ظهور داعش و تاثیر آن بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۵، شماره ۳٤، فصلنامه روابط بین‌الملل.

– شیرودی، مرتضی، مدل راهبردی (swot) در تحلیلِ بحران رفتار سیاسی داعش، جمهوری اسلامی ایران و راه های برون رفت، ۱۳۹٤، شماره ۸ ، پژوهش های سیاست اسلامی.

– قاسمی، محمدعلی، استراتژی ترکیه در قبال داعش، ۱۳۹۵، شماره۳، ، فصلنامه مطالعات راهبردی.

– صالحی، محمد خلیل، داوری، محمد، امکان سنجی محاکمهٔ اعضا و سران گروه داعش در محاکم کیفری ملـی و بین المللی، ۱۳۹٤، شماره ۱۱، ، آموزه‌های حقوق کیفری.
– صالحی، سیدجواد، مردای‌نیاز، فـاتح، پیامـدهای ظهـور داعـش بـر ژئوپلیتیـک خاورمیانـه، ۱۳۹٤، شـماره اول، فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام.
– طاهایی، سید جواد، نقد نظریه امنیت ملّی، ۱۳۹۲، سال پنجم، شماره اول، تهران، فصلنامه روابط خارجی.
– طباطبایی لطفی، سید احمد، شارق، زهرا سادات، بررسی مشروعیت عملکرد ائتلاف ضد داعش (دولت اسـلامی عراق و شام) از منظر حقوق بین‌الملل در سوریه، ۱۳۹۵، شماره اول، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی.
– عبدخدایی، مجتبی، تبریزی، زینب، نقش گـروه‌هـای تکفیـری- تروریسـتی سـوریه و عـراق در تـأمین امنیـت اسرائیل، ۱۳۹٤، شماره ٤۱، فصلنامه علمی- پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی.
– کریمی مله، علی، گرشاسبی، رضا، بررسی چرایی پیوستن جنگجویان خـارجی بـه داعـش، ۱۳۹٤، شـماره اول، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام.
– کریمی مله، علی، گرشاسبی، رضا، ماهیت سیاسی جریان‌های تکفیـریِ سـوریه، ۱۳۹٤، شـماره سـوم، فصـلنامهٔ مطالعات ملی.
– کودار، رهیافت ملت دموکراتیک در ایران و شرق کوردسـتان، ۲۰۱۵، کمیتـه علـم و روشـنگری کـودار، مرکـز نشرآثار و اندیشه‌های عبدالله اوجالان.
– کسرایی، محمد سالار، داوری مقدم، سعیده، برآمدن داعش در خاورمیانه: تحلیل جامعه شناختانه، ۱۳۹٤، شماره اول، ، فصلنامه روابط خارجی.
– کولایی، الهه، سلطانی نژاد، محمد، علل و انگیـزه‌هـای عملیـات نظـامی روسـیه در سـوریه، ۱۳۹۵، شـماره۳، ، فصلنامه مطالعات راهبردی.
– مبینی کشه، زهرا، آجیلی، هادی، نقش داعش در شـکل‌گیـری معـادلات جدیـد خاورمیانـه، ۱۳۹۳، شـماره ۹، ، فصلنامه علمی- تخصصی حبل‌المتین.
– مدافعان حرم مبارزه نمی‌کردند باید در کرمانشاه و همدان می‌جنگیدیم، ۱۳۹٤، هفته‌نامه خـط حـزب‌الله، شـماره ۱۹، هفته‌نامه خبری- تحلیلی نمازهای جمعه، مساجد و هیأت‌های مذهبی.
– محروق، فاطمه، اقتصاد سیاسی تروریسم: مورد داعش، ۱۳۹٤، شماره چهارم، فصلنامه روابط خارجی.
– میریوسفی، علیرضا، غریبی، حسین، خشونت هویتی و سیر تطور اندیشه‌های جهادی- تکفیری در خاورمیانه (۲۰۱۵-۱۹۸۰)، ۱۳۹۵، شماره اول، فصلنامه سیاست.

– میریوسفی، علیرضا، تناقضات راهبرد ضد داعش ایالات متحد امریکا و موضوع همکاری با ایران، ۱۳۹۵، شماره اول، فصلنامه روابط خارجی.

– نوربخش، یونس، مهدی‌زاده، منصوره، ایدئولوژی جریان داعش و دلایل تاریخی- اجتماعی گرایش به آن، ۱۳۹٤، شماره ۲ ، فصلنامه علمی- پژوهشی مطالعات جامعه شناختی.

– نجات، سید علی، گروهک تروریستی داعش و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران؛ چالشها و فرصتها، ۱۳۹٤، شماره ٦، فصلنامه سیاست.

– نساج، حمید، نظری، مبینا، پور رنجبر، مهدیه، شناسایی و تأمین منابع مالی داعش، ۱۳۹٤، شماره ۱۱، ، فصلنامه علمی- تخصصی حبل‌المتین.

– نظری، علی اشرف، السمیری، عبدالعظیم، بازخوانی هویت دولت اسلامی در عراق و شام (داعش): فهم زمینه‌های فکری و سیاسی اجتماعی، ۱۳۹٤، ، شماره ٦۸، فصلنامه علوم سیاسی.

– نمایان، پیمان، ارزیابی سیاست کیفری بین‌المللی در رسیدگی به جنایات داعش، ۱۳۹٤، شماره ۱، ، فصلنامه مطالعات راهبردی.

– نظری، علی شرف، تروریسم جهش یافته و ظهور تهدید بنیادین(مطالعه داعش)، ۱۳۹٤، شماره ۱۲، ، فصلنامه علمی- تخصصی حبل‌المتین.

– ناوشکی، حسین، احمدیان، قدرت، عوامل قدرت‌یابی داعش در عراق، ۱۳۹۵، شماره ۷۲، ، فصلنامه علوم سیاسی.

– یزدانی، عنایت‌الله، نژاد زندیه، رویا، نگاهی سازه انگارانه به ظهور پدیده تروریسم در خاورمیانه (با تأکید بر پیدایش داعش در منطقه)، ۱۳۹۳، شماره ۹، ، فصلنامه علمی- تخصصی حبل‌المتین.

پایان نامه‌های فارسی

– اشهری، امین، تحلیل ماهیت سیاست داخلی و خارجی ترکیه بر مبنای ناسیونالیسم و اندیشه بنیادگرایی نسبت به کردها و گروه‌های بنیادگرای منطقه مانند داعش و جبهه‌النصره، ۱۳۹٤، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته علوم سیاسی، دانشگاه تبریز.

– ابوالحسنی، احمد، نقش بنیادگرای اسلامی در خشونت تروریسم نوین و تاثیر آن بر امنیت ملی ج.ا.ایران (داعش،عراق۲۰۰۳-۲۰۱٤)، ۱۳۹٤، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته علوم سیاسی، دانشکده علوم سیاسی آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.

– پاشاپور، فریدون، تحلیل ژئوپلیتیکی بحران در خاورمیانه با تأکید بر بحران سوریه (مطالعه موردی داعش۲۰۱۲–۲۰۱۵)، ۱۳۹٤، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته علوم سیاسی، دانشکده علوم سیاسی آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.
– پیروتی، طاهر، سیاست خارجی آمریکا در خاورمیانه بعد از ۱۱ سپتامبر با تأکید بر القاعده و داعش، ۱۳۹٤، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته علوم سیاسی، دانشگاه تربیت معلم.
– ترک زاده، محمود، گسترش اندیشه داعش در افغانستان و تاثیر آن بر امنیت ملی ایران، ۱۳۹٤، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته علوم سیاسی، دانشکده علوم سیاسی آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.
– تاجیک، یاسمین، مبانی فکری و آموزشی گروه‌های تکفیری، ۱۳۹٤، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبایی.
– رضائی، ابوذر، تاثیر تحولات عراق و سوریه بر صورت‌بندی هویتی– قدرتی بازیگران منطقه‌ای، ۱۳۹٤، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته علوم سیاسی، دانشگاه گیلان.
– سلکی، بهمن، تاثیر ژئوپلتیک خاورمیانه بر رشد و فعالیت گروه‌های تروریستی با تأکید بر گروه تروریستی داعش، ۱۳۹٤، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبایی.
– شریف مرادی، مینا، مبانی و گستره تعهدات کنشگران غیردولتی در مخاصمات مسلحانه از منظر حقوق بشردوستانه بین‌المللی با تاکید بر عملکرد داعش، ۱۳۹٤، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبایی.
– شهبازی، حسین، راهبرد امریکا در سوریه و عراق پس از ظهور داعش، ۱۳۹٤، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته علوم سیاسی، دانشکده علوم سیاسی آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.
– شاه ابراهیمی، سید قاسم، بازشناسی اصول ایدئولوژی، ۱۳۹٤، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبایی.
– عباسی، محمد، گرایش جوانان غرب به داعش، ۱۳۹٥، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته علوم سیاسی، دانشکده علوم سیاسی آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.
– گودرزی، محمد جواد، تحلیل گفتمان مناسبات نوین قدرت در خاورمیانه و ظهور داعش، ۱۳۹٤، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته علوم سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد.
– منتظر، مجتبی، نقش عربستان سعودی در بازیگردانی جریان داعش در عراق و سوریه، ۱۳۹٤، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته علوم سیاسی، دانشکده علوم سیاسی آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.

- موسوی اصل، سید مصطفی، پدیداری تروریسم تکفیری (با تمرکز بر داعش) و نظام اولویت‌های امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹٤، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته علوم سیاسی، دانشکده علوم سیاسی دانشگاه خوارزمی.
- محمدی، اسلام، تاثیر بحران داعش بر همگرایی شیعه و سنی در منطقه، ۱۳۹٤، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته علوم سیاسی، دانشکده علوم سیاسی آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.
- مدافعان حرم مبارزه نمی‌کردند باید در کرمانشاه و همدان می‌جنگیدیم، ۱۳۹٤، هفته‌نامه خط حزب‌الله، هفته‌نامه خبری- تحلیلی نمازهای جمعه، مساجد و هیأت‌های مذهبی، شماره ۱۹،
- نظری، مهدی، بررسی حقوقی مسئولیت سازمان ملل متحد پس از ظهور داعش، ۱۳۹۵، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته علوم سیاسی، دانشکده علوم سیاسی آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.

منابع خبری

- حزب حیات آزاد کردستان، کودار، ۲۰۱۵، بیانیه شورای رهبری کودار در مورد تأسیس پلاتفرم هورام، http://pjak.eu/fa/?p=۲۸۰۵
- __________، (الف)، ۲۰۱٦، کودار، دومین کنگره‌ی خود را برگزار کرد، http://pjak.eu/fa/?p=٤۱۲۱
- __________، (ب)، ۲۰۱٦، قطعنامه‌ی پایانی پنجمین کنگره‌ی حزب حیات آزاد کوردستان- PJAK، http://pjak.eu/fa/?p=٤۱۰۸
- خبرگزاری دفاع مقدس، ۱۳۹۵، سخنگوی جنبش نجباء عراق در پاسخ به سوال خبرنگار دفاع پرس: شکست محاصره «فوعه و کفریا» اولویت نجباء است/ تیپی برای آزادسازی جولان تشکیل داده‌ایم، ۱۸ اسفند ۱۳۹۵، http://defapress.ir/fa/news/۲۳۱۰۵۲/
- تایمز اسرائیل، ۲۰۱۷، نتانیاهو: رژیم ایران در پی‌تثبیت موقعیت خود در سوریه است، دوشنبه ٦ مارس ۲۰۱۷، تحریریه تایمز اسرائیل، http://fa.timesofisrael.com/
- وزیر اطلاعات در پیش از خطبه‌های نماز جمعه قم: ۱۵۰۰ جوان ایرانی را از پیوستن به داعش منصرف کردیم، ۱۳۹۵، باشگاه خبرنگاران جوان، http://www.yjc.ir/fa/news/۵۷۵۳۷٤۰/

منابع عربی

کتاب

- الدستور العراقی، ۲۰۰۵، البرلمان العراق، http://www.iraqinationality.gov.iq/attach/constitution_ar.pdf

– الخرسان، صلاح، حـزب الـدعوه الاسـلاميه حقـائق و وثـائق، ١٩٩٩، الموسسـه العربيـه للدراسـات و البحـوث الاستراتيجيه.

– خطة التحول الديمقراطى فى سوريا، ٢٠١٣، بيت الخبرة السورى، واشـنطن د.سـى (العاصـمة)، المركـز السـورى للدراسات السياسية والاستراتيجية،

http://scpss.org/wp-content/uploads/٢٠١٣/٠٩/

– زيادة، رضوان، سنوات الخوف، ٢٠١٦، المركز السورى للدراسات الاستراتيجية والسياسية،

http://www.scpss.org/libs/spaw/uploads/files/Arabic%٢٠Content/Books/YearsOfFearsArabicFinal.pdf

– العمرى، هاديا، الدسوقى، أيمن، الفقير، منير، الإدارة المحليه كضامن لبناء الدولـه فـى المرحلـة الإنتقاليـه، ٢٠١٧، تحديات النهوض الوطنى إبَّـان التـدخل الروسـى، الكتـاب السـنوى الثالـث، اسـطانبول، مركـز عمـران للدراسـات الاستراتيجية.

– قالوا عن دولة البغدادى ، ذو القعدة ١٤٣٦ ه ؛ أغسطس ٢٠١٥ م ، مؤســسة كتائب ردع الخوارج ، الطبعة الأولـى. ، الشيخ د. أيمن الظواهرى.

– سيسونز، ميراندا و الساعدى، عبدالرزاق، ٢٠١٣، إرثٌ مُرٌّ، دروس من عملية اجتثاث البعث فـى العـراق ٢٠٠٤ – ٢٠١٢، لمركز الدولى للعدالة الانتقالية،

https://www.ictj.org/sites/default/files/ICTJ-Iraq-De-Baathification-Report-March٢٠١٣-AR.pdf

– العسكر السّباهى العانى الشمّرى، انورعبدالحميد، قبيله البكّاره الكبرى، ١٩٩٦، الطبعه الاولى، مكتبه الاسـكندريه، دارالمعارف، حمص.

https://ia٦٠١٢٠٥.us.archive.org/٤/items/GreatBaqqaraTribe/Great%٢٠Baqqara%٢٠Tribe.pdf

مقاله

– أوليفر، نوار، العلو، ساشا، الصراع على سورية غير المفيدة باديـة الشـام كمـدخل لمعركـة ديرالـزور، اسـطانبول، ٢٠١٧، مركز عمران للدراسات الاستراتيجية.

– التميمـــى، ايمـــن جـــواد، قـــرارات اداريـــة بخصـــوص قـــوات الـــدفاع المحلـــى: تحليـــل، ٢٠١٧، http://www.aymennjawad.org/١٩٨٧١/

– العلو، ساشا، عملية سيف الفرات الأفق والسيناريوهات المحتملة، ٢٠١٧، ورقه التحليليه، اسطانبول، مركز عمران للدراسات الاستراتيجية.

- بو ناصيف، هشام، مظلومية الضبّاط السنّة فى القوات المسلحة السورية: ضبّاط الدرجة الثانية، ٢٠١٦، ترجمة: عيشة، أحمد، الجمهوريه،http://aljumhuriya.net/٣٤٩٢٧
- بالطيب، نور الدين، ٢٠١٣، تنظيم «القاعدة» يتبنى الهجوم على سجنى أبو غريب و التاجى، الأخبار، العدد ٢٠٦٢، بيروت،
- تقرير الشرق الأوسط رقم٧٠، ٢٠٠٧، سياسات الشيعة فى العراق: دور المجلس الأعلى، https://d٢٠٧١andvip٠wj.cloudfront.net/٧٠-shiite-politics-in-iraq-the-role-of-the-supreme-council-arabic.pdf
- طلاع، معن و مجموعه الباحثين، الأجهزة ا لأمنية السورية وضرورات التغيير البنيوى والوظيفى، ٢٠١٦، مركز عمران للدراسات الاستراتيجية، https://www.omrandirasat.org/
- طلاع، معن و مجموعه الباحثين، التغيير الأمنى فى سورية، ٢٠١٧، مركز عمران للدراسات الاستراتيجية، https://www.omrandirasat.org/
- طلاع، معن، الواقع الأمنى فى سورية وسبل حكومته، ٢٠١٧، مركز عمران للدراسات الاستراتيجية، https://www.omrandirasat.org/
- عثمان، برهان، ثلاثة مجالس تسوّق نفسها لإدارة ديرالزور، ٢٠١٧، عنب بلدى، السنة السادسة، العدد ٢٩٤، https://www.enabbaladi.net/archives/١٧٦٩٩٤
- عنب بلدى أونلاين، قاتلو قسد يلونون الرقة بعلم الوحدات الكردية، ٢٠١٧، https://www.enabbaladi.net/archives/١٧٩٦٢١
- عوده، ضياء، ٢٠١٧، اقتصاد الفيدرالية فى الشمال.. المفاتيح بيد الجيران، عنب بلدى، السنة السادسة، العدد ٢٩٦، https://www.enabbaladi.net/archives/١٧٩٥٥٧
- عين المدينه، ٢٠١٥، نفط ديرالزور من الثورة حتى تنظيم «الدولة الإسلامية، مجلة نصف شهرية مستقلة، إصدار خاص، غازى عنتب، http://www.ayn-almadina.com/content_images/users/١/contents/٢٩٣٢/١٥٦٨.pdf
- فهد، معن، الثورة السورية قصة البداية، ٢٠١٤، مركز عمران للدراسات الاستراتيجية.
- مركز عمران للدراسات الاستراتيجية، الإدارة المحلية فى مناطق كرد سورية عفرين نموذجا، دراسة، مسار الإدارة المحلية وتعزيز الممارسة الديمقراطية، ٢٠١٥، اسطانبول، مركز عمران للدراسات الاستراتيجية.
- مركز عمران للدراسات الاستراتيجية، واقع الإدارة الذاتية فى الشمال السورى، ٢٠١٦، تقرير خاص لوحدة معلومات المركز، اسطانبول، مركز عمران للدراسات الاستراتيجية.
- مركز نورس للدراسات، ٢٠١٧، خريطة توزع آبار النفط والغاز فى سوريا، /http://norsforstudies.org/٢٠١٧/٠٩/٣٦٧١

- نعمة، وائل، سیطرات مدنیة تثیر مخاوف البغدادیین،۲۰۱۳، المدی، العدد: ۲۸۱۰، بغداد،
http://www.almadapaper.net/ar/ViewPrintedIssue.aspx?PageID=۳۸۲۸&IssueID=۲۰۱
- ـــــــــــــــ، العصائب لـ(المدی): سنوضّح موقفنا من العنف قریباً و مستعدون لمعاقبة عناصرنا لو ثبت تورطهم فی القتل، ۲۰۱۳، المدی، العدد: ۲۸۰۹، بغداد،
http://www.almadapaper.net/ar/ViewPrintedIssue.aspx?PageID=۳۸۰۷&IssueID=۲۰۰

پایان نامه

- أحمد، یوسف، شهیل، محمد، حرکةالتحریر الوطنیالفلسطینی فتح و أثرها علی التنمیة السیاسیة فی فلسطین (۱۹۹۳- ۲۰۰٦)، ۲۰۰۷، قدمت هذه الأطروحة استکمالا لمتطلبات درجة الماجستیر فی التخطیط والتنمیة السیاسیة بکلیة، الدراسات العلیا فی جامعة النجاح الوطنیة فی نابلس، فلسطین.

منابع خبری

- إسمارت نیوز (الف)، ۲۰۱٦، رفض من الوحدات الکردیة و الحر لعمل مشترک بالرقة و خلافات دولیة تعززه، https://smartnews-agency.com/ar/reports/۲۰٦٥۱٥/
- ـــــــــــــــ، ۲۰۱۷، خاص: تشکیل مسلح داخل قسد مؤید للنظام ومشارک فی معرکة الرقة، https://smartnews-agency.com/ar/reports/۲۳۲۸۰٦/ ثوار الرقة: قسد استبعدتنا من معرکة السیطرة علی مدینة الرقة، http://www.smartnews-agency.com/ar/wires/۲۳۲۲٦٥/
- البعث (الف)، ۲۰۱۷، قیادة الحزب تحدد التوجهات الاستراتیجیة لعمل المنظمات والنقابات الهلال: السیادة الوطنیة خط أحمر و الشعب السوری یقرّر شکل دستوره، ۰۸ / ۰۲ / ۲۰۱۷ الصفحة الأولی ، هذا المقال رقم : ۷۱ من ۷٤ من العدد ۲۰۱۷-۲-۸-۱٥۷٥۸،
http://albaath.news.sy/?p=۱۲۱۸۳٤
- الدلیمی، إیاد، ۲۰۱۷، هل یحل السیستانی الحشد الشعبی؟، العربی الجدید،
https://www.alaraby.co.uk/opinion/۲۰۱۷/۷/۲٤/
- الدائرة الإعلامیة للائتلاف الوطنی السوری، الائتلاف الوطنی یرفض خروج فصائل الجیش الحر من البادیة السوریة، ۲۰۱۷، http://www.etilaf.org/
- السومریه نیوز، البارزانی: أرض کردستان لیست مکاناً للحشد الشعبی، ۲۰۱٥،
http://www.alsumaria.tv/news/۱٥۲۱٤۳/

– ــــــــــــــ، نازحو العراق يتجاوزون عتبة الثلاثة ملايين وآمال بالعودة، ٢٠١٥،
http://www.alsumaria.tv/infograph/١٨/
http://www.alakhbar.com/sites/default/files/pdfs/٢٠١٣٠٧٢٤/p٢٦_٢٠١٣٠٧٢٤.pdf
– السوريه نت (الف)، ٢٠١٦، ماهر الأسد التقى قاسم سليمانى لحل ميليشيا الدفاع الوطنى، ١٦ نوفمبر ٢٠١٥، https://www.alsouria.net/content/
– ــــــــــــــ، (ب)، ٢٠١٦، أسماء عناصر الفيلق الرابع، السوريه نت،
https://www.alsouria.net/leaks/soldiers/٣?field_degree_tid=١٤١٥٣&page=٢١
– ــــــــــــــ، (الف)، ٢٠١٧، العراق يبدأ عملية عسكرية على الحدود السورية.. و تحركات أردنية و أمريكية و بريطانية ضخمة فى الجنوب، https://www.alsouria.net/content/
– ــــــــــــــ، (ب)، ٢٠١٧، رغم الإغراءات و التسهيلات.. النظام لم يستطع تجنيد أكثر من ٢٥٠٠ فى الفيلق الخامس، https://www.alsouria.net/content/
– الحركة الشعبية لإجتثاث البعث، ٢٠١٤،
http://www.no-ba٣th.com/news.php?action=view&id=٢٥٨
– الحيات، مقتدى الصدر لـ«الحياة»: أسعى لزيارة الدول العربية... و على المالكى تفقّد ساحات الاعتصام السنّية، ٢٠١٣، http://www.alhayat.com/Details/٥٨٤٥٢٧
– الصيغة النهائية لمشروع التسوية الوطنية، ٢٠١٧،
http://www.alaalem.com/?aa=news&id٢٢=٤١٢٩٤
– القاعدة تتبنى الهجوم على سجنى ابو غريب والتاجى وتعلن تحرير٥٠٠ سجين، ٢٠١٣، وكالة أنباء المدى برس، http://www.almadapress.com/ar/news/١٥٥٣٩/
– القيادة العامة لقوات سوريا الديمقراطية، كلمة العميد طلال سلو خلال اجتماع مجلس الرقة المدنى التاسيسى، ٢٠١٧، http://sdf-press.com/٢٠١٧/٠٤/
– المدى برس، ٢٠١٥، تحالف القوى: لن نصوت على قوانين المساءلة و العفو و الحرس الوطنى بالصيغة الحالية: http://almadapress.com/ar/news/٥١٥٢١/
– المدى برس، ٢٠١٦، الاسدى: ٢٠٨ نواب صوتوا على قانون الحشد الشعبى ونشكر الجميع، https://almadapress.com/ar/news/٨٠٠٤٠/
– المدار السياسه، ٢٠١٧، قراءة فى البيان التأسيسى لـ تيار الحكمة الوطنى، http://www.almedar.com/?p=٤٣٤٧

- مديرية اعلام الحشد الشعبی، ٢٠٠٧، العبادی: خطة تأمين الحدود العراقية السورية بالتنسيق مع قيادة الحشد و تحت اشرافی، ٢٠١٧، ، http://al-hashed.net/٢٠١٧/٠٥/٣٠/

- المركز الإعلامی لقوات سوريا الديمقراطية (الف)، ٢٠١٧، اجتماعٌ ثلاثيٌّ بينَ الخارجيةِ الأمريكيةِ ومجلسِ الرقة، http://sdf-press.com/٢٠١٧/٠٧

- المركز الإعلامی لقوات سوريا الديمقراطية (ب)، ٢٠١٧، الجنرال جونز: الرقة ستُدارُ من عين عيسی، http://sdf-press.com/٢٠١٧/٠٧/

- المركز الإعلامی لقوات سوريا الديمقراطية(ج)، ٢٠١٧، المرصد السوری: الفيدرالية الكردية تضم ٣ أقاليم و ٦ مقاطعات... و «الرقة رهن التحرير»، http://sdf-press.com/٢٠١٧/٠٧/

- المركز الإعلامی لقوات سوريا الديمقراطية(د)، ٢٠١٧، اجتماع بين التحالف الدولی و مجلس سوريا الديمقراطية لمناقشة مستقبل الرقة، http://sdf-press.com/٢٠١٧/٠٨/

- المركز الإعلامی لقوات سوريا الديمقراطية(ذ)، ٢٠١٧، إلهام أحمد: نحن الغطاء السياسی لمجلس الرقة، http://sdf-press.com/٢٠١٧/٠٨/

- المركز الإعلامی لقوات سوريا الديمقراطية(ر)، ٢٠١٧، حاج عيسی: إشاعات عودة النظام،أضغاث أحلام للبعض،و تمنيات للبعض الآخر، http://sdf-press.com/٢٠١٧/٠٨/

- المركز الإعلامی لقوات سوريا الديمقراطية(ر)، ٢٠١٧، الجنرال جونز: لا خيار أمام داعش سوی الاستسلام لـــ (قسد)، http://sdf-press.com/٢٠١٧/٠٨/

- المركز الإعلامی لقوات سوريا الديمقراطية(ژ)، ٢٠١٧، منح المواطنين بطاقات شخصية للدخول الآمن؛ تخريج الدورة ١١ لعناصر قوی الأمن الداخلی؛ ماكورك: نحن ملتزمون بالعمل مع مجلس الرقة المدنی، http://sdf-press.com/٢٠١٧/١٠/

- المركز الإعلامی لقوات سوريا الديمقراطية(س)، ٢٠١٧، بيان إعلان تحرير مدينة الرقة، http://sdf-press.com/٢٠١٧/١٠/

- المركز الإعلامی لقوات سوريا الديمقراطية(ش)، ٢٠١٧، افتتاح المجلس المدنی لمدينة دير الزور، http://sdf-press.com/٢٠١٧/٠٩

- المسئله، ٢٠١٥، بدر: قانون الحرس الوطنی مشروع امريكی: http://www.almesalah.com/index.php?page=article&id=٥٩٩٥٧

- المسئله، ٢٠١٦، شعبية الحشد الشعبی تقود انتخابات مجالس المحافظات ٢٠١٧ و البرلمانية ٢٠١٨ http://almasalah.com/ar/PrintNewspage.aspx?newsid=٨٠٨٣٦،

- المكتب الاعلامى لرئيس الوزراء (الف)، ٢٠١٣، مجلس الوزراء يتخذ إجراءات لمواجهة التحديات الأمنية، http://www.pmo.iq/press/٢٠١٣/٢٨٠٥٢٠١٣.htm

– المكتب الاعلامى لرئيس الوزراء (ب)، ٢٠١٣، رئيس الوزراء السيد نورى كامل المالكى يجرى جولة تفقدية ليلية فى أحياء بغداد و نقاط التفتيش،

http://pmo.iq/press/٢٠١٣/٣٠٠٥٢٠١٣.htm

– المكتب الإعلامى لرئيس الوزراء، ٢٠١٧، رئيس مجلس الوزراء الدكتور حيدر العبادى: العراقيون توحدوا فى محاربة الارهاب ونجحوا، http://www.pmo.iq/press٢٠١٧/٤-٦-٢٠١٧٢.htm

– المكتب الاعلامى لرئيس الوزراء، ٢٠١٧، كلمة رئيس الوزراء د حيدر العبادى لدى لقائه عدد من الصحفيين و الاعلامين و المحللين السياسين،

https://www.facebook.com/IraqPMMediaOffice/posts/٧٠٧٦٠٨٩٦٢٧٥٧١٣٥

– المكتب الاعلامى لرئيس الوزراء، ٢٠١٧، ملخص المؤتمر الاسبوعى لرئيس مجلس الوزراء الدكتور حيدر العبادى ١٨ – ٧ – ٢٠١٧،

https://www.facebook.com/IraqPMMediaOffice/posts/٧٢٣٢١٦٣٤٤٥٢٩٧٣٠

– المكتب الخاص لسماحه حجهالاسلام و المسلمين السيد مقتدى الصدر، ٢٠١٦، نص الورقة الإصلاحية للحشد الشعبى التى قدمها سماحة السيد القائد المجاهد مقتدى الصدر (أعزه الله) للرئاسات الثلاث و لهيئة الحشد الشعبى، http://jawabna.com/index.php/permalink/٩٩٠٣.html

– النبأ، ١٤٣٨، العدد ٧٥، صحيفة أسبوعية تصدر عن ديوان الإعلام المركزى،

https://azelin.files.wordpress.com/٢٠١٧/٠٤/the-islamic-state-al-nabacc٨٤_-newsletter-٧٥.pdf

– النبأ، ١٤٣٨، العدد ٨٥، صحيفة أسبوعية تصدر عن ديوان الإعلام المركزى،

https://azelin.files.wordpress.com/٢٠١٧/٠٦/the-islamic-state-al-nabacc٨٤_-newsletter-٨٥.pdf

– النبأ، ١٤٣٨، العدد ٨٨، صحيفة أسبوعية تصدر عن ديوان الإعلام المركزى،

https://azelin.files.wordpress.com/٢٠١٧/٠٧/the-islamic-state-al-nabacc٨٤_-newsletter-٨٨.pdf

– النبأ، ١٤٣٨، العدد٩٠، صحيفة أسبوعية تصدر عن ديوان الإعلام المركزى،

https://azelin.files.wordpress.com/٢٠١٧/٠٧/the-islamic-state-al-nabacc٨٤_-newsletter-٩٠.pdf

– النجف نيوز، المرجع الطائى ياذن بتشكيل لواء ابوالفضل العباس للدفاع عن مرقد السيدة زينب و يكشف عن استهدافه من قبل دول عربية، ٢٠١٣، http://najaf-news.com/index.php/

– الهيأة الوطنية العليا للمساءلة و العدالة، بيان صحفى صادر عن الهيأة الوطنية العليا للمساءلة و العدالة الدائرة الاعلامية بخصوص اخبار عن عودة البعثيين الى الوظيفة، ٢٠١٦،

http://ncajustice.iq/index.php?option=com_content&view=article&id=٥٧٨:٢٠١٦-٠١-١٤-٠٩-٢٦-٠٤&catid=٦٧:٢٠١٤-٠٢-١٣-١٥-٤٣-٥٠&Itemid=١٩٣

– اليوم السابع، مؤتمر أربيل لمكافحة الإرهاب يطالب عشائر السنة بالتوحد لمجابهة داعش، ٢٠١٤،

http://natega.innfrad.com/story/٢٠١٤/١٢/١٩/

– جهاز الامن الوطنى، هيئة الحشد الشعبى تحتفل بالذكرى السنوية لتأسيسها، ٢٠١٥،

http://www.nss.gov.iq/index.php?option=com_content&view=article&id=٢٦:٢٠١٥-٠٦-٢٢-١٠-٤٨-١٤&catid=٢:٢٠١٤-٠٦-٠٢-١٩-٢٦-٢٩&Itemid=٢

– روداو، العبادى يصدر أمراً ديوانياً لهيكلة الحشد الشعبى و موازاته لجهاز مكافحة الإرهاب، ٢٠١٦، http://rudaw.net/arabic/middleeast/iraq/٢٦٠٧٢٠١٦١٠

– روداو، الفياض: الحشد الشعبى ليس كالحرس الثورى و هو رديف للجيش العراقى من قبل روداو، ٢٠١٦، http://rudaw.net/arabic/middleeast/iraq/٢٧١١٢٠١٦٥

– سومر نيوز، لماذا لايستخدم ممثلو السيستانى كلمة الحشدالشعبى فى خطب الجمعة، ٢٠١٥، http://sumer.news/ar/news/٤٤٦٩/

– سوريا: على طول، حل جيش العشائر شمال سوريا، وسط اتهامات لـYPG بفرضها الحصار، ٢٠١٦، http://syriadirect.org/ar/news/

– سانا، الرئيس الأسد يتلقى رسالة شفهية من رئيس الوزراء العراقى تضمنت التأكيد على أهمية الاستمرار فى تعزيز التعاون القائم بين سورية و العراق فى حربهما ضد التنظيمات الإرهابية، ٢٠١٧، دمشق– سانا، http://www.sana.sy/?p=٥٥٧٢٤٤

– صحيفه المدى، العدد(٢٨٤٩)، رويترز: مرجعية النجف تمنع المشاركة بالقتال فى سوريا.. وقم تراه استهدافاً للهلال الشيعى، ٢٠١٣،

http://www.almadapaper.net/ar/ViewPrintedIssue.aspx?PageID=٤٦١٦&IssueID=٢٤٠

– عمليات لبيك يارسول الله الثانية فى محافظة صلاح الدين تحديدا فى منطقة بيجى والتى خاضتها قوات الحشد الشعبى باسناد القوات الامنية العراقية ضد زمر داعش الارهابية حتى تحقيق النصر الكبير فى مدينة بيجى لتكون

مســاحة ۱۱۸۸ بقبضــة قــوات الحشــد الشــعبی، هیئــه الحشــدالشــعبی– مدیریــه الإعــلام، ۲۰۱۵، -http://al
hashed.net/

– قناة نیو تی وی، السید حسن نصرالله لقاء قناة نیو تی وی، ۲۰۰۶،
https://www.youtube.com/watch?v=ckH۸g۸۸m۸mc

– قانون هیاة الحشدالشعبی، ۲۰۱٦، مجلس النواب العراقیه،
http://www.parliament.iq/details.aspx?LawIDF=۱۸۹۳٦

– قانون الاحزاب السیاسیة ، ۲۰۱۵، مجلس النواب العراقیه،
http://ar.parliament.iq/LiveWebsites/Arabic/Container.aspx?LawID=۱۵۷۱۸

– مسودة قانون الحرس الوطنی و تعدیلاته، ۲۰۱۵، www.idu.net/pdf.php?id=۳۳۷۰۷

– موقع المقاومة الإسلامیة فی لبنان، السید نصرالله: ستکتشف السعودیة مبکراً إذا کان هناک عقل یفکر أنها تخوض معرکة خاسرة، ۲۰۱٦،
http://www.moqawama.org/essaydetails.php?eid=۳۲۹۵۱&cid=۱٤۲

– موقع حرکة النجباء (الف)، اکرم الکعبی الامین العام لحرکة النجبـاء، ۲۰۱۷، -http://alnujaba.com/۸۲۷۳
-.html

– موقع حرکة النجباء (ب)، المسؤول العسکری لحرکة النجباء: تشکیل لواء تحریر الجـولان خطـوة بأتجـاه تحریـر المقدســـات فـــی فلســـطین المحتلـــة وإعاقـــة المشـــروع الاســـتکباری فـــی المنطقـــة، ۲۰۱۷، http://alnujaba.com/۸۲۷٦

– موقــع حرکــة النجبــاء (ج)، بالصــور: لــواء تحریــر جــولان المقاومــة الاســلامیة حرکــة النجبــاء، ۲۰۱۷، http://alnujaba.com/۸۲۷٤

– موقع المنار، السید نصرالله: أحد أهداف ما یجری فی المنطقة هو إنهاء القضیة الفلسطینیة، ۲۰۱۷،
http://www.almanar.com.lb/۲۲۱۸٦۵٤

– وزارة الدفاع فی الجمهوریة العربیة السوریة (الف)، ۲۰۱٦، بیان صادر عن القیادة العامة للجیش والقوات المسلحة، http://www.mod.gov.sy/index.php?node=۵٦٤۲&nid=۱۸۹۸۷&

– وزارت الدفاع فی الجمهوریه العربیه السوریه، بیان صادر عن القیادة العامة للجیش والقوات المسلحة، ۲۰۱۷، http://www.mod.gov.sy/index.php?node=۵٦٤۲&nid=۲۱۵۹۷&First=۰&Last=۸۳٤۵&CurrentPage=۰&FD=&TD=&&ctr=٦۵۵

منابع انگلیسی

کتاب

-Buzan, Barry, Wæver, Ole, Regions and Powers, Published in the United States of America by Cambridge university press, New York, ۲۰۰۳, ۰-۵۲۱-۸۹۱۱۱-۰ISBN-۱۳, ۹۷۸-۰-۵۱۱-۰۷۶۶۳-۳, EBOOK EBL, http://assets.cambridge.org/۹۷۸۰۵۲۱۸/۱۴۱۲۶/frontmatter/۹۷۸۰۵۲۱۸۱۴۱۲۶_frontmatter.pdf

- Muller, john, Theory of the Partisan and the 'War on Terror, An earlier version of this essay appeared in Notizie di Politeia: Rivista di Etica e Scelte Pubbliche, Vol XXII ۲۰۰۶; a new version is to be published in Scott Horton, ۲۰۰۶.

-McWilliams, Timothy S., Wheeler, Kurtis P., Al-Anbar Awakening ,Volume I , American Perspectives , U.S. Marines and Counterinsurgency in , Iraq , ۲۰۰۴-۲۰۰۹ , Marine Corps University United States Marine Corps Quantico, Virginia , ۲۰۰۹, http://www.hqmc.marines.mil/Portals/۶۱/Docs/Al-AnbarAwakeningVolI[۱].pdf

-Unified Land Operations ADRP ۳-۰, Distribution Restriction: Approved for public release; distribution is unlimited, Headquarters Department of the Army, ۲۰۱۲, https://fas.org/irp/doddir/army/adrp۳_۰.pdf

مقاله

-Ali, Fadhil, reviving the Iraqi Ba'ath: A Profile of General Muhammad Yunis al-Ahmad, terrorism monitor, Volume VII, Issue ۳: The Jamestown foundation, ۲۰۰۹, http://www.refworld.org/pdfid/۴c۷b۷۹۸b۰.pdf

-Alfoneh, Ali, Maximal Exposure, Minimal Presence: Iran's Military Engagement in Iraq, Copyright ۲۰۱۷ The Washington Institute - printed with permission, Policy Watch ۲۴۷۷, ۲۰۱۵, http://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/view/maximal-exposure-minimal-presence-irans-military-engagement-in-iraq

- Abu Zeed, Adnan, Baghdad looks to Trump with framework agreement, al-monitor, ۲۰۱۶, https://www.al-monitor.com/pulse/originals/۲۰۱۶/۱۲/strategic-framework-agreement-iraq-usa-trump.html

- Amnesty International, ۲۰۱۷, IRAQ: Turning a Blind Eye
The Arming of the Popular Mobilization Units, Index number: MDE ۱۴/۵۳۸۶/۲۰۱۷, https://www.amnesty.org/en/documents/mde۱۴/۵۳۸۶/۲۰۱۷/en/

- Al-Tamimi, Aymenn Jawad, The Local Defence Forces: Regime Auxiliary Forces in Aleppo, ۲۰۱۶, http://www.aymennjawad.org/۱۸۸۵۹/the-local-defence-forces-regime-auxiliary-forces

- Bergner, Kevin J., ۲۰۰۷, Multi National Force Iraq Situational Update, http://www.globalsecurity.org/military/library/news/۲۰۰۷/۰۷/mil-۰۷۰۷۰۲-mnfi-b۰۱.pdf

-Bergen & Others, ٢٠٠٨, Bombers, Bank Accounts and Bleed out: Al ‑ Qa`ida's Road In and Out of Iraq: COMBATING TERRORISM CENTER, https://www.ctc.usma.edu/v٢/wpcontent/uploads/٢٠١١/١٢/Sinjar_٢_FINAL.pdf
- Byman, Daniel & Shapiro, Jeremy, ٢٠١٤, Be Afraid. Be A Little Afraid: The Threat of Terrorism from Western Foreign Fighters in Syria and Iraq, POLICY PAPER Number ٣٤, foreign policy at Brookings, https://www.brookings.edu/wp-content/uploads/٢٠١٦/٠٦/Be-Afraid-web.pdf
- Beshara, Vincent & Roche, Cody, ٢٠١٦, Assad Regime Militias and Shi'ite Jihadis in the Syrian Civil War, the home of online investigations, https://www.bellingcat.com/news/mena/٢٠١٦/١١/٣٠/assad-regime-militias-and-shiite-jihadis-in-the-syrian-civil-war/
-Balanche, Fabrice, (A), ٢٠١٦, Arabs in the PYD-Controlled Area, Syrian Kurds as a U.S. ally, The Washington Institute for Near East Policy, http://www.washingtoninstitute.org/uploads/Documents/pubs/PolicyFocus١٥٠_Clawson.pdf
-Balanche, Fabrice, (B), ٢٠١٦, Status of the Syrian Rebellion: Numbers, Ideologies, and Prospects, Policy Watch ٢٧٢٧, The Washington Institute for Near East Policy, http://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/view/status-of-the-syrian-rebellion-numbers-ideologies-and-prospects
-Balanche, Fabrice, ٢٠١٧, Rojava Seeks to Break Out in Syria, Policy Watch ٢٧٨٤, The Washington Institute for Near East Policy, http://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/view/rojava-seeks-to-break-out-in-syria
-Carey, Sabine C, Pro-Government Militias and Conflict, School of Social Sciences University of Mannheim, ٢٠١٣, http://www.sowi.uni-mannheim.de/lspol٤/wp-content/uploads/٢٠١٦/٠١/Carey-Mitchell-ORE-web-version.pdf
- Croicu, Mihai Cătălin, Högbladh, Stina, Pettersson, Therése, Themnér, Lotta, ٢٠١١.UCDP External Support Project -Disaggregated/Supporter Dataset Codebook, Uppsala Conflict Data Program UCDP Department of Peace and Conflict Research, Uppsala University, http://ucdp.uu.se/downloads/extsup/ucdp_external_support_disaggregated_codebook_١,٠.pdf
- Crisis Group Middle East Report (N°١٣٦), Syria's Kurds: A Struggle within a Struggle, International Crisis Group, ٢٠١٣, https://d٢٠٧١andvip٠wj.cloudfront.net/syrias-kurds-a-struggle-within-a-struggle.pdf
- Caris, Charles C. & Reynolds, Samuel, ISIS Governance in Syria, Middle East Security Report ٢٢, by the Institute for the Study of War, ٢٠١٤, http://www.understandingwar.org/sites/default/files/ISIS_Governance.pdf
- Casagrande, Genevieve, the Road to Ar-Raqqah: Background on the Syrian Democratic Forces, Backgrounder, Understanding war, ٢٠١٦,

http://www.understandingwar.org/sites/default/files/The٪٢٠Road٪٢٠to٪٢٠ar-Raqqah٪٢٠ID٪٢٠FINAL.pdf
- Clawson, Patrick, Syrian Kurds as a U.S. Ally: Cooperation and Complications, Policy Focus ١٥٠, the Washington Institute for Near East Policy, ٢٠١٦, http://www.washingtoninstitute.org/uploads/Documents/pubs/PolicyFocus١٥٠_Clawson.pdf
-Cafarella, Jennifer and Kassim, Omer, Iran's Role in the Kirkuk Operation in Iraq, by the Institute for the Study of War, ٢٠١٧, http://www.understandingwar.org/backgrounder/iran%E٢٪٨٠٪٩٩s-role-kirkuk-operation-iraq
- Della Pergola, Sergio, Jewish demographic Policies, The Jewish People Policy Institute (JPPI), ٢٠١١, http://jppi.org.il/uploads/Jewish_Demographic_Policies.pdf
-Dukhan, Haian, Tribes and Tribalism in the Syrian Uprising, he Centre for Syrian Studies, ٢٠١٤, https://research-repository.st-andrews.ac.uk/bitstream/handle/١٠٠٢٣/٧٢١٧/Dukhan_٢٠١٤_SS_Tribalism.pdf

-Echevarria, Antulio J., Clausewitz's Center of Gravity it's Not What We Thought, Naval War College Review, Vol. LVI, No.١, ٢٠٠٣, https://www.usnwc.edu/getattachment/d٨٦٣be٩٥-٥٩٧d-٤٢٢٠-٨cb٦-١٦٩c٨٠ca١f٦b/Clausewitz-s-Center-of-Gravity--It-s-Not-What-We-T
-Echevarria, Antulio J., Clausewitz's Center Of Gravity: Changing Our Warfighting Doctrine—Again, Strategic Studies Institute SSI, ٢٠٠٢, http://www.strategicstudiesinstitute.army.mil/pdffiles/pub٣٦٣.pdf
-Eisenstadt, Michael, Knights, Michael, and Ali, Ahmed, Iran's Influence in Iraq Countering Tehran's Whole-of-Government Approach, Policy Focus #١١١, Washington Institute for Near East Policy, ٢٠١١, http://www.washingtoninstitute.org/uploads/Documents/pubs/PolicyFocus١١١.pdf
- Felter, Joseph, Fishman, Brian, Iranian Strategy in Iraq
Politics and "Other Means", Occasional Paper Series, Combating Terrorism Center at West Point, ٢٠٠٨, http://www.docexdocs.com/ctc/CTCDocumentGuide.pdf
- Gambhir, Harleen, ISIS'S GLOBAL STRATEGY: A WARGAME, MIDDLE EAST SECURITY REPORT ٢٨, by the Institute for the Study of War, ٢٠١٥, http://understandingwar.org/sites/default/files/ISIS٪٢٠Global٪٢٠Strategy٪٢٠--٪٢٠A٪٢٠Wargame٪٢٠FINAL.pdf
- Greenberg quinlan rosner research, Improved Security Provides Opening for Cooperation (March –April ٢٠١٧ Survey Findings), ٢٠١٧, https://www.ndi.org/sites/default/files/Iraq٪٢٠April٪٢٠٢٠١٧٪٢٠Survey٪٢٠Public٪٢٠Final٪٢٠٪٢٨١٪٢٩٪٢٠٪٢٨١٪٢٩.pdf

-Hoff man, Frank G., Conflict in the ٢١st Century: The Rise of Hybrid Wars, Potomac Institute for Policy Studies, Arlington, ٢٠٠٧, http://www.projectwhitehorse.com/pdfs/HybridWar_٠١٠٨.pdf
- Heras, Nicholas A. H, the Counter-Insurgency Role of Syria's "Popular Committees", Terrorism Monitor, Volume XI, Issue ٩, the Jamestown Foundation, ٢٠١٣, https://jamestown.org/wp-content/uploads/٢٠١٣/٠٥/TM_٠١١_Issue٠٩.pdf?x٨٧٠٦٩
- Holliday, Joseph, (A), The Assad Regime from Counterinsurgency to civil war, MIDDLE EAST SECURITY REPORT ٨, by the Institute for the Study of War, ٢٠١٣, http://www.understandingwar.org/sites/default/files/TheAssadRegime-web.pdf
- ________, (B), The Syrian Army, Doctrinal Order of Battle, Institute for the Study of War, ٢٠١٣, http://www.understandingwar.org/sites/default/files/SyrianArmy-DocOOB.pdf
- Herzog, Michael, New IDF Strategy Goes Public, Policy Watch ٢٤٧٩, the Washington Institute for Near East, ٢٠١٥, http://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/view/new-idf-strategy-goes-public
- Hughes, Michelle, Miklaucic, Michael, Impunity: Countering Illicit Power in War and Transition, Center for Complex Operations (CCO) and the Peacekeeping and Stability Operations Institute (PKSOI), ISBN: ٩٧٨-٠-٩٨٦١٨٦٥-٧-٨, ٢٠١٧, http://cco.ndu.edu/Portals/٩٦/Documents/Impunity/Impunity٪٢٠FINAL٪٢٠for٪٢٠Web.pdf
- IIACSS, Combating Da'esh: We Are Losing the Battle for Hearts and Minds, ٢٠١٥, https://www.slideshare.net/TWIPubs/combating-daesh-we-are-losing-the-battle-for-heartsandminds?ref=http://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/view/the-islamic-state-new-inside-views
-Jones, Seth G., A Persistent Threat, The Evolution of al Qa'ida and Other Salafi Jihadists, Rend, National Defense Research Institute, ٢٠١٤, http://www.rand.org/content/dam/rand/pubs/research_reports/RR٦٠٠/RR٦٣٧/RAND_RR٦٣٧.pdf
-Khalaji, Mehdi, the Last Marja, Sistani and the End of Traditional Religious Authority in Shiism, Policy Focus #٥٩, Washington Institute for Near East Policy, ٢٠٠٦, https://www.washingtoninstitute.org/uploads/Documents/pubs/PolicyFocus٥٩final.pdf
- Kurd Watch (Report ١), The Kurdish policy of the Syrian government and the development of the Kurdish movement since ١٩٢٠, European Center for Kurdish

Studies Emser Straße ٢٦, ٢٠٠٩,
http://www.kurdwatch.org/pdf/kurdwatch_einfuehrung_en.pdf
-Kurd Watch (Report ٥), Stateless Kurds in Syria Illegal invaders or victims of a nationalistic policy? , European Center for Kurdish Studies Emser Straße ٢٦, ٢٠١٠,
http://www.kurdwatch.org/pdf/kurdwatch_staatenlose_en.pdf
-Kurd Watch (Report ٦), Decree ٤٩ — Dispossession of the Kurdish population? Commentary on the political implications and economic consequences of a decree, European Center for Kurdish Studies Emser Straße ٢٦, ٢٠١٠,
http://www.kurdwatch.org/pdf/kurdwatch_dekret٤٩_nivisar_en.pdf
-Kurd Watch (Report ٩), what does the Syrian-Kurdish Opposition want? Politics between Erbil, Sulaymaniyah, Damascus, and Qandil, European Center for Kurdish Studies Emser Straße ٢٦, ٢٠١٣,
http://kurdwatch.org/pdf/KurdWatch_A٠٠٩_en_Parteien٢.pdf
- Kilcullen, David J., Syria after Geneva: Next Steps for U.S. Policy, testimony before the U.S. Senate Foreign Relations Committee, ٢٠١٤,
http://www.foreign.senate.gov/imo/media/doc/Kilcullen_Testimony.pdf
-Kozak, Christopher, An Army in all Corners, Middle East Security Report ٢٦, Institute for the Study of War, ٢٠١٥,
http://understandingwar.org/sites/default/files/An٪٢٠Army٪٢٠in٪٢٠All٪٢٠Corners٪٢٠by٪٢٠Chris٪٢٠Kozak٪٢٠١.pdf
- Knights, Michael, Last Man Standing: U.S. Security Cooperation and Kurdistan's Peshmerga, Policy Watch ٢٢٩٢, The Washington Institute for near East Policy, ٢٠١٤, http://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/view/last-man-standing-u.s.-security-cooperation-and-kurdistans-peshmerga
-________,The Long Haul, Rebooting U.S. Security Cooperation in Iraq , Policy Focus ١٣٧, The Washington Institute For Near East Policy , ٢٠١٥,
http://www.washingtoninstitute.org/uploads/Documents/pubs/PolicyFocus١٣٧_Knights٤.pdf
-________, The Future of Iraq’s Armed Forces, Baghdad, Al-Bayan Center for Planning and Studies, ٢٠١٦, https://www.washingtoninstitute.org/uploads/The-future.pdf
- Kagan, Frederick W., Kagan, Kimberly, Cafarella, Jennifer, Gambhir, Harleen, Zimmerman, Katherine, ٢٠١٦, Al Qaeda and ISIS: Existential Threats to the U.S. And Europe, U.S. Grand Strategy: Destroying ISIS and Al Qaeda, Report One, by the Institute for the Study of War,
http://post.understandingwar.org/sites/default/files/PLANEX٪٢٠Report٪٢٠١٪٢٠--٪٢٠FINALFINALFINAL.pdf
-Kassim, Omer, the ISW Iraq Team, and Cafarella, Jennifer, Iraq and Iran compel Kurdish withdrawal from Kirkuk, by the Institute for the Study of War, ٢٠١٧,

http://iswresearch.blogspot.co.uk/٢٠١٧/١٠/iraq-and-iran-compel-kurdish-withdrawal.html
-Levitt, Matthew, Syria's Financial Support for Jihad Syrian Terrorism, Middle East Quarterly, Volume ١٧: Number ١, ٢٠١٠, http://www.meforum.org/٢٥٧٩/syria-financial-support-jihad
- Lewis, Jessica D., Al-Qaeda in Iraq Resurgent, Part II, Middle East Security Report ١٥, by the Institute for the Study of War, ٢٠١٣, http://docs.house.gov/meetings/FA/FA١٨/٢٠١٣١٢١٢/١٠١٥٩١/HHRG-١١٣-FA١٨-Wstate-LewisJ-٢٠١٣١٢١٢.pdf
-________, The Islamic State: A Counter-Strategy for a Counter-State, Middle East Security Report ٢١, Institute for the Study of War, ٢٠١٤, http://www.understandingwar.org/sites/default/files/Lewis-Center٪٢٠of٪٢٠gravity.pdf
- Lewis, Jessica (A), ٢٠١٤, The Islamic St ate of Iraq Returns to Diyala, MIDDLE EAST SECURITY REPORT ١٨, by the Institute for the Study of War, https://de.scribd.com/doc/٢١٥٧٨٨٤٠٧/lewis-diyala
- ________, (B), ٢٠١٤, ISIS Batt le Plan for Baghdad, by the Institute for the Study of War, http://www.understandingwar.org/sites/default/files/ISIS-not-culminated.pdf
- Lewis McFate, Jessica, The ISIS Defense in Iraq and Syria: Countering an Adaptive Enemy, Middle East Security Report ٢٧, by the Institute for the Study of War, ٢٠١٥, http://www.understandingwar.org/sites/default/files/ISIS٪٢٠Defense٪٢٠in٪٢٠Iraq٪٢٠and٪٢٠Syria٪٢٠--٪٢٠Standard.pdf
- ________, and Pavlik, Melissa, ٢٠١٦, ISIS'S Global Attack Network: November ١٣, ٢٠١٥ – November ٩, ٢٠١٦, by the Institute for the Study of War, ٢٠١٦, http://www.understandingwar.org/backgrounder/isis%E٢٪٨٠٪٩٩s-global-attack-network-november-١٣-٢٠١٥-%E٢٪٨٠٪٩٣-november-٩-٢٠١٦
- Middle East Report N°١٧٥, Hezbollah's Syria Conundrum٢٠١٧, International Crisis Group, ٢٠١٧, https://d٢٠٧١andvip٠wj.cloudfront.net/١٧٥-hizbollah-s-syria-conundrum.pdf
-Orleans, Alexander, Echoes of Syria: Hezbollah reemerges in Iraq, by the Institute for the Study of War, ٢٠١٤, http://iswresearch.blogspot.co.uk/٢٠١٤/٠٨/echoes-of-syria-hezbollah-reemerges-in.html
-O'Driscoll, Dylan, van Zoonen, Dave, The Hashd al-Shaabi and Iraq Sub nationalism and the State, Middle East Research Institute, ٢٠١٧, http://www.meri-k.org/wp-content/uploads/٢٠١٧/٠٣/PMF-Report-٠,٢.pdf
-Pavel, Ryan, The De-Baathification of Iraq, The development and implementation of an ostensibly necessary vetting policy that turned into a tool of sectarianism, International Studies-Honors in the University of Michigan, ٢٠١٢,

http://deepblue.lib.umich.edu/bitstream/handle/٢٠٢٧,٤٢/٩١٨٨٨/rpavel.pdf?sequence=١
-Potter, Shayla D., The Center of Gravity Concept: A study of its Description and Application in Two Different eras, School of Advanced Military Studies United States Army Command and General Staff College Fort Leavenworth, Kansas, ٢٠١٣, www.dtic.mil/get-tr-doc/pdf?AD=ADA٦٠٦٢٧٥
- Pollack, Kenneth M., Building a Better Syrian Opposition Army the How and the Why, ANALYS I S PAPER, Number ٣٥, the Brookings Institution, ٢٠١٤, https://www.brookings.edu/wp-content/uploads/٢٠١٦/٠٦/Building-a-Better-Syrian-Armyweb.pdf
-Rueschhoff, Jan L. And Dunne, Jonathan P, Centers of Gravity from the ‘Inside Out, Joint Force Quarterly ٦٠, ٢٠١١, http://www.au.af.mil/au/awc/awcgate/jfq/rueschhoff_dunne_cog_inside_out.pdf
- Report: Syria Threat Tactics, U.S. Army, TRADOC G-٢ ACE Threats Integration, ٢٠١٦, https://publicintelligence.net/us-army-syria-threats/
- Tejel, Jordi, Syria’s Kurds History, politics and society, published by Rutledge is an imprint of the Taylor & Francis Group, an informal, ٢٠٠٩, ISBN http://www.kurdipedia.org/books/٧٤٤٨٨.pdf
-Tanir, Ileana, Vladimir van Wilgenburg & Omar Hossino, Unity or PYD power play? Syrian Kurdish dynamics after the Erbil Agreement, London, the Henry Jackson Society, ٢٠١٢, http://henryjacksonsociety.org/wp-content/uploads/٢٠١٢/١٠/HJS_Unity-or-PYD-Power-Play_-Report.pdf
- The Center Carter, SYRIA: Pro-Government Paramilitary Forces, ٢٠١٣, http://carnegieendowment.org/files/ACMR_Khaddour.pdf
-Yeisley, Mark O, ٢٠١١. Bipolarity, Proxy Wars, and the Rise of China, School of Advanced Air and Space Studies, Maxwell AFB, Alabama, http://www.au.af.mil/au/ssq/٢٠١١/winter/yeisley.pdf
- Yeğen, Mesut, ٢٠١٥, the Kurdish Peace Process in Turkey: Genesis, Evolution and Prospects, Working Paper ١١, Istanbul Şehir University, https://www.files.ethz.ch/isn/١٩١٣٧٩/gte_wp_١١.pdf
- Wyer, Sam, ٢٠١٢, The Resurgence Of Asa'ib Ahl Al-Haq, Middle East Security Report ٧, by the Institute for the Study of War, http://www.understandingwar.org

پایان‌نامه

- Craig, Dylan, PROXY WAR BY AFRICAN STATES١٩٥٠-٢٠١٠, faculty of the school of international service of American university, ٢٠١٢, http://aladinrc.wrlc.org/bitstream/handle/١٩٦١/١١٠١٢/Craig_american_٠٠٠٨E_١٠٢٣٤display.pdf?sequence=١
-Youra, Ryan Justin, Power plays: Exploring power and intervention in proxy wars, Submitted to the University Honors Program of American University in Partial

Fulfillment of the Requirements for the Degree of Bachelor of Arts University Honors in International Studies, ٢٠١٤,
http://auislandorastage.wrlc.org/islandora/object/auislandora٪٣A٥٠١٨/d
tastream/PDF/view

منابع خبری

-Ведомости, ٢٠١٥, Российская армия продолжит закупать беспилотники израильской разработки ٠٣,٠٩,٢٠١٥, Ведомости, Алексей Никольский:
http://www.vedomosti.ru/politics/articles/٢٠١٥/٠٩/٠٤/٦٠٧٤٥٩-rossiiskaya-armiya-prodolzhit-zakupat-bespilotniki-izrailskoi-razrabotki
-Brett McGurk, ٢٠١٦,
https://twitter.com/brett_mcgurk/status/٧٧٠١٨٥٧٢٨٠٨٥٠٧٣٩٢٠
-Coalition Provisional Authority Order Number١, Debaathification Of Iraqi Society: CPA/ORD/١٦ May ٢٠٠٣/٠١, ٢٠٠٣,
http://nsarchive.gwu.edu/NSAEBB/NSAEBB٤١٨/docs/٩a٪٢٠-
٪٢٠Coalition٪٢٠Provisional٪٢٠Authority٪٢٠Order٪٢٠No٪٢٠١٪٢٠-٪٢٠٥-١٦-
٠٣.pdf
- Coalition Provisional Authority Order Number ٩١ Regulation OF Armed Forces and Militias within IRAQ, CPA/ORD/٠٢JUNE٠٤/٩١, ٢٠٠٤,
http://psm.du.edu/media/documents/national_regulations/countries/middle_east_and_north_africa/iraq/iraq_coalition_provisional_authority_order_number_٩١_٢٠٠٤.pdf
-Coalition Provisional Authority Order Number ١٠٠, ٢٠٠٤, CPA/ORD/٢٨ JUNE ٢٠٠٤/١٠٠: Coalition Provisional Authority Order Number ١٠٠, Transition of Laws, Regulations, Orders, And Directives Issued by the Coalition Provisional Authority, ٢٠٠٤, http://www.ecoi.net/file_upload/١٥٠٤_١٢١٥٧٦٢٣٥٠_coalition-provisional-authority-order-no-١٠٠-transition-of-laws-regulations-orders-and-directives-issued-by-the-cpa.pdf
- ________, Dissolution Of Entities: CPA/ORD/٢٣ May ٢٠٠٣/٠٢, ٢٠٠٣,
http://nsarchive.gwu.edu/NSAEBB/NSAEBB٤١٨/docs/٩b٪٢٠-
٪٢٠Coalition٪٢٠Provisional٪٢٠Authority٪٢٠Order٪٢٠No٪٢٠٢٪٢٠-٪٢٠٨-٢٣-
٠٣.pdf.pdf
- Council on Foreign Relations (A), IRAQ: Debaathification, Backgrounder by Sharon Otterman, https://www.cfr.org/backgrounder/iraq-debaathification
-________, (B), IRAQ: Infiltration of Iraqi Forces Backgrounder by Sharon Otterman, ٢٠٠٥, https://www.cfr.org/backgrounder/iraq-infiltration-iraqi-forces
- CJTF-OIR PAO, ٢٠١٥, the building partner capacity program trains and equips Iraqi Security Forces and tribal fighters, http://www.inherentresolve.mil/building-partner-capacity/igphoto/٢٠٠١٤٥٩٨٤٤/
- ________, ٢٠١٧, Iraqi Security Forces liberate Mosul,

http://www.inherentresolve.mil/News/News-Releases/Article/١٢٤١٢٤٧/iraqi-security-forces-liberate-mosul/
- ________, (A), ٢٠١٧, Syrian Arab Coalition commences anti-ISIS clearing operations in the Khabur River valley, http://www.inherentresolve.mil/News/News-Releases/Article/١٣٠٤٣٥٦/syrian-arab-coalition-commences-anti-isis-clearing-operations-in-the-khabur-riv/
-________, (B), ٢٠١٧, Coalition Defends Partner Forces from Syrian Fighter Jet Attack, Release # ٢٠١٧٠٦١٨-٠٢, http://www.centcom.mil/MEDIA/PRESS-RELEASES/Press-Release-View/Article/١٢١٧٨٩٢/coalition-defends-partner-forces-from-syrian-fighter-jet-attack/
- ________, (C), ٢٠١٧, Coalition Progresses in Mosul, Raqqa to Defeat ISIS, Spokesman Says, https://www.defense.gov/News/Article/Article/١٢٠٨٤٥٠/coalition-progresses-in-mosul-raqqa-to-defeat-isis-spokesman-says/
- Committee on the Armed Services (A), ٢٠١٧, Statement OF General Joseph L. Votel Commander U.S. Central Command Before The House Armed Services Committee on The Posture Of U.S. Central Command, https://armedservices.house.gov/legislation/hearings/full-committee-hearing-military-assessment-security-challenges-greater-middle
-Dabiq, (Issue: ٤), The Failed Crusade, ١٤٣٥, https://azelin.files.wordpress.com/٢٠١٥/٠٢/the-islamic-state-e٢٨٠٩cdc٤٨١biq-magazine-٤٢٢.pdf
- ________, (Issue: ٥), Remaining and Expanding, ١٤٣٦, http://media.clarionproject.org/files/islamic-state/isis-isil-islamic-state-magazine-issue-٥-remaining-and-expanding.pdf
-Department Of Defense Budget Fiscal Year (FY) ٢٠١٨, Office of the Secretary Of Defense, ٢٠١٧, https://www.occrp.org/documents/the-pentagon-is-spending-٢-billion-on-soviet-style-arms-for-syrian-rebels/Pentagon٨.pdf
-H.R.١٧٣٥, Fact Sheet: Highlights of the Committee on Armed Services Bill, H.R. ١٧٣٥ National Defense Authorization Act for Fiscal Year ٢٠١٦: Ext: ٥٢٥٣٩, ٢٠١٥, http://armedservices.house.gov/index.cfm?a=Files.Serve&File_id=٤C٦٩٠٤٠B-B٦٨٦-٤٥E٣-A٨٣A-١CE٧٧٧٥٧FEFF
-House of Representatives, Dalton, Melissa G., Statement before the House Foreign Affairs Committee Subcommittee on Terrorism, Nonproliferation, and Trade, “Defeating Terrorism in Syria: A New Way Forward”, Hearing Before The Sub Committee On Terrorism, Nonproliferation, And Trade, Serial No. ١١٥–٣, ٢٠١٧, http://docs.house.gov/meetings/FA/FA١٨/٢٠١٧٠٢١٤/١٠٥٥٥٣/HHRG-١١٥-FA١٨-Transcript-٢٠١٧٠٢١٤.pdf
-Haaretz (A), ٢٠١٦, Amos Harel, Feb ٢١, ٢٠١٦, Israel Is Changing Its Approach to Syria War Amid Assad's Battleground Advances, http://www.haaretz.com/israel-news/.premium-١,٧٠٤٤٣٧

-________, (A), ٢٠١٧, Israel Struck Syrian and Hezbollah Arms Convoys Nearly ١٠٠ Times in Five Years, Top General Says, http://www.haaretz.com/middle-east-news/١,٨٠٧٢٤٦
-________, (B), As Syria Cease-fire Begins, Netanyahu Warns of Iranian Entrenchment on Israel's Border, ٢٠١٧, https://www.haaretz.com/israel-news/١,٨٠٠٣٠٨
- Inform Napalm (A), War in Syria: Russia Paved Its Way to the Ground Operation through the Sea, ٢٠١٥, https://informnapalm.org/en/dec٠٢-war-in-syria/
- ________, (B), Russian Private Military Companies as Licensed Tool of Terror, ٢٠١٥, https://informnapalm.org/en/russian-private-military-companies-as-licensed-tool-of-terror/
- ________, (A), Inform Napalm Chronicles: a year of Russia destroying Syria, ٢٠١٦, https://informnapalm.org/en/informnapalm-chronicles-a-year-of-russia-destroying-syria/
- Izady, Michael, Iran Religions- version ١٥, Maps and Statistics Collections, ٢٠١٦, http://gulf٢٠٠٠.columbia.edu/images/maps/Iran_Religions_lg.png
- IHS Markit, ٢٠١٧, Study Shows Islamic State's Primary Opponent in Syria Is Government Forces, Published on IHS Online Newsroom, http://news.ihsmarkit.com/press-release/aerospace-defense-security/study-shows-islamic-states-primary-opponent-syria-governmen
- Jihadology, New video message from The Islamic State: "Persia: Between Yesterday and Today – Wilāyat Diyālā", ٢٠١٧, https://archive.org/download/belad_fares.mp٤
-Kurd watch (A), Decree ٤٣ makes it easier to transfer land in border regions, European Center for Kurdish Studies Emser Straße ٢٦, ٢٠١١, http://www.kurdwatch.org/index.php?aid=١٤٧٥&z=en
-________, (B), Damascus: Registered stateless Kurds to be naturalized, European Center for Kurdish Studies Emser Straße ٢٦, ٢٠١١, http://www.kurdwatch.org/index.php?aid=١٤٠١&z=en
-________, Al-Qamishli: Kurdish Youth Movement organizes demonstrations, European Center for Kurdish Studies Emser Straße ٢٦, ٢٠١٤, http://www.kurdwatch.org/index.php?aid=٣٠٢٢&z=en&cure=١٠١٦
-Longwarjournal, Iraqi Popular Mobilization Forces launch operation southwest of Mosul, ٢٠١٧, http://www.longwarjournal.org/archives/٢٠١٧/٠٤/iraqi-popular-mobilization-forces-launch-operation-southwest-of-mosul.php
- McGurk, Brett, Statement for the Record: Deputy Assistant Secretary Brett McGurk Senate Foreign Relations Committee Hearing:
Iraq at a Crossroads: Options for U.S. Policy, ٢٠١٤, https://www.foreign.senate.gov/imo/media/doc/McGurk٪٢٠Testimony٪٢٠٠٧٢٤١٤-Final٪٢٠Version٪٢٠REVISED.pdf

- McGurk, Brett, Terrorist March In Iraq: The U.S. Response, Hearing Before The Committee On Foreign Affairs House OF Representatives One Hundred Thirteenth Congress Second Session, Serial No. ١١٣–١٩٠ , U.S. Government Printing Office , ٨٨–٨٢٩PDF, ٢٠١٤,
http://docs.house.gov/meetings/FA/FA٠٠/٢٠١٤٠٧٢٣/١٠٢٤٨٥/HHRG-١١٣-FA٠٠-Transcript-٢٠١٤٠٧٢٣.pdf
- Mcchrystalgroup, My Share of the Task: A Memoir, Baghdad 'Belts', Cartographic Concepts Inc., ٢٠١٧, http://www.mapmanusa.com/cci-my-share-of-the-task-٤.html
- Ministry of Defence of the Russian Federation (A), List of armed formations, which joined the ceasefire in the Syrian Arab Republic, ٢٠١٦,
http://eng.mil.ru/en/news_page/country/more.htm?id=١٢١٠٧٢٢٧@egNews
- ________, (A), Russian Defence Ministry held a briefing titled Principles of implementation of the Memorandum on Syria de-escalation zones signed in Astana, ٢٠١٧, http://eng.mil.ru/en/news_page/country/more.htm?id=١٢١٢١٩٦٤@egNews
-________, (B), Russian Defence Ministry Board session took place in Moscow, ٢٠١٧, http://eng.mil.ru/en/news_page/country/more.htm?id=١٢١٣٤٨٠٢@egNews
-NBC news, Mosul Is Just the Beginning, and It Will Only Get Tougher: U.S. Commanders, ٢٠١٦, http://www.nbcnews.com/news/world/mosul-just-beginning-it-will-only-get-tougher-u-s-n٦٧٤٢٦٦
- NATO launches training effort in Iraq, ٢٠١٧,
http://www.nato.int/cps/en/natohq/news_١٤٠٦٠٧.htm
- O'balance, Edgar, No Victor, No Vanquished, the Yom Kippur War, ١٩٧٥,
http://www.hativa١٤.com/wp-content/uploads/٢٠١٤/٠٣/Edgar_Oballance.pdf
- OIR Fact Sheet, National Defence Authorization ACT, ٢٠١٥,
http://armedservices.house.gov/index.cfm/ndaa-home?p=ndaa
-Operation Inherent Resolve (Cost Update), ٢٠١٧, https://www.defense.gov/OIR/
-________, (Strike Update), ٢٠١٧, https://www.defense.gov/OIR/
-Operation Inherent Resolve Report to the United States Congress, ٢٠١٧, Lead Inspector General for Overseas Contingency Operations,
https://oig.usaid.gov/sites/default/files/otherreports/quarterly_oir_٠٦٣٠١٧.pdf
-President of Russia (A), Meeting with Prime Minister of Israel Benjamin Netanyahu, The Kremlin, Moscow, ٢٠١٥,
http://en.kremlin.ru/events/president/news/٥٠٣٣٥
-________,(B), Meeting with Prime Minister of Israel Benjamin Netanyahu, The Kremlin, Moscow, ٢٠١٥, http://en.kremlin.ru/events/president/news/٥٠٣٣٥
-________,(A), Meeting with Prime Minister of Israel Benjamin Netanyahu, The Kremlin, Moscow, ٢٠١٧, http://en.kremlin.ru/events/president/news/copy/٥٤٠١٦
- ________, (B), Meeting with Prime Minister of Israel Benjamin Netanyahu, The Kremlin, Moscow, ٢٠١٧,
http://en.kremlin.ru/events/president/news/٥٥٣٩٩

-Rudaw, ISIS boasts rising number of recruits among Iranian Kurds, ٢٠١٤, http://www.rudaw.net/english/middleeast/iran/١٠١٢٢٠١٤١
-Sustaining U.S. Global Leadership: Priorities for ٢١st Century Defense, ٢٠١٢, http://archive.defense.gov/news/Defense_Strategic_Guidance.pdf
-Security Council, Statement by the President of the Security Council, S/PRST/٢٠١٤/٢٣, ٢٠١٤, https://www.un.org/en/ga/search/view_doc.asp?symbol=S/PRST/٢٠١٤/٢٣
-________,Letter dated ١٩ May ٢٠١٥ from the Chair of the Security Council Committee pursuant to resolutions ١٢٦٧ (١٩٩٩) and ١٩٨٩ (٢٠١١) concerning Al-Qaida and associated individuals and entities addressed to the President of the Security Council, S/٢٠١٥/٣٥٨, ٢٠١٥, https://www.un.org/en/sc/ctc/docs/٢٠١٥/N١٥٠٨٤٥٧_EN.pdf
- ________, Report of the Secretary-General on the implementation of Security Council resolution ٢٢٣١ (٢٠١٥), United Nations, Security Council, ٢٠١٦, http://www.un.org/ga/search/view_doc.asp?symbol=S/٢٠١٦/٥٨٩
-________, (S/٢٠١٧/٣٥), Letter dated ١١ January ٢٠١٧ from the Chair of the Security Council Committee pursuant to resolutions ١٢٦٧(١٩٩٩), ١٩٨٩ (٢٠١١)and ٢٢٥٣ (٢٠١٥) concerning Islamic State in Iraq and the Levant (Da'esh), Al-Qaida and associated individuals, groups, undertakings and entities addressed to the President of the Security Council, ٢٠١٧, https://undocs.org/S/٢٠١٧/٣٥
- ________, (S/٢٠١٧/٤٦٧), fifth report of the Secretary-General on the threat posed by ISIL (Da'esh) to international peace and security and the range of United Nations efforts in support of Member States in countering the threat, ٢٠١٧, https://undocs.org/en/S/٢٠١٧/٤٦٧
-________, (٨٠٠٧TH Meeting), Unanimously Adopting Resolution ٢٣٦٨ (٢٠١٧), Security Council Reaffirms Its Resolve to Combat Terrorism, SC/١٢٩١٧, ٢٠١٧, https://www.un.org/press/en/٢٠١٧/sc١٢٩١٧.doc.htm
-South front, Iranian Plans To Reform Syrian Army, ٢٠١٦, https://southfront.org/iranian-plans-to-reform-syrian-army/
-Statement for the Record Worldwide Threat Assessment of the US Intelligence Community, ٢٠١٧, https://www.intelligence.senate.gov/sites/default/files/documents/os-coats-٠٥١١١٧.pdf
-The Jerusalem Post (A), a cross-border Hezbollah terrorist attack targeting the IDF wouldn't lead to a large scale conflict, a simulation held recently by military and strategic experts found. The Jerusalem Post - Israel News by Yaakov Lapin ١٢/٣, ٢٠١٤, http://www.jpost.com/Arab-Israeli-Conflict/In-simulation-Hezbollah-border-attack-doesnt-lead-to-war-٣٨٦١٠٧
-________, (A), Meeting with Prime Minister of Israel Benjamin Netanyahu, The Kremlin, Moscow, ٢٠١٦, http://en.kremlin.ru/events/president/news/٥١٧٦٥

-________, (B), Netanyahu: Does Syria's Assad have a future?, By Tovah Lazar off, June ٨, ٢٠١٦, http://www.jpost.com/Israel-News/Politics-And-Diplomacy/Netanyahu-Does-Assad-have-a-future-٤٥٦٢٤٨
-________, (A), Netanyahu after Putin meeting: Iran wants the 'Lebanonization' of Syria, ٢٠١٧, http://www.jpost.com/Arab-Israeli-Conflict/Netanyahu-after-Putin-meeting-Iran-wants-the-Lebanonization-of-Syria-٥٠٣٢١٨
-The Federalist, What Benjamin Netanyahu Said about Syria Might Surprise You, ٢٠١٦, http://thefederalist.com/٢٠١٥/١١/١٠/what-benjamin-netanyahu-said-about-syria-might-surprise-you/
-The National Security Strategy of the United States of America, the white house, Washington, ٢٠١٥, https://obamawhitehouse.archives.gov/sites/default/files/docs/٢٠١٥_national_security_strategy.pdf
- Times of Israel (A), Russia to allow Israeli strikes on Syrian arms transfers, PM says, ٢٠١٥, http://www.timesofisrael.com/russia-to-allow-israeli-strikes-on-syrian-arms-transfers-pm-says/
- The IDF Strategy (Av ٥٧٧٥), the IDF Chief of the General Staff, ٢٠١٥, https://www.idfblog.com/s/Desktop/IDF٪٢٠Strategy.pdf
-The Jerusalem Post (A), Netanyahu: Does Syria's Assad have a future? , By Tovah Lazar off, ٢٠١٦, http://www.jpost.com/Israel-News/Politics-And-Diplomacy/Netanyahu-Does-Assad-have-a-future-٤٥٦٢٤٨
-The guardian, Iran changes course of road to Mediterranean coast to avoid US forces, Martin Chulov Middle East correspondent, ٢٠١٧, https://www.theguardian.com/world/٢٠١٧/may/١٨/us-iran-jet-attack-syria
-The Gulf/٢٠٠٠ Project, ٢٠١٦, the Middle East Institute at Columbia University, http://gulf٢٠٠٠.columbia.edu/about.shtml
-The Ministry of Foreign Affairs of the Russian Federation (A), Memorandum on the creation of de-escalation areas in the Syrian Arab Republic, ٢٠١٧, http://www.mid.ru/ru/foreign_policy/news/-/asset_publisher/cKNonkJE٠٢Bw/content/id/٢٧٤٦٠٤١?p_p_id=١٠١_INSTANCE_cKNonkJE٠٢Bw&_١٠١_INSTANCE_cKNonkJE٠٢Bw_languageId=en_GB
-________, (B), Foreign Minister Sergey Lavrov's remarks and answers to media questions, following talks with US Secretary of State Rex Tillerson, Washington DC, ٢٠١٧, http://www.mid.ru/en/foreign_policy/news/-/asset_publisher/cKNonkJE٠٢Bw/content/id/٢٧٥١٣٢٨
- ________, (A), Office of the Press Secretary, For Immediate Release, Readout of the President's Call with King Salman bin Abd Al-Aziz Al Saud of Saudi Arabia, Office of the Press Secretary, ٢٠١٧, https://www.whitehouse.gov/the-press-office/٢٠١٧/٠١/٢٩/readout-presidents-call-king-salman-bin-abd-al-aziz-al-saud-saudi-arabia

- ________, (B), Office of the Press Secretary, For Immediate Release, Readout of the President's Call with Prime Minister Haider al-Abadi of Iraq, Office of the Press Secretary, ٢٠١٧, https://www.whitehouse.gov/the-press-office/٢٠١٧/٠٢/١٠/readout-presidents-call-prime-minister-haider-al-abadi-iraq
- ________, (C), Office of the Press Secretary, For Immediate Release, President Trump's Speech to the Arab Islamic American Summit, Remarks as prepared for delivery, Office of the Press Secretary, ٢٠١٧, https://www.whitehouse.gov/the-press-office/٢٠١٧/٠٥/٢١/president-trumps-speech-arab-islamic-american-summit
- The White House (D), Office of the Press Secretary, For Immediate Release, Joint Statement Between the Kingdom of Saudi Arabia and the United States of America, Office of the Press Secretary, ٢٠١٧, https://www.whitehouse.gov/the-press-office/٢٠١٧/٠٥/٢٣/joint-statement-between-kingdom-saudi-arabia-and-united-states-america
- ________, (E), Statement of Extraordinary Summit of the Cooperation Council for the Arab States of the Gulf (GCC) and the United States of America, Office of the Press Secretary, ٢٠١٧, https://www.whitehouse.gov/the-press-office/٢٠١٧/٠٥/٢٣/statement-extraordinary-summit-cooperation-council-arab-states-gulf-gc
- ________, (F), Statement by the President on the Terrorist Attacks in Iran, Office of the Press Secretary, ٢٠١٧, https://www.whitehouse.gov/the-press-office/٢٠١٧/٠٦/٠٧/statement-president-terrorist-attacks-iran
- ________, (G), President Donald J. Trump's New Strategy on Iran, ٢٠١٧, https://www.whitehouse.gov/the-press-office/٢٠١٧/١٠/١٣/president-donald-j-trumps-new-strategy-iran
- ________, (H), Office of the Press Secretary, For Immediate Release, Background Press Briefing on the Upcoming Visits of President al-Sisi of Egypt and His Majesty King Abdullah II of Jordan, James S. Brady Briefing Room, ٢٠١٧, https://www.whitehouse.gov/the-press-office/٢٠١٧/٠٣/٣١/background-press-briefing-upcoming-visits-president-al-sisi-egypt-and
-________, (I), Office of the Press Secretary, For Immediate Release, May ٠٢, ٢٠١٧, Readout of President Donald J. Trump's Call with President Vladimir Putin of the Russian Federation, https://www.whitehouse.gov/the-press-office/٢٠١٧/٠٥/٠٢/readout-president-donald-j-trumps-call-president-vladimir-putin-russian
-________, (J), The White House, Office of the Press Secretary, For Immediate Release, Readout of President Donald J. Trump's Meeting with Foreign Minister Sergey Lavrov of Russia, ٢٠١٧, https://www.whitehouse.gov/the-press-office/٢٠١٧/٠٥/١٠/readout-president-donald-j-trumps-meeting-foreign-minister-sergey-lavrov

- United States Central Command (A), ٢٠١٦, Area of Responsibility: http://www.centcom.mil/AREA-OF-RESPONSIBILITY/
- ________, (B), ٢٠١٦, Statement of General Lloyd J. Austin III on the Posture of U.S. Central Command: USCENTCOM, ٢٠١٦: http://www.centcom.mil/ABOUT-US/POSTURE-STATEMENT/
-________, (C), ٢٠١٦, Dunford Observes Iraqi Armor Training Exercises, http://www.centcom.mil/news/news-article/dunford-observes-iraqi-armor-exercises
- U.S Department of Defense, ٢٠١٠, with Gen. Odierno from the Pentagon, Presenter: Commander, U.S. Forces-Iraq Gen. Raymond Odierno, http://www.defense.gov/transcripts/transcript.aspx?transcriptid=٤٦٣٢
- ________, (A), ٢٠١٥, Remarks John Kerry Secretary of State Grand Hotel Vienna, http://www.state.gov/secretary/remarks/٢٠١٥/١٠/٢٤٩٠١٩.htm
- ________, (B), ٢٠١٥, Remarks John Kerry Secretary of State Grand Hotel Vienna, Austria, http://www.state.gov/secretary/remarks/٢٠١٥/١٠/٢٤٩٠١٩.htm
- ________, (C), ٢٠١٥, Press Availability with Russian Foreign Minister Sergey Lavrov and UN Special Envoy Staffan de Mistura, Press Availability, John Kerry,Secretary of State,Vienna, Austria, http://www.state.gov/secretary/remarks/٢٠١٥/١١/٢٤٩٥١٥.htm
- ________, (A), ٢٠١٦, Carter: ٦٠٠ Troops to Deploy to Enable Iraqis to Retake Mosul from ISIL, https://www.defense.gov/News/Article/Article/٩٥٨٥٣٤/carter-٦٠٠-troops-to-deploy-to-enable-iraqis-to-retake-mosul-from-isil/source/GovDelivery/
-________, (B), ٢٠١٦, Statement on Counter-ISIL Operations and U.S. Military Strategy in the Middle East before the Senate Armed Services Committee, https://www.defense.gov/News/Speeches/Speech-View/Article/٧٤٤٩٣٦/statement-on-counter-isil-operations-and-us-military-strategy-in-the-middle-eas/
-________, (C), ٢٠١٦, Garamone, Jim, Dunford, Turkish Leaders Create Long-term Plan against ISIL in Raqqa, http://www.defense.gov/News/Article/Article/٩٩٧٣٧٣/dunford-turkish-leaders-create-long-term-plan-against-isil-in-raqqa
-________, (D), ٢٠١٦, Garamone, Jim, Dunford, Turkish Leaders Create Long-term Plan against ISIL in Raqqa, http://www.defense.gov/News/Article/Article/٩٩٧٣٧٣/dunford-turkish-leaders-create-long-term-plan-against-isil-in-raqqa
- ________, (A), ٢٠١٧, Statement on Russia, Turkey, and Iran's De-Escalation Zones Plan for Syria, Press Statement, Heather Nauert Department Spokesperson, https://www.state.gov/r/pa/prs/ps/٢٠١٧/٠٥/٢٧٠٦٤٧.htm
-U.S Department of State (A), ٢٠١٧, Remarks With Saudi Foreign Minister Adel al-Jubeir at a Press Availability, Share, Remarks, Rex W. Tillerson, Secretary of State,

Courtyard Riyadh Diplomatic Quarter, Riyadh, Saudi Arabia, Office of the Press Secretary, https://www.state.gov/secretary/remarks/٢٠١٧/٠٥/٢٧١٠٠٥.htm
-________, (B), ٢٠١٧, Department of Defense Press Briefing by Secretary Mattis, General Dunford and Special Envoy McGurk on the Campaign to Defeat ISIS in the Pentagon Press Briefing Room, Press Operations,
https://www.defense.gov/News/Transcripts/Transcript-View/Article/١١٨٨٢٢٥/department-of-defense-press-briefing-by-secretary-mattis-general-dunford-and-sp/source/GovDelivery/
-________, (C), ٢٠١٧, Department of Defense Press Briefing by Colonel Dillon via teleconference from Baghdad, Iraq,
https://www.defense.gov/News/Transcripts/Transcript-View/Article/١٢٢٧٩٦٣/department-of-defense-press-briefing-by-colonel-dillon-via-teleconference-from/
-U.s Department of Treasury, ٢٠٠٨, Treasury Designates Individuals and Entities Fueling Violence in Iraq,
https://www.treasury.gov/press-center/press-releases/Pages/hp١١٤١.aspx
- ________,, ٢٠١٢, Treasury Designates Hizballah Commander Responsible for American Deaths in Iraq: https://www.treasury.gov/press-center/press-releases/Pages/tg١٧٧٥.aspx
- ________,, ٢٠١٣, Treasury Sanctions Hizballah Leadership,
https://www.treasury.gov/press-center/press-releases/Pages/jl٢١٤٧.aspx
-United Nations Iraq, ٢٠١٤, UN Casualty Figures for December, ٢٠١٣ deadliest since ٢٠٠٨ in Iraq,
http://www.uniraq.org/index.php?option=com_k٢&view=item&id=١٤٩٩:un-casualty-figures-for-december-٢٠١٣-deadliest-since-٢٠٠٨-in-iraq&Itemid=٦٣٣&lang=en
- United Nations (S/٢٠١٤/٤٤٠), ٢٠١٤, Letter dated ٢٥ June ٢٠١٤ from the Permanent Representative of Iraq to the United Nations addressed to the Secretary-General, http://www.securitycouncilreport.org/atf/cf/٪٧B٦٥BFCF٩B-٦D٢٧-٤E٩C-٨CD٣-CF٦E٤FF٩٦FF٩٪٧D/s_٢٠١٤_٤٤٠.pdf
- ________, (S/٢٠١٤/٦٩١), ٢٠١٤, Letter dated ٢٠ September ٢٠١٤ from the Permanent Representative of Iraq to the United Nations addressed to the President of the Security Council, https://www.justsecurity.org/wp-content/uploads/٢٠١٥/١٢/Iraq-Letter-Requesting-US-Help-٠٩٢٠٢٠١٤.pdf
-________, (S/٢٠١٤/٦٩٥), ٢٠١٤, Letter dated ٢٣ September ٢٠١٤ from the Permanent Representative of the United States of America to the United Nations addressed to the Secretary-General,
http://www.securitycouncilreport.org/atf/cf/٪٧B٦٥BFCF٩B-٦D٢٧-٤E٩C-٨CD٣-CF٦E٤FF٩٦FF٩٪٧D/s_٢٠١٤_٦٩٥.pdf

-________, S/RES/٢٢٤٩ (٢٠١٥), ٢٠١٥, Adopted by the Security Council at its ٧٥٦٥th meeting, on ٢٠ November ٢٠١٥, http://www.un.org/ga/search/view_doc.asp?symbol=S/RES/٢٢٤٩٪٢٨٢٠١٥٪٢٩&referer=/english/&Lang=E
-Ynetnews (A), ٢٠١٢, Russian-Israelis vote for next Kremlin leader by Polina Perlman, http://www.ynetnews.com/articles/٠،٧٣٤٠,L-٤١٩٨١٨٠،٠٠.html

Abstract:
The formation of ISIL's physical centers of gravities in Iraq and Syria led to the creation of mechanisms to inhibit and eradicate this threat at three levels: internal, regional, and systematic. But the different essence of play and profit of interested actors within the framework of various forms of friendship-hostility made the possibility that the mechanisms created within the framework of power struggles would also be applied.

Thus, the effect of inhibitory mechanisms of ISIL based on a model of traditional hostilities affecting the national security of the Islamic Republic of Iran, considered some possibilities such as the internal transmutation of the Middle East security complex, the regional collapse resulting from the direct entry of powers outside this complex and the overthrow of its intrinsic scrutiny.

These possibilities led to the question that what is the effect of inhibitory mechanisms of ISIL in Iraq and Syria on the national security of the Islamic Republic of Iran?

Hence, on the basis of existing issues and the questions surrounding them, this hypothesis was proposed that all the inhibitory mechanisms of ISIL in Iraq and Syria

Within the framework of a systematic counter-terrorism struggle have a positive effect on the national security of the Islamic Republic of Iran,

But in the long run and within the framework Power struggles, part of these mechanisms which are outside Iran's control, have a negative impact on Iran's national security in the security and political spheres.

Accordingly, by using the mixed method, these issues were described and analyzed and the related questions were answered in five chapters.""

The generalities of the research were explained in the first chapter and in the second chapter with the aim of better analysis of results, the theoretical foundations of regional security in the Middle East regional security complex, center of gravity, proxy relationships, guerrillas, and pro-government paramilitary forces were described. In the third chapter the history of ISIL's existence and its impact on Iran's national security were described, and in the fourth chapter the inhibitory mechanisms of ISIL were analyzed. The fifth chapter was devoted to summarizing and concluding the finds based on the theoretical principles outlined in the second chapter.

Key words: ISIL, National Security, The Islamic Republic of Iran, Proxy Relationships, The Center of Gravity



ISLAMIC AZAD UNIVERSITY
Central Tehran Branch

Faculty of Political Science - Department of International Relation

"Ph. D" Thesis
On International Relation

Subject:
The impact of inhibitory mechanisms of ISIL on National Security of the Islamic Republic of Iran

Supervisor:
Dr. Tahereh Ebrahimifar

Co – Supervisors:
Dr. Reza Jalali
Dr. Kabak Khabiri

By:
Amirhamed Azad
Summer ۲۰۱۸



ISLAMIC AZAD UNIVERSITY
Central Tehran Branch

Faculty of Political Science - Department of International Relation

"Ph. D" Thesis
On International Relation

Subject:
The impact of inhibitory mechanisms of ISIL on National Security of the Islamic Republic of Iran

Supervisor:
Dr. Tahereh Ebrahimifar

Co – Supervisors:
Dr. Reza Jalali
Dr. Kabak Khabiri

By:
Amirhamed Azad
Summer ۲۰۱۸